

# خاطرات مهندس محمد توسلی

جلد پنجم



## فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۷
فصل اول: انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۸۰).....	۱۱
الف: تلاش گروه‌ها و جریان‌ات مخالف اصلاحات در آستانه انتخابات.....	۱۳
ب: دستگیری نیروهای فعال اصلاح طلب.....	۱۴
ج: موضع نهضت آزادی ایران در این انتخابات.....	۱۶
د: بررسی عملکرد دولت خاتمی.....	۲۱
فصل دوم: بازداشت نیروهای ملی - مذهبی و نهضت آزادی (۱۳۸۰).....	۲۹
الف: بررسی زمینه‌ها و اهداف بازداشت‌ها.....	۳۱
ب: ملاحظاتی در مورد بازداشت من (فروردین ۱۳۸۰).....	۳۶
ج: خاطراتی از زندان.....	۴۷
د: نحوه بازجویی و رفتار با زندانیان.....	۷۲
ه: در مورد یادداشت مهندس عزت‌الله سحابی در زندان.....	۸۱
و: اعترافات تحت فشار علی افشاری در زندان.....	۸۲
ز: تلاش‌های بی‌ثمر مأموران امنیتی برای ارباب دکتر ابراهیم یزدی.....	۸۳
ح: تلاش بی‌نتیجه مأموران زندان برای واداشتن من به مصاحبه تلویزیونی.....	۸۴
ط: در جلسات دادگاه و قرائت آخرین متن دفاعیه.....	۹۳
ی: اتاق در بسته.....	۱۱۵
ک: آزادی از زندان.....	۱۱۶
ل: درخواست از دیوان عالی کشور مبنی بر نقض دادنامه و.....	۱۱۸
م: کوشش خانواده‌ها برای آزادی زندانیان.....	۱۲۱
فصل سوم: انتخابات دومین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا (۱۳۸۱).....	۱۲۷
الف: تلاش نهضت آزادی ایران برای شرکت مردم در انتخابات.....	۱۲۹
ب: عدم مشارکت مردم و پیروزی «آبادگران» در انتخابات.....	۱۳۴
ج: درس‌هایی که باید از این انتخابات آموخت.....	۱۳۷
فصل چهارم: انتخابات مجلس هفتم (اسفند ۱۳۸۲).....	۱۴۳
فصل پنجم: مخالفت اقتدارگراها با جمهوریت نظام.....	۱۴۹

- الف: تأکید رهبر فقید انقلاب و قانون اساسی به لزوم پایبندی به آراء عمومی ..... ۱۵۱
- ب: رویارویی روحانیون سنتی و شورای نگهبان با جمهوریت ..... ۱۵۴
- فصل ششم: انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۸۴) ..... ۱۵۷
- الف: موقعیت اجتماعی گروه‌ها و جریان‌های سیاسی ..... ۱۵۹
- ب: پشتیبانی نهضت آزادی از دکتر مصطفی معین در دور اول انتخابات ..... ۱۶۲
- ج: اعتراض به انتخابات مهندسی شده ..... ۱۶۶
- د: تشکیل جبهه دموکراسی و حقوق بشر ..... ۱۶۹
- فصل هفتم: دولت احمدی‌نژاد و انتخابات (۱۳۸۵) ..... ۱۷۳
- الف: برگزاری همزمان دو انتخابات ..... ۱۷۵
- ب: ترفند دولت نهم برای ممانعت از حضور هاشمی رفسنجانی در ..... ۱۷۸
- ج: اقدامات دولت نهم در کاهش نقش شوراهای اسلامی شهر و روستا ..... ۱۸۰
- د: موضع نهضت آزادی در این انتخابات و جمع‌بندی بحث ..... ۱۸۲
- فصل هشتم: انتخابات مجلس هشتم (۱۳۸۶) ..... ۱۸۷
- الف: چالش‌ها در زمان برگزاری انتخابات ..... ۱۸۹
- ب: تأسیس کمیته دفاع از انتخابات آزاد، سالم و عادلانه ..... ۱۹۰
- ج: ترندهای اقتدارگرایان برای حذف اصلاح‌طلبان در انتخابات ..... ۱۹۱
- د: دلایل نهضت آزادی برای حضور در انتخابات ..... ۱۹۲
- ه: توصیه نهضت آزادی در مورد لغو نظارت استصوابی و ..... ۱۹۵
- و: جمع‌بندی انتخابات این دوره ..... ۲۰۰
- فصل نهم: انرژی هسته‌ای و تبدیل آن به چالشی امنیتی در دولت نهم ..... ۲۰۳
- فصل دهم: سفر به مالزی (۱۳۸۷) ..... ۲۱۱
- فصل یازدهم: نقد عملکرد دولت نهم ..... ۲۱۹
- فصل دوازدهم: انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۸۸) ..... ۲۲۵
- الف: زمینه‌ها و موقعیت احزاب و گروه‌های سیاسی در آستانه برگزاری انتخابات ..... ۲۲۷
- ب: اهتمام نهضت آزادی ایران برای اتحاد و ائتلاف اصلاح‌طلبان ..... ۲۲۹
- ج: دغدغه‌های آقای خاتمی و کناره‌گیری ایشان از رقابت انتخاباتی ..... ۲۳۲
- د: تأکید نهضت آزادی ایران به لزوم اتخاذ تصمیم در مورد ..... ۲۳۳



۲۳۷	ه: اعلام نتایج انتخابات ۱۳۸۸ و بازداشت گسترده معترضان.....
۲۴۵	فصل سیزدهم: جنبش سبز (۱۳۸۸).....
۲۴۷	الف: شکل‌گیری جنبش.....
۲۵۲	ب: بررسی شعارهای حامیان جنبش سبز.....
۲۶۱	فصل چهاردهم: خاطرات بازداشت ۱۳۸۸.....
۲۶۳	الف: حضور مأموران در دفتر کار و منزل.....
۲۶۴	ب: در بازداشتگاه ۲۰۹.....
۲۶۶	ج: انتقال به زندان ۲۴۰.....
۲۶۸	د: جلسات بازجویی و محوره‌های آن.....
۲۷۰	ه: انتقال به زندان ۲۰۹ و دیدار با آقایان جوادی و مهدوی.....
۲۷۳	و: ملاقات حضوری.....
۲۷۴	ز: دیدار با رئیس بازداشتگاه.....
۲۷۵	ح: بازداشت اعضای خانواده.....
۲۷۹	فصل پانزدهم: نامه ۱۴۳ امضایی و باز هم حبس (۱۳۹۰).....
۲۸۱	الف: انسداد فضای سیاسی و نوشتن نامه به محمد خاتمی.....
۲۸۲	ب: نسبت دادن اتهام بی‌اساس.....
۲۸۳	ج: مأموران در منزل.....
۲۸۵	د: در بازداشتگاه ۲۰۹ اوین.....
۲۸۵	ه: بازجویی‌ها و بازپرسی‌ها.....
۲۹۰	و: اولین تماس با خانواده.....
۲۹۱	ز: احضار مجدد برای بازپرسی.....
۲۹۲	ح: مرخصی از زندان در اسفند ۱۳۹۰.....
۲۹۵	ط: تمدید مدت بازداشت در بازداشتگاه ۲۰۹.....
۲۹۵	ی: ارتباط با خانواده.....
۲۹۹	ک: هم‌بندان.....
۳۱۱	ل: جمع‌بندی هم‌بندان.....
۳۱۲	م: تسهیلات داخل سلول.....

۳۱۲	ن: آزادی از زندان .....
۳۱۴	س: جلوگیری وزارت اطلاعات از اجرای پروژه‌های شرکت .....
۳۱۷	فصل شانزدهم: محکومیت در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب .....
۳۱۹	الف: احضار مجدد به دادگاه انقلاب شعبه ۱۵ (مورخ ۹۱/۶/۲۷) .....
۳۲۳	ب: متن لایحه اعتراضی به اتهامات مطرح شده از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب .....
۳۲۵	ج: در حاشیه دادگاه .....
۳۲۸	د: صدور حکم محکومیت از سوی رئیس شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب .....
۳۳۱	فصل هفدهم: محکومیت در دادگاه تجدیدنظر .....
۳۳۳	الف: اعتراض به حکم شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران و .....
۳۴۷	ب: عقب افتادن برگزاری جلسه دادگاه تجدیدنظر .....
۳۴۹	ج: گزارش جلسه دادگاه تجدیدنظر شعبه ۵۴ استان تهران .....
۳۶۴	د: ارسال یادداشتی به دادگاه تجدیدنظر در دفاعیه تکمیلی .....
۳۷۳	پیوست‌ها .....
۵۷۹	تصاویر .....
۵۹۹	نمایه اشخاص .....

## پیشگفتار

جلد پنجم خاطرات به رویدادهای سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲ و بررسی مهم‌ترین رویدادهای سیاسی این سال‌ها با توجه به مسئولیت‌هایی که در فعالیت‌های نهضت آزادی ایران به‌ویژه به‌عنوان مسئول دفتر سیاسی برعهده داشته‌ام اختصاص دارد. به منظور ایجاد پیوستگی خاطرات با مجموعه رویدادهای پس از انقلاب و شناخت بهتر مخاطبین امروز و آینده از مبانی مواضع و عملکرد سیاسی، به رویدادهای مهم این سال‌ها بر اساس شرایط عینی جامعه اشاره شده است.

از رویدادهای مهم این دوره، خاطرات دوران زندان در سال ۱۳۸۰، برگزاری جلسات دادگاه و شرح مدافعات، صدور احکام سنگین و ارائه اسناد محکومیت‌ها است. هدف از این بازداشت‌های گسترده در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، واداشتن آقای خاتمی به انصراف از حضور دوباره در انتخابات و در صورت شرکت، کاهش چشمگیر آراء او در انتخابات بود تا محافظه‌کاران تسلط خود بر هدیریت کشور را حفظ کنند. به رغم این تلاش‌ها، اکثریت مردم با آگاهی در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کردند و با دادن رأی بیشتر به آقای خاتمی، اعتراض علنی خود به محافظه‌کاران را نشان دادند. البته عواهل گوناگونی از جمله بالاگرفتن کارشکنی مخالفان برنامه‌های اصلاحی رئیس‌جمهور و تبلیغات وسیع آنان برای ناچیز جلوه دادن اصلاحات و گسترش یأس در لایه‌های مختلف جامعه موجب شد تا انتخابات دور دوم شوراها با استقبال و مشارکت گسترده مردم مواجه نگردد. در نتیجه اکثر کرسی‌های شوراها به اشغال محافظه‌کاران درآمد و پس از اندکی شخصی چون احمدی‌نژاد در سمت شهردار تهران قرار گرفت. بررسی و تحلیل عملکرد رئیس‌جمهور و سایر اصلاح‌طلبان در دوره دوم ریاست جمهوری آقای خاتمی، تشدید چالش‌ها به‌ویژه در مجلس ششم و برگزاری انتخابات مهندسی شده مجلس هفتم از موضوعاتی است که در این جلد به آنها پرداخته شده است.

مواضع نهضت آزادی ایران در انتخابات ریاست جم‌هوری سال ۸۴ و حمایت از نامزدی آقای دکتر مصطفی معین، پیگیری برای تشکیل «جبهه دموکراسی و حقوق بشر» و چالش‌های پیش روی این انتخابات که در نهایت به پیروزی آقای احمدی‌نژاد انجامید و همچنین نقش دولت نهم در بسته شدن فضای سیاسی کشور، کاهش نقش شوراهای مدیریت شهرها و تبدیل شدن موضوع انرژی هسته‌ای به چالش امنیتی و به محقق رفتن حقوق اساسی ملت و نقد دولت نهم از جمله محورهایی است که در این مجلد مورد بررسی قرار گرفته است.

از موضوعات دیگر این بخش از خاطرات، گزارش خاطرات سفر به هالزی با همراهی دکتر ابراهیم یزدی در سال ۸۷ برای ارائه مقالات انتخاب شده دخترم لیلا در دانشگاه‌های مالزی و سنگاپور و همزمان دیدار با انور ابراهیم و احزاب سیاسی آن کشور می‌باشد.

بررسی انتخابات مهندسی شده ریاست جم‌هوری سال ۸۸ و به دنبال آن بازداشت‌های گسترده فعالان سیاسی همراه با شکل‌گیری «جنبش سبز» با نگاهی به مواضع نهضت آزادی ایران در مورد پیامدها و چالش‌های پیش رو، همچنین شرح خاطرات دوران بازداشت سال ۸۸، به تعلیق درآوردن و توقف کامل فعالیت نهضت آزادی به دستور مقامات امنیتی (از آذر ۸۸ تا سال ۹۲) نیز از موضوعات مهم این مجلد است.

پیامدهای امضای نامه معروف به «۱۴۳ امضا» خطاب به آقای خاتمی برای دعوت مردم به حضور حداکثری در انتخابات مجلس به اتهام «جعل امضا»، بازداشت و یژه در شرایط زندان ۲۰۹ به مدت ۶/۵ ماه و سپس صدور رأی ۱۱ سال محکومیت در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب و تأیید آن در دادگاه تجدید نظر و تجمیع آن با رأی دادگاه سال ۸۰ جمعاً ۲۰ سال محکومیت و اخذ وثیقه ملکی و آزادی به صورت مرخصی که تا کنون ادامه داشته است. سوابق و اسناد قابل توجه این دوره نیز در این بخش از خاطرات آمده است.

بررسی وضعیت دو دوره ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد که نهاد جریان محافظه کار بود و به رغم درآمدهای نفتی کلان زمینه های تشدید بحران های جامعه به ویژه در عرصه های داخلی و روابط بین المللی را بر کشور تحمیل کرد و به تعبیری در سال ۹۲ زمین سوخته ای را تحویل دولت بعدی داد از دیگر موضوعات این جلد است.

پیوست های مندرج در این جلد عمدتاً اسناد و سوابق مربوط به داد گاه انقلاب و بازداشت و زندان در سال های ۸۰، ۸۸ و ۹۰ است که برای نخستین بار بنا بر ضرورت در این جلد از خاطرات آمده است. منابع گزارش رویدادها و تحلیل ها عمدتاً اسناد نهضت آزادی ایران، یادداشت ها و مصاحبه های راقم این سطور بوده که در پانوشت ها آمده تا مخاطب در صورت نیاز بتواند به آن ها مراجعه کند. البته تعداد محدودی از اسناد تاریخی مهم در پیوست ها آمده است. ضمن آن که برای دیدن منابع مربوط به امور کارشناسی و مدیریت شهری (شامل یادداشت ها، مصاحبه ها و نامه ها) می توان به مجموعه آثار مدیریت شهری اینجانب مراجعه کرد. همچنین یادداشت ها، مصاحبه ها و نامه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را می توان در مجموعه آثار سیاسی نگارنده که به ترتیب تاریخ در چند جلد تنظیم شده، مشاهده نمود.

این بخش از خاطرات توسط آقایان مرتضی رسولی پور و نیما ناعم تدوین و نهایی شده است. در اینجا لازم می دانم از زحمات و خدمات ارزشمند و مشفقانه آنان که با صرف وقت و دقت لازم در تدوین و ویرایش آن همکاری صمیمانه داشته اند سپاسگزارم.

محمد توسلی

مهرماه ۱۴۰۱



فصل اول:

انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۸۰)





## الف: تلاش گروه‌ها و جریانات مخالف اصلاحات در آستانه انتخابات

در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۸۰، طرح و برنامه اصلاحات اساسی در جامعه ایران به جهت عملکرد مخالفان، دشمنانی پیدا کرد؛ به خصوص تفسیرهای نادرست و ناروایی که به آن نسبت می‌دادند، خود به یک چالش جدی تبدیل شده بود. به طور کلی دو گروه با اجرا و پیشرفت پروژه اصلاحات مخالفت می‌کردند چون آن را در جهت منافع خود ندانسته و در بررسی‌های خود پیشرفت این برنامه را به مثابه نابودی خود قلمداد می‌کردند. از این رو جهت عقیم کردن طرح اصلاحات و ریشه‌کنی آن از هیچ اقدامی دریغ نکردند. گروه اول حامیان جریان محافظه‌کار و اقتدارطلب بودند که برای سرکوبی و مقابله همه‌جانبه و ریشه‌ای با جریان اصلاحات، کوشیدند مجموع رفتارهای ناجوانمردانه و روش‌های ناصحیح خود در مقابله با دگراندیشان اصلاح‌طلب را «اسلامی» جلوه داده و اعمال هرگونه خشونت در برابر آنان را تئوریزه کنند. این گروه با در اختیار داشتن مساجد، حسینیه‌ها و تربیون‌های مختلف در سراسر کشور به نظریه‌پردازی‌های خود مبنی بر اعمال خشونت نسبت به دگراندیشان از موضع شرعی و فقهی پرداخته و تکیه بر اسلامیت را بهانه حفظ قدرت خود قرار دادند. امید این گروه از به‌کارگیری این شیوه‌های غیر اخلاقی آن بود که از یک سو مخالفان را مرعوب ساخته و از سوی دیگر ذهنیت و

باور عموم مردم را نسبت به رهبران اصلاح طلب، جنبش اصلاح طلبی و پروژه اصلاحات در کشور تغییر دهند و در جامعه، سد ذهنی و مانع فکری ایجاد کنند. گروه دوم چپ‌های افراطی و ضد انقلاب بودند که جز براندازی و از هم‌پاشی نظام جمهوری اسلامی هدفی نداشتند. رهبران این گروه، موفقیت جنبش اصلاح طلبی را موجب مشروعیت و بقای نظام دانسته و ادامه برنامه‌های توسعه سیاسی را به ضرر استراتژی براندازی خود تلقی می‌کردند. این گروه نیز برای متوقف ساختن روند اصلاحات، به کارگیری خشونت‌های فیزیکی را تجویز می‌کرد.

### ب: دستگیری نیروهای فعال اصلاح طلب

در آستانه برگزاری هشتمین انتخابات ریاست‌جمهوری در خرداد ۱۳۸۰، بحران‌آفرینی‌های جریان تمامیت‌خواه که بعد از دوم خرداد ۱۳۷۶ آغاز شده بود، اب‌عادی جدیدی به خود گرفت و در این راستا جمع‌عی از روشنفکران آزاده و اصلاح طلب و نویسندگان مستقل و مردمی بازداشت شدند. آقای حسن یوسفی اسکوری (روحانی شجاع و اندیشمند و از چهره‌های ملی - مذهبی کشور) که همراه با تعدادی از روزنامه‌نگاران و شخصیت‌های فرهنگی معتقد به جنبش اصلاح طلبی برای شرکت در کنفرانس برلین به آلمان سفر کرده بود، چند ساعت پس از بازگشت به وطن، بازداشت و روانه زندان اوین گردید. متعاقب بازداشت آقای اسکوری، آقای احمد زیدآبادی و چند روز بعد آقایان مسعود بهنود و محمد قوچانی که به عنوان نویسندگان مستقل در نشریات اصلاح طلب مقاله می‌نوشتند، بازداشت شدند و تعداد دیگری نیز احضار و تحت بازجویی قرار گرفتند.<sup>۱</sup> روند دستگیری و بازداشت نخبگان سیاسی آزادیخواه در طول سال ۱۳۷۹ همچنان ادامه یافت.

بعد از ظهر یکشنبه ۲۱ اسفند ۱۳۷۹ مأمورانی با حکم بازرسی از منزل آقای بسته‌نگار به خانه ایشان مراجعه کردند و پس از مشاهده تعدادی از نیروهای فعال ملی

۱. بنگرید به بیانیه ۱۷۲۷/۲ نهضت آزادی ایران با عنوان «شادباش به مناسبت سالگرد انتشار ایران فردا»، مورخ

– مذهبی که به دیدن آقای زیدآبادی (اخیراً از زندان آزاد شده بود) آمده بودند، با دریافت حکم جدیدی از مقامات قضایی، ۲۱ تن از حاضران را به صورت یکجا بازداشت کردند. عملیات مأموران تا پاسی از شب ادامه داشت. این اقدام قوه قضاییه به فاصله چند ساعت پس از ارائه گزارش رئیس جمهوری در مجلس شورای اسلامی و در آستانه سفر ایشان به روسیه انجام گرفت.

از طرفی حملات مستقیم رسانه‌های وابسته به جریان راست‌گرا به شخص رئیس‌جمهور، تشدید فشارهای قوه قضاییه به مسئولان و نویسندگان مطبوعات و فعالان جنبش دانشجویی، انتقال جمعی از بازداشت‌شدگان به زندان‌های ویژه خارج از نظارت سازمان زندان‌ها و انعکاس وسیع وضعیت نگران‌کننده روحی و جسمی آنان در رسانه‌ها، مرعوب ساختن جمعی از آزادی‌خواهان، برقراری فضای امنیتی در محل آرامگاه شادروان دکتر مصدق در احمدآباد در مراسم ۱۴ اسفند آن سال، صدور حکم زندان، انفصال از خدمت و جریمه نقدی برای آقای مصطفی تاج‌زاده (معاون سیاسی وزارت کشور و رئیس ستاد انتخابات) و آقای آذرمی (فرماندار تهران) نمونه‌هایی از بحران‌آفرینی‌های هفته‌های آخر سال ۱۳۷۹ بود. اهداف اصلی عاملان این قبیل اقدامات را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

– بی‌اعتبار جلوه دادن دولت آقای خاتمی،

– ناکارآمد نشان دادن مجلس اصلاحات و به انفعال کشاندن جنبش اصلاحات،

– ایجاد سرخوردگی و گسترش ناامیدی در مردم نسبت به برنامه توسعه سیاسی و

اصلاحات آقای خاتمی

انجام اقدامات فوق از سوی حاکمیت تمامت‌خواه برای دستیابی به دو نتیجه زیر

بود:

۱. ایجاد فشار بیشتر و دامن زدن به جنگ روانی با هدف استیصال آقای خاتمی تا

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۰ شرکت نکند و صحنه را به نفع

تمامیت‌خواهان ترک گوید.

۲. بی‌حاصل جلوه دادن دستاوردهای دولت آقای خاتمی و به ضعف کشاندن جنبش اصلاح‌طلبی و در نتیجه گسترش افسردگی و ناامیدی در مردم تا آقای خاتمی در انتخابات ۱۳۸۰ با آرای بسیار کمتر از آرای دوم خرداد ۷۶ انتخاب شود و به‌عنوان رئیس‌جمهوری که پایگاه مردمی خود را از دست داده، دوران چهار ساله ب‌عدی را با انفعال سپری کند و به این ترتیب اداره کشور در اختیار و کنترل کامل جریان تمامیت‌خواه قرار گیرد.

با مطرح شدن موضوع «براندازی قانونی» در همان دوره، جریان تمامیت‌خواه با سوء استفاده از این مفهوم، حربۀ جدیدی برای مقابله با جنبش اصلاحات و مقاومت در مقابل مطالبات مشروع و برحق مردم یعنی حق حاکمیت ملت به دست آورد. در ادبیات سیاسی و تجربه تاریخی ایران، مفهوم براندازی از طریق کودتا یا انقلاب چندان ناشناخته نبود که جناح اصلاح‌طلب و حامیان آن را به براندازی محکوم کردند. در حالی که مردم ایران با هو شیاری و آگاهی نسبت به مطالبات قانونی خود در چارچوب قانون، از طریق انتخابات آزاد و سالم، نسبت به تغییر مسئولان در حاکمیت اقدام کرده بودند. این اقدام قانونی مردم که مصداق اعمال حاکمیت ملت بود را نمی‌توان به براندازی تعبیر و تفسیر کرد. از این گذشته احزاب، گروه‌های سیاسی و همه کسانی که به نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی وفادار و ملتزم بودند، دغدغۀ حل مسائل و مشکلات مردم را داشتند و براندازی نظام را مفید و به مصلحت ملک و ملت نمی‌دانستند.<sup>۱</sup>

### ج: موضع نهضت آزادی ایران در این انتخابات

نهضت آزادی ایران طبق روال گذشته، ضمن تحلیل موانع و مشکلات در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۰ شرکت کرد و با بهره‌گیری از تجربیات ممتد تاریخی، چه در برخورد با تمامیت‌خواهی اقتدارگرایان انحصارطلب و چه در برخورد با

۱. بنگرید به بیانیه ۱۷۴۳ نهضت آزادی ایران «انتخابات ریاست جمهوری ۸۰»، مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۲۲

حرکات جنایت‌آمیز گروه‌های افراطی چپ‌گرا، از هیچ تلاشی برای تنش‌زدایی و بازگرداندن آرامش به جامعه و استقرار حاکمیت مردم با شیوه‌های منطقی و قانونی، فروگذار نکرد. از نظر نهضت آزادی تنها راه خروج از بن‌بست سیاسی و گشودن گره مشکلات کشور، کمک بی‌شائبه و صادقانه به اجرای برنامه‌های اصلاحات سیاسی و به رسمیت شناختن حقوق شهروندی و مشارکت مردمی، قانون‌مداری و قانون‌گرایی بود و لذا صادقانه از برنامه‌های آقای خاتمی پشتیبانی کرد.<sup>۱</sup>

گفتنی است بعد از فعالیت موفقیت‌آمیز ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی در انتخابات مجلس ششم، پیشنهاد ادامه همکاری برای تدارک انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۰ مطرح شد. لذا شورای مرکزی نهضت آزادی در طول سال ۱۳۷۹ برای همکاری در انتخابات سال ۱۳۸۰ آیین‌نامه موقتی آماده کردند. اما دفتر سیاسی نهضت با ادا‌ه همکاری با آقای مهندس سبحانی و دوستان‌شان به صورت انفرادی و یا محفلی موافق نبود و ادامه همکاری را فقط با احزاب و گروه‌های تعریف شده و شناخته‌دار مشروط کرد. برای این منظور دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در مرداد ۱۳۷۹، آیین‌نامه موقتی را که تهیه کرده بود، برای بررسی در اختیار آنان قرار داد. این آیین‌نامه همکاری موقت ۶ ماهه از سوی نماینده نهضت آزادی و نمایندگان هفت گروه که دوستان آقای مهندس سبحانی بودند، مورد موافقت قرار گرفت.<sup>۲</sup> اهداف و چارچوب مواضع و محدوده فعالیت این دوره موقت در آیین‌نامه مذکور کاملاً مشخص شده بود. هدف پیدا کردن هویت و شناخته‌دار شدن احزاب و گروه‌های ائتلاف در امر انتخابات بود و چارچوب مواضع، پاسداری از اصول و آرمان‌های انقلاب، وفاداری به نظام و التزام به قانون اساسی بود. مسئول ارتباطات دفتر سیاسی نهضت در این ستاد هماهنگی شرکت می‌کرد. تصمیمات این ستاد نیز بر اساس مفاد آیین‌نامه اقناعی، یعنی

۱. بنگرید به بیانیه ۱۷۲۶ نهضت آزادی ایران عنوان «جنبش اصلاح‌طلبی و مخالفین آن»، مورخ ۱۳۷۹/۵/۱۰

۲. بنگرید به پیوست ۱ (آیین‌نامه شواری هماهنگی ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی)

با توافق همه گروه‌ها بود. بر این اساس کلیه تصمیمات قبلاً در دفتر سیاسی نهضت مطرح می‌شد و در صورت تصویب، نماینده نهضت در ستاد موافقت می‌کرد.

متناسب با رویدادهای جاری در آن دوره، بیانیه‌هایی از سوی ائتلاف منتشر گردید و نهضت آزادی نیز به‌عنوان یکی از اعضای تشکیل‌دهنده ائتلاف، بر آن بیانیه‌ها نظارت داشت. از آنجا که متن این بیانیه‌ها را گروه‌های دیگر تهیه می‌کردند، دفتر سیاسی نهضت آزادی نیز بر حسب وظیفه، موضوع آن را تأیید و متن را ویرایش کرده و جهت چاپ به آنها تحویل می‌داد. البته در همکاری جمعی، نظرات یکسان نیست و هر یک دیدگاه خاص خود را دارند و نتایج آن نیز در متن بیانیه‌ها انعکاس پیدا می‌کرد. پس طبیعی بود که لحن ارائه آن بیانیه‌ها با نشریات سابق نهضت آزادی یکسان نباشد. اما محتوای این نشریات نیز جز «اظهارنظر» و «نقد عمل‌کرد» مسئولان، حاوی مطلبی دیگری نبود؛ به ویژه در شرایطی که افرادی از ائتلاف بازداشت شده بودند، موضوع نشریات اعتراض به بازداشت‌ها و درخواست رسیدگی قانونی بود.

در اسفند ۱۳۷۹ یعنی پس از بازداشت آقای مهندس عزت‌الله سحابی، مسئول ارتباطات دفتر سیاسی نهضت آزادی متن تایپ‌شده‌ای با عنوان «میثاق نیروهای ملی - مذهبی» پیشنهادی را از طرف ستاد ائتلاف برای بررسی و اظهارنظر دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در اختیار اینجانب قرار داد که پس از ملاحظه اولیه، آن را در تناقض آشکار با اهداف و برنامه آیین‌نامه موقت مصوب دیده و موضوع را با ایشان نیز مطرح کردم. با توجه به اینکه مطابق آیین‌نامه، رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی مجری مصوبات جمعی بود، لذا آن را در دستور کار دفتر سیاسی قرار دادم. بدین منظور جلسات متعددی در اسفند ۱۳۷۹ در دفتر سیاسی نهضت برگزار شد و بررسی و اظهار نظر نهایی بر روی آن، به بعد از تعطیلات نوروز موکول گردید.<sup>۱</sup>

به هر حال برای اینکه خودمان را برای انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ۱۳۸۰ آماده کنیم، این همکاری در طول سال ۱۳۷۹ ادامه پیدا کرد. در واقع آمادگی

۱. بنگرید به پیوست ۲

نهضت آزادی و سایر اعضای تشکیل دهنده ائتلاف، نیروی بالقوه‌ای بود که مخالفین اصلاحات نمی‌توانستند آن را تحمل کنند. اصولاً جریانی به نام «اسلام سنتی» مایل نبودند برای رشد و توسعه فعالیت روشنفکران دینی، بستری آماده با شد؛ به ویژه نهضت آزادی ایران که قدیمی‌ترین و شناخته‌شده‌ترین حزب سیاسی محسوب می‌شد و زمینه‌های اجتماعی‌اش هم کاملاً مشخص بود. لذا در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۰ اعضای نهضت آزادی را بازداشت کردند. جریان محافظه‌کار تصور می‌کرد اگر ائتلاف نیروی‌های ملی - مذهبی در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کنند، آقای خاتمی رأی بسیار بالایی کسب خواهد کرد. هدف اصلی آنها این بود که آقای خاتمی در دور دوم انتخابات با رأی بالا رئیس‌جمهور ایران نباشد. بنابراین لازم بود بحران دیگری برای آقای خاتمی به وجود بیاورند. با بازداشت‌های وسیع افراد شناخته شده که چند دهه سابقه سیاسی - اجتماعی داشتند برای آقای خاتمی بحران جدیدی فراهم کردند تا نتواند کار مؤثری انجام دهد. بعد هم مردم بگویند آقای خاتمی ناتوان است بنابراین بهتر است در انتخابات شرکت نکند. هدف دیگر آن بود که در این دوره آقای خاتمی حداکثر ۱۳ تا ۱۴ میلیون رأی بیاورد تا آنها بتوانند عملکرد این دوره دولت آقای خاتمی را بیشتر زیر کنترل بگیرند.

در انتخابات سال ۱۳۸۰ تلاش می‌کردیم هر طور شده میزان رأی آقای خاتمی افزایش یابد، اما ما را دستگیر کردند و در حالی که همراه با جمعی از دوستان در زندان بودیم، مرحوم دکتر یدالله سبحانی از نامزدی آقای خاتمی حمایت کردند.<sup>۱</sup> به طور شفاف اعلام کردیم: «...مردم سالاری، قانون‌مداری، آزادی و امنیت و در یک جمله تحقق همه جانبه آرمان‌های والای یک‌صد ساله مبارزات ملت به آسانی و در کوتاه مدت حاصل نمی‌گردد، نه آقای خاتمی و نه هیچ مقام مسئولی، حتی با حمایت گسترده مردم نمی‌تواند این بار را به تنهایی به منزل برساند. ملت ما هر چند را هی

۱. بنگرید به «پیام دکتر یدالله سبحانی به مردم شرافتمند ایران به مناسبت هشتمین دوره انتخابات ریاست

جمهوری» مندرج در اسناد نهضت آزادی، سال ۱۳۸۰، مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۴

طولانی طی کرده است اما باید قبول کرد که مسیری طولانی تر در پیش است. نهضت آزادی ایران با استقبال از ثبت نام به موقع و ضروری آقای خاتمی برای انتخابات و تمایل مثبت به ایشان و با توجه به پیام تاریخی آقای دکتر یدالله سبحانی... بار دیگر از همه قشرها و طبقات ملت مظلوم و صبور ایران دعوت می نماید با تمام نیرو در انتخابات شرکت نمایند.<sup>۱</sup> همچنین در بیانیه دیگری به همین مناسبت اعلام و تأکید کردیم: «در شرایطی که جریان های راست افراطی و خشونت گرا و محافظه کاران خردگرای می کوشند تا انتخابات هرچه کم رونق تر برگزار شود... امروز شرکت در انتخابات علاوه بر اینکه حق هر ایرانی است، تکلیف انسانی و اجتماعی نیز می باشد. هشتمین انتخابات ریاست جمهوری در شرایطی برگزار می شود که جمعی از پاک ترین انسان های این آب و خاک در زنجیر بی عدالتی گرفتارند. دانشجویان و جوانانی که نخواستند منافع ملی و آرمان های بلند تاریخی ملت ایران را قربانی راحتی و رفاه دو روزه کنند گرفتار زندان های بی عدالتی شدند. بسیاری از اعضای نهضت آزادی و نیروهای ملی - مذهبی همچنان در بند بازداشت های غیر قانونی گرفتارند. آنها نیز قربانی پایداری و اصراری هستند که برای ایفای حقوق ملی نشان داده اند. روزنامه نگاران و نویسندگان بسیاری که بی هیچ تردید از ارزشمندترین سرمایه های این آب و خاک هستند روز و شب را در زندان های سپری می کنند که به هیچ وجه مناسب شأن و منزلت چنین سرمایه هایی نیست... در چنین شرایطی نهضت آزادی ایران خاتمی را بهترین گزینه موجود می داند. خاتمی شخصیتی روشن، آگاه، صادق و صمیمی می باشد. خاتمی به اهداف و برنامه های سیاسی ارائه شده در انتخابات ۷۶ همچنان متعهد و ملتزم است. این اهداف و آرمان ها چیزی نیستند که در یک دوره چهار ساله تحقق پیدا کرده و یا با گذشت چهار سال کهنه شده باشند. دستیابی به اهداف و آرمان هایی چون مردم سالاری، قانونمداری و جامعه مدنی در زمانی کوتاه

۱. بنگرید به بیانیه ۱۷۴۹ نهضت آزادی ایران با عنوان «دعوت همگانی به شرکت در انتخابات»، مورخ



ممکن نیست. نهضت آزادی ایران اعتقاد دارد که هیچگونه راه میانبری به سعادت ملی وجود ندارد. حصول این اهداف محتاج صبوری و حوصله فراوان و جهد و کوشش بسیار است. این آرمان‌ها نه برای تحقق در یک دوره خاص بلکه به منظور جهت دادن به حرکت، تعیین و تعریف می‌شود. نهضت آزادی ایران ضمن پرهیز از تبلیغ هرگونه فردپرستی و با آگاهی از نواقص و کمبودهای چهار ساله اخیر، برنامه‌ها و اهداف توسعه سیاسی آقای خاتمی را تأیید می‌نماید.<sup>۱</sup>

هدف ما از شرکت در انتخابات، تأثیر گذاری بر فرآیند تقویت دموکراسی و موفقیت آقای خاتمی بود تا ایشان بتواند با قدرت بیش‌تری برنامه اصلاحات را دنبال کند. خوشبختانه در این انتخابات عموم مردم ایران به رغم همه کار شکنی‌ها و بحران‌هایی که مخالفان پروژه اصلاحات در مدت چهار سال گذشته ایجاد کرده بودند، با این امید که آقای خاتمی برنامه‌های توسعه سیاسی و اصلاحات را تکمیل کند، باز هم به‌طور گسترده در انتخابات شرکت کردند و به این ترتیب بازداشت‌ها در عمل برای حاکمیت، نتیجه معکوس داشت و آقای خاتمی با رأی بیشتری انتخاب شد و برنامه محافظه‌کاران در راستای بحران‌های زنجیره‌ای چهار سال اول با شکست مواجه گردید. خوب به یاد دارم وقتی نتایج انتخابات را اعلام کردند، بازجوی زندان به من گفت که نتیجه انتخابات همانی شد که شما می‌خواستید.

### د: بررسی عملکرد دولت خاتمی

پیش از پرداختن به موضوع مفصل بازداشت‌های سیاسی که در سال ۱۳۸۰ انجام گرفت و بیان خاطرات مربوط به دوره زندان که بحث نسبتاً مستقلی است، شایسته است در مورد اقدامات و فعالیت‌های دوره هشت ساله ریاست جمهوری آقای خاتمی مطالبی را مطرح کنم.

۱. بنگرید به بیانیه ۱۷۵۳ نهضت آزادی ایران با عنوان «چرا باید در انتخابات شرکت کرد و به خاتمی رأی

داد؟»، مورخ ۱۳۸۰/۰۳/۱۴

با بررسی اقدامات و عملکرد دو دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی اگر بخواهیم منصفانه داوری کنیم، به نظر می‌رسد در این دوره بی‌گمان اقدامات مثبتی انجام شده است. مهم‌ترین دستاورد این دوره هشت ساله دگرگون شدن فضای عمومی جامعه و حاکم شدن ارزش‌هایی است که به لحاظ سیاسی، اجتماعی با قبل از دوم خرداد قابل مقایسه نیست.

در دوره هشت ساله دولت خاتمی، تحولات اساسی از جمله اقداماتی در ایجاد و تقویت جامعه مدنی و توسعه سیاسی در درون جامعه شکل گرفت. در عرصه جهانی تنش‌زدایی، تقویت ارتباطات منطقه‌ای و جهانی، حضور در مجمع جهانی (سازمان ملل) و طرح دیدگاه گفت‌وگوی تمدن‌ها باعث سرافرازی و سربلندی ایران و ایرانی شده بود. انجام پاره‌ای اصلاحات در بخش‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه نیز دستاوردهای مثبتی به همراه داشت. این دستاوردها آن قدر جدی بود که حتی جریان محافظه‌کار و اقتدارگرا بعد از پیروزی شدن در انتخابات مجلس هفتم، برای پیشبرد برنامه‌های خود با استفاده از همان فرهنگ و راهکارهای جنبش اصلاحات، با مردم سخن می‌گفتند. این موضوع به معنای تداوم جنبش اصلاحات و مرهون خدمات دولت آقای خاتمی بود.

از نظر اقتصادی در این دوره شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی، رشد ۶/۸ درصدی داشت و تورم به نحو قابل قبولی مهار شد. آقای خاتمی زمانی رئیس‌جمهور شد که قیمت جهانی هر بشکه نفت، ۹ دلار بود و معروف است که رقیب اصلی ایشان در انتخابات (آقای ناطق نوری) گفته بود در این صورت خوب شد که من رئیس‌جمهور نشدم! با این وصف دولت اصلاحات هرطور بود موفق گردید کشور را به نحو نسبتاً قابل قبولی اداره کند. موقعی هم که مسئولیت خود را با ذخیره ارزی قابل توجهی تحویل داد، قیمت نفت به بشکه‌ای ۵۰ دلار رسیده بود.

البته آقای خاتمی به دلیل تنگناها، فشارها و محدودیت‌های خود نتوانستند به تمام وعده‌هایی که به مردم داده بودند پاسخ دهند. از این رو سرخوردگی و یأس در مردم به وجود آمد. مخالفان اصلاحات در زمان او بحران‌ها را تشدید کردند چون

نمی‌خواستند اصلاحات در ایران ریشه‌دار شود، لذا از همان ابتدا با آقای خاتمی و برنامه‌های او مخالفت کردند. جریان محافظه‌کاران هم نمی‌خواستند اصلاحات در ایران عمیق شده و گسترش پیدا کند. در نتیجه در مدت ۸ سال در مقابل جنبش اصلاحات بحران‌هایی پدید آوردند.

با این همه خطاست اگر خواسته باشیم تمام نا کامی‌های آقای خاتمی و دولت ایشان را در دست نیافتن به اهداف مورد نظر اصلاح‌طلبان، به مخالفان ایشان نسبت دهیم. نادیده گرفتن اشتباهات، کاستی‌ها و انتقاداتی که به مجموعه رهبران، عاملان، مروجان و یا حتی طرفداران جنبش اصلاح‌طلبی وارد است، خلاف منطقی و انصاف بوده و به معنی نادیده گرفتن و اعراض از سنت‌های پذیرفته شده در پژوهش‌های تاریخی و اجتماعی است. بیان این اشتباهات و تحلیل خطاهای حامیان جنبش اصلاح‌طلبی ایران را نباید به مثابه عیب‌جویی از کسانی تلقی کرد که صادقانه با تمام امکانات و آبروی خود، قدم در این راه صعب گذاشتند و انواع رنج‌ها و اقسام توهین‌ها و سختی‌ها را به جان خریدند. بلکه هدف اصلی این یادداشت‌ها پیش از هر چیز عبرت‌آموزی است و مطالعه گذشته اگر فقط همین دستاورد را داشته باشد باز هم ارزشمند است.

پیش از بیان انتقادات وارد بر عملکرد اصلاح‌طلبان و شخص آقای خاتمی، ذکر این نکته لازم است که مردم ایران در تاریخ دراز مدت خود همواره از فرهنگ استبدادی متأثر بوده و هنوز هم از آن رنج می‌برند. بیهوده نیست اگر ادعا کنیم بلیه استبداد دیرپاترین پدیده در تاریخ ایران، ریشه‌ای طولانی و چند هزار ساله داشته و عامل اصلی بسیاری از بدبختی‌های ما بوده است. به قول زنده‌یاد مهندس بازرگان، تأثیر استبداد بر مردم ایران چنان بوده که روح و روان آنها با دو مفهوم «زور» و «زود» بیش از هر واژه دیگر آمیخته شده است. به سخن دیگر عموم آنان متأثر از سلفانه تصور می‌کنند برای رتق و فتق امور زندگی شخصی و اجتماعی، به‌کارگیری «زور»، کاربرد مؤثرتری دارد. علاوه بر این عموم ایرانیان به‌ویژه در زندگی اجتماعی خود چون با مفهوم تغییرات تدریجی کمتر آشنا بوده‌اند، همواره انتظار دارند مطالباتشان «زود»

حاصل شود. نگاهی اجمالی به رخداد‌های سیاسی و اجتماعی ایران از سال‌های پس از انقلاب مشروطه تا امروز گواه خوبی است که آنان در حرکت‌های اجتماعی برای تحقق مطالبات خود، هر چند در مقاطعی از خودگذشتگی نشان داده‌اند اما متأسفانه در اقدامات اصلاحی خود استمرار و مداومت کافی مبذول نداشته و گمان می‌کنند از انجام یکسری اقدامات صوری مانند تغییر نظام پادشاهی به مشروطه یا تصویب قانون ملی شدن نفت و یا حتی تغییر نظام شاهنشاهی مشروطه به جمهوری اسلامی کافی است و بعد از محقق شدن یکسری اتفاقات صوری، از صحنه فعالیت‌ها کنار کشیده و انفعالی را پیش می‌گیرند. غافل از این‌که هر دستاوردی نیازمند مراقبت و نظارت دائمی از سوی آحاد مردم است و نمی‌توان انتظار داشت با یک رخداد ساده مثل انتخابات یا حتی رویدادی بزرگ چون انقلاب، بتوان در مدت کوتاهی استبداد و مظاهر آن را به کلی از میان برداشت و به آزادی رسید.

همان‌گونه که پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ در بسیاری از مردم و شماری از خواص این انتظار ایجاد شد که با سقوط رژیم شاهنشاهی، به سرعت همه کاستی‌ها برطرف شده و مردم به مطالبات خود خواهند رسید، پس از انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ نیز این انتظار به وجود آمده بود که مطالبات مردم در رسیدن به جامعه مدنی به سرعت محقق خواهد شد و تحولی که در طول سه یا چهار قرن در کشورهای توسعه‌یافته پدید آمده، لزوماً در دوره کوتاهی و طی چند سال در ایران نیز حاصل می‌شود. به تبع همین دیدگاه بود که برخی از جریان‌های تند و رادیکال، استراتژی «عبور از خاتمی» را همراه با شعارهای تندی مطرح کردند؛ همان اشخاص و جریانات عجول که متأسفانه انتظار داشته و دارند مطالبات اجتماعی یک‌شبه حاصل می‌شود.

آقای خاتمی در برابر کسانی که انتظارات فراتر از توانش را مطرح می‌کردند، در جمع دانشجویان و دانشگاهیان به این نکته اشاره کردند که «تا روزی که ما منتظر قهرمان باشیم این جامعه رشد نخواهد کرد.» مفهوم این سخن آن بود که بجای برجسته نمودن افراد و قهرمان‌سازی، باید فکر و برنامه‌های درست را با جدیت دنبال کرد. زیرا تنها در این صورت، با جابجایی و تغییر افراد، روند برنامه‌ها دستخوش

اختلال و تغییرات ناگهانی نخواهد شد. کما این که ما از سالها پیش همواره تأکید می‌کردیم که اصلاحات سیاسی و اجتماعی، راه پر فراز و نشیب و پر سنگلاخی است و به زیرساخت‌های محکم و نیز انسان‌های مؤمن و صبور نیاز دارد تا بذری را که می‌کارند، اگر خود نتوانستند برداشت کنند، دیگران و آیندگان بتوانند آن را درو کنند. منظور ما این بود که چنانچه زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی ایران برای توسعه سیاسی آماده و هموار نباشد، همین زمینه‌ها مانع عمده تحقق مطالبات جنبش اصلاحات خواهند شد؛ کما اینکه در عمل حرکتی که با انتخاب آقای خاتمی به ریاست جمهوری آغاز شد و انتظار می‌رفت تا تحقق کامل مطالبات سیاسی جامعه ادا می‌یابد، به دلیل مقاومت نهادهای سنتی متصلب و پافشاری آنها بر حفظ زمینه‌های موجود، در نیمه راه متوقف شد. در نتیجه با توجه به سابقه طولانی زمینه‌های فرهنگی استبداد در ایران، نمی‌توان انتظار داشت فرآیند مردم‌سالاری و رسیدن به توسعه سیاسی، بدون گذشتن از مسیرهای طولانی و سخت، یک شبه حاصل شود. تحقق این فرآیند مستلزم اجراع و توافق مجموع نخبگان فکری و سیاسی جامعه برای ایجاد زیرساخت‌های لازم مانند تشکیل نهادهای آموزشی و فرهنگی، تشکیل احزاب سیاسی، ایجاد نهادهای هدنی غیردولتی، رشد و گسترش انجمن‌های صنفی و استمرار فعالیت آنهاست. تنها در این صورت می‌توان انتظار داشت نهال دموکراسی به تدریج بارور شود.

در بررسی علل ناکامی دولت آقای خاتمی علاوه بر خصیصه‌های درونی و فکری مردم ایران، نمی‌توان از اوضاع منطقه و جهان نیز غافل بود زیرا موفقیت هر جنبش اجتماعی در جهان معاصر به شرایط منطقه و اوضاع و احوال جهانی بستگی کامل دارد. در دوره هشت ساله ریاست جمهوری آقای خاتمی، اوضاع و احوال منطقه و جهان نیز دست به دست هم داده و مانع کامیابی آقای خاتمی در رسیدن به اهدافش شدند. از یک سو فشارهای روزافزون و فزاینده محافظه‌کاران و از سوی دیگر فشارهای خارجی بر دولت آقای خاتمی، به طور طبیعی زمینه‌ساز بازتولید استبداد در ایران شدند. مطابق تجربه تاریخی، بازتولید استبداد، زمینه‌ساز استیلا هر چه بیشتر بیگانگان بر کشور بوده است.

علاوه بر توضیح پدیده استبداد و فرهنگ «زور» و «زود» به عنوان خصیصه های ریشه دار در تار و پود جامعه ایران و بیان انتظارات آنان در برآورده شدن هر چه سریع خواسته هایشان بیان چند نکته در مورد عملکرد اشتباه اصلاح طلبان در دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی ضروری است. باید اذعان کرد که اصلاح طلبان از تمام امکانات و ظرفیت هایی که در اختیار داشتند، نتوانستند بخوبی استفاده کنند. فرصت هایی بود که می شد بهتر از آن استفاده کرد؛ چنانچه آقای خاتمی هم به دفعات بر این واقعیت تأکید کردند. ایشان ریشه اصلی مشکل اصلاحات و جنبش اصلاح طلبی را فقدان رهبری دانستند. در این راستا نهضت آزادی ایران در دوره اصلاحات به آقای خاتمی پیشنهاد کرد که ایشان به مناسبت سالگرد دوم خرداد، با فراخواندن مردم به میدان آزادی، گزارشی از فعالیت ها و مشکلات خود را به مردم بدهند، اما متأسفانه در این مورد اقدامی صورت نگرفت. عدم موفقیت اصلاح طلبان در دوره بعد از آقای خاتمی نیز از جمله عوامل اصلی ناامیدی و سرخوردگی جوانان و حتی خود اصلاح طلبان بود. نیروهای دوم خرداد تصور می کردند مردم در دوم خرداد به آنها رأی دادند، در حالی که رأی مردم بیشتر به برنامه های آقای خاتمی بود. آنان نخواستند از ظرفیت های جنبش اصلاحات به طور کامل استفاده کرده و با مردم ارتباط برقرار نمایند. ایراد و اشتباه دیگر آن بود که برخی از اصلاح طلبان می خواستند به هر قیمت، پای در قدرت داشته باشند. تا زمانی که چنین دیدگاهی از سوی آنها اصلاح نشود و هدف، رسیدن به قدرت باشد، این روند ناامیدی همچنان ادامه پیدا خواهد کرد. البته منظور از این سخن آن نیست که در قدرت بودن لزوماً بد است؛ بلکه باید مواظب بود این خواسته، به هدف تبدیل نشود. برای جامعه در حال گذار به دموکراسی، هدف اصلی نهادهای قدرت، ارزش های آزادی، دموکراسی و حقوق بشر و تقویت گذار به دموکراسی است. اصلاح طلبان در فعالیت های خود باید حاکمیت و تحقق این ارزش ها را دنبال می کردند. اگر این فرآیند اصلاح و تقویت شود، در آن صورت می توان به ماندگاری خود در قدرت هم امیدوار بود.

افزون بر آنچه در مورد مخالفان جنبش اطلاع‌طلبی، خصیصه فرهنگی مردم ایران و پاره‌ای از اشتباهات اصلاح‌طلبان گفتیم، عملکرد شخص آقای خاتمی نیز عاری از اشتباه نبود و انتقاداتی به شرح زیر بر ایشان وارد است:

۱. مخالفت آقای خاتمی با انتشار نامه ۱۳۵ نماینده مجلس به مقام رهبری و مصوبه شورای عالی امنیت ملی در این مورد، ضمن آن‌که نقض آشکار اصل ۹ قانون اساسی بود، این نکته را در اذهان عمومی دامن زد که مقامات مسئول جمهوری اسلامی آمادگی ندارند از سوی نمایندگان مردم نقد شوند. این اقدام رئیس‌جمهور به خوبی نشان داد که او چه اندازه محافظه‌کار است. علاوه بر این که اقدام او در راستای منافع ملی نبود، پیامد منفی دیگری نیز همراه داشت و به دولت‌های بیگانه بهانه داد که مدعی شوند در ایران آزادی و دموکراسی وجود ندارد.

۲. با توجه به اذعان آقای خاتمی و وزیر کشور دولت ایشان مبنی بر انجام اقدامات خلاف قانون نهادهای انتصابی در انتخابات مجلس هفتم، به ویژه در مورد وارد کردن اتهامات کاملاً واهی و بی‌اساس به نامزدهای انتخاباتی و مردود شناختن صلاحیت نزدیک به ۲۰۰۰ نامزد که عمدتاً از مدیران انقلاب و نمایندگان مجلس ششم بودند، شایسته نبود دولت ایشان مسئولیت اجرایی چنین انتخاباتی را بر عهده می‌گرفت. قبول چنین مسئولیتی نه تنها با اصول اخلاقی و معیارهای قانونی کشور مغایر بود بلکه با معیارهایی که برای انتخابات آزاد، سالم و منصفانه در جهان شناخته شده، تضاد آشکار داشت.

۳. احزاب قانونی خارج از حاکمیت با همه کوشش خود هرگز موفق نشدند با آقای خاتمی دیدار کنند.

۴. خودداری آقای خاتمی از پذیرش خانواده‌های زندانیان سیاسی که قصد تظلم‌خواهی داشتند (در سال ۱۳۸۰).

۵. استفاده نکردن از فرصت مناسبی که هنگام سخنرانی در سازمان ملل برای دیدار با رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا (بیل کلینتون) فراهم شد و می‌توانست گام

مناسبتی جهت بهبود روابط سیاسی میان دو کشور باشد، ضمن آن که به لحاظ اخلاق انسانی توجیهی نداشت، نمونه بارزی از فرصت‌سوزی‌های آقای خاتمی بود.

۶. و بالاخره انتخاب برخی هم‌کاران و مدیران ضعیف در هیأت دولت که نمی‌توانستند به نحو هماهنگ با مطالبات مردم و جنبش اصلاحات عمل کنند، نقطه ضعف دیگری برای آقای خاتمی محسوب می‌شد. این نقیصه از یک سو به اختیارات ناقص آقای خاتمی در گزینش همکاران و از سوی دیگر به ضعف توانایی و تجربه نا کافی او در مدیریت دستگاه اجرایی مربوط بود. نمونه شاخص چنین وضعی، ناهماهنگی میان عملکرد وزارت مسکن و شهرسازی با مجموعه هیأت دولت بود. در حالی که مدیریت این وزارتخانه باید هماهنگ با برنامه توسعه سیاسی دولت خاتمی، نهاد های مدنی مرتبط با فعالیت‌های خود را تقویت می‌کرد، در جهت تضعیف نظام مهندسی کشور اقدام نمود. در این دوره نظام مهندسی کشور در عمل به صورت یک واحد، زیر مجموعه وزارت مسکن و شهرسازی درآمد.<sup>۱</sup>

---

۱. برای اطلاع بیشتر در مورد نقاط قوت و ضعف و عملکرد محمد خاتمی بنگرید به متن مصاحبه روزنامه مردم‌سالار با مهندس محمد توسلی در ۱۳۸۲/۳/۱۸ و نیز مصاحبه خبرگزاری کار ایران (ایپنا) با مهندس توسلی در مورد ارزیابی دولت خاتمی مندرج در ضمیمه اسناد نهضت آزادی ایران در ۱۳۸۳/۲/۱۶



فصل دوم:

بازداشت نیروهای ملی - مذهبی و نهضت آزادی (۱۳۸۰)



## الف: بررسی زمینه‌ها و اهداف بازداشت‌ها

در ۲۸ اسفند ۱۳۷۹ در شرایطی که روزنامه‌ها و نهادهای رسمی و قانونی کشور تعطیلات نوروزی خود را آغاز کرده و امکان اطلاع‌رسانی عمومی و عکس‌العمل مردمی فراهم نبود اطلاعیه‌ای از طرف روابط عمومی دادگاه انقلاب چندین نوبت از صدا و سیما جمهوری اسلامی پخش شد که به موجب آن فعالیت نهضت آزادی ایران ممنوع اعلام می‌گردید. روز بعد نهضت آزادی ایران در نامه‌ای به ریاست قوه قضاییه به این عمل خلاف قانون دادگاه انقلاب اسلامی اعتراض نمود. متأسفانه نه تنها به این اعتراض توجهی نشد، بلکه روز شنبه ۱۸ فروردین ۱۳۸۰ (مصادف با سومین روز شهادت امام حسین(ع) و یارانش)، مأمورین دادگاه‌های انقلاب با یورش بردن به منازل و دفاتر شخصی رهبران، اعضاء و علاقمندان نهضت آزادی در تهران و شهرستان‌ها بیش از ۴۰ نفر را بازداشت کردند و هر آنچه از اوراق سیاسی و یادداشت‌های شخصی و لوازم کامپیوتری یافتند با خود بردند. تا جایی که حتی آقای احمد صدرحاج سیدجوادی را که وزیر دادگستری دولت موقت و از حقوقدانان برجسته و پرسابقه کشور و از پیشگامان نهضت آزادی می‌باشند، علیرغم سن بالا (قریب به ۸۵ سال) و بیماری استثناء نکردند. ارتکاب این اعمال و صدور چنین اطلاعیه‌هایی از طرف دادسرا و دادگاه انقلاب که بخشی از قوه قضائیه می‌باشند و به موجب اصول مصرح در قانون اساسی وظیفه نظارت بر حسن اجرای قانون را بر

عهده دارند نقض آشکار قانون اساسی و قانون احزاب (م صوب سال ۱۳۶۰ مجلس شورای اسلامی) بود. در اصل ۱۶۸ قانون اساسی تصریح شده که: «جرائم مطبوعاتی و سیاسی باید در دادگاه‌های عادی و به‌طور علنی و با حضور هیأت منصفه رسیدگی شوند.» قانون احزاب تخلفات احتمالی احزاب سیاسی را از مصادیق جرم سیاسی تشخیص داده و رسیدگی به آنها را در محدوده اصل ۱۶۸ قانون اساسی دانسته است.<sup>۱</sup> در مورد بازداشت‌های سیاسی سال ۱۳۸۰ نخستین نکته بررسی زمینه‌های سیاسی و اجتماعی این اقدام است. و اینکه اصولاً چرا این بازداشت‌ها صورت گرفت و چه عواملی در تصمیم‌گیری عاملان این اقدام مؤثر بودند؟

به‌طور اجمال بازداشت‌های سال ۱۳۸۰ را باید در ادامه بحران‌هایی دید که از ۴ سال پیش از آن با هدف تضعیف آقای خاتمی و تضعیف جریان اصلاح‌طلبی آغاز شده بود. اقداماتی چون تعطیلی رسانه‌ها و مطبوعات، قتل‌های زنجیره‌ای و حمله به خوابگاه دانشجویان دانشگاه در ۱۸ تیر ۱۳۷۸ ابتدا با هدف حذف آقای خاتمی از صحنه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی جامعه و سپس حذف هر گونه جانشین احتمالی از جنس اصلاح‌طلبی انجام گرفته بود. از نظر نهضت آزادی ایران هدف این اقدامات بی‌سابقه و خلاف قانون در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، منصرف ساختن و کناره‌گیری آقای خاتمی و سایر اصلاح‌طلبان از قدرت، مایوس کردن مردم از شرکت در انتخابات، تشدید درگیری‌ها و در نهایت ناکامی جنبش اصلاح‌طلبی بود.<sup>۲</sup> بسیاری از صاحب‌نظران جریان راستگرا در یادداشت‌ها و مقالات خودشان تصریح کرده بودند که باید احتیاط و قوع یا به قدرت رسیدن دوباره هر نوع جریان اصلاح‌طلبی را به صفر رساند و برای این هدف خود، نظریه‌پردازی هم کرده بودند.<sup>۳</sup>

۱. بنگرید به بیانیه ۱۷۴۶ نهضت آزادی ایران با عنوان «اعتراض به بازداشت رهبران، اعضاء و علاقمندان نهضت آزادی»، مورخ ۱۳۸۰/۰۱/۲۱

۲. بنگرید به بیانیه ۱۷۴۶ نهضت آزادی ایران، همان.

۳. بنگرید به مقاله آقای امیر محبیبان در روزنامه رسالت با عنوان: «نهضت آزادی ایران باید صفر شود» در اسفند ۱۳۷۹.

اقدام دیگر تلاش برای خشکاندن ریشهٔ روشنفکری دینی و حذف کامل آنان و نیز زمینه‌سازی برای برخورد با سایر نیروهای مؤثر اصلاح طلب بود. گرچه هدف اصلی و عمدهٔ تمامت‌خواهان، مقابله با جریانات اصلاح طلب و تضعیف آنان بود، اما آنان با در نظر گرفتن فضای عمومی جامعه، دریافته بودند هرگونه برخورد مستقیم با اصلاح‌طلبان لاقفل در آن زمان، مستلزم پرداخت هزینه‌های سنگینی است. لذا بر اساس تحلیل‌های خود، آسان‌تر دیدند برای پایین آوردن هزینه‌های این برخورد، ابتدا نهضت آزادی ایران و نیروهای متمایل به این طیف را آماج حمله‌های خود قرار دهند و بعد در صورت موفقیت به سراغ سایر گروه‌ها و احزاب اصلاح طلب مانند «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی»، «جبهه مشارکت ایران اسلامی» و غیره رفته و با آنان برخورد کنند. البته همین‌طور هم شد و مطابق این برنامه اقدام کردند.

محور دیگر برنامهٔ محافظه‌کاران تمامت‌خواه، تأکید ورزیدن بر ادامه و تقویت این فکر انحرافی و تخریبی بود که کلیهٔ نیروهای متخصص، ترقی‌خواه و کیفی از صحنهٔ مدیریت دستگاه‌های تصمیم‌گیرنده و اجرایی کشور حذف شوند. متأسفانه از همان ابتدای پیروزی انقلاب، اسلام‌گرایان سنتی و محافظه‌کار با کوته‌بینی، قدرت‌طلبی و بنا بر انگیزه‌های نفسانی کمابیش تمام توان خود را به کار بستند تا دست نیروهای خوش فکر و نواندیش مسلمان را از مشارکت در مدیریت جامعه کوتاه کنند. آنان از همان ابتدا به جای بهره‌گیری از کلیهٔ امکانات مادی و به‌کارگیری استعدادهای بالقوهٔ سرمایه‌های انسانی، کوشیدند با استفاده از انواع و اقسام شیوه‌های تخریبی، شمار قابل توجهی از نیروهای دلسوز، مؤمن، مبارز، با سابقه و خوشنام را از صحنهٔ مدیریت جامعه کنار زده و به وادی دلسردی، انفعال و انزوا بکشانند و با درپیش گرفتن چنین رویکرد ضد ملی، ضد انسانی و ضد اخلاقی، حتی از وارد کردن هرگونه اتهامات بی‌اساس و انگ‌های واهی (مانند پایین‌نبردن به احکام شرعی، داشتن رابطه با بیگانگان، مخالفت با ولایت فقیه، اتخاذ شیوه‌های غیرانقلابی و لیبرال...) به شخصیت‌های دلسوز، کارآمد و خوشنامی که در مبارزه بر ضد استبداد سابقهٔ طولانی و درخشانی داشتند، پرهیز نکردند.

به تدریج این گروه‌ها به این نتیجه خطرناک رسیدند که در راستای حذف نیروهای کیفی و کارآمد لازم است زمینه‌هایی را در اجتماع فراهم کنند تا نیروهای مستقل و آزادیخواه از ماندن در ایران احساس امنیت و آرامش نکنند. به باور گروه‌های تمامیت‌خواه، حاکم کردن فضای امنیتی، دامن زدن به فضای نامساعد اجتماعی و ایجاد ناامنی در جامعه موجب می‌شد تا صاحبان فکر و اندیشه و تحول‌خواهان از ماندن در ایران دل‌سرد شده و احساس کنند چاره‌ای جز ترک وطن نخواهند داشت. تنها با در نظر گرفتن چنین زمینه‌های فکری می‌توان نوع رفتار و اقدامات این گروه‌های تمامیت‌خواه را در انسداد فضای سیاسی کشور و حاکم کردن رعب و اختناق و بگیر و ببندهای فزاینده بعدی به درستی توضیح داد و تحلیل کرد. درست است که با به قدرت رسیدن جریان اصلاح‌طلبی در انتخابات ۱۳۷۶ فرصت تاریخی استثنایی و مناسبی فراهم گردید تا نهادهای حاکمیتی بتوانند با اصلاح پاره‌ای سیاست‌ها و رفتارها، خود را با خواست عمومی جامعه در مورد تحقق مطالبات برحق مردم و به ویژه نائل شدن به جامعه مدنی، همسو و منطبق گردانند اما رویکرد کلی حاکمیت در نشان دادن رفتارهای خشونت‌آمیز و بروز تنش‌های تند در وقایع تلخی چون قتل‌های زنجیره‌ای، یورش نیروهای مسلح با لباس شخصی به کوی دانشگاه، توقیف مطبوعات و رسانه‌ها و دستگیری و شکنجه اهل قلم و اندیشه به خوبی ثابت کرد که حاکمیت اقتدارطلب مسیر دیگری غیر از خواست مردم را دنبال می‌کند. گروه‌های تمامیت‌خواه با در اختیار داشتن نهادهای امنیتی و اطلاعاتی کوشیدند با حاکم کردن رعب و اختناق و تعطیل نمودن بسیاری از نشریات و روزنامه‌ها و همچنین دستگیری شماری از فعالان مطبوعاتی و چهره‌های سیاسی، بخش وسیعی از صاحبان فکر و اندیشه، افراد تحصیل‌کرده و فعالان فرهنگی و اجتماعی را که تحمل چنین اوضاعی برایشان دشوار یا غیرممکن بود به یأس و انفعال کشانده و به ترک کشور وادارند. کما اینکه با ادامه و تشدید چنین روندی، بسیاری از صاحب‌نظران، مدیران و مسئولان نشریات و جراید از اواخر دهه ۱۳۷۰ جلای وطن کردند. صاحب‌نظران علوم اجتماعی در محافل علمی و نویسندگان در نشریات فرهنگی در مدت سه دهه گذشته، بارها موضوع «فرار

مغزها» از کشور را مطرح و از آن با عناوین «پدیده شوم فرهنگی»، «ضایعه ملی» و «خسارت غیر قابل جبران» یاد کرده‌اند. مسئولان نیز بدون ابراز تأسف در این مورد، به سادگی از آن گذشته و اخیراً برای توجیه و گمراه کردن افکار عمومی، عنوان «مهاجرت» را به جای «فرار مغزها» نشانده‌اند. البته گرچه به طور طبیعی شماری از فعالان سیاسی و فرهنگی هم به اعتراض بر می‌خیزند اما از نظر دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی تأثیرگذاری گروه‌های سیاسی معترض در داخل کشور با معترضان سیاسی در خارج کشور یکسان نیست و چنانچه گروه‌های معترض در داخل کشور فعالیت نکنند، آنها به مراتب راحت‌تر خواهند بود. جالب این‌که مسئولان امنیتی در بسیاری موارد حتی مقدماتی فراهم می‌کنند و راه را باز می‌گذارند تا اشخاص معترض به خارج کشور بروند. ظاهراً آنها مایل هستند مخالفان و سرمایه‌های ملی از کشور خارج شوند و دیگر به کشور مراجعت نکنند.

بنا بر آنچه گفتیم در تحلیل بازداشت‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ چنین به نظر می‌رسد که از نظر حاکمان محافظه‌کار و به‌ویژه دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی، دستگیرکردن و بازداشت افراد سرشناس و فعال نهضت آزادی ایران و تعدادی دیگر از نیروهای همفکر با سابقه علمی - تخصصی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مبارزاتی نزدیک به هم، موجب می‌گردد بقیه افراد خودبه‌خود حساب کار دستشان بیاید و بگویند دیگر ایران جای زندگی نیست. بی‌گمان این نکته نیز از زمینه‌ها و انگیزه‌های این بازداشت‌ها بود. هرچند نمی‌توان انکار کرد که با اجرای این برنامه که بیشتر به حيله و مکر شباهت داشت، بخشی از پیش‌بینی‌های جریان راستگرا و اقتدارگرایان در عمل محقق شد اما از آنجا که بنا بر اراده خداوندی اصولاً تحولات اجتماعی با پیروی از قانون‌مندی‌های خاصی در جامعه ساری و جاری می‌شوند، لذا این بازداشت‌ها در نهایت موجب گردید تفکر و اندیشه آزادی‌خواهی و دموکراسی در جامعه‌ها ریشه‌دارتر شود و مردم نسبت به این جریان فکری بیش از گذشته اقبال نشان دهند. در نتیجه با این بازداشت‌ها، نه تنها اقتدارگرایان به نتایج مورد انتظار خود نرسیدند بلکه ضربات سنگین و سختی به قوه قضاییه و همه مسئولان تصمیم‌گیر و کلیت نظام

وارد گردید و عاملان این بازداشت‌ها در دادگاه افکار عمومی داخل و خارج کشور نتوانستند پاسخگوی این تصمیم خود باشند.

تحلیل کلی از مجموع اظهارنظرهای مسئولان نشان می‌دهد نه تنها عاملان این بازداشت‌ها در برنامه خود موفق نشدند، بلکه شکست هم خوردند. البته بازداشت‌شدگان و خانواده‌های آنها که همگی از دوستان ما بودند در این راه صدماتی را متحمل شدند اما با آگاهی از این حقیقت که دستیابی به ارزش‌هایی چون آزادی و دموکراسی در هر جامعه مستلزم پرداخت هزینه‌هایی است، آنها در راه رسیدن به آرمان‌ها و ارزش‌هایی که بدان باور داشتند، هزینه خود را پرداخت کردند.

موضوع بعدی بررسی جنبه حقوقی بازداشت‌ها است و اینکه چگونه و چه طور‌ها را بازداشت کردند. بازداشت‌ها عملاً از اواخر ۱۳۷۹ آغاز شد و کسانی مانند آقایان مهندس عزت‌الله سبحانی و حسن یوسفی اشکوری که برای شرکت در کنفرانس برلین به کشور آلمان رفته بودند، پس از مراجعت به کشور با فاصله چند روز بازداشت شدند. آقای هدی صابر نیز تقریباً در بهمن همان سال دستگیر و بازداشت شد. علاوه بر این در ۲۱ اسفند ۱۳۷۹ مأموران با یورش به منزل آقای بسته‌نگار (از فعالان ملی - مذهبی)، جمعی دیگر از نیروهای سیاسی که در خانه ایشان بودند را بازداشت کردند. به موجب اخباری که در مورد بازداشت‌های وسیع به صورت شایعه پخش شده بود، قرار بود تعداد زیادی مثلاً ۲۰۰ تا ۳۰۰ فعال سیاسی را بازداشت کنند. حتی می‌گفتند زندان ویژه‌ای هم برای این منظور آماده و تدارک شده است. در سطح جامعه هم شایعاتی مطرح بود و ما بعداً در داخل زندان اطلاعاتی به دست آوردیم که نشان می‌داد این شایعات چندان هم بی‌اساس نبوده زیرا از شش ماه یا یک سال پیش برای این بازداشت‌ها برنامه‌ریزی کامل کرده بودند.

### ب: ملاحظاتی در مورد بازداشت من (فروردین ۱۳۸۰)

روز ۲۸ اسفند ۱۳۷۹ دادگاه انقلاب اسلامی با لحن بسیار تندی علیه نهضت آزادی ایران بیانیه‌ای صادر کرد و در آن به اتهاماتی چون براندازی نظام، اقدام علیه امنیت



ملی و تشویش افکار عمومی اشاره کرده بود. این بیانیه به گونه‌ای غیر معمول و بی‌سابقه از ساعت یک بعد از ظهر آن روز تا ساعت‌های پایانی شب در تیتراژ خبر تمام سرویس‌های خبری رادیو و تلویزیون به‌طور کامل خوانده شد. تا آن زمان اصلاً سابقه نداشت که چنین بیانیه‌هایی را این اندازه و وسیع از صدا و سیما پخش کنند.<sup>۱</sup> چنین رویداد کاملاً غیرمنتظره این سؤال و ابهام را فراهم کرد که هدف از پخش گسترده این بیانیه چیست؟ دادگاه انقلاب در جریان بازداشت‌های سال‌های ۱۳۶۷ و ۱۳۶۹ اطلاعیه‌ای در دو سه خط ریز صادر می‌کرد که تنها در روزنامه‌ها درج می‌شد و به هیچ وجه در صدا و سیما پخش نمی‌شد. فقط برای این که مدعی شوند خبر مکتوب بوده، اطلاعیه‌ای در دو سه سطر ریز در بعضی از روزنامه‌ها درج می‌شد زیرا اصولاً مایل نبودند این قبیل خبرها را اطلاع‌رسانی کنند ولی این بار کاملاً برخلاف همیشه این اطلاع‌رسانی به صورت وسیع انجام شد که کاملاً غیرطبیعی و غیرمنتظره بود. جالب این‌که پس از صدور اطلاعیه، هیچکس را دستگیر نکردند و اتفاقی نیفتاد و این هم موجب تعجب بیشتر ما شد.

نوروز آن سال تعدادی از دوستان و ما برنامه‌ریزی کرده بودیم که در تعطیلات سال نو چند روزی به سفر برویم. تعدادی از دوستان در تهران ماندند و ملی بیشتر دوستان به مسافرت رفتند. به یاد دارم که نوروز آن سال با ماه محرم مصادف شده بود و من نیز همراه با خانواده در یکی از شهرهای سواحل خزر بودیم تا این که آقای مهندس صباغیان که همه ساله به مناسبت ایام محرم مراسم داشتند، از من خواستند خود را برای صحبت و سخنرانی در روزهای تاسوعا و عاشورا آماده کنم. در سنوات

۱. در قسمتی از اطلاعیه دادگاه انقلاب اسلامی تهران مبنی بر ممنوعیت فعالیت نهضت آزادی ایران به نقل از خبر صدا و سیما مورخ ۷۹/۱۲/۲۸ چنین آمده بود: ...دادگاه انقلاب اسلامی تهران با استناد به مدارک و شواهد معتبر که از این گروه غیرقانونی به دست آورده است، اعلام می‌کند تمامی فعالیت‌های این جمعیت موسوم به نهضت آزادی و گروه ملی - مذهبی تحت هر عنوان و قالبی ممنوع است و ضابطین دادگستری با متخلفان به طور قانونی برخورد خواهند کرد. دادگاه انقلاب اسلامی تهران تأکید کرد، فعالیت‌ها و اقدامات براندازانه این گروه معدود، پس از انجام بازجویی‌های لازم و تکمیل تحقیقات به اطلاع مردم شریف و مسلمان ایران خواهد رسید.

گذشته به طور معمول اشخاصی در مراسم تاسوعا و عاشورا سخنرانی می‌کردند که در فروردین ۱۳۸۰ یا در زندان بودند یا مثل آقایان مهندس عبدالعلی بازرگان و دکتر ابراهیم یزدی در خارج از کشور بسر می‌بردند. در هر حال من پذیرفتم که در این مراسم صحبت کنم و اتفاقاً خواست خدا بود که در این تعطیلات بدون هیچ اضطراب و ناراحتی، فرصت خیلی خوبی پیدا کنم و منابع مختلف در مورد تاریخ عاشورا را بینم. ضمن مرور مجموعه خطبه‌ها و سخنان امام حسین(ع) و نحوه برخورد آن حضرت با مخالفین، ایده‌ای راهبردی در ذهن من نقش بست و با دیدی استراتژیک و الگو گرفتن از شیوه عمل آن حضرت دانستم که چگونه باید با مخالفان برخورد کرد. روی این اصل موضوع صحبتیم را «استراتژی پیروز» انتخاب کردم. سخنرانی آن روز ضبط شده و نوار آن موجود است. البته موفق نشدم در آن جلسه تمام مطالب مورد نظرم را بگویم. تنها بخشی از مطالب را گفتم و بقیه را به فرصت‌های بعدی موکول کردم. با این وصف بعدها در تمام مدتی که هر بار در زندان بودم، از همین روش برخوردارم. با مخالفین استفاده کردم و گمان می‌کنم به کارگیری این روش در برخورد با بازجوها، زندانبان‌ها، مسئولان دادگاه و قاضی کاملاً موفق و تجربه‌آموزنده‌ای بود. به علاوه اطمینان دارم پیامدها و دستاوردهای چنین شیوه‌ای به ویژه برای کسانی که می‌خواهند چنین مسیری را در زندگی طی کنند، آموزنده و عبرت‌آموز خواهد بود.

به هر حال پس از انتشار بیانیه تند دادگاه انقلاب اسلامی علیه نهضت آزادی ایران چون خانواده‌های ما کمابیش چنین دوره‌هایی را تجربه کرده بودند، خیلی احساس تنش و ناراحتی نداشتند. البته این احتمال هم منتفی نبود که صدور بیانیه صرفاً با هدف ارباب و ایجاد گرد و خاک سیاسی و نه دستگیری و بازداشت باشد. مخصوصاً که کار خلافی مرتکب نشده بودیم تا ترسی داشته باشیم. در مراحل بعد متوجه شدیم این نوبت از بازداشت‌ها با سازماندهی وسیع و برنامه‌گسترده‌ای از سوی اطلاعات سپاه انجام شده است. همزمان و در ساعتی معین به منازل و دفاتر سایر دوستان همفکر در تهران و حتی شهرستان‌ها نیز مراجعه کرده بودند. دستگیری‌ها در شهرهای

اصفهان، تبریز، شیراز، مشهد و همه جا همزمان بود که نشان می‌دهد این بازداشت‌ها کاملاً برنامه‌ریزی شده و سازمان یافته بوده است. شاید در مدت شش ماه کو شیده بودند با آب و جارو و نقاشی، سازمان متناسب با این تعداد بازداشتی که پیش از آن سابقه نداشت را ایجاد کرده و همه منتظر حادثه و رویداد مهمی بودند.

نکته قابل توجه دیگر این که احکام ما در تاریخ ۱۳۷۹/۱۲/۲۸ صادر شده بود و نشان می‌دهد آن اطلاعیه را از پیش آماده کرده و احکام صادر شده بود. شاید قصدشان این بود که در همان روزهای پایانی سال، بعد از انتشار وسیع اطلاعیه دادگاه انقلاب، اشخاص را بازداشت کنند. حالا به هر دلیل یا فکری، تصمیم گرفته بودند دستگیری‌ها را به بعد از تعطیلات نوروز موکول کنند. این تصمیم ممکن است به دلیل مشکلات داخلی خودشان از جهت فراهم کردن تیم گسترده‌ای برای بازجویی در روزهای تعطیل مربوط باشد؛ یا این که اگر خوش‌بینانه نگاه کنیم، برای آن بود که مثلاً خانواده‌های بازداشت‌شدگان در زمان تعطیلات مشکل پیدا نکنند و در عین حال فرصتی دهند و راه را برای خروج این افراد از کشور باز بگذارند. چون برای خروج از کشور تقریباً یک‌ماه فرصت داشتیم و ممنوع‌الخروج هم نبودیم. هیچ یک از آن‌ها ممنوع‌الخروج نبودند. نهادهای قضایی و امنیتی برخلاف سال‌های قبل ظاهراً به این نتیجه رسیده بودند که اگر این عده از فعالان سیاسی در داخل کشور نباشند برای حاکمیت بهتر است. در حالی که در گذشته دستگاه قضایی همزمان با دستگیری آن‌ها را ممنوع‌الخروج می‌کرد.

به هر حال در این قبیل موضوعات بهتر است با برخورد مثبت، چنین تصمیمی را حمل بر صحت کنیم و بپذیریم که با دید انسانی این کار را کردند. یعنی چون نخواستند در روزهای تعطیلی و ایام تاسوعا و عاشورا، خانواده‌های ما مکدر شوند، این بازداشت‌ها را به بعد از تعطیلات و تاسوعا و عاشورا موکول کردند. البته هدتی بعد در مقابل اعتراض بعضی از خانواده‌ها به بازداشت‌ها گفته بودند بد کردیم که عیدتان را خراب نکردیم. در هر حال شواهد نشان می‌داد که این برنامه‌ریزی و تصمیم کاملاً از قبل صورت گرفته بود.

بعد از برگزاری مراسم تاسوعا و عاشورا در منزل آقای مهندس صباغیان، روز شنبه ۱۸ فروردین ۱۳۸۰ کارهای اداری و شغلی خود را مطابق روال معمول در دفتر مهندسیین مشاور آغاز کردیم. ساعت چهار بعدازظهر آن روز موقعی که آماده شده بودم به مجلس ترحیم و بعد از آنجا به جلسه هیئت مدیره محترم آموزشی نیکوکاری رعد بروم، منشی دفتر اطلاع داد چند مأمور از دادگاه انقلاب آمده‌اند. گفتم: بسیار خوب. بگویند که به دفترم بیایند. بلافاصله دو نفر داخل اتاقم شدند. دو نفر دیگر هم داخل حال ایستادند و درب ورودی شرکت را کنترل می‌کردند.

مأموران به من گفتند: حکمی از دادگاه انقلاب داریم و آن را نشان دادند. حکم را دیدم و متوجه شدم نشانی قید شده در نامه درست نیست. دفترها در طبقه سوم ساختمان بود، در حالی که در نامه طبقه دوم قید شده بود. گفتند: ما می‌رویم، نامه را اصلاح می‌کنیم و برمی‌گردیم.

پرسیدم: شما دنبال چه کسی هستید؛ آیا دنبال من هستید؟

گفتند: بله.

گفتم: در این صورت نیاز نیست که بروید و نامه را اصلاح کنید. اگر دنبال من هستید، دفتر من همین جاست. این برخورد ظاهراً اثر مثبتی داشت و به آنها فهماند که ما از بازداشت و دستگیری نگران نیستیم و از زندان بی‌خیالیم و ضمناً دنبال کارهای شکلی و حقوقی هم نیستیم که بروند و یک حکم دیگر بیاورند.

مسئولان کوشیده بودند اشخاصی تحصیل کرده و کاملاً آشنا با امور مهندسی را از سپاه در این تیم‌ها بگذارند. دو مأموری که به دفتر مهندسیین مشاور ما مراجعه کردند به کارهای دفاتر مهندسی مشاور و امور مهندسی کاملاً آشنا بودند. در بازرسی‌های آنها از شرکت و نوع صحبتی که با همکاران ما داشتند، این نکته قابل فهم بود. از تمام کشورهای میزها دیدن کرده و تمام کیف‌های دستی و سرسیدها را از همکاران گرفتند. مثلاً اگر داخل کیف شخصی همکاری یک‌سای دی بود، آن را گرفته بودند. هر کاری که توانستند، انجام دادند. تصور کرده بودند چون همکاران دفتر مهندسی با ما کار می‌کنند، احتمالاً با دفتر نهضت آزادی هم ارتباط دارند و از این طریق خیلی کوشیدند

محل کار ما را با کارهای سیاسی مرتبط کنند که در واقع میان این دو ارتباطی و جود نداشت. هیچ نوع سند و مدرکی هم نیافتند و از این نظر دفتر شرکت کاملاً پاک بود. جالب آنکه دو مأموری که با امور مهندسی آشنایی داشتند، در پایان بازرسی خود ضمن آنکه تحت تأثیر توان مهندسی و نظم دفتر، مرتب بودن کتابخانه و بایگانی های ما و روزآمد بودن بیش از ۲۰۰۰ منبع موجود قرار گرفتند، مجبور شدند این نکته را در جمع اذعان و اعتراف کنند. گفتند که ما تصور نمی کردیم در شهر تهران چنین کتابخانه فنی و مهندسی منظمی وجود داشته باشد. در این بازرسی دیدند که مجهزترین و جدیدترین منابع مهندسی را در دفتر داریم و اینها اصلاً برای شان قابل تصور هم نبود که یک شرکت خصوصی این اندازه منابع معتبر و جدید داشته باشد. به این ترتیب با متانت، برخورد سنجیده و در عین حال قاطع کوشیدیم اولین تأثیر خود را روی آنها بگذاریم. آنها متوجه شدند که ما در محیط شغلی، کاری خلاف برنامه مهندسی خودمان انجام نمی دهیم. یک بار به آنها گفتم که از مرحوم مهندس بازرگان درس گرفته ایم که هیچ وقت پرونده ها را با هم مخلوط نکنیم. هر چیز باید سر جای خودش باشد. محیط کار به کار اختصاص دارد و وظیفه خود می دانیم کارمان را درست انجام دهیم. روی این اصل به عنوان یک مهندس مشاور همین و صادق که کارش را خوب انجام می دهد نزد کارفرمایان شهرت داریم و همه باور دارند که خودمان را با نوع کارمان معرفی می کنیم. آنجا که باید کار سیاسی و اجتماعی انجام شود پرونده اش جداست. آنها حتی مانع برقراری تماس من با خانواده شدند و ارتباط تلفنی ام را قطع کردند، در حالی که خودشان با بی سیم با همکارانشان تماس داشتند. از آنها خواسته بودم تأمل کنند تا من منزل بروم و با حضور من این بررسی را انجام دهند ولی متأسفانه نپذیرفتند و منزل را بدون حضور خودم بازرسی کرده بودند. تنها بخشی که برای بازرسی باقی مانده بود فایل شخصی من در اتاقم بود که کلیدش پیش خودم بود و منتظر بودند ساعت ۱۱ و نیم شب که به منزل رفتیم، آن را نیز باز کردند و داخل فایل را هم بازرسی کردند.

این آقایان از ساعت ۴ بعدازظهر تا ۴ صبح روز بعد پیوسته مشغول بازدید از دفتر و منزل ما بودند و من در این ۱۲ ساعت روی پا ایستاده بودم؛ از ۴ عصر تا ۱۱ و نیم شب در دفتر و بعد از آن هم تا ۴ صبح روز بعد در منزل همه چیز را وار سی کردند. بازدیدشان بسیار دقیق و زمان‌بر بود. در دفتر هم حمام سوراخ سنبه‌ها، بایگانی‌ها، کتابخانه‌ها و کشوی میزها را جست‌وجو کردند تا مبادا چیزی را مخفی کرده باشیم.

این بازرسی کاملاً دقیق و با شیوه خاصی انجام می‌شد و دنبال جمع‌آوری اطلاعات بودند تا بلکه بتوانند ادعاهای غیرمستند خود را ثابت کنند. در حالی‌که روش ما این بود که کار شغلی را از کار اجتماعی جدا کنیم و همان‌طور که قبلاً اشاره کردم از این نظر دفتر ما کاملاً پاک بود. برخلاف انتظار آنان دفتر مهندسی مشاور و همچنین کارمندان و بایگانی ما شعبه‌ای از نهضت آزادی ایران نبود. خودشان هم دیدند که دفتر ما مهندسی مشاور و کاملاً حرفه‌ای است و لذا هیچ نوع سند و مدرکی در دفتر به دست نیاوردند. با این وصف تعداد ۱۰ دستگاه کامپیوتر موجود در دفتر را به علاوه تمام هارد دیسکها و سی‌دی‌ها را جمع‌آوری کرده و در دو کارتن بزرگ جا دادند و با خود بردند. چنین کاری به معنی تعطیل کردن کار و فعالیت شرکت مهندسی مشاور بود. پرونده‌ها و فایل‌ها شامل پروژه‌های ملی بود که با سازمان‌های مختلف داشتیم. در واقع تمام بایگانی و کارهای جاری ما را بردند و از این طریق به کار ما ضربه سختی زدند که به‌طور طبیعی در روحیه کارکنان و کارفرماهای ما بازتابی منفی داشت. اگر به فرض من جرمی مرتکب شده بودم، به کارهای شرکت ربطی نداشتم. شرکت به جمعی تعلق داشت که گناهی مرتکب نشده بودند. آنها به‌طور حتم می‌دانستند که این نوع اقدامات و تصمیمات ناپخته و نسنجیده، پیامدهای زیان‌بار و آثار سوء اجتماعی ویژه خود را دارد. حتی با آن‌که گفته بودند وسایل شرکت را ۳ - ۴ روزه برمی‌گردانیم ولی با پیگیری‌های زیاد همکاران، بیش از دو ماه طول کشید تا وسایل را پس دادند. چنین برخوردها و رفتارها نشان می‌دهد چگونه عده‌ای اقتدارطلب و تمامت‌خواه با آن همه داعیه عدالت‌خواهی و تظاهر به اسلامیت، چه اندازه تنگ‌نظر و کینه‌توز هستند که حاضر می‌شوند با زیرپا گذاشتن قوانین و نادیده گرفتن موازین انسانی، مخالفان

سیاسی خود را از حقوق طبیعی محروم کنند و حتی نگران نمی‌شوند معیشت آنان در مضیقه قرار گیرد. در این دو ماه با آن‌که شرکت و هم‌کاران ما با مشکلات فنی و خسارت‌های مادی مواجه شدند، خوشبختانه توانستند در مدت یک هفته تا ۱۰ روز، سیستم را راه‌اندازی کنند و کارهای ضروری را انجام دهند. خوب یه یاد دارم هنگام بازجویی در زندان، بازجو با ناراحتی گفت: دفتر شما که راه افتاده است! همین سخن آشکار می‌کرد بابت راه‌اندازی شرکت نه تنها خوشنود نیستند بلکه ناراحتند. آن‌ها قصد داشتند از این راه ضربه‌های سخت‌تری به من بزنند. در حالی که تنها من در شرکت ذی‌نفع نبودم و دو ماه جلوگیری عامدانه و غیرقانونی از فعالیت یک شرکت قانونی به شماری از کارکنان که هیچگونه فعالیت سیاسی نداشتند و تنها به کار و شغل خود مشغول بودند، ضربه‌های مادی وارد می‌کرد. خوشبختانه همکاران ما با توان علمی بالای خود خیلی زود موفق شدند در حد ضرورت سیستم را بازسازی کنند و پاسخگوی کارها باشند و در مقابل، مخالفان ما نیز متوجه شدند برنامه‌ها و مقاصد آنان به‌طور کامل محقق نشده است.

البته برنامه‌ریزی ارگان‌های مربوطه برای بازداشت ما بدان‌گونه که توضیح دادم، بهره‌هوشی پایین نهادهای حکومتی را نشان می‌داد چون از چام هرگونه بازرسی از متهمان سیاسی به‌طور طبیعی باید پیش از اعلام دستگیری یا همزمان با اعلام آن باشد؛ نه آن‌که دادگاه انقلاب در ۲۸ اسفند ۱۳۷۹ با صدور بیانیه، اعضای نهضت آزادی ایران را به اقدام علیه امنیت ملی و براندازی نظام متهم کند و ۲۰ روز بعد مأموران عملیات مربوط به دستگیری و بازرسی را انجام دهند. اگر قرار باشد متهم مدرکی را پنهان یا معدوم کند در این فاصله ۲۰ روزه انجام می‌دهد. مگر آن‌که بپذیریم نهادهای حکومتی خودشان خوب می‌دانستند که ما مدرکی برای پنهان کردن نداریم و فقط با قصد آزار و اذیت این کارها را کردند. بار اول نبود که آن‌ها برای بازرسی و یافتن مدارک به شرکت و منزل می‌آمدند؛ این کارها را بارها تجربه کرده بودند و اگر قرار بود مدرکی علیه ما بدست آورند، قبلاً پیدا می‌کردند. از همان ساعت ۱۱ و نیم شب که مأموران بازرسی مرا به منزل بردند، دیدم که یک خانم هم با چند مرد به منزل آمده و همه جا؛

حتی تمام زیرزمین و انبار را گشته و خاک آلود شده‌اند اما هیچ مدرک خاصی نیافتند. مدتی بود که انبار نظافت نشده بود. یک مقدار سررسیدهای قدیمی در کتابخانه‌ام بود که آنها را نگه می‌دارم. علاوه بر این یادداشت‌های خصوصی، یک مقدار از نشریات نهضت، مدارک و سوابق بنیاد فرهنگی مهندس بازرگان، مقداری مدارک مربوط به سوابق نهضت مقاومت ملی و مقداری کتاب‌های سابق نهضت آزادی و کتاب‌های شخصی دیگر که از سوی وزارت ارشاد چاپ شده بود را در کتابخانه داشتم و با آنکه هیچ‌یک از آنها به اتهام ارتباط نداشت از کتابخانه‌ام برداشتند. آنها با آنکه فقط برای بازرسی منزل من حکم داشتند، در نهایت تعجب به طبقه بالای ساختمان که منزل آقای مهندس محمدفرید طاهری بود هم رفتند و داخل خانه ایشان را هم تفتیش کردند! البته برخلاف بازرسی سال‌های ۶۷ و ۶۹ که آن موقع بدون آن که صورت جلسه کنند، هرچه خواستند را برداشتند و با خود بردند، این بار کلیه مدارک موجود در دفتر و منزل را صورت جلسه کردند و مشخص شد چه چیزهایی از منزل خارج کردند. البته همان‌طور که از ابتدا مشخص و معلوم بود این چیزها با اتهامات بی‌پایه و اساس آقایان به من هیچ ارتباطی نداشت. متأسفانه غیر از آن چیزهایی که به شرکت متعلق بود و پس دادند، بخش عمده چیزهایی که از خانه‌ام بردند، اسناد شخصی بود. اسناد و مدارک شخصی شامل اسناد تاریخی مربوط به نهضت مقاومت ملی را هنوز پس نداده‌اند؛ بعضی از اسناد فقط یک نسخه است و جزو اسناد ملی است و متأسفانه با وجود پیگیری‌های زیاد هنوز پس نداده‌اند. بنا بر اظهارات سایر دوستان، بازرسی‌ها همه جا تقریباً به همین نحو انجام شده بود.

تقریباً ساعت ۴ صبح که بازرسی‌ها تمام شد، گفتند: حالا شما بفرمایید و من که هنوز حکم بازداشت‌م را ندیده بودم گفتم: اما هنوز شما حکم بازداشت‌م را نشان ندادید.

گفتند: قبلاً به همسران نشان دادیم. وقتی که حکم را به من نشان دادند دیدم تاریخ حکم ۷۹/۱۲/۲۸ با امضای آقای بابایی (رئیس شعبه ۲۱) بود. صدور حکم جلب به این ترتیب، خلاف قانون بود زیرا حکم جلب در مورد کسانی صادر می‌شود که



احتمال فرار آنها باشد. در مورد دیگران مطابق رویه قانونی ابتدا باید احضاریه صادر شود. چنانچه شخص فراخوانده شده امتناع کند، در آن صورت او را احضار می‌کنند. بعد هم در دادگاه ابتدا اتهام را به متهم تفهیم می‌کنند. اگر مصداق و موردی بود و متهم پاسخ نمی‌داد یا برای اتهامات پاسخی نداشت و لازم می‌دیدند، آن وقت حکم بازداشت صادر می‌شد. بنابراین صدور حکم جلب در مورد ما کاملاً خلاف قانون بود و مسئولان از همان گام نخست این اقدامات را خلاف قانون انجام دادند. کما این که در سال‌های ۱۳۶۷ و ۱۳۶۹ نیز به همین ترتیب عمل کرده و حکم جلب صادر کرده بودند. شیوه دادگاه انقلاب در مورد احضار متهمین از ابتدا چنین بوده و همواره خلاف قانون عمل کرده بودند. امیدوارم با پیگیری دلسوزان این شیوه تغییر کند و بعد هم موفق شویم کلیه اسناد و مدارکی را که در سال‌های گذشته (۱۳۶۷، ۱۳۶۹ و ۱۳۸۰) برخلاف موازین قانونی از ما گرفتند و با خود بردند، پس بگیریم. در سال‌های ۶۷ و ۶۹ تقریباً دو گونی مدارک و اسناد از منزل من خارج کرده و با خود بردند و هیچ‌وقت آنها را پس ندادند؛ حتی صورت فهرست اسناد و مدارکی که با خود برده‌اند را هیچ‌گاه به من ندادند.

همان‌طور که عرض کردم تقریباً ساعت ۴ صبح آن روز مرا از داخل منزل، سوار اتومبیل پیکانی کردند و با خود بردند. در همان اوایل بزرگراه همت پیش از آن که اتومبیل به ورودی بزرگراه مدرس داخل شود، از من خواستند سرم را پایین بگیرم. یکی از نگهبانان چشم‌بندی به چشمانم زد، سرم همچنان پایین بود که تقریباً ۱۵ یا ۲۰ دقیقه بعد از این که از یک بازرسی و سرعت‌گیرهایی عبور کردیم، اتومبیل متوقف شد. در حالی که جایی را نمی‌دیدم، دست مرا گرفته و از ماشین پیاده کردند و از پله‌هایی بالا رفتیم و در جایی مرا روی صندلی نشانده. به رغم این که ۱۲ ساعت روی پای ایستاده بودم، احساس خستگی خاصی نداشتم و مضطرب هم نبودم بلکه کاملاً سرحال بودم. یقین داشتم در درون آدمی نیروهایی نهفته که در مواقع خاص می‌توان بدون کمترین احساس خستگی از آنها بهره جست. در برابر مأموران خیلی آرام بودم و به‌گمانم از همان لحظه اول این نحوه رفتار به دلیل تأسی به شیوه برخورد امام

حسین(ع) با مخالفان بود که در ذهن و رفتار من هم منعکس گردید. تصور کنید موقعی که امام حسین(ع) از مکه خارج شدند، در مسیر افراد زیادی مقابل ایشان قرار گرفتند؛ از جوان مسلمان تازه ازدواج کرده‌ای که نمی‌خواست به امام نزدیک شود گرفته تا کسانی که قصد داشتند مانع ادامه حرکت او شوند، امام حسین(ع) با همه رفتاری انسانی و تعالی‌بخش داشت، یعنی کوشید طوری عمل کند که این انسان‌های غافل آگاه شوند و به فطرت پاک خود برگردند. چنین رفتار تعالی‌بخش حتی در برابر مخالفین با هرگونه رفتار ناشی از خشم و کینه و ناراحتی بسیار متفاوت است. اولیاء صالح و انسان‌های متعالی هرکجا دل‌های مستعدی می‌دیدند با سعه صدر آن را شکار کرده و به سمت آگاهی و حق سوق می‌دادند و در مقابل، اشخاص و حاکمان نادان با رفتارهای نسنجیده، انسان‌های وارسته را از خود دور کرده و به انحاء گوناگون موجبات رنجش آنها را فراهم می‌آوردند؛ چنان‌که در وصف امام علی(ع) گفته‌اند:

او به تیغِ حلم دشمن کرد دوست ما به خشم از دوست بگشاییم پوست  
موقعی که انسان برخوردار از آگاهی ببیند افرادی از سرِ غفلت از ارزش‌های فطری و انسانی خود دور شده و تحت تأثیر تبلیغات و فضای حاکم، حاضر می‌شوند کارهای بی‌رویه انجام دهند، به حکم وجدان و وظیفه انسانی می‌کوشد رفتارهای آگاهی‌بخش و توأم با عواطف انسانی از خود نشان دهد. چنان‌چه نوع برخورد‌های ما کاملاً انسان‌دوستانه و از موضع حق باشد، تأثیربخش بوده و جذبه تعالی‌بخشی پیدا می‌کند. البته پیروی از چنین رویه‌ای برای انسان‌های متعارف که به طور طبیعی اهل خشم، کینه و انتقام هستند، آسان نیست. تنها انسان‌هایی که به امر متعالی باور استراتژیک داشته و این باور در ذهن آنها نهادینه و بر رفتارشان حاکم شده باشد، بار این رسالت را احساس می‌کنند که نسبت به دیگران رفتاری دل‌سوزانه بروز دهند. درست است که نوع برخوردها و زاویه نگاه انسان‌ها نسبت به یکدیگر کاملاً متفاوت است، با این وصف احساس می‌کردم جوان کارمندی که به‌عنوان بازجو از روی ناآگاهی، رفتار بی‌رویه‌ای انجام می‌دهد، شایسته ترحم است و باید در حد امکان

دستش را گرفت، آگاهی کرد و نجاتش داد. در طول این بازداشت ها و بازجویی ها چنین ذهنیتی بر من حاکم بود.

### ج: خاطراتی از زندان

در توصیف واقعیت‌های دوره زندان، بدون آنکه قصد داوری داشته باشم، تجربه شخصی من از این دوره چنین است که اگر انسان بکوشد موضوع را از منظر بالاتری نگاه کند، در این صورت هنگام به دام افتادن و مواجهه با بازجوها بدون آنکه حالت دفاعی یا تهاجمی به خود بگیرد، می‌تواند با حفظ آرامش و سامان دادن به گفتارها و رفتارهای خود بر ذهن و رفتارش مسلط شود تا جایی که دیگر بازجوها و سایر عوامل زندان را مقابل خود نبیند. به‌ویژه برای انسان آرمان خواه و باورمند به امر متعالی و کسانی که در زندگی خود ارزش‌های معنوی و الهی را دنبال کرده و در صدد تحقق چنین اهدافی هستند، رعایت موارد یادشده به‌گونه‌ای مضاعف الزامی است. بی‌توجهی به این موارد موجب می‌شود انسان در برخورد با مخالفان و یا هنگام رودرو شدن با بازجوهای زندان، واکنش‌هایی برخاسته از عصبانیت، تنش، اختلال و ضعف در سیستم عصبی و انفعال از خود نشان دهد. بروز این قبیل رفتارها عمدتاً حاصل بهم‌ریختگی تعادل روانی است و در این حالت شخص زندانی در برابر بازجو حالت انفعال پیدا کرده و همیشه مرعوب و مقهور می‌شود. خوب که دقت و تأمل می‌کنم آن چیزی که توانست رفتارم را از ابتدای دوره بازرسی از محل کار، داخل منزل و در مواقع بازجویی، شکل دهد و موجب شود بتوانم با بازجو یا قاضی شعبه یا حتی نگهبانان زندان رفتار آگاهانه‌ای داشته باشم، توجه مستمر به همین نکته کلیدی بود که اشاره کردم و البته گمان می‌کنم صرف‌نظر از اینکه بروز این نوع رفتار در خصوصیات شخصی‌ام ریشه دارد، آشنا شدن با روش، منش و رفتار امام حسین(ع) هنگام مواجه شدن با مخالفان نیز به من بسیار کمک کرد تا بتوانم رفتارم را بهتر سازماندهی کنم، بر فکر و ذهن و رفتارم بیشتر مسلط شوم، آرامش خود را حفظ کنم و حتی حاضرالذهن

باشم. از این جهت بیشتر مدیون و سپاسگزار مطالعات روزهای تعطیلی نوروز ۱۳۸۰ هستم.

به هر حال مرا به زندان سپاه در عشرت‌آباد بردند؛ زندانی که بعدها به زندان ۵۹ معروف شد. تا آن زمان در مورد این زندان چیزی نمی‌دانستیم و حتی کسانی که قبلاً آنجا رفته بودند هم چیزی نمی‌دانستند. کم‌کم اطلاعاتی در مورد این زندان به بیرون درز پیدا کرد و به‌خصوص با تحقیقات و پیگیری‌هایی هم که سازمان‌های حقوق بشری مانند سازمان حقوق بشر اروپا آن موقع انجام دادند، اطلاعات بیشتری در مورد آن به‌دست آمد. سرانجام پس از اصرارها و پافشاری سازمان‌های حقوق بشر در مورد اعمال خلاف قانون در این زندان، مسئولان جمهوری اسلامی پذیرفتند به ادامه فعالیت این زندان خاتمه داده و آنرا تعطیل کنند که در همان روزها خبرش به رسانه‌ها رسید. خلاصه در آنجا لباسهای مان را عوض کردیم و یک پیژامه و شلواری را که یونیفرم زندان ۵۹ بود به ما دادند و پوشیدیم. تمام وسایلی که همراه داشتیم حتی ساعت دستی‌ام را از من گرفتند. سپس با چشم‌بند مرا بردند و پس از عبور از یک حیاط، داخل بندی شدیم در سلول ۷۵ بند یک زندان ۵۹ سلولی بود که عرضش یک متر و ۳۰ سانتیمتر و طول آن دو متر و ۵۰ سانتیمتر بود.

سلول‌های زندان ۵۹ نور و هوای مستقیم نداشت. پنجره کوچکی در قسمت بالای اتاق بود که کرکره روی آن را پوشانده بود و نور هم بسیار کم بود. مواقعی که برق می‌رفت، سلول بسیار تاریک می‌شد؛ به طوری که در روز هم بدون نور چراغ مطالعه ممکن نبود. بعد از ساعت ۹ صبح همان روز یکشنبه ۱۹ فروردین در حالی که کمی خوابم برده بود مرا برای بازجویی صدا زدند. کف سلول یک پتوی سربازی انداخته بودند، دو پتوی اضافه هم برای زیر سر و روانداز بود. سلول دو دریچه داشت؛ یکی در قسمت پایین سلول که به اندازه رد شدن یک کاسه بود و موقع دادن غذا باز می‌شد. دریچه دیگر در قسمت بالای سلول بود که نگهبان آنرا باز می‌کرد تا زندانی را کنترل کند یا با او حرف بزند. درب سلول فلزی و بسیار سنگین بود و کشورهای

بسیار قوی داشت و مطابق ضوابط زندان، شبها دو قفل هم به آن می‌زدند تا زندانی حتی خیال فرار به ذهنش خطور نکند. در دو طرف این بند سلول‌های دیگری بود. شرایط داخل زندان هم کاملاً نظامی بود. این نوع زندان‌ها برای جنایتکاران جنگی و آدم‌های خطرناک ساخته شده و از همه نظر کنترل می‌شد. با تجربه‌ای که از زندان‌های قبل داشتم، این زندان چیز دیگری بود. پشت در هر سلول یک جفت دمپایی بود که نشان می‌داد سلول‌ها انفرادی هستند.

به تدریج متوجه شدم در همان روز دوستان هم‌فکرم را به همین زندان آورده‌اند. صدای کسانی که موقع رد شدن از مقابل سلول، سلام و صحبت می‌کردند را تشخیص دادم که از آشناترین آن‌ها صدای دوستان اصفهانی (آقایان مسکین، اشفاق و دکتر غروی) بود که با لهجه گرم و شیرین خود جلب توجه می‌کرد و کاملاً مشخص بود آن دوستان را همزمان در همان روز شنبه بازداشت کرده و به تهران آورده‌اند. به طوری که متوجه شدم آمدن آقایان به تهران و انتقال به داخل زندان هم داستان جالبی بوده است؛ به خصوص مأمورانی که دوستان اصفهانی را که آورده بودند، نمی‌دانستند که باید به آن‌ها چشم‌بند بزنند. در نتیجه آنان را بدون چشم‌بند ابتدا وارد زندان ۵۹ کردند. چون اعضای تیم نمی‌دانست که زندان ۵۹ شناخته شده نیست، هنگام وارد شدن، دیده بودند که آقای حسین شریعتمداری<sup>۱</sup> (مدیر روزنامه کیهان) با یک ماشین بنز آنجا پیاده شد. بعد که قضیه را متوجه شدند گفتند مثل این که این‌ها را اشتباه آوردیم و دوباره آن‌ها را به بیرون برگردانده و این بار با زدن چشم‌بند به آن‌ها، مسیرهای طولانی را در شهر گشت زدند و بعد آقایان را به همان زندان ۵۹ برگرداندند. به این

۱. حسین شریعتمداری (تولد ۱۳۲۶ دماوند) معروف به برادر حسین، روزنامه‌نگار، نماینده ولی فقیه و مدیر مسئول روزنامه کیهان (از یکم دی ۱۳۷۲ تا کنون). پیش از او سیدمحمد اصغری این سمت را برعهده داشت. شریعتمداری از آغاز روزنامه کیهان را به شاخص‌ترین روزنامه داخلی ضد جریان اصلاح‌گرای و سپس ضد جریان اعتدال‌گرای تبدیل کرد و در جریان کلی انتخابات ادوار مختلف ریاست‌جمهوری و مجلس شورای اسلامی و انتخابات دیگر، ضمن حمایت از محافظه‌کاران، غالب اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان را در خط آمریکایی و غرب دانسته و به بسیاری از آنان اتهام جاسوسی وارد کرده است. وی در ۱۳۹۳ نشان جهادگر عرصه فرهنگ و هنر را دریافت کرد. (م. ر.)

ترتیب آشکار شدن این نکته که آقای شریعتمداری هم جزء تیم بوده، داستان را جالب‌تر کرده بود. البته حتی اگر دوستان هم او را ندیده بودند، مستندات بسیاری در جریان دادگاه به خوبی روشن کرد که او و سایر کیهان‌نشینان در این پرونده کاملاً مرتبط بودند؛ به طوری که در دفاعیه خود این مستندات را ارائه کردیم و نشان دادیم که اینها چگونه در این پرونده ارتباط دارند.

به طوری که عرض کردم صبح همان روز اول که بازجو مرا صدا زد، گفتم که اتهام من تفهیم نشده و اجازه دهید بعد از تفهیم اتهام، به پرسش شما پاسخ می‌دهم. او هم پذیرفت و من به سلول برگشتم. متوجه شده بودم که این تفهیم اتهام از نوع سال‌های قبل نیست و با تفهیم اتهام‌های گذشته فرق دارد. بازجویان رفتارشان خیلی نرم و ملایم بود و نگهبانان هم برخورد متفاوتی داشتند. شاید چند ساعتی در سلول استراحت کردم تا این که بعد از ظهر دو مرتبه مرا صدا زدند و گفتند با قاضی پرونده صحبت کرده، می‌آیند و تفهیم اتهام می‌کنند. قبل از صدور حکم از من خواستند شرح بیوگرافی خود را بنویسم. گفتم: ایرادی ندارد، می‌نویسم. چند ورق کاغذ به من دادند. چون آمادگی ذهنی خیلی خوبی داشتم، قلم را روی کاغذ گذاشتم و چهار یا پنج صفحه بیوگرافی خودم را نوشتم. اولین ارتباطم با بازجو از طریق این بیوگرافی بود.

شب آقای بابایی و رئیس دفترش آقای حسینی برای تفهیم اتهام به داخل سلول آمدند. (در داخل سلول و دستشویی چشم‌بند نداشتم ولی در تمام مراحل دیگر مثل بازجویی‌ها، کسانی که آنجا بودند را نباید می‌دیدم؛ به خصوص در مواجهه با بازجو‌ها که خیلی جدی بودند حتماً باید چشم‌بند به چشم می‌داشتم.) آقای بابایی در درون سلول برگه اتهامی را جلوی من گذاشت. در ۷-۸ سطر این برگه اتهامات من شامل براندازی نظام جمهوری اسلامی، اقدام علیه امنیت داخل و تشویش افکار عمومی و از این قبیل موارد قید شده بود. زیر برگه عیناً نوشتم این اتهامات کذب محض است. کسانی که تمام زندگی خودشان را صرف پایبندی به اعتقادات دینی‌شان کرده، در مدیریت انقلاب شرکت داشته و از خدمتگزاران نظام جمهوری هستند، چنین افرادی

دنبال براندازی نیستند. اما به لحاظ حقوقی طبق اصل ۳۲ قانون اساسی<sup>۱</sup>، موضوع و دلایل اتهام بایستی کتباً به متهم ارائه شود. شما که مدعی هستید، اگر دلیلی دارید، باید مستندات و دلایل خودتان را ارائه کنید و به من بگوئید. گفتند: بعداً مشخص می شود. تفهیم نکردن دلایل اتهام به متهم در واقع نقض صریح و آشکار اصل ۳۲ قانون اساسی بود. سؤالاتی هم که بعد در مرحله بازجویی می‌کنند باید در راستای همین دلایل باشد. بعداً متوجه شدم اینها هیچ دلیل مستندی ندارند. علاوه بر این اصلاً از سوابق فعالیت‌های نهضت آزادی ایران هم اطلاعاتی نداشتند. پیش از آن وزارت اطلاعات در جریان سوابق نهضت بود اما اطلاعات سپاه در جریان نبود و اینها می‌خواستند از طریق همین اسناد و مدارکی که از منازل و دفاتر ما برداشتند و از طریق این بازجویی‌ها اطلاعاتی کسب کنند. همین طور هم شد. یعنی مجموع اطلاعات جمع‌آوری کرده از منازل دوستان، به علاوه اسناد و مدارک و سوابق نهضت و اطلاعاتی که در این بازجویی‌ها بدست آوردند را در پرونده منعکس کردند. به عبارتی موقعی که حکم دستگیری‌ها را صادر کردند اصلاً هیچ مستنداتی نداشتند و حداکثر با ظن و گمان کار را جلو برده بودند. بنابراین پرونده‌های تشکیل شده در سال ۱۳۸۰ هیچ ارتباطی با پرونده‌های قبلی در سال‌های ۶۷ و ۶۹ نداشت. فقط پرونده‌هایی را داشتند که وزارت اطلاعات در اختیار دادستانی از قلاب گذاشته بود و از مجموع اطلاعات وزارت اطلاعات در مورد ما آگاهی نداشتند. سؤالات و بازجویی‌ها کاملاً حاکی از این واقعیت بود و همه دوستان هم این را کاملاً تأیید می‌کردند. موقعی که در مورد تفهیم اتهام با بازجو صحبت می‌کردم، او هم همین مطلب را گفت که روش‌ها فرق دارد؛ در روش ما آخر بازجویی مشخص می‌شود که دلایل اتهام چیست! بنابراین

۱. اصل ۳۲ قانون اساسی: هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

کاملاً مشخص بود که هیچ مستندی ندارند و از همان ابتدا در عملکردشان نقض اصول قانون اساسی مشخص بود.

در مورد شرایط نگهداری خودمان در زندان کاملاً مشخص بود که بندها و سلولها نقاشی شده و به دیوارها رنگ سفید زده و در واقع دستی به سر و روی آن کشیده بودند. رئیس زندان بعد در یک ارتباطی از طریق بازجو در صحبتی به من گفت: بله، ما برای شما در داخل بند، دو دستگاه بخور آب (یکی در قسمت بازجویی و یکی در حال ورودی بند) گذاشتیم تا هوا مرطوب باشد. میخواستند بگویند شرایط خوبی برای شما تدارک دیدیم. بعداً متوجه شدیم آدمهای جدیدی آوردهاند که بتوانند این ۵۰ - ۶۰ بازداشت شده را نگهداری کنند. کاملاً مشهود بود که نوعی حالت آماده باش دارند.

۱۰ روز مرا در سلول ۷۵ نگه داشتند. سپس به دلیل بنایی سلول مجاور مرا به سلول ۵۷ بردند که انفرادی بود. این بند به شکل T بود و تعداد زیادی از سلولها در این قسمت اصلی واقع بودند. در قسمت شاخه T هم چند سلول دیگر بود. دستشوییها و حمامهای بند نیز در بخشی از این قسمت قرار داشتند. سلول ۵۷ در انتهای T واقع شده بود و اندازه تقریبی آن یک متر و سی در یک متر و هشتاد سانتیمتر بود. هوای این سلول خیلی بدتر بود و نوعی تبعید به حساب میآمد. چهار یا پنج روز مرا در آنجا نگه داشتند و در این مدت ظاهراً میخواستند به من فشار بیاورند تا با انجام مصاحبه موافقت کنم. بهطور صریح و شفاف به بازجو پاسخ دادم: اگر شما قصد دارید با فکر ما برخورد کنید، فکر را فقط با فکر می شود پاسخ داد. مطمئن باشید با فشار نمی توانید با فکر و اندیشه برخورد کنید. در شرایط کنونی من به هیچ وجه آمادگی صحبت را ندارم؛ در شرایط آزاد و در هر جا و با هر کسی که شما مشخص کنید آمادهم در مصاحبه شرکت کنم. مادامی که در بازداشت هستم از انجام هر نوع مصاحبه خودداری خواهم کرد. بازجو پس از شنیدن این حرفها گفت: من پاسخ خود را گرفتم.



این دوره هم گذشت و موقعی که بازجو دید در این سلول چه اندازه ناراحتم، مرا به سلول ۴۶ که مقابل سلول ۷۵ بود منتقل کرد. گمان می‌کنم این سلول کمی کوچک‌تر بود. دوستان ما هم در همین ردیف بودند. آقای مهندس صباغیان در سلول ۴۷، آقای مهندس مسموعی در سلول ۴۸ و آقای طاهر احمدزاده در سلول ۴۵ دور و بر من بودند و من تا آخر همین جا بودم؛ یعنی ۱۰ روز در سلول ۷۵ و ۵ روز در سلول ۵۷ و ۱۴۷ روز هم در سلول ۴۶ زندانی بودم. به عبارتی از تاریخ ۱۳۸۰/۱/۱۸ تا ۲۵ شهریور ۱۳۸۰ که مجموعاً ۱۶۲ روز می‌شود، من در بند یک بودم. این دوره به سختی گذشت و هر طور بود بازجویی‌ها را گذراندم. همان طور که توضیح دادم شرایط زیستی در این بند بسیار بد بود. نور و هوای مستقیم نداشت؛ به خصوص در تابستان گرم آن سال که درجه حرارت بالا بود، حرارت ۵۰ درجه را آنجا تجربه می‌کردیم. بقیه دوستان هم همین‌طور بودند؛ شدت گرما به قدری آنها را اذیت می‌کرد که مجبور بودند حتی زیر پیراهن‌های خود را درآورند و مرتب عرق بدنشان را بگیرند. در تابستان آن سال آب در تهران جیره‌بندی شده بود و ما در زندان چند بار قطع آب هم داشتیم و منبع آب اضطراری زندان هم کافی نبود. گاهی آب و برق همزمان قطع می‌شد و در تاریکی مطلق، هوای سنگین و دم کرده حالت بسیار سنگین و ناراحت‌کننده‌ای به وجود می‌آمد که بسیار سخت بود؛ به طوری که در این مدت دوبار گرفتگی قلبی پیدا کردم. یکبار در بازجویی، یکبار هم در همین حالتی که آب و برق قطع بود. در چنین وضعیتی قلب و هر دو دستم تیر می‌کشید و مجبور شدم دراز بکشم. بعد هم مرا برای معاینه و گرفتن نوار از قلب به درمانگاه زندان بردند و آنجا خواباندند.

غذای زندان‌ها معمولاً برنج و خورش یا عدس‌پلو بود. شب‌ها به زندانیان غذاهایی مثل کشک‌بادمجان یا سوسیس سرخ‌کرده می‌دادند که هر دو چرب بودند و برای ما که سن بالا داشتیم و نمی‌توانستیم این نوع غذاها را بخوریم، مناسب نبود. در همان اوایل که در زندان ناراحتی مزاج پیدا کردم پس از مراجعه به پزشک، آنها نوشتند از غذاهای بی‌نمک و کم‌چرب استفاده کنم. بعضی دوستان دیگر نیز با سن

بالای خود کمابیش همین وضعیت را داشتند و لازم بود از غذای ساده و کم نمک استفاده کنند. غذاهای کم نمک مانند کباب کوبیده، جوجه کباب، گاهی هم برگ و بیشتر زرشک پلو با مرغ را از بیرون تهیه می کردند. طبق قانون بایستی این غذاها را به زندانیان می دادند و نکته مثبت این بود که زندانبانان هم رعایت می کردند، پولی هم بابت غذا نمی گرفتند.

برای آب خوردن هم یک پارچ و لیوان پلاستیکی داشتیم. در تابستان که آب خیلی گرم بود، یخ داخل منبع می ریختند. ولی در تابستان آن سال مواقعی که جریان آب قطع بود، برای یک لیوان آب واقعاً له له می زدیم. در این مواقع نگهبانان تا حد امکان کمک می کردند و گاهی آب خنک را با پارچ به داخل سلولها آورده و به ما آب می دادند و گاهی هم نمی توانستند آب خنک به ما برسانند. در مجموع شرایط خیلی سختی بود. هنگام دستشویی پارچ را از شیر آب منبع پر می کردیم. در تابستان آن سال بارها بی آبی کربلا در روز عاشورا و آنچه بر امام حسین (ع) و یارانش گذشت را به یاد آوردیم.

در مورد امور بهداشتی زندان می توان گفت که تلاش مسئولان زندان در مجموع رعایت موارد بهداشت از نظر پاکیزگی ظروف غذا، حمام، جلوگیری و مقابله با شیوع بیماریها بود. ظروف غذا را خودمان می شستیم، در دست شویی و سایل شست و شو گذاشته بودند. این دفعه برخلاف دفعات قبل اینطور بود؛ حتی اگر ظرفی خوب شسته نشده بود تذکر می دادند که خوب شسته شوند. همانطور که گفتم سرویسها در انتهای بند یک و مقابلش حمام بود. زندانیان را هفته ای یکبار به حمام می بردند. منتها با عجله و فشار لباسهای زیر را همراه با شست و شوی خودمان می شستیم. لباسها هفته ای یکبار عوض می شد. لباس روی زندانیان را ماشین لباسشویی می شست سپس در اختیار آنها قرار می گرفت. هفته ای یکبار هم کف سلولها را می شستند. گاهی که برای هواخوری از سلول خارج می شدیم، داخل سلولها را که مورچه و سوسک داشتند، سمپاشی می کردند که تا اندازه ای مؤثر بود.

اوایل مدت هواخوری روزانه زندانیان نیم ساعت بود و بعد به ۲۰ دقیقه کاهش پیدا کرد. روزهای جمعه که روز رفتن به حمام بود، هوا خوری ندا شتیم. خارج از بند راهرویی بود که اتاق‌های بازجویی در آن قرار داشت و زندانیان پس از عبور از مقابل این اتاق‌ها به حیاطی می‌رسیدند که کمتر از ۲۰ متر طول و ۷ تا ۸ متر عرض این حیاط بود و باید در این فضای محدود قدم می‌زدیم. در این حیاط افراد را با فاصله ۵ تا ۷ متر از هم قرار می‌دادند تا با هم صحبت نکنیم و با چشم بند به طرف دیوار قدم می‌زدیم. البته آزادی عمل تا اندازه‌ای بود که بتوان در حیاط نرمش هم کرد ولی بجای نرمش قدم می‌زدیم تا بیشتر هوا بخوریم. نمی‌توانستیم با هم حرف بزنیم ولی طوری هم نبود که دوستان ما نتوانند از این فضاها استفاده کنند. مثلاً صدای پای آقای صباغیان و همین‌طور صدای پای من که ضمن راه رفتن با نگهبان صحبت می‌کردیم برای دوستان مشخص بود و آنها متوجه ما می‌شدند. گاهی هم از زیر چشم‌بند می‌توانستیم افراد را ببینیم، گاهی هم در حین عبور جملات تیزی را به همدیگر منتقل می‌کردیم و به این ترتیب ارتباط محدودی برقرار می‌شد که موجب تقویت روحی دوستان بود. البته در دو طرف حیاط نگهبان بود و امکان این که افراد بتوانند با هم صحبت کنند، نبود. تقریباً نوعی ارتباط بیشتر معنوی و روحی برقرار می‌شد که خودش برای ما خیلی امیدبخش بود. به‌خصوص در ماه‌های آخر که همه نگران حال هم بودیم، وقتی می‌دیدیم همه افراد سالم هستند و قدم می‌زنند خوشحال بودیم.

نکته دیگر، تنظیم برنامه روزانه در زندان بود و اینکه چگونه برنامه‌ریزی کنیم و ایام را بگذرانیم تا آثار سوء این دوره کاهش یافته و زمان بهتر بگذرد.

در زندان چند کتاب محدود برای مطالعه در اختیار محبوسین قرار می‌دادند که در درجه اول قرآن و مفاتیح، سپس صحیفه سجادیه و نهج‌البلاغه را شامل می‌شد ولی از کتاب‌های دیگر خبری نبود. با این وصف مطالعه همین چند کتاب بر ذهن و روان زندانیان نقش مهمی داشت. گاهی کسانی را که می‌خواستند تحت فشار بیشتر قرار دهند، همین کتاب‌ها حتی قرآن را از زندانی می‌گرفتند. مثلاً به یاد دارم قرآن را از آقای تقی رحمانی و نهج‌البلاغه‌ام را از من گرفتند. چنین اقدامی برای تحت فشار

گذاشتن یا تنبیه زندانیان بود. شاید هم به دلیل محدود بودن و نیاز دیگران به این کتاب‌ها بود. به هر حال برنامه‌ریزی برای مطالعه کتاب خیلی مهم و مؤثر بود. در ماه‌های چهارم و پنجم پذیرفتند از طرف خانواده چند جلد کتاب برایم بیاورند و آن‌ها را یکی یکی در اختیارم می‌گذاشتند.

آیات قرآن و بعضی از عبارات و حکمت‌های نهج‌البلاغه و تجربیات تاریخی و این نکته که در همه حال بایستی به یاد خدا بود؛ به‌ویژه بعضی آیات کلیدی قرآن واقعاً اثر خاصی روی انسان دارد. مثلاً آیه «هُوَ مَعَكُمْ اَيْنَمَا تَكُونُوا» (هر جا باشید خدا با شماست) و درک این مفهوم که جایی نیست خدا با شما نباشد، خیلی روی انسان و به‌ویژه زندانی اثرگذار است. تأکید قرآن در عبارت «هُوَ مَعَكُمْ» به این معنی که هر جایی باشید خدا با شماست و معیت دارد، طوری اثر داشت که زندانیان این آیه قرآن را در سلول‌های اوین سال ۶۷ نوشته بودند. بسیاری از زندانی‌ها این آیات قرآن را روی دیوارهای سلول می‌نوشتند و معلوم بود که خیلی روی زندانی اثر دارد. البته برای مؤمنین و کسانی که به خدا ایمان داشته باشند، به یاد آوردن آیاتی که به صبر و مقاومت و توکل به خدا اشاره و تأکید دارد مانند آیه «الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ...» بسیار آموزنده و آرامش‌بخش است زیرا آموزشی است که قرآن به پیامبران داده است. همین که قرآن می‌فرماید در مقابل این همه فشارهای داخلی و خارجی باید ایمانتان را حفظ کنید و صبر داشته باشید، در مقابل مشکلات زانو نزنید و به خدا توکل کنید و اگر به خدا توکل کنید، خداوند شما را کفایت و کمک می‌کند و همین کافی است. برای رسیدن به هر چیزی قدر و زمان گذاشته شده؛ باید صبر کنید تا آن قدر و اندازه‌اش برسد. آیات قرآن و این تجربیات تاریخی که در قرآن به پیامبران یادآوری و توصیه شده برای تو و برای همه مؤمنین آیه و نشانه است. بنابراین هر کسی که ایمان دارد بایستی از این دستورات عملی استفاده کند. در شرایط سخت خیلی مفید است که انسان این آموزه‌ها و دستوراتی که خدا به پیامبر و مؤمنین داده را نصب‌العین و الگوی خود قرار دهد و اگر بتواند با این دستورات عملی پیوندد برقرار کند و به آیات الهی باور و یقین داشته باشد، خدا هم کمک می‌کند و در

مقاطعی که لغزشگاه سختی هم هست انسان را حفظ می‌کند. خداوند را شکر می‌کنم که در زندان همین آیات قرآن و همین آموزش‌ها مدد و کمک ما بود و مرا و دوستانم را از لغزش‌ها مصون داشت. کسانی که برای اولین بار بازداشت شدند اگر لغزش‌های کوچکی داشتند، زود جبران می‌کردند یا آمادگی داشتند که خیلی زود جبران کنند و خودشان را آماده کنند. این هم یک مرحله بود که به‌خوبی گذشت.

در مورد سلول‌های زندان اشاره کردم که کوشیده بودند رنگ داخل سلول سفید باشد. همه جا و به‌خصوص اتاق‌ها کاملاً مشخص بود. در مورد روشنایی سلول‌ها هم دیدم که بعضی از آنها با دو لامپ (یک لامپ معمولی و زرد و یک مهتابی) روشنایی‌اش تأمین می‌شد. هر دو تا در روز روشن بود اما شب‌ها مهتابی را خاموش می‌کردند و نور زرد همچنان می‌ماند. در بعضی سلول‌ها سیستم خاصی تعبیه کرده و پرژکتور گذاشته بودند که نورش خیلی قوی بود و در شبانه‌روز هم خاموش نمی‌کردند. نور آن از دریچه بالای درب به درون سلول می‌افتاد. بیرون سلول دور از دسترس زندانی بود و در تمام مدت شبانه‌روز، نور سفید پرژکتور به داخل سلول می‌آمد، که این هم وسیله‌ای برای شکنجه زندانی بود. آقای دکتر پیهان را در یکی از سلول‌ها مدتی در این شرایط نگهداری کردند. در بند ۲ هم سلول ۳۶ بود که مدتی هم ما این وضعیت را داشتیم. حتی موقع خواب در بند ۲، چراغ اصلاً خاموش نمی‌شد. تصور می‌کنم نور شدید ۲۴ ساعته از شیوه‌هایی است که برای تأثیر گذاری روی زندانی به‌کار می‌بردند. افراد را آزمایش می‌کردند تا عکس‌العمل آنها را ببینند. واقعاً شرایط بسیار سختی بود که آثارش روی دوستان ما کاملاً مشهود بود. در هفته‌های اول که دوستان را به زندان آوردند؛ به‌خصوص دوستان اصفهانی که لهجه‌شان مشخص بود از سلام و علیکی که در رفت و آمدها با نگهبانان می‌کردند معلوم بود که روحیه جمعی بسیار خوب است؛ در هفته‌های اول دوستان نمازشان را بلند می‌خواندند و به‌خصوص نماز صبح در فضای بند زندان پیام‌امیدی بود و دل‌ها

را بهم پیوند می‌داد. روزهای جمعه آقای دکتر غروی<sup>۱</sup> نماز جمعه را بلند می‌خواندند که برای مجموعه خیلی امیدبخش بود. گاهی وقت‌ها نگهبانان مانع می‌شدند. کما اینکه یکی از نگهبانان بلند می‌گفت مثل این که امام جمعه اصفهان را این‌جا آوردند! و کاملاً اعتراض می‌کرد. می‌گفتند نماز را آهسته بخوانید و ملی باز دوستان بلند می‌خواندند.

به هر حال این ارتباطی که دوستان از طریق رفت و آمد و صدا برقرار می‌کردند به رغم همه محدودیت‌ها برای تغییر روحیه جمعی دوستان بسیار مفید بود. به خصوص وقتی می‌دیدند که افراد برای بازجویی سر حال می‌روند و بر می‌گردند و از روحیه خوبی برخوردارند در واقع تأثیر مثبتی داشت و موجب تقویت روحیه بقیه می‌شد. البته طنین بلند صدای دوستان تا ماه دوم و سوم ادامه یافت و از ماه چهارم به بعد به دلیل تحلیل رفتن توان‌ها کم شد؛ درست مثل شمعی که شعله‌اش به تدریج کم شود. به خصوص در بازجویی‌ها به علت وارد آمدن انواع فشارهای جسمی و روحی روی دوستان، توان آن‌ها خیلی ضعیف شده بود از حرف زدن آنها کاملاً معلوم بود که چه اندازه بنیه خود را از دست داده‌اند.

در سلول‌های انفرادی با این‌که تنها بودیم، از بیماری دوستان اطلاع پیدا می‌کردیم. موقعی که یکی از ما را به درمانگاه می‌بردند مخصوصاً بلند صحبت می‌کردیم؛ طوری که دوستان بشنوند چه مشکلی پیدا شده است. از جمله حوادثی که احتمالاً در مرداد ماه اتفاق افتاد، روزی بود که سروصدای شدیدی در داخل بند بلند شد و کسی با صدای بلند فریاد می‌زد: می‌گشتم، می‌گشتم. این حادثه برای ما کاملاً بی‌سابقه بود.

۱. سید علی اصغر غروی در مهر ۱۳۲۵ در اصفهان زاده شد. او عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران و مسئول شاخه اصفهان به‌شمار می‌رود. او دانش‌آموخته فلسفه اسلامی و مترجم، محقق و مفسر قرآن است. پس از پیروزی انقلاب، نماینده دولت موقت در لبنان و فرستاده دولت و شورای انقلاب به لبنان در سه ماه پایانی سال ۱۳۵۸ بود.

متوجه شدم صدا از سوی یکی از زندانیان از گروه انصار حزب الله<sup>۱</sup> است که با برادرش هر دو در یک سلول روبروی سلول ما بازداشت بودند. زندانی از پشت در سلول، شیشه آلبیمو را برداشت و آن را شکست و به نگهبان (آقای شیخ علمی) حمله آورد و دستش را پاره کرد و در حالت عصبانیت، نگهبان را تهدید می کرد که جلو نیا، می زنم و می کشم و بعد هم خودم را می کشم. بعد هم داد می زد که می زنم و می کشم. این جریان در قسمت جلو سلول آقای صباغیان و درست مقابل سلول ما اتفاق افتاد و کل ماجرا تقریباً سه ربع یا یک ساعت طول کشید. بعداً از صحبت های خودش متوجه شدیم که از انصار حزب الله است. زمانی هم که از نگهبانان در مورد آن دو پرسیدیم، آنها سوابق هر دو برادر را گفتند. رفتار غیر معمول او باعث نگرانی و اضطراب همه نگهبان ها شده بود. مطابق قوانین نباید ظروف شیشه ای در دسترس زندانی باشد. اگر هم ظرف از جنس شیشه باشد، باید آن را بیرون سلول بگذارند. گمان می کنم در سلول ۴۸ که آقای مهندس مسموعی حضور داشتند، شیشه آلبیمویی گذاشته بودند. آنچه که در آن لحظه مرا نگران می کرد این بود که این صحنه در مقابل سلول ما ایجاد شده و شخص حمله کننده از بیرون می توانست در سلول یکی از ماها را باز کند. هیچ بعید هم نبود که در سلول را باز کند و با حمله به دوستان و ما، اتفاق ناگواری به وجود آورد. بعد هم در بیرون شایع کنند زندانی ها اغتشاش کرده و خودشان به همدیگر آسیب رساندند. مشابه چنین حوادثی را در فیلم ها و داستان های جنایی، زیاد دیده و خوانده بودیم. خوشبختانه با تلاش یکی از نگهبانان که ارتباط خوبی با ما داشت و خیلی به موقع دست به کار شد و کمک کرد، این نگرانی برطرف شد. این نگهبان

۱. انصار حزب الله از تشکل های سیاسی، فرهنگی و محافظه کار تندرو در جمهوری اسلامی ایران است. این مجموعه که به عنوان یک گروه فشار متشکل از لباس شخصی های بنیادگرای هوادار حکومت ایران به شمار می رود در سال های دهه ۱۳۷۰ با هماهنگی نهادها و نیروهای بالادستی برای دفاع از نظام حاکم و برپایی آنچه که آن را امر به معروف و نهی از منکر می خوانند، فعال گردید. این گروه با شبکه گسترده خود در سراسر کشور و اعمال رفتارهای خشن و ضربتی در سرکوب جنبش دانشجویی، آزار روشنفکران و گروه های متقدم حکومت و حمله به مطبوعات و اصلاح طلبان پیشرو نقش مهمی ایفا کرده و در سال های اخیر شاهد انشعابات متعدد و کناره گیری رهبران و اعضای برجسته خود بوده است.

خودش را زود رساند و بلافاصله سلول‌های ما را از بیرون قفل کرد که ما متوجه شدیم مشکل برطرف شده و دیگر برنامه‌ای نیست.

اظهارات شخص زندانی در آن لحظه جلب توجه می‌کرد. می‌گفت: «شما احمد آقا [خمینی] را کشتید! سعید امامی را شما کشتید! سعید امامی جز اینکه چهار تن از این مفسدها را کشته بود کاری نکرده بود. شما او را کشتید. به جان روح‌الله، به جان آقا (منظورش آقای خامنه‌ای بود) من می‌خواهم بروم با آقا صحبت کنم، باید مرا به دادگاه ببرند. یکی از راننده‌ها بیاید مرا ببرد که بالاخره محاصره‌اش کردند و یکی از نگهبان‌ها روی او پرید و او را گرفت ولی تقریباً حدود سه ربع ساعت، همه ما تحت فشار و تنش بودیم. بعد متوجه شدیم آقای شیخ علی نکهبان زخمی شده و به بیمارستان رفته است. آن‌طور که ما شنیدیم برنامه‌ای در مشهد بوده و اینها چون کار بی‌رویه‌ای انجام داده بودند، بازداشت شده و بعد از تحمل گوی شمالی و تعزیر، آزاد شدند.

باید این را هم اضافه کنم که در آنجا زندانی غیرسیاسی نبود و بجز افراد سپاهی، همه سیاسی بودند. ظاهراً غیر از ما کسان دیگری هم در زندان عمومی بودند ولی فضای غالب را دوستان ما تشکیل می‌دادند. او خردانشجویان را هم آوردند و مشخص بود که آن‌ها را بازجویی کرده‌اند. از نوع صحبت‌هایی که در اتاق‌های بازجویی انجام می‌شد و صدا منتقل می‌شد، بازجو نسبت به دکتر شریعتی و مهندس بازرگان بدگویی و توهین می‌کرد که شماها چرا دنبال آدم‌هایی با این ویژگی‌ها می‌روید؟ بازجو از این طریق می‌خواست به آنها ضربه روحی وارد کند. می‌دیدم که بعضی از این دانشجویان تحت فشار بوده و سکوت می‌کردند. بعضی‌ها هم پاسخ می‌دادند و می‌گفتند: این‌طور نیست. بعضی هم از این نیروهای سپاه یا انصار حزب‌الله بودند که به آنجا می‌آوردند. متفرقه بودند ولی بالاخره همه زندانی‌ها امنیتی بودند.



در زندان دو نفر عنوان سرشیفت داشتند؛ یکی قدیمی و مسن بود که به او حاج شیخ می‌گفتند. دیگری هم آقای احمدی مردی فهمیده و اهل مطالعه بود که نگهبانان پشت سرش نماز جماعت می‌خواندند و بعد از پایان نماز هم برای آنها سخنرانی می‌کرد. او مسئول توزیع دارو هم بود و بعد از غذا، داروها را می‌داد. این ظاهر قضیه بود و در اصل او را آورده بودند تا زندانیان را مورد سنجش قرار دهد. کما این که حاج شیخ را هم به همین مناسبت آورده بودند.

پس از اتفاقی که در زندان افتاد، سرشیفت (حاج شیخ) خطاب به زندانیان گفت: همه، کتاب‌ها و عینک‌های خود را بیرون بگذارند. این برنامه برای حال‌گیری از زندانیان داخل سلول اجرا می‌شد. زیرا برای زندانی، داشتن عینک و کتاب بسیار مهم بود. به هر حال کتاب‌ها و عینک‌ها را گرفتند و بیرون بردند و دو سه ساعت بعد پس دادند. من به حاج شیخ گفتم: همین که از خودتان خونسردی نشان دادید خیلی خوب بود و مقداری تمجیدش کردم که شما خوب مدیریت کردید. او گفت: ما می‌توانستیم با شلاق او را بزنیم به طوری که فلج شود ولی نخواستیم این کار را بکنیم. به این ترتیب خواست بگویند برای ما فرق ندارد، با هرکسی که از این نوع کارها کند با شلاق برخورد می‌کنیم. نگران بودند مبادا دیگران هم بخواهند مشابه این برنامه‌ها داشته باشند. در زندان دو سه نفر که این کار را بکنند می‌توانند در تمام سلول‌ها را باز کنند، یک دفعه تیمی ۴۰ - ۵۰ نفره شوند و بیرون بریزند و زندانبانان مجبور شوند تیراندازی و برخورد مسلحانه کنند ولی بالاخره زود متوجه شدند که این زندانیان از آن نوع نیستند. قدرت دوستان ما در فکر و منطق و گفت‌وگو بوده و همواره از این طریق اثرگذار بوده‌اند. هیچ وقت اهل خشونت و این‌طور برخوردها نبوده و نیستند. کسانی که بالای ۵۰ - ۶۰ سال از عمرشان گذشته بود و شخصی مانند آقای احمدزاده که آن زمان ۸۰ سال از عمرش را سپری کرده بود اصلاً این تیبی نبودند. جوان‌ترهای منسوب به این جریان مثل آقای مهندس محمود نعیم‌پور و ... هم هیچ‌کدام این‌طور نیستند.

نکته قابل توجه دیگر این که نگهبانان زندان دو تیپ بودند؛ یک تیپ مسن، قدیمی و باتجربه که عموماً از خانواده شهدا بودند و در این کار همکاری می کردند. بعضی از آن‌ها سابقه زندانبانی داشته و مثلاً می گفتند ۱۵ سال در این جا سابقه کار داریم. از حالات چشم‌شان هم کاملاً مشخص بود که سابقه دارند. گروه دوم تعدادی جوان سرباز و وظیفه سپاه که برای زندانبانی گزینش شده بودند. معموماً بین این دو تیپ اختلاف و بگومگو اتفاق می افتاد که داستانهای جاگانه‌ای دارد. نوع برخورد دوستان ما با این دو گروه بسیار آموزنده و قابل توجه بود و به‌ویژه روی جوان‌ترها اثر گذاشته بودند. به طوری که متوجه شده بودند که این جمع زندانی، جمع خاصی است. مواقعی که زندانبانان ما را برای رفتن به بیمارستان بقیه‌الله یا دادگاه همراهی می کردند، فرصت مناسبی برای گفت‌وگو پیش می آمد که برای آنان بسیار آموزنده و تأثیرگذار بود. صراحتاً می گفتند که ما متوجه وضعیت شما هستیم. ما هم مثل شما یا حتی بیشتر از شما زیر فشار هستیم. بعضی مواقع کمک‌هایی هم به ما می کردند. در مقاطعی نوع رفتار دوستان ما با نگهبانان یک دوره کاملاً آموزنده‌ای بود. این اثرگذاری‌ها نه فقط آنها بلکه حتی بازجوها را هم شامل می شد. حالا این مجموعه چه اندازه تأثیرگذار بوده در آینده بایستی بررسی شود. ولی قرائن نشان می داد که نوع رفتار دوستان ما روی فضای داخل زندان و افراد آن قطعاً تأثیر مثبت داشته است.

خوب به یاد دارم که در ماه‌های دوم و شاید سوم، با توجه به وضعیت سلول انفرادی و فشارهایی که در بازجویی متحمل شدم کم‌کم احساس کردم پرده گوش‌هایم مور مور می کند و مشکل گوش درد پیدا کرده‌ام. کلیه پزشکان آنجا عرضوا سپاه بودند و زندانی را معاینه می کردند ولی آنها پزشک عمومی بودند و مواقعی که پزشک تخصص مورد نیاز بود، زندانی را به بیمارستان بقیه‌الله اعزام می کردند. تیم پزشکان این بیمارستان نیز همگی از سپاه بوده و همه در مجموعه واحد خدمت می کردند و معلوم بود همه کانال‌ها به سپاه ختم می شود.

در همان هفته‌های اول بازجویی یک‌بار ضمن بازجویی، قلبم گرفت و تیر کشید. قبل از بازداشت ۱۳۷۹ ناراحتی قلبی پیدا کرده و در بیمارستان پارس بستری شده بودم. در آنجا تمام آزمایشات لازم مربوط به قلب همراه با تست ورزش و اکو را انجام دادند و مشخص شد که دریچه پایین قلب من افتادگی پیدا کرده است. ظاهراً پایین افتادگی دریچه مقداری ارثی است یعنی نباید مطلب مهمی باشد. به هر حال قلبم شروع کرد به تیر کشیدن و دست و پای چپم نیز بی‌حس شد؛ به طوری که بی‌حال شدم. بلافاصله دکتر صدا کردند و دکتر به اتاق بازجویی آمد. من روی تخت در همان سالن دراز کشیدم. آنجا مدتی استراحت کردم. نوار اولی که از قلب گرفتند نگران‌شان کرد ولی بعد از مدتی استراحت، نوار دیگری گرفتند و گفتند: مسئله‌ای نیست. طبیعی بود که مشکل از استرس‌های دوران بازجویی ناشی شده است.

در ماه دوم ابتدا برای درد گوش به دکتر مراجعه کردم. با این تصور که گوشم چرک کرده، تعدادی کیسول داد ولی کم‌کم متوجه شدم موقع جویدن غذا، فکم ناراحت می‌شود. این بار کمی دیر و موقعی که دردها وسیع شده بود و دیگر غذا را نمی‌توانستم بجوم به دکتر مراجعه کردم. مرا برای معالجه به بیمارستان بقیه‌الله بردند که گوشم چرک کرده بود. برای فک هم که البته قبلاً مشکل فک یعنی عدم تعادل فک داشتم. آقای دکتر نخعی (متخصص بخش فک و صورت) معاینه کرد. ایشان گفتند تنها جایی که گوش شما معالجه می‌شود بخش تی ام جی مرکز پزشکی دانشگاه تهران است. باید آنجا گوش خود را درمان کنید. با نگیهان همراه به زندان برگشتیم اما چون نگیهان یادداشتی از دکتر نگرفته و یا نیاورده بود، موضوع لوٹ شد. دیگر پیگیری نکردند تا این که برای دستم مشکل پیش آمد و به خصوص موقع نماز خواندن، انگشتان دستم تیر می‌کشید و اعصاب دست راست کشیده می‌شد. دکتر و بازجو خیلی ناراحت شدند چون دستم حالت فلج پیدا کرده و درد خیلی شدید شده بود.

تقریباً یک‌ماه و نیم از آن جریان گذشته بود که بلافاصله باز مرا به بیمارستان بقیه‌الله بردند و دکتر متخصص اعصاب و قلب پس از معاینه گفت: این ناراحتی به

آرتروز گردن مربوط است و ۱۰ جلسه فیزیوتراپی برایم نوشت که تقریباً از اول تا بیستم تیر ۱۳۸۰ یک روز در میان مرا به بیمارستان می بردند. در بخش فیزیوتراپی یکی از آزادگان که از عراق آمده بود و مرا هم می شناخت با علاقه مندی کار می کرد. البته با آن که نگهبان ایستاده بود تا با کسی صحبت نکنم، گاهی که فرصتی فراهم می شد با هم صحبت می کردیم. مثلاً یک بار که از آقای سید علی اکبر ابوترابی<sup>۱</sup> صحبت به میان آمد و من گفتم که با ایشان نسبتی دارم و بعد یکی از منسوبین آزاده را معرفی کردم، گفت: بله، او را می شناسم و در دوره اسارت با همدیگر بودیم. به هر حال میان ما یک حالت عاطفی به وجود آمد. او فیزیوتراپی را خیلی با علاقه مندی انجام می داد و واقعاً این ۱۰ جلسه خیلی مؤثر بود و ۴۰ تا ۵۰ درصد از درد دستم کاهش پیدا کرد. برای تقویت عضلات گردن سه حرکت ورزشی هم توصیه کردند که همچنان انجام می دهم و اگر انجام ندهم گردنم واکنش نشان می دهد. در مورد ناراحتی فک هم پیگیری زیادی کردم. خانم دکتر سارا (دخترم) در بیرون زندان پیگیری کردند که مرا به دانشگاه تهران برده و معاینه کنند و چون موافقت نکردند تلفنی و با نظر دکتر متخصص سه یا چهار توصیه پزشکی کردند که خیلی مؤثر بود. در آن شرایط درد و بیماری، ملاقات با خانواده تسکین بخش بود و خیلی تأثیر داشت.

از تیرماه ۱۳۸۰ به بعد متأسفانه تاریخها را خوب به یاد ندارم. همه را در دفتر شخصی یادداشت کرده بودم ولی روز آزادی از زندان همه را از دفتر چه جدا کردند. بعد از آنکه از زندان بیرون آمدم همه رویدادها را با ذکر تاریخ دقیق مجدداً تا آنجا که در حافظه داشتم یادداشت کردم. مثلاً اولین تلفن و اولین ملاقات با خانواده و مواقعی

۱. سید علی اکبر ابوترابی (۱۳۱۸ - ۱۳۷۹) فرزند سیدعباس در ۱۳۳۹ عازم حوزه علمیه مشهد شد. سپس در نجف به تحصیل حوزوی پرداخت. در جنگ ایران و عراق در ستاد جنگ های نامنظم شهید دکتر چمران حضور داشت و نهایتاً به اسارت درآمد و نقش عمده ای در اردوگاه های اسرای ایرانی در عراق داشت. پس از مراجعت به ایران از مؤسسان جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی و در دوره های ۴ و ۵ مجلس نماینده مردم تهران بود و سرانجام در ۱۲ خرداد ۱۳۷۹ در مسیر زیارت حرم حضرت رضاع (ع) بر اثر سانحه رانندگی همراه پدرشان درگذشتند. آن مرحوم داماد آقای علی اکبر صدیقی (باجناق) بودند.

که آقای بابایی داخل سلول آمدند و باهم صحبت کردیم، زمان رفتن به دادگاه و ... همه اینها را در ذهن بازسازی و روی کاغذ یادداشت کردم. در اولین ارتباط تلفنی با خانواده با یک واکنش عاطفی روبرو شدم. تلفن‌ها خیلی مفید بود یعنی باهم اطلاعات مبادله کرده و از حال هم باخبر می‌شدیم که از نظر روحی خیلی مفید بود. متوجه شدیم به محض صحبت با خانواده بلافاصله آن‌ها اطلاعات را تنظیم می‌کردند و در اختیار سایت‌ها می‌گذاشتند و اطلاع‌رسانی می‌کردند و این خیلی مفید بود که خانواده‌ها مرتبط بودند. ملاقات با خانواده‌ها بخشی از این دوران بود. در اولین جلسه ملاقات که در محل دادگاه انقلاب داشتیم، آقایان حسن بابایی و علی مبشری (رئیس وقت دادگاه انقلاب) شرکت کردند. از اعضای خانواده، همسر، سارا (اله‌ام) خانم و احمد آقا و آقای طاهری هم بودند. در این جلسه من بیش از یک ربع خصوصی با خانواده بودم و کسی هم آنجا نبود اما بقیه وقت را با آقای مبشری و بابایی صحبت می‌کردیم. بحث‌های مختلف آنجا مطرح شد و برایم جالب بود این که روحیه افراد خانواده بسیار خوب بود. فرزندانم با آقای بابایی جدی صحبت می‌کردند؛ به طوری که آقای بابایی گفت: شما اصلاً به وکیل نیاز ندارید چون دختر شما می‌تواند وکیل‌تان باشد. این برخورد و روحیه خوب افراد و خانواده با من و بقیه دوستان برای تقویت روحی ما بسیار مفید بود. از تیرماه ملاقاتی داشتم که در همین ارتباط‌های یکبار ملاقاتی می‌دادند. تقریباً هر دو - سه هفته یکبار هم تلفنی صحبت می‌کردیم و این مذاکرات تلفنی و ملاقات‌ها بهترین فرصت برای برقراری ارتباط با خانواده‌ام بود. آن‌ها به من مشورت‌های پزشکی می‌دادند که بسیار مؤثر بود.

در ماه‌های پنجم دچار ناراحتی اعصاب شده بودم و عصب‌های دست و پایم کشیده می‌شد که دیگر تحمل آن برایم سخت شده بود. تا ماه‌های سوم و چهارم روی پا بودم و نسبت به بازجو و فضای زندان حالت تهاجمی داشتم ولی از ماه‌های تیر و مرداد به بعد دیگر توانم از دست رفته بود و بیشتر مقاومت می‌کردم تا خودم را حفظ کنم. آن حالت و روحیه و توان اولیه به طور طبیعی از بین رفته بود. در یکی از ملاقات‌ها این موضوع را با دخترم الهام خانم در میان گذاشتم و ایشان با یکی از

دوستان خود که در دانشگاه قزوین خانم دکتر روانپزشک بود، م شورت می کرد. این خانم متخصص اعصاب و روان نسخه‌ای داد که من آن را به‌عنوان یادگاری هنوز دارم. چند نوع قرص نوشته بودند، امضاء هم نکرده بود چون مستقیم مرا ویزیت نکرده بود. قرص‌های ویتامین E، ویتامین B1، آمپول ویتامین D3، قرص سیپروتادینو و کپسول فلوکستین بود که اینها را خانواده برایم فرستادند. دکتر زندان مرا خواست و پس از مشاهده داروها با مصرف قرص ویتامین E و ویتامین B1 موافقت کرد ولی آمپول و بقیه را خط زد و گفت م صرف اینها لازم نیست. کپسول فلوکستین و بقیه تقریباً ضدافسردگی هستند و ممکن بود با مصرف آنها قدری سرحال بیایم و آنها چنین چیزی را نمی‌خواستند. البته موقعی که برای ناراحتی آرتروز گردن پیش دکتر متخصص اعصاب می‌رفتم به‌طور خصوصی به دکتر گفتم که به داروی آرام‌بخش نیاز دارم. او هم نسخه‌ای نوشت که در آن داروهای آرام‌بخش بود ولی مأموران زندان هیچ‌گاه نسخه و داروها را به من ندادند. هرچه هم پیگیری کردم پاسخ ندادند. به هر حال از زمانی که این دو نوع قرص را خوردم، به تدریج حالم متعادل شد.

پس از مدتی مرا به بند ۲ منتقل کردند، آقای مهندس ابوالفضل بازرگان را هم به همین بند آوردند و در آنجا مدتی با هم بودیم. حال ایشان اصلاً تعریفی نداشت و روزانه تقریباً ۲۰ نوع قرص مصرف می‌کرد. واقعاً تحت فشار بود و شرایط سختی داشت. از ایشان خواهش کردم از مصرف قرص‌ها خودداری کند. ایشان هم پذیرفت و پس از آن تا روزهای آخر که آنجا بودند از قرص‌هایی که من به ایشان دادم، خورد و حال‌شان بهتر شد. این هم تجربه دیگری بود که م صرف زیاد دارو موجب تحلیل رفتن بدن، ضعف حافظه، افزایش فراموشی و کم شدن قدرت تمرکز می‌شود و کشش‌های عصبی و حالت‌های ویژه‌ای در انسان پدید می‌آورد که قبلاً هیچ‌کدام نبودند. شرایط زیستی خاص زندان چنین ناراحتی‌هایی را برای ما به وجود آورد و خوشبختانه با کمک خانواده و همراهی پزشکان آنجا، دسترسی به ویتامین‌ها ممکن گردید و تا اندازه زیادی مشکلات برطرف شد.

در زندان ملاقات‌ها کاملاً تحت کنترل بود و مسئولان زندان اجازه نمی‌دادند خانواده‌ها داروهای آرام‌بخش و سایر داروهایی که لازم داشتیم را برایمان بیاورند. در آنجا دوربین نصب بود، حتی زمان‌های مراجعه به پزشک یا بیمارستان نگهداران همیشه با ما بودند. در بیمارستان حق نداشتیم به پزشک بگوییم که زندانی هستیم. به‌عنوان مریض عادی می‌رفتیم و نمی‌توانستیم هیچ نوع ارتباطی با دیگران داشته باشیم. برای این‌که کسی متوجه نشود زندانی هستیم قبل از ورود به بیمارستان چشم‌بند را از دیدگان ما باز می‌کردند و هنگام خروج از بیمارستان، حوالی خیابان شیخ بهایی به توصیه نگهبان باید چشم‌بند را می‌بستیم. مردم می‌دیدند که ما با نگهبان هستیم ولی حق نداشتیم سخنی بگوییم و آنها هم حتماً می‌فهمیدند. در بیمارستان بدون اشاره به اینکه زندانی هستیم، همه مشکلاتم را می‌گفتم که چه حالت‌هایی دارم.

به یاد دارم یک‌بار وقتی از بیمارستان بیرون آمدیم، نگهبان از من خیلی تشکر کرد از اینکه همه مسائل را به دکتر گفتم بدون اینکه حرف خلافی زده باشم که نگهبان ناراحت نشود. توجه داشتم که او نشسته تا به اصطلاح خلاف ضوابط آنها مطلبی نگویم. موقعی که برای ناراحتی گوش، آرتروز و قلب به دکتر مراجعه کردم، مشخص بود که پزشکان از همکاران سپاه هستند. متوجه شدیم که رفتار آنها روز اول با روز آخر یکسان نبود. یک‌بار موقعی که ناراحتی گوارش و حالت تهوع شدید پیدا کردم، نیمه‌های شب ساعت ۳۰ دقیقه یا ۱ بامداد پزشک کشیک زندان آمد و مرا معاینه کرد. همین‌که پرونده را دید و متوجه شد ناراحتی قلبی دارم، مرا به بیمارستان بقیةالله اعزام کرد و شبانه در قسمت اورژانس، همه اقدامات لازم شامل گرفتن عکس از قلب و سینه و نوار قلب را به عمل آوردند و مشکلی نبود. صبح که می‌خواستیم به قصد مرخص شدن از بیمارستان و مراجعت به بازداشتگاه، سوار آمبولانس شوم، همان پزشک که شب گذشته مرا در بازداشتگاه معاینه کرده بود جلو آمد و پرسید: چطوری؟ با آن‌که در بازداشتگاه چشم‌بند داشتم و او را ندیده بودم ولی از صدایش حدس زدم که همان دکتر دیروزی است. گفتم: آقای دکتر، خیلی ممنونم که دیشب مرا به بیمارستان اعزام کردید. پرسید: حالا چطوری؟ گفتم: هنوز همان حالت دیشب را دارم.

گفت: پس باید باز هم معاینه شوی. سپس مرا پیش معاون بیمارستان برد که متخصص داخلی بود. وقتی پیش دکتر رفتیم به او گفت: ایشان یکی از دوستان خیلی خوب هستند و سپس رو به من کرد و گفت: حالا خودتان ناراحتی تان را بگوئید. من هم مقداری توضیح دادم. او هم پس از معاینه خطاب به دکترها گفت: مشکل خاصی نیست. خواست دارو بنویسد که من گفتم اگر خیلی ضروری است، م صرف کنم. گفت: نه ولی اگر این حالتها را پیدا کردی باید حتماً استفاده کنی. حالت هایی را گفت که خوشبختانه من نداشتم و از اتاق بیرون آمدم. روابط ما با دکترها فرق کرده بود و با آنها ارتباط انسانی و بسیار خوبی پیدا کرده بودیم چون متوجه شده و سوابق ما را دیده بودند. چون چند ماهی از بازداشت ها گذشته بود و اطلاعات تمام بازرجویی ها گردش کرده بود. در هر حال دوستان ما با برخوردهای مثبت، تأثیر خوبی روی همه گذاشته بودند که آنها پس از مدتی چنین رفتار محترمانه ای می کردند که با روزهای اول به کلی تفاوت داشت. به لحاظ پزشکی و خدمات بیمارستانی، پزشکان متخصص خوبی در بیمارستان بقیةالله بودند. بعضی از آنها متوجه شده بودند که ما زندانی های عادی نیستیم لذا خیلی با دقت کارشان را انجام می دادند. بار اول که به بیمارستان رفتیم برایمان پرونده های جدید درست کردند و نگاهبان گفت: شما اسم واقعی خود را نگوئید و نام مرا احمدی نوشت. موقعی که از من عکس گردن را به نام احمدی گرفتند، گفتم: آقا ممکن است از نظر پزشکی مشکلی داشته باشم، با نام اشتباه که نمی شود. در نوبت های بعدی دیگر اسم خودم را نوشتند، اما در مورد آقای مهندس ابوالفضل بازرگان موافقت نکردند که از اسم خودشان استفاده کنند، چون اسم بازرگان کاملاً شناخته شده بود.

نکته جالب دیگر اینکه تیمی که ما را جابجا می کرد و مسئول تحویل گرفتن و بردن ما به بیمارستان بود، از بچه های سپاه و جبهه بودند؛ حتی بعضی از آنها شیمیایی شده بودند. این اشخاص در طول این رفت و آمدها و مثلاً ده جلسه ای که برای فیزیوتراپی مرا همراهی می کردند و دفعات دیگر کاملاً به من نزدیک شده بودند و همه اسم شان را می گفتند. یکی از آنها به نام آقاسید شهرت داشت اما از صحبت هایی که با نگاهبان



دیگر می‌کرد متوجه شدیم اسم واقعی او آقای معلم‌زاده است. یکی دیگر که شیمیایی هم شده بود از دیگران خواسته بود او را سیدتراب بنامند. هم او در عروسی پسر آقای مهندس ابوالفضل بازرگان حضور داشت. یکی اهل قزوین بود، خیلی خوش‌برخورد و خوش‌صحبت هم بود و خاطراتش را همراه با چوک تعریف می‌کرد و می‌کوشید ارتباط عاطفی برقرار کند. البته در این رفت و آمدها غیر از آنها کسان دیگر هم می‌آمدند که نقش‌شان ارزیابی بود.

در این رفت و آمدها می‌کوشیدیم ضمن صحبت واقعیت‌ها و سوابق را به آنها بگوییم و دلایل بازداشت خود را توضیح دهیم. تقریباً همه افراد یک حالت انفصال داشتند. با یکی از آنها خیلی صحبت کردم و جلو رفتم. او گفت: ما الان با شما اختلافی نداریم؛ تنها اختلاف این است که شما ولایت فقیه را قبول ندارید و ما قبول داریم. گفتیم: ما که به قانون اساسی التزام داریم، بحث اعتقادی که مطرح نیست. نتیجه صحبت‌ها معلوم کرد که اختلاف سرچیه است. این صحبت‌ها و ارتباطات با این نگهبان‌ها کاملاً تأثیرگذار بود. در همان روزهای آخر زندان متوجه شدم هنگام مطالعه کتاب چشمم ناراحت می‌شود و سردرد می‌گیرم. پس از صحبت با پزشک زندان، مرا نزد چشم‌پزشک بردند. آنجا متوجه شدم که نمره عینکم تغییر کرده و از ۱/۵ به ۲/۵ تبدیل شده است. در یکی از ملاقات‌ها عینک را به خانواده دادم تا با تعویض شیشه، فشار روی چشمانم کاهش پیدا کند. این قبیل افت‌های جسمی همه از عوارض زندان بود و موجب می‌شد بدن از هر نظر ضعیف شود.

بعد از ۱۶۲ روز که بازجویی‌ها تمام شده بود ما را به بند ۲ منتقل کردند که برای ما فضای جدیدی بود. اصولاً هرگونه انتقال و جابجایی در روحیه زندانی اثر مثبت دارد. اندازه اتاق‌های این بند تقریباً دو برابر سلول انفرادی است و معمولاً در هر سلول دو زندانی را نگهداری می‌کنند. موقعی که وارد بند شدیم، درب چند سلول باز بود و آقای دکتر غروی داخل یکی از اتاق‌ها نشسته بود. با این تصور که قرار است پیش ایشان بروم، خیلی خوشحال شدم و با ایشان شروع به احوالپرسی و دیده‌بوسی

کردم. اما نگهبان گفت: شما باید به سلول ۲۹ بروید و منظورش سلولی بود که آقای دکتر هادی‌زاده در آن بود. گفتم: بسیار خوب؛ احدی‌الحسنین است.

پس از دو روز ماندن در سلول ۲۹ خوشبختانه سند آقای دکتر هادی‌زاده در دست شد و ایشان آزاد شدند. به یاد دارم که تاریخ آن روز ۲۸ شهریور ۱۳۸۰ بود. پس از چند روز آقای محمدابراهیم زمانی، دوستان شیرازی را نزد ما آورد که ۲۴ ساعت پیش من بودند و سپس با وثیقه آزاد شدند. از این نظر که سند ایشان هم حاضر شد، آن روز برای من هم روز خیلی خوبی بود. موقع خداحافظی برای آنان دعای سفر خواندم و دعا کردم و به این ترتیب بقیه افراد بند هم متوجه شدند که این دوستان هم آزاد می‌شوند. بعد آقای حسین درویش<sup>۱</sup> به سلول من آمدند و در این جایگاهی‌ها یک هفته هم ایشان با من بود که هفته خیلی سازنده‌ای بود و ارتباط خیلی خوبی با هم داشتیم. در تمام مدت شبانه‌روز برنامه‌های منظم و مفیدی داشتیم. اصولاً گذرانیدن با دوستان همفکر، رنج در زندان بودن را قابل تحمل می‌کرد. مدت ۲۰ روز هم در سلول ۲۹ بودم. بعد مرا به سلول ۳۶ نزد آقای مهندس ابوالفضل بازرگان بردند. ۴۵ روز هم در سلول ۳۶ گذراندم که باز چون برای یکدیگر کمک خوبی بودیم، خیلی سخت نگذشت. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره کردم از لحاظ پزشکی کوشیدم تجربیاتم را به ایشان منتقل کنم و ایشان با مصرف قرص‌های ویتامین به تدریج توانست نیروی جسمی خود را تقویت کند؛ به‌خصوص از این جهت که توانست خود را برای دفاع در دادگاه کاملاً آماده کند، خیلی مفید بود و در این فرصت دفاعیه خودشان را خیلی خوب اصلاح کردند. سپس دوباره مرا از سلول ۳۶ به سلول ۲۹ بردند. این بار تنها بودم. مدت چهار روز هم دادگاه داشتیم. من و سه دوست دیگر (مهندس ابوالفضل

۱. آقای محمدحسین درویش ملا به رغم اینکه پیش از بازداشت‌های سال ۸۰ به علت مسائل شخصی از نهضت آزادی ایران استعفا داده بود، پس از بازداشت، شجاعانه ایستاد و آن‌طور که خودش می‌گفت از سوابق خود و نهضت دفاع کرد و مانند دیگران با وثیقه آزاد شد. سپس ارتباط خود را با نهضت قطع کرد و به خارج از کشور رفت. در حالی که همچون برخی می‌توانست همان ابتدا از نهضت استعفا خود را اعلام کند و بلافاصله آزاد شود.

بازرگان، حسین درویش و دکتر غروی) را با هم به دادگاه بردند و در آنجا ما را از هم جدا کردند که با هم نباشیم. ماه مبارک رمضان هم بود و من دوباره تنها بودم. آن سال ماه رمضان برای من بسیار مبارک و پربار بود و توانستم با تمرکز بیشتر از نفعات معنوی آن ماه بهره‌مند شوم. در لحظات پایانی ماه رمضان، توانستم دفاعیات تجدید نظر را تهیه کنم و بعد از عید فطر ما را برای آخرین دفاع دادگاه فراخواندند. در آن روز تازه اولین نسخه مدافعات خود را پاکنویس کرده بودم، مجبور شدم که در دادگاه همان را امضاء کنم و تحویل دادگاه دهم. در مجموع ۹۱ روز مرا در بند ۲ نگاه داشتند. ۳۶ روز در انفرادی بودم که با آن ۱۶۲ روزی که قبلاً انفرادی بودم، ۱۹۸ روز را به صورت انفرادی گذراندم و ۵۵ روز آن را دو نفره با دوستان بودم.

در دوره‌ای که در بند ۲ بودیم روزنامه در اختیار ما قرار می‌دادند. پیش آقای دکتر هادی‌زاده که آمدم ایشان روزنامه داشتند. از دو روزنامه که به ما می‌دادند، یکی *اطلاعات فقط* می‌توانستیم یکی را انتخاب کنیم. بعد از شش ماه که به کلی ارتباط ما با بیرون قطع بود برای اولین بار به ما روزنامه دادند که مقداری با اخبار بیرون مرتبط شدیم. در زندان رادیو نداشتیم و ارتباط ما با دنیای خارج به کلی قطع بود. حتی در زمان انتخاب آقای خاتمی به ریاست جمهوری هم با بیرون هیچ ارتباطی نداشتیم مگر زمان‌هایی که بازجو می‌آمد و گاهی بعضی اخبار بیرون زندان را می‌گفت. جز اطلاعاتی که بازجو می‌داد، ارتباط ما با بیرون عملاً قطع بود. بعد از ماه چهارم و پنجم در مواقعی که با خانواده ملاقات داشتیم گاهی اخبار را از طریق آنها مطلع می‌شدیم. بعدها خانواده بعضی از روزنامه‌ها را داخل و سایل می‌گذاشتند که تا حدودی در جریان قرار می‌گرفتم. در آن دوره که پنج نفری با هم بودیم یکی از اتفاقات این بود که در یکی از هواخوری‌ها در حالی که قدم می‌زدیم آقای مهندس نعیم‌پور از من پرسید: آیا روزنامه *کیهان* را خواندید؟ گفتم، نه، گفت: حتماً آن را ببینید. وقتی به داخل سلول رفتیم، پیگیری کردم که نگهبان روزنامه *کیهان* را برایم بیاورد. همین‌طور که با آقایان مهندس صباغیان و منصوریان در بند ۲ صحبت می‌کردیم آنها مصاحبه آقای موشی (رئیس دادگاه‌های انقلاب) را خوانده بودند که گفته بود: «هیچ‌کدام از زندانیان در سلول

انفرادی نیستند، ما آنها را به زندان عمومی برده‌ایم.» متن این مصاحبه در کیهان آمده بود. آقای منصوریان که می‌دانست این سخن آقای مبشری خلاف است چون لا اقل من هنوز در سلول انفرادی بودم، مقداری شکلات روی روزنامه کیهان گذاشت و روزنامه را توسط یکی از نگهبان‌ها برایم فرستاد. من نیز پس از خواندن روزنامه بر اساس خبری که در کیهان درج شده بود، نامه‌ای بدین مضمون به آقای بابایی نوشتم: «شما اظهار داشته‌اید تمام متهمین نهضت آزادی ایران در بندهای عمومی هستند. در حالی که اطلاع دارید من تا این لحظه همچنان در سلول انفرادی هستم. خواهشمند است به آقای مبشری اطلاع دهید خبرشان را اصلاح کنند.» این نامه را نوشتم و در پاکت گذاشتم و به دست یکی از نگهبان‌ها دادم تا به آقای بابایی بدهند. این یادداشت اعتراض‌آمیز موجب شد روز بعد آقایان هدی صابر و تقی رحمانی را بلافاصله به بند عمومی بردند و بعد هم آقایان صباغیان، منصوریان و نعیم‌پور را بردند ولی مرا نبردند و تا روز جلسه آخرین دفاع که انجام شد، همانجا ماندم.

### د: نحوه بازجویی و رفتار با زندانیان

همان‌گونه که پیش از این توضیح دادم روزی که مرا به زندان ۵۹ بردند، آقای بابایی (قاضی پرونده) و آقای حسینی (رئیس دفتر شعبه ۲۱) شب هنگام به سلول من آمدند و موضوع اتهام مرا که قبلاً نوشته بودند به من نشان دادند. من هم در ذیل آن نوشتم این اتهامات کذب محض است و اصلاً با سوابق و خصوصیات فکری و اندیشه‌های من نمی‌خواند. شما اگر مدعی هستید و برای این اتهاماتی که به من نسبت می‌دهید دلایلی دارید باید طبق اصل ۳۲ قانون اساسی به صورت کتبی به من تفهیم کنید. طبیعی بود که هیچ دلیلی برای این اتهامات نداشتند و نتوانستند اتهامی را به من تفهیم کنند. هر بار هم که موضوع را پیگیری می‌کردم، بازجو فقط می‌گفت: روش‌ها متفاوت است؛ ما سؤالات را مطرح می‌کنیم و در پایان کار مشخص می‌شود دلایل اتهامات شما چیست. بعد هم متوجه شدم بازجوها از سوابق ما کمترین اطلاعاتی نداشته و تنها به مجموعه مدارکی که از منازل و دفتر نهضت جمع‌آوری کرده یا اطلاعاتی که در

بازجویی از ما به دست آورده بودند اکتفا کرده و در مرحله نهایی همین‌ها را به‌عنوان دلایل به ما ارائه دادند که نشان می‌داد مستندات برای بازداشت ما نداشتند.

تا آن زمان سوابق زندانی‌های قبلی را وزارت اطلاعات در اختیار داشت. در حالی که از این زمان اطلاعات سپاه با نظامی مستقل و جداگانه از وزارت اطلاعات و به گونه‌ای موازی وارد عمل شده و بدون آن‌که از سوابق زندانیان اطلاعاتی داشته باشد، اقدام به دستگیری ما کرده بود. اینها با هم رقابت اطلاعاتی داشتند؛ وزارت اطلاعات با اطلاعات سپاه همکاری نداشت و اطلاعاتی هم در اختیار آنها نمی‌گذاشت. در اتاق-های بازجویی همیشه رادیو روشن بود تا سیستم‌های پیشرفته وزارت اطلاعات نتوانند صداهای مجموعه را کنترل کنند و صدای رادیو باعث خنثی شدن سیستم مونی‌تور می‌شد. آنان نسبت به وزارت اطلاعات چنین حساسیتی داشتند و با آن‌که پرونده‌های دادستانی انقلاب در سال‌های ۶۷ و ۶۹ را در اختیار داشتند و ملی اطلاعات وزارت اطلاعات را نداشتند و به تدریج این اطلاعات را به دست آوردند.

روش کار بازجویان بدین نحو بود که همه اطلاعات جمع‌آوری شده از متهم را در پرونده قضایی نمی‌گذاشتند و تنها بخشی از اطلاعاتی را که لازم یا مصلحت می‌دانستند در پرونده منعکس می‌کردند. در سال‌های ۱۳۶۷ و ۶۹ وزارت اطلاعات هم تمام اطلاعاتی که از ما می‌گرفت را در پرونده قضایی منعکس نکرده بود، اما به هر حال داخل وزارت اطلاعات یک بخش مخصوص پرونده‌های نهضت آزادی است. از سال ۱۳۶۰ که وزارت اطلاعات تشکیل شد تمام اطلاعات مربوط به نهضت را مرتب جمع‌آوری کردند، کادری ویژه برای شناسایی نهضت آزادی اختصاص دادند، عواهل نفوذی و شنود داشتند و با استفاده از تجهیزات پیشرفته اطلاعات داخلی ما را به دست آوردند. اما اطلاعات سپاه فاقد این اطلاعات بود و وزارت اطلاعات آن پرونده‌ها را در اختیار سیستم اطلاعاتی زندان ۵۹ نگذاشته بود.

بازجویی من خودش را بنام «سید حسین» معرفی کرده بود، آدم نسبتاً آرام و سلیم‌النفسی به نظر می‌رسید و رفتارش با من خیلی ملایم بود. به من می‌گفت: شما هم سن پدرم هستید. تقریباً ۴۰ و چند ساله بود و به نظر می‌رسید اهل اطراف کرمان

باشد. گاهی به شهرش می‌رفت و برمی‌گشت اما هیچ وقت نگفت که اهل کدام شهر است. تعریف می‌کرد که سال‌ها در جبهه بوده و از سال‌های دهه ۱۳۶۰ در همین اداره با روش‌های ملایم به شغل بازجویی مشغول بوده است. طبق گفته خودش با روش‌های تند و خشونت‌آمیز موافق نبود. بخشی از اظهارات او برای من قابل تأمل بود چون خوب می‌دانم که در سال‌های دهه ۱۳۶۰ بازجویی‌ها آرام نبوده است. رفتارش را با من ملایم و آرام تنظیم کرده بود. من هم ضمن مطالعاتی در مورد تاریخ عاشورا، چون با روش امام حسین (ع) در برخورد با مخالفین آشنا شده و در ذهنم کاملاً جا افتاده بود، لذا کوشیدم در برابر بازجو و مجموع کسانی که در زندان با من ارتباط داشتند، همان روش و رفتار از موضع حق و نقش تعالی‌بخشی و آگاهی دادن و تاثیرگذاری را بیازمایم و تصور می‌کنم روشی که در این دوره به کار بردم کارآمد و مثبت بود. کما اینکه بازجوی من در پایان یکی از جلسات بازجویی در هفته‌های آخر به من گفت: ما از شما خیلی تأثیر گرفتیم. البته در دست به یاد ندارم که او به چه مناسبتی این سخن را به زبان آورد ولی مسلم بود که از برنامه‌ای که در ذهن داشتیم آگاهی نداشت. بازجوی می‌گوید که بیشتر اطلاعات مکتوب بگیرد و میزان مذاکرات شفاهی میان من و بازجو در مقایسه با سایر دوستان کمتر بود. خودش می‌گفت که ترجیح می‌دهد به صورت کتبی از من اطلاعات بگیرد.

بازجویی به دو روش متفاوت انجام می‌شد. بعضی بازجوها می‌کوشیدند به صورت شفاهی مثلاً سه یا چهار ساعت با متهم صحبت کنند. سپس از درون صحبت‌ها پرسشی بیرون کشند و طرح کنند و متهم در داخل سلول پاسخ خود را بنویسد. با شناختی که از خصوصیات من داشتند احتمالاً پیش‌بینی کرده بودند در بازجویی شفاهی مطلب خاصی دستگیرشان نخواهد شد. از این رو پرسش خود را مطرح می‌کردند تا کتبی پاسخ دهم. بازجوی من می‌گفت روش من چنین است. بازجوهای دیگر هم روش‌های دیگری داشتند. گمان می‌کنم بازجویی شفاهی برای متهمی که داخل سلول تنهاست، نه تنها اصلاً خسته‌کننده نیست بلکه راحت‌تر است. ضمن آنکه زندانی در این دوره همدمی پیدا می‌کند که صحبت کردن با او نوعی آرامش و نعمت است و در

عین حال تنوع است. شاهد موضوع این بود که بازجوی من در ابتدا بازجویی خیلی فشرده‌ای داشت. از همان روز دوم که از نظر خودشان تفهیم اتهام انجام شده بود، بعد از اقامه نماز صبح مرا در حالی که ناشتا بودم صدا می‌کرد و بازجویی‌ام شروع می‌شد. تقریباً در ساعت ۷ - ۸ صبح تنفس کوتاهی می‌داد تا بروم صبحانه بخورم. دیگر چای سرد شده و قابل خوردن نبود. پس از صرف صبحانه سرد برمی‌گشتم و بازجویی ادامه می‌یافت. موقع صرف ناهار هم به همین شکل بود و زمان کوتاهی برای خوردن ناهار و اقامه نماز در نظر گرفته بود و بلافاصله باید برای بازجویی برمی‌گشتم و تا حوالی ساعت ۷ و ۸ شب بازجویی‌ها ادامه داشت. این بازجویی ۲۵ روز طول کشید. صندلی‌های بازجویی دسته‌دار بود و من در طول مدت بازجویی باید سرم را پایین نگه می‌داشتم و موجب شد پس از مدتی به ناراحتی آرتروز گردن مبتلا شوم. پس از گذشت ۲۵ روز به تدریج فاصله بازجویی‌ها بیشتر شد و به هفته‌ای دوبار و چندی بعد هفته‌ای یک‌بار و گاهی نیز به دو هفته یک‌بار انجامید. در ماه‌های چهارم و پنجم گاهی برای بازجویی سه هفته فاصله می‌افتاد. ماندن در سلول برای دو هفته و سه هفته، بدون آنکه بازجو متهم را صدا کند، خیلی سخت بود؛ به‌ویژه موقعی که از سلول بیرون می‌آمدیم می‌خواستیم با کسی (ولو آنکه بازجو باشد) صحبت کنیم و از این نظر بازجویی برای ما نعمت و یک نقطه قوت بود، چون نقطه ضعفی نداشتم و خود را در موضع حق می‌دیدیم. در حالی که مرحله بازجویی برای عموم متهمین با تنش و نگرانی همراه است و موقعی که متهم را برای بازجویی صدا می‌زنند تنش می‌لرزد، تنش و ناراحتی دارد و نگران است. چنین حالتی مطلقاً برای من و دوستانم نبود؛ یعنی وقتی برای بازجویی می‌رفتیم، احساس بدی نداشتیم چون پس از مدتی تحمل تنهایی، از سلول بیرون می‌آمدیم و با یک نفر (صرف نظر از این که بازجو هم باشد) صحبت می‌کردیم.

روش شناخته‌شده مسئولان زندان این است که ابتدا متهم را در سلول زیر فشار می‌گذارند تا او خودش به صدا درآید که بازجو می‌خواهد. بنابراین در زندان‌ها شرایطی فراهم می‌کنند تا متهم از طریق نگهبان زندان، بازجو را صدا بزند با این قصد

که مایل است حرف بزند، اعتراف کند و حاضر شده خود را بشکند. این روش زندان برای زندانی است. بازجوی من هم خیلی اصرار می‌کرد و می‌گفت هر وقت کاری داشتی مرا صدا کن. من هم این تجربه را داشتم که نباید از بازجو چیزی خواست لذا هیچگاه هیچ چیزی از بازجو نخواستم. جز این مورد که در هفته‌های ابتدایی بازداشت روزی بازجو به من سؤالاتی داد و گفتم: دو یا سه ساعت دیگر برای من بیاور. گفتم: من ساعت ندارم. شما اگر می‌خواهید جواب را به موقع بیاورم، ساعت مچی‌ام را برگردانید و این تنها موردی بود که من اجابت خواسته او را مشروط کردم. او رفت و ساعتی را آورد که تا پایان دوره بازداشت در اختیارم بود. ساعت را می‌خواستم چون وسیله‌ای برای برنامه‌ریزی ۲۴ ساعت شبانه‌روز بود و واقعاً به من کمک کرد. ساعتی که اکنون به دست دارم از یادگارهای دوران تنهائی و بازداشت بود. این ساعت را تقریباً چند ماه پیش از زندانی شدن تهیه کرده بودم و خیلی دقیق کار می‌کرد. بازجو می‌گفت ساعتت هم مثل خودت دقیق است. زمان در زندان برای زندانی چنان سخت می‌گذرد که حتی داشتن یک ساعت هم برای او همدم می‌شود. داشتن این وسیله کوچک در زندان معنی بهتری پیدا می‌کند و از خودش خاطره بجای می‌گذارد؛ به شرطی که شخص بتواند از آن برای تنظیم بهتر کارها و برنامه‌هایش در شبانه‌روز به درستی استفاده کند. در این صورت علاوه بر جنبه کاربردی آن همدم آدم نیز می‌شود و به‌نظم ساعت یکی از پاسخ‌های راهبردی و استراتژیک در زندان است. چون داشتن نظم را به انسان یادآوری می‌کند و زندانی برای منظم کردن اوقات ۲۴ ساعته شبانه‌روز می‌تواند از آن استفاده کند. وقتی نظم باشد خیلی از مسائل حل می‌شود و از نظر من نعمت ارزشمندی است که جای شکر دارد و برای همیشه خاطره این نعمت برایش باقی می‌ماند.

در مورد فضای بازجویی گفتنی است اتاق بازجویی راهرویی بود که دو طرف آن اتاق‌هایی با ابعاد تقریباً ۱/۲۰ در ۱/۵۰ متر ساخته بودند. در مقابل چنین فضای محدودی یک صندلی دسته‌دار بود که متهم روی آن می‌نشست به طوری که روی متهم به طرف دیوار و طرفین او هم دیوار بود و بازجو پشت سر او روی صندلی دیگری



نشسته و گاهی هم می‌ایستاد یا جلو می‌آمد و بالا سر زندانی می‌ایستاد. بازجویی در چنین اتاقکی انجام می‌شد و دیوارها را هم طوری ساخته بودند که با توجه به بازبودن دائمی درها، صدای داخل اتاقک از راهرو و از دیوارها به بیرون منتقل می‌شد. به همین دلیل صدای دوستان در مواقع بازجویی در اتاق‌های مجاور شنیده می‌شد. مثلاً موقعی که آقای منصوریان مدتی در مجاور اتاقک من تحت بازجویی شفاهی بود و ساعت‌ها در مورد خاطرات، سوابق زندگی و تجربیاتش مطالبی را به بازجو می‌گفت، صدای بلند او را می‌شنیدم. گاهی صدای آقای محقق و آقای بسته‌نگار و یا بعضی دوستان دیگر مثل حاج آقا محمدی که راجع به بعضی از مسائل با بازجو صحبت می‌کردند را حتی از فاصله زیاد می‌شنیدیم. در چنین فضایی از روی عهد همیشه رادیو را روشن می‌گذاشتند تا صداها تداخل کند یا از بیرون کسی نتواند مذاکرات بازجویی را ضبط کند. گمان می‌کنم این کار آنها جنبه امنیتی داشت. حتی زمانی که خودشان در ماشین می‌نشستند باز رادیو روشن بود تا صداها تداخل کند و از بیرون صدایی شنیده نشود و یا کسی نتواند صدا را ضبط کند. دائماً رادیو قرآن را پخش می‌کردند و گاهی سخنرانی مذهبی از رادیو قرآن پخش می‌شد. من از اینکه بازجویان از سویی به رادیو قرآن و صدای قرآن و این‌گونه مطالب مذهبی مته‌سک بودند و از سوی دیگر این چنین خلاف قانون و ارزش‌ها عمل می‌کنند بسیار ناراحت می‌شدم. گاهی در سکوت از این‌که آیات قرآن را می‌شنیدم به فکر رفته و مفاهیم آیات را در ذهنم مرور کرده و از نظر روحی لذت می‌بردم، اما از این‌که می‌دیدم بازجویان به نام آیات قرآن، به هر طریقی می‌کوشند در بازجویی از متهم حرفی بیرون کشند و اعتراف بگیرند، رنج می‌بردم که چگونه به نام دین بر ضد دین عمل می‌کنند.

فضای بازجویی طوری بود که سربازجو یا بازجوهای دیگر می‌توانستند از بالای سر، متهم را کنترل کنند. گاهی در نیمه بازجویی، سربازجو وارد می‌شد و علاوه بر سؤالات بازجو، پرسش‌های دیگری را مطرح می‌کرد که در بازجویی من این کار یک بار بیشتر اتفاق نیفتاد و آن اندازه که اطلاع پیدا کردم این کار در مورد دیگران بارها انجام گرفت. به یاد دارم صدای سربازجو کاملاً تیز بود و فعلان سیاسی خارج از

کشور را خوب می‌شناخت. همین نکته معلوم می‌کرد از نیروهای قدیمی وزارت اطلاعات است. موقعی که در مورد سفر من و آقای دکتر یزدی به خارج از کشور در سال ۱۳۷۸ پرسید: در اروپا با چه کسانی ملاقات کردید؟ بلافاصله پا سخ دادم: آقای مهدی... تهرانی با ما ملاقات کرد ولی اسم کامل او را به یاد نیاوردم و گفتم: اسم خانوادگی او مرکب است و مطمئنم «خ» هم دارد. همین اندازه برای او کافی بود و خودش سریع گفت: بله، مهدی خانبابا تهرانی. منظورم این بود که همه را می‌شناخت. او و چند تن دیگر ظاهراً از ریزیهای وزارت اطلاعات بودند که آن زمان با اطلاعات سپاه کار می‌کردند. یکی از آنها اطلاعات زیادی داشت و افراد را خوب می‌شناخت و گاهی وارد بازجوییها می‌شد. در مقطعی که از بیرون فشار زیادی آورده و به هر نحو می‌خواستند ما را با افراد خارج از کشور مربوط کنند در خصوص سفر من به آلمان در سال ۱۳۷۸ بازجویی فشرده‌ای کردند. در حالی که بعدها شنیدم اصلاً این موارد ارتباطی به بازداشت ما نداشت.

پس از پایان ۲۵ روز بازجویی فشرده، بایستی حکم بازداشت موقت ما را تمدید می‌کردند اما بجای این کار بازجو پرسش دیگری به من داد تا پا سخ بدهم. من هم پا سخ دادم. بازجو پس از مطالعه گفت: نه، من هنوز اطمینان پیدا نکردم که شما در پاسختان صداقت کامل دارید، بنابراین باید به آقای بابایی بنویسم که بازداشت شما را تمدید کند. بعد هم به آقای بابایی نامه‌ای نوشت که چون هنوز صداقت کامل نشان نداده‌اند، بازجویی باید ادامه یابد. به این ترتیب با زمینه‌ای که بازجو در پرونده من گذاشت آقای بابایی هم زمینه حقوقی تمدید بازداشت مرا فراهم کرد. چنین کاری را چهار بار انجام دادند، و جالب اینکه هر بار ابتدا آقای بابایی و همکارانشان به سلول می‌آمدند و فرم خاصی را به استناد مواد قانونی آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی انقلاب می‌آوردند و می‌گفتند به این دلایل بایستی دوره زندان تمدید شود. البته در سلول کتاب قانون آیین دادرسی را در اختیار نداشتیم که ببینیم درست می‌گویند یا نه. بعد هم می‌خواستند نظرم را تنها در یک کلمه بنویسیم و امضا کنیم. اگر اعتراض داشتیم فقط باید می‌نوشتیم: «معتراضم». من چون حق نداشتیم در یک جمله بنویسم به

کل این موادی که در برگه قید شده اعتراض دارم، معمولاً با آورندگان برگه درگیر می‌شدم. این درگیری‌ها هم همیشه با تندی در سلول توأم بود و همواره در مقابل آن‌ها می‌ایستادم. آقای سعیدی که نماینده همین اطلاعات بود و با شعبه ۲۱ همکاری می‌کرد، در نوبتی داخل سلول آمد تا من ذیل برگه را بنویسم. شاید بار سوم یا چهارم بود که می‌دیدم موارد نوشته شده در قسمت بالای متن همه خلاف است. مثلاً قید شده بود که من این اقدامات را کردم و به این موارد اعتراف کردم. در حالی که چنین اعترافی نکرده بودم و همه نوشته کذب محض بود. می‌خواستم بنویسم همه مواردی که نوشتید خلاف است و با این تمديد مخالفم و اعتراض دارم. وقتی این مطالب را نوشتم عصبانی شد و با همان حال در سلول را بست و موقع رفتن گفت: شما باید ۱۰ سال در این سلول بمانید و بپوسید. این طرز برخوردها و رفتارها خلاف قانون بود و درست نبود با ما این‌طور رفتار کنند. اتفاقاً با آقای مهندس صباغیان در سلول مجاور نیز همین رفتار را کرده بود و هر دو متوجه شدیم ناراحتی آن‌ها بابت نوشتن این اضافات است. این روش را شعبه ۲۱ انجام می‌داد. عامل اصلی چنین تنش‌هایی همین ضابطین و همین بازجوها بودند. به ترتیبی که توضیح دادم بازجوها زمینه تمدید بازداشت‌های موقت ما را در زندان فراهم می‌کردند و موجب می‌شدند همچنان در سلول‌های انفرادی بمانیم. به نظر می‌رسید متأسفانه هر چه این ضابطین می‌گفتند رؤسای شعبه هم قبول می‌کردند.

بنابر آنچه قبلاً گفتم روز اول زندان به درخواست بازجویان، شرح حال خود را در چند صفحه نوشتم. پرسش‌های بعدی را جمع به سازمان نهضت آزادی، اساسنامه، اعضای شورا و دفتر سیاسی نهضت، چارت سازمانی نهضت، مواضع، دیدگاه‌ها و اعتقادات نهضت و سؤالات دیگری در این زمینه‌ها بود و در بازجویی‌ها به تفصیل می‌پرسیدند. من هم فکر کردم حالا که فرصتی فراهم آمده و ضمناً مطلب پوشیده‌ای هم نداریم، بهتر است مطالب منعکس شود. به ویژه که اساسنامه نهضت در اختیار همه بود و همه می‌دانستند چه کسانی عضو شورای نهضت آزادی هستند و تکلیف دفتر سیاسی هم روشن بود. ما قبلاً هفت نفر عضو شورای رهبری را به وزارت کشور

معرفی کرده بودیم و می‌دانستیم مکتوب کردن این اطلاعات نه تنها مسئله‌ای ایجاد نخواهد کرد بلکه خودمان هم علاقه‌مند بودیم روشن کردن مواضع نهضت در زمینه‌های مختلف فکری، اعتقادی و سیاسی به شکل مکتوب، موجب خواهد شد این اطلاعات دست به دست بیچرخد. حداقل فایده این کار بر طرف کردن کلیه سوء تفاهم‌ها در مورد مواضع فکری و اعتقادی و سوابق فعالیت‌های نهضت‌آزادی‌برای آن دسته از بازجویان و کسانی خواهد بود که اوراق بازجویی را امروز می‌خوانند، یا کسانی که در آینده مطالب بازجویی‌های بایگانی شده در اختیارشان قرار می‌گیرد. امیدوار بودیم در صورتی که این مطالب به گونه‌ای شفاف و روشن به آنها انتقال پیدا کند ضمن آنکه شبهات برطرف می‌شوند، به‌عنوان سندی پرافتخار در تاریخ تحولات کشور مکتوب خواهد ماند. بر این اساس با اینکه می‌دانستم در بازجویی‌ها توصیه می‌کنند پاسخ‌ها کوتاه نوشته شود چون لابه‌لای نوشته‌ها ممکن است کلامه یا حتی حرفی را بهانه قرار دهند و از آن به‌عنوان نقطه ضعف علیه متهم استفاده کنند، کوشیدم که در این بخش پرنویسی کنم چون مطالب کمابیش شناخته شده بود لذا در نوشتن امساک نکردم و در مقابل سؤالات، پاسخ کامل را می‌نوشتم تا مواضع فکری، اعتقادی و خط مشی ما و نیز اقداماتی که انجام داده بودیم کاملاً تدوین و مکتوب شود.

تجربه تاریخی نشان داده که این اسناد مکتوب می‌ماند و نسل‌های امروز و آیندگان به هر حال مطلع می‌شوند که این مجموعه چگونه فکر می‌کرده و مبانی فکری و اعتقادی اقداماتی که انجام دادند چه بوده و بر اساس کدام تحلیل صورت گرفته است. بنابراین در این قسمت، اوراق بازجویی من خیلی مفصل بود؛ به طوری که پرونده‌ای که تنظیم کردند شاید بالغ بر ۸۰۰ تا ۹۰۰ صفحه باشد. بازجوی من می‌گفت: ۶۰ - ۷۰ درصد اوراق از بازجویی، اطلاعاتی است که در بایگانی اطلاعات خودشان نگهداری کردند و در پرونده‌های دادگاه انقلاب نیست. مجموعه نشریاتی که از نهضت آزادی ایران و از ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی جمع‌آوری کرده بودند را آنجا آوردند و امضاء مرا گرفتند و در پرونده گذاشتند. برگ‌های سررسیدها و نوشته‌های شخصی و یادداشت‌های سفر را که از کتابخانه، دفتر و منزل کهنه و آورده بودند، به‌عنوان

یادداشت‌های سفری که با آقایان مهندس بازرگان و دکتر یزدی داشتم، ضمیمه پرونده کردند. آقای دادخواه (وکیل ما) که پرونده‌ها را دیده بودند، می‌گفتند: «پشت اوراق را شماره گذاشته و مجموعه را در سه مجلد آماده کرده بودند. تقریباً ۱۴۰۰ - ۱۵۰۰ صفحه اوراق پرونده در دادگاه انقلاب باقی ماند. این اوراق و یادداشت‌ها برای فعالان نهضت آزادی ایران و نیروهای ملی - مذهبی، در حکم سندی پرافتخار باقی مانده و کاملاً پاک و روشن است. جالب آنکه در فرصتی از آقای بابایی (قاضی پرونده) پرسیدم: در تمام سال‌های تجربه قضایی خودتان آیا پرونده‌ای از این پاک‌تر و شفاف‌تر دیده‌اید؟ سکوت کرد و چیزی نگفت.»

#### ه: در مورد یادداشت مهندس عزت‌الله سحابی در زندان

از دیگر خاطرات این دوره بازجویی این بود که روزی بازجو کپی دست‌نوشته‌ای همراه با کپی متن تایپ شده آن را مقابل من گذاشت و گفت: این نامه را آقای مهندس سحابی برای فرزندانش نوشته و در روزنامه‌ها هم منتشر شده و از من خواست آن را بخوانم. البته متن چاپ شده در روزنامه را به من نشان نداد. نامه را خواندم و چون با دستخط ایشان آشنا بودم دانستم خط خود ایشان است. با این وصف چون کپی بود و هنوز مطمئن نبودم در روزنامه‌ها چاپ شده‌گفتم: شما اصل دستخط را بیاورید تا ببینم. ضمن اینکه اگر خودش هم نوشته باشد باز هیچ ارزش حقوقی ندارد برای اینکه ایشان نامه را در زندان نوشته و در شرایط فشار زندان هم استناد به هرگونه نوشته یا اظهارنظر زندانی یا حتی مصاحبه او بی‌ارزش است. بازجو اصل یادداشت را نیاورد و بعداً متوجه شدم این نامه در روزنامه‌ها نیز چاپ شده بود. به هرحال آقای مهندس سحابی در یادداشت خود مطالب خلاف واقعی را نوشته بودند؛ به خصوص راجع به ائتلاف و میثاق و پیمان با نهضت آزادی مطالبی نوشته بودند که مغایر با آیین‌نامه‌ای بود که با دوستان ایشان امضاء کرده بودیم. بازجو هم در بازجویی از من خواست که در این زمینه صحبت کنم و بنویسم و به سؤال‌هایش پاسخ دهم.

نوشتن این یادداشت سومین تجربه‌ای بود که بعد از بازداشت در سال‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۶۹ روی من اثری ناخوشایند گذاشت. البته با توجه به این نکته که این بار برخلاف بازداشت‌های قبلی چون از توان روحی و معنوی بالاتری برخوردار بودم، بر بازجو تسلط داشتم و فضای بازجویی را کنترل و هدایت می‌کردم، ناراحتی و مشکل خاصی نداشتم و تنها ناراحتی و تأسف من از این جهت بود که چرا آقای مهندس سبحانی زیر فشار این مطالب را نوشته‌اند و این موضوع ذهنم را خیلی مشغول کرده بود. در بازجویی‌ها مایل نبودم در مورد این قبیل اختلافات حرفی بزنم و مخصوصاً اگر احتمال می‌دادم ممکن است در جایی از این سخنان سوء استفاده شود، ضمن قبول نظر ایشان، زود چارچوب موضوع را می‌بستم و می‌گفتم اگر واقعاً این حرف‌ها را ایشان گفته پس درست است. در هر حال در بازجویی‌ها تلاش می‌کردند با طرح این قبیل موضوعات روی ما اثر روحی منفی بگذارند.

### و: اعترافات تحت فشار علی افشاری در زندان

باز به یاد دارم که بازجو متن منتشر شده بازجویی آقای علی افشاری<sup>۱</sup> را هم به من نشان داد و بعداً متوجه شدم اعترافات او از تلویزیون سراسری هم پخش شده و آقای افشاری هم بعداً از این بابت اظهار تأسف کرده بود. او جوانی بود که برای اولین بار بازداشت شده و آن مطالب را اظهار کرده بود. در آن مورد هم به بازجو گفتم که این نوع صحبت‌ها در داخل زندان فاقد ارزش است چون تحت فشار بیان می‌شوند و تجربه نشان داده که پخش و انتشار این نوع بازجویی‌ها و مصاحبه‌ها از رسانه ملی اثر منفی دارد چون هیچکس باور نمی‌کند. حتی این مطلب را هم یادآور شدم که مر حوم

۱. علی افشاری (متولد ۱۳۵۲) فعال سیاسی و عضو شورای مرکزی و دبیر سیاسی دفتر تحکیم و جدت در دوره اصلاحات که در کنفرانس برلین شرکت کرد و پس از مراجعت به کشور در اردیبهشت ۱۳۷۹ بازداشت شد و دو ماه در حبس بود. چندی بعد با سخنرانی در موضوع «اعتراض به شکل‌گیری از سداد سیاسی» و اعلام استراتژی «عبور از خاتمی» دستگیر شد و تحت فشار زندان در مصاحبه تلویزیونی از کردار گذشته خود ابراز پشیمانی کرد. سپس به آمریکا رفت و به فعالیت‌های تبلیغی سیاسی خود مشغول گردید. (م. ر)

مهندس بازرگان در همان سال ۱۳۶۵ یا ۱۳۶۶ در یکی از سخنرانی های خود گفتند: افکار، اندیشه‌ها و مواضع ماهمانی است که اینجا می‌گوییم. بعدها اگر از من صحبت‌های دیگری شنیدید، باور نکنید. در واقع مرحوم بازرگان چنین هشدار داده بود تا از یک انحراف بزرگ پیشگیری کرده باشد. به سخن دیگر او می‌خواست بگوید اعترافات کسی که در بازداشت است، تحت فشار بوده و هرچه بگوید، حرف خودش نیست و نمی‌تواند مورد استناد قرار گیرد.

### ز: تلاش‌های بی‌ثمر مأموران امنیتی برای ارباب دکتر ابراهیم یزدی

موقعی که ما را بازداشت کردند آقای دکتر ابراهیم یزدی در آمریکا به معالجه و شیمی‌درمانی مشغول بودند لذا نمی‌توانستند به ایران بیایند. دادگاه انقلاب در مورد بازداشت ایشان نیز حکم خود را اعلام کرد و بعد هم بدون هیچ ضرورتی پلیس بین‌المللی را در جریان قرار دادند و به این ترتیب دست به تبلیغات گسترده‌ای زدند. عملکرد دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی طوری بود تا آقای دکتر یزدی از مراجعت به ایران صرف‌نظر کنند. نحوه تبلیغاتی که مسئولان امنیتی کشور بر ضد آقای دکتر یزدی پیش گرفته بودند، انگیزه‌های اصلی آنها را به خوبی نشان می‌داد که قصد دارند با تمهیدات مختلف، فضایی در کشور ایجاد کنند تا تمام صاحبان فکر و اندیشه، ظرفیت‌ها و نیروهای کیفی و مؤثر اجتماعی احساس کنند که در ایران جایی ندارند و باید هرچه زودتر خاک ایران را ترک کنند. آنها با کوتاه‌بینی و تنگ‌نظری می‌خواستند فضای اجتماعی کشور را برای منت‌قدان و کسانی که تحت تأثیر تبلیغات رسمی حکومت قرار نمی‌گرفتند، طوری ناامن کنند که مهاجرت از کشور را به ماندن در موطن خود ترجیح دهند و در این صورت خودشان بتوانند برنامه‌های خود را با موانع کمتری به اجرا درآورند.

همان وقت در زندان به بازجو گفتم: این کارهای شما برای آن است که آقای دکتر یزدی به ایران برنگردند در حالی که این فکر کاملاً نادرستی است. آقای دکتر یزدی سرمایه ملی است، به کشور علاقه دارد و تمام زندگی خود را وقف خدمت به این

کشور و انقلاب کرده و شما با چنین اقدامی در مورد ایشان، اشتباه بزرگی مرتکب می‌شوید.

### ح: تلاش بی‌نتیجه مأموران زندان برای واداشتن من به مصاحبه تلویزیونی

در دوره بازجویی، کار دیگری که بازجو به صورت فشرده و منظم دنبال می‌کرد، تلاش برای مجبور کردن من جهت انجام مصاحبه بود و برای این کار ابتدا مرا از سلول ۷۵ به سلول ۵۷ که شرایط سخت‌تری داشت، منتقل کردند. بازجو از من خواست خودم را برای مصاحبه آماده کنم. دو سه روز بعد در حالی که در سلول ۵۷ تحت فشار بودم، در فرصتی بازجو مرا خواست و سرپایی در حیات زندان با من صحبت کرد. خیلی شفاف و روشن به او گفتم: ببینید، من تحت هیچ شرایطی برای مصاحبه آمادگی ندارم و شما بایستی بدانید که جوان ۲۵ ساله نیستم. از من عمری گذشته و افکار و اعتقاداتم بر اساس مبانی خاصی شکل گرفته و این طور نیست که داخل سلول مرا تحت فشار بگذارید بدان امید که تغییر کنم. فکر را بایستی با فکر اصلاح کرد و تغییر داد. برخورد فکری با فشار و نگه‌داشتن شخص در سلول انفرادی و این نوع شیوه‌ها مغایر است. در صورتی که شرایط آزاد فراهم باشد، آماده‌ام با من مصاحبه کنید اما تا موقعی که در بازداشت و زندان هستم هیچ صحبتی (صوتی یا تصویری) نخواهم کرد. بعد از پایان مدت زندان آماده‌ام با هر کسی در هر کجا و در هر موقعیتی بنشینم صحبت کنم. بنابراین اختیار با شماست؛ اگر می‌خواهید برخورد فکری داشته باشید، تعیین زمان و مکان مصاحبه را به خودتان واگذار می‌کنم و ملی در این شرایط به هیچ‌وجه برای مصاحبه، آمادگی ندارم. بعد از این که صحبت من تمام شد گفت: بسیار خوب. حالا پاسخ سؤال خود را گرفتیم.

بازجوی من در این برخوردها همیشه تعادل روحی و انصاف را حفظ می‌کرد. وقتی به‌طور شفاف و روشن، مطلبی را بیان می‌کردم دیگر از خواسته خود دست بر نمی‌داشت. اما او خودش تنها نبود و یک تیم بازجویی موضوع را دنبال می‌کرد. در مرحله بعدی بازجویی، شاید در ماه دوم چون متوجه شده بودند در دوره‌ای مسئول



آموزش نهضت آزادی بودم؛ مخصوصاً که از طریق بازرسی دفتر و منزل جزوه های آموزشی در اختیارشان قرار گرفته بود و ضمناً در مدت یک ماه گذشته در مورد تاریخچه و سوابق فعالیت های گذشته نهضت آزادی برای آنها مطالب زیادی نوشته یا صحبت کرده بودم، پیشنهاد تازه ای مطرح کرده و گفتند: شما که همیشه در بازجویی ها علاقمند بودید راجع به سوابق نهضت صحبت کنید و مطالب زیادی هم برای ما نوشتید، خوب است بیاید همان مطالب را به هم کاران ما آموزش دهید تا از این طریق با افکار و اندیشه های شما بیشتر آشنا شوند. گفتم: اجازه دهید پیشنهاد شما را بررسی کنم.

جلسه بعد که مرا صدا زد، به او گفتم: راجع به پیشنهاد و درخواست شما فکر کردم. اولاً در شرایط کنونی که تمام اسناد و مدارک ما را در اختیار دارید و به طور متمرکز مسائل را مرور می کنید، گمان می کنم حضور ذهن و اطلاعات شما و همکارانتان راجع به نهضت از ما بیشتر است. بنابراین شما باید به ما آموزش دهید. ثانیاً دادن آموزش از سوی متهم به بازجو در زندان به لحاظ اصولی با منطقی سازگار نیست و سابقه ندارد متهم راجع به افکار و اندیشه های سازمانش به بازجو هایش آموزش دهد. (موقعی که این مطالب را توضیح می دادم متوجه شدم که او سر بازجو هم هست) با این وصف چنانچه همکاران شما به هر دلیل خواسته باشند در مورد اصول و مبانی اعتقادی و فکری و چارچوب مواضع سیاسی نهضت آزادی آموزش بیشتری ببینند، آماده ام پس از آزادی از زندان در فضایی عمومی همکاران شما را آموزش داده و به تمام پرسش های آنان پاسخ دهم. اما مادامی که بازداشت و زندانی شما هستم به شکل صوتی یا تصویری هیچ صحبتی نخواهم کرد. زیرا به تجربه قصد آنها را از این کار دریافته بودم. آنها تصور کرده بودند یادداشت های مفصل من در مورد تاریخچه نهضت آزادی با این قصد بوده که روی آنها تأثیر بگذارم. روی این اصل به فکر رفتند و پیش خودشان به این نتیجه رسیدند که فلانی با انگیزه ای که برای نوشتن و حرف زدن دارد، حاضر می شود مطالبی را به تفصیل برای ما بگوید. منتهی ما باید از این انگیزه در جهت فکر خودمان استفاده کنیم؛ به این شکل که اظهارات او را به شکل

صوتی و تصویری ضبط کرده و بعد به دوستانش در داخل زندان و عموم مردم در بیرون زندان منعکس کنیم. نتیجه چنین کاری وارد آوردن ضربه روحی به من و مجموعه نهضت آزادی بود که بله، سرانجام فلانی هم با ما مصاحبه کرد؛ اگر موفق به این کار شده بودند در این صورت ادعای آنها برخلاف هم نبود چون بالاخره یک صحبتی انجام گرفته بود. از نظر آنها آموزش معنایی نداشت و بهانه‌ای بیش نبود زیرا آنها مجموعه آثار و نوشته‌های ما را داشتند و در صورت نیاز می‌توانستند بخوانند. اگر سؤالی هم می‌پرسیدند، باز ما پاسخ می‌دادیم. در واقع قصد اصلی این بود که صحبت‌های به اصطلاح آموزشی مرا به عنوان مصاحبه وانمود و تبلیغ کنند و بعد در انظار عمومی تبلیغ کنند که فلانی هم در زندان مصاحبه یا اعتراف کرد؛ این هم شاهد صوتی و تصویری که نشان می‌دهد ایشان مصاحبه را پذیرفته است.

در مرحله بعد و در ماه پنجم و یا ششم بازداشت که اواخر دوره بازجویی هم بود، روزی در حیاط زندان، بازجو ضمن قدم زدن با من گفت: ببین، اتهامات تو خیلی سنگین است، همین اندازه مطالب که جمع کرده و به دست آورده‌ایم شامل ۲۰ تا ۳۰ مورد اتهام است. فرض کن من ۱۰ مورد از اتهامات را نادیده بگیرم یا در اثر دفاع جانانه وکیل شما ۱۰ مورد از این اتهامات حذف شود. اما باز ۱۰ مورد دیگر باقی می‌ماند که حداقل مدت ۱۰ تا ۳۰ سال زندان دارد. خلاصه در فکر همسر و فرزندان باش. با این تمهیدات، قصد داشتند فشار روحی بیشتری به من بیاورند تا تسلیم شوم. در پاسخ به او گفتم: من از ابتدا به خدا توکل کردم و باز هم به خدا توکل خواهم کرد. من به وظیفه خود عمل می‌کنم؛ شما هم به وظیفه خودتان عمل کنید. نتیجه هرچه باشد خود را برای آن حاضر کرده‌ام. شما از این بابت نگران نباشید.

پیش از این اشاره کردم که تا ماه سوم یا چهارم از نظر سلامت روحی و جسمی روی پا بودم و نقش تهاجمی داشتم. از ماه چهارم و پنجم به علت عارض شدن ناراحتی‌های جسمی و آرتروز گردن و محیط نامطلوب زندان، بنیه‌ام مقداری تحلیل رفته و بیشتر حالت دفاعی پیدا کردم. در چنین وضعیتی که زندانی ضعیف می‌شود، بازجویان تصور می‌کنند که زندانی آماده شده و می‌پذیرد که فرمش نشان بدهد لذا

می‌کوشند با توجه به ضعف روحی و جسمی زندانی، مطالبی که مایلند را به او القاء کنند و او را به همکاری بیشتر وادارند.

همان‌طور که قبلاً هم ذکر کردم بازجوی من آدم معتدل و با انصافی بود؛ به و یژه در دوره‌ای که دچار ناراحتی قلبی و دست درد شده بودم، پیگیری می‌کرد، پز شک برای معاینه می‌آورد و توجه نشان می‌داد. من هم با او رابطه‌ای ایجاد کرده و خصوصاً این باور را به او منتقل کرده بودم که غیر از من و او، خدای متعال شاهد عمل کرد ماست و من و او، هر دو در معرض ابتلا هستیم و باید روزی پاسخگوی اعمال خود باشیم. با الگو قراردادن روش برخورد امام حسین(ع) با مخالفان، در کنار توجه به واقعیت از عواطف انسانی و مذهبی نیز بهره گرفتم و دریافتم که به‌کار بستن این نوع روش‌ها می‌تواند آثار مثبت داشته باشد. به این نکته توجه داشتم که بازجوها بعضاً سابقه حضور در جبهه‌های جنگ داشته و حتماً زمینه‌های مثبت دیگری هم دارند که می‌توان بر این زمینه‌ها تأکید کرد و آن‌ها را توسعه داد. نه تنها از این روش‌ها لاف من هیچ پیامد منفی ندیدم، بلکه اثرات مثبت هم دیدم.

در دوره‌ای که در زندان تحت درمان و مداوا بودم، بازجو کارش را انجام می‌داد و بدون آنکه بازجویی را متوقف کند، همزمان کار مداوا را هماهنگ و دنبال می‌کرد؛ مثلاً در روزهایی از ماه چهارم که باید ۱۰ جلسه برای فیزیوتراپی به بیمارستان می‌رفتم، چون نمی‌توانستم بازجویی شوم او هماهنگ می‌کرد که اول به بیمارستان بروم. ساعت ۱۲ که کار من در بیمارستان تمام می‌شد و به زندان برمی‌گشتم او بلافاصله بازجویی را شروع می‌کرد و ادامه می‌داد. در مواقعی که وضع روحی و جسمی‌ام بسیار سخت بود و تحت فشار بودم، باز هم بازجویی را ادامه می‌داد؛ با این امید که شاید نرمش نشان دهم و ناچار شوم انتظارات او را تأمین کنم. او کار خودش را می‌کرد و من هم کار خودم را انجام می‌دادم.

در همان ماه‌های چهارم و پنجم که به بیمارستان می‌رفتم، همان روزهای اول و دوم فیزیوتراپی که خیلی ضعیف شده بودم، بازجو گفت: کسی مایل است با تو صحبت کند. آن روز نیامد و روز بعد که مرا صدا زدند و کسی مرا توی اتاقی در یک

راهرویی برد که کنارش گلدانی بود. از این راهرو برای قدم زدن و هواخوری استفاده می‌شد و مجاور بند ۲ بود و انتهایش یک دست‌شویی قرار داشت که نگهبانان از آن استفاده می‌کردند. در کنار آن اتاقی بود و مرا آنجا برد. دیدم که دوربینی هم آنجا هست. چشم بندم را برداشتند، میزی و میکروفونی آماده برای ضبط صدا و تصویر و دوربین‌ها مجهز بودند. معلوم بود مصاحبه‌ها در این اتاق انجام می‌شود. من با دیدن این وضعیت خیلی ناراحت شدم که برای چه مرا آنجا آوردند. خود او پشت میز قرار گرفت و من هم این طرف روی صندلی نشستم. شخص جدیدی بود و خودش را چنین معرفی کرد که سال‌ها در جبهه و یکی از فرماندهان سپاه بوده. می‌گفت من هر وقت از جبهه می‌آمدم و از خیابان مطهری عبور می‌کردم، جلو دفتر نهضت آزادی، همین که نشریات نهضت را می‌دیدم، ناراحت می‌شدم. این نشریات روی بچه‌های بسیجی و جبهه‌ای اثر بدی داشت. من شروع کردم یک مقدار در زمینه جنگ و مبان‌ی و چارچوب‌های خودمان با او صحبت کردم و اینکه نشریات ما در آن زمان چگونه تهیه می‌شد.

البته دوربین‌های آنجا کار نمی‌کرد، اما احتمالاً همه جا گیرنده کار گذاشته بودند، بنابراین احتمال بود که صدا ضبط شود ولی مطمئن بودم مصاحبه‌ای در کار نیست. در تمام فضا‌های زندان؛ در سلول‌ها و اتاق‌های بازجویی سیستم‌هایی داشتند که هر موقع می‌خواستند می‌توانستند صداها را ضبط کنند.

به او گفتم: ما ابتدا با جنگ موافق بودیم، همان‌طور که خود شما و امام هم می‌گفتند جنگ، تحمیلی بود و ما نیز جنگ را تحمیلی تشخیص داده بودیم. آمریکا این جنگ را از طریق صدام به ما تحمیل کرده بود تا توان انقلاب و تمام منابع مالی و معنوی انقلاب را از بین ببرد. باور این موضوع چندان سخت نیست چون خودتان خوب می‌دانید مرحوم شهید دکتر مصطفی چمران که آن‌ها در جبهه ر شادت به خرج داد، از دوستان نزدیک و همفکر ما بود. علاوه بر این بسیاری از دوستان نزدیک ما در کنار ایشان و در جبهه‌های جنوب و غرب کشور بودند و خود من هم بعد از پایان دوره مسئولیت شهرداری در همان بهمن ۵۹ به جبهه رفتم و به شدت تحت تأثیر

فضای جبهه قرار گرفتم. شهید دکتر چمران در آنجا مشکلات عدیده خود در جبهه را برایم توضیح داد و روی این اصل به من پیشنهاد داد تا با او همکاری کنم و من هم به حکم وظیفه وجدانی و ملی پیشنهاد همکاری با ایشان را پذیرفتم؛ ولی ضمناً به ایشان گفتم مشروط بر این که شورای عالی دفاع نیز با این همکاری موافقت کنند، در غیر این صورت ممکن است مشکلاتی برای شما به وجود آید. در حالی که متأسفانه بعداً به من اطلاع دادند که مقامات با این همکاری موافقت نکرده‌اند.

به هر حال تفصیل داستان را به او گفتم و بعد هم توضیح دادم که تا زمان فتح خرمشهر به دست نیروهای ایران ما موافق جنگ بودیم اما بعد از پیروزی خرمشهر دیگر ادامه جنگ را به مصلحت کشور نمی‌دانستیم و لذا با آن موافق نبودیم و برای این مخالفت نیز دلایل موجه عقلی و قرآنی داشتیم. برای مدت چند سال با در نظر گرفتن مصالح ملی و حفظ وحدت میان نیروهای رزمنده و فرماندهان جنگ، نظرات خودمان را طی نامه‌های خصوصی به شورای عالی دفاع و آقای خمینی می‌فرستادیم. تا اینکه از سال ۶۴ که دامنه جنگ شدت گرفت و در اوضاعی که هیچ مقام رسمی به توصیه‌های مشفقانه ما پاسخی نداد، چون نگران آینده جنگ و امنیت ملی بودیم به تدریج نشریاتی منتشر کردیم و آخرین نشریه «هشدار» بود. حقیقت آن بود که ما در مقابل جان جوان‌ها احساس تکلیف می‌کردیم، برای اینکه آنها با اخلاص در جبهه‌ها می‌جنگیدند و کشته می‌شدند، بدون آنکه بدانند از این طریق پیروزی نهایی نصیب ایران نخواهد شد. هر روز که می‌گذشت توان نظامی ایران تحلیل می‌رفت و بسیاری از کارشناسان سیاسی و فرماندهان هم بر اساس تجربه‌ها و تحلیل‌های خود دریافته بودند که ادامه جنگ در راستای منافع ملی نیست اما با در نظر گرفتن تبلیغات واهی و گسترده رسانه‌ها، هیچکس حاضر نبود و جرأت نمی‌کرد پا پیش بگذارد. کما اینکه تنها بعد از پایان جنگ مسئولان اذعان کردند که بهتر بود بعد از پیروزی خرمشهر، جنگ ادامه پیدا نمی‌کرد. حاج احمدآقا هم در آخرین روزهای زندگی‌شان گفتند که امام هم با ادامه جنگ موافق نبود. به هر حال اگر در این زمینه اظهارنظری کردیم،

روی احساس تکلیف دینی و ملی و انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر بود. ما باید در آینده به شما و جوان‌ها پاسخ می‌دادیم که چرا با ادامه جنگ مخالف بودیم. در حالی که او با علاقه‌مندی و تمرکز به حرف‌هایم گوش می‌کرد، من با به یاد آوردن داستان مرحوم دکتر چمران و توضیح دادن در باره او به شدت ناراحت و متأثر شدم و ناخودآگاه قطره‌های اشک از چشمانم جاری شد و گریه‌مستم. وقتی را جمع به دکتر چمران صحبت می‌کردم ناخودآگاه این نکته به ذهنم خطور کرد و پیش خود گفتم: خدایا خوب می‌دانم وجود دکتر چمران چه اندازه برایت عزیز بود و او را آن قدر دوست داشتی که زود او را از میان ما نزد خودت بردی تا در معرض ابتلائات بیشتر نباشد؛ در حالی که ما هنوز در معرض ابتلاء و آزارهای هستیم. چنین اتفاقی یکبار دیگر هم پیش آمد و در روزهایی که با بازجو صحبت می‌کردیم و او می‌گفت که جرم تو سنگین است و ۳۰ سال زندان می‌شود، نسبت به آینده خودت و بچه‌هایت فکر کن. آنجا هم وقتی که از دکتر چمران صحبتی به میان آمد، ناخودآگاه خیلی متأثر و ناراحت شدم. این خاطرات را از این نظر مطرح می‌کنم که حالات روحی انسان در زندان طوری است که گاهی ناخودآگاه واکنش نشان می‌دهد. وقتی سوابق دوستی و آشنایی میان خودم و دکتر چمران به ذهنم خطور می‌کرد، به حال و سرنوشت دکتر چمران غبطه می‌خوردم و ناخودآگاه اشکم جاری می‌شد برای اینکه می‌دانستم ما هنوز در معرض ابتلا هستیم. البته در این مورد به بازجو مطلبی نگفتم که چرا اشک می‌ریزم و بازجو تصور می‌کرد من ضعیف شده‌ام. به او گفتم: من به خاطر ناراحتی خاصی که دارم متأثر شده‌ام.

این سربازجو، یادداشت‌های من از سفر آلمان را همراه خود داشت و گمان می‌کرد که ما با گروه‌های خارج از کشور قرار و مدار داریم. به او گفتم: نه این طور نیست. گفت: این مطالب را بازجو از شما می‌پرسد و باید به او پاسخ دهید. بعد بازجو همین یادداشت‌ها را آورد و بازجویی کرد. تصور می‌کنم بازجو از افراد رده بالای اطلاعات سپاه بود.

در مورد سفر به آلمان همان‌طور که پیش از این توضیح دادم این سفر دو ماه قبل از برگزاری کنفرانس برلین در هفته اول اسفند ۱۳۷۸ به دعوت مؤسسه فرهنگی آلمانی «هاینریش بل» بود و گزارش تفصیلی سفر بر اساس یادداشت‌های سرر سید اینجانب، در پرونده منعکس است.

در واقع بازجو می‌خواست در این جلسه که تقریباً دو ساعت طول کشید ضمن یادآوردن این برخورد یا ملاقات با مارکسیست‌های قدیمی مرا بیشتر ارزیابی کند و من هم در آن حالت خیلی خاص کوشیدم برای روشن شدن او، مقداری اطلاعات به او بدهم که پس از شنیدن مطالب گفت: جلسه‌ای دارم و باید بروم اما باز هم می‌آیم و صحبت می‌کنم. سپس رفت و دیگر نیامد. بازجو همی گفت مقام قضایی دارد ولی احساس من این بود که در سطح بالا با اطلاعات سپاه کار می‌کرد و می‌خواست از نزدیک و از طریق بازجویی با من بیشتر آشنا شود.<sup>۱</sup>

ضمناً چون عینک می‌زدم و چشم‌بند داشتم وقتی می‌نوشتم باید چشم‌بند را یک کم بالا می‌بردم که بتوانم عینک بزنم و بنویسم که بازجو در اواسط بازجویی گفت: چشم‌بند را بردار. در اواسط بازجویی چشم‌بند را برداشتم. او جلو هم می‌آمد اما من به او نگاه نمی‌کردم و می‌گفتم: شما نامحرمید، من شما را نگاه نمی‌کنم. وقتی به ما چشم‌بند می‌زنند معنی‌اش این است که ما نامحرم هستیم. به هر حال ما خودمان اصلاً به بازجوها نگاه نمی‌کردیم و او هم دیگر حساس نبود که من او را نگاه کنم یا نکنم. جلو هم می‌آمد و صحبت می‌کرد ولی من هیچ‌وقت به چهره‌اش نگاه نمی‌کردم.

در شهر یور که بازجویی‌ها تمام شده بود یک بار در همین راهرویی که گفتم گلدانی در کنارش بود، آمد و دو صندوق گذاشت، روی روی من نشست که بدون چشم‌بند بودم و اولین بار بود که چهره به چهره با او برخورد می‌کردم.

۱. این سردار سپاه که مدیریت بازداشت‌های پرونده نهضت آزادی را برعهده داشت، در ۱۳۸۶ به اتهام جاسوسی برای اسرائیل بازداشت و با آقای عمادالدین باقی هم‌بند شد و در مورد سابقه بازداشت‌های نهضت آزادی و ارتباط خودش با اسرائیل، مطالبی را گزارش کرد.

او همان بازجو بود که می‌گفت شما هم سن پدر من هستید. من سوابق آشنایی با آقای علی شاه‌چراغی را به او گفته بودم که او هم در آخرین جلسه چشم‌بندم را برداشته بود و من او را دیدم. اما از جریان شلاق زدن و از آن بازداشت حرفی نزدم. هیچگاه در مورد نحوه رفتار توهین‌آمیز و شکنجه‌های سال ۶۹ چیزی نگفتم. اما آقای منصوریان مفصل در این مورد به بازجویان گفته بود. همه بازجویی‌های سال ۶۹ را گفته بود در حالی که من هیچ‌وقت پرونده‌ها را قاطی نکردم ولی راجع به خود بازجو و ارتباطی که داشت قبلاً این موارد را گفته بودم. در این دیدار بازجو به من گفت: بازجویی شما تمام شده، شما را دادگاه خواهد خواست. حالا ببینیم، آنجا قانون چه می‌گوید. صحبت ما تقریباً ۱۵ تا ۲۰ دقیقه طول کشید. بعد از آن یک مرتبه دیگر در اتاق در بسته بودیم و دو مرتبه دیگر هم بین دادگاه‌ها بود که او را دیدم. او می‌گوید که ما در دادگاه ملایم برخورد کنیم، تند برخورد نکنیم، سایر دوستان هم در همان مواقع و قبل از برگزاری جلسات دادگاه‌های انفرادی با بازجوهایشان جلساتی داشتند و همین توصیه‌ها را می‌کردند.

گفتنی است در همان ماه خرداد که انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار می‌شد بعد از اینکه بازجویی‌های فشرده تمام شد، همین بازجو گفت: ممکن است دیگر هیچ وقت شما را نبینم. بقیه دوستان زندانی هم این‌طور گزارش می‌کردند که پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری در خرداد ۸۰ ظاهراً قرار بود که بعد از انتخابات ما را آزاد کنند تا بتوانیم در انتخابات شرکت کنیم. از این رو می‌خواستند پس از برگزاری انتخابات، ما را آزاد کنند. بازجو تا مدتی پس از بازجویی‌های فشرده اولیه نیاهد و چندی بعد دو مرتبه آمد و بازجویی‌ها شروع شد. پرسش‌ها کاملاً تکراری بود. چند ماه بعد را همین‌طور گذرانیدیم، دیگر سؤال خاص و مهمی نبود. سؤال‌ها عموماً تکراری و خودشان هم می‌گفتند بله این سؤال‌ها تکراری است. برداشت ما و دوستان این بود که می‌خواستند ما را آزاد کنند ولی بعد تصمیم خود را تغییر دادند و ما را بیشتر نگه داشتند. احتمالاً آن دسته از نیروهای تند می‌خواستند ما همچنان در زندان بمانیم و سرانجام هم غالب شدند.



در دوره‌ای که بازجویی‌ها تمام شده بود باید به بازپرسی می‌رفتیم که خود آقای بابایی از ما بازپرسی می‌کرد. احساس کردم وضع اعصابم بسیار ناراحت‌کننده شده، نسبت به شرایط و تغذیه زندان مشکوک شده بودیم. آن موقع که به بیمارستان می‌رفتم اعصاب دست و پایم کشیده می‌شد. در راه بیمارستان با بعضی از دوستان زندانی هم صحبت می‌کردم. آنها می‌گفتند احتمال دارد در غذای ما دارو می‌ریزند. بنابراین چنین ظن و گمانی داشتیم و تا آنجا که ممکن بود از خوردنی‌های مشکوک پرهیز کرده و نمی‌خوردیم. مثلاً در بازجویی‌ها چای تعارف می‌کردند، اما نه می‌خوردیم. اطمینان نداشتیم که چای سالم باشد. همه دوستان همین احتیاط را می‌کردند. در اولین جلسه که با خانواده ملاقات داشتیم الهام خانم و احمد آقا و آقای مهندس طاهری هم آمده بودند. الهام خانم آنجا در حضور آقای بابایی و کسان دیگر پرسیدند: آیا داخل غذا و چای شما دارو می‌ریزند؟ ممکن است ناراحتی شما به این علت باشد. من که می‌دانستم صحبت‌های ما در اتاق ملاقات ضبط می‌شد، چون از صحت موضوع اطلاع درستی نداشتیم نمی‌توانستم اظهار نظر کنم، اما در جلسه بعد به هر حال برای این‌که مقداری پاسخ داده باشم، موضوع را رفع و رجوع کردم.

### ط: در جلسات دادگاه و قرائت آخرین متن دفاعیه

پس از پایان بازجویی‌ها موعد دادگاه عمومی رسید. صبح آن روز هم‌مورین آمدند که مرا به دادگاه ببرند. من تقاضا کردم اجازه دهند لباس خودم را بپوشم. گفتند باید با لباس‌های زندان در دادگاه حاضر شوید. من با صدای بلند گفتم که با لباس زندان به دادگاه نمی‌آیم. بعدها آقای مهندس هاشم صباغیان که در اتاق نگهبانی ورودی زندان بودند، گفتند که آن روز نگهبانان با بی‌سیم به رؤسای خود اطلاع دادند و می‌گفتند که سرکرده‌شان با لباس زندان نمی‌آید، سایرین هم به تاسی از او لباس خودشان را می‌خواهند. در هر حال تسلیم شدند و ما لباس خودمان را پوشیدیم. یادم نهی‌رود وقتی که موفق شدیم، آقای مهندس ابوالفضل بازرگان (هم‌سلولی‌ام) به سجده افتاد و سجده شکر بجای آورد. واقعاً هم جای شکر داشت که خداوند به ما این توفیق را داد

که تسلیم چنین برنامه‌ای نشدیم و یقیناً اگر بنده و آقایان هاشم صباغیان، ابوالفضل بازرگان، خسرو منصوریان و محمود زعیم پور با لباس زندان در دادگاه حضور می‌یافتیم، اثرات منفی زیادی داشت.

در سالن دادگاه فیلم تهیه می‌کردند تا به این وسیله روحیه ما را تخریب کنند. این کارشان بر روحیه ما قطعاً اثر تخریبی داشت. یکی از نگهبانان به نام تراب بعداً می‌گفت: من به آقایان گفتم که این کار اشتباهی است. اگر می‌خواستید اینها با لباس زندان در دادگاه انقلاب حاضر شوند، باید از همان اول، در موقع ملاقات‌ها یا انتقال به بیمارستان و دادگاه آن‌طور عمل می‌کردید. اینها چون همیشه با لباس شخصی به بیرون از زندان برده شدند، حالا که نمی‌خواهند با لباس زندان در دادگاه حاضر شوند، حق با آنهاست. نوع رفتار ما حتی روی نگهبان‌ها هم اثر مثبت گذاشته بود و این نتیجه ایستادگی ما بود. برای اینکه منطقی داشتیم و با منطقی در مقابل آنها ایستادیم. نکته دوم اینکه ما را اول داخل سالن دادگاه بردند، بعد دوستان آمدند و بعد از مدت‌ها دوستان را می‌دیدیم. در نتیجه فضای عاطفی بسیار فراموش نشدنی به وجود آمده بود. دوستان را در آغوش گرفته و می‌بوسیدیم و اشک شوق از چهره‌ها مان جاری می‌شد. افراد خیلی تحت تأثیر این فضا قرار گرفته بودند. اولین دیدارها خیلی پراحساس بود. خواهر صفا بی‌طرف در نوشته‌ای فضای آن جلسه را خیلی خوب و بهتر از من نوشته و توصیف کرده‌اند و اثر خیلی خوبی است. در ابتدای جلسه کوشیدیم با دوستان و آقای احمد صدر حاج سیدجوادی که از بیرون زندان آمده بودند، اطلاعات لازم را مبادله کنیم که بلافاصله ما را از هم جدا کردند. ما ۵ زندانی در قسمت جلو سالن و بقیه دوستان را در ردیف عقب سالن جای دادند.

مأموران دادگاه اجازه ندادند خانواده‌ها به داخل سالن دادگاه بیایند. همه آنها جلو درب ساختمان دادگاه اجتماع کرده و معترض بودند. اقدامات خانواده‌ها در آن زمان نقش مؤثری داشت که موضوع جداگانه‌ای است و باید مستقل بررسی شود. در اینجا به یک مورد اشاره می‌کنم. در این جلسات آقای موحد نماینده آقای علی‌زاده (رئیس دادگستری تهران و مدعی‌العموم) در دادگاه حضور پیدا کردند و طی سه جلسه

کیفرخواست و دادنامه را خواندند ولی به ما نسخه‌ای از آن را ندادند که ببینیم چند صفحه است و تصور می‌کنم که بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ صفحه بود. دوستان می‌گفتند تقریباً ۳۰۰ صفحه بود. غیر از کیفرخواست مکتوب، خود ایشان هم ضمن خواندن کیفرخواست، مقدار زیادی اتهامات و ادعاهای شفاهی علیه ما مطرح کردند. آقای بابایی از همان اول گفتند: هر کس هر نظری دارد برای بعد از جلسه بگذارد. هنگام برگزاری جلسات ما اجازه هیچ نوع صحبتی را نمی‌دهیم. بعد هم گفت: در فرصت مقتضی اجازه صحبت به شما خواهیم داد. از آقای مهندس ابوالفضل بازرگان خواهش کرده بودم خلاصه مطالب را یادداشت کنند که چه خوب و بجا بود که این یادداشت‌ها را تهیه کردند. نگهبانان هم اجازه دادند که ما این یادداشت‌ها را همراه خود به زندان ببریم.

وقتی که به سلول برمی‌گشتیم بلافاصله یادداشت‌ها را بازنویسی و محورهای کامل دادنامه را تنظیم کردیم و در سلول در اختیار داشتیم. من کلیات و محورهای مباحثی که در جلسات اول و دوم و سوم دادگاه مطرح شده بود را در دفترچه‌ای نوشته بودم. این مجموعه برای ما که می‌خواستیم دفاعیات خودمان را تنظیم کنیم، بسیار مؤثر و مفید بود.

پس از قرائت متن کیفرخواست در دادگاه، آقای موحد مطالبی گفت و اتهامات زیادی وارد کرد که همه کذب و دروغ بود؛ به‌خصوص نقل قول‌هایی از من کردند که کذب محض بود و دوستانی که از بیرون زندان آمده بودند، انتظار داشتند چنین اتهامات خلاف واقعی را آن‌هم از قول من و دوستان بشنوند. مایل بودم لااقل در دو سه جمله مطالب خلاف گفته شده را تکذیب کنم. لذا به محض تمام شدن صحبت‌های آقای موحد، من و آقای مهندس صباغیان دست بلند کردیم که صحبت کنیم اما آقای بابایی اجازه نداد و بلافاصله ختم جلسه را اعلام کرد و از جلسه بیرون رفت و با این تفصیل جلسات دادگاه پایان یافت و همه با اعتراض از جلسه بیرون آمدیم. دادگاه اصرار داشت در جلسه روز بعد دفاعیات خود را ارائه کنیم. گفتیم ما هنوز دفاعیه خودمان را تهیه نکرده‌ایم و شما باید نسخه‌ای از کیفرخواست را به ما

بدهید. این بحث‌ها ادامه داشت تا اینکه آقای موحد آمد و بالاخره چند روزی به‌ها فرصت دادند که بتوانیم متن دفاعیه خودمان را تهیه کنیم.

جلسه اول به شکل عمومی و با حضور کلیه متهمین و وکیل او برگزار شد. جلسات بعدی فقط با حضور یک متهم و وکیل او برگزار می‌شد. جلسات محاکمه من در ۲۶ آبان تقریباً از ساعت ۹ صبح شروع شد و چهار روز (روزهای ۲۶، ۲۷، ۲۹ و ۳۰ آبان ۱۳۸۰) به همین شکل ادامه یافت. مدت هر جلسه هم نزدیک ۳/۵ ساعت طول می‌کشید. دفاعیات انفرادی بود به این معنی که در دادگاه به‌جز من، آقایان دادخواه، موحد، بابایی و دو منشی دادگاه حضور داشتند که در دو طرف نشسته بودند. کیفرخواست‌ها در همان جلسه اول در حضور جمع مطرح شده بود. در یک طرف دادگاه، محاکمات در حضور جمع و طرف دیگر محاکمات به شکل انفرادی برگزار می‌شد؛ یعنی مطالبی که در جمع بیان شده بود بایستی انفرادی هم پاسخ می‌دادیم. این موارد و چنین روش محاکمه‌ای را به‌عنوان نقض قانونی در هدفیات خودمان مطرح کردیم. البته مدت محاکمه بقیه افراد کوتاه و در یک جلسه بود. جلسات محاکمه تا ۱۴ اسفند به‌صورت انفرادی و در مدت پنج ماه ادامه یافت.

چهارمین جلسه محاکمه من در ۳۰ آبان برابر روز اول ماه مبارک رمضان برگزار شد. در این روز پس از چهار جلسه محاکمه بلافاصله مرا از هم‌سلولی خود (آقای مهندس ابوالفضل بازرگان) جدا کرده و به سلول انفرادی ۲۹ منتقل کردند تا آنچه در دادگاه گذشته بود به دیگران منتقل نشود و از این روز هر دو تنها شدیم. به این ترتیب از ۳۰ آبان تا ۲۶ آذر که با ماه مبارک رمضان آن سال مصادف بود، من در انفرادی بودم. ماه رمضان آن سال برای من ماه ویژه‌ای بود زیرا با استفاده از فرصت‌های برای آخرین دفاع خود یادداشت‌هایی تهیه و سپس پاکت‌نویس کردم. هر شب دو ساعت از وقت خود را به این کار اختصاص می‌دادم و بیش از این توانایی نداشتم. این یادداشت‌ها در ۳۰ صفحه A4 تنظیم شد و آخرین صفحه را در شب عید فطر پاکت‌نویس کردم اما حتی فرصت نکرده بودم خودم یکبار آن را بخوانم.

روز پس از عید فطر مصادف با یکشنبه ۲۶ آذر، ما ۴ نفر را برای آخرین دفاع به دادگاه انقلاب در خیابان معلم بردند. آخرین دفاعیه من در ۲۶ آذر نیز به صورت انفرادی برگزار شد و مرا جدا بردند. ابتدا دادگاه برای رسیدگی به اتهامات من برگزار شد و از ساعت ۹ تا ۱۲ به مدت سه ساعت طول کشید. دفاعیه دو ستان هم خیلی کوتاه بود و محاکمه هر سه نفر دیگر را در همان بعدازظهر تمام کردند. صبح آن روز همین که وارد دادگاه انقلاب شدیم، پیش از شروع جلسه آقای داد خواه (وکیل من) جلو آمد و با روی گشاده گفت: خبر خیلی خوبی برایتان دارم. به کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب وزارت کشور نامه‌ای نوشته و آنها هم پاسخ داده‌اند نهضت آزادی ایران قانونی است. این نامه به عنوان برگه حقوقی مستند، محکم و غیر قابل انکار مشخص می‌کرد آنچه مجریان دادگاه انقلاب در این مدت بافته بودند، دو مرتبه رسته شده است.

آقای بابایی (قاضی دادگاه) در آخرین جلسه دفاع در دادگاه خطاب به من گفت: یا شما صحبت کنید یا وکیل‌تان! که البته این حرف او مبنای قانونی نداشت. متن آخرین دفاع را در سلول انفرادی شماره ۲۹، بند ۲ زندان ۵۹ در ایام ماه مبارک رمضان بدون دسترسی به منابع و پس از گذراندن بیش از ۸ ماه حبس در این سلول تهیه کرده بودم. به هر حال ضمن قرائت متن دفاعیات خود، خطاب به رئیس شعبه ۲۱ دادگاه از انقلاب اسلامی تهران چنین گفتم:

راجع به عدم صلاحیت ذاتی دادگاه‌های انقلاب در مورد اتهامات سیاسی که قبلاً وکیل اینجانب توضیح دادند، مطلبی اضافه نمی‌کنم اما در خصوص ضرورت علنی بودن دادگاه بر اساس اصل ۱۶۵ قانون اساسی و ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی در امور کیفری لازم می‌دانم تأکید کنم که در مدت حدود هشت ماه گذشته اتهامات واهی و بی‌اساسی به طور گسترده در رسانه‌های عمومی در مورد اینجانب و شماری از شهروندان بازداشتی که عموماً از خدمتگزاران و مدیران انقلاب بوده‌اند پخش گردیده، اما دلایل انتشار این اتهامات و پاسخ متهمین، خلاف امنیت و منحل احساسات مذهبی دانسته شده است. آیا چنین رفتار دوگانه‌ای با حق و عدالت و انصاف سازگاری دارد؟

محاكمه سران و فعالان نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۴۲ در دادگاه نظامی عشرت آباد در رژیم طاغوت و استبداد شاهنشاهی به صورت علنی برگزار می شد و اقبال مختلف مردم می توانستند در آن حضور یابند و متهمین آن دادگاه مورد حمایت مراجع نظام، عالمان و شخصیت های سیاسی - اجتماعی و قاطبه مبارزان قرار گرفتند و امروز اسناد آن در کتب تاریخ در اختیار عموم قرار دارد و مقایسه آن با محاکمات مشابه ولی بسیار وسیع تر به صورت غیر علنی در نظام جمهوری اسلامی ایران چه تأثیرات سوئی علیه مصالح نظام و منافع و امنیت ملی داشته و خواهد داشت؟ افکار و اندیشه های دینی و سیاسی پیشگامان نهضت آزادی ایران به ویژه مرحوم آیت الله طالقانی، مرحوم مهندس مهدی بازرگان و جناب آقای دکتر یدالله سبحانی و سایر پیشگامان روشنفکران دینی نظیر مرحوم استاد محمد تقی شریعتی مزی نانی و شاگردان برجسته آنان نظیر مرحوم دکتر علی شریعتی و شهید دکتر مصطفی چمران و خدمات آنان در عرصه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و تدارک و مدیریت انقلاب اسلامی از شهریور ۱۳۲۰ تا سال های اخیر همواره به صورت علنی و مکتوب بوده و برای ملت ایران و حتی آگاهان در سطح جهانی شناخته شده است. لذا برگزاری دادگاه به صورت غیر علنی از این جهت تأثیر چندانی بر قضاوت و افکار آگاهان جامعه نخواهد داشت. به نظر اینجانب پیامد غیر علنی بودن این دادگاه صرفاً به ضرر استقلال و اقتدار قوه قضائیه بوده و تأثیرات زیادی علیه مصالح نظام، منافع و امنیت ملی خواهد داشت و داوری را به آیندگان می سپاریم. از آنجا که اهمیت این پرونده به گونه ای است که بایستی آن را «پرونده ملی» تلقی نمود، پیشنهاد می کنم کمیسیون ویژه ای از سوی ریاست محترم قوه قضائیه تعیین شود و مجموعه مسائل مرتبط با این پرونده از جمله نحوه بازداشت، بازرسی از منازل و محل کار افراد، اطلاعیه های صادره دادگاه انقلاب اسلامی تهران، نحوه بازجویی ها، شرایط نگهداری متهمین، پرونده های پزشکی آنان و نهایتاً جریان رسیدگی به اتهامات در دادگاه را به عنوان نمونه عملکرد قوه قضائیه مورد بررسی قرار دهند تا موارد خلاف قانون و مصالح نظام و منافع ملی و حق و عدالت در برنامه توسعه قضایی کشور مورد توجه قرار گیرد. در اینجا چون متن کیفرخواست و

همچنین متن توضیحات شفاهی دیگری که از سوی نماینده مدعی العموم بیان شد، در اختیار اینجانب نیست صرفاً به ذکر چند نکته کلی و ضروری اکتفا می‌کنم.

نخست آنکه ادعای مستقیم و غیرمستقیم پیشگامان نهضت آزادی ایران (آیت‌الله طالقانی، مهندس بازرگان و دکتر یدالله سبحانی) را به‌طور خاص و روشنفکران دینی در تاریخ ۶۰ ساله اخیر کشور را به‌طور عام مورد تعرض قرار داده، افکار و اندیشه‌های آنان را تحت تأثیر بیگانگان دانسته و آموزش‌های نهضت آزادی ایران را انحرافی و موجب رسوخ افکار مارکسیسم در «سازمان مجاهدین» اولیه معرفی کرده و نهایتاً اضافه کرده که آنان با دکتر مصدق و جبهه ملی سابقه همکاری داشته و به انقلاب اعتقاد نداشتند، روش آنان گام به گام بوده و تا پایان سال ۵۷ نیز به رژیم سلطنتی معتقد بوده و خواهان ماندن شاه در ایران بودند! علاوه بر بی‌اساس بودن این ادعاها، پیامد این دیدگاه از یک سو تشدید بی‌هویتی و سرگردانی نسل جوان و تحصیلکرده است و با توجه به نقش مؤثر و برجسته پیشگامان و فعالان نهضت آزادی ایران و سایر روشنفکران دینی در شکل‌گیری حرکت اسلامی در داخل و خارج کشور در نیم قرن اخیر و در تدارک و مدیریت انقلاب، هم‌گام و هماهنگ با رهبر فقید انقلاب و روحانیون مبارز، عملاً حربه‌ای به دست مخالفان از انقلاب اسلامی داده تا رسالت آن را مخدوش نماید. تهیه‌کننده ادعای نهضت حتی حرمت سخنان و نامه‌های آیت‌الله خمینی و نامه تسلیت مقام محترم رهبری (آیت‌الله خامنه‌ای) به جناب آقای دکتر یدالله سبحانی بعد از درگذشت مرحوم مهندس بازرگان در سال ۱۳۷۳ را در خصوص آن مرحوم رعایت نکرده است. دیگر آنکه مستندات ادعای نهضت به تحلیل سیاسی خاصی شبیه است که جای نقد و بررسی دارد و بیشتر متکی بر اقرار دوران بازداشت کسانی است که خود پس از آزادی، اظهارات خود را تکذیب و یا اصلاح نموده‌اند (نظیر اظهارات آقایان دکتر فرهاد بهبهانی و مهندس عزت‌الله سبحانی در بازداشت سال ۱۳۶۹) یا اظهارات کسانی که بعضاً تحت فشارهای جسمی و روحی ناشی از دوران بازداشت طولانی در سلول‌های انفرادی مطالبی گفته‌اند که هنوز صحت و سقم آنها در دادگاه مورد رسیدگی و تأیید قرار نگرفته است. بخش قابل

ملاحظه‌ای از ادعای مربوط به سوابق، اظهارنظرها و اقرار در دوران بازداشت افراد و گروه‌های تشکیل‌دهنده «شورای فعالان ملی - مذهبی» است و به‌ویژه نقل مطالبی از میثاق و منشور آنان است که علی‌الاصول به نهضت آزادی ایران و اینجانب ارتباطی ندارد و پس از رسیدگی، خودشان بایستی پاسخ دهند. ارتباط و همکاری نهضت آزادی و اینجانب با آنان صرفاً در مقاطع انتخابات شوراهای مجلس ششم و دوره تدارک انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۸۰ بوده است.

در بخشی از ادعای مربوط به نقل یادداشت‌های سرر سید اینجانب به مذاکرات اینجانب با آقای کشتگر (رهبر چریک‌های فدایی اقلیت) پرداخته شده که کذب محض است و سپس در خصوص جنایات و خیانت‌های آنها توضیحات مفصلی در جلسه دادگاه ارائه شد. تأکید می‌کنم که نه در یادداشت‌های سرر سید اینجانب چنین موردی وجود دارد و نه هرگز اینجانب با نامبرده آشنایی و دیدار داشته‌ام. در این مورد با آنکه چند بار از نماینده محترم مدعی‌العموم درخواست کردم مدارک این بخش از ادعای مربوطه را ارائه کنند، هیچ‌سندی در جلسه دادگاه ارائه نشده است. در بخشی از ادعای مربوطه، بدون ذکر منبع، این جمله از قول اینجانب نقل شده که «ما به مبارزه علنی، آرام و مسالمت‌آمیز اعتقاد داریم و معتقدیم باید درون همین حاکمیت، تحولات ایجاد و نظام را استحاله کرد.» اینجانب هرگز به یاد ندارم چنین مطلبی را گفته یا نوشته باشم. با آنکه به دفعات از ریاست محترم دادگاه درخواست کردم از نماینده محترم مدعی‌العموم بخواهند مآخذ این جمله را در پرونده ارائه نمایند، هیچ‌گاه به این درخواست مشروع پاسخی داده نشد. اما سؤال و شگفتی بیشتر در همین جمله عیناً بنام اینجانب در روزهای قبل از ارائه ادعای مربوطه در دادگاه و پس از آن در روزنامه کیهان است که موضوع و بریده‌جریده مزبور به دادگاه محترم جهت رسیدگی ارائه شد. این درحالی است که اعلام شده بود جلسات دادگاه غیرعلنی بوده و تأکید شده بود مطالب دادگاه قابل انتقال و انتشار نیست. آنچه موجب سؤال و شگفتی بیشتر می‌شود درج قسمتی از گزارش مذاکرات مورخ ۷۸/۲/۲۶ مربوط به مذاکره گروه پارلمانی حزب سبزهای آلمان در دفتر آقای دکتر ابراهیم یزدی در مقاله «بررسی



شیوه‌های متفاوت براندازی به روایت اسناد، بخش اول» در کیهان هورخ ۸۰/۸/۲۱ به نقل از آقای مهندس هاشم صباغیان است. اصل منحصر به فرد این گزارش و تذنها نسخه آن در اختیار آقای مهندس ابوالفضل بازرگان منشی جلسه مزبور بوده که عیناً در اختیار ضابطین محترم دادگاه و سپس نماینده محترم مدعی‌العموم قرار گرفته است. اینجانب موضوع را جهت رسیدگی در دادگاه مطرح کردم ولی نتیجه آن تاکنون اعلام نشده است.

نماینده مدعی‌العموم در ادعانامه تنظیمی در موارد متعددی ضمن تحریف سوابق تاریخ انقلاب، اتهامات واهی و بی‌اساسی را متوجه پیشگامان نهضت آزادی ایران نموده است. به‌عنوان نمونه در فرازی از ادعانامه آمده که اهداف انقلاب فروپاشی نظام سلطنتی و تأسیس حکومت دینی، حاکمیت ارزش‌های دینی، تبعیت از رهبری و نظام مبتنی بر ولایت فقیه بوده است درحالی که اهداف نهضت آزادی، خلاف روند فوق و خواست مردم و در راستای تداوم سلطنت بوده است. اولاً رهبران نهضت آزادی ایران نه تنها از زمان تأسیس آن در ۱۳۴۰ بلکه از شهریور ۱۳۲۰ که حرکت فرهنگی خود را آغاز کردند، با به صحنه آوردن قرآن با هدف آشنا کردن جامعه به‌ویژه جوانان و نسل تحصیل‌کرده با معارف اسلامی به زبان علمی و روزآمد را در دستور کار خود قرار دادند تا ارزش‌های دینی به‌طور طبیعی با خواست و تمایل مردم در جامعه حاکم شود (لیقوم الناس بالقسط)، بیش از ۳۰۰ اثر ثبت شده مرحوم مهندس بازرگان و آثار متعدد مرحوم آیت‌الله طالقانی و سایر آثار فعالان نهضت آزادی ایران در ۶۰ سال گذشته به وضوح این واقعیت را نشان می‌دهد. مدافعات مرحوم مهندس بازرگان در دادگاه نظامی عشرت‌آباد در سال ۱۳۴۲ با عنوان «چرا با استبداد مخالفیم» که به دفعات چاپ شده و همچنین مصاحبه‌های آن مرحوم و نشریات نهضت آزادی ایران در اردیبهشت و شهریور ۱۳۵۷ در داخل کشور برای اولین بار اعلام داشت که «شاه باید برود» بطلان ادعای نماینده محترم مدعی‌العموم را نشان می‌دهد. ثانیاً شعار محوری مردم در انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ «آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی» بوده که در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تبلور یافته و امروز به صورت «میثاق ملی» مناسبات

مردم و مسئولان نظام را مشخص می‌کند. در قانون اساسی علاوه بر اصول مربوط به اختیارات و وظایف رهبری (ولایت فقیه)، حقوق اساسی ملت نیز به طور کامل منعکس شده است. بنابراین نماینده محترم مدعی‌العموم که بایستی معرف دیدگاه عمومی مردم و الگوی قانون‌گذاری باشند، دور از انتظار و مغایر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که مصداق «نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَ نَكْفُرُ بِبَعْضٍ» باشند. ثالثاً تأیید صریح سوابق خدمات دینی و مبارزات سیاسی مرحوم مهندس بازرگان توسط رهبر فقید انقلاب و اعضای شورای انقلاب در حکم انتصاب نخست‌وزیری آن مرحوم در ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ و همچنین نامه پذیرش استعفای ایشان در ۱۴ آبان ۱۳۵۸ بطلان ادعا و اتهامات واهی نماینده مدعی‌العموم را لااقل تا آن تاریخ به خوبی نشان می‌دهد.

بخش قابل ملاحظه‌ای از ادعای نماینده مدعی‌العموم به نظرات و دیدگاه‌های آقای ساموئل هانتینگتون در کتاب *موج سوم دموکراسی* می‌پردازد و این اتهام را مطرح می‌سازد که رهبران و فعالان نهضت آزادی ایران از آقای هانتینگتون و افراد دیگری مانند آقای گری سیک خط می‌گرفتند و با هدف موهوم براندازی نظام! در انتخابات شرکت می‌کردند. قطعاً نماینده مدعی‌العموم به یاد دارند که کتاب مزبور در سال ۱۳۷۳ منتشر شده، حال آنکه نهضت آزادی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و از همان سال ۱۳۵۸ همواره در امر انتخابات مشارکت فعال داشته است. به این ترتیب که در انتخابات دوره اول مجلس پس از تشکیل گروه هم‌نام (هیئت معرفی نامزد های انتخابات مجلس) و ارائه فهرست ۳۰ نفره متشکل از شخصیت‌های دینی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی واجد شرایط که نظرات طیف گسترده‌ای از گروه‌های اجتماعی را نمایندگی می‌کرد، بیشترین آراء را به خود اختصاص داد. البته وارد کردن اتهام تأثیرپذیری روشنفکران دینی از بیگانگان و خط گرفتن از آنان و به تعبیر مرحوم مهندس بازرگان «بیگانه‌زدگی» یا «بیگانه‌پرستی» اتهام تازه‌ای نیست؛ این اتهام از ویژگی‌های فرهنگ از خود بیگانه کشورهای جهان سوم و متأثر از فرهنگ استبدادی است که عامل اصلی همه مسائل و مشکلات را به دشمن خارجی و بیگانگان نسبت

می دهد. حال آنکه بنابر واقعیات تجربه بشری و مطابق حدیث شریف که می فرماید: «دائکُ فیکُ و دوائکُ منکُ» بایستی ریشه مشکلات را در رفتارهای خود جست و جو کنیم و مداوای آنها را نیز در راهکارهای واقع بینانه بومی بجوییم و ضمناً هیچ گاه از ترفندهای دشمنان غفلت نوزیم. پیشگامان نهضت آزادی ایران مبانی اندیشه سیاسی خود را از متن معارف دینی یعنی قرآن و سنت و سپس شناخت مسائل تاریخی، فرهنگی و اجتماعی و از تجربه بشری گرفته اند و سالها پیش از این که افرادی نظیر آقای هانتینگتون نظرات خود را ارائه دهند، مواضع و دیدگاه های اعتقادی، سیاسی و اجتماعی خود را بیان داشته اند که در آثار مکتوب آنان موجود است. از سبب مواضع بنیانی این پیشگامان در عرصه مسائل اعتقادی و سیاسی در طول چند دهه تاریخ کشور ما از ویژگی های برجسته این بزرگواران است. «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ» (ابراهیم - ۲۷).

موجب سؤال و شگفتی است که در آستانه برگزاری دادگاه مربوط به متهمان پرونده نهضت آزادی ایران و همزمان با ارائه ادعای نامیده مدعی العموم، در روزنامه کیهان نیز چند مقاله درج شده که منطق و عبارات و حتی پاره ای از واژه های آنها با متن ادعای مذکور شباهت بسیار زیادی دارد؛ به خصوص که پاره ای از اسناد انحصاری پرونده نیز همانگونه که توضیح دادم در این مقالات منعکس گردیده که فهرست این مقالات را جهت بررسی و رسیدگی در اختیار دادگاه محترم قرار می دهم.<sup>۱</sup>

۱. فهرست مقالات به این شرح است: سلسله مقالاتی در چهار بخش تحت عنوان «کتاب مقدس براندازان» در شماره های مورخ ۸/۲۰ تا ۸/۲۳ در معرفی ساموئل هانتینگتون و کتاب موج سوم دموکراسی ۱۳۷۳. سلسله مقالاتی در سه بخش تحت عنوان «بررسی شیوه های متفاوت براندازی» در شماره های مورخ ۸/۲۱ تا ۸/۲۳ و نقل قول هایی بعضاً از پرونده متهمین شعبه های ۲۱ و ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی ایران. معرفی کتاب آمریکا و براندازی جمهوری اسلامی تألیف کامران غضنفری، کیهان، چهارشنبه ۸/۲۳. سلسله مطالبی با عنوان «مردی که نمی خواست انقلابی باشد» ۷۶ قسمت آن تا ۸/۲۳ درج شده، مؤسسه قدر ولایت.

محور دیگر پیامد ادعانامه نماینده محترم مدعی‌العموم، سند سازی علیه اصالت انقلاب اسلامی ایران و مخدوش کردن آن است. با آنکه سوابق تاریخی مکتوب و محتویات پرونده از وضوح کامل برخوردار بوده و مشعر بر آن است که آقای دکتر بهرام بهرامیان در سال‌های ۵۶ و ۵۷ معاون و استاد دانشگاه امیرکبیر، شریک دفتر مهندسی مشاور آقای مهندس سعید سحابی (فرزند آقای دکتر یدالله سحابی) و مشاور فرهنگی مرحوم دکتر بهشتی در پروژه دانشگاه اسلامی بوده‌اند و با معرفی آقای دکتر فریدون سحابی صرفاً اینجانب را در برنامه دیپلماسی انقلاب به آقای استمیل (کاردار وقت سفارت آمریکا) معرفی کرده و نقش دیگری در مذاکرات سیاسی مرحوم مهندس بازرگان و آقای دکتر یدالله سحابی نداشته و اسناد اتهام ارتباط وی با سازمان سیا تقریباً دو سال بعد یعنی در اواخر ۵۸ منتشر شده، موضوع ارتباط اینجانب با آقای بهرام بهرامیان در فروردین ۵۷ پس از گذشت ۲۴ سال به‌عنوان عضو ساواک و جاسوس سیا در این ادعانامه مطرح شده است! باتوجه به مسئولیت‌های متعدد و حساس اینجانب در طول سال‌های تدارک از انقلاب ۵۷ - ۱۳۵۴ که در منابع مختلف چاپ و منتشر شده، از جمله مسئولیت تبلیغات ستاد برگزاری راهپیمایی‌های تاسوعا و عاشورا، اربعین و استقبال از آقای خمینی (ره) در بهمن ۵۷، همکاری در برگزاری نمازهای عید فطر سال‌های ۵۶ و ۵۷ در تپه قیصریه تهران، برگزاری مراسم چهل‌م شهدای قم، تبریز، یزد و ... و متعاقب آن‌ها تهیه اولین پیش‌نویس اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران (در زمان معاونت امور انقلاب در دولت موقت) و طراحی و پیشنهاد این نام به‌جای «گارد ملی» که امام فرموده و تصویب کرده بودند و همچنین مدیریت شهر تهران در دو سال اول انقلاب در شرایط بحرانی دوران انتقال نظام و ... این سند در پرونده قوه قضائیه همواره می‌تواند مورد سوء استفاده دشمنان انقلاب و ایران و اسلام قرار گیرد و انقلاب اسلامی ایران را ساخته و پرداخته ساواک و سازمان سیا معرفی کند. در این راستا، بهانه‌ها و مستمسک‌های دیگری نظیر مذاکرات رهبر فقید انقلاب با نماینده ویژه دولت آمریکا که آقای دکتر ابراهیم یزدی نقش ترجمه آن را به‌عهده داشته‌اند و در اسناد تاریخی نیز منتشر شده با بستری که در

این ادعای فراهم شده برای مخدوش کردن اصالت انقلاب اسلامی ایران و حداقل القای شبهه می‌تواند مورد سوء استفاده دشمنان انقلاب قرار گیرد. اینجانب مراً از دادگاه محترم می‌خواهم که موضوع را مورد بررسی جدی قرار دهند و برای زدودن اینگونه اتهامات خلاف واقع و مفسده‌انگیز از پرونده که جنبه ملی و عمومی دارد اقدام مقتضی به عمل آورند.

نمایندۀ محترم مدعی‌العموم در بخش دیگری از ادعای فراهم به دولت موقت پرداخته و ضمن اشاره به اشتباه بودن این انتخاب، آن را ترکیبی از نهضت آزادی ایران و جبهه ملی دانسته و ادعا کرده که آنها دنبال اهداف و منافع حزبی خود بودند و چون انتقادپذیر نبودند پس از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در اثر حرکت مردم، دولت موقت سقوط کرده است. به علاوه در ادعای فراهم تصریح شده پیشنهاد «جم‌هوری دموکراتیک اسلامی» از سوی مهندس بازرگان انحراف از اهداف انقلاب بوده است. همه می‌دانند که دولت موقت انقلاب بر اساس حکم رهبر فقید انقلاب، دولتی غیرحزبی بوده و عملکرد آن با نهضت آزادی ایران ارتباطی نداشت. ضمن آنکه پاسخ این مطلب را همان زمان مرحوم مهندس بازرگان در نامه سرگشاده‌ای به مرحوم آیت‌الله خمینی داده‌اند و نیازی نیست در اینجا تکرار شود. مدارک و سوابق موجود نشان می‌دهد انتخاب ایشان با اصرار رهبر فقید انقلاب و اعضای شورای انقلاب صورت گرفته و با در نظر گرفتن شرایط در آن زمان هیچ گزینه مناسب دیگری وجود نداشته است. در مورد انتخاب وزرای دولت موقت نیز باید توجه داشت که انتخاب کلیه وزیران با تصویب شورای انقلاب بوده و رهبر فقید انقلاب حکم انتصاب آنان را امضا و ابلاغ نموده است. برخی از اعضای دولت موقت مانند مرحوم دکتر کریم سنجابی، مرحوم داریوش فروهر و ابوالحسن بنی‌صدر را شخص امام(ره) توصیه کرده بودند که البته مرحوم مهندس بازرگان در مورد آقای بنی‌صدر نیز بار نرفت چون

معتقد بود او تجربه مدیریت نداشته است.<sup>۱</sup> مطابق اسناد به‌جا مانده، موضوع استعفای دولت موقت نیز با تسخیر سفارت سابق آمریکا ارتباطی نداشت بلکه از چند ماه قبل در شورای انقلاب مطرح بود و پس از اشغال سفارت جنبه عملی پیدا کرد. خدمات و نقش دولت موقت در دوران انتقال نظام و شرایط بحرانی آن دوره و حاکم شدن تدریجی فضای جنگ قدرت کمتر مطرح شده یا مورد بررسی قرار گرفته است. اینجانب که عضو کوچک دولت موقت انقلاب اسلامی بودم برای روشن شدن ابعاد این خدمات (به دلیل عدم اطلاع کافی از عملکرد سایر مسئولان دولت موقت) فقط می‌توانم از عملکرد خود سخن گویم و به برخی خدمات مدیریت شهرداری تهران پس از انقلاب اشارات اجمالی کنم.<sup>۲</sup> چنانچه هر یک از وزراء فهرست خدمات خود را در دوران بحرانی انتقال نظام ارائه می‌کردند، نقش مؤثر خدمات دولت موقت و مظلومیت تاریخی‌اش در آن دوره کوتاه بیشتر نمایان می‌گردید.

در باره آنچه مرحوم مهندس بازرگان در آستانه تغییر نظام مطرح کردند یعنی «جمهوری دموکراتیک اسلامی» اولاً این عنوان از اساسنامه م صوب شورای انقلاب اخذ شده و مفهوم آن چیزی جز «مردم‌سالاری دینی» نبود؛ مفهومی که امروز بر زبان و قلم بسیاری از مسئولان نظام جاری می‌شود. ثانیاً این پیشنهاد صرفاً بر مردم‌سالار بودن و اصالت جمهوریت که رکن نظام اسلامی است تأکید می‌کرد. چنانچه به‌عدها در اصل ۶ و اصول مندرج در فصل پنجم قانون اساسی (۱ ص ۵۶) به تفصیل آمده و تبیین شده است.

۱. برای اطلاع از نحوه پیشنهاد و انتخاب وزرای دولت موقت و تغییرات آن در طول مدت ۹ ماه عمر دولت موقت و وابستگی‌های گروهی آنان بنگرید به نشریه *شورای انقلاب و دولت موقت* به قلم مرحوم مهندس بازرگان از انتشارات نهضت آزادی ایران.

۲. تفصیل عملکرد و خدمات انجام گرفته در شهرداری پایتخت در دو سال نخست پس از پیروزی انقلاب در جلد ۲ همین خاطرات آمده و خوانندگان برای اطلاع بیشتر در این مورد می‌توانند به جلد ۲ یا متن کامل آخرین دفاعیات مهندس توسلی در دادگاه بدوی مورخ ۱۳۸۰/۹/۲۶ مراجعه کنند.

بخش دیگری از ادعای نامه به مواضع و نشریات نهضت آزادی ایران در مورد جنگ تحمیلی هشت ساله به ویژه پس از بازپس گرفتن خرم شهر پرداخته و به دفاعات از نشریه *هشدر* با عنوان «ننگین نامه!» اشاره دارد. از آنجا که بررسی عملی مکتوبین سیاسی و نظامی در جنگ تحمیلی نیازمند پژوهش‌های کارشناسانه بوده و گروه‌های کارشناس در خصوص واقعیت‌های آشکار و پیامدهای ناگوار جنگ تحمیلی پس از فتح خرمشهر مشغول چنین کار مهمی هستند، نیازی به اظهار نظر اینجانب در فرصت محدود دادگاه نیست. در اینجا صرفاً تأکید می‌کنم که نشریه *هشدر* در فروردین ۱۳۶۷ با صلاح‌دید مرحوم مهندس بازرگان مقالات کارشناسانه‌ای تهیه کرد و پس از بررسی و تصویب دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران با امضای آن مرحوم جهت رهبر فقید انقلاب ارسال گردید و رهبر انقلاب در مقابل این یادداشت‌ها نه تنها هیچ‌گاه چنین واژه‌های دور از اخلاق را به کار نبردند بلکه هنگام بازداشت فعالان نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۶۷ فرموده بودند: «به آقایان بازرگان و یزدی کاری نداشته باشید.» بنابراین از نماینده محترم مدعی‌العموم که خود را به تبعیت از رهبری ملتزم می‌دانند انتظار می‌رود پس از گذشت ۱۴ سال از آن قضیه، با تأسی به رفتار ایشان از به کار بردن این‌گونه کلمات که دور از اخلاق اسلامی است جداً پرهیز نمایند. مولای متقیان حضرت علی (ع) نیز در خطبه ۲۰۶ نهج‌البلاغه، زمانی که در ماجرای صفین شنید بعضی از یارانش به اهل شام بدگویی می‌کنند، آنان را مورد شماتت قرار داده و فرمودند: (انی اکره لکم ان تکتونوا سبائین ولکنکم لو وصفتهم اعمالهم و ذکرتم حالهم، کان اصبوب فی القول و ابلغ فی العذر... ترجمه: من دوست ندارم که شما دشمنان دهنده باشید ولی اگر اعمال زشتشان را وصف و احوال آنها را بیان کنید به گفتار صحیح نزدیک‌تر و برای اتمام حجت رساتر است.) پس بجای سب و لعن و ناسزاگویی، نقد و اعتراض خود را بیان کنید که این روش به صواب نزدیک‌تر و تأثیر آن نیز بر مخاطب بیشتر است.

...توضیحات اجمالی فوق در خصوص ادعای همه عمومی نماینده محترم مدعی‌العموم نشان می‌دهد که تهیه‌کننده آن با اتکا به دیدگاهی خاص، تفکر و عملکرد

نهضت آزادی ایران را به طور خاص و روشنفکران دینی ۶۰ سال اخیر کشور را به طور عام مورد تعرض قرار داده که پیامد آن جز تفرقه در صفوف مسلمانان و سرگردانی و بی تفاوتی جامعه، به ویژه نسل جوان و تحصیل کرده، و بی اعتنایی نسبت به قوه قضائیه و مسئولان نظام نخواهد بود... به نظر اینجانب پیامد بازداشت اعضای نهضت آزادی ایران و جمعی از روشنفکران دینی که بسیاری از آنها از خدمتگزاران و مدیران انقلاب بوده و امروز نیز در مراکز علمی دانشگاه‌ها و در سطوح کارشناسی مشغول خدمت به نظام هستند و نیز اثر ادعاهای که نماینده محترم مدعی العموم ارائه کرده‌اند، عملاً ایجاد شکاف بین دو جریان اسلامی دانشگاه و حوزه است. در صورتی که بازداشت‌ها و ادعای یاد شده چنین هدفی را دنبال می‌کند، قطعاً اشخاص ذیربط دچار اشتباه بزرگ تاریخی شده‌اند، زیرا جریان نهضت آزادی ایران و روشنفکران دینی کشور در مجموعه افراد بازداشت شده خلاصه نمی‌شود، بلکه ریشه در همتن جامعه اسلامی ما دارد و حرکت بالنده خود را داشته و خواهد داشت. اگر در آستانه انقلاب همکاری تنگاتنگ این دو جریان و تعامل تعالی بخش تاریخی این دو جریان اسلامی زمینه‌ساز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی گردید، تداوم بالنده انقلاب نیز در گرو چنین همکاری خواهد بود. به نظر اینجانب یکی از ریشه‌های بحران‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه در دو دهه گذشته و پیمدهای بسیار تلخ آن آمار و ارقام مفاسد گسترده اجتماعی منتشر شده این شکاف بین دو جریان مذکور می‌باشد که برای هر دردمند انقلاب و دلسوز ملک و ملت غم‌بار است. اگر رئیس‌جمهور محترم با افتخار طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها را در سازمان ملل مطرح کرده و با استقبال و تحسین جهانیان روبرو شده است و جامعه جهانی به رسمیت تمامی اختلافات و دیدگاه‌های متفاوت راهی جز گفتگو و تعمیق و گسترش و جبهه اشتراک در پیش روی ندارد که البته مقدمه این گفتگو احترام متقابل و پذیرش دیدگاه‌ها و نظرات دیگران است و اگر امروز مسئولان نظام خواستار حکومت فراگیر با مشارکت تمامی اقوام و دیدگاه‌ها در افغانستان هستند آیا دو جریان اسلامی دانشگاه و حوزه که در چند دهه گذشته در مقاطع مختلف تعامل و همکاری تعالی بخش



داشته و نهایتاً در سال ۵۷ این فرآیند، پیروزی قدرتمند و شکوهمند انقلاب اسلامی ایران را در پی داشته است نمی‌توانند با پذیرش پاره‌ای دیدگاه‌های مختلف در مقابل وجوه اشتراک فراوان با احترام متقابل در راستای مصالح نظام و منافع ملی مسائل مورد اختلاف را از طریق گفت‌وگو و با تساهل و در چارچوب اصل قرآنی «رحماء بینهم» کاهش داده و زمینه همگرایی بیشتر را فراهم سازند؟ آیا پخش یک سری اتهامات سنگین بی‌اساس و واهی از رسانه‌های جمعی و بازداشت‌های انجام شده به نفع نظام و منافع و امنیت ملی بوده است؟ به نظر اینجانب یک نظر سنجی علمی و بی‌طرفانه نشان خواهد داد که این اقدامات به نفع دشمنان انقلاب به ویژه گروه‌های برانداز، بوده است و زمینه‌های روانی - اجتماعی ذهنیت «براندازی» که مطرح نظر و خواست آنهاست از طریق اطلاعیه‌های صادر شده و به‌کارگیری رسانه‌ها به خوبی فراهم شده است. از دادگاه محترم و مقامات ذیربط در قوه قضائیه درخواست بررسی مجدد ادعانامه عمومی نماینده محترم مدعی‌العموم و در صورت مقتضی اصلاح آن و جبران پیامدها و آثار اقدامات انجام شده را دارد. *إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا سَتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ* (هود - ۸۸)

در ادعانامه اختصاصی صرفاً «عضویت در شورای مرکزی گروهک غیر قانونی نهضت آزادی» ذکر شده ولی به دلایل غیرقانونی بودن آن اشاره‌ای نشده است. اما در ادعانامه عمومی با استناد به نامه منتسب به آیت‌الله خمینی که به تاریخ ۱۳۶۶ صادر ولی در سال ۱۳۶۸ بعد از رحلت ایشان منتشر شده، فعالیت نهضت غیر قانونی دانسته شده است. البته نماینده محترم مدعی‌العموم ضمن بحث خود در جریان دادگاه نهضت آزادی ایران را تا سال ۱۳۶۰ که قانون اساسی و قانون فعالیت احزاب تصویب شده است به دلیل نداشتن «پروانه» غیرقانونی تلقی نموده‌اند. با توجه به اینکه نهضت آزادی ایران براساس مفاد قانون اساسی و قانون احزاب ادامه فعالیت خود را بعد از پیروزی انقلاب قانونی ولی غیررسمی می‌داند و مقامات مسئول وزارت کشور نیز به دفعات این موضوع را اعلام داشته‌اند، فهرست‌وار این دلایل را برای بررسی دادگاه محترم ارائه می‌کنم.

اصل ۲۶ قانون اساسی و ماده ۶ قانون احزاب به طور صریح فعالیت احزاب را آزاد اعلام کرده و در قانون احزاب هیچگاه فعالیت احزاب منوط و مشروط به داشتن پروانه نشده بلکه پروانه صرفاً «امتیازی» است که احزاب دارای پروانه می‌توانند از تسهیلات قانونی آن بهره‌مند شوند. شایان ذکر است که در قانون احزاب از واژه «مجوز» استفاده نشده است. در اصل ۲۶ قانون اساسی تصریح شده «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی را نقض نکنند...» و ماده ۶ قانون احزاب که ناشی از اصل ۲۶ قانون اساسی است نیز بر این امر صراحت دارد: «ماده ۶- فعالیت گروه‌ها آزاد است مشروط بر اینکه مرتکب تخلفات مندرج در بندهای ماده (۱۶) این قانون نگردند.» در ماده ۱۶ قانون احزاب موارد تخلف ذکر گردیده و در ماده ۱۷ قانون مذکور تصریح شده که در صورت تخلف، کمیسیون ماده ۱۰ می‌تواند بر حسب مورد، اقدام به تذکر کتبی، اخطار، توقیف پروانه و نهایتاً تقاضای انحلال از دادگاه نماید. در مورد نهضت آزادی ایران در دو دهه بعد از انقلاب هیچ‌گاه چنین اقداماتی توسط وزارت کشور صورت نگرفته و تاکنون در هیچ دادگاه صالحه‌ای مطابق اصل ۱۶۸ قانون اساسی رأی در خصوص نهضت آزادی ایران صادر نشده است. برای اینکه منطق حقوقی «پروانه» در قانون احزاب روشن‌تر گردد تعریف آن را عیناً از منبع معتبر دانشنامه حقوقی جلد دوم نوشته دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی نقل می‌کنم: «پروانه دلالت بر یک امتیاز می‌کند، هر امتیازی حاکی از تعهدی است به نفع دارنده امتیاز که باتوجه به موضوع امتیاز ممکن است جنبه مالی داشته باشد، بلکه غالب امتیازات از این قبیل است.» موارد فوق و همچنین مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی در خصوص اصل ۲۶ قانون اساسی به وضوح این واقعیت را نشان می‌دهد که علی‌الاطلاق اصل بر آزادی فعالیت احزاب است و برای تنظیم فعالیت احزاب و استفاده از تسهیلات قانونی ضروری است که احزاب اساسنامه و مرامنامه خود را با ضوابط وزارت کشور هماهنگ نمایند. همانگونه که اداره ثبت شرکت‌ها

درخصوص رسمیت یافتن شرکت‌ها با انجام تشریفات مشابه، برای شرکت‌ها شماره ثبت (مانند پروانه) صادر می‌کند. علاوه بر دلایل حقوقی، می‌توان به دلایل تاریخی قانونی بودن ادامه فعالیت نهضت آزادی ایران اشاره کرد.

۱. در جریان رویدادهای سال ۶۰ رهبر فقید انقلاب طی پیام ۸ ماده‌ای تکلیف همه گروه‌های سیاسی را مشخص کردند، (ظاهراً) یکی از بندهای آن اطلاق به نهضت آزادی ایران دارد که از سال ۱۳۴۰ فعالیت خود را آغاز کرده و لذا براین اساس فعالیت علنی نهضت ادامه یافت و هیچ‌مقامی در آن سال‌ها مطلبی دال بر غیر قانونی بودن فعالیت نهضت اعلام نداشت.<sup>۱</sup>

۲. دفتر نهضت آزادی ایران واقع در خیابان استاد مطهری پلاک ۲۳۴ در سال ۱۳۶۳ توسط دادستانی انقلاب اسلامی تهران برای مدتی تصرف شد و پس از بررسی کلیه اسناد و مدارک، مجدداً دفتر را رسماً تحویل مسئولان نهضت دادند تا به فعالیت خود ادامه دهد. همین اقدام دادستانی انقلاب دلیل قانونی بودن ادامه فعالیت نهضت آزادی ایران بود.<sup>۲</sup>

۳. رؤسای محترم جمهور وقت در دهه اول انقلاب به دفعات در پاسخ به این سؤال و ادعای خبرنگاران خارجی که در ایران آزادی وجود ندارد تصریح کرده‌اند که در ایران آزادی وجود دارد و دلیل آن فعالیت علنی نهضت آزادی ایران و انتشار نشریات آن است.

۴. اگرچه قانون احزاب در سال ۱۳۶۰ به تصویب رسیده است، اما وزارت کشور تا حدود سال ۶۹ اقدامی درخصوص تشکیل کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب و صدور پروانه برای هیچ‌حزب و گروهی ننمود. سایر احزاب و گروه‌های فعال این دوره مانند حزب جمهوری اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، دفتر تحکیم و وحدت و جامعه روحانیت مبارز تهران و ... بدون پروانه فعالیت داشته‌اند. وزیر کشور وقت در

۱. مطابق نامه هشت ماده‌ای آقای خمینی به دادستانی انقلاب مورخ ۶۱/۰۹/۲۴ جز احزابی که در آن تاریخ منحل اعلام شدند سایر احزاب از جمله نهضت آزادی ایران می‌توانستند به فعالیت خود ادامه دهند.  
۲. جریان دقیق مآووقع در اسناد نهضت آزادی ایران منعکس است.

سال ۶۹ از کلیه احزاب قدیمی خواست که برای ادامه فعالیت به کمیسیون ماده ۱۰ مراجعه و اساسنامه و مرامنامه خود را با ضوابط وزارت کشور هماهنگ نمایند. نهضت آزادی ایران نیز اساسنامه و مرامنامه خود را با انجام اصلاحاتی با ضوابط وزارت کشور هماهنگ و تسلیم نمود.<sup>۱</sup>

۵. مقامات وزارت کشور در سال‌های اخیر به دفعات اعلام نموده‌اند که فعالیت نهضت آزادی ایران قانونی ولی غیررسمی است.

۶. در جریان بازداشت‌های سال‌های ۱۳۶۷ (پس از صدور بیانیه ه‌شدار) و ۱۳۶۹ (پس از صدور نامه ۹۰ امضایی به رئیس‌جمهور وقت) مقامات قضایی دادگاه انقلاب اسلامی تهران هیچگاه مطلبی درخصوص غیرقانونی بودن فعالیت نهضت آزادی ایران اعلام نکرده بودند.

۷. دفتر نهضت آزادی ایران به ویژه تا سال ۱۳۶۷ که نهضت فعالیت نسبتاً گسترده‌ای داشته است توسط مأموران نیروی انتظامی حفاظت می‌شده و دستگاه‌های اجرایی از جمله وزارت کشور با نهضت آزادی ایران مکاتبه داشته‌اند.

درخصوص دو نامه وزارت کشور که به غیرقانونی بودن نهضت آزادی اشاره دارد گفتنی است یکی از نامه‌ها به پاسخ به درخواست تسهیلات تبلیغاتی در مقطع انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی از سوی نهضت آزادی مربوط است که صلاحیت آقایان دکتر حسن فریداعلم، مهندس ابوالفضل بازرگان و دکتر غلام‌عباس توسلی از اعضای شورای مرکزی نهضت آزادی، توسط شورای نگهبان تأیید شده بود. با توجه به غیررسمی بودن نهضت آزادی ایران و عدم امکان ارائه تسهیلات به نهضت آزادی، اداره سوم سیاسی وزارت کشور اجباراً چنین جواب منفی را اعلام داشته است. نامه دوم پس از درگذشت شادروان مهندس بازرگان توسط جناب آقای دکتر یدالله سبحانی برای پیگیری صدور پروانه نوشته شد تا چنانچه نسبت به نهضت آزادی ایران حساسیت برطرف شده باشد، در شرایط جدید نسبت به صدور پروانه اقدام نمایند.

۱. در سال ۱۳۶۰ نهضت آزادی نیز مدارک لازم را برای تشکیل پرونده تسلیم وزارت کشور نموده است.

بدیهی است که اعلام غیر قانونی بودن احزاب فقط در صلاحیت دادگاه صالحه موضوع اصل ۱۶۸ قانون اساسی است و قانون چنین اختیاری را به وزارت کشور و کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب نداده است.

در مورد نامه منتسب به آیت‌الله خمینی نیز به اختصار ارائه توضیحاتی ضروری است. صرف نظر از شبهه‌های شکلی در نامه مزبور و انتشار آن در سال ۱۳۶۸، یعنی دو سال پس از تاریخ صدور نامه و پس از رحلت آیت‌الله خمینی و نقض آشکار وصیت‌نامه ایشان در خصوص کارشناسی خط و امضای نامه که توضیح تفصیلی آن در پرونده آمده در متن نامه مطلبی دال بر غیرقانونی بودن نهضت وجود ندارد. افزون بر این نماینده محترم مدعی العموم (ظاهراً برای اولین بار) اظهار داشتند که نامه مزبور در ۵ نسخه تکثیر شده و در اختیار سران سه قوه و وزارت اطلاعات و (ایشان) قرار داشته است. نه تنها در این مدت هیچ یک از سران سه قوه آن دوره در خصوص اصالت نامه مذکور اظهار نظری نکرده‌اند، در بازداشت سال ۶۷ نیز هیچگونه مطلبی از سوی ضابطین قوه قضاییه (وزارت اطلاعات) در این زمینه عنوان نشده است. مضافاً اینکه در صورتی که آیت‌الله خمینی در سال ۶۶ چنین نامه‌ای را از شما گرفته باشند، دستور یا توصیه ایشان در برنامه بازداشت‌های سال ۶۷ مبنی بر اینکه «به بازرگان و یزدی کاری نداشته باشید» مغایر رویه معمول ایشان بوده است.

در حالی که سلب حقوق شهروندی جزو اختیارات مقام رهبری در قانون اساسی پیش‌بینی نشده و خداوند تبارک و تعالی نیز چنین حقی را حتی برای پیامبر بزرگوار اسلام قائل نشده، چرا بجای استناد به قانون اساسی که میثاق ملی است و اهم نیز همواره بر اجرای آن تأکید داشته‌اند در برخورد های سیاسی از اعتبار ایشان هزینه می‌کنیم؟ اصل ۱۶۸ قانون اساسی، محاکم دادگستری را برای اظهار نظر در خصوص عملکرد احزاب سیاسی و مطبوعات مشخص کرده است.<sup>۱</sup>

۱. اصل ۱۶۸ قانون اساسی: رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند.

باتوجه به دلایل فوق، فعالیت نهضت آزادی ایران پس از پیروزی انقلاب قانونی بوده و به علت عدم صدور پروانه از سوی وزارت کشور، نهضت آزادی غیر رسمی و محروم از استفاده از تسهیلات قانونی بوده است. همانگونه که قبلاً نیز توضیح داده شد، پس از رخدادهای سال ۱۳۶۷، خط مشی مصوب نهضت آزادی ایران توقف توسعه تشکیلاتی و انجام فعالیت محدود و تلاش برای اخذ پروانه بوده و این تصمیم در راستای مصالح نظام و منافع ملی و مصلحت نهضت آزادی ایران اتخاذ شده است. اما اینکه چرا در دو دهه پس از انقلاب برای قدیمی‌ترین حزب ملی و اسلامی کشور که سوابق خدمات و فعالیت‌های آن در دو دهه پیش از انقلاب در داخل و خارج از کشور شناخته شده است حتی «پروانه» فعالیت رسمی صادر نشده و اینچنین با آن برخورد می‌شود، موضوع قابل توجهی است که بحث درباره آن در این وقت محدود دادگاه نمی‌گنجد. اما جا دارد که دادگاه محترم باتوجه به اهمیت آن موضوع را مورد توجه و عنایت قرار دهد. با این اوصاف پرسش این است که آیا عضویت در شورای مرکزی نهضت آزادی ایران که صرفاً برای زمینه‌سازی حرکت اسلامی و خدمت به مردم تأسیس شده و شخصیت‌هایی نظیر مرحوم آیت‌الله طالقانی، مرحوم مهندس بازرگان و جناب آقای دکتر یدالله سبحانی از پایه‌گذاران آن بوده‌اند و جز در راه آزادی، استقلال و اعتلای کشور و در راستای مصالح نظام و منافع ملی و تقویت قانون‌مداری عملی انجام نداده است، اقدام علیه امنیت کشور است؟<sup>۱</sup>

البته قاضی دادگاه قسمت‌هایی از سخنانم را (به‌خصوص آنجا که از کلیات دفاع می‌کردم) هنگام قرائت دفاعیه قطع کرد و اجازه نداد به‌طور کامل آنها را بخوانم. با این وصف در مدت سه ساعت موفق شدم قسمت‌های پایانی دفاعیه را به‌طور کامل قرائت کنم و علاوه بر قرائت قسمت‌هایی از متن دفاعیه، در بخش دفاع از قانونی بودن نهضت آزادی ایران (چون قاضی بابایی به وکیل اجازه نداد بود صحبت کند) گفتم: دلیل اصلی و نهایی من در مورد قانونی بودن فعالیت نهضت آزادی پاسخ‌های

۱. برای مشاهده متن آخرین دفاع مهندس توسلی در دادگاه بدوی، مورخ ۱۳۸۰/۹/۲۶ بنگرید به پیوست شماره ۳

مکتوب به نامه وکیل است.<sup>۱</sup> سپس نامه آقای دادخواه و پاسخ کتبی وزارت کشور در مورد قانونی بودن نهضت آزادی ایران را عیناً قرائت کردم.<sup>۲</sup> در این حال دیدم که چهره رئیس دادگاه (قاضی بابایی) از پاسخ وزارت کشور سرخ شده و با حالت گیج، کنترل خود را کاملاً از دست داده بود. در این جلسه آقای موحدی هم حضور نداشت. در پایان از قاضی وقت بیشتری خواستم تا دفاعیات مکتوب خود را کامل کنم و بعد یادداشت‌ها را به دادگاه بدهم. قاضی گفت: نمی‌شود؛ اگر مایلید یادداشت‌ها را ارائه کنید، بایستی همین امروز تحویل دهید. همان جا صفحات دفاعیه را امضاء کرده و تحویل دادگاه دادم. آقای دادخواه نیز متن کامل دفاعیه تایپ شده خود را به دادگاه ارائه کرد. خوشبختانه در یکی از روزهایی که برای ملاقات با اعضای خانواده به منزل می‌رفتم، موفق شدم مجموعه آخرین دفاعیه خود و یادداشت‌هایی را از زندان به منزل ببرم.<sup>۳</sup> البته چون جلسات محاکمه با دو دورین ضبط می‌شد بنابراین حتی نوارهای شفاهی هر چهار جلسه محاکمه باید در قوه قضاییه موجود باشد.<sup>۴</sup>

### ی: اتاق در بسته

پس از آخرین جلسه دفاع در ۱۳۸۰/۹/۲۶ مرا چند روز دیرتر از سایر دوستان از سلول انفرادی بند ۲ به زندان عمومی که اتاق در بسته‌ای بود، منتقل کردند. از ۹/۲۷ تا ۱۳۸۰/۱۲/۱۶ به مدت ۸۱ روز هم مرا در این اتاق در بسته نگه داشتند. بدین ترتیب

۱. در این مورد بنگرید به: اسناد سال ۱۳۸۰ نهضت آزادی ایران با عنوان «متن اعتراض و کلای مدافع اعضاء نهضت آزادی ایران به صلاحیت دادگاه انقلاب، برای رسیدگی به پرونده جاری و غیرعلنی بودن جلسه دادگاه» (تاریخ ۸۰/۰۸/۲۰)؛ نامه سرگشاده دکتر سبحانی به رئیس قوه قضاییه در مورد دادگاه اعضای نهضت (تاریخ ۸۰/۰۸/۲۵)؛ نامه سرگشاده نهضت آزادی به ملت ایران در مورد دادگاه نهضت آزادی ایران (سند ۱۳۶۷ مورخ ۱۳۸۰/۹/۱۶)

۲. بنگرید به پاسخ کمیسیون ماده ۱۰ وزارت کشور به استعلام سید محمدعلی دادخواه (وکیل اعضای نهضت آزادی ایران) در تاریخ ۱۳۸۰/۹/۱۸ در پیوست شماره ۴

۳. برگرفته از متن آخرین دفاع مهندس توسلی در دادگاه بدوی مورخ ۸۰/۹/۲۶ در پیوست شماره ۳

۴. جهت رؤیت دادنامه صادره بنگرید به پیوست ۵

مدت این دوره زندان مجموعاً ۳۳۴ روز بود. از این مدت ۱۶۲ روز در بند ۱؛ ۵۵ روز در سلول انفرادی در بند ۲ به صورت دو نفری؛ ۳۶ روز دیگر باز هم به صورت انفرادی و ۸۱ روز را هم در اتاق در بسته همراه با آقایان مهندس ها شم صباغیان، خسرو منصوریان، مهندس ابوالفضل بازرگان و مهندس محمود نعیم پور گذراندم. این دوره ۸۱ روزه برای ما پنج نفر دوره خوبی بود چون به هر حال از سلول انفرادی یا دو نفری به جمع بزرگتری در اتاق در بسته منتقل شده و بهم پیوسته بودیم. البته آقای مهندس نعیم پور ۱۰ تا ۱۲ روز زودتر از ما آزاد شدند. در این دوره، یکبار من و سایر دوستان را برای ملاقات به خانه‌های خودمان بردند که دو سه ساعت بیشتر نبود. با هماهنگی خانواده، برادر و خواهرم نیز به منزل ما آمدند تا همدیگر را ببینیم که این هم خاطره خوبی بود. نگرهبانی هم برای مراقبت و کنترل همراهی کرد که فرار نکنیم! وقتی که به منزل رسیدیم از نگرهبان خواهش کردم در محل پذیرایی خانه بنشینند تا من در قسمت دیگر خانه با خانواده ملاقات کنم و برای اینکه خیالش راحت باشد به او گفتم: عزیز من؛ ما اهل فرار نیستیم. اگر می‌خواهیم فرار کنیم، اصلاً در ایران نمی‌ماندیم. اگر شما هم بخواهید بروید، خودم دنبال شما می‌آیم و از شما جدا نمی‌شوم. به یاد دارم زمانی هم که مرا به بیمارستان می‌بردند به بعضی نگرهبان‌ها می‌گفتم: شما بدانید و گمان نکنید که ما فرار می‌کنیم؛ حتی اگر شما تصمیم بگیرید بروید باز ما دنبال شما می‌آییم و تا زمانی که تکلیف این پرونده به سرانجام برسد تا آخر در کنار شما می‌مانیم.

### ک: آزادی از زندان

در مورد آزادی ما از زندان ناچارم واقعیت تلخ و ناگواری را بیان کنم که به رخنه فساد و آلودگی در دادگاه انقلاب اسلامی مربوط می‌شود. دادگاه انقلاب علاوه بر اخذ سندی معادل ۲۰۰ میلیون تومان از ما، ارقام سنگینی هم بابت کارشناسی و حق الزحمه کارشناس دادگاه از خانواده‌های ما گرفتند. تحمل انواع و اقسام شکنجه‌ها و فشارهای روحی و جسمی در زندان به مدت نزدیک به یکسال و وارد کردن انواع زیان‌های



مالی و تشدید نگرانی‌های روحی و روانی به ما و خانواده‌های ما، بدون آنکه حتی توانسته باشند یکی از موارد اتهامی را در دادگاه انقلاب ثابت کنند، با همه اهمیت‌تی که دارد فعلاً کنار می‌گذارم.<sup>۱</sup>

قسمت سخت‌تر و ناگوارتر قضیه برای ما و خانواده‌های زندانیان موقعی بود که به وضوح متوجه شدیم کارشناس دادگاه با مسئولین قضایی و قضات دادگاه، ارتباط مالی نزدیک دارد؛ کما اینکه کارشناس دادگاه خودش می‌گفت: من باید قسمت عمده از پول‌هایی که بابت حق‌الزحمه کارشناسی از شما و خانواده شما می‌گیرم را به دادگاه بدهم! شنیدن این سخن ضمن آنکه بسیار ناراحت‌کننده و جای تأسف بود، از ر سوخ فساد مالی در دستگاه قضایی کشور پرده برمی‌داشت. اصولاً تحمل و باور این واقعیت که خانواده‌های ما و سایر زندانیان در جریان این مسئله قرار گرفته‌اند که مسئولان دادگاه انقلاب با کارشناسان مالی ارتباط و زدوبند دارند و اینچنین خودشان و دادگاه انقلاب را از طریق عدالت و مسیر سلامت، دور کرده‌اند، بسیار سخت بود و آسبیبی جدی به باورهای آنها وارد کرد و این واقعیت از به‌یادمانده‌های سخت و ناگوار این دوره بود.

به هر حال با فرارسیدن زمان آزادی من و دوستانم از زندان، همان‌طور که آرزو و انتظار داشتم، مرا یک روز بعد از همه دوستان آزاد کردند چون ظاهراً سند آنها زودتر آماده شده بود. آنها ۳۳۳ روز در زندان بودند. در تمام مدت بازداشت، همیشه در راز و نیازها و دعا‌های خود می‌گفتم: خدایا! دوست دارم در بین دوستان آخرین کسی باشم که از این زندان آزاد می‌شوم. چون دوست نداشتم و برایم ناگوار بود بقیه

۱. در مورد اخذ سند معادل ۲۰۰ میلیون تومان در سال ۱۳۸۰ گفتنی است که این مبلغ در آن زمان بسیار سنگین بود به طوری که شامل ۴ واحد مسکونی در تهران می‌شد این واحدها و املاک به خودم، همسر و فرزندانم تعلق داشت. پس از گذشت نزدیک به ۱۳ سال در ۱۳۹۳/۱/۲۷ به منظور رفع بازداشت وثیقه‌های پرونده سال ۱۳۸۰ با ارسال نامه‌ای خطاب به رئیس دادیاری اجرای احکام مستقر در دادسرای اوین یادآور شدم با توجه به این که بیش از ۱۰ سال از حکم سال ۱۳۸۰ گذشته و مطابق مفاد مواد ۱۷۳ و ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری م شمول مرور زمان شده و بعلاوه تا کنون حکم دادگاه تجدید نظر به اینجانب و یا وکیل اینجانب ابلاغ نشده است، خواهشمنداست مقرر فرمایند از سندهای فوق رفع بازداشت به عمل آید. (بنگرید به پیوست ۶)

دوستان را بعد از آزادی خود در زندان ببینم. خوشبختانه همین‌طور هم شد و آقای منصوریان که از این قضیه اطلاع داشت، گفتند مثل اینکه دعای شما مستجاب شد. حالا همین‌جا بایست تا بیایم و من لباس‌های شما را تکه تکه کنم و در اختیار دیگران بگذارم. دوستان هم از اینکه دعایم آن‌طور که دلم می‌خواست مستجاب شده بود، خوشحال بودند.

پس از آزادی از زندان، اقوام و آشنایان، دوستان و کسانی که تصور نمی‌کردیم به دیدن ما بیایند، آمدند و تا هفته‌ها دیدار دوستان در منزل من و سایرین همین‌طور ادامه داشت. برای ما هم خیلی فرصت مغتنمی بود که بتوانیم دوباره دوستان را ببینیم و ضمناً اطلاعات خود را در اختیار دیدارکنندگان قرار دهیم. این دیدارها تأثیر اجتماعی گسترده‌ای داشت و توانستیم پس از ۱۱ ماه (۳۳۴ روز) زندان، اطلاعاتی را به بیرون منتقل کنیم و همیشه خداوند را هم شاکر باشیم از اینکه اولاً به ما سلامتی داد تا بتوانیم این اوضاع سخت را تحمل کنیم و ثانیاً به خانواده‌های ما هم شکیبایی و پایداری عنایت فرمود تا بتوانند به نقش مؤثر خودشان در دوران بازداشت ما عمل کنند.

## ل: درخواست از دیوان عالی کشور مبنی بر نقض دادنامه و ارجاع

### پرونده به دادگاه صالحه

مدتی پس از آزادی از زندان با در نظر گرفتن موارد کذب و تحریفاتی که از قول اینجانب در دادنامه یا ادعانامه تنظیم شده از سوی مدعی‌العموم دادگاه انقلاب راه یافته و نقل شده بود، با ارسال یادداشتی خطاب به رئیس دیوان عالی کشور در ۲۴ مرداد ۱۳۸۱ این موارد خلاف واقع را برشمرده و پس از توضیح در مورد هر کدام از رئیس دیوان عالی کشور نقض دادنامه صادر شده توسط دادگاه انقلاب و ارجاع پرونده به دادگاه صالحه مطابق اصل ۱۶۸ قانون اساسی را درخواست کردم. در این یادداشت ضمن تکذیب اتهام ارتباط با بیگانگان که در ادعانامه مدعی‌العموم به اینجانب نسبت داده شده بود، یادآور شدم کلیه ملاقات‌ها با سفرا یا کارداران سفارت‌خانه‌های واقع در

تهران در سال ۱۳۵۷ با نظر نخست‌وزیر وقت مرحوم مهندس بازرگان و در چارچوب وظایف احزاب (مفاد مواد ۶ و ۱۶ قانون احزاب) و پروتکل وزارت امور خارجه صورت گرفته و در ملاقاتی که مهندس بازرگان و دکتر یدالله سبحانی با مأمور سفارت آمریکا (جان دی استمپل) در ۱۳۵۷ انجام دادند، اینجانب به‌عنوان مترجم حضور داشتم.

همچنین در مورد اتهام شرکت در کنفرانس‌های خارج کشور، توضیح دادم که در هیچ کنفرانسی مربوط به گروه‌های مخالف نظام در خارج از کشور شرکت نداشته‌ام. جز اینکه یک بار در سفر تاریخی مرحوم مهندس مهدی بازرگان به کنگره جهانی شرق شناسان در آلمان (۱۳۶۴) همراه ایشان بودم که کاملاً جنبه علمی و دینی داشت. حضور ایشان در این کنگره و ارائه مقاله علمی درخصوص سه جلد کتاب *سیرت حول قرآن* و معرفی ایشان به عنوان اولین نخست‌وزیر انقلاب موجب اعتبار و تقویت نظام و معرفی قرآن و اسلام گردید که تفصیل گزارش این سفر در کتاب *دردت کاپوی آزادی* آمده است (چاپ ۱۳۷۹). در اسفند ۱۳۷۸ مؤسسه فرهنگی «هاینریش بل» نیز دعوت مشابهی از آقای دکتر ابراهیم یزدی به عمل آورد و اینجانب بنا به توصیه و مصوبه دفتر سیاسی همراه ایشان بودم. جریان کامل جلسات این سفر در مدافعات و آخرین دفاع دادگاه بدوی به تفصیل آمده و در تمام این جلسات که به‌صورت عمومی و با شرکت ایرانیان مقیم شهرهای برلین، فرانکفورت و کلن آلمان و افرادی از گروه‌های مخالف نظام برگزار شد، به مسئولان گروه‌های مخالف پاسخ داده و از مصالح نظام و منافع ملی دفاع شده است. متن سخنرانی آقای دکتر ابراهیم یزدی و سخنرانی اینجانب در جلسه رسمی مؤسسه هاینرش بل در شهر برلین در راستای مصالح و منافع ملی بوده است. در حاشیه این جلسات دو تن از ایرانیان مقیم خارج از کشور با آقای دکتر یزدی و با حضور اینجانب دیدار کوتاهی داشتند و جریان تحولات فکری و مواضع گذشته خودشان را توضیح دادند و آقای دکتر یزدی در خصوص التزام به قانون اساسی در مبارزات قانونی تذکراتی را مطرح کردند که کلاً در راستای مصالح و منافع ملی بوده است و هیچگونه ارتباط بعدی با هیچ یک از آنان صورت نگرفته است.

بنابراین موارد مذکور در صفحات ۱۷ و ۱۸ دادنامه با عنوان «سند دست‌نوشته مکشوفه» یا اقرار اینجانب در پرونده، جعلی و «کذب محض» بوده و چنین مطالبی اصلاً در پرونده و مکتوبات شخصی و روزانه این سفر یافت نمی‌شود. اینجانب جز در دو سفر یادشده هیچگونه ارتباط با بیگانگان و گروه‌های ضدانقلاب و معاند خارج‌نشین نداشته‌ام و موارد مذکور در دادنامه را تکذیب می‌کنم.

در خصوص همکاری نهضت آزادی ایران با سایر نیروهای ملی - مذهبی در مقطع انتخابات مجلس ششم با عنوان «ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی»، با آنکه این همکاری تماماً در چارچوب قانون و مصالح نظام و منافع ملی بوده اما دادگاه از قلاب متأسفانه برای تحریف سوابق و پرونده سازی علیه نهضت آزادی در جریان رسیدگی و در دادنامه بجای توجه به آیین‌نامه به «منشور همبستگی» اشاره کرده که هیچ‌گاه آن را ندیده‌ایم و به «میثاق نیروهای ملی - مذهبی پیشنهادی» تأکید می‌کند که پس از انتخابات مجلس ششم در اسفند ۷۹ در شورای هماهنگی ائتلاف برای بررسی و اظهارنظر در اختیار نماینده نهضت آزادی قرار داده شد که به گواه صورت‌جلسات دفتر سیاسی نهضت، فرصتی برای مطرح شدن آن نبوده و مطالب نقل شده از آقایان مهندس ابوالفضل بازرگان و خسرو منصوریان در این خصوص همان‌طور که خود توضیح داده‌اند خلاف واقع و کذب محض است. در آیین‌نامه مصوب شورای هماهنگی ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی تصریح شده که نیروهای ملی - مذهبی درون این ائتلاف معتقد به فعالیت مسالمت‌آمیز در چارچوب التزام به قانون اساسی، مقید به مصالح و منافع ملی و نیز پیگیر تحقق حقوق اساسی (ملت) مصرح در قانون اساسی می‌باشند و لذا همکاری‌ها برای شرکت در انتخابات شکل گرفته که حق قانونی و طبیعی شهروندی مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است و عملی خلاف قانون و مصالح نظام و منافع ملی انجام نشده است. هدف از این‌گونه همکاری‌ها جلب مشارکت بیشتر مردم در انتخابات و تقویت نظام و اعتبار جهانی ایران بوده که با برداشت‌ها و ظن و گمان‌های دادنامه کاملاً مغایرت دارد. مطالب مربوط به ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی در رأی اینجانب، تحریف سوابق و مواردی کذب محض

است. اساس همکاری ائتلاف پس از انتخابات مجلس ششم آیین‌نامه‌ای است که به امضاء ۸ گروه تشکیل دهنده رسیده و نسخه‌ای پیوست مدافعات می‌باشد که به رغم تذکرات متعدد در مدافعات دادگاه بدوی در دادنامه صادر شده حتی به آن اشاره نشده است.

علاوه بر موارد یاد شده، عبارت «ما به مبارزه علنی، آرام و مسالمت‌آمیز اعتقاد داریم و معتقدیم باید درون همین حاکمیت تحولات ایجاد و نظام را استتعاله کرد.» از قول اینجانب در ادعانامه نقل شده بود که در مدافعات دادگاه بدوی آن را تکذیب کرده و ارائه منبع آن را درخواست نمودم، ولی هیچگاه به این درخواست مشروع و قانونی عمل نشد. متأسفانه مجدداً در رأی صادره این جمله منتسب به اینجانب نقل شده که مجدداً آن را تکذیب و ارائه منبع آن را درخواست می‌نمایم.<sup>۱</sup>

## م: کوشش خانواده‌ها برای آزادی زندانیان

### م: ۱ - دادخواهی از مقامات قضایی

زمانی که در زندان بودیم، متوجه شدیم خانواده‌های ما برای نخستین بار، گروهی تشکیل داده‌اند تا به منظور پیگیری و دنبال کردن کارهای مربوط به زندانیان خود فعالیت کنند. چنین اقدامی برای بالابردن روحیه ما و خودشان فوق‌العاده مفید بود. البته در شش ماه اول ارتباط ما با بیرون به کلی قطع بود و هیچ نوع ارتباطی با خانواده نداشتیم. بعدها هم که ارتباط تلفنی با آنها برقرار شد، تحت کنترل و زیر نگاه مأموران زندان بودیم. بازجو به حرف‌ها گوش می‌داد تا فقط در چارچوب احوالپرسی صحبت کنیم. بعدها قرار شد ماهی یکبار ملاقات حضوری داشته باشیم که در این ملاقات‌ها گاهی پیش می‌آمد و اطلاعاتی را با هم مبادله می‌کردیم. با این وصف هنوز اطلاع نداشتیم که خانواده‌ها به‌طور همزمان برای آزادی و حقانیت ما نیز فعالیت

۱. نامه محمد توسلی به ریاست محترم دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۸۱/۵/۲۴، (بنگرید به پیوست شماره ۷)

می‌کنند. آنها هم نمی‌توانستند ما را در جریان فعالیت‌های خود قرار دهند و اگر هم می‌توانستند، متوجه این نکته شده بودند که نباید چیزی در این مورد به ما بگویند. پس از گذشت مدت شش ماه که مسئولان اجازه دادند روزنامه در اختیار ما قرار گیرد، باز روزنامه‌ها اخبار مربوط به فعالیت‌های خانواده‌ها را درج نمی‌کردند تا ما همچنان بی‌خبر باشیم. تقریباً هوقعی که به اتفاق در بسته منتقل شدیم به تدریج روزنامه‌های دیگر را در اختیار ما قرار دادند و کم‌کم از طریق اخبار کلمی مندرج در روزنامه‌ها متوجه شدیم که خانواده‌ها مشغول فعالیت هستند و اقدام می‌کنند. تنها زمانی که از زندان بیرون آمدیم، در جریان جزئیات کامل این فعالیت‌ها قرار گرفته و متوجه شدیم فعالیت خانواده‌های زندانیان علاوه بر اینکه برای خودشان مفید بوده، در جامعه نیز نقش پررنگ و تأثیرگذاری داشته است؛ به نحوی که مجموعه فعالیت‌های آنان موجب شده بود این دوره نسبت به زندان‌های سال‌های ۶۷ و ۶۹ کاملاً متمایز شود. ای‌کاش! آقای مهندس بازرگان که در سال ۶۹ دیده بود به عملت انفعال کامل خانواده‌های زندانیان، مجبور است بار همه فشارها را به تنهایی روی دوش خود حمل کند، در این زمان حیات داشتند و به چشم خود می‌دیدند همان خانواده‌های کاملاً منفعل، این بار با اقدامات مثبت خود چه اندازه به نقش بسیار مؤثر خود پی برده و توانسته‌اند با حفظ هویت جمعی خود، گام‌های مفیدی به نفع آرمان‌های نهضت آزادی بردارند.

خانواده‌های فعالان ملی - مذهبی و نهضت آزادی ایران که پرونده همسران آنها در شعبه‌های ۲۶ و ۲۱ بود، به مثابه موتور حرکت و فعالیت، بسیار خوب عمل کردند.<sup>۱</sup> ما به خانواده‌ها توصیه کرده بودیم با حفظ هویت جمعی و نهضتی خودشان با سایر

۱. اسامی این خانواده‌ها به شرح زیر می‌باشد: احمدزاده، ارتضاء، اشفاق، بازرگان، بسته‌نگار، بنی‌اسدی، پدرام، پیمان، توسلی حجتی، خرم، رجایی، رحمانی، رضایی، رفیعی، رئیس‌طوسی، سحابی، سرجمعی، صابر، علوی، علی‌جانی، عمرانی، غروی، فرزندی، کاظمیان، محمدی اردهالی، مدنی، مسکین، مسموعی، ملک‌کی، منصوریان، نعیم‌پور، یوسفی اشکوری، دوانی، صباغیان، محقق، زره‌ساز، زهانی، هادی‌زاده، شمس‌الواعظین، گنجی و یحیایی

خانواده‌ها همکاری کنند که همین کار را هم کرده بودند و مؤثر بود. به‌عنوان نمونه می‌توان به نامه‌های دادخواهی این خانواده‌ها خطاب به رهبر، رؤسای سه قوه، مسئولان دستگاه قضایی و شعب دادگاه انقلاب، نمایندگان و کمیسیون‌های مختلف مجلس، کانون وکلا، هیأت پیگیری قانون اساسی، نماینده سازمان ملل در ایران و ریاست سازمان حقوق بشر اسلامی در غیرقانونی بودن دستگیری‌ها، رسیدگی به وضعیت بازداشت‌شدگان و درخواست آزادی آنها اشاره کرد.<sup>۱</sup>

گفتنی است در هنگام بازداشت غیرقانونی اعضای نهضت آزادی و سایر نیروهای ملی - مذهبی از سوی اطلاعات سپاه پاسداران، آقای هاشمی شاهرودی (رئیس قوه قضاییه) در این رابطه صریحاً اظهار داشته بود بسیاری از بازداشت‌های موقت فاقد مبنای حقوقی و فقهی است.<sup>۲</sup>

همچنین آقای مروی (معاون اول رئیس قوه قضاییه) در دیدار با خانواده‌های زندانیان از دستگاه قضایی سلب مسئولیت نموده و رفتارهای غیرقانونی را به «ضابطین قوه قضاییه» یعنی سپاه پاسداران، منتسب کرده بود.

#### م: ۲ - مکاتبه با سازمان حقوق بشر اسلامی

خانواده‌های بازداشت‌شدگان همچنین با ارسال دادخواستی برای ریاست سازمان حقوق بشر اسلامی از رفتار غیراخلاقی و غیرقانونی دادگاه انقلاب به بازداشت‌شدگان شکایت کردند. بعضی از موارد این شکایت‌نامه عبارت بودند از:

۱. تفتیش و ضبط اموال و وسایل غیرمرتبط در طبقات ساختمان منزل و محل کار، بدون حکم بازرسی و القای ناامنی و ایجاد اضطراب در اطرافیان دستگیرشدگان و همسایگان

۱. تعداد این نامه‌ها نزدیک به ۶۰ یادداشت، نامه و بیانیه متجاوز از ۱۰۰ صفحه می‌باشد. در پیوست ۸ شماری از نامه‌های متعدد خانواده‌های زندانیان به آیت‌الله خامنه‌ای، رؤسای سه قوه و بسیاری مقامات دیگر و نهاد های بین‌المللی آمده است.

۲. بنگرید به روزنامه حیات نو، مورخ ۱۳۸۰/۸/۱۹

۲. ورود به دفتر کار آقایان دکتر ابراهیم یزدی و مهندس‌ها شم صباغیان و همکاران در ساعات تعطیلی دفاتر، شکستن قفل و درب ورودی، ساعت‌ها بازرسی و جمع‌آوری ابزار و وسائل بدون حضور صاحبخانه و نهایتاً پلچک کردن در ورودی و تنظیم صورت جلسه، توقیف و سائل با ارضاء سرایدار مجموعه ساختمان در

۱۳۸۰/۱/۲۷

۳. توقیف و پلمپ «کانون نشر حقایق اسلامی» در مشهد بدون حکم بازرسی

۴. ورود همزمان مأموران به منزل و محل کار متهمان و تهدید بانوان حاضر در منزل و ایجاد رعب و اضطراب در آنان و تفتیش و جست‌وجوی منازل و محل کار متهمین در غیاب آنان، علیرغم درخواست مؤکد مندرج در حکم بازرسی مبنی بر حضور متهمان به هنگام تفتیش

۵. تفتیش گسترده از وسایل شخصی و کاری همکاران در محل کار و ضبط ابزار و وسائل کار جمعی شامل دیسکت، CD، کامپیوتر، نوارهای صوتی و تصویری، دفاتر تلفن و ایجاد اختلال در محیط کار جمعی و وارد کردن ضرر و زیان گسترده به کسانی که فقط ارتباط شغلی و حرفه‌ای با متهم داشته‌اند.

۶. بی‌اطلاع نگه‌داشتن خانواده‌ها از محل بازداشت و وضعیت متهمین

۷. ممانعت از بازگرداندن و سائل ضبط شده از منازل و محل کار اشخاص غیرمرتبط، همسایگان و اعضای خانواده علیرغم قول شفاهی و بعضاً دادن تعهد کتبی در صورت جلسات توقیف و سائل، مبنی بر استرداد و سائل کار در اسرع وقت.

۸. توهین‌های مکرر کارکنان مستقر در شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب نسبت به مراجعین

و به میان کشیدن بحث‌ها و مجادلات انحرافی و درگیری‌های لفظی

۹. تعیین وثیقه‌های سنگین برای آزادی معدود افراد بازداشت شده

۱۰. وارد آوردن اتهام‌های سنگین و توهین‌های مکرر صدا و سیما به متهمان بدون

ارائه دلایل و مستندات قانونی

۱۱. بی‌طرف نبودن قاضی پرونده، القای حکم نهایی از صدا و سیما پیش از

دستگیری و در حین بازرسی از منازل



۱۲. بازجویی‌های مکرر و طولانی شبانه و اختلال در خواب متهمان از طریق ریختن داروهای خواب‌آور در چای و غذای آنان برای تشدید این حالت.

م: ۳ - اجتماع خانواده‌های بازداشت‌شدگان در مقابل ساختمان سازمان ملل

متحد در تهران

همچنین خانواده‌های بازداشت‌شدگان ملی - مذهبی و نهضت آزادی ایران، زندانیان مطبوعاتی و خانواده سعید منتظری، ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه ۳۰ خرداد در مقابل ساختمان سازمان ملل متحد در تهران حاضر شده و رسیدگی به امور زندانیان را خواستار گردیدند. خانواده‌ها پلاکاردهایی با عناوین زیر در دست داشتند:

- شکنجه‌های روانی را متوقف کنید - زندان از فردی ۷ ماهه مهندس سبحانی را متوقف کنید - روشنفکران را آزاد کنید - زندانیان مطبوعاتی را آزاد کنید - سلول انفرادی را تعطیل کنید - زندانی سیاسی را آزاد کنید - قوه قضاییه پاسخ دهد - سلول انفرادی تا کی؟ - بازداشت موقت تا کی؟ - زندانیان کجا هستند؟...

تجمع خانواده‌های بازداشت‌شدگان در فضایی آرام شروع شد، در حالی که پلاکاردها توجه رهگذران را جلب کرده بود، تا اینکه نیروی انتظامی اقدام به پاره کردن برخی پلاکاردها و برخورد فیزیکی با خانواده‌ها کرد که به ضرب و شتم خانم هاله سبحانی (فرزند مهندس سبحانی) و خانم نرگس محمدی (همسر تقی رحمانی) منجر شد. هاله سبحانی در حالی که جلوی پاره کردن پلاکاردها را می‌گرفت گفت: «همه راه‌ها را به روی ما بسته‌اند.» تلاش خانواده‌ها برای شناسایی مأمور خاطی نیروی انتظامی به متواری شدن سریع او از محل منجر شد و خانواده‌ها نتوانستند نام او را از روی یونیفرمش بخوانند. با تلاش نمایندگان وزارت کشور و موافقت خانواده‌ها، تجمع معترضان که بنا بود تا ساعت ۴ بعدازظهر ادامه داشته باشد، در ساعت ۱۲ پایان یافت. پس از قرائت بیانیه، خانواده‌ها با خواندن سرود «ای ایران» محل را ترک کردند.

متأسفانه شماری از مخالفان با هدف وارونه جلوه دادن واقعیت‌های تاریخی این اتهام ناروا را به نهضت آزادی ایران وارد کرده‌اند که قبل از انقلاب با رژیم شاه همکاری می‌کرده و می‌خواست رژیم سلطنتی را حفظ کند! کما این که دادگاه انقلاب

نیز متأسفانه در دادنامه پرونده نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۸۰ هـ.مین اتهامات را مطرح کرده و وارد دانسته بود. این نوع اتهامات خلاف واقع ضمن آنکه به‌طور آشکار سوابق تاریخی روشنی را انکار می‌کرد، با هدف و انگیزه پرونده سازی علیه جریان اصیل فکری که در رأس آن شخصیت‌های مبارزی مانند آیت‌الله طالقانی، مهندس بازرگان و دکتر یدالله سجایی قرار داشتند، انجام می‌گرفت. در سال ۱۳۸۰ نیز مخالفان با هدف ضربه زدن به این جریان فکری، وارد عمل شده و به حبس و بازداشت اعضای اصلی نهضت آزادی پرداختند ولی دوستان ما به رغم تحمل انواع سختی‌ها در برابر این اتهامات، تمام قد ایستادگی کردند و با مقاومت خود موجب شدند مخالفان نتیجه معکوس بگیرند؛ این جریان ریشه‌دارتر شد و پایه‌گاهش قوی‌تر گردید. می‌خواستند مکر کنند ولی مکر خدا قوی‌تر است و این مکرها به خودشان برگشت.

فصل سوم:

انتخابات دومین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا (۱۳۸۱)



## الف: تلاش نهضت آزادی ایران برای شرکت مردم در انتخابات

در میان تمامی نهادهای جامعه مدنی، نهاد شوراها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا مردمی‌ترین و مؤثرترین نهادی است که مردم‌سالاری را تا ژرفای زندگی و نیازهای مردم گسترش می‌دهد. ثانیاً با نهادینه شدن شوراها، روحیه فردگرایی و انزوای حاکم بر آحاد مردم به روحیه جمع‌گرایی و احساس مسئولیت مشترک در قبال مسائل جامعه تغییر پیدا می‌کند و به تدریج شوراها به فرهنگ عمومی و عرصه مشارکت همگانی نیز تبدیل می‌شود. علاوه بر این با تقویت شوراها به تدریج مردم به این باور می‌رسند که شوراها نهادهای مردمی هستند و به طبعه خاص حاکم سالار تعلق نداشته بلکه به فرد فرد اعضای جامعه تعلق دارند. برای آنکه مردم‌سالاری عملاً به تمامی زوایای جامعه نفوذ کند و کارایی خود را در همه جا نشان دهد، مناسب‌ترین شیوه اداره امور کشور، دموکراسی شورایی است که می‌تواند در همه سطوح جامعه گسترش یابد. شوراها یا سلامی شهر و روستا، با توجه به سراسری بودن و عمومیت‌شان، مدیریت متمرکز و حاکمیت صد نفری را به هدیریت غیرمتمرکز با حاکمیت چند صد هزار برگزیدگان مردم منتقل می‌سازند و همگان را به میدان رقابت و مشارکت در اداره امور کشور فرا می‌خوانند و به این ترتیب، انگیزه خدمت و مشارکت مستقیم در امور عمومی را در طیف گسترده‌ای از اعضای جامعه برمی‌انگیزند. شوراها می‌توانند در مقیاس انسانی، ارتباطی بی‌واسطه و همکنشی بین

مردم و منتخبان‌شان به وجود آورده و با همدلی و آشنایی بیشتر با مسائل مردم، در بهبود شرایط و ارتقای کیفیت زندگی و پیشرفت عمومی به دست خود مردم مؤثرتر عمل کنند و قدرت و تسهیلات را در سراسر کشور عادلانه‌تر توزیع نمایند.

بدین منظور در آستانه برگزاری انتخابات دو هین دوره شوراهای شهر و روستا، نهضت آزادی ایران جهت آگاهی و تشویق مردم به مشارکت در این امر مهم اجتماعی و سرنوشت‌ساز بیانیه‌های متعددی منتشر کرد و اعلام نمود که هم اکنون یک فرصت تاریخی دیگر پیش روی ملت ایران فراهم آمده و نهضت آزادی ایران به خواست خداوند، قصد دارد در جهت تثبیت و تقویت شوراهای اسلامی مشارکت فعالانه داشته باشد. از نظر نهضت آزادی ایران، تقویت و تحکیم شوراهای اسلامی و اقبال مردم به آنها، افزون بر ایفای نقش سازنده‌ای که در شکل‌گیری نظام مردم‌سالاری دارند، می‌تواند در بهبود کیفیت زندگی و شرایط محیط، کار و مسکن، توسعه پایدار شهری و رفع مشکلات شهری با توجه به نیازهای مردم و به دست خودشان و نهایتاً به سطح عدالت شهروندی، آثار درازمدتی داشته باشد. لذا از عموم مردم دعوت کرد با آگاهی از نقش و جایگاه شوراها و درک شرایط خطیر جامعه، فعالانه در انتخابات شوراها شرکت کنند. همچنین به همه احزاب و گروه‌های سیاسی - اجتماعی توصیه کرد که با بهره‌گیری از تجربه نخستین دوره انتخابات شوراها، با همفکری و همکاری و حتی‌الامکان با ائتلاف و از طریق نامزدکردن افراد شایسته و توانا برای اجرای وظایف خطیر و مهم شوراها، نقش خود را در تقویت این نهاد مدنی و افزایش حضور و مشارکت واقعی مردم در اداره روستاها و شهرها ایفا کنند.<sup>۱</sup>

در دوره دوم انتخابات شورای شهر و روستا، دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران که اینجانب ریاست آن را برعهده داشتم، تصمیم گرفت نهضت آزادی برای شرکت در

۱. بنگرید به بیانیه ۱۸۱۳ نهضت آزادی ایران با عنوان «در آستانه دو هین دوره انتخابات شوراها» مورخ

۱۳۸۱/۱۰/۵ و همچنین بیانیه ۱۸۲۲ با عنوان «انگیزه شرکت در انتخابات و محورهای برنامه نهضت برای

شوراهای شهر» مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۲۸

انتخابات شوراهای ستاد انتخاباتی تشکیل دهد. هدف از تشکیل ستاد انتخاباتی فراهم آوردن زمینه مشارکت در انتخابات شوراهای بود.

براساس برنامه اعلام شده از سوی وزارت کشور، در روزهای ۹ تا ۱۵ دی ۱۳۸۱ از داوطلبان عضویت در دومین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا در سراسر کشور نام‌نویسی به عمل آمد.

نهضت آزادی ایران همانند روال گذشته ضمن ثبت نام در انتخابات این دوره، نامزدهای خود را تعیین کرد و اسامی آنها را جهت تأیید صلاحیت به وزارت کشور فرستاد. نکته قابل توجه در مورد این دوره انتخابات شوراهای، آن بود که صلاحیت نامزدها (به جزء چند مورد در شهرستان‌ها) به دلایل سیاسی رد نشد که در ۲۰ سال گذشته سابقه نداشت. عملکرد هیأت‌های اجرایی و نظارت که برخی از اعضای این هیئت‌ها، نماینده مجلس ششم بودند، در این مورد علی‌الاصول قانون‌مدارانه بود و جای تشکر و قدردانی دارد. نهضت آزادی پس از اعلام تأیید نامزدهای انتخاباتی در دومین دوره انتخابات شوراهای اسلامی ستادی به عنوان «ستاد یاران بازرگان، طالقانی و سحابی» تشکیل داد و به اعضا و علاقه‌مندان نهضت آزادی در شهرستان‌ها نیز اعلام کرد اگر می‌خواهید با عنوان این ستاد فعالیت کنید باید ضمن تماس با دفتر نهضت آزادی هماهنگی‌های لازم در این زمینه را انجام دهید و موافقت کتبی ستاد را روی سربرگ رسمی دریافت کنید.<sup>۱</sup> نهضت آزادی از سایر گروه‌ها و احزاب هم‌انتظار داشت با همکاری‌های اجتماعی و ائتلاف در این امر مهم شرکت کنند. اصل عمده و مهم برای ما استقبال از همکاری‌های اجتماعی به منظور اصلاح روند انتخابات و معرفی نامزدهای با صلاحیت بیشتر برای اداره شهرها بود تا بدین طریق بتوانیم به سهم خود مؤثر باشیم. بدین منظور اعلام کردیم از ائتلاف با همه احزابی که به آزادی، دموکراسی و حقوق بشر و نهاد شوراهای برای اداره شهرها اعتقاد دارند، استقبال می‌کنیم و امیدواریم بتوانیم با سایر احزاب و گروه‌ها همکاری داشته باشیم و با

۱. بنگرید به بیانیه ۱۸۲۳ نهضت آزادی ایران، «اطلاعیه ستاد انتخاباتی نهضت»، مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۲

همکاری جمعی، گام مثبتی در تقویت نهاد شوراهای برداریم زیرا معتقدیم تنها راه ادامه اصلاحات نه شورش و انقلاب و نه منفعل ماندن، بلکه حضور فعال در عرصه تحولات اجتماعی در چارچوب قانون اساسی می‌باشد.<sup>۱</sup>

با اینکه صلاحیت نامزدهای نهضت آزادی ایران از سوی مقامات مسئول تأیید شده بود ولی عملاً آنها را از هرگونه فعالیت و تبلیغات محروم کردند. البته نهضت آزادی ایران در این انتخابات شرکت کرد اما هیچ روزنامه یا نشریه مستقلی نداشت. روزنامه‌ها نیز به دلیل احساس ناامنی، از درج بیانیه‌ها و آگهی‌های نهضت بیمناک بودند. دفاتر نهضت آزادی ایران و حتی آپارتمان‌هایی که برای فعالیت انتخاباتی در نظر گرفته بودیم، لاک و مهر (پلمپ) شدند. پرونده محاکمه سران و فعالان نهضت آزادی ایران همچنان باز بود و بازجویی از دبیرکل نهضت و برخی دیگر از فعالان ادامه داشت و اعضای فعال نهضت به دادگاه فراخوانده می‌شدند. از این رو بسیاری از علاقه‌مندان به نهضت آزادی که پیش‌بینی کرده بودند عموم مردم دلسرد و بی‌تفاوت شده و در انتخابات شرکت نمی‌کنند، دلسوزانه از ما انتقاد می‌کردند که چرا با شرکت در این انتخابات برای خود مشکل ایجاد می‌کنید؟ با این و صف‌تنها دلیل شرکت نهضت آزادی در انتخابات و دعوت از مردم برای مشارکت در این امر ملی، در راستای استراتژی وفاق ملی و خروج کشور از انسدادهای سیاسی با رویکردی از درون نظام بود.

به رغم تمام محدودیت‌های اعمال شده علیه نهضت آزادی ایران، هنگامی که هیأت‌های اجرایی و نظارت مرکزی صلاحیت کاندیداهای نهضت را تأیید کردند، ناگهان از سوی حامیان و سخنگویان جریانی که بارها جایگاه و پایگاه سست خود را نزد مردم تجربه کرده بود، بانگ «واا سلاما، وا انقلابا» از گوشه و کنار برخاست و اعتراض‌ها بالا گرفت و حتی دو تن از نمایندگان مجلس و عضو هیأت مرکزی

۱. بنگرید به «گزارش کنفرانس مطبوعاتی کاندیداهای نهضت آزادی ایران در شورای شهر» بیانیه ۱۸۲۶ مورخ



نظارت بر انتخابات به عنوان اعتراض به تصویب صلاحیت نامزد های نهضت آزادی استعفا کردند. رئیس هیأت مرکزی نظارت در پاسخ به این اعتراض اعلام کرد که وزارت اطلاعات در یادداشت خود به نامه منتسب به رهبر فقید انقلاب استناد کرده و قوه قضاییه هم پس از اتمام کارها به آن نامه استناد نموده است. هنگامی که آمارگیریها و نظرسنجیها نشان داد که تقریباً ۲۵ تا ۳۵ درصد واجدان شرایط در انتخابات شرکت می کنند و احتمال دارد نامزدهای نهضت آزادی در انتخابات برنده شوند، ابراز نگرانیها شدت یافت. مقام رهبری هم در سفر به استان سیستان و بلوچستان در روز رأی گیری چنین گفتند: «برخی گزارشها حاکی است در برخی از جاها در تشخیص صلاحیتها کوتاهی شده است که در این زمینه تحقیق خواهد شد و اگر افرادی نابجا و برخلاف مقررات به انتخابات راه یافته باشند، آنها اعتبار ندارد...»<sup>۱</sup>

رئیس هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات پس از شنیدن این سخنان که از نگرانی و دغدغه رهبر حکایت می کرد، در واکنشی قول داد که با انجام تحقیقات بیشتر، دغدغهها را مرتفع خواهد ساخت. البته توضیح نداد که با چه ساز و کاری می خواهند دغدغهها و نگرانیهای حاصل از حضور فعالانه نهضت آزادی ایران و موفقیت احتمالی نامزدهای نهضت در انتخابات را بر طرف سازند و کار را به رد اعتبارنامه منتخبان در مجلس نکشانند.

در مقابل، اعضای نهضت آزادی بدون توجه به انتقادات شدید احزاب محافظه کار و تمامیت خواه و به رغم محدودیت های شدید تبلیغاتی، فعالیت تبلیغاتی خود را شروع کرد و کنفرانس مطبوعاتی خود را با عنوان «ستاد انتخابات یاران بازرگان، طالبانی، سحابی» در محل یکی از ستادهای انتخاباتی با حضور تمامی نامزدها و نیز

۱. بنگرید به <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=9423>

جمعه‌ی از خبرنگاران داخلی و خارجی، رأس ساعت ۹:۳۰ صبح دو شنبه مورخ ۸۱/۱۲/۵ برگزار کردند.<sup>۱</sup>

در این جلسه آقای دکتر ابراهیم یزدی (دبیرکل نهضت آزادی ایران) ضمن ابراز علاقه برای حضور پرشور مردم در این انتخابات و تعیین سرنوشت خود به انتقاد از کسانی پرداختند که به روش‌های مختلف (مانند احضار مجدد چند تن از اعضای شورای مرکزی نهضت آزادی به دادگاه انقلاب با آنکه محاکمه آنها خاتمه یافته و احکام بدوی آنها صادر گردیده و اینک در مرحله تجدید نظرخواهی است و یا پلمب دو باب ساختمان متعلق به اعضای نهضت آزادی مانع فعالیت انتخاباتی در این اماکن شده و در جهت کاهش مشارکت مردم در انتخابات تلاش می‌کنند. سپس آقای دکتر غلام‌عباس توسلی بیانیه مطبوعاتی نهضت آزادی ایران در مورد انگیزه نهضت آزادی از شرکت در انتخابات دومین دوره شورای اسلامی شهر تهران و رئوس برنامه‌های آن را قرائت کرد. پس از آن اعضای میزگرد (خانم فریبا داودی مهاجر و آقایان دکتر غلام‌عباس توسلی، دکتر ابراهیم یزدی و اینجانب) به سؤالات خبرنگاران پاسخ دادیم.<sup>۲</sup>

### ب: عدم مشارکت مردم و پیروزی «آبادگران» در انتخابات

به این ترتیب انتخابات دومین دوره شوراهای شهر و روستا در ۱۹ سفند ۱۳۸۱ در سراسر کشور برگزار شد. به یاد دارم با اینکه این انتخابات در محیطی نسبتاً آزاد برگزار شد و مردم نیز توانستند در فضای تقریباً سالمی نمایندگان خود را انتخاب و راهی شوراها کنند اما اکثریت مردم در انتخابات شرکت نکردند و به این ترتیب شوراها در اختیار محافظه‌کاران قرار گرفت. همان موقع نهضت آزادی ایران در بیانیه‌ای تحلیلی، تصریح کرد که شهروندان شهرهای بزرگ و تهران «خودزنی» کردند

۱. برای مشاهده پوستر تبلیغاتی ستاد نهضت آزادی ایران بنگرید به پیوست ۹

۲. بنگرید به بیانیه ۱۸۲۶ نهضت آزادی ایران «گزارش کنفرانس مطبوعاتی کاندیدهای نهضت آزادی ایران در

شورای شهر»، مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۵

زیرا عدم مشارکت گسترده مردم در انتخابات شوراها، باعث توقف آن نگرددید، بلکه کناره‌گیری بسیاری از شهروندان در انتخابات عملاً به سود نیروهای راست تمامیت‌خواه و کسانی تمام شد که بر اساس مواضع اعلام شده خود، اعتقادی به مدیریت شورایی و نهادینه شدن شوراها نداشتند. مردم با مشارکت ضعیف خود زمام مدیریت کلان‌شهرها را به دست کسانی دادند که به مدیریت آمرانه اعتقاد داشتند؛ روندی که در دو دهه گذشته مانع نهادینه شدن شوراها و مشارکت مردم در اداره شهرها بوده است.

البته امتناع و انفعال مردم کاملاً قابل فهم و درک بود. معنی واقعی خودداری بسیاری از مردم در انتخابات، ابراز دلسردی آنان از مجموعه حاکمان کشور و عملکرد اصلاح‌طلبان شورای اول بود. مسئله و پرسش اصلی این بود که این اعتراض، حاکی از دلسردی مردم از دولت بود یا از نظام؟ برخی از مقامات طراز اول کشور، واکنش مردم را اعتراض به عملکرد مسئولان تلقی کردند و نه اصل و کلیت نظام. در حالی که به نظر من مشکل اساسی این بود که مسئولان طراز اول کشور همواره خود را نه تنها معادل نظام، بلکه حتی معادل مقدسات دینی دانسته و می‌دانند. از این رو، هر نوع انتقاد، اعتراض و یا تلاش برای تغییر قانونی حاکمان را «براندازی مسالمت‌آمیز» قلمداد کرده و با شدیدترین شیوه‌های سرکوب با آنان مقابله کرده و می‌کنند. در نتیجه تا زمانی که حاکمان نپذیرند خودشان معادل نظام نیستند و بالطبع تغییر آنان به معنی تغییر نظام نیست و براندازی محسوب نمی‌شود، همچنان شاهد قهر و رویگردانی مردم از حاکمان و همچنین از نظام خواهیم بود.

بنابر گزارش‌های رسمی مقامات مسئول در وزارت کشور، در کل کشور حداکثر ۴۹ درصد از واجدان شرایط در این انتخابات شرکت کردند. در روستاها و شهرهای کوچک، به دلیل رقابت‌های محلی و بعضاً قومی و نیز رضایت نسبی از عملکرد شوراها، میزان مشارکت مردم خیلی بیشتر از شهرهای بزرگ بوده است. در تهران تنها ۱۰/۲ درصد از واجدان شرایط در انتخابات شرکت کردند و این پایین‌ترین میزان مشارکت مردم در رده‌بندی انتخابات تمام حوزه‌ها و تمام دوره‌های انتخاباتی گذشته

بود. میزان مشارکت مردم در سایر شهرهای بزرگ نسبت به تعداد واچدان شرایط در آن شهرها به ترتیب، اصفهان ۱۲/۳ درصد؛ شیراز ۱۸ درصد؛ یزد ۲۲/۵ درصد؛ مشهد ۲۴ درصد؛ تبریز ۲۵ درصد؛ اهواز ۳۰ درصد؛ کرمان و اراک ۳۲ درصد؛ بوشهر و همدان و قزوین ۳۴ درصد؛ رشت و سنندج ۳۵ درصد؛ اردبیل ۳۶ درصد؛ زنجان ۴۰ درصد؛ ساری ۴۲ درصد و زاهدان ۴۶ درصد بوده است.

جدول منتشر شده از سوی فرمانداری تهران در مورد نتیجه انتخابات، حاکی از آن است که ۱۵ نفر صدر فهرست انتخاب شدگان (به جز یک نفر) نامزد های گروهی بدون سابقه و شناسنامه به نام آبادگران بودند. چنین آرایش و ترتیب آرا در مورد نامزدهای هیچ یک از گروه های سیاسی دیگر شرکت کننده در انتخابات، نه در این دوره و نه در دوره های گذشته، دیده نمی شد. آرای نامزدهای گروه های دیگر، از جمله جبهه مشارکت اسلامی، حزب کارگزاران سازندگی، حزب همبستگی اسلامی و حتی ستاد یاران بازرگان - طالقانی، سحابی (نهضت آزادی ایران) به طور طبیعی پراکنده بود و نظم و سامان خاصی را نشان نمی داد.

آمار فوق این پرسش اساسی را به ذهن متبادر می ساخت که آیا گروه آبادگران یک حزب یا سازمان سیاسی با تشکیلات گسترده و انضباط حزبی در چه بالاست و اعضای آن، از دستور تشکیلاتی پیروی کرده و یکجا به فهرست گروه خود رأی داده اند یا آنکه سایر احزاب و گروه ها انضباط و پایگاه تشکیلاتی مشابهی نداشتند و آرای آنها متشتت و متفرق بوده و ناخواسته موجب برنده شدن این گروه شدند؟ اگر میانگین آرای این ۱۵ نفر ملاک قدرت سیاسی آنها فرض شود، این گروه می بایست بین ۸۵ تا ۱۰۰ هزار عضو منضبط سیاسی داشته باشد که بر حسب دستور تشکیلاتی در انتخابات شرکت کرده و رأی یکپارچه خود را به صندوق های رأی گیری ریخته باشند.<sup>۱</sup>

۱. بنگرید به بیانیه ۱۸۲۸ نهضت آزادی ایران «هشدار ملی! ارزیابی دو مین دوره انتخابات شوراها»، مورخ

### ج: درس‌هایی که باید از این انتخابات آموخت

در تحلیل نهایی این نکته کاملاً معلوم شد هر زمان که مردم در انتخابات حضور بیشتری داشته باشند، به رغم چالش‌ها و کارشکنی‌های شورای نگهبان، در انتخاب میان بد و بدتر باز نتیجه به نفع مردم تمام شده است. در این انتخابات مردم تهران امکانات شهر تهران را دو دستی به محافظه‌کاران تحویل دادند و ناخواسته موجب شدند آنها با بهره‌گیری از مجموعه امکاناتی که شوراها در اختیار آنها می‌گذاشت، بتوانند برای انتخابات بعدی مجلس و ریاست جمهوری به نفع خود استفاده کنند. از این منظر می‌توان گفت و حوادث بعدی هم ثابت کرد به خصوص شورای شهر تهران در این دوره سکوی پرش محافظه‌کاران برای احراز مقام‌های بالاتر شد. عموم مردم تصور کرده بودند با شرکت نکردن در انتخابات می‌توانند گام مثبتی در جهت دموکراسی بردارند اما انتخابات شوراهای دوم به خصوص در کلان‌شهرها نشان داد چگونه گروه موسوم به آبادگران تنها با داشتن ۲/۵ درصد از آرا مردم، توانست اداره شورای شهر تهران را به دست آورد و از تمام امکانات و تسهیلات شهر تهران برای پیروزی در انتخابات مجلس هفتم و حتی دوره نهم ریاست جمهوری استفاده کند.

در اینجا لازم است چند نکته را در خصوص انتخاب شهردار تهران از سوی اعضای شورای شهر در آن دوره متذکر شوم. اعضای شورای شهر تهران می‌بایست نسبت به مدیریت شهردار بیش از پیش حساسیت نشان می‌دادند زیرا تغییر ساختار مدیریت شهر تهران، مستلزم برنامه‌ریزی درازمدتی است که باید برای آن طراحی کرد. هر کسی که به عنوان شهردار انتخاب می‌شود باید به نهاد شوراها و کارشورایی اعتقاد داشته و بتواند در مقابل نگرش مقاماتی که بر کاهش اختیارات این نهاد هدنی اصرار می‌ورزند ایستادگی کند و این دیدگاه را با گفت‌وگو و از طریق قانون تغییر دهد. چرا که مدیران اجرایی کشور در مدت بیش از یک دهه، نگرشی اقتدارگرایانه پیدا کرده بودند و چنین نگرشی دستگاه‌های عمومی را از انجام وظایف نظارتی بر ارائه خدمات باز داشته بود. شورای شهر و شهردار باید در جهت کاهش

تصدی دولت در امور شهری و افزایش سطح مشارکت مردم و بخش خصوصی در این عرصه گام جدی برمی داشت و برای اداره مطلوب شهرها به ویژه کلان شهرها، باید «مدیریت واحد شهری» شکل می گرفت. باید به جای شورای شهرداری یک شورای شهر واقعی ایجاد می شد و همه خدمات زیر نظارت مردم قرار می گرفت تا آنها بر اساس نیازهای واقعی جامعه، مدیریت شهری را در جهت ارتقاء کیفیت خدمات، هدایت کرده و از پرداخت هزینه های اضافه و ریخت و پاش جلوگیری کنند. بنابراین باید بر لزوم شکل گیری مدیریت واحد شهری برای اداره مطلوب شهرها و انتخاب شهردارانی معتقد به کار شورایی در راستای ارتقاء جایگاه حقوق شهروندی تأکید می شد. بر این اساس می توان گفت انتخاب آقای محمود احمدی نژاد به عنوان شهردار تهران با عملکردی که از خود بروز داد کمترین سنخیتی با این ضوابط نداشت.

اعضای شورای شهر بایستی دو ویژگی اساسی داشته باشند؛ نخست آنکه تخصص و صلاحیت لازم برای اداره شهر را داشته باشند. ثانیاً به طور جدی در اندیشه تقویت شوراها باشند. چنانچه شهروندان این اشخاص را برای عضویت در شورای شهر انتخاب کنند، در این صورت سهم اجتماعی خود را در توسعه فرهنگ شورا ایفا کرده اند. کسانی که در انتخابات دومین دوره شورای تهران رأی آوردند به تدریج در فرایند وظایف و مسئولیت های خود در اندیشه شوراها حل شدند و با برنامه های دولت نهم هماهنگ نبودند. آبادگران با آنکه در شعارها و برنامه های انتخاباتی خود از مفهوم نظام شورایی سخنی به میان نیاورده و چنین چیزی را اعلام نکرده بودند ولی موقعی که در نهاد شورا قرار گرفتند چون در عمل با مسائل و واقعیت های مدیریت شهری روبرو شدند، دریافتند بدون مشارکت طبیعی و واقعی مردم و نهادینه شدن فعالیت آنها، اداره شهرها به ویژه کلان شهرها امکان پذیر نیست و با آگاهی از اینکه روند فزاینده نابسامانی در شهرها موجب اعتراض شهروندان می شود، برای توسعه و تقویت کارآمدی شورای شهر تهران، شورای معتمدین محلات (شورا یاری ها) را ایجاد کردند.

از سویی لازمه تقویت نهاد هدنی شوراهای پیش از هرچیز نیازمند اراده قوی دولتمردان برای تفویض اختیارات خود به نمایندگان مردم در شوراهاست. با این همه نباید انتظار داشت در ایران بتوان در یک دوره کوتاه مدت معجزه کرد و همه تحولات را یک شبه انجام داد بلکه باید بسترهای فرهنگی و حقوقی این کار فراهم آید و آهسته و پیوسته در این مسیر گام برداشت. متأسفانه دولت نهم به حزب، آزادی و کار شورایی، باور و پیوند اعتقادی نداشت. از این رو طبیعی بود که این دولت بخواهد از شورا، استفاده ابزاری کند و اختیارات شوراهای را کاهش دهد. به همین دلیل به موجب طرح قانونی که برای اصلاح قانون شوراهای از وزارت کشور به مجلس رفت، اختیارات شوراهای کاهش یافت و در صورت ادامه این روند، شوراهای بیشتر جنبه صوری و ابزاری پیدا می‌کرد.

در خصوص عملکرد دوره دوم شورای شهر تهران گفتنی است که این شورا به طور کلی از شورای شهر نخستین دوره موفق‌تر بود زیرا با تداوم فعالیت شوراهای استفاده از تجربه گذشته، زمینه تقویت این نهاد فراهم شده بود. اعضای دومین دوره شورای شهر اگر چه از جمله محافظه‌کاران بودند ولی در عرصه آزادی‌های مدنی در برابر اقتدارگرایی وزارت کشور که خواستار سلب اختیار از نهاد هدنی شورا بود، ایستادگی و از استقلال و اختیارات نهاد شورا صیانت کردند که در جای خود شایسته تقدیر است. از این رو کارنامه دوره دوم شوراهای موفق‌تر از دوره اول بود و بهرغم اینکه نمایندگان دوره دوم شوراهای از پشتوانه مردمی کمتری برخوردار بودند اما به دلیل تداوم فعالیت شوراهای با تجربه بیشتری کار کردند.

اقدام دیگر شورای شهر تهران در این دوره انتخاب محمدباقر قالیباف<sup>۱</sup> (بعد از محمود احمدی‌نژاد) به عنوان شهردار تهران، بود. قالیباف در دوره هدیریت خود به

۱. محمدباقر قالیباف (متولد ۱ شهریور ۱۳۴۰ در طرهبه مشهد) فرمانده نظامی، سیاستمدار محافظه‌کار، نماینده مردم تهران در مجلس یازدهم و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام. در شهریور ۱۳۸۴ از سوی شورای شهر به سمت شهردار تهران انتخاب شد و جمعیاً سه دوره شهردار تهران بود. در چند دوره انتخابات ریاست

کمک همکارانش برای پیشرفت آینده سیاسی خود، پروژه های متعدد شهری مانند احداث پل بر روی بزرگراه صدر و اتصال آن به بزرگراه نیایش را با اعتبار سنگینی (بیش از هفت هزار میلیارد تومان) اجرا کرد. صرف نظر از انگیزه هایی که پشت اجرای این پروژه قرار داشت؛ از جمله اینکه گفته می شد چون در چشم شهروندان تهرانی جلوه خواهد کرد و در انتخاب بعدی ریاست جمهوری به او رأی خواهند داد، این پروژه از جهاتی مورد انتقاد کارشناسان و از جمله بنده قرار گرفت. کما اینکه در جلسه ای در دوره شورای چهارم که با حضور بنده و اعضای شورای شهر و جمعی از کارشناسان برگزار شد، کارشناسان مدیریت شهری نیز با تایید نظر من اجرای این طرح را از نظر ملاحظات ترافیکی، شهرسازی و محیط زیستی قابل توجیه ندانسته و معتقد بودند اگر با اعتبار سنگین بیش از هفت هزار میلیارد تومان که به این کار اختصاص یافت، خط ۳ مترو به موقع تکمیل و راه اندازی و شبکه اتوبوسرانی منطقه تکمیل و تقویت می شد، در این صورت به دو طبقه کردن بزرگراه و مشکلات ناشی از آن در محدوده بزرگراه نیازی نبود.

بنابراین استفاده از نهاد شوراها برای نائل شدن به قدرت بالاتر را باید در کارنامه دومین دوره شورای شهر، یک نقطه منفی دانست زیرا آقای احمدی نژاد<sup>۱</sup> و کسانی که تحت عنوان *ائتلاف آبادگران* به ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی راه یافته اند، عملاً محصول فعالیت شورای شهر دوم بودند. کسانی که به دلیل خودداری بخش قابل توجهی از مردم در انتخابات شوراها و قهر آنها با صندوق های رأی، کرسی های شورای شهر تهران را در اختیار گرفتند، احمدی نژاد را برای تصدی شهرداری پایتخت انتخاب کردند و از عملکرد و مدیریت غیر علمی او در باره مدیریت شهر از جمله

---

جمهوری و از جمله در انتخابات ۱۳۹۲ نامزد شد اما موفق نگردید. سرانجام در انتخابات مجلس شورای اسلامی در اواخر ۱۳۹۸ به مجلس راه یافت و اکنون ریاست مجلس را به عهده دارد. (م. ر)

۱. محمود احمدی نژاد (متولد ۱۳۳۵ در آرادان از توابع استان سمنان) از ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ استاندار اردبیل و از ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ شهردار تهران بود. در ۱۳۸۴ به مقام ریاست جمهوری رسید و تا ۱۳۹۲ برای دو دوره در این سمت بود. (م. ر)



موضوع نمایشگاه بین‌المللی و پروژه مونوریل و برخی اقدامات غیر ضروری و تبلیغاتی غیر قابل دفاع، حمایت کردند. اطلاعات و گزارشات منتشر شده نشان می‌دهد که آبادگران با استفاده از امکانات فراوان، نقش اصلی را در پیروزی محافظه‌کاران در انتخابات مجلس هفتم و پیروزی احمدی‌نژاد در نهمین دوره ریاست جمهوری داشته‌اند. آنچه آقای احمدی‌نژاد به عنوان رئیس‌جمهور در عرصه داخلی انجام داد و مسائل عدیده‌ای که برای سیاست خارجی کشور ایجاد کرد و نیز اقداماتی که از سوی اکثریت نمایندگان مجلس هفتم صورت گرفت را باید به حساب اعضای دومین دوره شورای شهر گذاشت.



فصل چهارم:

انتخابات مجلس هفتم (اسفند ۱۳۸۲)



به‌طور کلی انتخابات بستری مناسب برای به جریان انداختن مطالبات مردم بود و هدف ما برای حضور در انتخابات، نه دست یافتن به قدرت بلکه آگاهی‌بخشی و احقاق حق مردم در تعیین سرنوشت خود بود. رسیدن به آزادی، حاکمیت قانون و مردم‌سالاری مهم‌ترین مطالبات مردم ما در ۱۰۰ سال اخیر بوده و همین سه اصل پیش‌نیاز برنامه‌های توسعه کشور محسوب می‌شود. این سه اصل جزو اصول و آرمان‌های اولیه انقلاب بود و خوشبختانه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز منعکس گردید. متأسفانه جریان اقتدارگرا که عملاً به آزادی، حاکمیت ملت و برگزاری انتخابات قانونی و واقعاً آزاد و سالم اعتقاد نداشت در چند سال گذشته بیشترین تلاش را برای مقابله با مطالبات برحق مردم و جریان اصلاحات به‌کار بست. پیامد اقدامات و عملکرد اقتدارگرایان در چند دهه گذشته از یک سو رشد فزاینده بیکاری، فقر، ستم اجتماعی، فساد و آسیب‌های اجتماعی گسترده و از سوی دیگر رشد و آگاهی بیشتر مردم و شناخت موانع واقعی توسعه و پیشرفت بوده است. برخلاف کسانی که راه‌کار اصلی مشکلات کنونی جامعه را توسعه اقتصادی معرفی می‌کنند، تجربه تاریخی کشور و به‌ویژه روند تحولات ربع قرن اخیر نشان داده با مدیریت آمرانه، امکان جلب مشارکت واقعی مردم وجود ندارد و بدون مشارکت و همراهی مؤثر مردم، برنامه‌های توسعه حتی در زمینه اقتصادی محقق نخواهد شد. با در نظر گرفتن انسداد سیاسی کشور، حاکمیت چندگانه، اوضاع حساس منطقه و جهان و بحران‌هایی که مصالح، منافع و امنیت ملی را در معرض مخاطره قرار داده، به نظر

می‌رسد تنها راهکار خروج از بحران‌های جامعه، پذیرش راهبرد وفاق ملی (نه وفاق همه با من) و همکاری همه گروه‌های اجتماعی از طریق برگزاری انتخابات واقعاً آزاد و سالم است. زیرا هیچ گروه و جریانی به تنهایی قادر نیست بر بحران‌های کنونی جامعه فائق آید و به مطالبات و خواسته‌های مردم جامعه عمل بپوشاند.<sup>۱</sup>

از نظر ما برای پیشبرد اهداف مشترک (توسعه سیاسی و تقویت دموکراسی) سه گروه می‌توانستند نقش مؤثر داشته باشند:

۱. نمایندگان مجلس با اقدامات کارشناسانه خود می‌توانستند در کاهش بی‌اعتمادی مردم و افزایش کارآمدی حاکمیت نقش مؤثری داشته باشند.
  ۲. دولت و تیم آقای خاتمی در پیش‌بردن روند اصلاح‌طلبی در داخل و کاهش تنش در روابط خارجی
  ۳. احزاب و گروه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و نیز جنبش‌های دانشجویی که مهم‌ترین وظیفه آنها تبدیل فضای بی‌تفاوتی به امید در جامعه بود.
- در انتخابات مجلس هفتم<sup>۲</sup>، باز هم شماری از اعضای نهضت آزادی و فعالان ملی - مذهبی مطابق معمول گذشته نامزد شدند، اما نه تنها صلاحیت این دسته از نامزد ها، بلکه صلاحیت بسیاری از مدیران انقلاب، نمایندگان مجلس و چهره‌های اصلاح‌طلب و مستقل کشور از سوی اقتدارگرایان و شورای نگهبان مردود اعلام شد و به این ترتیب تکلیف ۱۸۰ تا ۱۹۰ کرسی مجلس از قبل مشخص گردید.<sup>۳</sup>
- یادآوری می‌کنم که مجلس ششم کاملاً تحت تأثیر رأی اعتراضی مردم در ۲ خرداد ۱۳۷۶ تشکیل شده بود و اقتدارگرایان نیز از همان آغاز، فعالیت‌های خود را علیه

۱. متن گزارش خبرگزاری کار ایران (ایلنا) در مورد اظهارات مهندس محمد توسلی در دفتر جامعه زنان از قلاب اسلامی در خصوص انتخابات مجلس هفتم، مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۷

۲. انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی در یکم اسفند ۱۳۸۲ برگزار گردید و در ۷ خرداد ۱۳۸۳ نخستین جلسه این مجلس برگزار شد. رئیس مجلس هفتم غلام‌علی حدادعادل و نایب‌رئیس آن محمدرضا باهنر و محمدحسن ابوترابی‌فرد بودند. (م. ر)

۳. بنگرید به گفت‌وگوی محمدجواد روح با محمد توسلی تحت عنوان «سرگذشت و سرنوشت حضور در انتخابات»؛ مورخ ۸۶/۱۱/۲۳ در آرشیو اسناد نهضت آزادی منتشر شده در سایت [nehzateazadi.org](http://nehzateazadi.org)

جبهه دوم خرداد ساماندهی کردند. به عنوان مثال تصویب قانون مجازات اسلامی و دست بردن در قانون انتخابات که در آذر ۱۳۷۸ تصویب شد، به رد صلاحیت بسیاری از اصلاح طلبان در انتخابات مجلس هفتم منجر گردید. مسئولان برای رد صلاحیت نامزدها هیچ بهانه یا دلیلی ارائه نکرده بلکه در پاسخ معترضان فقط نامه کتبی می دادند مبنی بر اینکه صلاحیت شما تأیید نشد و هیچ دلیلی ارائه نمی کردند.

در واکنش به رد صلاحیت ها، اصلاح طلبان اعتراض کرده و دست به تحصن زدند. در این میان عملکرد آقای خاتمی قابل تأمل بود. ایشان در حالی که نسبت به برگزاری انتخابات آزاد و قانونی در برابر ملت ایران مسئول بود و به کرات به مردم قول ایستادگی داده بود، اما سرانجام در برابر فشارهای اقتدارگرایان تسلیم شد و ایستادگی انتخاباتی غیر آزاد و ناسالم برگزار شود. در نظر بگیریم اگر آقای خاتمی ایستادگی می کرد و مجری چنین انتخاباتی نمی شد، چه اتفاقی پیش می آمد؟ احتمال نخست آن بود که حاکمیت با در نظر گرفتن پشتیبانی اکثریت مردم از رئیس جمهور، تسلیم اجرای قانون می شد و در برابر ایستادگی ایشان کوتاه می آمد. در این صورت جریان اصلاح طلبی و مردم امیدوار شده و گام های بعدی در توسعه سیاسی را محکم تر برمی داشتند. احتمال ضعیف دیگر آن بود که حاکمیت در برابر این خواسته عمومی، مخالفت کرده و رئیس جمهور نیز با این استدلال که نتوانسته به سوگندنامه خود در اصل ۱۲۱ قانون اساسی مبنی بر پشتیبانی از حق و گسترش عدالت و حمایت از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته، عمل نماید، از سمت خود کناره می گرفت که در این صورت، این اقدام باز در راستای تقویت جنبش اجتماعی و منافع ملی ارزشیابی می شد.

بنا بر آنچه گفتیم نتیجه انتخابات این دوره که با نحوه نظارت شورای نگهبان رابطه مستقیم داشت، ترکیب نمایندگان مجلس هفتم را قابل پیش بینی کرد. اگر شورای نگهبان طبق قانون اساسی به وظایف قانونی خود در پاسداری از حقوق اساسی ملت عمل کرده و آزادی و سلامت انتخابات را تضمین می نمود، شمار قابل توجهی از نمایندگان جبهه اصلاحات به مجلس هفتم راه می یافتند و در این صورت می توانستند

فراکسیون اکثریت را در مجلس تشکیل دهند. اما شورای نگهبان برخلاف قانون و با استفاده از حربه نظارت استصوابی به آسانی صلاحیت نمایندگان جبهه اصلاحات را رد کرد و با این کار ضمن آنکه زمینه را برای حضور انحصاری نامزدهای محافظه کار در مجلس فراهم ساخت، میزان مشارکت مردم در انتخابات را به طرز چشمگیری کاهش داد. البته در این میان کسانی که کلاً مخالف حضور مردم در صحنه بودند، صریحاً به آنان توصیه می کردند در انتخابات شرکت نکنید، چرا که تجربه خاتمی و مجلس ششم نشان داده که آنها نتوانسته اند به وعده های خود عمل کنند. محافظه کاران هم که در چند سال اخیر سعی کرده بودند مردم از اصلاحات ناامید شوند، با استفاده از این فرصت، زمان را مناسب دیده و ضربه نهایی را به اصلاح طلبان وارد کردند. در نهایت جریان راست سنتی و اقتدارگرایان مخالف اصلاحات توانستند اکثریت کرسی های مجلس هفتم را به خود اختصاص دهند. به این ترتیب تعداد ۱۷۰ تن از کسانی که عموماً چهره های شناخته شده ای هم نبودند با آرای ناچیز خود به عنوان نماینده وارد مجلس هفتم شدند و شمار ناچیزی از اصلاح طلبان هم که به مجلس راه یافتند در جایگاه اقلیت قرار گرفتند. جبهه اصلاحات نیز در جایگاه اپوزیسیون قانونی، کوشید خود را سازماندهی و برنامه اصلاحات را پیگیری کند.



فصل پنجم:

مخالفت اقتدارگراها با جمهوریت نظام



## الف: تأکید رهبر فقید انقلاب و قانون اساسی به لزوم پابندی به آراء عمومی

امروزه غالب کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه، صرف نظر از نوع حکومت‌شان، برای تعیین و انتخاب مسئولان و کارگزاران حکومتی خود (اعم از رؤسای جمهور، نمایندگان مجالس قانونگذاری، اعضای شوراهای شهر و روستا و شوراهای محلی و...) به آراء عمومی، برگزاری انتخابات سراسری و همه‌پرسی مراجعه می‌کنند. به عبارتی «انتخابات» در جهان معاصر و در نگاه عموم مردم علاوه بر اینکه به عنوان شاخص‌ترین نماد دموکراسی شناخته شده، رایج‌ترین شیوه تعیین حاکمان نیز محسوب می‌شود. البته از سال‌های پس از جنگ دوم جهانی که تبلیغات رسانه‌ای در سراسر جهان فراگیر شد، افکار عمومی به اندازه‌ای اهمیت و قدرت یافت که انواع حکومت‌ها مجبور شدند ضمن پذیرش نقش افکار عمومی، اساس مشروعیت خود را به آراء موافق آنان در انتخابات مشروط کنند.

در مورد ایران نیز در آستانه تغییر رژیم «سلطنتی مشروطه» به «جمهوری اسلامی» در سال ۱۳۵۷ موضوع «انتخابات» و اتکاء به نظر و رأی مردم اهمیت بیشتری یافت. کما اینکه مستندات فراوان حاصل از اظهارات رهبر فقید انقلاب (آقای خمینی) در مصاحبه با نشریات گوناگون و نیز بیانی‌هایی که به مناسبت‌های مختلف در نوفل‌لوشاتو منتشر می‌کردند، همگی بیان‌کننده این واقعیت بود که احترام به نظر مردم و اتکاء به آراء عمومی، مبنا و رویه تصمیم‌گیری‌های حاکمان در نظام جمهوری

اسلامی خواهد بود. ایشان در مصاحبه با روزنامه گاردین در ۱۰ آبان ۱۳۵۷ چنین گفت: «ما خواهان استقرار یک جمهوری اسلامی هستیم و آن حکومتی است متکی به آراء عمومی. شکل نهایی حکومت با توجه به شرایط و مقتضیات کنونی جامعه ما، توسط خود مردم تعیین خواهد شد» و در گفت‌وگو با نشریه اشپگل در ۱۶ آبان ۱۳۵۷ گفته بود: «تعیین نظام سیاسی با آراء مردم خواهد بود و ما طرح جمهوری اسلامی را به آراء عمومی می‌گذاریم» ایشان همچنین در مصاحبه با روزنامه لوموند در ۲۲ آبان ۱۳۵۷ گفت: «جمهوری به همان معنایی است که همه جا جمهوری است... لکن این جمهوری بر یک قانون اساسی متکی است که قانون اسلام می‌باشد؛ لکن انتخاب با ملت است و طرز جمهوری اسلامی هم همان جمهوری است که همه جا هست» رهبر فقید انقلاب حتی هنگام تنفیذ حکم نخست‌وزیری شادروان مهندس بازرگان نیز مفهوم حقوق قانونی ناشی از آراء مردم را رعایت کرده و گفته بودند: «بر حسب حق شرعی و حق قانونی ناشی از آراء اکثریت قاطع قریب به اتفاق ملت ایران که طی اجتماعات عظیم و تظاهرات وسیع و متعدد در سراسر ایران نسبت به رهبری جنبش ابراز شده است...»

بیان این قبیل اظهارات و اشارات آن هم از زبان رهبر انقلاب، اقشار گوناگون و طبقات مختلف جامعه را در آن زمان قانع ساخت که در انقلاب اسلامی قرار است به تدریج مفاهیم و ارزش‌های انسانی مانند آزادی‌های فردی و اجتماعی، دموکراسی، جمهوریت و حقوق بشر در ایران نهادینه و حاکم شوند.

افزون بر این اشارات، اصول مندرج در فصل سوم قانون اساسی که به حقوق ملت اختصاص یافته و همچنین بیانیه‌های جهانی که ایران نیز آن‌ها را امضا کرده و به رعایت آن‌ها متعهد شده، پیش‌نیازهای برگزاری انتخابات آزاد و سالم را فراهم آورد. با مروری بر اصول قانون اساسی، درمی‌یابیم مجموعه حقوق و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی مردم در جای جای آن تصریح شده است. به عنوان نمونه، اصل ۲۳ در مورد «ممنوعیت تفتیش عقاید»، اصل ۲۴ در مورد «آزادی مطبوعات و بیان»، اصل ۲۶ در مورد «آزادی فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های

اسلامی یا اقلیت های دینی»، ا صل ۲۷ در مورد «آزادی تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها»، ا صل ۳۷ در مورد «حاکم بودن اصل برائت» و ا صل ۳۸ در مورد «ممنوعیت هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع»، ا صل ۳۲ و ا صل ۳۹ در مورد «رعایت حقوق متهمان و ممنوعیت هتک حرمت و حیثیت آنان» مورد تأکید قرار گرفته است. همین اندازه توجه به آزادی بیان و مطبوعات و تشکیل اجتماعات که در اصول فوق تصریح شده، گردش آزاد اطلاعات را در جامعه تأمین کرده و فضایی به وجود می آورد که احاد ملت و صاحب نظران بتوانند بدون وا همه، قدرت و عملکرد مسئولان را مورد نقد و بازبینی قرار دهند و با بررسی آگاهانه و واقع بینانه، عملکرد و برنامه های واقعی نمایندگان مجلس یا دولت را به اطلاع مردم برسانند تا آنان در انتخابات بعدی با آگاهی بیشتر بتوانند نامزدهای معرفی شده از سوی احزاب و گروه های اجتماعی مختلف را انتخاب کنند و با رأی آگاهانه خود در سرنوشت کشور و نحوه اداره شهرها مشارکت مفید و مؤثر داشته باشند.

با این اوصاف و به رغم اصول مصرح یاد شده در قانون اساسی در مورد لزوم پایبندی به مجموعه حقوق و آزادی های سیاسی و اجتماعی مردم، اندکی پس از پیروزی انقلاب، بروز پاره ای رفتارها از سوی رهبر و شماری از مقامات روحانی و مسئول در برابر مخالفان سیاسی و همچنین گنجاندن اصل ولایت فقیه (با اختیاراتی ویژه) در قانون اساسی این واقعیت تلخ را آشکار کرد که پیروزی انقلاب پیش از آنکه به معنی پیروزی نظامی دموکراتیک بر نظام استبدادی باشد، غلبه بر پادشاهی مستبد و عوامل او بوده است. زیرا گذشته از اینکه مفهوم ولایت فقیه به لحاظ نظری با اصل ششم و اصول مندرج در فصل سوم و فصل پنجم قانون اساسی دائر بر حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن منافات داشت، در عمل نیز به اقتدارگرایی می انجامید و به تدریج دستاوردها و ارزش هایی چون آزادی، جمهوریت و حاکمیت رأی و نظر مردم را خنثی و بی اثر می کرد.

### ب: رویارویی روحانیون سنتی و شورای نگهبان با جمهوریت

در دهه‌های پس از پیروزی انقلاب به تدریج در اثر جذر و مدها و فراز و نشیب‌های گوناگون، اقتدارگرایی که به جمهوریت، آزادی و حاکمیت رأی مردم اعتقادی نداشتند با تکیه بر مناصب حکومتی، گفته‌مان مخالفت با مفاهیمی چون انتخابات و حاکمیت ملت را به شکلی عریان بیان کرده و جمهوریت نظام سیاسی ایران را به عنوان رکن اصلی حاکمیت با چالش جدی روبرو ساختند. در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۴ و بعد از آن در ایام انتخابات مجلس خبرگان رهبری که تدارکات آن از پیش صورت گرفته بود تقابل نظرات مخالفان و موافقان در مورد جمهوریت به عنوان رکن اصلی نظام در رسانه‌ها منعکس گردید و رئیس‌جمهور وقت آقای سیدمحمد خاتمی نیز نگرانی شدید خود را از روند اقدامات مخالفان ابراز داشت. آقای محمدتقی مصباح یزدی (ایدئولوگ اقتدارگرایان و جریان اسلام سنتی) به‌طور صریح اظهاراتی به این شرح بیان کرد: «قبول جمهوریت از سوی امام برآمده از یک مصلحت بود و نه اعتقاد... جمهوریت هیچ اصلتی ندارد و صرفاً در این زمان برای تحقق حکومت اسلامی در نظر گرفته شده است... ولی فقیه می‌تواند دستور دهد چه کسی رئیس‌جمهور شود... اعتبار انتخابات به رضایت رهبری است، نه رأی مردم»<sup>۱</sup>

بیان چنین دیدگاهی ضمن آنکه با اظهارات صریح بنیانگذار جمهوری اسلامی که پیش از این اشاره کردیم، در تناقض آشکار بود، با اصول و آرمان‌های اولیه انقلاب اسلامی، اصول قانون اساسی و گفتمان غالب در جمهوری اسلامی نیز آشکارا به مخالفت و مقابله می‌پرداخت و از این‌رو طرفداران اصالت رکن جمهوریت نظام که «مردم» را منشاء قدرت سیاسی و مشروعیت حاکمیت می‌دانستند و همچنین آینده نظام را با چالش جدی روبرو ساخت. در چنین اوضاعی نگاه عموم مردم به طور

۱. بنگرید به روزنامه شرق ۱۳۸۴/۱۰/۱۷ و مقاله مهندس محمد توسلی «پیامدهای نفی جمهوریت نظام»، مورخ

طبیعی نسبت به حقوق خود و جایگاه و منزلتی که قانون اساسی آن را برای مردم (در تعیین صاحب‌منصبان، نمایندگان مجلس شورا و مجلس خبرگان رهبری و...) به رسمیت شناخته بود، مورد تردید و پرسش جدی قرار گرفت.

از سویی نحوه برگزاری انتخابات از زمان برگزاری انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس سوم به بعد در اثر نوع عمل‌کرد انح‌سازی شورای نگهبان در گزینش داوطلبان و نامزدهای انتخاباتی از طریق اعمال شیوه نظارت استصوابی، دستخوش تغییر اساسی قرار گرفت و موجب شد دایره انتخاب مردم به شدت تنگ و محدود شود. اعضای شورای نگهبان در تدوین لایحه جامع انتخاباتی، کوشیدند ایده حکومت اسلامی که در آن همه مسئولان و مناصب بدون مراجعه آراء عمومی تنها از سوی حاکم اسلامی منصوب می‌شوند را قانونی جلوه دهند. چنین لایحه‌ای نقض آشکار حقوق مردم برای نامزد شدن در انتخابات و نتیجه آن کنار گذاشتن کسانی بود که با دیدگاه‌های شورای نگهبان همخوانی نداشتند. این نوع دخل و تصرف‌ها در قانون و تف‌سیرهای ناب‌جا از سوی شورای نگهبان نه تنها ناقض مفاهیم و شعارهای اصلی انقلاب و اصول قانون اساسی است، بلکه اهانت آشکار به آگاهی و قدرت تشخیص مردمی است که آنان را صغیر و نیازمند قییم معرفی می‌کند. این نگرش به تدریج زمینه ساز تمرکز قدرت در یک فرد یا گروه شد و استبداد و مدیریت آمرانه را در جامعه باز تولید کرد. روندی که شورای نگهبان و برخی از حاکمان در چند دهه اخیر اجرا کرده‌اند، ثمری جز تقویت مدیریت آمرانه در لباس «نظارت استصوابی» و «ولایت مطلقه فقیه» نداده و دستگاه‌های مدیریتی و مسئولان ارشد کشور باید از رخدادهای تاریخی، این اندازه تجربه اندوخته و درس گرفته باشند که با ادامه مدیریت آمرانه راه به جایی نخواهند برد زیرا تجربه‌های گذشته نشان داده که توسعه همه‌جانبه و پایدار، بدون مشارکت گسترده و فراگیر مردم امکان‌پذیر نیست.





فصل ششم:

انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۸۴)



## الف: موقعیت اجتماعی گروه‌ها و جریان‌های سیاسی

در آستانه انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری (۱۳۸۴) در حالی که ۲۶ سال از پیروزی انقلاب می‌گذشت و هنوز جامعه ایران با بحران‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بسیاری روبرو بود، مردم ایران یک بار دیگر در مقابل آزمون جدیدی قرار گرفتند. در این زمان مسئله اساسی در ذهن بسیاری از مردم این بود که اگر با در پیش گرفتن فرآیندی دموکراتیک و برگزاری انتخابات آزاد و سالم به تدریج نهادهای مردمی و ساختارهای دموکراتیک شکل می‌گرفت و از فرصت‌های به وجود آمده و امکانات وسیع اقتصادی برای پاره‌ای اصلاحات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به‌درستی استفاده می‌گردید، در این صورت لااقل زمینه برای یادگیری و تمرین دموکراسی در کشور فراهم شده بود و جامعه با بحران‌های گوناگون مواجه نمی‌گشت. از سویی تجربه بیش از دو دهه تلاش آزادیخواهان ایران نشان می‌داد که با آنف حال و کناره‌گیری اقشار گوناگون جامعه از عرصه انتخابات، فرایند گذار به دموکراسی طی نخواهد شد بلکه حضور و مشارکت آگاهانه همه جریان‌ها، احزاب و نیروهای سیاسی معتقد به آزادی و توسعه دموکراسی در جبهه‌ای واحد برای مبارزه قانونی مسالمت‌آمیز و تدریجی می‌تواند در این مقطع تاریخی، نقش مؤثری داشته باشد. با این همه، راه حل اصلی برون‌رفت جامعه از بحران‌ها و تقویت فرایند دموکراسی در کشور، التزام واقعی حاکمیت به برگزاری انتخابات آزاد، سالم و رقابتی بود.

به مناسبت برگزاری این دوره انتخابات ریاست جمهوری، نهضت آزادی ایران با صدور چندین بیانیه ضمن برشمردن پیش شرطها و پیش نیازهای برگزاری انتخابات آزاد، بر لزوم تقویت فرایند دموکراسی تأکید کرد و همچنین ضمن معرفی آقای دکتر ابراهیم یزدی به عنوان نامزد ریاست جمهوری این دوره، رئیس برنامهاهی خود را اعلام نمود.<sup>۱</sup>

اما چندی بعد که وزارت کشور با صدور اطلاعیه‌ای، فهرست اسامی نامزدهای مورد تأیید شورای نگهبان در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۴ را اعلام کرد، معلوم گردید شورای نگهبان طبق روال گذشته و بدون کمترین توجه به هشدارهای مشفقانه دلسوزانی که به صلاح نظام می‌اندیشند، این بار هم با حربه نظارت استصوابی، صلاحیت همه نامزدها (به جز شش تن) را مردود اعلام کرده است.<sup>۲</sup> و به این ترتیب بسیاری از نامزدهای رد صلاحیت شده از جمله دکتر یزدی (نامزد نهضت آزادی) و دکتر مصطفی معین<sup>۳</sup> که از سوی جمعیت موسوم به «اصلاح طلبان پیشرو» داوطلب شده بود، از صحنه کارزار انتخابات حذف گردیدند.

۱. بنگرید به بیانیه‌های نهضت آزادی ایران، شماره‌های ۱۸۸۱ «انتخابات آینده ریاست جمهوری»، مورخ ۱۳۸۳/۶/۸، بیانیه ۱۹۰۸ «تلاش برای تقویت فرایند دموکراسی در ایران»، مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۱۸، بیانیه ۱۹۱۴ «برنامه نامزد ریاست جمهوری»، مورخ ۱۳۸۴/۲/۴ و بیانیه ۱۹۲۱ «جناب آقای سید محمد خاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران»، مورخ ۱۳۸۴/۲/۲۱

۲. شورای نگهبان از میان ۱۰۱۴ داوطلبی که برای انتخابات ریاست جمهوری این دوره ثبت نام کرده بودند در ابتدا فقط صلاحیت ۶ نفر از آنان را تأیید کرد که عبارت بودند از: محمود احمدی نژاد، محسن رضایی، محمدباقر قالیباف، مهدی کروبی، علی اردشیر لاریجانی و اکبر هاشمی رفسنجانی. پس از اعلام حکم حکومتی آیت‌الله خامنه‌ای، شورای نگهبان صلاحیت دو تن دیگر (مصطفی معین و محسن مهرعلی‌زاده) را نیز تأیید کرد. در این میان پیش از برگزاری انتخابات، محسن رضایی انصراف خود را اعلام کرد و از صحنه رقابت انتخاباتی بیرون رفت. (م. ر)

۳. مصطفی معین (متولد فروردین ۱۳۳۰ در نجف‌آباد) آموزش ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود و دوره متوسطه را در دبیرستان سعدی اصفهان گذراند. در ۱۳۴۸ به دانشگاه شیراز راه یافت و در رشته پزشکی تحصیل کرد و متخصص بیماری‌های کودکان شد. در دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی به وزارت علوم منصوب گردید و در این سمت دو بار از مقام خود استعفا کرد. در دوره دوم و سوم وزارت خود از سوی گروه‌های

گفتنی است که در انتخابات این دوره آقای هاشمی رفسنجانی با آنکه پیش از آقای محمد خاتمی، مسئولیت دو دوره رئیس جمهوری را در کارنامه سیاسی خود داشت، باز هم نامزد شده بود و با آنکه احزاب و گروه‌های اصلاح طلب بنا بر اختلافاتی که از پیش با او داشتند از ایشان حمایت نکردند، اما بر همه آگاهان سیاسی معلوم بود که ایشان رقیب اصلی نامزد محافظه‌کاران و کلیه جناح‌های نزدیک به نهاد رهبری است و حضورش در انتخابات موجب کاهش آراء و بلکه شکست نامزد مورد حمایت محافظه‌کاران (آقای محمود احمدی‌نژاد) می‌شود. از این رو همه تلاش رهبر (آیت‌الله خامنه‌ای) شکستن آراء آقای هاشمی رفسنجانی بود تا پیروز میدان انتخابات نباشد. بهترین راهکار عملی برای پیشبرد هدف مذکور آن بود که آراء طرفداران جناح اصلاح طلب حتی الامکان پراکنده شود. روی این اصل مقام رهبری مدت کوتاهی پیش از برگزاری انتخابات در یک اقدام کاملاً مهندسی شده سیاسی، به شورای نگهبان دستور دادند که صلاحیت دکتر مصطفی معین و محسن مهرعلی‌زاده مورد تأیید واقع شود.

پس از تأیید صلاحیت دکتر معین، شماری از اعضای حزب مشارکت مانند دکتر محمدرضا خاتمی برای حمایت از دکتر معین با دکتر یزدی دیدار داشتند که در این دیدار اینجانب نیز حضور داشتم. سرانجام پس از مذاکره با مهندس سبحانی قرار شد

---

فشار با بحران‌های متعددی روبرو شد. این گروه‌ها، دانشگاه و دانشجویان را به عنوان نهاد فکری و نیروی پیشاهنگ اصلاحات به شدت هدف فشارهای خود قرار دادند که نقطه اوج بحران، هجوم این عناصر و ورود غیرقانونی افراد مسلح در ۱۸ و ۲۰ تیر ۱۳۷۸ به کوی دانشگاه تهران و دانشگاه تبریز و ضرب و جرح شدید دانشجویان همراه با دزدی اموال و وسایل دانشجویان بود. این اقدام با اعتراض و استعفای دکتر معین از سمت وزارت مواجه شد. او در استعفانامه خود ضمن دفاع از حریم دانشگاه و مظلومیت دانشجویان نوشت: «واقعیت این است که از یک سو تعدد مراجع تصمیم‌گیرنده و به ویژه تداخل مسئولیت‌ها با شورای عالی انقلاب فرهنگی، سوءظن‌ها، دخالت‌ها و تعرض‌های نهادها و شوراهای غیرمسئول یا غیر پاسخگو، فرصت‌کار و تلاش مفید و مؤثر را به میزان قابل توجهی از وزارت و دولت سلب کرده و از سوی دیگر حریم مقدس دانشگاه، منزلت، حرمت و امنیت فکری و اجتماعی دانشجویان، استادان و دانش‌گامیان و به‌طور کلی جوانان، متفکران و فرهیختگان در معرض تنگ‌نظری و کژاندیشی، تجاوز و خشونت قرار گرفته است.» سرانجام رئیس‌جمهور استعفای او را پذیرفت. (م. ر)

حمایت از دکتر معین مشروط به حمایت ایشان از تشکیل جبهه دموکراسی و حقوق بشر باشد. در این خصوص توافق نامه‌ای تهیه و به امضای طرفین (دکتر یزدی، مهندس سبحانی و دکتر معین) رسید. دکتر معین پس از تأیید صلاحیتش، هدف از نامزدی خود را در بیانیه‌ای در تاریخ ۷ خرداد ۱۳۸۴ چنین اعلام کرد: «برای رفع خطر بازگشت خودکامگی، می‌آیم. پیشبرد برنامه اصلاحات را با رویکرد های علمی، اخلاقی و دموکراتیک مکن می‌دانم و برای تحقق آن بر خرد و کار جمعی و پاسخگویی مشترک در دفاع از حقوق مردم تأکید دارم. در مرحله جدید از توان، همفکری و مشارکت همه نیروها برای تشکیل و پیشبرد «جبهه دموکراسی و حقوق بشر» بهره خواهیم گرفت و اگر در این انتخابات پیروز نشوم از تمام توانم برای تحقق «جبهه دموکراسی و حقوق بشر» استفاده خواهیم کرد.»<sup>۱</sup>

### ب: پشتیبانی نهضت آزادی از دکتر مصطفی معین در دور اول انتخابات

تأیید صلاحیت دکتر معین موجب شد بحث‌ها و مشورت‌هایی با حضور نمایندگان ستاد انتخاباتی ایشان و اشخاصی چون مصطفی تاج‌زاده، دکتر محمدرضا خاتمی، دکتر الهه کولایی، نمایندگان نهضت آزادی ایران و جمعی از نیروهای ملی - مذهبی انجام گیرد. در جریان این رایزنی در جلسه عصر پنجشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۸۴ در ستاد اصلاح‌طلبان پیشرو، نمایندگان به ستاد انتخاباتی دکتر معین یادآور شدند که هدفشان از این ملاقات به هیچ وجه سهم‌خواهی از قدرت نیست بلکه مشورت و همفکری برای یافتن راه‌کارهای مناسب برای تقویت وحدت ملی و نجات کشور در شرایط خطیر کنونی است و حرکت به سوی تشکیل جبهه‌ای فراگیر می‌تواند محور چنین راه‌کارهایی باشد. دکتر معین گفت: اگر با رای مردم به ریاست جمهوری ایران برگزیده شوم دولت وحدت ملی و تفاهم جهانی تشکیل خواهم داد و وجود چنین جبهه‌ای می‌تواند راه را برای رسیدن به این هدف تسهیل کند. سرانجام نهضت آزادی

۱. بنگرید به بیانیه «برای بازگشت به انتخابات» در کتاب *روایت ۴۸*، بانگ بی‌پژواک اصلاح‌طلبی نوشته دکتر

ایران، جبهه مشارکت ایران اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، انجمن اسلامی پزشکان، انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها، انجمن اسلامی معلمان، جامعه دانش‌آموختگان خارج از کشور و گروه‌هایی از جنبش دانشجویی، زنان، فعالان فرهنگی، روشنفکران مذهبی و روزنامه‌نگاران و مدیران مطبوعات اصلاح‌طلب به این نتیجه رسیدند که در این انتخابات از نامزدی دکتر معین حمایت کنند.<sup>۱</sup>

در آستانه برگزاری انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری با توجه به ضرباتی که بر پیکر جنبش اصلاحات وارد شده بود و همچنین پیاپی هدای نامطلوب انتخابات دوره دوم شوراها و انتخابات مجلس هفتم، از سوی برخی احزاب، گروه‌های دانشجویی و شخصیت‌های سیاسی موضوع ضرورت تشکیل «جبهه دموکراسی خواهی و حقوق بشر»<sup>۲</sup> مطرح گردید. آقای دکتر مصطفی معین (نامزد انتخابات ریاست جمهوری) نیز در تبلیغات انتخاباتی خود و به‌ویژه در دیدار با دانشجویانی که این خواست عمومی را مطرح می‌کردند، ضمن استقبال از تشکیل این جبهه فراگیر، آن را دغدغه اصلی خود اعلام کرد. سپس در جریان رایزنی نمایندگان ستاد آقای دکتر معین با نمایندگان نهضت آزادی ایران و فعالان ملی - مذهبی، آنان نیز حمایت از نامزدی آقای دکتر معین را به تشکیل جبهه دموکراسی خواهی و حقوق بشر، مشروط کردند و متعاقب آن

۱. بنگرید به پیوست ۱۰

۲. در مبارزات یکصد سال اخیر آرمان آزادی، دموکراسی و حقوق بشر در رأس مطالبات مردم ایران قرار داشته و در مقاطع مختلف تاریخی مانند انقلاب مشروطه، نهضت ملی ایران و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ کمکان این آرمان تاریخی پیگیری شده است. در سال ۱۳۵۶ جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر متشکل از نیروهای ملی و مسلمان به ریاست شادروان بازرگان تأسیس شد و نقش حساس و مؤثری در کاهش فشار بر زندانیان و تبعیدیان آن دوره داشت و روند تحولات انقلاب را تسهیل کرد. در سال ۱۳۶۴ بار دیگر جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران برای پیگیری همین اهداف تشکیل شد و زمینه تحولات سیاسی - اجتماعی کشور را برای به ثمر نشستن رخداد دوم خرداد سال ۱۳۷۶ هموار ساخت. نمایندگان احزاب و نیروهای فعال ملی و مسلمان در این جمعیت حضور داشتند و مهندس بازرگان و علی اردلان از چهره‌های برجسته این جمعیت بودند.

دکتر معین بنا به نظر شخصی خود، ضمن دیدار با مراجع عظام، پیش‌نویس منشور جبهه دموکراسی و حقوق بشر را به آنان ارائه داد و بعد هم پیش‌نویس را منتشر کرد.<sup>۱</sup> به هر روی پس از دیدارها و مذاکرات نهضت آزادی ایران و نیروهای ملی - مذهبی با ستاد انتخاباتی دکتر معین، در نهایت آقایان مهندس عزت‌الله سحابی و دکتر ابراهیم یزدی (نمایندگان شورای فعالان ملی - مذهبی و نهضت آزادی ایران) در ۱۶ خرداد ۱۳۸۴ با صدور بیانیه‌ای در پنج بند، ضمن حمایت از نامزدی آقای دکتر معین در بند چهارم این بیانیه مطلب زیر را یادآور شدند:

«برنامه‌های آقای دکتر معین، چارچوب حداقلی برای گذار از مرحله کنونی تحولات ایران است و به رسمیت شناخته شدن آن، جز با تغییر توازن نیروها به سود جنبش اجتماعی مردم ممکن نیست. بنابراین به باور ما حتی اگر بخواهیم به عرصه

۱. در قسمتی از متن پیش‌نویس جبهه دموکراسی‌خواهی و حقوق بشر، مضمینی به این شرح آمده بود: «از سیاست‌های راهبردی برای فراگیر شدن و حفظ وحدت و انسجام داخلی جبهه، اتخاذ تصمیمات کلیدی به صورت اجتماعی است، یعنی حداقل رأی مثبت نمایندگان همه احزاب را همراه داشته باشد. در خصوص انتخابات اگر جبهه بخواهد وارد فرایند ارائه نامزد و لیست انتخاباتی بشود اصولاً جمع، عملی نیست و موجب پراکندگی و تضعیف انسجام درونی جبهه خواهد شد و لذا این بخش از اقدامات را بایستی به عهده احزاب یا همکاری‌های جمعی دیگر گذارد. اما در صورت تأمین حداقل رأی مثبت نمایندگان همه احزاب، حمایت از نامزد یا فهرست انتخاباتی خاصی می‌تواند در دستور کار جبهه قرار گیرد بدون آنکه به انسجام و وحدت داخلی آن آسیبی وارد کند. جبهه در راستای اهداف راهبردی خود می‌تواند برنامه‌های متنوعی داشته باشد که جایگاه آنرا فراتر از صرفاً نهاد انتخاباتی قرار می‌دهد و بیشتر نقش بستر سازی برای تقویت فرایند دموکراسی، حقوق بشر و یادگیری دموکراسی و تهرین کار جمعی بین احزاب، سازمان‌های سیاسی و شخصیت‌های مؤثر سیاسی و اجتماعی را دارد. باتوجه به مشکلات کار جمعی در ایران و اختلاف دیدگاه‌ها، در حال حاضر قرار است هیئت مؤسس جبهه از طیف نیروهای روشنفکری دینی باشند که التزام به قانون اساسی را به‌عنوان یک اصل پذیرفته‌اند؛ البته آنها حق نقد اصول غیردموکراتیک آن [قانون اساسی] را برای خود مورد تأکید قرار داده‌اند. بعد از نهایی شدن منشور و اساسنامه، همه احزاب و گروه‌های سیاسی در همین چارچوب می‌توانند همکاری و مشارکت داشته باشند و مرزبندی خاصی وجود نخواهد داشت.» بنگرید به ضمایم اسناد نهضت آزادی «محمد توسلی و نقد جبهه دموکراسی‌خواهی» مورخ ۱۳۸۵/۲/۲۴



عمومی و تعمیق حرکت‌های اجتماعی توجه کنیم، باید تا حد امکان به روی کار آوردن دولت‌های اصلاح‌طلب، بیش از گذشته یاری رسانیم.<sup>۱</sup>

نهضت آزادی ایران امیدوار بود با حمایت از دکتر معین در این دوره انتخابات، بتواند اولاً آرای اقشار خاموش جامعه را به سمت انتخابات جلب کند و ثانیاً به پیروزی او در انتخابات ریاست جمهوری کمک کند. از نگاه نهضت آزادی حتی اگر دکتر معین پیروز نهایی انتخابات نمی‌شد، این حمایت گام مثبتی در تقویت فرایند دموکراسی خواهی کشور بود.

وزارت کشور پس از شمارش آرای حوزه‌های انتخاباتی سراسر کشور، نتایج آرای مأخوذه از صندوق‌ها را اعلام نمود. مطابق آرای مأخوذه آقای دکتر معین بعد از آقایان هاشمی رفسنجانی، احمدی‌نژاد و مهدی کروبی در ردیف چهارم جدول قرار داشت.<sup>۲</sup>

ولی به دلیل به حد نصاب نرسیدن آراء، انتخابات به دور دوم کشیده شد.

به‌طور طبیعی چهار میلیون رأی به دکتر معین به مثابه موافقت رأی‌دهندگان با برنامه‌ها و مواضع اعلام شده از سوی او بود. مخالفت با نظارت استصوابی و حکم حکومتی، آزادی زندانیان سیاسی و مطبوعاتی، تشکیل جبهه دموکراسی خواهی و حقوق بشر از اهداف و برنامه‌های عمده دکتر معین بود و با این تعداد رأی، وزن این تفکر و جریان اصلاحی دموکراسی‌خواه در کل جامعه مشخص گردید و نشان داد که همکاری‌های جمعی چه اندازه می‌تواند تأثیرگذار باشد. علاوه بر این، نشان داد این تعداد رأی دهنده به مقام و موقعیت شخص خاصی نظر نداشته بلکه اصلاح ساختار کشور و اجرای برخی اصول معطل مانده و اجرا نشده قانون اساسی را دنبال می‌کنند.

۱. بنگرید به پیوست ۱۱، بیانیه «به سوی جبهه دموکراسی خواهی و حقوق بشر، بیانیه نهضت آزادی ایران و فعالان ملی - مذهبی در حمایت از نامزدی دکتر معین در نهمین انتخابات ریاست جمهوری» مورخ ۱۶ خرداد ۱۳۸۴

۲. اکبر هاشمی رفسنجانی با ۶۰۱۶ میلیون نفر معادل (۲۱ درصد آرا) نفر اول، احمدی‌نژاد با ۵۰۷۱ میلیون نفر (۱۹۰۵ درصد) نفر دوم بوده و پس از وی کروبی با ۵۰۰۷ میلیون نفر (۱۷۰۳ درصد)، معین با ۴۰۰۸ میلیون نفر (۱۳۰۹ درصد)، قالیباف با ۴۰۰۷ میلیون نفر (۱۳۰۸ درصد)، لاریجانی با ۱۰۷۴ میلیون نفر (۵۰۹ درصد) و محسن مهرعلی‌زاده با ۱۰۲۹ میلیون نفر (۴۰۴ درصد) به ترتیب در رتبه بعدی قرار گرفتند.

### ج: اعتراض به انتخابات مهندسی شده

پس از اعلام نتایج آراء، آقایان کروبی و هاشمی رفسنجانی نیز سلامت انتخابات را زیر سؤال بردند و با اظهار نظر صریح و شفاف، حمایت و پشتیبانی سازمان یافته نهادهای رسمی و نظامی از یک نامزد خاص را با اصول انتخابات آزاد و سالم مغایر دانستند. البته با گذشت چندین سال هنوز این ابهام باقیست که چرا مقامات مسئول از جمله آقایان خاتمی و موسوی لاری (وزیر کشور وقت) نسبت به تخلفات آشکار انتخابات ۱۳۸۴ سکوت اختیار کردند و به مردم توضیحات لازم را ندادند. مردم از آقای خاتمی انتظار داشتند که در آخرین انتخاباتی که برگزار می‌کند، کاستی‌های برگزاری انتخابات مجلس هفتم را جبران کند و مجری انتخابات ناسالم نباشد.

آمار منعکس شده در برخی رسانه‌ها که به اطلاعات دسترسی بیشتر و سریع تری داشتند نیز ابهام برانگیز بود؛ از یک سو برخی روزنامه‌ها آمار شرکت‌کنندگان در انتخابات را ۳۲ میلیون نفر اعلام کرده بودند در حالی که بر اساس اعلام رسمی، ۲۹ میلیون نفر در انتخابات شرکت کرده بودند و به این ترتیب جابجایی سه میلیون آراء نیز بر ابهامات می‌افزود! برخی از نامزدها، آشکارا اعلام کردند که بخشی از نیروهای سپاه پاسداران و بسیج و مراکز قدرت، برخلاف نص صریح قانون، به شکل سازمان یافته در جریان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در ۲۷ خرداد ماه، مداخله کرده‌اند. با آنکه گفته می‌شد ۳۰۰ هزار ناظر موظف شورای نگهبان با اعتباری بیش از ۱۴ میلیارد تومان بر صندوق‌ها و آرای مردم نظارت کرده‌اند، گزارش‌های بحث‌انگیز فراوان از تخلفات مربوط به جابه‌جایی آراء، به گوش می‌رسید و در این میان، هشدار آقای مصطفی معین و اعتراض‌های آقای مهدی کروبی در مورد اقدامات ناصواب شورای نگهبان و سپاه پاسداران با پاسخ سرد مقام رهبری و سکوت رئیس‌جمهور روبرو شده و تا این لحظه، در واکنش به اظهارات آنان هیچ‌گونه اطلاع و توضیحی به افکار عمومی ارائه نشده است.

با کشیده شدن انتخابات به دور دوم، به‌ویژه با تمهیدات از پیش اندی‌شیده رهبری در مورد سازماندهی ارگان‌ها و نهادهای سیاسی و نظامی در متحد ساختن صفوف محافظه‌کاران و در مقابل، اختلاف‌افکنی و ایجاد شکاف در جبهه اصلاح‌طلبان، اوضاع در صحنه انتخابات مرحله دوم از هر نظر به سود نامزد مورد حمایت رهبری (محمود احمدی‌نژاد) رقم خورد.

احمدی‌نژاد تا پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۸۴، سابقه چندانی در مدیریت سیاسی کشور نداشت و کسی او را نمی‌شناخت؛ جز این‌که در سایه پشتیبانی و رأی موافق اعضای دومین شورای شهر تهران، مسئولیت شهرداری تهران برای مدت نه چندان طولانی به او واگذار شد. این انتخاب سکوی پرشی برای او شد تا از تهامی امکانات و تسهیلات شهرداری و مردم شهر تهران برای دستیابی به اهداف خود استفاده کند. ساخت سقاخانه، اعطای تسهیلات به هیئت‌های مذهبی و دادن وام ازدواج به جوانان، دیدارهای حضوری در مناطق شهرداری برای حل مشکل مردم (که وظیفه شهرداران مناطق بود)، هزینه‌کردن‌های بی‌قاعده و خارج از ضوابط و ... برخی اقداماتی بود که او برای عوام‌فریبی و جلب آرای مردم انجام داد.<sup>۱</sup> بنابراین ظهور او در صحنه سیاست کلان کشور، حاصل تلاش‌های اعضای شورای شهر تهران همراه با پشتیبانی فرماندهان و قوت سپاه پاسداران و دستگاه اطلاعاتی کشور بود تا ابتدا مسئولیت شهرداری را عهده‌دار شود و پس از مدت کوتاهی از این سمت به عنوان سکوی پرتاب استفاده کرده و برای انتخابات ریاست‌جمهوری خیز بردارد. البته کلیه دستگاه‌های تبلیغاتی و رسانه‌های حکومت، تبلیغات گسترده و فراگیری در مورد ساده‌زیستی و انقلابی بودن او به راه انداخته و او را سلف صالح شهید رجایی نامیدند. بگذریم از اینکه خودش نیز در تبلیغات انتخاباتی، با تقبیح شدید و بی‌ادبانه اقدامات و

۱. از جمله اجرای طرح منوریل در صادقیه تهران که در مرحله بعد برچیده شد و در مرحله بعد اجرای طرح منوریل با دستور و پیگیری شخصی در شهر قم بر خلاف ضوابط مطالعات طرح جامع حمل و نقل و ترافیک مصوب که امروز با صرف هزینه‌های سنگین متوقف و مشکلی پیش‌روی مدیریت استان و شهر قم گردیده است.

عملکرد دو رئیس‌جمهور پیشین و متهم کردن آن‌ها به تشدید نابرابری اقتصادی و اجتماعی، از دادن هرگونه وعده‌های عوام‌فریبانه و پوچ مانند آوردن درآمدهای نفتی به سفره‌های مردم خودداری نورزید. با این همه و به رغم همه تمهیدات، تبعیضات و تبلیغات گسترده‌ای که از سوی نهادهای وابسته به حاکمیت به نفع آقای احمدی‌نژاد صورت گرفت، جالب است که در مرحله نخست انتخابات، تعداد آراء او کمتر از آقای هاشمی رفسنجانی بود.

در مرحله دوم انتخابات ریاست‌جمهوری (سوم تیر ۱۳۸۴) با وجود ابهامات فراوان در شمارش آراء به دلیل تقلب‌ها و تخلفات، ما باز هم در چارچوب استراتژی راهبردی خود، حضور در انتخابات را توصیه کردیم. در این مرحله، چون از مواضع عملکرد نادرست آقای احمدی‌نژاد و حامیانش در شهرداری تهران آگاهی به دست آمده بود، به مردم توصیه کردیم و از آنها خواستیم علی‌رغم انتقادها و اعتراض‌های جدی به عملکرد گذشته آقای هاشمی رفسنجانی، برای دوری از تحجر و اقتدارگرایی و در راستای منافع و امنیت ملی، با ریختن آرای خود به نفع وی در روز انتخابات به وظیفه خطیر ملی خود عمل کنند. با آنکه آقای هاشمی رفسنجانی در گذشته هزینه سنگینی بر نیروهای ملی - مذهبی و اعضای نهضت آزادی ایران وارد کرده و آن‌ها در سال ۱۳۶۹ در موضوع نامه ۹۰ امضایی شکنجه‌هایی را در زندان تحمل کردند و ملی نهضت آزادی در دوره دوم انتخابات شرکت کرد و به آقای هاشمی رفسنجانی رأی داد، زیرا ایشان در عمل مواضع گذشته خود را اصلاح کرده و به سمت مردم گرایش پیدا کرده بود. گرچه ایشان از اعضای نهضت آزادی بابت این همکاری هیچ نوع تشکری نکرد، با این حال ما از این تصمیم رضایت داشتیم. ضمن آنکه رأی‌ها به آقای هاشمی رفسنجانی به معنی اعتراض به صلاحیت آقای احمدی‌نژاد نیز بود. البته آمار آرای اعتراضی به اندازه کافی بالا نبود و عده زیادی از مردم با این نگاه که رأی آنها در نتیجه انتخابات تأثیری ندارد، در انتخابات دور دوم شرکت نکردند. حتی سازمان‌های دانشجویی تحکیم وحدت نیز با پیروی از همین نظر در انتخابات رأی ندادند و در نهایت موجب شدند تا آقای احمدی‌نژاد در انتخابات پیروز شود. هر چند

که بعدها آنها به این اشتباه خود اعتراف کردند. به این ترتیب احمدی نژاد به عنوان رئیس‌جمهور دوره نهم، انتخاب و بر مقدرات کشور حاکم گردید.<sup>۱</sup>

از آنجا که در این دوره انتخابات رأی‌دهندگان فقط دو نامزد پیش روی خود داشتند، دادن «رأی سفید» معنی نداشت. در حالی که هنوز در فرهنگ جامعه ما معنی و مفهوم «رأی اعتراض» جا نیفتاده، در جوامع دموکراتیک این آگاهی وجود دارد و «آرای سفید» به عنوان اعتراض شناخته شده و مردم می‌دانند که می‌توانند با حضور در انتخابات و دادن رأی سفید یا اعتراضی به نامزدهای منتخب بر تحولات اجتماعی اثر گذار باشند. متأسفانه در جامعه ما به جای استفاده از این ابزارهای دموکراتیک، بسیاری «قهر با انتخابات» را انتخاب می‌کنند.

#### د: تشکیل جبهه دموکراسی و حقوق بشر

همکاری آقایان دکتر یزدی و مهندس سبحانی با ستاد انتخاباتی دکتر معین به تشکیل جبهه دموکراسی و حقوق بشر از سوی ایشان در صورت پیروزی یا شکست در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۴ مشروط شده بود. دکتر معین هم در بیانیه انتخاباتی خود به صراحت به این موضوع پرداخته بود.

پس از برگزاری انتخابات و به رغم ناکامی دکتر معین، ایشان به تعهد خود عمل نمود و ستادی به این منظور تشکیل شد. در این ستاد علاوه بر دکتر معین، نمایندگان احزاب مختلف از جمله آقایان دکتر نظام‌الدین قهاری، دکتر حبیب‌الله پیمان و محمد بسته‌نگار از شورای فعالان ملی - مذهبی، آقایان مصطفی تاج‌زاده، مهندس بدیعی، هادی قابل و سرکار خانم دکتر الهه کولایی از حزب مشارکت و همچنین آقایان دکتر غلام‌عباس توسلی، مهندس ابوالفضل بازرگان و من از نهضت آزادی ایران حضور داشتیم. البته اشخاص دیگری نیز چون آقای حسین انصاری‌راد به صورت منفرد و مستقل در جلسات شرکت می‌کردند.

۱. گفت‌وگوی روزنامه اعتماد با مهندس محمد توسلی، مورخ ۱۳۸۷/۷/۲۰

جلسات این ستاد به طور معمول با حضور ۱۲ تا ۱۵ عضو تشکیل می شد و اداره جلسات با آقای تاجزاده بود. جلسات و مذاکرات درباره تشکیل جبهه دموکراسی و حقوق بشر به مدت ۲ سال به طور مستمر ادامه یافت. در این مدت بحث و مذاکره در مورد زمینه‌ها و موانع تحقق دموکراسی و حقوق بشر در ایران مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت به تدوین اعلامیه تأسیس جبهه دموکراسی و حقوق بشر، پیش‌نویس منشور جبهه دموکراسی خواهی و حقوق بشر شامل مقدمه و ۱۱۲ اصل و اساسنامه جبهه در چهار فصل و ۲۶ ماده در تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۲۴ انجام پید. <sup>۱</sup> در جمع‌بندی نهایی فهرست شخصیت‌ها و احزابی که برای تحقق این مهم باید به همکاری دعوت می‌شدند، گردآوری شد تا در تاریخ معینی با حضور این افراد، جبهه مذکور فعالیت خود را آغاز نموده و تشکیل آن علناً اعلام گردد. در چنین شرایطی که همه در انتظار ارسال دعوتنامه‌ها بودیم، بر خلاف انتظار و به طور ناگهانی ادا مه جلسات متوقف شد. در آن زمان آقای دکتر معین و سایر آقایان هیچ توضیحی در این مورد ارائه نکردند. گمان ما این بود که نهادهای امنیتی بر دکتر معین فشار آورده و ایشان را به توقف فعالیت ستاد مجبور کرده‌اند. در جلسات مشورتی با برخی دوستان مانند آقایان تاجزاده و هادی قابل، آنان نیز توضیحات شفاف و قانع‌کننده‌ای درباره علل توقف ستاد ارائه نکردند. تا اینکه چندی بعد حقایق دیگری برملا شد.

مدتی بعد دکتر معین به صراحت عنوان نمود خود را صلاح‌طلبان با ادا مه فعالیت ستاد و تشکیل جبهه دموکراسی و حقوق بشر موافق نبودند و مخالفت آنان فعالیت ستاد را متوقف کرد. ایشان به طور مشخص از آقای بهزاد نبوی نام برد که تشکیل چنین جبهه‌ای که نهضت آزادی ایران در آن حضور داشته باشد را به صلاح نمی‌دانست.

۱. بنگرید به پیوست ۱۲ با عنوان (منشور جبهه دموکراسی و حقوق بشر) و پیوست ۱۳ با عنوان (اساسنامه

جبهه دموکراسی و حقوق بشر)

با آنکه نهضت آزادی ایران تصریح کرده بود به هیچ وجه به دنبال دستیابی به قدرت نیست و تنها تشکیل جبهه اهمیت دارد، این مخالفت حاکی از فقدان انسجام جنبش اجتماعی ایران و تقسیم افراد و نهادها به خودی و غیر خودی بود؛ امری که جامعه ایران هنوز هم به آن مبتلاست و موجب کندی حرکت جامعه به سمت توسعه سیاسی می‌شود. البته از میزان مخالفت آقای مهندس نبوی در این موضوع اطلاعی نداریم اما با توجه به عملکرد تاریخی او به ویژه اقدامات ایشان علیه نهضت آزادی ایران در دولت آقای رجایی و مواضعش نسبت به مصوبات ستاد، دور از انتظار نبود که با ادامه جلسات جبهه دموکراسی و حقوق بشر مخالفت نماید. گرچه باز هم گمان نمی‌کردیم آقای نبوی به تنهایی در این امر دخالت داشته باشد و به باور ما برخی سران حزب مشارکت و اشخاص دیگری نیز از روی مصلحت سنجی با آن مخالفت کرده بودند. این افراد علی‌رغم حسن نیت و همچنین گرایش‌های اصلاح‌طلبانه همواره به نوعی مرزبندی میان نهضت آزادی و خودشان قائل بودند. به هر روی مسلم بود افرادی با توجه به حساسیت‌های رهبری و نهادهای امنیتی نمی‌خواستند نهضت آزادی ایران و نیروهای ملی - مذهبی در این قضیه با آنان مشارکت کنند و آنان از این جهت هزینه‌ای را متحمل شوند. هزینه‌هایی که البته بعداً در ۱۳۸۸ همان نیروهای مخالف هم در کنار سایرین پرداختند.

به یاد دارم در یکی از روزهای پایانی عمر مرحوم دکتر یزدی در ۱۳۹۶ در حالی که ایشان در بیمارستان پارس تحت درمان بودند و به عیادتشان رفته بودم، از قضا با آقای نبوی نیز که همسرشان در اتاق مجاور بستری بود دیدار و صحبتی داشتم و درباره مخالفت و کارشکنی‌های او به‌الاخص در دوره مرحوم رجایی، مسائلی را در میان گذاشتم. او فقط سر خود را پایین انداخت و پاسخی نداد و معلوم شد که هنوز حاضر به نقد عملکرد گذشته خود نیست. هرچند نمی‌توان از کار کرد که رفتارهای کنونی ایشان و بسیاری از اصلاح‌طلبان با عملکرد گذشته‌شان تفاوت‌های فاحشی پیدا کرده است.

در نهایت گرچه همکاری دو ساله میان نیروها در جریان تشکیل جبهه دموکراسی‌خواهی و حقوق بشر ناکام ماند اما از جهت انباشت تجربه و شفاف شدن موانع توسعه سیاسی در کشور تجربه مفیدی از همکاری اجتماعی بود.<sup>۱</sup>

---

۱. بنگرید به گفت‌وگوی محمدجواد روح با مهندس توسلی با عنوان «سرگذشت و سرنوشت حضور در انتخابات» در تاریخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۳



فصل هفتم:

دولت احمدی نژاد و انتخابات (۱۳۸۵)



بنا بر آنچه پیش از این در مورد انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۴ تو ضیح دادم، گمان می‌کنم این نکته کاملاً معلوم گردید که آقای احمدی نژاد با تلاش‌ها و پشتیبانی تمام قد جناح‌های اقتدارطلب، محافظه‌کاران، نهاد‌های اطلاعاتی و امنیتی و شورای نگهبان به قدرت رسید. از این رو کوشید خود و دولتش را نسبت به ادا هه حمایت این جناح‌ها و نهادها لااقل در دور اول ریاست جمهوری، ملتزم و متعهد بداند و تا حد ممکن برخلاف نظر آنها اقدامی نکند. از جمله در اقدامات اساسی در مورد برگزاری انتخابات که جزو وظایف اصلی دولت است، او کوشید ضمن هماهنگی کامل با شورای نگهبان به نحوی انتخابات را برگزار کند که حداکثر رضایت حاکمیت اقتدارطلب جلب شود.

### **الف: برگزاری همزمان دو انتخابات**

بر اساس قانون و مطابق روال گذشته، دولت نهم وظیفه داشت در آبان ۱۳۸۵ انتخابات چهارمین دوره مجلس خبرگان رهبری و در اسفند همان سال، انتخابات سومین دوره شوراهای شهر و روستا را برگزار کند. نخستین اقدام دولت آقای احمدی نژاد در مورد برگزاری انتخابات مذکور که از سوی وزارت کشور وقت اعلام گردید، انتشار اطلاعیه‌ای پرسش برانگیز در مورد برگزاری همزمان انتخابات مجلس خبرگان و انتخابات شوراهای شهر و روستا بود. در اطلاعیه وزارت کشور آمده بود

که امنای دولت تصمیم گرفتند جهت کاهش هزینه‌های انتخابات، هر دو انتخابات شورای شهر و مجلس خبرگان را به طور همزمان در ۲۴ آذر ۱۳۸۵ برگزار کنند. چنین اقدامی ضمن آنکه شائبه سوء استفاده احتمالی حاکمان از حضور طبیعی مردم در انتخابات شوراها برای بالابردن آرای مربوط به مجلس خبرگان رهبری را افزایش می‌داد، مشکلات اجرایی عدیده‌ای نیز داشت. یکی از این مشکلات دوگانگی مرجع نظارت بر این دو انتخابات بود؛ به این معنی که انتخابات خبرگان به شورای نگهبان و دیگری به مجلس شورای اسلامی مربوط می‌شد و حضور ناظران این دو نهاد در انتخابات، باعث تداخل در امر نظارت و پیچیدگی اجرای انتخابات می‌شد. مشکل دیگر دوگانگی در نحوه برگزاری انتخابات بود؛ یعنی نامزد های خبرگان به صورت استانی معرفی و انتخاب می‌شدند و نامزدهای شوراها به صورت جداگانه در شهرها و روستاهای سراسر کشور تعیین می‌گردیدند. و بالاخره کاهش همت خدمت اعضای شورای شهر تا ۴ ماه به علت برگزاری همزمان انتخابات خبرگان رهبری که باید در آبان ماه برگزار شود و انتخابات شوراها که در اسفند ماه برگزار می‌شد از دیگر اشکالات همزمانی دو انتخابات مذکور بود. در نتیجه پیامد طبیعی چنین اقدامی ایجاد بی‌نظمی و افت کیفیت مدیریت انتخابات بود. بنا به دلایل فوق‌نهیست آزادی ایران اولاً توصیه نمود دو انتخابات در زمان مقرر خود که از پیش و براساس قانون تعیین شده، برگزار گردد. ثانیاً در نشریات تحلیلی خود اعلام کرد به رغم احتمال سوءاستفاده‌های احتمالی حاکمیت از حضور مردم در انتخابات همزمان شوراها شهر و روستا و مجلس خبرگان و نیز رد غیرقانونی و جهت‌دار صلاحیت نامزدها در تهران و بسیاری از شهرهای کشور که در برخی از آنها اراشه لیست برای اصلاح‌طلبان را عملاً غیرممکن ساخته است و با وجود اینکه حاکمیت همه تلاشش را برای بی‌حاصل نمایاندن شرکت منتقدان در انتخابات به کار بسته است، همچنان بر این باور است که

بستر اصلاحات و مبارزهٔ مسالمت‌آمیز با اقتدارگرایان با حضور مؤثر مردم در عرصهٔ انتخابات و تداوم مبارزات علنی و قانونی فراهم می‌شود.<sup>۱</sup>

افزون بر این نهضت آزادی در بیانیه‌های تحلیلی خود در مورد انتخابات خبرگان به تفصیل اعلام کرد که انتخابات مجلس خبرگان را اصولاً فاقد کارکرد های یک انتخابات درست می‌داند، اما در مورد انتخابات شوراها هنوز حداقل‌هایی که بتوان با استفاده از آنها، هرچند کوتاه، گامی در راستای گسترش حاکمیت ملت برداشت وجود دارد و به تفصیل مضرات شرکت نکردن در انتخابات شوراها را برای مردم برشمرد.<sup>۲</sup>

به نظر می‌رسد هدف اصلی از برگزاری دو انتخابات در یک روز، تشویق روانی و واداشتن مردم به مشارکت بیشتر در انتخابات مجلس خبرگان بود؛ به‌ویژه که به طور طبیعی مردم به شرکت در انتخابات شوراهای شهر و روستا رغبت بیشتری داشتند. مسئولان با آگاهی از این واقعیت تلخ که آمار مشارکت مردم در انتخابات دوره‌های گذشتهٔ مجلس خبرگان روند کاهشی داشته (زیرا از موضع و عملکرد این مجلس کمترین اطلاعی نداشتند)، با این حربه می‌خواستند مردم را پای صندوق‌های رأی‌گیری کشانده تا از این طریق بلکه انتخابات مجلس خبرگان هم رونقی پیدا کند.

شورای نگهبان نیز همانند شیوهٔ مرسوم خود با اعمال «نظارت استصوابی» به رد صلاحیت خلاف قانون نامزدهای مجلس خبرگان رهبری (حتی از اعضای مجلس قبلی خبرگان) پرداخت و نامزدهای جناح محافظه‌کار را چنان یکدست و با تنگ‌نظری گزینش و تأیید کرد تا امکان برگزاری انتخابات مورد نظرشان به هر شکل فراهم شود. برای کامل شدن این سناریو، آقای ثمره هاشمی (مشاور عالی رئیس‌جمهور) نیز بر کرسی معاونت سیاسی و ریاست ستاد انتخابات وزارت کشور نشانده شد تا با

۱. بنگرید به بیانیه شماره ۲۰۰۲ نهضت آزادی ایران با عنوان «در انتخابات شوراها به اصلاح‌طلبان واجد شرایط

رأی می‌دهیم» مورخه ۱۳۸۵/۹/۱۷

۲. بنگرید به بیانیه شماره ۲۰۰۲ نهضت آزادی ایران، همان. همچنین بنگرید به بیانیه ۱۹۹۴ با عنوان «چرا در

انتخابات شوراها شرکت می‌کنیم؟» مورخ ۱۳۸۵/۸/۶

مدیریت بسته و هماهنگ بتواند انتخابات برنامه‌ریزی شده و فرمایشی مورد نظر را به سامان برساند.<sup>۱</sup>

## ب: ترفند دولت نهم برای ممانعت از حضورها شمی رف سنجانی در مجلس خبرگان

دولت آقای احمدی‌نژاد که با پشتیبانی جناح‌های اقتدارطلب و محافظه‌کاران به قدرت رسیده بود و مخصوصاً شورای نگهبان به شدت از او و دولتش حمایت می‌کرد در آستانه برگزاری انتخابات چهارمین دوره مجلس خبرگان در اقدامی هماهنگ موضوع تبلیغاتی «جوان‌گرایی نامزدها» را مطرح کرد. البته در آن ایام هدف اصلی از طرح چنین موضوعی معلوم نبود و تنها این نکته روشن بود که مجلس خبرگان رهبری اصولاً نهاد قانون‌گذاری یا حتی اجرایی نیست و اصولاً طرح موضوع جوان‌گرایی در مورد آن بی‌معنی است. به‌علاوه ایفای وظیفه نظارت بر رهبری از سوی کسانی که ارشدیت و سابقه علمی و اجتماعی شناخته شده‌ای دارند به مراتب مفیدتر و عملی‌تر است تا آنکه اشخاصی جوان و کم‌تجربه در آن راه یابند.

چندی بعد برخی شواهد روشن کرد اقدام تبلیغاتی دولت آقای احمدی‌نژاد در مورد جوان‌گرایی نامزدهای مجلس خبرگان با هدف جلوگیری از ورود اشخاص با سابقه و متنفذی مانند آقای هاشمی رفسنجانی به مجلس خبرگان انجام گرفته است. به‌ویژه که در آن زمان ایشان علاوه بر ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام، رئیس مجلس خبرگان رهبری نیز بود و کماکان می‌توانست نقش مؤثر و برجسته‌ای در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور داشته باشد یا از برخی اقدامات جلوگیری کند. از این جهت شخص آقای احمدی‌نژاد و حامیان او با بهره‌گیری از کلیه امکانات رسانه‌ای و

۱. برای اطلاع بیشتر در این مورد بنگرید به اظهارات آقایان حسین فدایی (رئیس هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراها) و ثمره هاشمی (معاون سیاسی وزارت کشور) و مرتضی حاجی در مورد ممنوعیت حضور و فعالیت تبلیغاتی احزاب فاقد مجوز در انتخابات شوراها و پاسخ نهضت آزادی ایران در بیانیه ۱۹۹۵ با عنوان «پاسخ به سخنان خلاف قانون مسئولان برگزاری انتخابات شوراها»، مورخ ۱۳۸۵/۸/۸

تبلیغی، کوشیدند در فرصت باقیمانده تا بر گزاری انتخابات، عمده مشکلات و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی کشور را متوجه عمل کرد هشت ساله ریاست جمهوری ایشان کنند و به اشکال گوناگون ضمن تخریب شخصیت و کاهش نفوذ ایشان، مانع حضور مجددش در مجلس خبرگان شوند؛ مخصوصاً که آقای رفسنجانی پس از راه یافتن به این مجلس، بنا بر سابقه مدیریت طولانی خود به احتمال زیاد مقام ریاست مجلس را نیز احراز می‌کرد که خوشایند احمدی نژاد و جناح محافظه کاران اقتدارطلب نبود و از این جهت بیم داشتند.

نمونه بارز و بی سابقه اقداماتی که چند ماه پیش از برگزاری چهارمین دوره انتخابات مجلس خبرگان در جهت تخریب شخصیت آقای رفسنجانی انجام گرفت، در خرداد ۱۳۸۵ رقم خورد. هنگامی که ایشان (در مقام رئیس مجلس خبرگان) در مراسمی به مناسبت سالگرد قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در شهر قم مشغول ایراد سخنرانی بود، عده‌ای اشخاص تندرو و گروه‌های فشار که آلت دست جناح‌های اقتدارطلب قرار گرفته بودند به ایشان تعرض کردند و مراسم را برهم زدند. به نظر نمی‌رسد چنین اقدام متعرضانه و غیر انسانی آن هم برضد یکی از مقامات ارشد نظام، بدون هماهنگی دستگاه‌های رسمی انجام گرفته باشد. جالب آنکه مقامات رسمی وقت در محکوم کردن چنین اقدامی واکنشی نشان ندادند در حالی که نهضت آزادی ایران بهرغم آسیب‌های جدی و فراوانی که از دوران ریاست جمهوری ایشان متحمل شده بود، از آنجا که اقدام تعرض آمیز و خلاف قانون و غیر انسانی را برخلاف اصول و موازین خود می‌دانست، سکوت نکرد و بنده طی مصاحبه‌ای با خبرگزاری کار ایران این حرکت را محکوم کردم و در بخشی از آن چنین آمده است:

«این عمل از سوی هر فرد و گروه و اندیشه‌ای که باشد و در مورد هر کس اتفاق بیفتد، امری ناشایست و خلاف قانون و اصول و مبانی انقلاب است و ما آن را محکوم می‌کنیم. در دهه ۱۳۶۰ همین اتفاق برای فعالان نهضت در دفتر نهضت آزادی ایران اتفاق افتاد اما آقای هاشمی به دفعات در نماز جمعه و تریبون مجلس اظهار کرد این اقدام یک حرکت مردمی است. در آن زمان به آقای هاشمی گفتیم: نگویید این

حرکت از سوی توده‌های مردم به طور خود جوش از جمام شده بد که بگوید یک حرکت سازماندهی شده توسط نهادهای خاصی است. آن روز به آقای هاشمی گفتیم اگر جلوی این حرکت‌های خلاف قانون گرفته نشود این شتر روزی جلوی در خانه شما هم خواهد خوابید. امروز هم شاهد چنین حرکت‌هایی هستیم. با توجه به این که در آستانه برگزاری انتخابات مجلس خبرگان رهبری هستیم، به لحاظ تحلیلی می‌توان گفت که قصد و نیت عاملان این حادثه مخدوش کردن شخصیت اجتماعی آقای هاشمی رفسنجانی است.<sup>۱</sup>

در ادامه چنین یادآور شدم: «البته چون نمی‌دانیم بر خورد صورت گرفته در مراسم سخنرانی هاشمی از سوی چه جریان و گروهی اتفاق افتاده است، نمی‌توان چندان در مورد آن اظهار نظر کرد اما با توجه به این که در آستانه برگزاری انتخابات مجلس خبرگان رهبری هستیم، به لحاظ تحلیلی می‌توان گفت که قصد و نیت عاملان این حادثه مخدوش کردن شخصیت اجتماعی هاشمی است.»<sup>۲</sup>

### ج: اقدامات دولت نهم در کاهش نقش شوراهای اسلامی شهر و روستا

دولت آقای احمدی نژاد در آستانه برگزاری انتخابات سومین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا لایحه‌ای مبتنی بر کاهش نقش شوراها و تغییر نهاد نظارت بر انتخابات آن به مجلس ارائه کرد که حتی اعضای شورای شهر تهران و همکاران سابق رئیس دولت وقت را نیز شگفت‌زده کرد. این لایحه مشتمل بر ۶۴ مورد تغییر در قانون انتخابات شوراها بود و به موجب آن اولاً مرجع رسیدگی به صلاحیت داوطلبان انتخابات شوراها از نهاد قانونگذاری یعنی مجلس به شورای نگهبان واگذار می‌شد. ثانیاً نیروهای بسیج، مسئول ارزیابی گزارش‌های مردمی و ارسالی نتایج آن به هیأت‌های نظارتی و اجرایی می‌شدند؛ در حالی که بسیج زیرمجموعه نهاد نظامی بود

۱. بنگرید به ضمایم اسناد نهضت آزادی (متن گفت و گوی محمد توسلی با خبرگزاری کار ایران) مورخ

۱۳۸۵/۳/۱۶

۲. همان



و دخالت نهادهای نظامی در انتخابات خلاف قوانین کشور بود؛ ضمن اینکه این کار در عمل وزن گزارش‌های بسیجیان را برای بررسی صلاحیت کاندیدا افزایش می‌داد. این لایحه به مجلس ارائه شد و نمایندگان محافظه‌کار مجلس هفتم آن را تصویب کردند. دولت وقت برای موجه جلوه دادن این لایحه اعلام کرد سعی دارد با تغییر هزینه انتخابات و بررسی صلاحیت‌ها را به نهاد دیگری تحمیل کند. به هر حال این اقدام بر تردیدها در مورد منشأ تدوین این لایحه می‌افزود. تسری نظارت شورای نگهبان بر همه انتخابات‌ها از جمله انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا موجب تضعیف نقش مردم و نهادهای انتخاباتی می‌شد و برای اعتبار جمهوریت نظام تهدیدی جدی به حساب می‌آمد.

افزون بر این اقدامات نسنجیده، مسئولان دولتی و متولیان انتخابات کوشیدند با کنار زدن اصلاح‌طلبان و محدود کردن فعالیت احزاب اصلاح‌طلب در انتخابات شوراها، قدرت و حاکمیت را همچنان در اختیار خود بگیرند و جهت دستیابی به این اهداف با برنامه‌ریزی قبلی، اعضای هیئت‌های اجرایی و نظارتی را به طور یکدست تنها از جناح محافظه‌کار انتخاب کرده و در آستانه برگزاری انتخابات به توقیف نشریات و ایجاد محدودیت برای فعالان مطبوعاتی و وسائل ارتباطی مجازی مانند اینترنت و سایت‌ها پرداختند. در بسیاری از شهرها صلاحیت اکثر اصلاح‌طلبان مردود اعلام گردید؛ در حالی که بسیاری از آنها در سطوح مختلف اداری و نهادهای حکومتی سابقه فعالیت و مدیریت داشتند. تعدادی از رد صلاحیت‌شدگان به هیچ‌جریان یا حزب سیاسی وابسته نبودند و صلاحیت بعضی از نامزدها را به اتهام وا‌هی‌نداشتن اعتقاد به اسلام رد کرده بودند. نامزد های نهضت آزادی ایران نیز به اتهام سابقه محکومیت، وفادار نبودن به قانون اساسی و نداشتن اعتقاد و التزام عملی به ولایت فقیه، صلاحیت‌شان رد شده بود و صرفاً فهرست نامزدهای وابسته به نهادهای پادگانی مورد تأیید قرار گرفتند. روند رد صلاحیت‌ها این شائبه را به وجود آورده بود که متولیان انتخابات سومین دوره شوراها در اقدامی مانند عمل کرد شورای نگهبان در انتخابات مجلس هفتم، قصد دارند با رد صلاحیت نامزدهای باسابقه و شناخته شده،

افراد وابسته به نهادهای خاص را در شوراها بهره‌چینی کرده و بتوانند در فرصت مناسب از شوراها استفاده ابزاری کنند.

گرچه در روستاها و شهرهای کوچک به علت رقابت‌های محلی، پیش‌بینی می‌شد مردم به‌طور طبیعی و گسترده در انتخابات شوراها شرکت می‌کنند اما در کلان‌شهرها به‌نظر می‌رسید اتفاقاً جناح حاکم مایل نیست مردم در انتخابات حضور و سیع داشته باشند و تجربه انتخابات دوره دوم شوراها ثابت کرده بود آنها از بی‌اعتنائی اصلاح‌طلبان نسبت به حضور در انتخابات، توازنستند با آراء سازمان‌یافته نهاد های وابسته به خود، کرسی‌های شورای شهرها را به‌طور کامل در اختیار بگیرند. اما در تهران وضعیت انتخابات این دوره شوراها متفاوت بود. رقابت فشرده بین دو گروه موجود در شورای شهر تهران احتمالاً موجب شده بود تا صلاحیت اصلاح‌طلبان عموماً تأیید شود.

### د: موضع نهضت آزادی در این انتخابات و جمع‌بندی بحث

نهضت آزادی ایران که به اصل و کارکرد مجلس خبرگان ایرادات اساسی داشت، با انتشار بیانیه‌ای ضمن بررسی و تحلیل شواهد و رویدادها و انتقاد جدی از روند انتخابات مجلس خبرگان، اعلام کرد که در این انتخابات شرکت نمی‌کند:

«انتخابات مجلس خبرگان، انتخاباتی صوری است و در عمل مفهومی ندارد. زمانی که برخی صاحب‌نظران اعلام می‌کنند مقام رهبری منصوب خداست، پس مردم تا کنون هیچ نقشی در این انتخابات نداشتند. این روند انتخابات مجلس خبرگان رهبری به نوعی توهین به رأی عمومی و به بازی گرفتن و استفاده ابزاری از مردم است و در آن شرکت نخواهد کرد.»<sup>۱</sup>

اما در مورد انتخابات شورای شهر و روستا، نهضت آزادی ایران علی‌رغم همه محدودیت‌ها و فشارهای سیاسی با تشکیل ستاد انتخاباتی، زمینه مشارکت خود را در

۱. بنگرید به بیانیه ۲۰۰۰ نهضت آزادی ایران با عنوان «چرا در انتخابات مجلس خبرگان شرکت نمی‌کنیم؟»،

انتخابات شوراهای فراهم کرد و از عموم مردم و سایر گروه‌ها و احزاب دعوت کرد با همکاری‌های اجتماعی و ائتلاف در این امر مهم شرکت کنند و به نامزد های واجد شرایط اصلاح‌طلبان رأی دهند.<sup>۱</sup> زیرا حضور بیش از ۱۵۰ هزار نماینده مردم در شوراهای سراسر کشور بستری برای تربیت و کار جمعی و تمرین دموکراسی بود و می‌توانست برای تقویت نهاد شوراهای فراهم و فرایند دموکراسی در ایران گام مثبتی باشد.

برای اینکه آرای اصلاح‌طلبان همانند دوره قبل پراکنده نشود و بتوانند در این دوره کرسی‌های شورای شهر تهران را به دست گیرند، به ستادهای احزاب اصلاح‌طلب درون حاکمیت توصیه شد تا ضمن تلاش برای ارائه لیست واحد و محدودیت هم‌پوشانی حداکثری افراد مشترک از افراد با سابقه و موافق در خدمات و مدیریت شهری استفاده کنند که در انجام وظایف خطیر شورای شهر بتوانند پاسخگوی مردم باشند. همچنین به نامزدها تأکید شد توجه داشته باشند که وظایف و خدمات شورای شهر سیاسی نیست و باید خود را به انجام وظایف و خدمات شوراهای ملزم بدانند.

گرچه نوع رفتار و مجموع اقدامات اقتدارگرایان دولت نهم و شورای نگهبان در مورد رد صلاحیت نامزدهای نهضت آزادی، دور از انتظار نبود، اما احتراز سازمان‌ها و احزاب اصلاح‌طلب از همکاری با نهضت آزادی در انتخابات شوراهای فراهم برانگیز بود. پیروی از اصول و اهداف برای نهضت آزادی همواره اولویت داشته و وظیفه

۱. در آستانه ثبت‌نام از نامزدهای انتخابات سومین دوره شورای اسلامی شهر و روستا، آقای حسین فدایی (رئیس هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهای فراهم) و آقای ثمره هاشمی (معاون سیاسی وزارت کشور) در مورد حضور و فعالیت احزاب فاقد مجوز در انتخابات شوراهای فراهم تذکر داده و اعلام کردند که احزاب فاقد مجوز، حق فعالیت تبلیغاتی در جریان انتخابات را ندارند. اما اعضای نهضت آزادی بر اساس وظیفه خود در این عرصه حضور یافته و چند تن از اعضای نهضت آزادی ایران که در مدیریت خدمات شهری، تجربه داشته و به وظایف شورای شهر آشنا بودند برای دوره سوم انتخابات شورای شهر تهران نام‌نویسی کردند و تعداد دیگری از آنها در برخی شهرهای کشور نیز ثبت‌نام کردند. (بنگرید به بیانیه ۱۹۹۴ مورخ ۱۳۸۵/۸/۶ و بیانیه ۱۹۶۸ نهضت آزادی ایران مورخ ۱۳۸۵/۳/۴، بیانیه ۲۰۰۲ نهضت آزادی ایران مورخ ۱۳۸۵/۹/۱۷ و بیانیه ۲۰۰۳ نهضت آزادی ایران مورخ ۱۳۸۵/۹/۱۴)

تلقی می‌شده و روی همین اصل حاضر شدیم در انتخابات شوراها با گروه‌های ملی - مذهبی و اصلاح‌طلبان وارد تعامل شویم. اما اصلاح‌طلبان با این تصور که هم‌کاری و ارتباط با نهضت آزادی یا نیروهای ملی - مذهبی مستلزم پرداخت هزینه برای آنها خواهد بود، حتی نسبت به رد صلاحیت نامزدهای نهضت آزادی ایران هیچ واکنشی نشان ندادند. در نتیجه نهضت آزادی ایران رأی ساقط در اعتراض به رد صلاحیت‌های خلاف قانون، اقدام کرد و در نامه سرگشاده‌ای خطاب به هیئت نظارت بر انتخابات شوراهای مجلس شورای اسلامی ضمن نادرست خواندن دلایل رد صلاحیت نامزدها چنین نوشت:

در انتخابات دوره پنجم مجلس و انتخابات دوره اول شورای شهر تهران (در دوران مجلس پنجم) و نیز در دوره دوم انتخابات شوراها (در دوران مجلس ششم)، تعداد قابل توجهی از اعضای نهضت آزادی ایران تأیید صلاحیت شدند و در فرایند انتخابات شرکت کردند. حال به این سؤال باید پاسخ داده شود که چگونه در دو دوره مجلس شورای اسلامی اعضای یک گروه سیاسی برای عضویت در شورای شهر تأیید صلاحیت ولی در دوره کنونی (مجلس هفتم) رد صلاحیت می‌شوند؟ مگر ما در دو کشور متفاوت با دو سیستم متمایز زندگی می‌کنیم؟ آیا مجلس هفتم خود را والاتر از مجالس پیشین می‌داند؟ یا چنین می‌پندارد که مجالس گذشته فاقد اعتبار و حق قانون‌گذاری و تشخیص صلاحیت داوطلبان نمایندگی مردم در مجلس یا شوراها بوده‌اند؟<sup>۱</sup>

سرانجام بعد از فراز و نشیب بسیار انتخابات در روز ۲۴ آذر ۱۳۸۵ برگزار شد. روز رأی‌گیری و هنگام ورود رأی‌دهندگان به حوزه‌ها، روی شنا سنانه‌های آنان دو مهر زده می‌شد و بر اساس آن دو یا سه برگه مربوط به انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس نیز صادر می‌گردید و شهروندان ملزم بودند هر دو برگه را در صندوق‌ها بیندازند. در مواردی که رأی‌دهنده اعتراض می‌کرد، به او گفته می‌شد که برگه سفید را در

۱. بنگرید به بیانیه ۱۹۹۸ نهضت آزادی ایران، مورخ ۱۳۸۵/۹/۵

صندوق‌ها بیندازد. جالب اینکه مثلاً در حوزه رأی‌گیری حسینیۀ ارشاد، مشاهده شد که مسئولان حوزه صراحتاً به خانم‌ها می‌گفتند: « شما مجبورید در هر سه انتخابات شرکت کنید...»

نتایج انتخابات سه روز پس از رأی‌گیری اعلام شد. اطلاعات و آمارهای این انتخابات با تأخیر و به صورت غیر منسجم و ناقص ارائه گردید. در سایت وزارت کشور نیز بسیاری از آمارهای مربوط به انتخابات دوره‌های گذشته حذف شده بود. بدین ترتیب، تحلیل علمی آمارهای رسمی منتشر شده به آسانی امکان‌پذیر نبود. پس از برگزاری انتخابات، وزیر کشور در اولین مصاحبه‌اش در سیمای جمهوری اسلامی میزان مشارکت مردم در انتخابات شوراها و مجلس خبرگان را نزدیک ۲۸ میلیون نفر (تقریباً ۶۰ درصد واجدان حق رأی) گزارش کرد. این مشارکت در شهرهای بزرگ ۳۰ تا ۴۰ درصد و در شهرهای کوچک به ۸۰ تا ۹۰ درصد بالغ شد.

با اعلام تدریجی نتایج انتخابات مجلس خبرگان، شمارش آراء نوسانات غیرطبیعی داشت؛ به طوری که هرچه صندوق بیشتری شمارش می‌شد، تعداد آرای برخی نامزدها کاهش می‌یافت. به عنوان نمونه آقای محسن قمی که در آغاز با ۷۰۳ هزار رأی در ردیف و رتبه هشتم قرار داشت با کاهش ۱۶۰ هزار رأی به ردیف ۱۵ نزول کرد و از آرای آقای سیدمحسن خرازی، ۲۸۷ هزار رأی کاسته شد. در حالی که تعداد آرای آقایان امامی کاشانی و مشکینی رو به افزایش نهاد.<sup>۱</sup>

آمار رسمی نشان می‌داد اکثر مردم به سیاست‌ها و عملکرد اقتدارگرایانه دولت نهم و طرفداران آن رأی منفی داده و اصلاح‌طلبان به‌رغم مجموعه فشارها و محدودیت‌ها، بیشترین کرسی‌های شوراها را به دست آورده‌اند. آرای خاموش جامعه که تقریباً ۴۰ درصد آراء مردم را شامل می‌شد، جای بررسی داشت. اگر آمار انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ را که در آن ۸۰ درصد واجدین حق رأی شرکت کردند به عنوان مبنای تحلیل

۱. بنگرید به سایت بازتاب، ۸۵/۱۰/۵

انتخابات بپذیریم، در حدود ۲۰ درصد مردم فعال واجد حق رأی در انتخابات ۲۴ آذر شرکت نکردند و به هر دلیل مخالف، منفعل و بی تفاوت بودند.

علت اصلی مشارکت نکردن ۲۰ درصد فعال و بخشی از ۲۰ درصد مخالف منفعل و بی تفاوت، اعتراض به رفتار غیر دموکراتیک حاکمان در انتخابات و نقض حقوق شهروندی بود. محور اصلی این اعتراض پایبند نبودن حاکمان به قانون و اخلاق انتخاباتی و بهره‌برداری تبلیغاتی نادرست از مشارکت مردم در انتخابات بود.<sup>۱</sup>

در تحلیل نهایی باید خوش‌بینانه گفت که مردم به این آگاهی دست یافتند که با حضور خود در عرصه انتخابات می‌توانند مؤثر باشند. با خانه‌نشینی غیر سازمان‌یافته نمی‌توان بر روند اتفاقات جامعه تأثیر مستقیمی داشت. مردم با حضور خود در انتخابات نقش‌آفرینی کردند و به برخی رأی منفی دادند. البته بخشی از رأی‌هایی که اصلاح‌طلبان گرفتند در واقع رأی منفی به حامیان دولت و سیاست‌های تمامیت‌خواهی و اقتدارگرایانه آنها بود. از نظر ما و بسیاری از احزاب و فعالان اصلاح‌طلب، انتخابات ۲۴ آذر ۱۳۸۵ از پرابهام‌ترین، غیرآزادترین و ناسالم‌ترین انتخابات جمهوری اسلامی بود و برای بسیاری از مردم و ناظران سیاسی در مورد کارنامه دولت در برگزاری انتخابات آزاد، سالم و رقابتی، پرسش‌های اساسی به وجود آمد.

پس از اعلام نتایج رأی‌گیری و اتمام انتخابات، مقام رهبری با چشم‌پوشی بر واقعیت‌هایی که به اختصار برشمرده شد، در پیام خود ضمن سپاسگزاری از همه مسئولان و دست‌اندرکاران انتخابات، تصریح کردند: «رفتار متین و خردمندانه مردم و تعهد و صداقت مسئولان دست‌اندرکار موجب شد که این بار نیز مردم سالاری دینی از نصاب سالم‌ترین دموکراسی‌های جهان سالم‌تر و مشارکت مردم از بالاترین نصاب دموکراسی‌های غربی بیشتر باشد.»<sup>۲</sup>

۱. بنگرید به بیانیه ۲۰۰۳ نهضت آزادی ایران «تحلیل، پیام‌ها و پیامدهای انتخابات ۲۴ آذر»، مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۱۴.

۲. بنگرید به روزنامه اعتماد ملی ۸۵/۹/۲۹.

فصل هشتم:

انتخابات مجلس هشتم (۱۳۸۶)





## الف: چالش‌ها در زمان برگزاری انتخابات

از دیگر اقدامات دولت احمدی‌نژاد در دور اول ریاست‌جمهوری ایشان، برگزاری انتخابات مجلس هشتم در اسفند ۱۳۸۶ بود. چالش اصلی حاکمیت و به‌طور مشخص دولت و شورای نگهبان در آستانه این انتخابات، جلب اعتماد و مشارکت مردم در انتخابات بود. زیرا اعمال محدودیت‌های گوناگون بر رسانه‌ها و مطبوعات و رد صلاحیت‌های گسترده و اقدامات خلاف قانون و شکایت‌های اعلام شده در خصوص عملکرد هیئت‌های نظارتی و اجرایی در انتخابات سومین دوره شوراهای شهر و روستا هرگز مورد رسیدگی قرار نگرفته و ابهامات جدی مردم و ناظران سیاسی برطرف نشده بود.

اغلب گروه‌ها، احزاب و تشکل‌های سیاسی نیز به علت ضعف روحیه همکاری جمعی، گرفتار خودخواهی، تکثر و پراکندگی بوده و نمی‌توانستند روی حداقل‌هایی در چارچوب منافع ملی به توافق و اشتراک نظر برسند. از این نظر مسئله اصلی آن‌ها نحوه تعامل، همکاری و ائتلاف احزاب و تشکل‌ها با هم بود. و در این میان برای بسیاری از مردم، شرکت یا شرکت نکردن در انتخابات به پرسشی جدی تبدیل شده بود.

### ب: تأسیس کمیته دفاع از انتخابات آزاد، سالم و عادلانه

در وضعیتی که فعالیت حول مطالبات مشترک، دغدغه اصلی کلیه احزاب و فعالان سیاسی - اجتماعی شده بود، شورای مرکزی نهضت آزادی ایران با بررسی و تحلیل وقایع و رویدادهای سیاسی کشور و مشاهده سرخوردگی و ناامیدی سران احزاب اصلاح طلب از عملکرد اقتدارگرایان حاکم در برگزاری انتخابات غیر آزاد و نا سالم و نیز در نظر گرفتن چالش های پیش روی هشتمین دوره انتخابات مجلس، به این نتیجه رسید که برای تأمین آزادی و سلامت انتخابات، بایستی مجموعه اصلاح طلبان و احزاب مستقل، جنبه مشترکی تشکیل دهند و در سایه آن بتوانند در روند دموکراسی خواهی اقدام کنند. بعضی از سران سازمان ها و احزاب اصلاح طلب نیز که در انتخابات دوره قبلی شوراها، از همکاری با نیروهای ملی - مذهبی و نهضت آزادی احتراز کرده بودند، با قبول اشتباهات گذشته خود از این پیشنهاد استقبال کردند. آن ها به عمق مسئله پی برده بودند که تفرقه و انفکاک بین احزاب اصلاح طلب موجب شکنندگی و پراکندگی آرای نامزد های آنان می شود و در این میان فقط احزاب محافظه کار تمامیت خواه سود خواهند برد. لذا برای اینکه در این انتخابات، اشتباهات گذشته دوباره تکرار نشود، لازم دیدند با سایر گروه ها روی مطالبات مشترک گفت و گو کنند و به مواضع و اهداف مشترک برسند. از اوایل تابستان تا ۱۵ دی ماه که ثبت نام نامزدها آغاز می شد با همراهی گروهی از احزاب «کمیته دفاع از انتخابات آزاد، سالم و عادلانه» را تأسیس کردیم. وظیفه اصلی این کمیته بیان شروط و ضوابط برگزاری انتخابات آزاد و سالم طبق اصول قانون اساسی بود تا از یک سو مردم بتوانند اشکالات مربوط به انتخابات ایران را تشخیص دهند. ضمناً دولت و مسئولان بدانند که دغدغه احزاب، نگرانی از فقدان آزادی و سلامت انتخابات است. در کمیته دفاع از آزادی انتخابات، نمایندگان نهضت آزادی و سایر نیرو های اصلاح طلب در فرآیند تدوین آیین نامه ها و ضوابط مشارکت کردند. «کمیته دفاع از انتخابات آزاد، سالم و

عادلانه» در چارچوب قانون مدافعان حقوق بشر که نهاد حقوق بشری بود، تأسیس شد و یک راهکار آگاهی‌بخش به حساب می‌آمد.

مهم‌ترین موضوع مورد توافق میان احزاب اصلاح‌طلب، نهضت آزادی و نیروهای ملی - مذهبی، رفتار اقتدارگرایانه و خلاف قانون شورای نگهبان در انتخابات مجلس هفتم و رد صلاحیت بیش از ۲۰۰۰ نامزد با اتهامات واهی بود. در حالی که بسیاری از آنها سابقه مدیریت و نمایندگی مجلس داشتند. به اعتقاد ما شورای نگهبان برای این‌که مجبور شود رویه سابق خود را اصلاح کند، باید از سوی همه نیروهای مؤثر اجتماعی تحت فشار قرار می‌گرفت.<sup>۱</sup>

### ج: ترندهای اقتدارگرایان برای حذف اصلاح‌طلبان در انتخابات

در مقابل، اقتدارگرایان محافظه‌کار افراطی دست به کار شده و به منظور تضعیف جناح اصلاح‌طلب، ثبت‌نام از داوطلبان هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی را به عضویت در «احزاب دارای پروانه» و «نداشتن سابقه محکومیت» مشروط کرده و با تبلیغ علیه جریان‌های دیگر، پروژه حذف منتقدان را دنبال کردند. آن‌ها امیدوار بودند بسیاری از اصلاح‌طلبان، از بیم اعلام رد صلاحیت‌شان، داوطلبانه از عرصه انتخابات کنار می‌روند و با این کار هزینه رد صلاحیت گسترده برای شورای نگهبان و مسئولان دولتی کاهش می‌یابد.

اقدام دیگر آنان ایجاد شکاف در درون جبهه اصلاح‌طلبان و برهم زدن ائتلاف میان آنان از طریق دادن وعده‌های کاذب به بعضی از آنان برای حضور حداقلی در مجلس هشتم بود؛ به شرطی که از اصلاح‌طلبان خارج از حاکمیت و تشکل‌ها و روشنفکران منتقد جدا شوند. در بخشی از اصلاح‌طلبان نیز این ذهنیت ایجاد شد که

۱. برای اطلاع بیشتر در این مورد بنگرید به دو گفت‌وگوی خبرنگار روز با مهندس محمدتوسلی، «مجلس هشتم آخر کار نیست» مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۱ و «اصلاح‌طلبان در برابر آزمون تاریخی» در ۱۳۸۶/۱۲/۱۲ و نیز مصاحبه محمدجواد روح با ایشان، «ارزیابی وضعیت کنونی اصلاح‌طلبان در انتخابات با تأمل در تجربه نهضت آزادی ایران» در ۱۳۸۶/۱۱/۲۳

در صورت جدا شدن از اصلاح طلبان پیشرو، صلاحیتشان در انتخابات تأیید خواهد شد. در مورد سایر اصلاح طلبان نیز کوشیدند با ایجاد محدودیت‌ها و فشارهای گسترده، آنان را به اعلام مواضع افراطی واداشته و به این ترتیب جنبش اصلاح طلبی را به سمت رادیکالیسم سوق دهند. فشار گسترده بر شماری از دانشجویان، معلمان، کارگران، زنان و بازداشت شخصیت‌هایی مانند حجت‌الاسلام هادی قابل نیز با همین هدف صورت گرفت. محافظه‌کاران همچنین با القای این فکر که فضای انتخابات مجلس از حیث آزادی بیان و تنوع نامزدها، دموکراتیک و آزادانه نبوده و رقابت واقعی در این میان وجود نخواهد داشت، قصد داشتند اصلاح طلبان داخل و خارج حاکمیت و بدنه اجتماعی آنان را به کناره‌گیری داوطلبانه و زود هنگام از عرصه انتخابات ترغیب کنند. رادیکال کردن مواضع اصلاح طلبان و تحریک ایشان به ترک روش‌های اصلاح طلبانه به طور طبیعی راه را برای محافظه‌کاران تسهیل می‌کرد تا نیروهای اصلاح طلب را از صحنه مدیریت کشور حذف کنند.<sup>۱</sup>

### د: دلایل نهضت آزادی برای حضور در انتخابات

به‌رغم تهدیدها و توصیه‌های مکرر مسئولان وزارت کشور و شورای نگهبان به اینکه «افرادی که صلاحیتشان در انتخابات قبل رد شده، نامزد نشوند»، نهضت آزادی ایران چون پاسداری و صیانت از حقوق اساسی ملت را حق ملی می‌دانست، که‌ها فی‌السابق و در راستای استراتژی راهبردی خویش بر حضور در انتخابات مجلس هشتم اصرار ورزید و تعدادی از اعضای نهضت هم به صورت نهادین در تهران و شهرستان‌ها در انتخابات ثبت‌نام کردند.

در همان زمان بعضی اشخاص به ما ایراد گرفته و می‌گفتند با علم به اینکه رد صلاحیت خواهید شد، چرا در انتخابات ثبت‌نام می‌کنید؟ و پاسخ‌ها این بود که ثبت‌نام نامزدهای نهضت آزادی در انتخابات به این معنی نیست که انتظار داشته باشیم

۱. بنگرید به اظهارات عماد بهادر (رئیس شاخه جوانان نهضت آزادی) ۱۶/۷/۱۳۸۶، جلد سی و هشتم اسناد

شورای نگهبان صلاحیت آنها را تأیید کند و وارد مجلس شوند. زیرا دغدغه نهضت آزادی سهمیم شدن در قدرت نبوده و نیست بلکه در اوضاع کنونی به انتخابات به عنوان فرصتی برای آگاهی بخشی عمومی و ایجاد فشار بر حاکمیت نگاه می‌کند. خواسته‌ها نشان دادن ارزش‌ها و ضدا ارزش‌ها و برجسته کردن آنها در جامعه است. اگر در انتخابات حضور نداشته باشیم چگونه می‌توانیم به این وظیفه عمل کنیم! اگر اصلاح‌طلبان در انتخابات ثبت‌نام نکنند و از سوی هیأت‌های اجرایی و نظارت شورای نگهبان رد صلاحیت نشوند، جامعه چگونه می‌تواند عمل کرد مجریان انتخابات و شورای نگهبان را مورد نقد و سنجش قرار دهد؟ بنابراین راهبرد اصلی نهضت آزادی تقویت فرایند گذار به دموکراسی است و اتخاذ چنین راهبردی ایجاب می‌کند از تاکتیک حضور در انتخابات استفاده کنیم و بر این فرایند تأثیر بگذاریم. اگر تاکتیک‌ها در راستای راهبرد باشند، با بررسی هزینه و فایده اتخاذ هر تاکتیک می‌توان از آنها سود جست و اطمینان داریم که این تاکتیک هنوز مؤثر و مفید است. به این دلیل و با در نظر گرفتن مصلحت ملی تصمیم گرفتیم به توصیه مسئولان وزارت کشور و سخنگوی شورای نگهبان عمل نکنیم.<sup>۱</sup>

از سویی درست است که حزب سیاسی باید برای کسب قدرت بکوشد اما نه به هر قیمتی. در مدت ۸ سال استقرار دولت اصلاحات، این تجربه آزموده شد و آزموده را آزمودن خطا است. با آنکه اصلاح‌طلبان دو قوه اصلی مجریه و مقننه را در اختیار داشته و اقدامات مثبتی هم انجام دادند اما سرانجام مجبور شدند قدرت را در اختیار محافظه‌کاران قرار دهند. در حالی که در مقاطعی می‌توانستند با صرف نظر کردن از قدرت، به حفظ ارزش‌های آزادیخواهانه و دموکراتیک کمک کنند. اصلاح‌طلبان با حفظ این ارزش‌ها و اقدام به موقع می‌توانستند از بسیاری هزینه‌هایی که جنبش اصلاحات پرداخت، جلوگیری کنند. ما به عنوان جریانی خارج از قدرت کماکان به

۱. برای اطلاع بیشتر بنگرید به مصاحبه امید معماریان خبرنگار روز با دکتر غلام‌عباس توسلی تحت عنوان «حفظ حقوق خودی‌ها، دموکراسی نیست» یکشنبه ۳۰ دی ۱۳۸۶ و نیز مصاحبه دیگر او با دکتر توسلی تحت عنوان «تبدیل انتخابات به مناسک» مندرج در اسناد نهضت آزادی مورخ دوشنبه ۱۳ اسفند ۱۳۸۶

این مأموریت ادامه می‌دهیم تا شرایط لازم برای انجام اصلاحات و تحقق مطالبات تاریخی مردم که در اصول و آرمان‌های اولیه انقلاب نیز تبلور داشت، فراهم شود.<sup>۱</sup> تلاش همه جانبه برای جوشش دوباره و تحرک جنبش اصلاح‌طلبی و جلوگیری از سرخوردگی و دلسردی برخی رهبران احزاب اصلاح‌طلب از وضعیت موجود کشور و تشویق و ترغیب آنها برای شرکت در انتخابات هشتمین دوره مجلس، به نهضت آزادی ایران اختصاص نداشت بلکه آقای خاتمی نیز به اصلاح‌طلبان توصیه کردند که در انتخابات حضور فعال داشته باشند. با این و صف برخی احزاب اصلاح‌طلب مانند «جبهه مشارکت» و «مجاهدین انقلاب اسلامی» اعلام کردند اگر وزارت کشور و شورای نگهبان صلاحیت نامزدهای آنان را مردود اعلام کنند و نتوانند در انتخابات به رقابت بپردازند، قطعاً در انتخابات شرکت نکرده و تنور آن را گرم نخواهند کرد. این موضع‌گیری در حالی بود که تجربه انتخابات دوره‌های گذشته نشان داده بود شرکت نکردن یک یا چند حزب و گروه سیاسی در انتخابات نمی‌تواند بر نتایج آن چندان تأثیر بگذارد و مخالفان و رقیبان این اقدام را «قهر کردن از میدان بازی سیاست» تعبیر خواهند کرد.

از نظر ما بهتر بود اصلاح‌طلبان بر دو نکته کلیدی تأکید می‌کردند: نخست آنکه با صدور بیانیه‌هایی به تشریح وضعیت کشور پرداخته و با صراحت به مردم اعلام می‌کردند بدعتی در حال وقوع است که موجب می‌شود انتخابات پیش‌رو مغایر اصول قانون اساسی و معیارهای شناخته شده جهانی باشد. در این صورت چه بسا افکار عمومی مانع اقدام خلاف مصالح عمومی می‌شد. چنین اقدامی ضمن آنکه کوششی در جهت حفظ ارزش‌های اصلاح‌طلبی بود، نور امید را در دل جوانانی که بار اصلاحات را در آینده به دوش می‌کشیدند، همچنان روشن نگاه می‌داشت. اگر اصلاح‌طلبان به این جمع‌بندی رسیده بودند که محافظه‌کاران قصد دارند به هر ترتیبی آنان را از صحنه

۱. بنگرید به متن تنظیم شده گفت‌وگوی خبرنگار اعتماد ملی با محمد توسلی تحت عنوان «رأی خداداد در حوزه‌هایی که امکان رقابت مؤثر وجود دارد تاکتیک مناسبی برای انتخابات مجلس هفتم نیست»، مندرج در

سیاست کشور حذف کنند، در این صورت شایسته بود سران اصلاح طلب با تهیه فهرست نامزدهایی که از حداقل شرایط نمایندگی (داشتن شجاعت و توانایی لازم جهت دفاع از حقوق اساسی مردم) برخوردارند، حضور و مشارکت حداقلی خود را در انتخابات اعلام کنند؛ به ویژه که رهبران اصلاح طلب حتی اگر در اقلیت قرار گرفته باشند، باز موظفند از قانون اساسی و حقوق مردم دفاع کنند و در برابر جناح اقتدارگرا مرعوب نشوند. شرکت حداقلی در انتخابات تنها در این صورت قابل توجیه خواهد بود. بنا بر تجربه تاریخی حتی حضور یک شخصیت کارآمد و مصمم مانند مدرس، مصدق یا بازرگان در مجلس می تواند در جهت آگاهی بخشی مردم و دفاع از حقوق آنان نقش مؤثر داشته باشد. درست است که با حضور اقلیت در مجلس نمی توان به همه مطالبات قانونی مردم دست یافت، اما حضور اقلیتی آگاه و توانمند در مجلس می تواند لاقلاً راه را برای فعالیت بیشتر اصلاحات در آینده هموار کند و چه بسا با این کار سناریوهای مهندسی شده و فرمایشی جناح اقتدارگرا و انحصارطلب در برگزاری انتخابات حتی الامکان خنثی می شود. با در نظر گرفتن این ملاحظات توصیه کردیم با نگاهی مثبت به تحولات پیش رو، مردم را بجای تحریم به مشارکت بیشتر در انتخابات دعوت کنیم.<sup>۱</sup>

## ه: توصیه نهضت آزادی در مورد لغو نظارت استصوابی و ضرورت نظارت بین المللی بر انتخابات

مجموع اقدامات خیرخواهانه و تلاش های مشفقانه دل سوزان انقلاب و از جمله نهضت آزادی ایران برای دعوت همه اقشار، گروه ها و احزاب سیاسی به حضور فعال

۱. برای اطلاع بیشتر در مورد سرگذشت و سرنوشت حضور در انتخابات بنگرید به گفت و گوی منتشر شده روزنامه اعتماد با مهندس محمد توسلی تحت عنوان «ارزیابی وضعیت کنونی اصلاح طلبان در انتخابات با تأمل در تجربه نهضت آزادی ایران» مندرج در اسناد سال ۱۳۸۶ نهضت آزادی، مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۳ و نیز مصاحبه نادر ایرانی خبرنگار روز با مهندس توسلی (رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی) با عنوان «اصلاح طلبان در برابر آزمونی تاریخی» مندرج در اسناد سال ۱۳۸۶ نهضت آزادی مورخ یکشنبه ۱۲ اسفند ۱۳۸۶

در انتخابات مجلس هشتم در راستای منافع و مصالح کشور بود و لذا از مسئولان ارشد حاکمیت انتظار می‌رفت که از این پس در جهت همدلی بیشتر با مردم و تشویق آنها به مشارکت حداکثری در انتخابات، گام‌های مثبتی بردارند و لاقلاً شورای نگهبان را به لغو نظارت استصوابی وادارند تا زمینه برگزاری انتخابات آزاد و سالم فراهم شود. چرا که مجموعه تلاش‌های اصلاح‌طلبان و نهضت آزادی در سال‌های اخیر برای متقاعد کردن شورای نگهبان و سایر مسئولان جمهوری اسلامی برای برگزاری انتخابات آزاد و سالم به نتیجه نرسیده بود.

اندکی پیش از برگزاری انتخابات مجلس هشتم، بسیاری از احزاب و گروه‌های سیاسی مانند نهضت آزادی ایران، انتخابات مجلس هفتم و انتخابات نه‌مین دوره ریاست جمهوری را ناسالم‌ترین و غیرآزادترین انتخابات بعد از انقلاب ارزیابی کرده و حتی بسیاری بزرگان و اشخاص محترم درون حاکمیت به شکل برجسته‌تر نسبت به تقلب‌ها و اقدامات خلاف قانون در انتخابات اعتراض کردند؛ تا جایی که حتی مرحوم احمد بورقانی (معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد) گفته بود: انتخابات گذشته مرا به بیمارستان برد و انتخابات مجلس هشتم جان مرا خواهد گرفت و متأسفانه همین اتفاق هم افتاد.<sup>۱</sup> همچنین ابراز نگرانی شدید آیت‌الله توسلی (در آخرین سخنرانی خود در

۱. احمد بورقانی فراهانی (تولد ۱۳۳۸ - فوت ۱۳۸۶) روزنامه‌نگار و سیاستمدار اصلاح‌طلب، دانشجوی رشته جغرافیا در دانشگاه فردوسی مشهد و دانش‌آموخته دانشگاه شهید بهشتی در ۱۳۶۵، فعالیت خبرنگاری را از تیر ۱۳۵۹ در خبرگزاری پارس آغاز کرد و در ۱۳۶۳ سردبیر ارشد این خبرگزاری شد. در ۱۳۶۶ به سمت سخنگوی ستاد تبلیغات جنگ منصوب گردید. پس از پایان جنگ در ۱۳۶۸ به آمریکا رفت و مسئولیت تأسیس و اداره دفتر خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در نیویورک را برعهده گرفت و تا زمان استعفای محمد خاتمی از وزارت ارشاد (۱۳۷۱) در این سمت بود. با پیروزی خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری در ۱۳۷۶ معاون مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شد و تا بهمن ۱۳۷۷ در این سمت بود. سپس نماینده مردم تهران در مجلس ششم شد. در پایان دوره مجلس ششم و در اعتراض به رد صلاحیت‌های گسترده شورای نگهبان در انتخابات مجلس هفتم به مدت ۲۶ روز تحصن کرد و سپس از نمایندگی استعفا داد. وی از حامیان اصلی مطبوعات اصلاح‌طلب بود و در زمان نمایندگی خود در مجلس تلاش زیادی برای اصلاح قوانین مطبوعاتی کشور کرد که نافرجام بود. بورقانی در ۱۳ بهمن ۱۳۸۶ بر اثر سکته قلبی در تهران درگذشت. (م. ر)



جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام) به تلاش عده‌ای برای حذف ارزش‌های انقلاب و خارج کردن شخصیت‌های مسلمان و مبارزی که به انقلاب دلبستگی دارند از صحنه و انتقاد از نحوه برگزاری انتخابات که منجر به ایست قلبی و درگذشت آن مرحوم شد.<sup>۱</sup> لذا انتظار می‌رفت شورای نگهبان در انتخابات مجلس هشتم، روش‌های قبلی خود را بازبینی و تعدیل کند و معیارهای انتخابات آزاد را بر اساس قانون اساسی در نظر گیرد. متأسفانه برخلاف انتظار ما، اقتدارطلبان انحصارطلب کم‌ترین تسهیلات را برای استقبال بیشتر مردم در انتخابات فراهم نکردند و به این ترتیب نه تنها هیچ‌گونه تعدیلی انجام نگرفت، بلکه مسئولان برگزاری انتخابات با صراحت اعلام کردند که روش گذشته را ادامه خواهند داد. سخنگوی شورای نگهبان اعلام کرد: «رد صلاحیت شده‌های دوران گذشته باز هم رد صلاحیت خواهند شد» و سردار افشار (رئیس ستاد انتخابات وزارت کشور) در اظهار نظری گفت: «قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی برای احزاب سیاسی هیچ جایگاهی قائل نشده» و برخی دیگر از مسئولان وزارت کشور اعلام کردند که فقط احزاب رسمی که فهرست آنها اعلام شده، می‌توانند در انتخابات شرکت کنند.

۱. محمدرضا توسلی محلاتی (تولد ۱۳۰۹ - فوت ۱۳۸۶) فقیه و سیاستمدار، در سال ۱۳۲۵ وارد حوزه علمیه قم شد و نزد آیات عظام بروجردی، خمینی، سلطانی طباطبایی، مرتضی حائری و... درس خواند و مسئول ملاقات‌های آقای خمینی و عضو ارشد دفتر او بود. رئیس دفتر آقای خمینی، سرپرستی حجاج ایرانی، عضویت در شورای بازنگری قانون اساسی، چند دوره عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس خبرگان و دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه از سوابق او بود. او همچنین در سالهای دهه ۱۳۶۰ تا اواسط دهه ۱۳۷۰ در رادیو تهران احکام شرعی را بیان می‌کرد. سرانجام در صبح شنبه ۲۷ بهمن ۱۳۸۶ هنگام نطق پیش از دستور در جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام دچار عارضه قلبی شد و پس از انتقال به بیمارستان درگذشت. او در این سخنرانی تصریح کرد دست‌هایی در کار است تا ارزش‌های انقلاب و شخصیت‌های مسلمان و مبارزی که به انقلاب دلبستگی دارند و حتی منسوبین به امام را از صحنه حذف کند و همچنین کلیه نیروهای نظامی را به تبعیت از وصیت امام مبنی بر خودداری از ورود در احزاب و دسته‌جات سیاسی و حمایت از یک جریان و جناح سیاسی خاص فراخواند. (م. ر)

چنین اظهار نظرهایی نهضت آزادی ایران را بر آن داشت با صدور بیانیه‌ای تحلیلی ضمن بررسی وضعیت حاکم، به منظور خروج از بن‌بست سیاسی و فضای خفقان حاکم و پیشبرد اهداف جنبش اصلاح‌طلبی و توسعه آزادی و دموکراسی در ایران نخستین اقدام اساسی را پرهیز از تنگ‌نظری و قانون‌گریزی شورای نگهبان در احراز صلاحیت نامزدها و لغو نظارت استصوابی شورای نگهبان دانست.<sup>۱</sup> مطابق اصل ۹۹ قانون اساسی، وظیفه شورای نگهبان نظارت بر فرآیند انتخابات برای جلوگیری از تقلب، فساد و اعمال نظر افراد و گروه‌های ذی‌نفوذ در تضييع حقوق مردم معین شده و احراز صلاحیت داوطلبان نمایندگی مردم در مجلس، تنها در صلاحیت مردم است و چنانچه صلاحیت نامزدی مورد سؤال باشد، نمایندگان مجلس مطابق قانون حق دارند با اعتبارنامه او مخالفت کنند. همه فعالان و احزاب سیاسی ایران در صورت رد غیرقانونی صلاحیت نامزدهایشان، با استناد به ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی، حق دارند به‌طور گسترده در دادگاه ویژه کارکنان دولت علیه شورای نگهبان و افراد دخیل در این امر شکایت کیفری تنظیم کنند. به‌طور قطع اقدامات فقهی شورای نگهبان در رد صلاحیت جمع‌کنندگی از نامزدها به بهانه واهی عدم التزام عملی آنان به اسلام و حتی دادن نسبت ارتداد به بعضی از نامزدها (که افترا تلقی می‌شود)، به موجب مفاد مندرج در قانون مجازات اسلامی از جرایم کیفری محسوب می‌شود و لذا این اشخاص عملاً از عدالت خارج شده، صلاحیتشان را از دست داده‌اند و باید از مقام خود استعفا داده یا معزول شوند.

دومین اقدام و بلکه تنها راه‌حل قانونی باقی‌مانده برای خروج از بن‌بست سیاسی و فضای بسته کشور، درخواست از نهادهای جهانی برای نظارت بر شیوه انتخابات هشتمین دوره مجلس بود. از نظر ما در وضعیت کنونی که حاکمیت حاضر نمی‌شد پیشنهادات نیروهای داخل کشور را برای اصلاح وضع موجود بشنود، نظارت بین‌المللی برای تضمین آزادی و سلامت انتخابات اقدام ضروری بود. بر اساس منشور

۱. بنگرید به بیانیه شماره ۲۰۵۰ نهضت آزادی، مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۱۵

معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه که در اتحادیه بین‌المللی مجالس در سال ۱۹۹۴ با حضور نمایندگان پارلمان‌های ۱۱۲ کشور جهان (از جمله نمایندگان ایران) به تصویب رسیده بود، دولت ایران خود را نسبت به اجرای این مصوبات متعهد دانسته بود. البته می‌دانستیم که تحقق این پیشنهاد خارج از توان یک حزب است و همه احزاب باید در این راه هماهنگ و با تبادل نظر عمل می‌کردند؛ به‌ویژه که این نظارت زمان‌بر بوده و فرآیند خاصی داشت، اما طرح آن اذهان و افکار عمومی، احزاب و گروه‌های سیاسی و حتی مسئولان جامعه را درگیر اهمیت برگزاری انتخابات آزاد و سالم کرده و زمینه را برای چنین اقدامی در آینده آماده می‌کرد. از نظر ما موافقت با این نظارت به معنی نقض حاکمیت ملی و دخالت کشورهای دیگر در امور داخلی یا اهانت و بی‌احترامی به آنها نبود، بلکه ثبات و اعتبار بیشتر دولت درخواست‌کننده را فراهم می‌آورد و گام مثبتی در جهت تقویت دموکراسی بود. ضمن آنکه در جهان بی‌سابقه نبود و دولت‌های بزرگ، باثبات و مستقلی مانند انگلستان، روسیه، اوکراین، ترکیه، هالزی، پاکستان و حتی چند دولت انقلابی مانند نیکاراگوئه و فلسطین داوطلبانه نظارت بین‌المللی را در انتخابات خود پذیرفته بودند و پیروز شدن گروه حماس در فلسطین به موجب چنین نظارتی بود. به هر حال نهضت آزادی ایران با در نظر داشتن تعهدات دولت و نظام جمهوری اسلامی ایران و در چارچوب قانونی و مسالمت‌آمیز، توسل به سازوکار نظارت بین‌المللی را تنها راه عملی برون رفت از بن‌بست فعلی می‌دانست و از این رو به شخصیت‌های حقوقی و حقیقی فعال در عرصه سیاست توصیه کرد که در مورد امضای اعلامیه «اصول نظارت بین‌المللی بر انتخابات» ثبت شده در ۲۷ اکتبر ۲۰۰۵ در دبیرخانه سازمان ملل متحد و درخواست نظارت بین‌المللی از جامعه جهانی، اقدام کرده و همه‌جانبه از آن حمایت کنند.<sup>۱</sup>

۱. بنگرید به بیانیه شماره ۲۰۴۴ نهضت آزادی ایران «ضرورت نظارت بین‌المللی برای تضمین آزادی و سلامت انتخابات»، مورخ ۸۶/۱۰/۱۰؛ مصاحبه خبرنگار روز (حسین محمدی) با محمد توسلی با عنوان «مجلس هشتم آخر کار نیست» چهارشنبه ۱ اسفند ۱۳۸۶؛

انتشار بیانیه فوق واکنش‌های گسترده و بحث‌های فراوانی را برانگیخت؛ تا جایی که مقام رهبری (آیت‌الله خامنه‌ای) به آن پاسخ داد و متعاقب آن -حالات به نهضت آزادی ایران شدت گرفت. مخالفان طرح نظارت بین‌المللی بر انتخابات ضمن آن که آن را توهین و جسارت به ملت ایران و در تعارض با اصل حاکمیت ملی و نقض استقلال و دخالت در امور مملکت تلقی کردند، معتقد بودند در کشورهای که با التهابات سیاسی و آشوب‌های داخلی مواجهند و خود قادر به حل آنها نیستند، نظارت بین‌المللی اعمال می‌شود، نه در ایران که ثبات سیاسی برقرار است.

جالب آنکه سخنگویان برخی احزاب و گروه‌های سیاسی اصلاح‌طلب ظاهراً برای اینکه مرزبندی خود را با این پیشنهاد نشان دهند و بهانه را از شورای نگهبان در جریان تأیید صلاحیت‌ها بگیرند، نسبت به آن واکنش نشان دادند. با این و صف و متعاقب این واکنش‌ها، نهضت آزادی ایران با انتشار بیانیه دیگری ضمن ارائه پاسخی مستدل به منتقدان، این طرح را راه‌کاری مناسب برای تقویت حاکمیت ملت و استقلال کشور قلمداد کرد.<sup>۱</sup>

### و: جمع‌بندی انتخابات این دوره

سرانجام انتخابات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی در ۲۴ اسفند ۱۳۸۶ برگزار شد. پیش از آن شورای نگهبان با رد صلاحیت نزدیک به ۲۲۰۰ نامزد مستقل و اصلاح‌طلب (شامل تعدادی از وزیران پیشین، نمایندگان مجلس، استانداران و نیز اعضای جبهه مشارکت ایران اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و نهضت آزادی ایران)، موجی از اعتراضات در سطح همه نیروهای سیاسی اصلاح‌طلب، شماری از علما و روحانیون، برخی ائمه جمعه و افرادی مانند نوه بنیانگذار جمهوری اسلامی را دامن زد. نمایندگان احزاب اصلاح‌طلب در اعتراض به رد صلاحیت اکثر نامزدهای خود در مجلس تحصن کردند. بروز چنین واکنش‌های اجتماعی ظاهراً

۱. بنگرید به بیانیه شماره ۲۰۴۹ نهضت آزادی ایران «راهکاری برای تقویت حاکمیت ملت و استقلال کشور

ارزیابی واکنش‌ها به پیشنهاد نظارت بین‌المللی بر انتخابات»، مورخ ۸۶/۱۱/۱۲

موجب شد مسئولان امر «اخبار خوش در بارهٔ رد صلاحیت‌ها» را وعده دهند. اما در عمل اقدامی انجام نگرفت و نیروهای سیاسی خواهان آزادی و دموکراسی در ایران را آگاه کرد که در برنامه‌ها و راهبرد سیاسی خویش، پخته‌تر عمل کنند و از هرگونه چپ‌روی یا مماشات با جریان محافظه‌کار بپرهیزند و به قول و وعده‌های آنان اعتنا نکنند. به هر حال شورای نگهبان در اقدامی کاملاً هماهنگ با قدرت سیاسی جناح حاکم و قدرت مالی دولت محافظه‌کار، انتخاباتی غیرآزاد و غیر رقابتی را به نمایش گذاشت. کوتاه نیامدن حاکمیت اقتدارگرا در رد صلاحیت گستردهٔ نامزدها حاوی این پیام روشن از سوی آنان بود که جنبش اصلاح‌طلبی و مطالبات آزادی‌خواهان ملت شریف ایران باید به کلی فراموش شود.

بعد از شمارش آرای مأخوذه از صندوق‌ها، جناح محافظه‌کار با کسب ۷۴/۵ درصد آراء، ۱۵۲ کرسی مجلس را تصاحب کرد. اصلاح‌طلبان ۲۹ کرسی (معادل ۱۴ درصد آراء) و جناح مستقل ۲۳ کرسی (معادل ۱۱/۵ درصد آراء) را به دست آوردند. با چنین تمهیداتی حزب پادگانی حاکم بر دولت توانست قدرت را در مجلس به دست گیرد. مجموعهٔ این رویدادها، واقعیت تلخی را نشان می‌داد که سرنوشت نزدیک به ۲۰۰ کرسی مجلس از پیش تعیین شده و تقریباً در ۶۰ حوزه نیز رقابت اصلی بین افراد جریان محافظه‌کار بود. با برگزاری مرحلهٔ دوم این انتخابات در ۵ اردیبهشت ۱۳۸۷، تعداد ۴۶ نامزد از جناح محافظه‌کار (معادل ۵۷ درصد)، ۱۸ نامزد از اصلاح‌طلبان (معادل ۲۱/۵ درصد) و ۱۸ نامزد مستقل (معادل ۲۱/۵ درصد) به مجلس هشتم راه یافتند. آمارها و گزارش‌های منتشره از کاهش چشمگیر میزان حضور مردم در پای صندوق‌های رأی گواهی می‌داد. در شهرهای بزرگ مانند تهران، شیراز، مشهد و تبریز در مرحلهٔ نخست، نزدیک به ۳۰ درصد واجدان شرایط در حوزه‌های رأی‌گیری حضور یافتند و در مرحلهٔ دوم، میانگین مشارکت مردم به زیر ۱۵ درصد سقوط کرد. از سوی دیگر، تأیید شتابزده انتخابات از سوی شورای نگهبان به‌ویژه در شهر تهران و عدم پذیرش درخواست قانونی برخی داوطلبان برای بازشماری صندوق‌ها از جمله عملکرد شبهه‌برانگیز و هماهنگ مسئولان اجرایی و نظارتی این انتخابات، سلامت

انتخابات مجلس هشتم را بی‌هیچ شائبه‌ای بیش از سایر انتخابات گذشته مورد تردید جدی قرار داد.

در جمع‌بندی کلی، برگزاری این انتخابات نشان داد که اعضای شورای نگهبان و مسئولان کشور متوجه پیامدهای رد صلاحیت نامزدها و برگزاری انتخابات ناسالم نیستند در حالی که محروم کردن بخشی از جامعه مدنی ایران از شرکت در انتخابات در نهایت به تضعیف نظام جمهوری اسلامی و کاهش مشروعیت آن می‌انجامد و کاهش اعتبار جمهوری اسلامی در داخل و در سطح جهانی موجب می‌شود فشارهای جهانی بر ایران افزایش یابد.

## فصل نهم:

انرژی هسته‌ای و تبدیل آن به چالشی امنیتی در دولت نهم





از جمله اقدامات ناصواب و تنش‌زای دولت آقای احمدی‌نژاد و جناح پشتیبان او علاوه بر انکار هولوکاست، تبلیغ و تأکید افراط‌گونه در موضوع غنی‌سازی اورانیوم و انرژی هسته‌ای بود؛ به اندازه‌ای که جامعه جهانی و آژانس جهانی انرژی اتمی را نسبت به فعالیت‌های هسته‌ای ایران بیش از حد نگران کرد. این نگرانی کم‌کم موجب سلب اعتماد قدرت‌های جهانی و آژانس جهانی انرژی اتمی شد و ایران را در روابط خارجی با چالش بزرگی درگیر نمود. بدیهی است در تعیین سیاست‌های مربوط به انرژی هسته‌ای، نقش دولت محدود بوده و تصمیم‌گیری‌های مهم رهبری و اعضای شورای امنیت ملی در این مورد نقش اصلی و تعیین‌کننده داشت. با این وصف نوع عملکرد سخیف و غیرعقلانه رئیس‌جمهور و وقت و اقدامات مجموعه عوامل و دست‌اندرکاران منسوب به دولت آقای احمدی‌نژاد، امنیت ملی را به مخاطره انداخت و موجب گردید تا در این دوره موضوع هسته‌ای به بحرانی جدی برای کشور تبدیل شود.

نهضت آزادی ایران از ابتدای مطرح شدن چالش‌های جمهوری اسلامی ایران با آژانس انرژی اتمی، بارها راهکارها و نظرات مشفقانه خود را از طریق نشریات، روزنامه‌ها و مصاحبه‌ها به حاکمان ارائه کرد و به آنان توصیه نمود با به‌کارگیری اصول صحیح و پیروی از ضوابط قانونی در سیاست خارجی، اجازه ندهند اعتماد جامعه جهانی به‌ویژه کشورهای عضو آژانس هسته‌ای از ایران سلب شود. متأسفانه جهالت و غرور مقام‌های دولتی و بی‌توجهی سایر مسئولان حکومتی، مانع شد از اینکه این

توصیه‌ها را بشنوند و به آنها عمل کنند و بجای آن، مسئولان همه روزه با بسیج گروه‌هایی از مردم و حتی دانش‌آموزان مدارس در سراسر کشور و کشاندن آنها به خیابان‌ها و سردادن شعار «انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست»، موجب عمیق شدن این چالش شدند. البته در آن زمان فروش و کسب درآمدهای سرشار حاصل از افزایش قیمت نفت عامل عمده‌ای برای سرخوشی، بلندپروازی و ریخت و پاش‌های مسئولان بود؛ غافل از آنکه قدرت‌های بزرگ دست به کار شده و با تشکیل پرونده‌ای در این مورد و کشاندن پرونده به شورای حکام آژانس جهانی انرژی اتمی و بعد از آن به شورای امنیت سازمان ملل، گام به گام ادا همه این وضعیت را برای ایران دشوارتر کردند.

در گام نخست ایالات متحده آمریکا و دولت‌های اروپایی به ویژه سه کشور فرانسه، آلمان و انگلستان متفقاً بر توقف غنی‌سازی ایران تأکید کردند. جلسه ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳ شورای حکام آژانس جهانی انرژی اتمی با پرهیز از صدور قطعنامه علیه ایران ظاهراً به صورت برد-برد خاتمه یافت و طرفین با اظهار رضایت، جلسه شورای حکام را ترک کردند اما فرآیند دو ماه مذاکرات و دیپلماسی فشرده هیئت ایرانی با کشورهای عضو جنبش عدم تعهد و کشورهای عضو اصلی شورای امنیت سازمان ملل، نهایتاً به کنفرانس مشورتی لندن منجر شد. در کنفرانس لندن شورای حکام برای پایان دادن به بحران هسته‌ای ایران، طرح روسیه<sup>۱</sup> را تأیید کردند. در مورد جلسه شورای حکام و نحوه برخورد با پرونده هسته‌ای ایران به نظر می‌رسید از پیش سیاست‌گذاری صورت گرفته بود. ترکیب طرفین مذاکرات پرونده انرژی هسته‌ای ایران در کنفرانس لندن را باید بسیار شبیه به حضور نمایندگان کشورهای صنعتی جهان در کنفرانس گوادالوپ در ۱۳۵۷ دانست. این ترکیب حاکی از این واقعیت بود که این کشورها در برنامه‌ها و موضع‌گیری‌های آینده خود در مورد ایران به گونه‌ای

۱. بر اساس طرح روسیه، ایران متعهد می‌شد در چارچوب جدول زمانی مشخص به پرسش‌های آژانس جهانی انرژی اتمی در باره برخی جوانب برنامه هسته‌ای ایران پاسخ دهد و در هر مرحله اگر پاسخ قانع‌کننده تشخیص داده شد، تدابیر تشویقی برای ایران در نظر گرفته خواهد شد. (م. ر)

هماهنگ عمل خواهند کرد و حتی از بیانیه نسبتاً ملایمی که منتشر شد این نتیجه حاصل نمی‌شد که برای مقابله با ایران برنامه نداشتند.

موقعیت ژئوپلیتیکی خاص ایران و قرار گرفتن در منطقه‌ای از جهان که بیش از ۴۰ درصد از منابع نفت و گاز جهان را به خود اختصاص داده، این منطقه را در وضعیت بالقوه متشنجی قرار داده است. از این رو ایالات متحده آمریکا برای حفظ منافع خود و متحدانش، در دهه‌های گذشته چندین پایگاه نظامی در منطقه ایجاد کرده است. روی این اصل، تحقق خواسته کشور ایران مبنی بر قرار گرفتن در کانون معادلات جهانی، ایجاب می‌کند با به‌کارگیری دیپلماسی سنجیده و مبتنی بر منافع ملی و پرهیز از تنش‌زایی، موقعیت ویژه خود را در راستای مصالح و منافع درازمدت حفظ کند و از این موقعیت به‌درستی بهره‌برداری نماید.

ایالات متحده و کشورهای اروپایی با پذیرفتن طرح روسیه عملاً نشان می‌دادند خواسته‌های خود را به عنوان حامیان پشت پرده این پیشنهاد تأمین کرده‌اند و مخالفت این کشورها با هسته‌ای شدن ایران به معنی شکل گرفتن اجماع جهانی علیه ایران نبود و چه بسا به تعویق انداختن تصمیم‌گیری نهایی در مورد پرونده هسته‌ای ایران به همین دلیل بود. از سویی تعلل مقامات جمهوری اسلامی در اعلام وصول این طرح را می‌توان به دلیل تردید آنها در نوع برخورد با این دو گزینه دانست.

طرح روسیه هنوز به‌طور مشروط به‌عنوان اولویت اول خروج از بحران هسته‌ای مطرح بود و در کنار آن ایران می‌توانست در راستای منافع ملی و برای کسب امتیاز بیشتر، مذاکره با آمریکا را دنبال کند. این مذاکره باعث می‌شد تحریکات ضد ایرانی و لابی‌صهونیست‌ها در آمریکا کاهش یابد. در موقعیتی که برای مذاکره با آمریکا فراهم شد، مقامات سیاسی ایران می‌توانستند با دیپلماسی قدرتمند در راستای منافع مشترک ایران و آمریکا در منطقه از آن استفاده کنند. مذاکره شفاف و علنی همزمان با روسیه و آمریکا می‌توانست مانند سیاست موازنه منفی دکتر مصدق در راستای منافع ملی باشد و البته ادامه همکاری با آژانس جهانی انرژی اتمی نیز نیازمند پذیرش تعلیق محدود غنی‌سازی اورانیوم در ایران بود تا پس از عادی شدن اوضاع و اعتماد سازی با

مشارکت سایر کشورها دنبال شود. با پایان گرفتن دوران جنگ سرد و افزایش قدرت روسیه و چین در عرصه جهانی، برای کشورهای جهان سوم فرصتی فراهم شد تا از تضاد منافع قدرت‌های بزرگ در راستای منافع ملی خود بهره‌برداری کنند. ایران نیز می‌توانست همزمان با مذاکره مستقیم با آمریکا، روسیه را به انجام تعهداتش در قبال راه‌اندازی نیروگاه بوشهر وادار کند. گام اول پیگیری مذاکرات با جامعه جهانی بر اساس منافع ملی و گام دوم تقویت تیم مذاکره کننده در موضوعات هسته‌ای ایران و بهره‌گیری از اشخاص توانمند و با تجربه همراه با برخورد مسئولانه بود؛ به این معنی که مسئولان از بیان هرگونه سخنان صرفاً شعاری و احساسی پرهیز کرده و از بهانه دادن به کشورهای خارجی علیه ایران جلوگیری کنند. امنیت ملی را تنها با انجام ملی و حفظ حقوق اساسی ملت و جلب مشارکت ملی می‌توان فراهم ساخت. اجماع بی‌نظیری که در زمان نهضت ملی شدن نفت پدید آمد، حاصل شفافیت موضوع برای مردم و توجیه توده‌های مردم بود و چنین اتفاقی در صورت شفافیت مسئولین در پرونده هسته‌ای نیز محتمل بود.

متأسفانه رفتارهای مسئولان جمهوری اسلامی نه تنها در بعد داخلی بلکه در ابعاد جهانی نیز مبتنی بر شفافیت نبوده به طوری که در سال ۱۳۸۸ش (برابر ۲۰۱۰م) پس از لو رفتن تأسیسات مخفی غنی‌سازی اورانیوم در قم، دولت روسیه نیز که تا آن زمان در مقایسه با هم‌تایان غربی تمایل کمتری برای مقابله با برنامه‌های هسته‌ای ایران نشان داده بود، از این پس تمایل بیشتری برای اعلام فشار بر ایران نشان داد و ضمن حمایت از قطعنامه ۱۹۲۹ (در سال ۲۰۱۰)، فروش سامانه پدافند هوایی اس-۳۰۰ به ایران را متوقف ساخت. چنین اقدامی نشان داد که از دیدگاه روسیه، بازار هسته‌ای ایران نه تنها صحنه یک رقابت استراتژیک بوده، بلکه حمایت نیم‌بند این کشور از ایران در سال‌های پس از انقلاب در برابر آمریکا و کشورهای اروپایی با هدف افزایش وابستگی تهران به مسکو انجام گرفته است. روسیه همواره از روابط خود با ایران به عنوان اهرم فشار در معامله با آمریکا و کشورهای اروپایی غربی سود جسته است. بر همین اساس می‌توان گفت سیاست‌های روسیه در مورد گدندی پی‌شرفت و به تأخیر

افتادن راه‌اندازی نیروگاه هسته‌ای بوشهر و همچنین رویکرد آن کشور در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در مقاطع مختلف، تحت تأثیر عوامل متعددی (از جمله ملاحظات امنیتی و برقراری توازن در روابط به آمریکا و اروپا)، نوسان داشته و گاه با اتخاذ مواضع ضد و نقیض نه تنها در روند همکاری‌های هسته‌ای خود با ایران اخلاص نموده، بلکه در موضع‌گیری‌های خود در آژانس جهانی انرژی اتمی و سپس در شورای امنیت سازمان ملل که به صدور چندین قطعنامه بر ضد ایران انجام‌یافته، عملاً در جبهه کشورهای غربی قرار گرفته و در بهترین حالت فقط توازن‌سته در مواردی مواضع کشورهای غربی و آمریکا را در برابر جمهوری اسلامی تعدیل کند.

دستیابی به چرخه سوخت هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز که حق ملت ایران است بایستی در چارچوب منافع ملی و یافتن ساز و کار و راه‌حل‌های واقع‌بینانه جهت اعتمادسازی جامعه جهانی برنامه‌ریزی شود. اعتمادسازی در سطح جهانی، مستلزم اعتمادسازی در داخل از طریق قانون‌مند کردن مدیریت کشور و اجرای اصول مندرج در فصل‌های سوم و پنجم قانون اساسی است که تأمین آزادی‌ها و حقوق اساسی ملت را تأکید کرده است.

نهضت آزادی ایران با توجه به مناسبات کنونی در روابط جهانی و با بررسی تمام جوانب مسأله هسته‌ای ایران، به مقامات تصمیم‌گیرنده حکومت توصیه کرد برای حفظ منافع ملی ایران و ایفای وظیفه و تعهدی که نسبت به تأمین آن دارد، در چارچوب بسته پیشنهادی گروه ۵+۱ ضمن استفاده از ابزارها و فرصت‌های دیپلماتیک و ارائه شروطی مثل تضمین حق ایران در استفاده مسالمت‌آمیز از انرژی هسته‌ای (ولو در شکل ایجاد باشگاه محدود یا به اصطلاح اوپک هسته‌ای)، اولاً از طرح مجدد مسأله ایران در شورای امنیت جلوگیری کند تا رسیدگی به پرونده ایران عملاً به آژانس

جهانی انرژی اتمی برگشت داده شود. ثانیاً با ایجاد شکاف در جبهه متحد جهانی علیه ایران از تحقق اهداف خصمانه ایالات متحده جلوگیری شود.<sup>۱</sup>

---

۱. بنگرید به بیانیه شماره ۲۰۰۵ نهضت آزادی ایران «قطعنا مه هسته‌ای شورای امنیت علیه ایران»، مورخ

فصل دهم:  
سفر به مالزی (۱۳۸۷)





در آبان ۱۳۸۷ با توجه به اینکه دخترم لیلا توسلی ( خانم دکتر زهرا توسلی ) آن موقع در مقطع کارشناسی ارشد مهندسی صنایع در ایران تحصیل می کرد، به منظور ارائه دو مقاله او که در دو دانشگاه مالزی و سنگاپور پذیرفته شده بود، همراه ایشان و همسرم خانم عصمت یزدی به این کشورها مسافرت کردیم. در این سفر که خوشبختانه آقای دکتر ابراهیم یزدی و همسرشان خانم سرور طلیعه نیز همراه ما بودند، فرصتهایی فراهم شد تا با برخی مقامات سیاسی مانند آقای انور ابراهیم (رئیس فراکسیون اتحاد ملی پارلمان مالزی و نامزد مقام نخست‌وزیری) در روزهای ۲۹ و ۳۰ آبان ۱۳۸۷ در شهر کوالالامپور (پایتخت مالزی) دیدارهایی انجام دهیم.

آقای انور ابراهیم (معاون وقت نخست‌وزیر مالزی) از هیئتی متشکل از ابراهیم یزدی (دبیر کل نهضت آزادی)، اینجانب (رئیس دفتر سیاسی) و دو تن دیگر از اعضای نهضت آزادی مقیم کشور مالزی دعوت کرد تا در جلساتی که ترتیب داده بود شرکت کنیم.

در نخستین دیدار هیأت نمایندگان نهضت آزادی ایران با فعالان سیاسی مالزی که به دعوت رئیس فراکسیون اتحاد ملی پارلمان مالزی برگزار شد، انور ابراهیم با اشاره به خدمات آقای دکتر یزدی و تأثیر ایشان بر دانشجویان مسلمان آن کشور در سالهای دهه ۱۹۷۰م در آمریکا گفت: «نام ابراهیم یزدی برای نسل من نامی ماندگار است.» او همچنین با تشریح وضعیت فعلی خودش و فراکسیون اتحاد ملی به تبادل نظرات و تجربیاتش با این هیأت پرداخت و ضمن انتقاد از وضعیت سیاه و سفید

موجود برای فعالان سیاسی در کشورهای جهان سوم، گفت که در این کشورها برای فعالان سیاسی جز در اوج قدرت بودن یا در زندان ماندن راه دیگری متصور نیست. سپس دکتر ابراهیم یزدی با اشاره به سابقه آشنایی خودش با ما هاتیر محمد و یادآوری تلاش‌ها و نصایحش به او در هنگام بازداشت انور ابراهیم در ۱۹۹۸ و نقل نمونه‌ای مشابه در مورد حاکمان سودان، به انور ابراهیم توصیه کرد در صورت دستیابی دوباره به قدرت، خویشتنداری در پیش گیرد و از هرگونه واکنش تند صرف نظر کند. دکتر یزدی با اشاره به وضعیت محاکمه فعلی انور ابراهیم<sup>۱</sup> و یادآور شدن زندان‌های درازمدت اعضای نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۸۰ سختی‌های مبارزه را از آن همه دانست.

انور ابراهیم با اشاره به سخنرانی محمود احمدی‌نژاد (رئیس‌جمهور ایران) در دانشگاه کلمبیا از اینکه احمدی‌نژاد نتوانست از این فرصت به دست آمده به‌درستی استفاده کند و آن را هدر داد، انتقاد کرد و گفت: «تصور کنید این فرصت به برادر ابراهیم [یزدی] داده شده بود.»

در پایان این دیدار، هیئت نهضت آزادی ایران با همراهی نمایندگان مجلس مالزی، از ساختمان پارلمان این کشور بازدید کردند و در جریان توضیحات نمایندگان درباره فرآیند قانونگذاری و مواضع متنوع فراکسیون‌های مجلس این کشور در مورد مسائل مختلف قرار گرفتند.

در روز پنجشنبه ۲۰ نوامبر ۲۰۰۸ (مصادف با ۳۰ آبان ۱۳۸۷) هیئت نهضت آزادی ایران با حضور در پارلمان مالزی، از نزدیک در جریان مواضع سیاسی نمایندگان و فرآیند تصویب قوانین در پارلمان مالزی قرار گرفتند. سپس آقای دکتر یزدی در محل پارلمان برای جمعی از نمایندگان احزاب آن کشور (حزب عمل دموکراتیک، حزب

۱. در پی وارد کردن اتهاماتی به انور ابراهیم (مشاور ارشد حزب عدالت مردم) در سال ۱۹۹۸ او از معاونت نخست‌وزیری مالزی برکنار و پس از محاکمه‌ای جنجالی به زندان و محرومیت از شغل‌های دولتی محکوم گردید. پس از پایان دوره محرومیت، از سوی مردم مالزی به‌عنوان عضو مجلس برگزیده شد و چندی بعد توانست سمت ریاست مجموعه احزاب مخالف دولت یعنی فراکسیون اتحاد ملی در مجلس را کسب کند.

عدالت مردم و حزب اسلامی) سخنانی ایراد کرد و سپس به پرسش‌های نمایندگان مجلس مالزی در مورد مسائل ایران و جهان پاسخ داد.<sup>۱</sup>

در مراسمی دیگر که شامگاه ۳۰ آبان ۱۳۸۷ در دفتر «حزب عدالت مردم»<sup>۲</sup> برگزار شد، نمایندگان نهضت آزادی ایران حضور یافته و در ابتدای جلسه آقای مصطفی کامل ایوب (معاون دبیرکل حزب) ضمن معرفی اعضای هیئت به حاضران از من خواستند جلسه را با سخنرانی خود آغاز کنم.

در سخنرانی خود با مروری بر سابقه تاریخی فعالیت احزاب در ایران، توضیح دادم احزاب و گروه‌هایی که در فرهنگ جامعه ریشه نداشته و به درستی سوابق فرهنگی کشور را نشانند، دوام چندانی نمی‌آورند. سپس در مورد سابقه تاریخی شکل‌گیری نهضت آزادی ایران و مبانی اندیشه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و مواضع آن صحبت کردم و گفتم رهبران و پیشگامان تأسیس نهضت آزادی ایران، با سابقه فعالیت و پشتوانه ۲۰ سال تلاش‌های فرهنگی و اجتماعی، زمینه‌های ذهنی تشکیل یک حزب اسلامی را در سال ۱۳۴۰ فراهم کرده بودند و از ابتدای تأسیس آن نیز همواره بر توسعه تلاش‌های فرهنگی اهتمام ویژه داشتند و از سال‌های پیش از انقلاب تا کنون به‌رغم محدودیت‌های گوناگون، تسلیم فشارها نشده و همواره در جهت پاسداری از ارزش‌های الهی و انسانی و نائل شدن جامعه به آزادی، عدالت اجتماعی و حقوق بشر به وظایف دینی و ملی خویش عمل کرده و از این بابت با حزب عدالت مردم در مالزی سرنوشت مشابهی داشته است. اعضای نهضت آزادی که در سال‌های پیش از انقلاب برای ادامه تحصیل به خارج کشور رفتند، با تأسیس انجمن‌های

۱. برای اطلاع از مفاد سخنرانی دکتر یزدی و نیز پاسخ‌های او به پرسش‌های نمایندگان مجلس مالزی بنگرید به: بیانیه شماره ۲۰۷۶/۱ نهضت آزادی ایران «گزارش دیدارها و مذاکرات آقایان دکتر ابراهیم یزدی، مهندس محمد توسلی و همراهان آنان با آقای انور ابراهیم، نمایندگان احزاب در پارلمان مالزی و اعضای ارشد حزب عدالت مردم»، مورخ ۱۳۸۷/۹/۱۳

۲. حزب عدالت مردم در سال ۲۰۰۳ تشکیل شد و ریاست آن بر عهده خانم وان عزیز وان اسماعیل است. این حزب بیشترین تعداد نماینده را در میان احزاب مخالف دولت در پارلمان مالزی داراست.

اسلامی دانشجویی در اروپا و آمریکا، بستر مناسبی برای پاسخ دادن به نیازهای فرهنگی دانشجویان (اعم از ایرانی و غیر ایرانی) و آماده شدن آنان برای خدمات اجتماعی و سیاسی فراهم کردند. ثمرات این تلاش‌ها ساخته شدن نسلی از فرهیختگان امروز کشورهای اسلامی است که بعضاً منشأ تحولاتی در بسیاری از کشورهای اسلامی شده‌اند. آقای انور ابراهیم (رهبر حزب عدالت مردم) که در آن سال‌ها ارتباط نزدیک و برادرانه‌ای با آقای دکتر ابراهیم یزدی برقرار کردند، نمونه‌ای از این فرایند به شمار می‌روند. سپس از تفرقه‌های موجود میان مسلمانان در کشورهای اسلامی انتقاد کرده و تأکید کرد که اسلام و همه پیامبران الهی، مردم را به دین واحد و ارزش‌های مشترک دعوت کرده‌اند و بر این اساس احزاب اسلامی و روشنفکران مسلمان در همه کشورهای اسلامی وظیفه دارند بنا بر توحید آیه شریفه «واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا» ضمن تأکید بر وجه مشترک میان خود از عوامل اختلاف و تفرقه که مشکل عمده کشورهای اسلامی است بپرهیزند.

در ادامه این نشست آقای دکتر یزدی در سخنانی با تأکید بر لزوم همکاری تشکل‌های همسو در جهان اسلام گفت که ما در دنیای اسلام با مشکلات مشابهی روبرو هستیم ولی هر کدام راهکار خودمان را برای روبرو شدن با آن داریم. در حالی که لازم است از تجربه‌های یکدیگر استفاده کنیم و درس بگیریم. به طور مثال، حضور فعال زنان در عرصه سیاست و اجتماع در مالزی از نکاتی است که می‌تواند مورد استناد فعالان سیاسی ایران قرار گیرد.<sup>۱</sup> اتفاقی که در سال ۱۹۹۸ برای برادر انور [ابراهیم] افتاد، مختص به مالزی نیست. ما هم در ایران مشکلات مشابهی داریم. بی‌گمان در ایران و مالزی، گروه‌هایی هستند که مایل نیستند حقوق اولیه منتقدان را به رسمیت بشناسند. این گروه‌ها در مسیر حرکت منتقدان و دگراندیشان مشکلاتی ایجاد

۱. در مالزی زنان عهده‌دار مشاغل متعدد سیاسی، اقتصادی و قضایی بوده و بدون هیچ مانعی می‌توانند به بالاترین مشاغل (نظیر منصب قضاوت) و مدیریت‌ها دست یابند. شمار زیادی از اعضای برجسته و رده بالای احزاب در مالزی، زنان هستند.

می‌کنند. مهم این است که ما به عنوان تشکل‌های همسوی اسلامی و دموکراسی خواه به این گونه اعمال اعتراض کنیم.

دکتر یزدی سپس به حضور نمایندگان سندیکاها، حمل و نقل مالزی در جلسه اشاره کرد و گفت که در ایران دبیر و اعضای سندیکای رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در زندان هستند و وظیفه همکاران آنان در خارج از کشور این است که نسبت به این مسئله اعتراض کنند.

در ادامه جلسه حاضران در مورد «ولایت فقیه» در ایران پرسش‌هایی مطرح کردند. در پاسخ به آنان گفتم: هر چند در باره «ولایت فقیه» تا کنون نظرات گوناگونی مطرح شده ولی به گمان من و با توجه به تجربه تاریخی، هر تصویری که از ولایت فقیه داشته باشیم باز نمی‌توان انکار کرد که نظام شکل گرفته بر مبنای ولایت فقیه، خلاف مبانی دموکراسی و نظام‌های مردم‌سالار خواهد بود زیرا در این شکل از حکومت، مشروعیت حاکمان برخلاف نظام‌های مردم‌سالار، ناشی از اراده و رأی مردم نبوده و از اراده توده‌های مردم حاصل نمی‌شود.<sup>۱</sup>

در پایان این مراسم نیز هدایای یادبود حزب عدالت مردم به اعضای هیئت نهضت آزادی ایران اهدا شد.

۱. گفتنی است که نهضت آزادی ایران در بیانیه‌های متعدد خود ضمن بررسی و نقد مبانی و چارچوب‌های نظری ولایت فقیه با صراحت اعلام کرده که با شیوه حکمرانی مبتنی بر ولایت فقیه مخالف بوده و دلایل مغایرت این نظریه را با آیات قرآن و سنت پیامبر شرح داده است. ضمن آنکه مفهومی با این عنوان در قرآن نداریم، در سنت پیامبر هم ریشه ندارد و مهم‌تر اینکه با اوضاع کنونی جهان هم سازگار نیست. تجربه تاریخی هم نشان داده که تفویض حداکثر اختیارات به بهترین انسان (آن‌هم به شکل مادام‌العمر) سرآغاز استبداد و فساد خواهد بود. آقای خمینی با استناد به برخی از احادیث این نظریه را وضع کرد در حالی که بسیاری از علما، اسلامی، احادیث مورد استناد این نظریه را معتبر نمی‌دانند. این مفهوم با دموکراسی کمترین نسبتی نداشته و هر تلاشی هم که تا کنون برای نزدیک کردن آنها انجام گرفته بی‌نتیجه و بی‌فایده بوده است. کما اینکه باورمندان به ولایت فقیه صراحتاً اعلام کرده‌اند ولی فقیه مشروعیت خود را نه از رأی مردم بلکه از خدا می‌گیرد... (برای اطلاع بیشتر بنگرید به بیانیه مورخ ۶۶/۱۰/۳۰ و نشریه تفصیل و تحلیل ولایت مطلقه فقیه مورخ فروردین ۱۳۶۷، نهضت آزادی ایران)

در طول مدت اقامت خود در مالزی همراه با دکتر یزدی، با دانشجویان ایرانی ساکن کشور مالزی هم دیدار صمیمانه‌ای داشتیم و ضمن گفت‌وگو با آنان به سؤالات آنان پاسخ دادیم.

فصل یازدهم:  
نقد عملکرد دولت نهم





بسیاری از گروه‌ها و احزاب از جمله نهضت آزادی ایران عملکرد دولت نهم را از همان آغاز نقض آشکار قانون اساسی و تضعیف مشروعیت نظام، ضایع کردن جمهوریت و حقوق ملت ایران می‌دانستند. زیرا ساختار فکری دولتمردان دولت نهم مبتنی بر نوعی بنیادگرایی اسلامی بود که تداوم حضور این نگرش در عرصه قدرت، جمهوریت نظام اسلامی را به تدریج از محتوا تهی کرده، اسلامیت آن را نیز به مرور به فرهنگی متحجر و نامتناسب با دوران جدید مبدل می‌ساخت. نماد این سیاست‌های متحجرانه در عملکرد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و احوال محدودیت‌های گسترده در مطبوعات، انتشار کتاب، فیلم و دیگر محصولات فرهنگی مشهود بود.<sup>۱</sup>

آقای احمدی‌نژاد در تبلیغات انتخاباتی خود عدالت، مهرورزی و دولت رفاه را به مردم وعده داده و از آنها سخن می‌گفت، اما در دوران ریاست جمهوری خویش از لزوم ریاضت کشیدن مردم صحبت می‌کرد. این شیوه بر خوردن تنها با شعارهای انتخاباتی رئیس‌جمهور هماهنگ نبود بلکه حتی نسبت به آن وعده‌ها، روند معکوسی را نشان می‌داد. از مشخصه‌های بارز رئیس دولت نهم بی‌توجهی به نظرات کارشناسی متخصصان در عموم مسائل اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بود. او که مدعی بود از برترین کارشناسان کشور برای همکاری در دولت و دستگاه‌های زیر نظر ریاست

---

۱. بنگرید به بیانیه ۲۱۰۴ نهضت آزادی ایران «انتخابات، فرصتی برای تغییر در مدیریت کلان کشور»، مورخ

جمهوری استفاده کرده، عموم کارشناسان دلسوز و مدیران با سابقه را از دستگاه‌های اداری، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور برکنار کرد و رویه‌ای در پیش گرفت که حتی شماری از همکارانش در دولت مجبور به کناره‌گیری از کار شدند.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که از نظر اقتصادی دولت نهم با طرح شعارهای «مبارزه با فساد» و «تأمین عدالت» به مردم ایران وعده داده بود که پول نفت را سر سفره‌های مردم آورده و در معیشت زندگی دهک‌های پائین جامعه گشایشی پدید می‌آورد؛ سطح درآمد سالانه اقشار جامعه را تغییر داده و در وضعیت اقتصادی کل مردم ایران بهبودی ایجاد خواهد کرد و در نهایت ایران را به سمت رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی پیش خواهد برد. اما در واقعیت امر خلاف وعده‌هایشان را نشان داد. به این ترتیب که علیرغم بالا رفتن قیمت نفت و درآمدهای سرشار حاصله از فروش آن در این دوره،<sup>۱</sup> بر اثر دنبال کردن سیاست‌های اقتصادی غیر اصولی و نابخردانه، وضعیت اقتصادی کشور را تا ورطه سقوط پیش برد. نزول ارزش پول و صعود قیمت کالاها، اقتصاد کشور را دچار تورم حاد کرد که اثرات سوء آن در عرصه صنعت، تجارت و خدمات به‌وضوح قابل مشاهده بود. بخش خصوصی با مشکلات و مسائلی عدیده‌ای روبرو شد و آحاد ملت و اقشار جامعه در محدوده فعالیت‌های خود، پیامدهای سوء سیاست‌های اقتصادی دولت نهم را به‌طور ملموسی احساس کردند. مدیریت متلاطم و ناپایدار اقتصادی دولت نهم همواره خارج از حیطه وزارت اقتصاد و بانک مرکزی رقم خورده و این باور نادرست را دامن زد که با تزریق پول نقد به اشخاص نیازمند در سفرهای استانی یا توزیع سهام عدالت و این‌گونه اقدامات، وضعیت اقتصادی مردم بهبود خواهد یافت و عدالت در جامعه فراگیر خواهد شد. در حالی که گزارش‌ها و آمار و ارقام واقعی منتشر شده نه تنها رشد و توسعه اقتصادی را

۱. در دولت نهم قیمت هر بشکه نفت به ۱۲۰ دلار افزایش یافت و درآمد حاصل از فروش آن به ۳۰۰ میلیارد دلار رسید که معادل سه برابر متوسط درآمدها در چهار دوره (۱۶ سال) پیش بود. به عقیده کارشناسان اقتصادی، ایران در این ۴ سال افسانه‌ای‌ترین درآمدها را از نفت به دست آورد. (م. ر)

نشان نمی‌داد بلکه آشکار کرد شکاف اجتماعی و فشار اقتصادی بر طبقات محروم جامعه نسبت به گذشته شدیدتر شده است.

به لحاظ فرهنگی و اجتماعی آمار پرونده‌های قوه قضاییه، گزارش‌های مندرج در صفحات حوادث روزنامه‌ها و مشاهدات عینی حاکی از آن بود که وضعیت ناهنجار رفتارهای اجتماعی، جامعه را به سمت بحرانی عمیق سوق داده به طوری که بسیاری از ارزش‌های اخلاقی مانند راست‌گویی، اعتماد، امانت‌داری و مهرورزی در مناسبات اجتماعی به طرز چشمگیری نسبت به گذشته کاهش یافته و دستگاه عوام‌فریبی و دروغ‌پراکنی رسمی مستقر در دولت نهم، با انتشار آمار و اخبار ناقص و نادرست در جامعه می‌کوشید توجه و آرای مردم را برای انتخابات بعدی به دست آورد.

دولت نهم در سیاست داخلی با بهره‌گیری از امکانات رسانه‌های فراگیر و ضد ملی خود به سلب حقوق اساسی مردم (مندرج در فصل‌های سوم و پنجم قانون اساسی) پرداخت و به سانسور، توقیف گسترده مطبوعات مستقل و ایجاد فشار، محدودیت و سرکوب دگراندیشان، احزاب مستقل، گروه‌های مختلف سیاسی، جنبش دانشجویی، جنبش زنان، سندیکاها، کارگری، انجمن‌های صنفی، نهادهای مدنی، فرقه‌های مذهبی و قومی ادامه داد و با نقض آشکار آزادی‌های قانونی و حقوق شهروندی، فضای سیاسی جامعه را همچنان بسته و محدود نگه داشت. نهضت آزادی ایران با انتشار بیانیه‌ای انتقادی خطاب به آقای احمدی‌نژاد خواستار تغییر در وضع موجود و اصلاح شیوه عملکرد دولت شد و به‌ویژه یادآوری کرد: «در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌هایتان، کشور ایران را آزادترین کشور جهان اسلام اعلام کرده‌اید! لازم دانستیم به عمل کرد و برخوردهای وزارت اطلاعات در محدود ساختن آزادی‌های سیاسی و حقوق قانونی شهروندان و ضایع کردن سرمایه‌های اجتماعی و معنوی در نتیجه تضعیف امنیت ملی

اعتراض کرده، تصحیح شیوه‌ها و ماهیت سیاست‌گذاری‌های امنیتی مسئولان دولت و اقدام عاجل برای اصلاح عملکرد برخی نهادهای تحت مدیریتتان را خواستار شویم.<sup>۱</sup> در سیاست خارجی با طرح و بیان موضوعات تشنج‌زا و بی‌ربطی مانند انکار هولوکاست و رعایت نکردن اصول و ضوابط دیپلماسی در موضوع حقوق هسته‌ای و اصرار در نادیده انگاشتن و ناچیز شمردن تحریم‌ها و قطعنامه‌های سازمان ملل و شورای امنیت سرانجام امنیت ملی کشور را به مخاطره انداخت و موجب گردید تحریم‌ها و جنگ اقتصادی در کنار تورم و بیکاری شدت یابد و خروج سرمایه‌های اقتصادی و فرار استعدادها از کشور روند فزاینده پیدا کند.

از آنجا که دولت زهم در برنامه‌ها و اقدامات خود نشان داده بود به آزادی، دموکراسی و حقوق بشر اعتقادی ندارد و طرفدار رویکرد اقتدارگرایانه است، بنابراین پیامدهای چنین تفکر و سیاستی در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشور چندان هم غیر منتظره نبود. اما نظریه‌پردازان و دولت‌مردان دولت تمامیت‌خواه و اقتدارگرا از این نکته غافل بودند که با ادامه این شیوه‌ها به تدریج موجب رشد آگاهی مردم نسبت به مطالبات قانونی خود و روی‌گردانی آنها از حاکمان اقتدارگرا می‌شوند. پیامدهای تشدید این نارسایی‌ها در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی موجب بی‌تفاوتی و مشارکت نکردن مردم در اداره امور جامعه و تعمیق و توسعه بحران‌ها نیز می‌شد.

۱. بنگرید به بیانیه ۲۰۷۴ نهضت آزادی ایران «انتخابات، فرصتی برای تغییر در مدیریت کلان کشور»، مورخ

فصل دوازدهم:

انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۸۸)



## الف: زمینه‌ها و موقعیت احزاب و گروه‌های سیاسی در آستانه برگزاری انتخابات

دهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۸۸ از جهاتی با چند انتخابات گذشته تفاوت داشت و از ویژگی‌های خاصی برخوردار بود که در انتخابات گذشته جامعه ایران تا این درجه با آنها روبه‌رو نبود. از یک سو در عرصه سیاست داخلی و روابط خارجی، عملکرد سه ساله دولت نهم کشور را با بحران‌های جدی مواجه ساخته و امنیت ملی و آینده کشور را در معرض مخاطره قرار داده بود. مجموع رویدادهای این دوره نشان می‌داد کشور گرفتار بحران فرهنگی و اجتماعی شده است. علاوه بر این نشانه‌هایی از انحطاط و فروپاشی اقتصادی مشاهده می‌شد که ممکن بود آینده و سرنوشت کشور را تهدید کند. از سوی دیگر نحوه برگزاری انتخابات مجلس هشتم و انتخابات ریاست‌جمهوری در ۱۳۸۴ در عمل نشان‌دهنده بود دولت نهم با هماهنگی شورای نگهبان، انتخابات را به نوعی مدیریت و مهندسی کرده‌اند. ضمن آنکه تا آن زمان سابقه نداشت کانون‌ها و نهادهای قدرت (از رهبری نظام گرفته تا نهادهایی مثل نماینده رهبری در سپاه پاسداران و بسیاری دیگر) این اندازه تمام‌قد و علنی به پشتیبانی و حمایت دولت نهم بپردازند و صراحتاً اعلام کنند رئیس دولت نهم از هر نظر مورد تأیید بوده و لازم است برای چهار سال بعد هم کارش را ادامه دهد.

معنی این قبیل سخنان نفی جمهوریت نظام و بی‌خاصیت بودن اراده و رأی مردم در انتخاب رئیس دولت بود.<sup>۱</sup>

چنین واقعیت‌های تلخ و در عین حال شفاف، فضای ویژه‌ای را در آستانه برگزاری انتخابات ۱۳۸۸ در کشور پدید آورد و موجب شد احزاب و گروه‌ها به فکر رفته و برای مقابله با تهدیدی که جمهوریت نظام را نشانه گرفته، رایزنی‌ها را آغاز و برنامه‌ریزی کنند.

در این میان گروه‌ها و دسته‌جاتی مانند جبهه ملی و حزب ملت ایران تکلیف‌شان معلوم بود که به مانند گذشته در انتخابات شرکت نخواهند کرد. آنها از سال ۱۳۶۰ به بعد با این استدلال که شرایط لازم برای انتخابات آزاد و سالم و هماهنگ با اصول قانون اساسی فراهم نیست، هیچ‌وقت در انتخابات شرکت نکرده و همواره بر تحریم انتخابات تأکید کرده بودند. اما سایر احزاب و گروه‌های سیاسی و بسیاری شخصیت‌های شاخص نظام که چند انتخابات گذشته را غیرآزاد، ناسالم و غیررقابتی دانسته بودند، احساس مسئولیت کرده و دنبال فرصتی بودند تا واکنش نشان دهند. از جمله سازمان دانش‌آموختگان ایران اسلامی (دفتر تحکیم وحدت) که حضور مردم در انتخابات دوره گذشته را مهم و تأثیرگذار ندانسته و در آن شرکت نکرده بود، این بار در نشست سالیانه خود (بنا بر گزارش آقای احمدزیدآبادی) حضور فعال در انتخابات ریاست جمهوری را از محورهای اصلی فعالیت خود اعلام نمود و از نامزدی آقای عبدالله نوری (وزیر کشور دولت خاتمی) حمایت کرد.

برخی دیگر از شخصیت‌های اجتماعی از جمله آقایان مرتضی الویری و محمدعلی نجفی با این هدف که بتوانند به نیاز اصلاح‌طلبان در این انتخابات پاسخ دهند هر کدام طرحی مبتنی بر تشکیل پارلمان اصلاح‌طلبان ارائه دادند که هر چند طرح جدیدی بود، اما برخی احزاب و گروه‌های سیاسی آن را غیرعقلی دانستند. شورای فعالان ملی - مذهبی نیز به دلیل حضور دیدگاه‌های متفاوت در آن و نداشتن تشکیلات منسجم، به

۱. بنگرید به گفت‌وگوی روزنامه اعتماد با مهندس محمد توسلی مورخ ۱۳۸۷/۷/۲۰



جمع‌بندی واحدی نرسید و تنها علی‌رضا رجایی و مهندس سبحانی در اظهار نظری به‌ویژه آرزو کردند اصلاح‌طلبان بتوانند نامزد واحدی داشته باشند.<sup>۱</sup>

### ب: اهتمام نهضت آزادی ایران برای اتحاد و ائتلاف اصلاح‌طلبان

اما نهضت آزادی ایران به رغم محدودیت‌های تشکیلاتی پس از سال ۸۴ با نگاه راهبردی که از گذشته داشت، در زمان کوتاهی در مورد انتخابات این دوره به تصمیم‌گیری نهایی رسید و موضع خود را با هدف ایجاد اتحاد و همدلی در جامعه و هم‌نوایی با سایر گروه‌های اصلاح‌طلب مبنی بر شرکت در انتخابات و حمایت از سیدمحمد خاتمی به عنوان نامزد پیشنهادی اعلام کرد. زیرا او از صداقت، سلامت، فرهیختگی، اصالت و سابقه خانوادگی روشن، محبوبیت مردمی در داخل و اعتبار جهانی برخوردار بود. علاوه بر این، گفتمان او همان تحقق مطالبات مردم ایران از انقلاب مشروطیت تا امروز (آزادی، دموکراسی و حقوق بشر) از طریق توسعه سیاسی و نفی اقتدارگرایی، تأکید بر منافع ملی بود. و بالاخره این‌که تحقق ایده‌ها و مأموریت‌های خاتمی زمینه‌ساز خروج از بحران‌های جاری کشور، نجات ملی و اعتلای هویت اسلامی - ملی بود.

از نظر ما انتخابات ۱۳۸۸ فرصت بسیار مناسبی برای شکل‌گیری ائتلاف اصلاح‌طلبان و سایر گروه‌های تحول‌خواه با محوریت آقای خاتمی بود. ضمناً با توجه به تجربه انتخابات ۱۳۸۴ در بیانیه‌ها و مصاحبه‌های متعدد خود تصریح و توصیه کردیم که اصلاح‌طلبان باید نامزد واحد داشته باشند (چون کثرت نامزد‌های جناح اصلاح‌طلب، شانس پیروزی اقتدارطلبان را بیشتر کرده و رغبت مردم برای حضور در انتخابات را کاهش می‌دهد) و اگر می‌خواهند اقدامات مؤثری انجام دهند باید بکوشند اصلاحات در جبهه گسترده اصلاح‌طلبان شکل گیرد.<sup>۲</sup> تقریباً در همان زمان و در

۱. بنگرید به گفت‌وگوی روزنامه اعتماد با مهندس محمد توسلی، همان

۲. بنگرید به گفت‌وگوی خبرنگار فرارو با مهندس محمد توسلی «به خاتمی جدیدی نیازمندیم»، مورخ ۲۱ بهمن ۱۳۸۷؛ گفت‌وگوی خبرنگار فرارو با مهندس توسلی درباره دو شرط آقای خاتمی «شروطی با هدف اخذ

آخرین روز های سال ۱۳۸۷ به یمن فرار سیدن سال نو و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸، اینجانب در نامه سرگشاده‌ای خطاب به رئیس‌جمهور آینده ایران ضمن یادآوری وظایف و مسئولیت‌هایی که جهت اجرای قانون اساسی به عهده دارد، دفاع از حقوق بنیادین ملت و پاسخ‌گویی به مطالبات مردم و... را به ایشان توصیه کرده بودم.<sup>۱</sup>

به‌طور اجمال انتظارات نهضت آزادی ایران از رئیس‌جمهور آینده عبارت بود از: ارائه برنامه واقع‌بینانه برای پاسخ به نیازهای مردم و خروج کشور از بحران‌های جاری (در چهار سال آینده)، ماندن در جایگاه فراحزبی و فراگروهی به‌منظور شکل‌گیری و تقویت جبهه فراگیر اصلاح‌طلبان و جلب همکاری گسترده مردم و پشتیبانی نظام‌مند از دولت آتی، تلاش برای متقاعد کردن نامزدهای اصلاح‌طلب به اعلام یک نامزد واحد از طریق گفت‌وگو و راهکارهای دموکراتیک و تلاش برای تضمین سلامت انتخابات.<sup>۲</sup>

تحقق موارد فوق مستلزم اقداماتی بود که از مجموعه اصلاح‌طلبان و خودمان داشتیم و به‌طور خلاصه عبارت بودند از: مهار خودخواهی‌ها، منیت‌ها و گروه‌گرایی‌ها در راستای منافع ملی و توسعه همکاری‌های جمعی خودمان به‌منظور انتخاب رئیس‌جمهور فرهیخته و شایسته‌ای که نماد ملت فرهیخته ایران باشد، تلاش جدی برای توسعه و تقویت نهادهای حامی ستاد آقای خاتمی، دعوت خود و جامعه به واقع‌بینی و بهره‌گیری از تجربه‌های گذشته، پرهیز از طرح شعارها و مطالبات غیرعملی، تأکید بر تدریجی بودن اصلاحات اجتماعی، پرهیز از رفتارهای تند و

موافقت نهادهای قدرت راهبردی نیست» مورخ ۱۶ مهر ۱۳۸۷ و گفت‌وگوی خبرنگار ایلنا با محمد توسلی «خاتمی بهترین فردی است که می‌تواند محور ائتلاف قرار گیرد» مورخ ۱۳/۶/۱۳۸۷؛ همچنین بنگرید به پیوست

۱۴ سخنان مهندس توسلی در مراسم افطاری شاخه جوانان نهضت آزادی ایران، ۶ مهر ۱۳۸۷

۱. بنگرید به ضمیمه روزنامه اعتماد ملی، ۸۷/۱۲/۲۸

۲. بنگرید به سخنرانی مهندس توسلی «چرا استقبال از نامزدی سیدمحمد خاتمی» در دومین همایش پویش

جوانان، مورخ ۱۱ اسفند ۱۳۸۷

خسونت‌آمیز اجتماعی و تأکید بر اقدامات عاقلانه و گام به گام و بالاخره درک زمینه‌های اجتماعی و تلاش برای فراهم کردن زمینه‌های لازم جهت انجام هرگونه تحولات اجتماعی.<sup>۱</sup>

نگاه راهبردی ما در آستانه برگزاری هر انتخابات آن بود که با استفاده از فرصت، اقدامی در جهت آگاهی‌بخشی انجام دهیم. همچنین موانع برگزاری انتخابات آزاد، سالم و رقابتی را به مردم یادآور شویم تا به تدریج آگاه‌تر شوند. ضمناً هیئت حاکمه و برگزارکنندگان انتخابات را به چالش کشیم تا به برگزاری انتخاباتی سالم ترغیب شوند. از نظر ما برگزاری انتخابات، ضمن آنکه فرصتی برای آزمون حاکمیت فراهم می‌کرد، مردم را نیز به این فکر وامی‌داشت از خودشان بپرسند: انتخابات برگزار شده، چه مقدار آزاد و سالم و چه اندازه فرمایشی بوده است؟!

با این وصف به دلیل نظارت حاکمیت اقتدارگرا بر روند انتخابات، برگزاری انتخابات ناسالم و غیر آزاد چندان دور از انتظارها و دیگران نبود. به این جهت بسیاری از احزاب اصلاح‌طلب اعلام کردند که انتخابات را تحریم کرده و در آن شرکت نمی‌کنند. اما ما با آنکه در وضعیت آن روز کشور دفتر و رسانه‌ای در اختیار نداشتیم و نمی‌توانستیم فعالیت گسترده داشته باشیم، با امکانات محدود خود خطاب به این دسته از اصلاح‌طلبان اعلام کردیم که هرچند انتخابات در شرایط کنونی، آزاد و عادلانه نخواهد بود (زیرا مطبوعات آزاد نبوده و گردش آزاد اطلاعات وجود ندارد)، علاوه بر این شورای نگهبان هم در نقش فیلتر عمل می‌کند، اما عدم مشارکت در انتخابات در گذشته تأثیر و دستاوردی نداشته و تنها زحانی کارکرد دارد که اکثریت قابل توجه مردم در انتخابات شرکت نکنند. به عکس؛ با شرکت در انتخابات می‌توان حاکمان را با چالش روبرو ساخت و بر تقویت فرایند گذار به دموکراسی در ایران

تأثیر بیشتری گذاشت. ضمن آنکه کمیته صیانت از آراء<sup>۱</sup> و کمیته انتخابات آزاد، سالم و عادلانه شکل گرفته و در یکی از آخرین بیانیه‌ها از جمهوری اسلامی خواسته که علاوه بر ناظران نامزدها، ناظران نهادهای مدنی نیز برای صیانت از آراء مردم حضور داشته و بتوانند بر انتخابات نظارت کنند. اگر نسبت به نظارت ناظران نهاد های مدنی جهانی مشکلات و مخالفت‌هایی باشد، لاقلاً نهادهای مدنی که در داخل کشور شکل گرفته‌اند می‌توانند بر انتخابات نظارت کنند.<sup>۲</sup>

### ج: دغدغه‌های آقای خاتمی و کناره‌گیری ایشان از رقابت انتخاباتی

بی‌گمان آقای خاتمی با ملاحظه صف‌بندی نیروهای اقتدارگرا و اقدامات عملی آنان در ضدیت با برنامه‌های توسعه سیاسی، متوجه این نکته بود که حضور دوباره‌اش در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۸۸ مستلزم پرداخت هزینه‌ای برای اوست. از این رو او خود را با دو دغدغه و پرسش اساسی مواجه می‌دید: نخست آنکه احزاب، گروه‌ها، فعالان سیاسی و حامیان در مخاطرات احتمالی پیش‌رو تا چه میزان و تا کجا از او پشتیبانی خواهند کرد؟ دیگر آنکه نوع رفتار و نحوه عمل نهاد های قدرت حاکم در برابر او چگونه خواهد بود؟<sup>۳</sup> واقعیت‌ها حاکی از آن بود که اقتدارگرایان گفته‌مان او را در باب توسعه سیاسی باور نداشته و به هیچ وجه آن را تحمل نمی‌کردند. بنابراین به اشکال مختلف کوشیدند آقای خاتمی را از حضور و رقابت در انتخابات ریاست‌جمهوری منصرف کنند و در صورت کنار نرفتن از کارزار انتخاباتی و پیروز شدن در انتخابات، به کارشکنی علیه او و اقداماتش و ایجاد بحران برای کشور ادامه دهند.

۱. میرحسین موسوی و مهدی کروبی (دو نامزد اصلاح‌طلب انتخابات) ضمن ابراز نگرانی از صحت انتخابات در ۱۰ خرداد ۱۳۸۸ کمیته صیانت از آراء را تشکیل دادند. تشکیل این کمیته با واکنش منفی دولت رو برو شد. (م. ر)

۲. بنگرید به گفت‌وگوی سید غلام‌رضا هزاوه‌ای خبرنگار سایت خرابات با مهندس توسلی با عنوان «تغییر دولت نهم مطالبه ملی است»، مورخ ۱۶ خرداد ۱۳۸۸.

۳. بنگرید به گفت‌وگوی روزنامه‌ها/اعتقاد با مهندس توسلی «سلامت انتخابات، خبرگان رهبری و نظارت بین‌المللی»، مورخ ۱۳۸۷/۷/۲۰

به هر روی هنگامی که مهندس میرحسین موسوی پس از دو دهه کناره‌گیری از قدرت، در فروردین ۱۳۸۸ به‌طور رسمی اعلام کرد خود را نامزد انتخابات ریاست جمهوری این دوره می‌کند، آقای خاتمی ضمن استقبال از این تصمیم و پشتیبانی از مهندس موسوی، از کارزار انتخاباتی و نامزدی خود انصراف داد و به این ترتیب از جناح اصلاح‌طلبان، آقایان مهندس موسوی و مهدی کروبی نامزد انتخابات شدند.

**د: تأکید نهضت آزادی ایران به لزوم اتخاذ تصمیم در مورد معرفی یک**

### نامزد اصلاح‌طلب در انتخابات ۱۳۸۸

نهضت آزادی ایران که تا پیش از کناره‌گیری آقای خاتمی از صحنه رقابت انتخابات ۱۳۸۸ از ایشان پشتیبانی می‌کرد، پس از مذاکرات و گفت‌وگوهای متعدد با افراد مؤثر اصلاح‌طلب و بررسی دیدگاه‌ها، برنامه‌ها و راه‌کارهای نامزد ها برای رفع مشکلات موجود، بیانیه‌هایی صادر کرد. در این بیانیه‌ها ضمن تشریح اوضاع کشور به لزوم مشارکت عموم مردم در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ و پایبندی مسئولان به صیانت از آرای عمومی، چند نکته اساسی را به شرح زیر اعلام کرد:

۱. علاوه بر تشویق مردم به شرکت گسترده در انتخابات، کوشش برای بهبود روند برگزاری انتخابات سالم، منصفانه و آزاد بر نتیجه آن اولویت دارد. بنابراین وظیفه اصلی و عمده مسئولان برگزارکننده صیانت از آرای مردم در انتخابات است.

۲. در اوضاع کنونی و با توجه به موانع موجود، نهضت آزادی ایران ضمن احترام به هر دو نامزد اصلاح‌طلب (آقایان میرحسین موسوی و مهدی کروبی) و تأکید بر هماهنگی و همکاری هر دو ستاد بر این باور است که هر دو نامزد واجد ویژگی‌ها و ظرفیت‌هایی هستند که می‌توانند با جذب آرای طبقه متوسط در انتخابات پیروز شوند و با امکانات موجود به حداقل مطالبات سیاسی اصلاح‌طلبانه مردم پاسخ دهند و از ادامه وضع موجود ممانعت کنند. انتظار ما از هر دو نامزد پایبندی به بیانیه‌های خویش در مورد حفظ و رعایت حقوق شهروندی است.

۳. از آنجا که شرط اصلی پیروزی اصلاح‌طلبان در انتخابات، پشتیبانی و معرفی تنها یک نامزد اصلاح‌طلب در صحنه رقابت انتخاباتی است، لذا مجموع جریان‌های اصلاح‌طلب باید پس از بررسی و در نظر گرفتن پیشینه عمل‌کرد و برنامه‌های هر دو نامزد (آقایان میرحسین موسوی و مهدی کروبی) در تصمیم‌نهایی با یکدیگر به توافق و اجماع برسند و بالاتفاق یکی را ارجح دانسته و در انتخابات از او پشتیبانی کنند. لازمه چنین اقدامی، داشتن روحیه مدارا، از خودگذشتگی، کنار گذاشتن مسائل و اختلافات جزئی و ترجیح مصالح ملی بر منافع شخصی، گروهی و حزبی است و تنها در این صورت می‌توان همگام با جامعه در مسیر توسعه حرکت کرد.<sup>۱</sup> همان‌طور که در کشورهای مالزی و ترکیه، افکار و سلاطین مختلف احزاب و شخصیت‌های سیاسی مانع از آن نشد که نیروهای سیاسی در این دو کشور نتوانند کنار هم کار کنند و رعایت همین اصل موجب شد فرهنگ دموکراسی و توسعه در آن کشورها نهادینه شود.<sup>۲</sup>

بر این اساس هشت تشکل سیاسی و اجتماعی (شامل دفتر تحکیم و وحدت، سازمان ادوار تحکیم، نهضت آزادی ایران، شورای فعالان ملی - مذهبی، حزب ملت ایران، جمعیت زنان انقلاب اسلامی، جاما و جنبش مسلمانان مبارز) با انتشار بیانیه‌ای اعلام کردند که برنامه‌ها و مواضع نامزدهای اصلاح‌طلب را رصد می‌کنند و برای گفت‌وگو و رایزنی با نامزدها آمادگی دارند تا در موقع مناسب موضع خودشان را اعلام کنند. هشت تشکل یاد شده با هدف جمع‌آوری اطلاعات و تبادل نظر، جلسات هماهنگی مشترکی میان خود برگزار کردند و قرار شد پس از تکمیل اطلاعات، نظر

۱. بنگرید به بیانیه‌های ۲۱۰۳ مورخ ۸۸/۲/۲۵ و ۲۲۰۴ مورخ ۸۸/۲/۲۹

۲. بنگرید به گفت‌وگوی خبرنگار روز با محمد توسلی «راهی جز این نیست: اجماع بر نامزد واحد»، مورخ ۲۳ بهمن ۱۳۸۷ و بیانیه ۲۱۰۴ - ۱۳۸۸/۲/۲۹ نهضت آزادی و همچنین گفت‌وگوی خبرنگار فرارو با مهندس محمد توسلی در ۲۱ بهمن ۱۳۸۷

نهایی خودشان در مورد حمایت از یک نامزد و نتایج به دست آمده دیگر را در موقع مناسب اعلام کنند.<sup>۱</sup>

بنا بر آنچه در بالا به آن اشاره شد و به ویژه پس از آنکه جریان‌ها و احزاب اصلاح طلب در انتخابات ۱۳۸۸ بر حضور تنها یک نامزد در میان اصلاح طلبان به اجماع نرسیدند، نهضت آزادی چاره‌ای نداشت جز آنکه از ظرفیت‌های متفاوت هر دو نامزد، برای حضور گسترده مردم در پای صندوق‌های رأی بهره ببرد. از این رو نهضت آزادی ایران در مواضع روشن خود در انتخابات ۱۳۸۸ ضمن تشریح اوضاع و تأکید بر مشارکت مردم در انتخابات و بیان انتظارات خود از دو نامزد اصلاح طلب، به طور مشخص از هیچ کدام از نامزدها حمایت مستقیم نداشت و در نهایت به همه مردم توصیه کرد «که ضمن مشارکت فعال در انتخابات پیش‌رو، رأیشان را بنام یکی از دو نامزد یاد شده که او را از جمیع جهات مناسب‌تر و در راستای منافع ملی ترجیح تشخیص می‌دهند، در صندوق‌های رأی بیان‌اندازند».<sup>۲</sup> البته جمعی از اعضا به ویژه شاخه جوانان نهضت (مانند آقای عماد به‌پاور) در ستاد انتخاباتی آقای مهندس موسوی حضور فعال و مؤثری داشتند.

از نظر ما مهندس میرحسین موسوی صرف‌نظر از ویژگی‌های شخصیتی به سبب تدریس در رشته‌های مهندسی و هنر، چهره‌ای دانشگاهی قلمداد می‌شد و خانواده ایشان هم فرهنگی بود. علاوه بر این مبانی اندیشه او مانند شهید رجایی در انجمن‌های اسلامی دانشجویان ریشه گرفته بود و با روشنفکری دینی پیوند داشت. مجموع این ویژگی‌ها از نظر جوانان و جامعه تحصیل کرده، ارزش تلقی می‌شد. از همه مهم‌تر اینکه در مدت هشت سال جنگ با عراق، به عنوان وزیر و نخست‌وزیر در امور اجرایی کشور، سابقه مدیریت داشت. او با برخورداری از چنین پشتوانه‌ای به طور مسلم در رقابت انتخاباتی، توان بالا و بیشتری برای جذب آرای طبقه متوسط شهری

۱. گفت‌وگوی مهندس محمد توسلی با سایت جمهوری، مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۲

۲. بنگرید به بیانیه ۲۱۰۴ نهضت آزادی با عنوان «انتخابات فرصتی برای تغییر در مدیریت کلان کشور» مورخ

داشت. اگرچه مهندس موسوی و شهید رجایی برای مدتی با حزب جمهوری اسلامی همکاری کردند، اما احترام به کرامت، آزادی و اختیار انسان جزو باورهای عمیق و بنیادین آنها بود و اعتقاد راسخ داشتند که آحاد انسانها بنا بر رأی و اراده آزاد خود بر سرنوشت خویش حاکم هستند. مرحوم رجایی ضمن آنکه عضو نهضت آزادی ایران بود، به اتکای باورهای دینی و تجربیات دوره مبارزات ملی، دو بال تفکر دینی و زمینه‌های مبارزات ملی را با یکدیگر عجین کرده و در شخصیتش از سجایای بود که اگر زنده می‌ماند، هم چون مهندس موسوی در برابر انحرافات به وجود آمده در انقلاب، نگران شده و در میدان مبارزات حضور پیدا می‌کرد. شگفت آنکه با گذشت ۳۰ سال از شهادت شهید رجایی، متصدیان دولت‌های نهم و دهم همواره ادعا می‌کردند از دیدگاه‌ها و منش شهید رجایی پیروی کرده و می‌کنند؛ در حالی که بنده و بسیاری دیگر که از نزدیک افتخار همکاری با شهید رجایی داشتیم، خوب می‌دانیم خصوصیات مدیران دولت نهم با شخصیت و منش شهید رجایی کمترین سنخیتی نداشت. متأسفانه تبلیغات رسانه‌ای از چام گرفته در این مورد، غیر از اینکه نوعی مصادره تاریخی از شخصیت‌هایی باشد که در ابتدای انقلاب جزو خدمتگزاران راستین انقلاب بودند، معنا و مفهوم دیگری نداشت.<sup>۱</sup>

بنا بر آنچه بیان گردید، نهضت آزادی ایران در انتخابات ۱۳۸۸ در دیدار با رئیس ستاد انتخاباتی مهندس موسوی اظهار داشت که در صورت موفقیت آقای میرحسین موسوی، هیچ سهمی از قدرت نمی‌خواهد بلکه خواهش پایبندی ایشان به سوگندی که خورده‌اند و نیز تحقق منشور حقوق شهروندی است.<sup>۲</sup>

۱. بنگرید به گفت‌وگوی مهندس محمد توسلی با سایت جمهوری‌یت، مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۲ و نیز پیوست ۱۵

گزارش سخنرانی مهندس توسلی در ستاد انتخاباتی اراک به مناسبت ۲ خرداد ۱۳۷۶، مورخ ۸۸/۳/۲

۲. بنگرید به گزارش سخنرانی مهندس توسلی در ستاد انتخاباتی اراک، همان



### ه: اعلام نتایج انتخابات ۱۳۸۸ و بازداشت گسترده معترضان

از همان نخستین ساعات اعلام نتایج غیرمنتظره و غیر قابل پذیرش دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ مبنی بر پیروزی محمود احمدی نژاد، ضمن آنکه موجی از نارضایتی و اعتراض اقشار گوناگون مردم به ویژه گروه‌ها و احزاب سیاسی اصلاح طلب را برانگیخت، بازداشت گسترده فعالان سیاسی و معترضان به روند برگزاری انتخابات آغاز شد.

از همان نیمه شب برگزاری انتخابات، مأموران با یورش به دفترها و ستادهای انتخاباتی آقایان کروبی و موسوی و همچنین منزل یا محل کار تعدادی از اعضای احزاب اصلاح طلب (مانند نهضت آزادی ایران، جبهه مشارکت ایران اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، سازمان ادوار تحکیم و حدت، دفتر تحکیم و حدت و انجمن‌های اسلامی دانشجویان و ...) در تهران و شهرستان‌های دیگر، شمار قابل توجهی از فعالان سیاسی و معترضان را با روش‌های ارباب‌آمیز و به‌طور غیر قانونی و نامتعارف بازداشت کردند. بازداشت معترضان از سوی نهادهای امنیتی و نظامی به‌ویژه در زمانی که هنوز هیچ یک از احزاب و سازمان‌های یاد شده در باره نتایج انتخابات موضع‌گیری نکرده بودند، علاوه بر اینکه غیر قانونی و نقض آشکار اصل ۳۲ قانون اساسی بود، نشان می‌داد که چنین اقداماتی از پیش برنامه‌ریزی شده است.<sup>۱</sup>

نهضت آزادی ایران همگام و همراه اکثر معترضان، گروه‌ها و احزاب سیاسی اصلاح طلب و همصدا با عالمان و مراجع عالی‌قدر دینی، نتایج اعلام شده از سوی حاکمیت مبنی بر پیروزی دوباره آقای احمدی نژاد در انتخابات را نادرست و غیر واقعی دانسته و دولت برخاسته از آن را فاقد مشروعیت لازم شناخت و با صدور بیانیه ضمن اعلام مخالفت با عملکرد وزارت کشور، از نامزد های اصلاح طلبان و حامیان‌شان خواست تا جهت صیانت از آرای مردم و حفظ حقوق ملت با روش‌های

۱. بنگرید به بیانیه ۲۱۱۶ نهضت آزادی ایران «اعتراض به بازداشت‌ها و رفتارهای غیرقانونی حاکمیت نسبت به

معترضان انتخابات ریاست جمهوری»، مورخ ۱۳۸۸/۴/۲۴

مسالمت‌آمیز و قانونی نسبت به عملکرد حاکمان اعتراض کنند. در بیانیه‌ی دی‌گری از آقایان مهندس موسوی و مهدی کروبی خواست تا پیش از آنکه زمان از دست برود و خواسته‌ی حاکمیت تثبیت شود، از همه نیروهای مردمی طرفدار اصلاحات مدد جویند و با بهره‌گیری از امکانات قانونی به شکل مسالمت‌آمیز در جهت قبولاندن خواست ملت به حکومت بکوشند. به مردم نیز توصیه کرد با خویشتن‌داری و حفظ آرامش، هرگونه اعتراض به رفتار و عملکرد حاکمان خود را در ماهنگی کامل با نامزد های اصلاح طلب و ستادهای انتخاباتی آنان انجام دهند و از پراکندگی و تشتت در رفتار و انجام دادن حرکات تحریک‌کننده به شدت بپرهیزند.<sup>۱</sup>

به رغم گسترش اعتراضات عمومی و ادامه‌ی تظاهرات خیابانی، مقام رهبری در سخنرانی نماز جمعه در ۲۹ خرداد ۱۳۸۸ ضمن دفاع از سلامت انتخابات انجام گرفته به معترضان هشدار داد که با تجمعات و حرکات خیابانی نمی‌توان اهرم فشار بر ضد نظام به وجود آورد و مسئولان را وادار کرد تحت عنوان مصلحت زیر بار خواسته‌های آنها بروند. ایشان با اشاره به اینکه تجمعات خیابانی بهترین پوشش برای تروریست‌های نفوذی و ضربه‌های تروریستی است، معترضان را عامل اصلی سلب امنیت و اغتشاش در فعالیتهای روزمره مردم خواند و ضمن انتقاد از آنان تصریح کرد مسئولیت خون‌ها، خشونت‌ها و هرج و مرج‌ها بر عهده‌ی کسانی است که از تظاهرات پشتیبانی می‌کنند. ایشان در این سخنرانی در دفاع از آقای احمدی نژاد چنین گفت: «میان آقای هاشمی [رفسنجانی] و آقای رئیس‌جمهور از همان سال ۸۴ [۱۳] اختلاف نظرهای متعددی در باره‌ی مسائل خارجی، نحوه‌ی اجرای عدالت اجتماعی و برخی مسائل فرهنگی وجود دارد که البته نظر رئیس‌جمهور به نظر بنده نزدیک‌تر است.» البته روز شنبه نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری با پیروزی آقای احمدی نژاد اعلام شد.

۱. بنگرید به بیانیه ۲۱۰۷ نهضت آزادی ایران «اعتراض به نتیجه اعلام شده انتخابات ریاست‌جمهوری»، مورخ

صرف نظر از اینکه این گونه سخن گفتن، یک روز قبل از اعلام رسمی نتایج انتخابات، و به ویژه جانبداری آشکار از یک نامزد در شأن مقام رهبری نبود، در بیانات ایشان از تلطیف و دلجویی نسبت به معترضان انتخابات هیچ نشانه‌ای نبود، بلکه عمده اظهارات وی از تهدید جدی مخالفان و معترضان انتخابات حکایت می‌کرد. چنانچه منظور مقام رهبری تمکین و تبعیت از قانون بود، قانون اساسی مجوز داده که معترضان حق برگزاری اجتماع و راه‌پیمایی مسالمت‌آمیز دارند.<sup>۱</sup>

با وجود فضای سنگین تهدید و سرکوب رسانه‌ها، بسیاری از مقامات و نهاد های رسمی جهانی و فعالان سیاسی در داخل و خارج کشور نسبت به اظهارات ایشان واکنش نشان دادند. از جمله سازمان عفو بین‌الملل در بیانیه‌ای اعلام کرد: «اظهارات [آقای] خامنه‌ای چراغ سبزی است برای نیرو های امنیتی ایران در سرکوب اعتراض‌های بیشتر»<sup>۲</sup> مهدی کروبی هم با نگارش نامه‌ای سرگشاده خطاب به اعضای شورای نگهبان نوشت: «با رأی عادلانه در باره انتخابات و ابطل آن و برگزاری انتخابات مجدد، اراده ملت را بپذیرید و بقای نظام را تضمین کنید که این به عدالت نزدیک‌تر است»<sup>۳</sup> در روز های شنبه و یکشنبه ۲۳ و ۲۴ خرداد تعدادی از اعضای شاخه جوانان نهضت آزادی در محل سکونت و کارشان بازداشت شدند.<sup>۴</sup> معترضان به نتیجه انتخابات بدون توجه به اظهارات رهبری، روز دو شنبه ۲۵ خرداد در پی درخواست مهندس موسوی در تهران و برخی شهرها اجتماعات و راه‌پیمایی برگزار کردند. در تهران راه‌پیمایی گسترده و بی‌سابقه در سال‌های پس از انقلاب با حضور

۱. بنگرید به اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۲. «واکنش‌های بین‌المللی به سخنان آیت‌الله خامنه‌ای»، ۳۰ خرداد ۱۳۸۸. بی بی سی فارسی. در واکنش به اظهارات رهبر ایران، برخی از مقامات اروپا مانند نخست‌وزیر وقت انگلستان (گوردون براون)، صدراعظم آلمان (آنجلا مرکل) و رئیس‌جمهور فرانسه (سارکوزی) در اظهاراتی مشابه ضمن محکوم کردن رفتار های خشونت‌آمیز و توقیف مطبوعات از رهبر ایران خواستند نسبت به معترضان انتخابات، واکنش مناسب نشان داده و ادعاهای مبنی بر بروز تقلب در انتخابات ریاست‌جمهوری را بررسی کنند.

۳. بنگرید به وب‌گاه رسمی حزب اعتماد ملی، ۳۰ خرداد ۱۳۸۸.

۴. بنگرید به اطلاعیه شماره ۲۱۰۸ نهضت آزادی مورخ ۸۸/۳/۲۵

میلیونی همراه با سخنرانی آقای مهندس موسوی برگزار شد که با تعداد قابل توجهی کشته و مجروح همراه بود. در همان روز دوشنبه ۲۵ خرداد جمعی از اعضای نهضت آزادی و فعالان ملی - مذهبی در تبریز بازداشت شدند<sup>۱</sup> عصر روز سه شنبه ۲۶ خرداد مأموران دادگاه انقلاب به دفتر کار اینجانب مراجعه کردند و بدون ارائه حکم قضایی، بازداشت و منزل را نیز تفتیش و بازرسی کردند.<sup>۲</sup> در همین روز چهارشنبه ۲۷ خرداد مأموران دادگاه انقلاب آقای دکتر ابراهیم یزدی دبیرکل نهضت آزادی ایران که در بیمارستان پارس برای ادامه معالجاتش بستری بود را بازداشت شدند.<sup>۳</sup> در چنین شرایطی در جمعه شب ۲۹ خرداد ۱۳۸۸ در تهران و برخی شهرهای دیگر به پشت‌بام‌ها رفتند و اعتراض خود را با سردادن شعارهای «الله اکبر» و «یا حسین، میرحسین» اعلام کردند. «مجمع روحانیون مبارز» به‌عنوان حامی میرحسین موسوی و «حزب اعتماد ملی» به‌عنوان حامی مهدی کروبی نیز معترضان را به برگزاری تظاهرات آرام (در محدوده میدان انقلاب تا میدان آزادی تهران) در روز شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ دعوت کردند.

با تشدید بی‌توجهی حاکمیت به اعتراضات و رویارویی نهاد های امنیتی با معترضان، درگیری نیروهای امنیتی و انتظامی با مردم شدت گرفت و به کشته و مجروح شدن شمار زیادی از شهروندان معترض انجامید. چون تداوم این بحران را در راستای منافع و امنیت ملی کشور نمی‌دانستیم، مشفقانه به تصمیم‌گیرندگان حاکمیت توصیه کردیم به جای رویارویی با مردم و سرکوب معترضان و متهم ساختن آنان به براندازی نظام، راه آشتی با ملت را در پیش گیرند؛ حتی اگر نتیجه اعلام شده انتخابات را درست و واقعی می‌دانند، شایسته است برای حفظ نظام، انتخابات را در شرایطی

۱. بنگرید به اطلاعیه شماره ۲۱۰۹ نهضت آزادی مورخ ۸۸/۳/۲۵

۲. بنگرید به اطلاعیه شماره ۲۱۱۰ نهضت آزادی مورخ ۸۸/۳/۲۶

۳. بنگرید به اطلاعیه شماره ۲۱۱۱ نهضت آزادی مورخ ۸۸/۳/۲۷

متفاوت و قابل قبول تجدید کنند.<sup>۱</sup> البته نهضت آزادی بر تقلب در شمارش آرای اصلاح‌طلبان تأکید داشت. مقارن آن روزها در خارج ایران نیز تحقیق کارشناسی جامعی در مورد انتخابات انجام گرفته بود که برایم فرستاده بودند و پس از مطالعه آن و همچنین اطلاعات دقیق دیگری که خودمان به دست آورده بودیم به این نتیجه شفاف رسیدم که انتخابات ۱۳۸۸ کاملاً مهندسی شده صورت گرفته است. جزئیات این سوابق را در بازجویی‌های دوران بازداشت هم بصورت صوتی در گفت‌وگو با مأموران اطلاعاتی و هم به صورت مکتوب در بازجویی‌ها منعکس شده که در پرونده آن بازداشت موجود است.<sup>۲</sup>

آقای مهندس موسوی جهت بررسی انتخابات ریاست جمهوری و حوادث پس از آن، پیشنهاد کرد کمیته‌ای با نام «کمیته حقیقت‌یاب» تشکیل شود. نهضت آزادی ایران نیز اعلام کرد که از طرح و برنامه‌های آقای مهندس میرحسین موسوی استقبال کرده و برای توفیق ایشان و همه کسانی که در راه تحقق اصول و آرمان‌های اولیه انقلاب اسلامی (که همان مطالبات تاریخی ملت ایران است)، می‌کوشند دعا می‌کند. در بیانیه‌ای با عنوان «پیام امید به ملت ایران» نیز بر محورهای مشابهی که در بیانیه آقای موسوی مطرح شده بود، تأکید کردیم کسانی که اهداف و راهبرد‌های مشترکی دارند (اگرچه مستقل عمل کنند)، خروجی و محور فعالیت آنها هماهنگ خواهد بود. واقعیت این بود که در آستانه انتخابات ۱۳۸۸ اکثریت چشمگیر مردم ایران به خصوص ساکنان شهرها و تحصیل‌کرده‌ها و نخبگان (شامل دانشگاهیان، هنرمندان، اقتصاددانان، جامعه‌شناسان و فعالان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) تغییر مدیریت اجرایی کشور را ضرورتی جدی و محوری دانسته و بر آن تأکید می‌کردند و روی همین اصل در بیانیه‌های خود ابتدا از آقای خاتمی و سپس از آقایان موسوی و کروبی حمایت کرده بودند. اما مجموعه حاکمیت بدون توجه به این خواسته اساسی، پس از برگزاری

۱. بنگرید به بیانیه ۲۱۱۷ نهضت آزادی ایران «پیامدهای انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری و دعوت مردم به

هم‌گرایی پیرامون حقوق ملت و حاکمیت قانون»، مورخ ۱۳۸۸/۴/۲۴.

۲. آقای حیدری‌فر بازپرس پرونده و سرکار خانم غیرت وکیل من بودند.

انتخابات، در رسانه‌های وابسته به خود به شیوه‌ای کاملاً معکوس چنین وانمود کرد که ۴۰ میلیون رأی‌دهنده با حضور گسترده خود در انتخابات از حاکمان کنونی حمایت کرده و تداوم مدیریت اجرایی کشور را می‌خواهند. از این نظر کاملاً بدیهی بود که تحریف واقعیت به‌طور طبیعی وجدان عمومی جامعه را متأثر ساخته و اکثریت مردم نیز این نحوه برداشت را توهین به شعور خود تلقی کردند. بی‌گمان پیامد چنین تلقی و رفتاری، سلب اعتماد مردم از مدیریت اجرایی کشور بود. حاکمیت جم‌هوری اسلامی به این نکته اساسی توجه نداشت که اگر اعتماد عمومی به‌عنوان سرمایه اجتماعی از مردم جامعه سلب شود، قطعاً دولت آینده نیز در اجرای برنامه‌های خود با مشکل روبرو خواهد شد. روی این اصل آقای مهندس موسوی به‌منظور بررسی انتخابات و حوادث پس از آن، تشکیل «کمیته حقیقت‌یاب» را پیشنهاد کرد. پیشنهاد تشکیل این کمیته و ارائه گزارشی بی‌طرفانه از انتخابات به مردم، می‌توانست در بازگرداندن اعتماد عمومی به حاکمیت گام مثبتی باشد و پیش‌نیاز چنین اقدامی، همکاری دستگاه‌های اجرایی و قضایی بود.

مهندس موسوی همچنین بر احیای اصول فراموش شده مربوط به حقوق اساسی مردم و حاکمیت ملت در قانون اساسی تأکید داشت؛ همان اصولی که در فصول سوم، پنجم و هفتم قانون اساسی به تفصیل بیان شده و تدوین‌کنندگان قانون اساسی کوشیده بودند مطالبات برحق مردم از انقلاب مشروطه به بعد را در این اصول منعکس کنند. به‌علاوه مهندس موسوی اعلام کرد که طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی، رسیدگی به جرائم سیاسی علنی است و باید با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت گیرد. متأسفانه با گذشت ۳۰ سال از تدوین قانون اساسی و قانون احزاب، هنوز قانون مربوط به جرائم سیاسی و هیأت منصفه تدوین و اجرا نشده بود. به همین دلیل اشخاصی که در گفته یا نوشته خود، برخی تصمیم‌ها یا عمل‌کرد حاکمان و رهبر را مورد انتقاد قرار می‌دادند، از سوی نهادهای امنیتی و اطلاعاتی بازداشت می‌شدند و رسیدگی به اتهامات آنها در دادگاه‌های انقلاب صورت می‌گرفت که مصداق بارز نقض اصل ۱۶۸ قانون اساسی بود. متأسفانه این رویه ناپسند و غیرقانونی همچنان

ادامه دارد و حاکمیت نه تنها هیچ انتقادی را بر نمی‌تابد بلکه حتی از نقد مشفقانه و سازنده نیز هراس دارد و از آن به‌عنوان اقدام براندازانه یاد می‌کند.

در جمع‌بندی نهایی این قسمت به نظر می‌رسد مهم‌ترین و روشن‌ترین راه‌کار برای جلب اعتماد عمومی، بازگشت همگان به قانون اساسی است زیرا قانون اساسی میثاق میان مردم و حاکمان نظام جمهوری اسلامی است. مسئولان و نهادهای ناظر باید برای اجرای اصول قانون اساسی و به ویژه اصول مندرج در فصل‌های سوم، پنجم و هفتم آن که در ضمن آنها حقوق اساسی ملت تصریح شده، تلاش کنند. تنها با پیروی از این شیوه و روند، مردم به تدریج احساس می‌کنند حاکمان حقوق قانونی آنان را محترم می‌شمارد و زمینه‌های اعتمادسازی در جامعه فراهم خواهد شد. برای تضمین اجرای قانون، استقلال قوه قضاییه و صیانت از حقوق اساسی مردم که جزء و ظایف اصلی آن قوه است، اهمیت حیاتی دارد. امروز نوع عمل‌کرد این نهاد مهم برای پاسداری از حقوق ملت جزو دغدغه‌های اصلی فعالان سیاسی و مردم است.





فصل سیزدهم:  
جنبش سبز (۱۳۸۸)



## الف: شکل گیری جنبش

جنبش سبز حرکتی اجتماعی در ادامه جنبش اصلاحات بود که در مدت سه دهه گذشته، اهدافی چون تحقق مطالبات تاریخی مردم ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ (شامل: قانونمداری، عدالت خواهی، دموکراسی، آزادی و حقوق بشر) را دنبال می کرد. در دوم خرداد ۱۳۷۶ گام بلندی در این مسیر برداشته شد و گفته‌ها م اصلاح طلبی در پیگیری اهداف خود ضمن بهره گیری از روش های م سلامت آمیز و پرهیز از خشونت ورزی، همواره حرکتی به سمت جلو بوده و توسعه آگاهی مردم و دستیابی به شرایط عینی برای رسیدن به مطالبات مردم با حداقل هزینه، دستاورد آن بوده است. حضور همه اقشار اجتماعی و گروه های سیاسی داخل و خارج کشور و حتی کسانی که تا کنون در انتخابات شرکت نکرده بودند در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، رخداد جدیدی بود که نشان داد عموم مردم این بار راهبرد جنبش اصلاحات را پذیرفته اند و با حضور خود حماسه جدیدی آفریدند.

از جهت دیگر عموم طبقات و اقشار اجتماعی با چنین حضور گسترده ای در واقع اعتراض خود به عملکرد دولت نهم را به شیوه ای م سلامت آمیز نشان دادند. مهندس موسوی در این انتخابات رو بیان سبز را به عنوان نهادی برای بیان استراتژی اصلاح طلبان معرفی کرد و پس از انتخابات نیز جنبش سبز در راستای همین نهاد شکل گرفت. مهندس موسوی پس از برگزاری انتخابات، راهبردهای خود را با صدور

بیانیه‌های مختلف اعلام کرد و هماهنگ با آقایان خاتمی و کروبی، رهبری ن‌مادین جنبش سبز را پی گرفت. در دوران تبلیغات انتخاباتی، شبکه‌ای اجتماعی شکل گرفته بود که ایشان ضمن تقویت این شبکه، از آن برای پیگیری اعتراض مردم برای دستیابی به حقوق اساسی‌شان که همان مطالبات تاریخی مردم بود، بهره گرفت. پس از برگزاری انتخابات، مردم در برابر انحراف از اصول قانون اساسی و آرمان‌های انقلاب مقاومت نشان داده و برگزاری اجتماعات میلیونی را در خیابان‌ها شکل دادند. ر شد آگاهی‌های اجتماعی ایرانیان در داخل و خارج کشور و همچنین حضور گسترده آنان در این اجتماعات (هر چند که همه آنها نگاه یکسانی نداشتند) از جمله نقاط قوت این جنبش اجتماعی بود. اعتراض عمومی به یک گروه یا جناح خاص اختصاص نداشت و همه مردم در آن حضور داشتند. همین ویژگی موجب شد تا این حرکت اجتماعی به یک شبکه اجتماعی با رهبری غیرمتمرکز تبدیل شود. البته چنین ساختاری آسیب‌هایی هم در پی داشته است؛ از جمله ایجاد محدودیت‌هایی برای رهبران جنبش سبز (آقایان خاتمی، موسوی و کروبی) که در عمل با آن مواجه شدند و همچنین عدم امکان فعالیت مؤثر نهادهای مدنی مانند مطبوعات و احزاب بود. آسیب دوم به وجود آمدن مشکل ارتباطی آنان با بدنه جامعه بود که می‌بایست این ارتباط برقرار شده و گسترش می‌یافت. ارتباط رهبران جنبش سبز در عمل به صاحب‌ها و بیانیه‌هایی محدود بود که نامبرندگان صادر می‌کردند، در صورتی که شبکه اجتماعی خودش بالنده و فعال است و می‌تواند مطالبش را تولید کند.

در جنبش سبز نکته مهم پرهیز از طرح شعارها و خواسته‌های حداکثری معترضان و تأکید بر مطالبات حداقلی عموم مردم بود. طرفداران جنبش سبز چنانچه از مطالبات حداکثری خود سخن به میان می‌آوردند، در این صورت پاره‌ای اختلافات در درون جنبش به تدریج بالا گرفته و تأکید بر وجوه اشتراک میان عموم مردم کاهش می‌یافت و به این ترتیب آسیب جدی به آن وارد می‌شد. علاوه بر این خودداری از رفتارهای خشونت‌آمیز و تأکید بر گفت‌وگو و تعامل به‌عنوان راهبرد مناسب در رفع یا کاهش منازعات اجتماعی، زمینه‌های آسیب‌رساندن به جنبش سبز را به حداقل می‌رساند. بنا

بر تجارب تاریخی، معمولاً اقتدارگرایان و حاکمیت از تند شدن شعارها استقبال کرده و در مواردی عوامل خودشان به منظور انحراف جنبش‌های مردمی، فضای درون این جنبش‌ها را رادیکالیزه می‌کنند تا سرکوب جنبش به آسانی توجیه شود.<sup>۱</sup> در حالی که جنبش سبز، اصلاحات و تحول تدریجی و درون‌زا را دنبال می‌کرد.

در این میان برخی ایرانیان خارج از کشور به دلیل مواجه نبودن با محدودیت‌هایی که شبکه‌های اجتماعی داخل کشور دارند، گاهی با دادن شعارهای انحرافی و رادیکال گمان می‌کردند می‌توانند این جنبش را از خارج هدیریت کنند؛ حتی در بعضی بیانیه‌های منتشر شده از دانشجویان خواسته بودند این بار در خشونت‌ورزی پیش‌دستی کنند. در حالی که انجام چنین خواسته‌هایی به معنی دادن زدن به یک برنامه انحرافی و آفتی برای جنبش سبز و جنبش دانشجویی بود و چه بسا اقتدارگرایان و عوامل اطلاعاتی و امنیتی حکومت این پروژه را طراحی کرده بودند. پیش‌دستی دانشجویان در خشونت‌ورزی ولو آنکه در مراسمی چون سالروز واقعه ۱۶ آذر باشد بهانه به دست حکومت خواهد داد تا آن را سرکوب کند و در این صورت برای جنبش سبز و جنبش دانشجویی هزینه‌های سنگینی در پی خواهد داشت. در حالی که اگر نیروهای نظامی - امنیتی مراسم سلامت‌آمیز و قانونی دانشجویان را با خشونت سرکوب کنند، هزینه آن را اقتدارگرایان و حاکمیت خواهند پرداخت و جنبش سبز نیز عمیق‌تر و گسترده‌تر خواهد شد. به هر حال مهم‌ترین نقش ایرانیان خارج از کشور، حمایت از جنبش مردم در داخل و انعکاس آن در خارج از کشور است. ضمن آنکه خشونت‌ورزی برای جامعه ما، آزادی و دموکراسی به بار نخواهد آورد.

زمانی که تلاش‌های مصلحان برای اصلاح وضع موجود از مرحله نصیحت و نقد قانونی بگذرد، مردم به تدریج با ر شد و توسعه آگاهی، در میدان مبارزه سیاسی و اجتماعی حاضر شده و اعتراض‌های فردی نخبگان به اعتراض‌های جمعی تبدیل

۱. در رویدادهای پس از انتخابات خرداد ۸۸ نمونه‌های زیادی از این واقعیت مشهود بود.

می‌شود. در این صورت دیگر سلاح نظام سیاسی (یعنی حبس و زندان و ایجاد فشار و وارد کردن اتهام) علیه جمعیت‌های گسترده کارساز نخواهد بود؛ به همین دلیل خاموش کردن جنبش مردم هر روز مشکل‌تر می‌شود. حضور گسترده مردم در میدان مبارزه سیاسی و اجتماعی، جنبش اجتماعی را وارد مرحله حساس خود خواهد کرد. کنش‌گران به شکل‌های مختلف مبارزه با حکومت را با برگزاری اجتماعات و راه‌پیمایی سراسری دنبال خواهند کرد. حضور گسترده مردم در صحنه مبارزه، دو مفهوم اساسی «شعار» و «تحلیل» را برجسته می‌کند و هر دو مفهوم باید در نهایت آگاهی و دقت مورد توجه واقع شوند.

از آنجا که «شعار» در مراحل اولیه هر حرکت اجتماعی مطرح می‌شود، اگر با دقت انتخاب نشود، می‌تواند بخشی از ظرفیت نیروهای اجتماعی را هدر داده و جمعیت‌ها را به سوی مسیرهای انحرافی سوق دهد. بنابراین شعارها باید در تعقیب هدف‌های مشخص و معرف آنها باشد.

پس از برگزاری انتخابات ۱۳۸۸، معترضان در روز قدس راه‌پیمایی گسترده‌ای برگزار کردند. حامیان محمود احمدی‌نژاد و رسانه‌های وابسته به آنان، میزان جمعیت راه‌پیمایی معترضان را در ابتدا ناچیز عنوان کردند اما مطابق گزارش‌های موثق، از شش مسیری که برای راه‌پیمایی روز قدس در نظر گرفته شده بود، دو مسیر اصلی شاهد جمعیتی نه تنها هزاران نفری بلکه صدها هزار نفری بود و می‌توان گفت بیش از یک میلیون تن از حامیان جنبش راه سبز در این شش مسیر بودند. بافت و ترکیب جمعیت نشان می‌داد تقریباً ۷۰ درصد آنان را جوانان تشکیل می‌دادند. علاوه بر این زنان (از زنان محجبه گرفته تا آنها که حجابشان معمولی بود) نیز حضور گسترده داشتند و حضور افراد وابسته به دیدگاه‌های مختلف نیز چشم‌گیر بود. از افراد مسن نیز حضورشان برجسته بود. در مقابل (به عنوان نمونه در میدان هفت تیر) و در ساعت‌های ابتدایی روز، نیروهای انتظامی و لباس شخصی‌ها به صورت سازمان‌یافته مستقر بودند. این نیروها نه تنها در میدان هفت تیر بلکه در تمام خیابان‌های منتهی به میدان هفت تیر کاملاً مستقر بودند. جمعیت محدود اما مجهز به تجهیزات صوتی قوی

و طرفدار دولت احمدی‌نژاد نیز در مقابل مسجدالجمود واقع در میدان هفت تیر گرد آمده و در دستانشان پلاکاردهای یک دستی که به‌طور هماهنگ در سراسر کشور به صورت متمرکز و برنامه‌ریزی شده، توزیع شده بود. استقرار مسئولان حکومتی، ابتدا شکل‌گیری موج سبز را با مشکل مواجه کرد اما نیم ساعت طول نکشید تا موج جمعیت شکل گرفت و این مسیر طولانی با حضور کسانی که نماد سبز در دست‌شان بود و یا لباس سبز بر تن داشتند، پر شد.

با توجه به ترکیب جمعیت شرکت‌کننده در راه‌پیمایی، نکته قابل توجه مقایسه رفتار مدنی حامیان جنبش سبز با جمعیت سازمان‌یافته و حامیان دولت احمدی‌نژاد بود که بدون توجه به آنان، شعارهای خود را می‌دادند. هنگامی که راه‌پیمایی طرفداران جنبش سبز شکل گرفت، در میان جمعیت سازمان‌یافته حامی دولت احمدی‌نژاد مقداری حالت انفعال مشاهده شد. البته نیروهای انتظامی در برابر راه‌پیمایان معترض رفتار نامناسبی از خود نشان ندادند، اما حضور انبوه نیروی انتظامی و مسئولان حکومتی در اطراف دانشگاه تهران و محل برگزاری نماز جمعه موجب شد، موج جمعیت حامیان جنبش سبز در بلوار کشاورز و خیابان‌های اطراف نتواند مسیر خود را ادامه داده و وارد دانشگاه تهران شوند. انتشار گاز خردل در میان انبوه راه‌پیمایان حامی جنبش سبز در بلوار کشاورز نیز هر چند از سجام جمعیت آنان را برهم زد و بخشی از آنان پراکنده شدند، اما این اقدام نیز باعث نشد شعارها علیه احمدی‌نژاد سر داده نشود. با این وصف تا ساعت ۳ بعدازظهر هنوز درگیری گسترده‌ای میان حامیان جنبش سبز و حامیان دولت احمدی‌نژاد رخ نداد اما از این ساعت درگیری‌هایی چند به‌ویژه در خیابان‌های منتهی به میدان هفت تیر، همراه با شلیک گاز اشک‌آور به سوی حامیان جنبش سبز، شدت یافت.

حضور چشم‌گیر مردم معترض به اعلام نتیجه انتخابات در این راه‌پیمایی نشان داد سه ماه فشار دولت و نیروهای امنیتی و انتظامی بر روند جنبش سبز تأثیرگذار نبوده و مردم با حضور وسیع، خودجوش و بدون سازماندهی خود همچنان نسبت به نتایج انتخابات اعتراض دارند و مطالبات بر حق و قانونی خودشان را دنبال می‌کنند.

نقطه قوت و ویژگی خاص جنبش راه سبز (همچنان که آقایان خاتمی، کروبی و موسوی عنوان کردند) حضور همه ایرانیان با دیدگاه‌های متفاوت در عرصه عمومی بود. آنان دریافته بودند با برقراری تعامل میان گروه‌ها و اقشار گوناگون مردم می‌توان در مورد اعلام مطالبات پایه‌ای و حداقلی و پرهیز از اعلام خواسته‌های حداکثری به توافق رسید و راه را برای همکاری عمیق و گسترده مردم هموار کرد تا مطالبات مشترک خود را در چارچوب منافع ملی و در محدوده قانون اساسی مطرح کنند. برقرار کردن ارتباط پایدار و متقابل با دیگران و تعامل مستمر با مردمی که در موضوعات مختلف اجتماعی و فرهنگی، دیدگاه‌های متفاوتی دارند، رمز موفقیت جنبش و پیش‌نیاز توسعه فرهنگی برای تحقق جامعه مردم‌سالار است.

منظور اصلی از مطرح کردن مطالبات حداقلی در ایران همان حقوق اساسی و پایه‌ای ملت است که قانون اساسی صراحتاً از آنها یاد کرده است و بر این اساس جنبش سبز و جریان اصلاح‌طلبی، راهبردهای خود را به شکل مبارزه قانونی، عدلی و مسالمت‌آمیز و تأکید بر تغییرات تدریجی و پایدار، تدوین کرده بود. بنابراین طرح هرگونه شعارهای افراطی که با گفته‌ها و خط‌مشی این جنبش هماهنگ نباشد، انحرافی بوده و زمینه سرکوب و محدود کردن جنبش را فراهم خواهد کرد.<sup>۱</sup>

### ب: بررسی شعارهای حامیان جنبش سبز

در تجمعات و راه‌پیمایی‌های حامیان جنبش سبز، بعضاً شعارهایی مطرح شد که واکنش منتقدان این جنبش را برانگیخت؛ به‌ویژه رسانه‌های حامی دولت احمدی‌نژاد این شعارها را بهانه‌ای برای انتقاد بیشتر از حامیان جنبش سبز قرار دادند. در نگاهی کلی این شعارها را به دو دسته کلی می‌توان تقسیم کرد:

۱. شعارهایی که به‌طور مستقیم به انتخابات مربوط می‌شد و گفته‌ها اصلی مردم نسبت انتخابات این دوره را نشان می‌داد. بخشی از این شعارها در حمایت از آقایان

۱. بنگرید به گفت‌وگوی عبدالرضا تاجیک با مهندس محمد توسلی، ۱۳۸۸/۷/۲۰



مهندس موسوی و کروی بود و بخشی دیگر در حمایت از شخصیت‌هایی مانند آیات عظام (منتظری و صانعی) بود که از اقشار گوناگون مردم و نامزدهای معترض ده‌مین دوره انتخابات ریاست جمهوری پشتیبانی کرده و وارد عرصه شده بودند.

۲. شعارهایی که در نقد عملکرد دولت و حاکمان مطرح شده بود، به‌عنوان نمونه «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» از شعارهایی بود که از درون جمعیت معترض در راه‌پیمایی روز قدس شنیده شد. در مورد شعارهای دسته دوم ضروری است با نگاهی تحلیلی ببینیم چرا این شعار مطرح شد و چرا جمعی از حامیان جنبش سبز این شعار را تکرار کردند و زمینه‌های ذهنی برای طرح این شعار چه بود؟

بنا بر سوابق تاریخی مبارزات ملت ایران در مدت ۶۰ سال گذشته، مردم ایران همواره از جنبش حق‌طلبانه مردم فلسطین حمایت کرده‌اند و آنچه بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷ انجام شده به‌طور طبیعی خمیرمایه همان دفاع از مظلومی بود که اسرائیل بر ملت مظلوم فلسطین روا داشته و دولت‌های غربی از این تجاوز، کشتار و مظلوم‌سازی حمایت کرده بودند. بنابراین هم به لحاظ انسانی و هم از آن جهت که جنبش فلسطین، جنبشی اسلامی است، طبیعی بود که عموم مردم ایران پیوند عمیق تاریخی در موضوع قدس داشته باشند. بر این اساس راه‌پیمایی روز قدس برای محکوم کردن تجاوز و مظلوم‌سازی اسرائیل و حمایت از ملت مظلوم فلسطین پایه‌گذاری شد. شاید برای اولین بار آیت‌الله طالقانی پیوند میان جنبش آزادی‌خواهی در ایران و جنبش استقلال‌طلبی ملت فلسطین در سرزمین‌های اشغالی را مطرح کرد. او با شرکت در همایش‌های مربوط به فلسطین، ضمن حمایت از مبارزات فلسطینی‌ها، مراتب تأیید ملت ایران را در سخنرانی‌های خود ابراز کرد. نمونه دیگر، بیانیه دکتر یدالله سبحانی در سال ۱۳۵۵ بود که شیعیان لبنان توسط مسیحی‌های لبنان سرکوب شدند و وضعیت نامناسبی در آنجا به‌وجود آمد. مرحوم دکتر سبحانی در بیانیه خود از مردم دعوت کرد به شیعیان لبنان کمک کنند و برخی از بازاریان مبارز مانند مرحوم حاج محمود مازیان پیش‌قدم شدند و با جمع‌آوری کمک‌های مالی مردم ایران، مستقیماً در اختیار آنان قرار دادند. با این سوابق تاریخی پیشنهاد اعلام روزی به‌عنوان روز قدس از سوی آقای

دکتر ابراهیم یزدی (وزیر امور خارجه دولت موقت) کاملاً طبیعی بود. بنا بر این سوابق تاریخی، ملت ایران با ملت‌های فلسطین و لبنان پیوند انسانی و اعتقادی داشته است. اما سؤال اصلی این است که چرا در این راه‌پیمایی‌ها قله‌های از تظاهرکنندگان، شعار «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» را سر دادند؟ و به نوعی این پیوند واقعی را نفی کردند. به نظر می‌رسد اکثریت قاطع افرادی که آن روز این شعار را تکرار کردند در واقع می‌خواستند از این طریق احساس و اعتراض خودشان نسبت به عملکرد دولت و حاکمیت را بیان کنند و از حکومت پسر سند در حالی که مردم‌ها از نظر اقتصادی و مالی به شدت در رنج و مضیقه قرار دارند، چرا کمک‌های همه‌جانبه و غیر متناسبی از اعتبارات عمومی کشور را به طرف حماس و حزب‌الله لبنان سرازیر کرده است؟! اگر بخواهم به‌طور خیلی مشخص تصویری از این دوگانگی ارائه دهم باید به پروژه بازسازی خرمشهر بعد از گذشت ۲۰ سال از جنگ تحمیلی اشاره کنم. کافی است عکس‌هایی که وضعیت خرمشهر را در سال ۱۳۶۷ که جنگ خاتمه پیدا کرد، با عکس‌های خرمشهر در سال‌های بعد از جنگ که هنوز آثار خرابی‌های جنگ در آن‌ها مشهود است، مقایسه شود. شهر زلزله‌زده بم را نیز می‌توان به عنوان نمونه دیگری ارائه کرد که تا چه اندازه نیازهای مردم بم بی‌پاسخ مانده است. در حالی که نسل جوان ایران که ۷۰ درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دهد، به تحصیل، اشتغال و زندگی شرافتمندانه نیاز دارد، ریخت و پاش‌ها و کمک‌های سنگین دولت ایران به فلسطین و لبنان را مشاهده می‌کنند، به‌طور طبیعی چنین واکنشی از خود نشان داده و این ضرب‌المثل قدیمی «چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است» را یادآوری می‌کنند. عکس‌های بعد از جنگ ۳۳ روزه جنوب لبنان که منتشر شده، نشان می‌دهد این منطقه به‌صورت مدرن بازسازی شده است. بر این اساس طرح چنین شعارها به معنای این نیست که این جمع با مردم فلسطین و لبنان پیوند انسانی و دینی ندارند؛ بلکه نشان می‌دهد اگر دولت ایران چنین مسائل و ابهام‌هایی را بر طرف کرده و کمک‌های خارجی ایران، قانونی و شفاف بود به‌طور قطع چنین شعارهایی مطرح

نمی‌شد. طرح این شعارها به معنی واکنش و اعتراض نسبت به عمل نکرد غیر متعادل مسئولان بود.<sup>۱</sup>

شعار دیگر حامیان جنبش سبز در راه‌پیمایی روز قدس «آزادی، استقلال، جمهوری ایرانی» بود. بسیاری از کسانی که این شعار را در آن روز سر دادند، چه بسا در راه‌پیمایی‌های سراسری مردم در ۱۳۵۷ شرکت کرده و در شعارهای خود بر جمهوری اسلامی اصرار می‌ورزیدند و همان کسان در فروردین ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ به جمهوری اسلامی به‌عنوان نظام سیاسی کشور رأی داده بودند اما با گذشت ۳۰ سال از پیروزی انقلاب در پس‌زمینه ذهنی خودشان به این باور رسیده بودند که حاکمان کنونی در اصول و آرمان‌های اولیه انقلاب انحراف ایجاد کرده‌اند. رهبر فقید انقلاب در زمان اقامت در فرانسه (سال ۱۳۵۷) از نظام جمهوری اسلامی در رسانه‌ها تعریفی ارائه کردند که نشان می‌داد نگاهی انسانی و رحمانی از هستی، جهان و انسان دارند. روی این اصل توانستند افکار عمومی در داخل ایران و جهان را به سوی نظامی اسلامی جذب و جلب کنند. در این تعریف بر آزادی، دموکراسی و حقوق اساسی ملت تأکید شده و عموم مردم نیز به دلیل اینکه از استبداد شاهنشاهی، سیاست‌ها و سرکوب‌های صورت گرفته ساواک به‌ستوه آمده بودند، تصمیم گرفتند برای نجات کشور، حاکمیت ملت در قالب و شکل نظام جمهوری شکل بگیرد. افزون بر این چون اکثر مردم ایران مسلمان بودند، طبیعی می‌نمود این دموکراسی در چارچوب ارزش‌های فرهنگی اسلام و در شکل «جمهوری اسلامی» ایجاد گردد. مرحوم مهندس مهدی بازرگان که مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران را خوب می‌شناخت، براساس بینش تاریخی خود این نگرانی را ابراز کرد که چون ممکن است تعریفی غیر دموکراتیک از اسلام ارائه شود، بنابراین بهتر است در همه‌پرسی ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ عنوان «جمهوری دموکراتیک اسلامی» که در اساسنامه مصوب شورای انقلاب پیش‌بینی شده بود نیز به رأی

گذاشته شود. البته پیشنهاد ایشان همان موقع با مخالفت رهبر فقید از قلاب مواجه گردید.

افزون بر این، در اصول مندرج در فصل‌های سوم، پنجم و هفتم قانون اساسی، حقوق اساسی ملت پیش‌بینی شده و مشروح مذاکرات خبرگان قانون اساسی به خوبی نشان می‌دهد که اکثریت قاطع نمایندگان بر حقوق اساسی ملت تأکید و تصریح داشتند. اصل نهم قانون اساسی به صراحت مقرر داشته هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند و نیز اصل ۵۶ قانون اساسی، حاکمیت را از آن ملت دانسته و تصریح کرده که هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از ملت سلب کند یا در خدمت فرد یا گروه خاص قرار دهد. بنابراین صحیح آن است که اصول دیگر قانون اساسی بر اساس این اصول تفسیر شوند. نص صریح اصل ۲۶ قانون اساسی و ماده ۶ قانون احزاب مصوب مجلس در سال ۱۳۶۰ فعالیت احزاب و نهادهای مدنی را علی‌الطلاق آزاد اعلام کرده و به هیچ وجه آن را به اخذ مجوز و یا پروانه از مراجع رسمی منوط ندانسته است. در حالی که در طول سالیان گذشته و به ویژه از دوره‌ای که دولت نهم زمام اداره کشور را در دست گرفت و عملاً در کشور حاکم شد، بر اساس نوع نگاه و نظر اقلیت هفت یا هشت نفری که به اصل ۲۶ قانون اساسی رأی منفی دادند، احزاب و نهادهای مدنی نتوانسته‌اند بر پایه این اصل شکل بگیرند و زیر ساخت‌های یک جامعه مردم‌سالار که پیش‌نیاز توسعه کشور است را فراهم کنند.<sup>۱</sup>

متأسفانه در سال‌های پس از سقوط رژیم شاهنشاهی، عمل کرد اقتدارگرایانه، متصلبانه و خشن مسئولان جمهوری اسلامی به تدریج مغایرت خود با تعریفی که رهبر فقید انقلاب از این نظام ارائه کرده بود، نشان داد و این پیمان نقض شد. در راهپیمایی روز قدس ۱۳۸۸ (۲۷ شهریور) نیز در حالی که ۳۰ سال از عمر نظام جمهوری اسلامی می‌گذشت، گروه‌هایی از مردم که بین عمل کرد حاکمیت با تعاریفی که در

ابتدای انقلاب از جمهوری اسلامی می‌شد، مغایرت می‌دیدند به این نتیجه رسیده بودند که چنین نظامی نمی‌تواند پاسخگوی مطالبات تاریخی مردم ایران باشد و لذا شعار جمهوری ایرانی سر دادند. البته طرح این شعارها با ماهیت اصلاح‌طلبانه و گفتمانی که جنبش سبز دنبال می‌کرد، مغایرت داشت. احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلب همواره بر این گفتمان و راهبرد تأکید کرده بودند که مطالبات بر حق و قانونی خود را در چارچوب همین قانون اساسی که میثاق بین مردم و حاکمان است به‌شيوه قانونی و مسالمت‌آمیز دنبال خواهند کرد. در غیر این صورت فرآیند مبارزات قانونی و روند اصلاحات متوقف شده و زمینه برای سرکوبی مردم و جنبش سبز فراهم می‌شود. از نظر اصلاح‌طلبان چون در نهایت همین راهبرد توانسته بود در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، زمینه‌های آگاهی بیشتر مردم و شکل‌گیری جنبش سبز را فراهم کند، لذا طرح شعارهای رادیکال و فاقد مبانی اصلاح‌طلبانه نمی‌توانست تأثیر مثبتی در فرآیند این مبارزات داشته باشد. کما اینکه اقتدارگرایان حاکم همواره از حرکت‌های اجتماعی تند و رادیکال استقبال کرده‌اند و برای سرکوبی این حرکت‌ها بهانه‌ای به دست می‌آورند.

در راه‌پیمایی روز قدس ۱۳۸۸ هر زمان که از بلندگوهای حامی دولت احمدی‌نژاد شعار «مرگ بر آمریکا» پخش می‌شد، حامیان جنبش سبز با شعار «مرگ بر روسیه» و «مرگ بر چین» واکنش نشان می‌دادند. بدیهی است که طرح این شعار به این معنا نبود که آنان طرفدار آمریکا هستند. بلکه بر عکس، سیاست‌های مخرب آمریکا و هزینه‌های سنگینی که به مردم ایران وارد کرده بود را با پوست و گوشت خود لمس می‌کردند. همچنان‌که نقش اسرائیل و بحرانی که صهیونیست‌ها در منطقه خاورمیانه ایجاد کرده بودند را کاملاً درک می‌کردند.

از جهتی سردادن شعار «مرگ بر روسیه» و «مرگ بر چین» تداعی‌کننده شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» بود که در ابتدای پیروزی انقلاب مطرح می‌شد. همچنان‌که سال‌ها پیش از انقلاب شهید مدرس و دکتر محمد مصدق نیز پیروی از اصل «موازنه عدمی» یا «موازنه منفی» را در سیاست خارجی ایران تأمین‌کننده منافع

ملی تشخیص داده و آن را پیشنهاد کرده بودند. اصولاً منافع ملی ایران ایجاب می‌کند که با همه کشورها رابطه داشته باشد و مناسبات خود را در راستای منافع ملی تنظیم کند. اما در سال‌های پس از انقلاب با توجه به اینکه عملاً جمهوری اسلامی در تقابل با آمریکا و کشورهای اروپای غربی، درهای کشور را به روی دو کشور روسیه و چین باز کرد، در عمل این امکان را به آنها داد تا علاوه بر بهره‌برداری از منابع سرشار و امکانات عظیم ایران، با کارت این کشور نیز در منازعات جهانی یک سویه سود ببرند و از این بابت ایران را به خود مدیون و بدهکار کنند. پرواضح است که در پیش گرفتن چنین سیاستی از سوی مسئولان جمهوری اسلامی، انتقاد بسیاری از مردم را همراه داشت. از یک طرف مناسبات گسترده و انعقاد قراردادهای ویژه با چینی‌ها و از سوی دیگر پایبند نبودن روسیه به تعهداتش در تکمیل و راه‌اندازی نیروگاه بو شهر و نادیده گرفتن منافع و حقوق ملی و تاریخی ایران در دریای خزر از مواردی است که به شدت ذهن ایرانیان را نگران کرده و همچنان احساس می‌کنند در چند دهه گذشته منافع ملی ایران به خطر افتاده است.

بنابراین اگر مسئولان جمهوری اسلامی سیاست خارجی کشور را در جهت تأمین منافع ملی تصحیح کنند، هیچ ایرانی مرگ‌خواهی برای آمریکا، روسیه و چین را دنبال نخواهد کرد. لذا به نظر می‌رسد مطرح شدن چنین شعارهایی بیشتر به دلیل در پیش گرفتن سیاست‌های نسنجیده مسئولان جمهوری اسلامی در مناسبات جهانی باشد. ضمن آنکه عملکرد روسیه در داخل روسیه و مداخله در امور کشورهای جدا شده از روسیه و نیز کشتار مسلمانان چین و همچنین روش‌های خشونت‌آمیز رهبران چین در برخورد با ناراضیان داخلی و به‌ویژه کشتار مسلمانان این کشور به معنی نادیده گرفتن حقوق اساسی مردم و نقض حقوق بشر است. چنین واقعیت‌هایی موجب شده تا مردم ایران نسبت به این دولت‌ها نگاه مثبت نداشته باشند.

موضوع دیگر اینکه بسیاری از مردم، مسئولان جمهوری اسلامی را به دلیل در پیش گرفتن سیاست دوگانه در حمایت از مسلمانان جهان مقصر شناخته و در فرصت‌هایی نظیر راه‌پیمایی روز قدس ۱۳۸۸ واکنش نشان می‌دهند. از این موارد که بگذریم انتشار

یک سری اخبار غیررسمی در خصوص دریافت کمک‌های نظامی و تکنیکی از روسیه و ارسال آنها به ایران با هدف سرکوب اعتراض‌های مردمی موجب نگرانی فزاینده ایرانیان و بی‌اعتمادی آنان نسبت به مسئولان کشور شد. همان‌گونه که مبارزان سیاسی و مردم ایران در سال‌های پیش از انقلاب، رژیم شاه را بابت رابطه نزدیک و همکاری‌های تنگاتنگ با آمریکا و دولت‌های غربی مقصر دانسته و این نزدیکی و رابطه را نقض استقلال ایران قلمداد می‌کردند، امروز نیز بسیاری از مردم از یک سو حاکمیت اقتدارگرایان را به جهت بستن فضای سیاسی و نقض آشکار آزادی‌های بنیادین و حقوق ملت، زیر سؤال برده و از سوی دیگر گره زدن منافع ملی ایران با کشورهای چین، روسیه، ونزوئلا و سوریه را موجب نقض استقلال و حاکمیت ملی و تضییع حقوق و منافع ملت ایران تلقی کرده و از این بابت مسئولان جمهوری اسلامی را مقصر می‌شناسند.

البته در راه‌پیمایی روز قدس شماری از معترضین نتیجه انتخابات به سردادن شعارهای رادیکال پرداختند. بعضی از این شعارها را اگر نگوئیم ضد مذهب بود، لاقابل غیر مذهبی بود و این احتمال را نمی‌توان غیر محتمل و بعید دانست که جریان رقیب جنبش اصلاحی با این هدف که نیروهای مذهبی را از جنبش سبز جدا کنند در این قضیه نقش داشت تا زمینه سرکوب جنبش اصلاحات فراهم شود. تجربه‌های تاریخی کشورهای مختلف از جمله تجربه جنبش دانشجویی ایران پس از سال ۱۳۲۰ نشان داده که همواره می‌توان با نفوذ در آن و طرح شعارهای رادیکال، زمینه سرکوب جنبش اصلاحی را فراهم کرد. مردم ایران هرگز نقش شعارهای انحرافی را در روزهای حساس مرداد ۱۳۳۲ که موجب سردرگمی و بی‌تفاوتی مردم و حتی نخبگان و مراجع تقلید و زمینه‌سازی برای کودتای آمریکایی - انگلیسی با کمترین هزینه شد، از یاد نخواهند برد و امید است که از این تجربیات تاریخی در اقدامات اصلاح‌طلبانه خود بهره گیرد.

نهیست آزادی ایران و روشنفکران دینی عمده فعالیت‌های خود را در مسیر اصلاحات دانسته و به اشکال گوناگون کوشیده‌اند تجربه‌های خود را به نسل بعدی

منتقل کنند. در جنبش موسوم به اصلاحات و نیز جنبش سبز نیز نظر مشورتی خود را به اصلاح‌طلبان و معترضان به انتخابات ۱۳۸۸ منتقل کرد تا بلکه تجربیات تاریخی گذشته ایران را مورد توجه قرار دهند. ما نیز همچون مهندس موسوی بر اجرای اصول فراموش شده قانون اساسی و تدریجی بودن مبارزات و رشد آگاهی مردم و توسعه شبکه اجتماعی تأکید داریم. شبکه‌های اجتماعی می‌توانند با بهره‌گیری از تجارب گذشته، آگاهی را در درون خود نهادینه کنند و با تشکیل هسته‌های درونی و تقویت آنها جنبش را ادامه دهند.<sup>۱</sup>



فصل چهاردهم:

خاطرات بازداشت ۱۳۸۸



## الف: حضور مأموران در دفتر کار و منزل

مدت کوتاهی پس از اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸، اقشار گوناگون مردم تهران با برگزاری راهپیمایی میلیونی در بعدازظهر دو شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۸، به نحو آشکاری اعتراض خود را نشان دادند و خیابان‌های اصلی شهر تهران هم وضعیت کاملاً ملتهبی پیدا کرد.

بعدازظهر روز بعد (سه‌شنبه ۲۶ خرداد) در دفتر کارم واقع در خیابان ولی‌عصر، بالاتر از سه‌راه عباس‌آباد (دکتر بهشتی)، کوی زرین پلاک ۸ طبقه سوم مشغول کار بودم که آقای دکتر اسماعیل یزدی حوالی ساعت چهار بعدازظهر به دفتر آمد و پرسید: «چرا هنوز از دفتر خارج نشده‌اید و زودتر به خانه نمی‌روید؟ خیابان‌ها خیلی شلوغ است.» به یاد دارم بعدازظهر آن روز خیابان ولی‌عصر و خیابان‌های اطراف نزدیک دفتر کارم، محل تردد نیروهای انتظامی، امنیتی و نیروهای لباس شخصی بود.

همزمان یکی از همکاران (مهندس علی والی) گفت: «یک خودرو و یک ون پلیس به‌طرزی مشکوک سر کوچه زرین توقف کرده‌اند. بهتر است شما حواستان را جمع کنید و مواظب باشید.» کامپیوترم را خاموش و روی میزم را خلوت کردم و برای ترک دفتر آماده بودم که آقای کیوان (سرایدار ساختمان) با چهره نگران همراه چند نفر وارد اتاقم شدند و خطاب به من گفت: این آقایان با شما کار دارند! سپس جوان چاقی با قدمتوسط و ریش‌انبوه مرا به خارج از اتاقم برد و گفت: کارت شناسایی خودتان را

بدهید. همین که کارت شناسایی را نشان دادم گفت: برای بازداشت شما آمده‌ایم، نباید سر و صدا کنید! سپس درب واحدهای مختلف را بستند و در یک اتاق هم کاران را زیر نظر گرفتند. چون کامپیوتر دفترم به صورت TC بود، مأموران ضمن بازدید واحدهای مختلف، سرور (Server) شرکت و تعداد زیادی CD را با خود برداشتند و سپس عازم منزل شدیم. در منزل نیز کیس کامپیوتر دخترم (لیلا) و تعدادی از اسناد دخترم را برداشتند. بازرسی از دفتر و منزل از ساعت ۴/۵ تا ۶/۵ بعد از ظهر طول کشید. پس از آن مرا به بند ۲۰۹ زندان اوین بردند. ظاهراً احکام بازداشت قبل از انتخابات صادر شده بود. در بین راه و ضمن عبور از بزرگراه مدرس و تقاطع ولی عصر به سرپرست تیم مأموران وزارت اطلاعات، توضیح دادم که طراحی این تقاطع و تعدادی زیادی از تقاطع‌های این منطقه، کار دفتر ما بوده است. گفت: چرا خودتان را در این خدمات مفید متمرکز نمی‌کنید و درگیر مسائل سیاسی می‌شوید؟! پاسخ گفتم: ما در خدمات مهندسی متمرکز هستیم و کار مهندسی را با کار سیاسی درگیر نمی‌کنیم. خودتان فضای دفتر ما را ملاحظه کردید که فقط کار مهندسی انجام می‌دهد. اما به‌عنوان یک مسلمان ایرانی، وظایف دینی و اجتماعی هم دارم که همان فریضه الهی امر به معروف و نهی از منکر است و به آن عمل می‌کنم. حضور و مشارکت در عرصه انتخابات نیز از جمله این وظایف است که برخی پيامدهای آن را بر نمی‌تابند!

### ب: در بازداشتگاه ۲۰۹

پس از تحویل دادن و سایل شخصی و گرفتن لباس زندان و انجام تشریفات انگشت‌نگاری و گرفتن عکس برای تشکیل پرونده، مرا به سلول تنگ ۲۰۹ در زیرزمین بردند. در آنجا آقای شهاب‌الدین ... نجف‌آبادی جوانی که خود را عضو سازمان جوانان مجاهدین انقلاب معرفی کرد به سلول آوردند. بعد از ظهر چهارشنبه ۸۸/۳/۲۷ مرا صدا کردند ابتدا شخصی که خودش را مهدوی معرفی کرد گفت که در سال ۱۳۸۳ همراه با آقای جوادی در منزل با شما دیدار داشتیم. سپس شخص دیگری

که خود را معرفی نکرد، نظرات مرا در خصوص انتخابات جويا شد. نظرات و تحليل خود در مورد مسائل و مشكلات انتخابات رياست جمه‌وري را برا ساس داده‌ها و واقعيت‌هاي منتشر شده به‌طور شفاهي به ايشان گفتم. از جمله تاكيد كردم آمار متت شر شده از سوي وزارت كشور نشان مي‌دهد كه واريانس (م‌جذور انحراف معيار) آن‌ها تقريباً عدد يك است و حال آنكه در كشورهاي دموكراتيک اين رقم ۰/۵ تا ۰/۷ است. توضيح آنكه در آراي اعلام شده رسمي انتخابات ۱۳۸۸، انحراف معيار (فاصله داده‌ها از ميانگين) آراي آقاي احمدي‌نژاد به آراي كل، يك درصد است. انحراف معيار كمتر، نشان دهنده پراكندگي كمتر داده‌هاست؛ به ديگر سخن بر خلاف دوره‌هاي پيش كه نظر رأی‌دهندگان در نقاط مختلف فرق فاحشي داشت، در اين دوره اين نظر‌ها در تمام ايران به‌طور چشمگيري به هم نزديك شده‌اند. ضمن آنكه آراي اعلام شده در نوبت‌هاي متفاوت، نتيجه گزارش‌هاي رسيده از حوزه‌هاي متفاوت است و طبيعتاً نتيجه حوزه‌هاي كوچك‌تر، سريع‌تر گزارش مي‌شوند. پرسشي كه باقي مي‌ماند اينكه چرا اختلاف نظر رأی‌دهندگان اين دوره بايد نسبت به دوره پيش ده برابر كوچك‌تر باشد؟

به اين موضوع مي‌توان از منظر ديگري هم نگريست. اگر آراي نامزدها را نسبت به هم در يك نمودار رسم كنيم، از نقاط به دست آمده با دقتي باورنكردني مي‌توان يك خط راست گذراند. در اين صورت و به زبان آمار، انحراف از خط راست نزديك به يك‌هزارم خواهد بود؛ يعني آراي مأخوذه از تمام نقاط كشور با دقت شگفت‌آوري شبیه هم شده‌اند. اگر بپذيريم تعداد آراي اعلام شده از استان‌ها و حوزه‌هاي متفاوت اخذ گرديده، مطابق دوره‌هاي گذشته انتظار مي‌رفت اعداد اعلام شده افت و خيز داشته باشند. و همين انحراف بناچيز، نشان مي‌دهد كه آراي اعلام شده محصول عدديسازي و نه شمارش است.

در ادامه گفتم حتي اگر يك مهندس تازه كار در وزارت كشور حضور داشت، مي‌توانست آمار انتخابات را طوري تنظيم كند كه اعتبار جمه‌وري اسلامي لااقل در

انظار جهانی حفظ شود!<sup>۱</sup> ظاهراً صحبت‌ها ضبط می‌شد. هر دو ملت‌هپ و به دزبالی جمع‌آوری اطلاعات برای ارائه گزارش بودند.

مدتی طولانی مرا در راهرویی معطل نگه داشتند تا نوبت تفهیم اتهام برسد. پس از چند ساعت تقریباً ساعت ۱۲ شب شخصی برگه‌هایی را به‌عنوان تفهیم اتهام مقابل من قرار داد. اتهامات شامل این موارد بود: اقدام علیه امنیت ملی، شرکت در انتخابات، سخنان دکتر ابراهیم یزدی در مخالفت با اصل ولایت فقیه، نوشتن نامه به رئیس مجلس خبرگان رهبری و ... که البته هیچ‌کدام را نپذیرفتم. اما مسئولیت کلیه نشریات نهضت آزادی ایران و مواضع رسمی نهضت را پذیرفتم و در هر مورد که لازم بود، توضیحاتی اضافه کردم.

### ج: انتقال به زندان ۲۴۰

صبح پنجشنبه ۸۸/۳/۲۸ همراه با تعداد دیگری، مرا به زندان ۲۴۰ اوین منتقل کردند و به سلول ۶ هدایت شدم. زندان ۲۴۰ در قسمت شمال بند ۲۰۹ واقع شده و تقریباً با ماشین ۵ دقیقه از هم فاصله داشتند. داخل سلول‌های زندان ۲۴۰، توالت فرنگی بود و گرمای داخل سلول‌ها از طریق عبور لوله فطوری تأمین می‌شد. فضای زندان بسیار شلوغ و پر رفت و آمد بود و زندانی فقط یک بار در هفته برای گرفتن حمام می‌توانست از سلول بیرون آید. نگهبان در شبانه‌روز سه نوبت صبحانه، ناهار و شام را از دریچه سلول در اختیار زندانی قرار می‌داد.

سه نفر به سلول من آمدند. یکی از آنها خودش را دکتر صادقی معرفی کرد و گفت که استاد دانشگاه است. او بحث اعتقادی گسترده‌ای را مطرح کرد و قصد داشت

۱. جزئیات اطلاعات در اوراق بازجویی‌ها و پرونده تنظیم‌شده این بازداشت موجود است. تمام قرائن نشان می‌داد انتخابات، مهندسی شده و گواه این واقعیت، اعلام نتایج در زمان کوتاهی بود که با حجم کار تنها سب نداشت. گزارش‌ها حاکی بود کمیسیونی مرکب از آقایان صادق محصولی (وزیر کشور) و کامران دانشجو (معاون سیاسی) و کارشناس سومی که تخصص نرم‌افزاری داشت نتایج انتخابات را مهندسی و مدیریت کرده‌اند. پس از مدتی شخص سوم ظاهراً در اثر تصادف کشته و حذف گردید.

به استناد آیات قرآن و روایات اولاً این مفهوم را منتقل کند که بنا بر نگرش و آموزه‌های تشیع، جامعه اسلامی شیعه بایستی ولایت ولی فقیه را بپذیرد. ثانیاً در جامعه اسلامی که ولی فقیه در رأس آن قرار گرفته و حاکم است، اصولاً احزاب سیاسی نمی‌توانند جایگاهی داشته باشند. در پاسخ به مطالب مفصل ایشان گفتم: البته از طرح چنین مباحث اعتقادی و گفت‌وگو در باره مطالب شما استقبال می‌کنم اما برای من ممکن نیست که در داخل سلول و تحت بازداشت وارد این مسائل شوم؛ این‌گونه موضوعات بایستی در فضای آزاد و خارج از زندان مورد بررسی و مباحثه قرار بگیرد. ایشان هم پذیرفت که ادامه بحث حضوری و در منزل دنبال شود. نفر بعدی که نقش بازجو را داشت روی برگ بازجویی تقریباً ۱۰ پرسش نوشت و کاغذ و دو خودکار در اختیارم گذاشت که در سلول به آنها پاسخ بگویم. سوالات شامل بیوگرافی، سوابق زندگی، تحصیلات، سوابق شغلی و فعالیت‌های اجتماعی و چند پرسش در مورد نهضت آزادی و اختلافات درونی نهضت و ریشه‌یابی آنها و بالاخره در مورد تحلیل من از انتخابات ریاست جمهوری بود. او ضمناً ساعت مچی و لباس‌های زیر مرا از انبار بند آورد که ساعت برای تنظیم برنامه‌های روزانه بسیار مفید بود. شخص سوم<sup>۱</sup> هم احتمالاً از مدیران وزارت اطلاعات بود و برای ارزیابی آمده بود.

در پاسخ به پرسش‌هایی که بازجو نوشته بود، تقریباً همان مطالبی را که در دو جلسه قبلی به‌طور شفاهی گفته بودم و احتمالاً ضبط شده بود، در ۱۱ صفحه نوشتم. تا اینکه روز شنبه ۸۸/۳/۳۰ بازجوی جدیدی که نسبتاً جوان بود و تلویحاً اظهار کرد با من آشنایی خانوادگی دارد! مرا صدا زد تا یادداشت‌ها را بگیرد. به او گفتم: در مورد انتخابات هنوز مطالب کامل نشده است. گفتم: در همین اندازه کافی است.

۱. این شخص بسیار شبیه آقای حسام‌الدین آشنا بود. آقای دکتر ابراهیم یزدی که همزمان در این دوره بازداشت شده بودند گفتند که آقای آشنا در سلول با ایشان هم گفت‌وگو داشتند.

### د: جلسات بازجویی و محورهای آن

جلسات بازجویی در روز های ۲، ۶، ۱۰، ۱۳ و ۱۴ تیر ماه در زندان ۲۴۰۰ ادا شده داشت. بازجویی محترمانه و به صورت کتبی انجام می شد. تا آنجا که به یاد دارم محورهای بازجویی جلسات مختلف به شرح زیر بود:

الف: مسائل داخلی نهضت آزادی ایران

۱. نحوه عضوگیری
۲. فکر تغییر و اصلاح اساسنامه و چارچوب آن
۳. افراد مشکوک در داخل نهضت
۴. دلایل کاهش همکاری برخی از اعضا (مانند آقای مجید حکیمی)
۵. جلسات قرآن آقای دکتر یزدی (سه شنبه ها)
۶. مسائل مربوط به خارج از کشور
۷. امور مربوط به شورای استان تهران
۸. تأثیر نشریات نهضت آزادی در جامعه به ویژه دانشجویان و احزاب داخل حاکمیت

۹. نقش و جایگاه ویرایش نشریات از سوی آقای مهندس ابوالفضل بازرگان

۱۰. پیش بینی تعیین دبیرکل نهضت پس از آقای دکتر یزدی

ب: ارتباط با بیگانگان (اشاره به مذاکرات دیپلماسی انقلاب سال ۱۳۵۷ تا دیدار با سفرا و مقامات خارجی پس از پیروزی انقلاب)

ج: ارتباط با سایر احزاب و شخصیت ها (مجا همدین از انقلاب اسلامی، جبهه مشارکت، ملی - مذهبی ها)

د: ارتباط با شخصیت ها و مقامات نظام (آقایان نژادحسینیان، صادق خرازی، صادق طباطبایی و محمود دعایی)

ه: پروژه های مهندسی مشاور گذرراه، کارفرماها، طرح ها و سهام شرکت



و: خانواده دکتر ابراهیم یزدی (دلایل جدایی شه‌ریار روحانی دا هاد ایشان)، نوع برخورد ایشان در داخل نهضت، جدایی آقایان حبیب یکتا، توکل‌یان و درویش از نهضت آزادی و دلایل بروز اختلاف نهضت آزادی با آقای میناچی.

ز: ارتباط با کانون مدافعان حقوق بشر، کمیته دفاع از انتخابات آزاد، شورای کانون حقوق بشر، بیانیه نظارت بین‌المللی

ح: پرسش‌های تهدیدآمیز مانند: اگر به همسر شما آسیبی وارد شود چه خواهید کرد؟<sup>۱</sup> اگر کار شرکت مهندسین مشاور شما متوقف شود چه می‌کنید؟<sup>۲</sup> و اگر احکام سال ۱۳۸۰ در مورد شما اجرا شود چه می‌کنید؟

در پاسخ به پرسش اول گفتم: همسر و فرزندان من فعالیت سیاسی ندارند اما برای فعالیت من احترام قائل هستند. در مورد پرسش بعدی پاسخ دادم: پس از ۵۰ سال خدمات مدیریتی و کارشناسی به افتخار بازنشستگی نائل می‌شوم. و در پاسخ به پرسش آخر گفتم: در گذشته به خداوند بزرگ توکل داشته‌ام، ان شاء الله باز هم به او توکل خواهم کرد.

پس از سخنرانی معروف رهبری در نماز جمعه ۸۸/۳/۲۹، نزدیک به ۱۰ روز بازداشت‌ها به‌طور گسترده ادامه یافت؛ طوری که در راهروهای زندان ۲۴۰ صندلی گذاشته و شبیه جلسات امتحانی از افراد بازجویی می‌کردند. یکی از اتاق‌های نسبتاً بزرگ (مقابل اتاقی که من بازجویی می‌شدم) م‌فروش شده بود و از بازداشتی‌های نشسته، بازجویی می‌کردند.

۱. یک هفته پس از آزادی من از زندان متأسفانه این تهدید در ۱۳ مرداد ۸۸ جنبه عمل به خود گرفت و ضربه سنگینی به خانواده‌ام وارد شد که در بخش‌های بعدی به آن خواهم پرداخت.

۲. این تهدید هم در شرکت مهندسین مشاور گذرراه محقق شد. در حالی که این شرکت با حضور آقای مهندس اکبر اسدالله خان‌والی (از مدیران و کارشناسان با سابقه در سازمان هواپیمایی و مشاور گذرراه) به خاطر خدمات گذشته مورد تقدیر قرار گرفته بود با دستور حراست سازمان حتی کارهای دست اقدام آن متوقف شد و از ارجاع کار جدید هم ممانعت به‌عمل آمد.

### ه: انتقال به زندان ۲۰۹ و دیدار با آقایان جوادی و مهدوی

در هفته اول زندان، تلفنی با منزل تماس گرفتم و با همسر (مینا خانم) و دخترانم (الهام و لیلا) صحبت کردم. ضمن صحبت‌ها مطلع شدم آقای دکتر ابراهیم یزدی در بیمارستان بستری شده‌اند. نوبت دیگر در دهم تیرماه ۱۳۸۸ تلفنی با احسان (که برای شرکت در مراسم جشن عروسی برادر همسرش به ایران آمده بود) و همسر صحبت کردم.

روز ۱۳۸۸/۴/۱۶ به بازداشتگاه ۲۰۹ منتقل شدم. بازداشت‌های گسترده در روزهای پس از برگزاری انتخابات نشان می‌داد فضای سیاسی کشور چه اندازه سنگین، امنیتی و ملتهب است. در داخل زندان هم تحمل شرایط بسیار سخت شده بود. در روزهای ۲۱ و ۲۳ تیر بازجویی در هواخوری زندان ۲۰۹ ادامه یافت. در روز ۲۱ تیر از بازجو خواستم اجازه دهد مدیر یا مدیران ایشان را ببینم. دو روز بعد بازجو گفت اتفاقاً آقای جوادی هم علاقه داشتند با شما دیدار کنند اما امروز برای ایشان کار اضطراری پیش آمد و نتوانستند بیایند. تا اینکه پیش از ظهر ۲۵ تیر با آقایان جوادی و مهدوی در یکی از اتاق‌های بازجویی دیدار کردم. آقای جوادی لباس بسیار زیبا و فاخری به تن داشت اما لباس آقای مهدوی کاپشن و کفش کتانی معمولی بود. سر و وضع من هم خیلی مرتب نبود چون از زمان اصلاح سر و صورتم بیش از یک‌ماه گذشته بود. در نتیجه با لباس زندان، موهای ژولیده و ریش بلند خدمت آقایان ظاهر شدم. در این دیدار که از ساعت ۱۱ و نیم صبح شروع شد و تا دو و نیم بعدازظهر به طول انجامید، فقط من و آقای جوادی صحبت کردیم و آقای مهدوی فقط می‌شنید و احتمالاً صحبت‌ها ضبط می‌شد! ابتدا پرسیدم: چرا مرا بازداشت کردید؟

آقای جوادی گفت: در اوضاع ملتهب کنونی برای حفظ جان شما هایلیم شما از درون نهضت آزادی هجرت کنید و با چهره جدیدی در جامعه حضور یابید! موقعی که احساس می‌کنید داخل کفش شما سنگی است، برای آنکه بتوانید به راه خود ادامه دهید بایستی سنگ را از کفش خودتان خارج کنید!

گفتم: در سال ۱۳۸۳ که شما و آقای مهدوی با قرار قبلی به منزل من آمدید و با هم صحبت کردیم گفتید که با شما مسئله‌ای نداریم! حالا چه اتفاق جدیدی رخ داده که مرا بازداشت کردید؟

جوادی: ما به این جمع‌بندی رسیده‌ایم که فعالیت‌های نهضت آزادی بایستی متوقف شود زیرا شما روی ذهن و رفتار دانشجویان و احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلب تأثیرگذار هستید! خودتان هم باید متوجه شده باشید که در حال حاضر چهار دستگاه اطلاعاتی (وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران، نیروی انتظامی و قوه قضاییه) به طور موازی کلیه اقدامات شما را زیر نظر دارند. ضمن آنکه برای توقف فعالیت نهضت آزادی ما از تمام ابزارهای فشار مثل فشار بر خانواده، کسب و کار و ... استفاده می‌کنیم و هرگز شما را به حال خود رها نخواهیم کرد!

گفتم: همان‌طور که می‌دانید در مدت سه دهه گذشته نهضت آزادی همواره بر فعالیت‌های علنی، مسالمت‌آمیز و در چارچوب قانون کشور تأکید داشته و جز اظهار نظر مشفقانه و آگاهی‌دادن به مسئولان و مردم و انجام فریضه‌های معروف و نهی از منکر اقدامی انجام نداده است. بنابراین نهضت آزادی ایران برای نظام و حاکمیت فرصت است، نه تهدید. با این وصف اگر هدف شما همچنان توقف فعالیت‌های نهضت آزادی و انحلال آن است، چرا از طریق قانونی اقدام نمی‌کنید؟ برای این کار بهتر است پرونده نهضت آزادی را به دادگاه صالحه ببرید و خواسته خود را مطرح کنید تا مراجع قانونی در این مورد تصمیم‌نهایی را بگیرند. ما هم تابع نظر و تصمیم قانون هستیم؛ هر حکمی که دادگاه صادر کند و نتیجه هر چه باشد تمکین می‌کنیم.

جوادی: پرونده شما در سال ۱۳۸۰ در «دادگاه انقلاب» مطرح شد و دادگاه حکم انحلال نهضت آزادی را صادر کرد!

گفتم: اولاً در سال ۱۳۸۰ هرگز پرونده‌ای تحت عنوان «نهضت آزادی ایران» در دادگاه مطرح نشد و شما به پرونده‌ای اشاره می‌فرمایید که به اعضا و علاقه‌مندان نهضت آزادی مربوط بود. ثانیاً طبق قانون اساسی و قانون احزاب، «دادگاه انقلاب» جهت رسیدگی به احزاب صلاحیت ندارد بلکه مطابق اصل ۱۶۸ قانون اساسی،

پرونده احزاب بایستی در دادگاه عمومی با حضور هئیت منصفه و به طور علنی رسیدگی شود.

جوادی: امکان برگزاری مجدد چنین دادگاهی وجود ندارد! و راه حل پی‌شنه‌ادی شما عملی نیست.

گفتم: راه‌حل قانونی دیگر آن است که «کنگره نهضت آزادی ایران» برگزار شود زیرا کنگره قدرت و اختیار دارد که نهضت آزادی را منحل کند.

جوادی: اگر کنگره برگزار شود آیا شما حاضرید چنین پی‌شنه‌ادی را در کنگره مطرح کنید؟

گفتم: بله!

جوادی: آیا تضمین می‌کنید کنگره به انحلال نهضت آزادی رأی دهد؟

گفتم: خیر؛ من نمی‌توانم رأی کنگره را پیش‌بینی و تضمین کنم.

جمع‌بندی و نتیجه بحث این بود که اگر برای انحلال و توقف فعالیت‌های نهضت آزادی راه‌حل‌های قانونی، عملی و ممکن نباشد، تنها راه حل، تداوم روش‌های غیر قانونی و تشدید فشار خواهد بود. در پایان مذاکرات آقای جوادی گفت: ما قصد نداریم شما را برای مدت طولانی در زندان نگه‌داریم. پس از آن در حالی که به سختی راه می‌رفتم به سلول برگشتم. در بازداشتگاه ۲۰۹ مرا به سلول ۱۲ طبقه اول (هم‌کف) واقع در شمال ساختمان آوردند.

در سلول ۱۱ اعضای خانواده یک روحانی عرب زبان اهل تسنن (احتمالاً م‌قیم خوزستان) بودند. همسر این روحانی نیز در بخش زنان بازداشت بود و گاهی نزد اعضای خانواده می‌آمد. چون اهل تسنن بودند، پسرشان در شبانه‌روز پنج نوبت (صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشاء) اذان می‌گفت و گاهی صدای تلویزیون را هم بلند می‌کردند. از سلول‌های مجاور نیز صدای آقای عیسی سحرخیز و برخی دیگر از بازداشت‌شدگان شنیده می‌شد. شب‌ها (به‌ویژه شب‌های جمعه) صدای بسیار زیبای آقای محمدرضا جلالی‌پور فرزند دکتر حمیدرضا جلالی‌پور (استاد دانشگاه و عضو

جبهه مشارکت) شنیده می‌شد که اشعار و دعای کمیل قرائت می‌کرد. آن‌ها ظاهراً در طبقه دوم و در سوئیت یا بند عمومی بودند.

### و: ملاقات حضوری

آقای مهدوی در همان روز ۲۵ تیر از طریق تلفن هماهنگ کرد تا روز شنبه ۲۷ تیر بتوانم با اعضای خانواده‌ام حضوری ملاقات کنم. این ملاقات در سالن ملاقات واقع در زیرزمین زندان انجام شد و پس از ۳۳ روز قطع ارتباط با اعضای خانواده و دوری از جامعه، همسر (مینا خانم)، دخترانم (الهام و لیلا)، دامادم (مهندس فرید طاهری) و فرزندان او (ثمین و امین) توانسته بودند به ملاقاتم در زندان بیایند و از این طریق در جریان مسائل جاری قرار گرفتم. دخترم (دکتر سارا (الهام)) برای معاینه دندان‌هایم و سائلی را با سختی همراه خودش آورده بود و توصیه‌های پزشکی خوبی کرد.

پس از پایان ملاقات حضوری، همراه با آقای مهدوی پیاده از محل سالن ملاقات تا بازداشتگاه ۲۰۹ برگشتم. ایشان در خصوص برنامه‌های نضت آزادی در سال ۱۳۴۴ و ابهاماتی که در مورد آقای دکتر یزدی داشت پرسش‌هایی را مطرح کرد؛ از جمله پرسید چرا دکتر چمران در لبنان ماند اما آقای دکتر یزدی به آمریکا برگشت؟ که به تفصیل برایش توضیح دادم که پس از توقف برنامه آموزش نظامی در مصر، همه برگشتند. شهید دکتر چمران نیز به آمریکا رفت و در آنجا به فعالیت‌های اجتماعی ادامه می‌داد تا اینکه امام موسی صدر در دیداری با مرحوم مهندس بازرگان از ایشان برای اداره مدرسه فنی شهر صور در جنوب لبنان کمک خواست. مهندس بازرگان هم دکتر چمران را به ایشان معرفی کرد. البته امام موسی صدر با شناخت قبلی خود از دکتر چمران، این پیشنهاد را پیگیری کردند و در نتیجه دکتر چمران بار دیگر به لبنان برگشت و...

روز دوشنبه پنجم مرداد به طور غیرمنتظره همسر (مینا خانم) و دخترانم (الهام خانم و لیلا خانم) برای ملاقات به زندان آمده بودند و توانستم به شکل غیر حضوری

(کابینی) با خانواده ملاقات کنم. همان روز اعضای خانواده آقای عمادالدین باقی و عماد بهادر هم برای ملاقات آمده بودند که از فاصله دور آنها را دیدم.

### ز: دیدار با رئیس بازداشتگاه

سه‌شنبه ۸۸/۵/۶ تقریباً ساعت چهارونیم بعدازظهر رئیس بازداشتگاه به سلول آمد و به من گفت: قرار است شما از زندان مرخص شوید. به ایشان گفتم: چنانچه موافق باشید پیش از آزادی مایلم چند دقیقه شما رو ببینم. گفت: بسیار خوب. خبر می‌دهم. ساعت ۶ بعدازظهر مرا صدا زدند و نزدیک نیم‌ساعت در دفتر رئیس بازداشتگاه که در طبقه زیرزمین زندان ۲۰۹ واقع بود، با ایشان صحبت کردم و به ایشان گفتم: باید دو نکته را با شما در میان بگذارم؛ اول اینکه در مدت ۴۳ روز اقامتم در سلول‌های انفرادی ۲۴۰ و ۲۰۹ به لحاظ نظم مدیریتی و تأمین و سائل بهداشتی زندانیان و سرکشی‌های مرتبی که همکاران شما در سلول‌ها داشته‌اند؛ بهرغم حضور گسترده بازداشتی‌های این ایام باید از مدیریت شما تشکر کنم. دوم اینکه توجه شما را به این نکته جلب می‌کنم که استفاده از چشم‌بند برای زندانیان، خلاف قانون و دون شأن و منزلت انسانی آنان است. ضمن آنکه سلول انفرادی از یادگارهای دوران قرون وسطی و در حکم شکنجه او و خلاف قانون است. پس از شنیدن توضیحات من در مورد سابقه تاریخی استفاده از چشم‌بند و سلول انفرادی، اظهار داشت: این موارد را قبول دارم اما شخصاً اختیاری ندارم! در پایان صحبت پیشنهاد کردم دیوار بین سلول‌های انفرادی را بردارند و مشکل تطهیر توالت فرنگی داخل سلول‌های ۲۴۰ را نیز بر طرف کنند. سپس رئیس زندان مرا تا بخش تعویض لباس در بیرون ساختمان ۲۰۹ که چشم‌بند نداشتم مشایعت کرد. در آنجا و سائل شخصی را تحویل دادند و پس از انگشت‌نگاری و در دست داشتن برگه آزادی از درب اصلی زندان اوین خارج شدم. همسر و دخترم (الهام خانم) در بیرون زندان منتظر من بودند. ساعت ۹ شب به منزل رسیدیم در حالی که جمعی از دوستان و اقوام منتظر ما بودند.

قابل توجه اینکه دقیقاً یک هفته پس از آزادی من از زندان تهدید اول آقای جوادی اتفاق افتاد و در روز سه‌شنبه ۸۸/۵/۱۳ هم‌سرم در حالی که از سمت غرب خیابان دکتر شریعتی به طرف شرق آن و خیابان قبا می‌آمد موتورسیکلت سنگینی به ایشان برخورد کرد و روی جدول وسط خیابان پرت شد. موتورسوار مسئول اطلاعات ساختمان برج مریم در میدان محسنی بود. در اثر این اتفاق، هم‌سرم ابتدا توسط اورژانس به بیمارستان ایران‌مهر منتقل شد. اما با توجه به وخامت حال ایشان و هماهنگی به عمل آمده توسط دکتر اسماعیل یزدی به بیمارستان پارس منتقل شد و در آنجا بلافاصله با حضور تیم پزشکی قوی، تحت عمل جراحی قرار گرفت و نهایتاً در شرایط بحرانی یکی از کلیه‌های خود را از دست داد. قابل توجه است که پرونده حادثه که در کلانتری قل‌هک تشکیل شده بود برای جلب رضایت هم‌سرم مرتب با مراجعه به منزل پیگیری می‌شد در حالی که ایشان در وضعیتی نبودند که رضایت دهند. نهایتاً با توجه به ابهامات چنین پیگیری‌های غیر متعارف و به‌ویژه که در بازداشت اخیر از چنین تهدیدی صحبت شده بود، با این امید که بار دیگر چنین حوادثی برای سایر اعضای خانواده پیش نیاید، علیرغم میل قلبی و با آکراه متن گزارش ارسالی از کلانتری را امضا کرده و از شکایت صرف‌نظر شد. گرچه پرونده این حادثه بسته شد و اجباراً از پیگیری آن خودداری کردیم اما در واقع از آن زمان هم‌سرم و خانواده همچنان با پیامدهای تلخ این حادثه دست به گریبان هستیم.

### ح: بازداشت اعضای خانواده

در روز عاشورای ۱۳۸۸ (یکشنبه ۶ دی ماه) دامادم (آقای مهندس فرید طاهری) همراه با همسرش (دکتر سارا توسلی) و فرزندشان (ثمین طاهری) و دختر دی‌گرم (مهندس لیلا توسلی) پس از حضور در برنامه عاشورای نهضت آزادی در منزل آقای مهندس صباغیان در اجتماع ظهر عاشورا در میدان ولی‌عصر شرکت کردند اما ساعتی بعد با مشاهده التهابات و به‌خشونت کشیده شدن اعتراضات و بروز برخوردهای خشن مأموران نسبت به مردم؛ به‌ویژه موقعی که ماشین نیروی انتظامی یک شهروند را

زیرگرفت،<sup>۱</sup> به قدری ملتهب و متأثر شدند که بلافاصله محل را ترک کرده و به منزل بازگشتند. غروب عاشورا مهندس فرید طاهری، سارا و لیلا توسلی پس از اطلاع یافتن از شهادت خواهرزاده مهندس موسوی، برای آرامش و تسلی خاطر خانواده شهید موسوی به منزل آن مرحوم رفتند و پس از تسلیت گویی و توقیفی کوتاه به منزل بازگشتند. تا اینکه چند ساعت بعد و در نیمه شب عاشورا در حالی که پا سی از شب گذشته بود، شش مأمور مرد وزارت اطلاعات در ساعت یک و نیم با همداد دو شنبه هفتم دی ۱۳۸۸ با در دست داشتن فتوکی حکم عمومی معاونت امنیتی دادستانی که برای دستگیری هر کسی که مشکوک تشخیص می‌دادند به منزل آمدند تا دخترم (مهندس لیلا توسلی) را دستگیر و بازداشت کنند. مأموران بهر غم مشاهده نگرانی شدید مادر بیمارش و نیز پیشنهاد و اصرار اینجانب که خودمان او را ساعت ۸ صبح به هر جایی که بفرمایید، می‌آوریم و تحویل خواهیم داد، ایشان را همراه خود بردند؛ حتی از مأموران خواهش کردم اجازه دهند لااقل با او همراه باشیم اما موافقت نکردند. لحظاتی پیش از آن دایی دخیترم (دکتر ابراهیم یزدی دبیر کل نهضت آزادی ایران) را نیز در منزل بازداشت کرده بودند. لیلا توسلی پس از تحمل ۵۸ روز بازداشت در بند ۲۰۹ اوین سرانجام روز چهارم اسفند ماه با وثیقه ملکی از زندان آزاد گردید.

چند روز بعد، در ۱۳ دی ۱۳۸۸ دختر دیگرم دکتر سارا توسلی (عضو هیأت علمی دانشگاه) که همراه برخی از اعضای شورای مرکزی نهضت آزادی ایران به دفتر پیگیری‌های وزارت اطلاعات احضار شده بود، بازداشت گردید و او نیز پس از تحمل ۵۰ روز بازداشت در زندان ۲۰۹ اوین به قید کفالت آزاد گردید. گفتنی است سارا توسلی به اتهام حضور در اعتراضات روز عاشورا و همچنین حضور در منزل شهید موسوی برای ابراز تسلیت به خانواده آن شهید در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به شش سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد و قاضی پیرعباسی بدون توجه به موقعیت

۱. دخترم لیلا که در روز عاشورای آن سال صحنه قتل فجیع جوانی به نام فرحزاده توسط مأموران انتظامی را دیده و کاملاً متأثر بود، همان شب در مصاحبه با B.B.C. مشاهدات خودش را بازگو کرد که چگونه خودرو مأموران انتظامی یک معترض را با ماشین زیر گرفت و دوبار از روی پیکرش عبور کرد.



اجتماعی و علمی او چنین حکم سنگینی را صادر کرد که موجب بهت و حیرت همگان شده بود.

در روز ۲۷ دی ۱۳۸۸ مهندس محمدفرید طاهری (عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران) نیز پس از احضار به دفتر پیگیری‌های وزارت اطلاعات، بازداشت شد. فرید طاهری پس از گذشت سه ماه تحمل بازداشت، سرانجام در نیمه فروردین ۱۳۸۹ به اتهام عضویت در نهضت آزادی ایران و حضور در تجمعات اعتراضی بعد از انتخابات، محاکمه و در دادگاه بدوی به سه سال زندان محکوم شد و پس از هفتی از بند ۲۰۹ به بند ۳۵۰ اوین منتقل گردید. به علاوه نیروهای امنیتی در تماس با بنده خواستار معرفی ثمین طاهری فرزند ۱۶ ساله سارا توسلی و فرید طاهری به وزارت اطلاعات شدند و دلیل آن را هم همراهی وی با والدینش در اعتراضات بعد از انتخابات عنوان کردند. اما خانواده در غیاب والدین وی که در بازداشت بودند تصمیم می‌گیرند به این خواسته غیرقانونی تمکین نکنند.

در مدت دو ماه پس از انتخابات ۱۳۸۸، صدور احکام غیر قابل باور برای دستگیرشدگان اعتراضات به نتایج انتخابات به رویه هدفمندی در قوه قضاییه تبدیل شده بود؛ به نحوی که اکثر صاحب نظران عقیده داشتند چنین احکام شداد و غلاظ و بی‌تناسبی تنها با هدف ارعاب مردم به ویژه فعالان سیاسی و همچنین وارد آوردن فشار بر خانواده فعالان سیاسی صادر شده و احکامی نظیر آنچه برای دکتر سارا توسلی صادر شده بود گویای این واقعیت بود که دامنه این ارعاب، سایر اقشار اجتماعی را نیز در بر گیرد. پیام اولیه صدور چنین احکامی این بود که کلیه معترضان حاکمیت بدانند حتی حضور کمرنگ و حاشیه‌ای در تظاهرات اعتراضی مستلزم پرداخت هزینه بالایی است و موقعیت شغلی، شخصیت و شأن اجتماعی افراد نیز هیچ‌گونه تأثیر پیاپی در وضعیت آنها پدید نمی‌آورد و چه بسا برای ارعاب دیگران لازم است استادان دانشگاه، هنرمندان و سایر گروه‌های مرجع اجتماعی شدیدتر مجازات شوند و احکام سنگین‌تری به آنان تعلق بگیرد.



فصل پانزدهم:

نامه ۱۴۳ امضایی و باز هم حبس (۱۳۹۰)



### الف: انسداد فضای سیاسی و نوشتن نامه به محمد خاتمی

مجموع رفتارهای نهادهای اطلاعاتی و امنیتی در انتخابات ۱۳۸۸ در بی توجهی و دهن کجی نسبت به آراء بخش عمده‌ای از مردم و ضرب و جرح و کشتار شماری از معترضان و بازداشت و حبس فعالان اصلاح طلب و متعاقب آن سرکوب جنبش سبز ضمن آنکه برای حاکمان جمهوری اسلامی هزینه‌های هنگفتی به بار آورد، عموم مردم را به نحو بی سابقه‌ای با یأس و سرخوردگی نسبت به حاکمیت مواجه ساخت. مهم‌ترین پیامد این سرکوب‌ها، ناامیدی طبقات و اقشار مختلف مردم نسبت به نقش خود در انتخابات و تعیین کارگزاران کشور بود.

موضوع نامه ۱۴۳ امضایی خطاب به آقای سیدمحمد خاتمی در [آبان] ۱۳۹۰، حمایت از مواضع ایشان برای تأمین شرایط حضور حداکثری مردم در انتخابات آتی مجلس شورای اسلامی بود. در آن زمان انگیزه بنده برای امضای این نامه احساس مسئولیت نسبت به روند مدیریت اجرایی کشور در دولت گذشته بود تا مجلسی قوی و کارآمد روی کار آید و بتواند از قانون و حقوق ملت پاسداری کند. زیرا طبق گزارش‌های مسئولان دولت یازدهم، نحوه عملکرد نادرست دولت یازدهم، پیامد و ابعاد فاجعه‌آمیز آن در عرصه داخلی و جهانی به‌طور رسمی مطرح بود. بنابراین هدف از تهیه آن یادداشت، در صورت موافقت مسئولان نظام با پیشنهاد آقای خاتمی، تأکید بر ضرورت حضور حداکثری مردم در انتخابات از طریق فراهم کردن حقوق مردم در

انتخابات یعنی «حق الناس» بود که در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸، مقام رهبری نیز بر آن تأکید داشتند. پیامد طبیعی آن یادداشت اگر ارائه می شد ارتقای امنیت ملی و تقویت نظام بود نه تخطئه آن. در حالی که انتشار این نامه بهانه دیگری به دست دولت و مجموع اقتدارگرایان داد و آنها صدور این بیانیه را احیای جسد فتنه ۱۳۸۸ و براندازی نظام و برهم ریختگی امنیت اجتماعی دانسته و با تحریف واقعیت اعلام کردند تاکنون حداقل ۳۰ تن از افرادی که اسامی و امضای آنها ذیل این بیانیه قرار گرفته به طور مکتوب یا در گفت و گوهایی این موضوع را تکذیب کرده اند.

### ب: نسبت دادن اتهام بی اساس

از همه عجیب تر و غیر قابل باورتر، وارد کردن اتهام جعل امضا برایم بسیار سنگین و دردناک و اسفناک بود. آقایان مرا متهم کرده بودند که بدون اجازه دوستان، امضای آنان را در ذیل نامه ۱۴۳ امضایی جعل کرده ام و آنها بعد از اطلاع یافتن از جریان محتوای نامه، خود را بی اطلاع اعلام کرده و علیه من به دادگاه شکایت کرده اند! در حالی که چنین چیزی واقعیت نداشت و هیچ کسی از من شکایت نکرده بود و شاکی ای نبود. به رغم تهدیدهای حضوری و تلفنی، هیچ کدام از امضاکنندگان نامه حاضر نشدند امضای خود را تکذیب کنند. با این وصف بنده را در شرایط سنی و جسمی خاص، به مدت ۶/۵ ماه در سلول های بازداشتگاه ۲۰۹ وزارت اطلاعات در زندان اوین حبس کردند که بخشی از مسائل و مشکلات و برخوردهای غیر قانونی و غیر اخلاقی بازجویان در این دوره را در نامه ای خطاب به رئیس محترم قوه قضاییه آورده و برای اطلاع رئیس و قضات دادگاه تجدید نظر استان تهران، رونوشت نامه را به دادگاه تقدیم کردم.

### ج: مأموران در منزل

ساعت ۹ صبح ۱۲ آبان ۱۳۹۰ (پنجشنبه) تازه از خواب بیدار شده بودم که تلفن منزل زنگ خورد. دخترم (لیلا) گوشی را برداشت. پشت خط پرسیدند: آقای مهندس منزل هستند؟

همین که دخترم پرسید: جنابعالی؟ تلفن قطع شد!

چند دقیقه بعد زنگ منزل به صدا درآمد. این بار دختر دیگرم (الهام) گوشی را برداشت. گفتند: از دادگاه انقلاب هستیم و نامه سفارشی داریم! دخترم گفته بود: اجازه دهید به پدر اطلاع دهم تا آماده شوند. چند لحظه بعد در حالی که با لباس منزل بودم، جمعی وارد حال شدند و حکم دادگاه انقلاب صادر شده از شعبه ۶ دادرسی انقلاب (شهید مقدس) را به من نشان دادند.

پرسیدم: چه ضرورتی داشت حکم بازداشت و تفتیش منزل صادر شود؟

گفتند: قاضی کشیک آن را امضا کرده است!

موقعی که تیم عملیاتی وارد منزل شدند اولین سخن آنها این بود که «خانم‌شان جلو نیایند!» و ظاهراً از وضعیت جسمی و روحی همسرم پس از تصادف مشکوک در ۱۳ مرداد ۱۳۸۸ (درست یک هفته پس از آزادی من از زندان) آگاه بودند. همسرم و سایر اعضای خانواده در آشپزخانه منزل مستقر شدند.

مدیر تیم عملیاتی پشت میز من نشست و به بازرسی کشورهای میز پرداخت. همکاران او نیز اوراق آرشیو سیاسی مرا زیر و رو و همه را جمع‌آوری کردند. پس از مدتی آقای مهدوی (مسئول میز نهضت در وزارت اطلاعات) وارد شد و بلافاصله مدیر تیم عملیاتی از پشت میز اتاقم بلند شد و رفت و آقای مهدوی جای او نشست! موقعی که آقای مهدوی وارد منزل شد پاکتی را از جیبش درآورد و گفت «ا هداد غیبی

۱. این در حالی بود که چند ساعت پیش از آن برخی رسانه‌ها خبر بازداشت اینجانب را به اتهام «تقلب و جعل امضای افراد» منتشر کرده بودند که جزئیات آن را برای رسیدگی در نامه مورخ ۹۱/۴/۲۵ به رئیس محترم قوه قضاییه ارسال کردم.

است!« بعداً معلوم شد حاج آقا محدث (همکار آقای مهندس صباغیان) همزمان به منزل ما آمده بودند تا پاکتی را از سوی ایشان به من بدهند. آقای مهدوی گفته بود پاکت را بدهید من خودم به ایشان می‌دهم! و به این ترتیب پاکت را از ایشان گرفته بود.

تیم عملیاتی تمام آرشیو سیاسی و پرونده‌های اجتهامی دفترم (شامل پرونده‌های انجمن اسلامی مهندسين، مجتمع نیکوکاری رعد، شرکت انتشارات قلم، شرکت سهامی انتشارات، انجمن دفاع از زندانیان و...) که حجم آنها دو کارتن بزرگ می‌شد و همچنین وسائل شخصی شامل کامپیوتر (نوت‌بوک)، تلفن همراه و دو تلفن همراه مستعمل دیگر، کارت ملی و کارت‌های بانکی و همچنین دوربین خانوادگی و... را صورت‌جلسه کرده و با خود بردند و از تحویل نسخه‌ای از صورت‌جلسه به من خودداری کردند.<sup>۱</sup>

دخترانم (لیلا و الهام) ساک مرا آماده کردند و تقریباً ساعت ۱۱ صبح همراه تیم عملیاتی به طرف اوین حرکت کردیم. خوشبختانه دخترانم و هم‌سرم روحیه بسیار خوبی داشتند و با قوت قلب منزل را ترک کردم.

۱. چند ماه بعد در ۱۳۹۱/۴/۱۰ با ارسال نامه‌ای به آقای جعفری دولت‌آبادی (دادستان تهران) چنین نوشتم: به طوری که استحضار دارید، اینجانب به اتهام امضای نامه به رئیس‌جمهور سابق کشور روز ۱۲ آبان ۹۰ بازداشت شدم. در آن روز مأموران با حضور و هدایت کارشناس محترم پرونده، دوربین و لپ‌تاب خانوادگی و همچنین گوشی‌های همراه و تعدادی کارت بانکی و کارت ملی اینجانب را که به طور مشخص صورت‌جلسه شده و همچنین مجموع آرشیو شخصی اینجانب شامل یادداشت‌ها و فیش‌های مطالعات قرآنی محتوی دو جعبه را با خود بردند. به رغم تأکید خانواده که داخل دوربین عکس‌های خانوادگی است و دادن قول که فقط خواهران آنها را ملاحظه می‌کنند و عودت خواهند داد و به‌رغم پیگیری‌های به‌عمل آمده تا کنون هیچ یک تحویل نگردیده است. با توجه به مراتب بالا خواهشمند است مقرر فرمایید نسبت به عودت و تحویل موارد صورت‌جلسه شده و همچنین یادداشت‌ها و مطالعات قرآنی شخصی اینجانب اقدام نمایند. با تشکر و احترام محمد توسلی



**د: در بازداشتگاه ۲۰۹ اوین**

تیم عملیاتی مرا تحویل بازداشتگاه دادند. در اتافک مقابل ۲۰۹ هامور قدیمی که مرا می‌شناخت لباس‌ها و لوازم شخصی مرا تحویل گرفت و فقط لباس زندان و دم‌پایی و البته «چشم‌بند» به من داد. طبق معمول عکس گرفتند و انگشت‌نگاری کردند. سپس برای تشکیل پرونده به بهداری زندان هدایت شدم و پرونده پزشکی و سوابق کامل شد. در مراحل بعد مطلع شدم که دکتر بهداری ۲۰۹ از بند آمده و ظاهراً ۶ ماه در بازداشت بود. مرا شناخت و انتظار داشت که من هم او را بجا بیاورم، اما هرچه فکر کردم چیزی به یاد نیاوردم. مرا به سلول ۵۳ بردند. در این شرایط خود را برای یکبار دیگر تحمل زندان آماده و با توجه به تجربیات گذشته برنامهریزی کردم. ۲۸ روز در سلول ۵۳ (سلول بزرگ) و سپس ۴ روز در سلول ۷۱ (سلول کوچک) به صورت انفرادی حبس بودم. سپس از ۹۰/۹/۱۳ مرا به سلول ۹۲ (سلول بزرگ) منتقل کردند و پس از سه ماه در ۹۰/۱۲/۱۰ به سلول ۴۲ منتقل کردند. نهایتاً پس از تقریباً دو ماه و نیم، روز دوشنبه ۹۱/۲/۲۵ ساعت ۱۰/۳۰ شب آزاد شدم. این نوبت بازداشت تقریباً ۶/۵ ماه و جمعیاً ۱۹۴ روز طول کشید.

**ه: بازجویی‌ها و بازپرسی‌ها**

بلافاصله روز جمعه ۹۰/۸/۱۳ مرا برای بازجویی صدا کردند. آقای مهدوی خواست بازجویی را شروع کند. به او گفتم: همه می‌دانیم که بازپرس‌ها و دادگاه‌ها در اختیار شما هستند ولی توصیه می‌کنم لااقل ظاهر امر را حفظ کنید و ابتدا تفهیم اتهام بشوم تا سؤالات مربوط به اتهامات تفهیم شده و جواب بدهم. پیشنهاد رعایت قانون را پذیرفت و روز شنبه ۹۰/۹/۱۴ مرا برای بازپرسی صدا کردند. در شعبه ۶ بازپرسی رئیس شعبه و معاونت دادستان تهران (آقای امیر ناصری) در عین اینکه برخورد خوبی داشت، پرونده‌ای درخصوص نامه ۱۴۳ امضایی خطاب به آقای سیدمحمد خاتمی (رئیس‌جمهور پیشین) و دستخط چند نفر از دوستان در این مورد را نشان داد. وزارت اطلاعات به همین مناسبت تعدادی از دوستان را احضار کرده بود. آقایان دکتر

محمدحسین بنی‌اسدی، مهندس ابوالفضل بازرگان، دکتر غفار فرزندی و مصیب دوانی امضای چنین نامه‌ای را قبول کرده بودند.

به ایشان توضیح دادم هدف ما از امضای این نامه در چارچوب تحلیلی بود که آن زمان داشتیم؛ به این معنی که اگر مسئولان نظام موافقت کنند با آقای خاتمی مذاکره کرده و به پیشنهادات ایشان توجه کنند، حضور حداکثری مردم در انتخابات مجلس نهم را مشاهده خواهیم کرد و این امر موجب ارتقای امنیت ملی خواهد شد. سپس به مصاحبه آقای یونسی (وزیر سابق اطلاعات) که به تازگی در روزنامه‌ها منتشر شده بود اشاره کردم و گفتم ایشان نیز میزان مشارکت مردم در انتخابات را شاخصی برای امنیت ملی کشور دانسته است.

آقای امیر ناصری گفت: این‌گونه اظهارنظرها درخصوص انتخابات جرم نیست و با قرار کفالت مرا آزاد کرد. سپس افزود: در مورد پاکتی که در منزل شما دریافت کرده‌اند می‌خواهند سؤالاتی از شما داشته باشند. توضیح دادم محتوی پاکت ایده‌ای بود که اگر مقامات جمهوری اسلامی با پیشنهاد آقای خاتمی موافقت کنند، بر اساس مواضع نهضت آزادی ایران مقاله‌ای در مورد حضور و مشارکت مردم در انتخابات سه دهه گذشته تهیه و برای مجلات متقاضی مقاله ارسال کنم.

درخصوص تفهیم اتهام که متن آن از قبل آماده شده بود، موضوع عضویت و فعالیت در نهضت آزادی ایران و امضای نامه به آقای خاتمی مطرح شد. در مورد فعالیت نهضت آزادی ایران توضیح دادم که فعالیت نهضت آزادی ایران براساس اصل ۲۶ قانون اساسی و قانون احزاب، قانونی بوده ولی چون پروانه آن صادر نشده، غیررسمی است و وزارت کشور در سال ۱۳۸۰ موضوع قانونی بودن نهضت را به دادگاه انقلاب (که پرونده نهضت آزادی ایران را رسیدگی می‌کرد)، نوشته و تاکنون در هیچ دادگاه صالحه‌ای حکمی مبنی بر غیرقانونی بودن فعالیت نهضت آزادی صادر نشده است. در دیماه سال ۱۳۸۸ متعاقب بازداشت و آزادی من و احضار جمعی از اعضای شورای مرکزی نهضت آزادی به دستور مقامات وزارت اطلاعات و تصویب

شورای مرکزی نهضت آزادی فعالیت‌های نهضت متوقف گردیده است<sup>۱</sup> و هیچ‌گونه فعالیتی به نام نهضت آزادی ایران انجام نشده است. ضمناً مقامات وزارت اطلاعات در جلسه مذکور تصریح کردند که افراد نهضت آزادی به نام و امضای خود می‌توانند فعالیت کنند. در مورد امضای نامه به آقای خاتمی نیز که از سوی دوستان آقای خاتمی پیشنهاد شده بود، تعداد محدودی از امضاها که دوستان در این موارد به بنده اختیار داده بودند پس از مشورت ارائه کرده و دلایل اینکه این اقدام در راستای ارتقای امنیت ملی است توضیح دادم.

#### ه: ۱ - بازجویی ۱۳۹۰/۸/۱۷

روز سه‌شنبه ۹۰/۸/۱۷ ساعت ۱۰ و نیم شب در حالی که هوا بسیار سرد بود و چسبیده به رادیاتور سلول خوابیده بودم، مرا برای بازجویی صدا کردند، در حالی که بعداً مطلع شدم طبق مقررات زندان، بازجویی‌ها باید بین ساعت ۷ تا ۱۰ شب انجام شود؛ مگر در موارد خاص که بعد از ساعت ۱۰ شب بازجویی ضروری باشد، نیاز به مجوز خاص از بازپرس است. بازجو ابتدا در خصوص فرآیند امضای نامه به آقای خاتمی (نامه ۱۴۳ امضایی) را پرسید.

البته با آنکه در وضعیت خاصی بودم و تمرکز لازم را برای بازجویی نداشتم، به سختی توضیح دادم امضای نامه پس از تبادل نظر با آقای دکتر ابراهیم یزدی و آقای مهندس هاشم صباغیان انجام شد و امضای تعداد محدودی از دوستان نیز با مشورت این دوستان انتخاب گردید. در چارچوب مصوبات و مواضع قبلی نهضت آزادی، دوستان این اختیار را به ما داده‌اند که در موارد لازم، از امضای آنان پای اعلامیه‌ها استفاده شود. تفاهم میان دوستان آنقدر شفاف و روشن بوده که به رغم بازداشت‌ها، احضارها و تهدیدهای تلفنی، هیچ‌یک از امضاءکنندگان حاضر نشدند امضای خود را پس بگیرند یا آن را تکذیب کنند.

۱. مأموران وزارت اطلاعات ابتدا مهندس محمد توسلی رئیس دفتر سیاسی نهضت را احضار و ممنوعیت ادامه فعالیت سایت نهضت آزادی و سایت میزان خبر را ابلاغ کردند (بنگرید به اطلاعیه ۲۱۳۱ نهضت آزادی مورخ ۸۸/۹/۱۲). سپس جمعی از اعضای شورای مرکزی را احضار و توقف فعالیت نهضت آزادی را ابلاغ کردند.

بازجو گفت: اگر به آقای خامنه‌ای درخواست عفو بنویسی، همین حالا ترتیبی می‌دهم که آزادت کنند.

پاسخ دادم: کاری خلاف قانون و مصالح ملی انجام نداده‌ام که لازم باشد از کسی درخواست عفو کنم. ضمن آنکه امضای چنین نامه‌ای جزو حقوق شهروندی است که به‌عنوان عمل صالح و در جهت ارتقاء امنیت ملی و حضور حداکثری مردم در انتخابات مجلس پیش‌رو انجام شده است.

بازجو میان صحبت‌های من آمد و پرسید: آیا موقع امضای نامه، فکر نکردید این کار هزینه دارد؟

پاسخ دادم: بله. سپس آیه قرآن در مورد توصیه حضرت لقمان(ع) خطاب به پسرش را برای او تلاوت کردم:

«يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَسَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (لقمان - ۱۷). پسرم نماز به پا دار و به فریضه امر به معروف و نهی از منکر عمل کن و در این راه بر آنچه بر تو از سختی می‌رسد شکیبا باش، که این نشان قدرت اراده است. بدیهی است برای اقامه نماز هزینه‌ای متصور نیست، اما انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر ممکن است هزینه‌ای در پی داشته باشد.

در جلسه بعدی بازجویی که به فاصله سه یا چهار روز انجام شد در مورد پاکتی که در روز بازداشت از راننده آقای مهندس صباغیان گرفته بودند سؤال شد.

توضیح دادم: متن مزبور ایده اولیه مقاله‌ای بود که برای اظهار نظر آقای مهندس صباغیان فرستاده بودم و ایشان نظرات خودشان را طی یادداشتی روی آن اضافه کرده بودند. نسخه مشابهی نیز به آقای دکتر یزدی برای اظهار نظر داده شده بود. هدف بنده تهیه مقاله‌ای بود تا در صورتی که پیشنهادات آقای سیدمحمد خاتمی در خصوص رفع موانع حضور حداکثری مردم در انتخابات مورد پذیرش مقامات جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد، موضع نهضت آزادی در سه دهه گذشته در خصوص نقش و ضرورت حضور و مشارکت مردم در انتخابات مطرح شود. چهارشنبه شب (روز قبل از بازداشت) برای عیادت همسر آقای دکتر یزدی که کسالت داشتند همراه با هم سرم

به دیدن آنان رفتیم. نظر آقای دکتر یزدی را در خصوص متنی که در اختیار ایشان قرار گرفته بود پرسیدم. گفتند: فرصت نکرده‌ام آن را مطالعه کنم، اما مطلع شده‌ام که آقای خاتمی برای پذیرش پیشنهادشان کاملاً مأیوس هستند و زمینه‌ای برای پذیرش آن نیست. بنابراین نوشتن مقاله مورد نظر کاملاً منتفی شده بود.

### ه: ۲ - جلسات بعدی بازجویی

در روزهای ۲۱ و ۲۵ آبان بازجویی عموماً به صورت شفاهی ادامه داشت. روز نهم آذر ماه مرا از سلول ۵۳ به سلول ۷۱ (انفرادی کوچک) منتقل کردند. در این روز (۹۰/۹/۹) نامه‌ای به بازپرس شعبه ۶ و نامه دیگری به دادستان تهران نوشتم و ضمن اعتراض به شرایط نگهداری در سلول انفرادی و محدودیت‌های جسمی درخواست ملاقات و رسیدگی قانونی کردم که البته هیچ‌گونه واکنشی از سوی آنان دریافت نکردم.

در روز ۹۰/۹/۱۰ پس از چند روز کم‌خوابی به علت صدای غیر طبیعی فن‌های بند که ظاهراً برنامه‌ریزی شده بود، مرا برای بازجویی صدا کردند. در این جلسه بازجو همان مطالب جلسات قبل را به‌طور متمرکز و پی در پی تکرار کرد. مواردی که بیشتر به آقای دکتر ابراهیم یزدی، آقای مهدی معتمدی مهر و تعدادی دیگر از اعضا قدیمی و جدید نهضت آزادی مرتبط بود و هیچ موردی به خودم مربوط نبود. می‌گفت: آقای دکتر یزدی جاسوس آمریکاست! در سفری که در سال ۱۳۷۹ هـ همراه خانواده و آقای دکتر یزدی به مالزی داشتید، ایشان با سفارت آمریکا تماس گرفتند و خانم ایشان نیز این دیدار را تایید کرده‌اند! آقای معتمدی مهر نیز جاسوس سفارت انگلیس است! و ما اطلاع داریم که عامل قتل علی طلیعه (برادر همسر آقای دکتر یزدی) است! و .... این‌گونه دروغ‌ها، تهمت‌ها و .... را به‌طور متمرکز تکرار می‌کرد.

او هر بار توضیحات مرا در همه موارد قطع و سپس مورد جدیدی را اضافه می‌کرد. تداوم این وضعیت و شرایط بی‌خوابی چند شب قبل موجب عصبانیت من و بلند شدن صدایم گردید و مسئولان بازداشتگاه هم اعتراض کردند. به تدریج حالت تمرکز من از بین رفت و دیگر قادر به پاسخ گفتن نبودم. در چنین حالتی که

می‌خواست مرا به بهداری زندان ببرد، گفت: «بایستی از سمت رئیس دفتر سیاسی و عضویت نهضت آزادی استعفا دهی و مصاحبه کنی. برو در سلول فکر بکن!»

در بهداری زندان مدتی طول کشید تا دکتر برسد. در این فاصله نوار قلب، فشار خون و آزمایش‌های دیگری انجام دادند. در حالی که روی تخت خوابیده بودم، بدنم از شدت سرما می‌لرزید و مجبور شدند رویم پتو بیندازند. خو شبختانه نوار قلب عارضه قلبی خاصی را نشان نمی‌داد، فشارم هم طبیعی بود. به تشخیص دکتر، استرس شدید عصبی موجب ناراحتی من شده بود که پس از نیم ساعت استراحت در بهداری و گذاشتن قرص زیر زبان به سلول منتقل شدم و پس از چند ساعت خواب به حالت عادی برگشتم.

افزایش فشار و بازجویی در روز دهم آذر و اقدامات صورت گرفته احتمالاً به دلیل منقضی شدن حکم یک‌ماهه بازداشت انفرادی مقام قضایی است. روز یکشنبه ۱۳ آذر مرا به سلول ۹۲ منتقل کردند که همراهی هم در سلول داشتم.

### و: اولین تماس با خانواده

روز پنجشنبه ۱۷ آذر پس از تاسوعا و عاشورا با حضور بازجو اولین تماس تلفنی را با خانواده داشتم. پس از صحبت با همسر و دخترم، بازجو با دخترم (خانم دکتر سارا توسلی) صحبت کرد و به او گفت: انتظار حکم سنگین داشته‌اید و برای دادگاه آزاد نخواهد شد و مثل فرید آقا به زندان خواهد رفت. به علاوه پیام تهدید آمیزی هم برای آقای دکتر ابراهیم یزدی داشت!

در روزهای ۱۲ و ۱۹ دی جلسات بازجویی به صورت شفاهی و با همان سبک قبل ادامه داشت. در جلسه ۱۲ دی بازجو گفت: پرونده شما در قوه قضاییه مطرح و مورد بررسی قرار گرفته است. نظر به اینکه رسیدگی به این پرونده برای نظام هزینه سنگینی دارد، تصمیم گرفته‌اند حکم سال ۱۳۸۰ شما را اجرا کنند. بنابراین شما در حال حاضر حکم سال ۸۰ خودتان را می‌گذرانید. توضیح دادم براساس گزارش آقای سید محمدعلی دادخواه (وکیل پرونده)، پرونده سال ۱۳۸۰ اعضا و علاقه‌مندان نهضت

آزادی ایران پس از رسیدگی با حضور آقای احمدزاده (معاون اجرای احکام دادستان تهران) و دو تن از قضات دادستانی از جمله قاضی صلواتی مشمول مرور زمان شده و آقای احمدزاده این موضوع را روی پرونده مرقوم داشته‌اند. بازجو این گزارش را تکذیب کرد و گفت حکم سال ۸۰ مشمول مرور زمان نشده و در مورد شما اجرا شده است! پاسخ دادم: اگر قرار است حکم سال ۸۰ اجرا شود چرا مرا در این بازداشتگاه نگهداری می‌کنید و مطابق قانون به زندان عمومی منتقل نمی‌کنید؟ گفت: رفتن شما به زندان عمومی برای نظام هزینه دارد و به مصلحت نیست!

در تاریخ ۹۰/۱۰/۱۹ با نوشتن نامه نسبتاً مفصلی برای دادستان تهران ضمن تشریح وضعیت خود و نقل سخنان بازجو، درخواست رسیدگی و در صورت موافقت دیدار حضوری کردم که البته هیچ‌گونه پاسخی دریافت نکردم.

### ز: احضار مجدد برای بازپرسی

روز سه‌شنبه ۱۱ بهمن مرا برای مراجعه به بازپرسی شعبه ۶ دادرسی شهید مقدس احضار کردند. در آنجا آقای امیر ناصری (بازپرس و رئیس دفتر شعبه) حضور داشتند. در مورد دلیل تداوم بازداشت خودم پرسیدم و با ناراحتی گفت: آقای دادستان دستور تشدید و تمدید بازداشت را داده‌اند! گفت به دو سؤال وزارت اطلاعات به عنوان بازپرسی پاسخ دهید! لحن کاملاً مشخص بود که وزارت اطلاعات پرونده را دنبال می‌کند و بازپرس نقشی در رسیدگی به اتهام و طرح سوال ندارد! دو سؤال مربوط به عضویت در نهضت آزادی ایران و امضای نامه به آقای سیدمحمد خاتمی بود که عیناً توضیحات جلسه تفهیم اتهام را نسبتاً مفصل نوشتم.

روز شنبه ۱۵ بهمن مجدداً به بازپرسی احضار شدم. نگاه‌بان همراهم گفت: اگر آشنایی را دیدید سلام و احوالپرسی نکنید. ممکن است افراد خانواده شما باشند.

آقای ایمان میرزازاده داماد و وکیل و دخترم (خانم مهندس لیلا توسلی) وثیقه صد میلیون تومانی را آورده بودند. در اتاق بازپرس با آنان دیدار کردم. این اولین ملاقات حضوری پس از بازداشت بود. بعداً مشخص شد کفالت اولیه زیر فشار بازجو ابتدا به

وثیقه ۵۰ میلیون و سپس به وثیقه ۱۰۰ میلیون تومان افزایش پیدا کرده است. خانواده هم برای روشن شدن وضعیت پرونده اجباراً قبول کرده بودند. در این جلسه دبیر شعبه بازپرسی حکم آزادی مرا صادر کرد و همراه نگهبان به زندان ۲۰۹ آمدیم و به جای آزادی به سلول برگشتم.

درخصوص اجرای احکام سال ۱۳۸۰ در بازداشت سال ۱۳۹۰ که رسیدگی به پرونده امضای نامه به آقای سیدمحمد خاتمی رئیس‌جمهور قبلی کشور در قوه قضاییه به مصلحت دیده نشده بود مرا به استناد حکم سال ۱۳۸۰ حدود ۷ ماه در بازداشتگاه نگهداری کردند!! و نهایتاً با عنوان «مرخصی» آزاد کردند!

ضمناً در این روز همسر و آمنه خانم (همسر پسر آقای مهندس احمد توسلی) که به تازگی از استرالیا به ایران آمده بود به امید ملاقات حضوری به اوین آمده بودند اما به آنها اجازه ملاقات ندادند.

روز ۲۲ بهمن جلسه بازجویی دیگری داشتم که به صورت شفاهی همان هوارد گذشته تکرار شد.

### ح: مرخصی از زندان در اسفند ۱۳۹۰

روز پنجشنبه ۱۸ اسفند از قبل برنامه جشن ازدواج دخترم تنظیم شده بود. با پیگیری خانواده ظاهراً دادستان تهران با دو روز مرخصی من موافقت کرده بود. ساعت دو ونیم بعدازظهر مرا به دفتر اجرای احکام زندان اوین بردند که در طبقه پایین ساختمان ورودی زندان اوین و در مجموعه دادسرای شهید مقدس واقع شده است. آقای خدابخشی مسئول این دفتر گفت: آقای دادستان با مرخصی شما برای شرکت در برنامه ازدواج دخترتان موافقت کرده‌اند.

ظاهر من با ریش بلند و لباس زندان با حاضرین در این دفتر کاملاً جلب توجه می‌کرد. آقای خدابخشی مرا به کنار میز خودش فرا خواند و گفت: تمدید بازداشت شما در زندان ۲۰۹ به دستور وزارت اطلاعات صورت گرفته و من موافق این تمدید نبوده‌ام و در ماه بعد می‌کوشم نشود (نقل به مضمون). در همین حال آقای مهندس



محمد (فرید) طاهری داماد ما که در زندان ۳۵۰ دوره محکومیت سه ساله اش را می‌گذراند، آوردند و مطلع شد او هم قرار است برای شرکت در برنامه عروسی به مرخصی بیاید. مهندس طاهری سر حال بود و چهره طبیعی داشت. نگهبان همراه من اجازه صحبت به ما نداد و ما را از هم جدا کردند. برای مرخصی من از همان سندهایی که در پرونده سال ۱۳۸۰ در وثیقه و به نام خودم بود، استفاده شد. آقای خدابخشی فرم‌های مخصوص وثیقه را پر کرد و به امضای من رساند. در مورد آقای مهندس طاهری قرار شد با کفالت پدرشان به مرخصی بیایند. ما به زندان برگشتیم.

ساعت ۵ بعدازظهر آقای مهدوی (بازجو) مرا صدا کرد و گفت: من شهرستان بودم و برای هماهنگی مرخصی شما به تهران آمدم! آقای مهدوی برگه مرخصی را آورد و ضمن گرفتن امضا و اثر انگشت در ذیل آن از من تعهد گرفت که ساعت ۸ صبح روز شنبه به زندان مراجعت کنم. تقریباً ساعت ۵ و نیم بعدازظهر پس از عوض کردن لباس‌هایم مرا از زندان ۲۰۹ بدون انجام هیچ‌گونه تشریفات با خودرو خود از درب اصلی زندان خارج کرد. اصرار داشت که وسائل در زندان باقی بماند. من بخشی از لباس‌های زیرم که ضرورتاً باید عوض می‌شد را با خود آوردم.

بیرون از درب زندان آقای مهندس اکبر طاهری (پدر فرید آقا) و مادرشان را دیدم که برای ارائه مدارک کفالت به قسمت اجرای احکام زندان آمده بودند. آقای مهدوی به داخل زندان برگشت تا کار فرید آقا را تسهیل کند، چون معلوم نبود کار او چقدر طول خواهد کشید و هوا هم بسیار سرد بود. من پیاده تا بزرگراه چمران رفتم و سپس با تاکسی به منزل آمدم. تقریباً ساعت ۶ و نیم بعدازظهر به منزل رسیدم. پسرانم آقایان احسان و احمد که برای شرکت در این مراسم از آمریکا و استرالیا به ایران آمده بودند در منزل منتظر من بودند. دیدار با همسر و فرزندان و امین و ثمین و عکس‌هایی که با آن حالت ریش بلند زندانی داشتم کاملاً هیجان‌انگیز بود. همه خود را آماده کرده بودند به سالن بروند. من هم بایستی خود را آماده می‌کردم. به آرایشگاه خیابان قبا (آقای امامی) تلفنی هماهنگ کردم و با احسان به آنجا رفتم. در حال اصلاح آقای مهندس صباغیان که با علاقه‌مندی آمدن مرا پیگیری می‌کرد. به دیدنم آمدند و

برخوردها گرم و صمیمی بود. پس از اصلاح و حمام در حالی که همه به طرف سالن حرکت کرده بودند با پسرمان احسان به طرف سالن مراسم در سعادت آباد حرکت کردیم. مسیر شلوغ و ترافیک بسیار سنگین بود. تقریباً ساعت ۹ شب به سالن رسیدیم و با هیجان و استقبال حاضرین روبرو شدیم. از هر حیث شب فراموش نشدنی بود. جالب اینکه کار اجرای احکام آقای مهندس طاهری عملاً طولانی شد و ایشان با لباس زندان، کفش کتانی و کاپشن ساعت ۱۰ شب مستقیماً به سالن هتل وارد شدند. ورود ایشان به سالن نیز با واکنش هیجانی و استقبال حاضرین در سالن روبرو شد که بسیار آموزنده و به یادماندنی بود.

برنامه روز جمعه منزل ما به خاطر دیدارها بسیار فشرده بود به طوری که تا دیر وقت امکان استراحت برایم مقدور نبود. صبح روز شنبه به اتفاق دخترم اجباراً برای انجام تعهدات و کار بانکی به بانکهای نزدیک دفتر کارم در خیابان وزرا مراجعه کردیم و پس از دیدار کوتاه با همکارانم در مهندسین مشاور گذرراه به طرف زندان اوین حرکت کردم. از همان ساعت ۸ صبح آقای مهدوی تلفنی از طریق منزل و دخترم لیلا خانم پیگیری می کرد که چرا به موقع به زندان مراجعت نکرده ام. به ایشان گفته شده بود که حرکت کرده ام و در راه هستم. آقای مهندس طاهری هم که برای تمدید مرخصی خود به دادستانی مراجعه کرده بودند، کارش بی نتیجه بود بنابراین هماهنگ شد و به اتفاق از خیابان ولی عصر به زندان اوین مراجعت کردیم. احمد آقا هم همراه ما بودند و ما را تا جلوی درب زندان مشایعت کردند. پس از خداحافظی از طریق کریدور اجرای احکام، وارد زندان اوین شدیم. چون کارت شناسایی همراه نداشتیم و قیافه من به کلی تغییر کرده بود، آقای خدابخشی با دقت هویت مرا پذیرفت! آقای خدابخشی مسئول اجرای احکام زندان اوین، مکاتبات و نام، صادره را به من نشان داد و گفت: تا یکی دو روز دیگر به بند ۳۵۰ زندان عمومی منتقل می شوید.

نزدیک به ۲ ساعت در اتاق انتظار نگاه داشتند تا نگهبان بند ۲۰۹ بیاید اما نگهبان، آقای مهندس طاهری را زودتر به بند ۳۵۰ برد. قرار شد آقای مهندس طاهری در ملاقات بعدی خود لباس های مناسب زندان را برای بنده نیز از خانواده دریافت

کنند. البته براساس اطلاعات بعدی مطلع شدم که دوستان، تختی نیز برای من آماده کرده و منتظر ورود من به زندان ۳۵۰ بودند.

### ط: تمدید مدت بازداشت در بازداشتگاه ۲۰۹

مطابق اطلاعاتی که بعداً دریافت کردم، اجرای احکام، حکم صادر کرده بود روز ۲۲ اسفند ۱۳۹۰ مرا به زندان عمومی ۳۵۰ منتقل کنند و همان روز افسر نگهبان نیز اشاره‌ای کرده بود. اما بعد از ظهر آن روز بر اساس دستور وزارت اطلاعات، اجرای احکام ابلاغ مجددی در مورد تمدید نگهداری من در بازداشتگاه ۲۰۹ برای یک ماه دیگر را صادر کرد و به این ترتیب تا اردیبهشت ۹۱ در بازداشتگاه ۲۰۹ بودم.

### ی: ارتباط با خانواده

پیش از این اشاره کردم اولین تماس تلفنی با خانواده روز ۱۷ آذر ۱۳۹۰ (۳۶ روز پس از بازداشت) انجام شد. پس از گذشت دو یا سه هفته، ملاقات هر دو هفته یکبار در روزهای پنجشنبه برقرار شد. و نوبت تلفن هفتگی هم دوشنبه‌ها بود. فرصت تلفن هفتگی و ملاقات کابینی هر دو هفته یکبار تنها دریچه ارتباطی من با خارج از سلول بود و بایستی از این فرصت استفاده می‌کردم؛ به‌ویژه در ماه‌های پایانی بعد از مراجعت از مرخصی اسفند و تمدید یک ماه دوره بازداشت در بند ۲۰۹ احساس کردم که لازم است از طریق خانواده بتوانم محدودیت‌های خود را به خارج از زندان منعکس کنم و خانواده با امکانات محدود خودشان موضوع را پیگیری کنند.

وضعیت من در بازداشتگاه ۲۰۹ به‌نحوی برجسته شده بود که افسران نگهبان و حتی برخی از نگهبانان کاملاً دریافته بودند نگهداری من در زندان غیرقانونی است؛ به طوری که علنی اظهار می‌کردند «شما غیر قانونی در اینجا نگهداری می‌شوید و باید از طریق خانواده پیگیری کنید، ما مهماندار شما هستیم و شما مهمان ما» گاهی در پاسخ به اعتراض من می‌گفتند که مشکل شما مسئله انتخابات است، باید صبر کنید انتخابات

مجلس تمام شود. پس از برگزاری انتخابات و تمام شدن ماه اسفند دیگر برای نگهداری من عملاً توجیهی باقی نمانده بود.»

در فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۱ به‌ویژه در هفته‌های پایانی کوشیدم از طریق تلفن و ملاقات کابینی اعتراض خود را به همه منعکس کنم. بدیهی بود مذاکرات تلفنی و ملاقات‌ها ضبط و شنیده می‌شود. خانواده برخی از اظهاراتم در این ملاقات‌ها و مذاکرات تلفنی را در رسانه‌ها منعکس می‌کردند. همین اطلاع‌رسانی‌ها احتمالاً موجب شد که بالاخره در اواخر اردیبهشت ۱۳۹۱ دیگر بازداشت من تمدید نشود. انتقال من به زندان ۳۵۰ نیز به هر علت به مصلحت تشخیص داده نشده بود. ظاهراً با دستور و پیگیری رئیس قوه قضاییه و دیگران، دادستان تهران دستور آزادی مرا به‌عنوان مرخصی صادر کرد.

ساعت ۳ و نیم بعد از ظهر سه‌شنبه ۹۱/۲/۱۹ برای بازجویی مرا صدا کردند که نزدیک به سه ساعت طول کشید. در این بازجویی همان موارد اتهامی گذشته به دوستان (البته با لحن آرام‌تر) مطرح شد. مطابق توصیه قرآن (واصبر علی ما یقولون و اهرهم هجرأ جمیلاً) در یک ساعت اول بازجویی کاملاً سکوت کردم. تازه از خواب بعد از نهار بیدار شده بودم و با خود برخی از آیات قرآن (لا حول ولا قوه الا بالله) را زمزمه می‌کردم که بازجو آمده و مقابل من نشست. به تدریج مواضع گذشته خودم در مورد پایبندی به اصول و آرمان‌های اولیه انقلاب، مصالح و منافع ملی، التزام به قانون اساسی و ... را برایش تکرار کردم. درخواست او هم در مورد تبری جستن از گذشته نهضت آزادی و کنار گذاشتن فعالیت سیاسی بود. در آخر هم گفت: می‌خواهم برایت درخواست مرخصی کنم، بیشتر فکر بکن، دوباره می‌آیم...

ساعت یک بعد از ظهر شنبه ۹۱/۲/۲۳ دوباره برای بازجویی مرا صدا کردند و تقریباً سه ساعت به طول انجامید. از قبل اتفاق بازجویی مرتب شده و صندلی متهم را روبروی میز بازجو قرار داده و ظاهراً اتفاق ضبط صدا (یا تصویر) بود. به تفصیل در مورد سوابق و خدمات مبارزاتی و شغلی من و سلامت افراد خانواده و حسن نیت او در مورد افراد خانواده و رفتار انسانی با الهام خانم و لیلا خانم در دوران بازداشت

سخن گفت و اینکه فرزند شما (احسان) در بلاد کفر به نماز جمعه می‌رود، هم سر و دختران شما حجاب کامل دارند. همچنین به خدمات پدر بزرگ (مرحوم حاج آقا میر هوشی سادات) اشاره کرد و از مادرم با عنوان سید جلیل‌القدر و خانواده شهید (مجید توسلی) یاد کرد. در بخش دیگری به اقدامات خلاف قانون و اخلاق دو ستان نهضتی به‌ویژه آقای دکتر یزدی و آقای مهدی معتمدی مهر پرداخت؛ به‌ویژه در خصوص آقای معتمدی به تفصیل سخن می‌گفت و اتهامات سنگینی در مورد او مطرح می‌کرد! با سخن عمومی من این بود که اگر هم اتهامات انتسابی شما درست باشد، صحبت کردن در این موارد برای من حکم غیبت دارد. این مطالب را باید فقط در حضور خودشان مطرح کنید! ضمن اینکه با شناختی که از آنان دارم، چنین اتهاماتی برای من قابل فهم و قبول نیست و هر کسی پاسخگوی اعمال و عملکرد خودش است. پس از صحبتی طولانی بازجو خواست که مطالب جلسه قبل را مکتوب کنم.

پاسخ دادم: بیش از مطالبی که در بازپرسی‌ها و اولین جلسه بازجویی گفته‌ام و در جلسات بعدی نیز تکرار کرده‌ام، مطلب جدیدی ندارم. بازجو اصرار کرد که مقامات وزارت اطلاعات خواسته‌اند که بنویسید تا بتوانیم مرخصی شما را پیگیری کنیم. از این رو متنی با مضمون زیر را روی یک صفحه بازجویی نوشتم.

«باسمه تعالی ۱۳۹۱/۲/۲۳ همان‌گونه که در مراحل بازپرسی و بازجویی تصریح کرده‌ام در سال ۱۳۸۸ به دستور مقامات وزارت اطلاعات و متعاقب آن تصویب شورای مرکزی نهضت آزادی ایران، کلیه فعالیت‌های نهضت آزادی ایران متوقف گردید و بر این اساس از آن تاریخ اینجانب هیچ‌گونه فعالیتی به نام نهضت آزادی ایران نداشته و نخواهم داشت. بدیهی است این منع شامل اقدامات شخصی (که بر پایه اصل هشتم قانون اساسی استوار است) و نیز فریضه الهی امر به معروف و نهی از منکر (که در آیات محکم قرآنی و سخنان پیامبر اسلام (ص) و سخنان ائمه (علیهم‌السلام) مورد تأکید قرار گرفته و در راستای مصالح و منافع ملی و التزام به قانون اساسی صورت خواهد گرفت)، نخواهد شد.»

در فضای گفت‌وگویی که پدید آمده بود از بازجو خواستم تا خارج از بحث نوشته و مطالب رسمی به محورهای عملکرد خودشان در این مدت برای پاسخگویی پیش خدای متعال توجه کند. سپس با اشاره به خلاصه سوابق بازداشت خودم خطاب به او چنین گفتم:

«شما به بهانه امضای نامه‌ای به رئیس‌جمهور پیشین کشور مرا بازداشت کردید. (۹۰/۸/۱۲) بازپرس در جلسه تفهیم اتهام (۹۰/۲/۱۴) پرونده ارسالی شما برای گرفتن مجوز بازداشت مرا که شامل دستنوشته دوستان احضار شده را نشان داد و خواند و با آنکه همه آنها (دکتر بنی‌اسدی، مهندس ابوالفضل بازرگان، دکتر فرزندی، مصیب دوانی و ...) مسئولیت امضای خودشان را پذیرفتند، همزمان با بازداشت من در روز پنجشنبه ساعت ۹ صبح، خبرگزاری‌های فارس و رجانیز خبری با عنوان «محمد توسلی به اتهام جعل امضاء بازداشت شد» را منتشر کردند. در حالی که شما در بازپرسی و بازجویی به چنین اتهامی اشاره نکردید. پرسش این است که چه کسی خبر جعل را به خبرگزاری‌ها داد؟ اگر گذاشتن امضاء زیر نامه مزبور مصداق جعل بود و جرم محسوب می‌شد، بایستی در مدت حداکثر یک هفته پرونده به قوه قضاییه می‌رفت و رسیدگی می‌شد. چرا بازداشت من سه ماه طول کشید و نهایتاً قرار کفالت اولیه به تدریج به سند و وثیقه یکصد میلیون تومانی تبدیل شد و بازپرس شعبه ۶ (آقای امیر ناصری) در ۱۵ بهمن ۱۳۹۰ حکم آزادی را صادر کرد؟ شما خودتان در جلسه بازجویی مورخ ۹۰/۱۰/۱۲ به من گفتید که پرونده در قوه قضاییه بررسی شده و رسیدگی به آن برای نظام هزینه سنگینی دارد؛ لذا قرار است حکم سال ۱۳۸۰ در مورد شما اجرا شود. در حالی که حکم سال ۱۳۸۰ هیچگاه ابلاغ نشد و اگر هم قرار است چنان حکمی پس از گذشت ۱۰ سال از صدور آن اجرا شود، چرا بدون توجه به شرایط سنی‌ام، باید در بازداشتگاه ۲۰۹ و در سلولی در بسته زندانی باشم؟»

بازجو که از شنیدن این سخنان به شدت عصبانی شده بود دیگر اجازه نداد حرفم را ادامه دهم و گفت: «شما ضد انقلاب هستید!» او به صحبت‌های آقای دکتر ابراهیم یزدی در خصوص ولایت فقیه، جنگ تحمیلی و تأکید ایشان بر رعایت حقوق بشر و

نظارت بین‌المللی اشاره کرد و نهایتاً گفت: شما شخصیت دوگانه‌ای دارید؛ شما رهبری فتنه سال ۱۳۸۸ را به عهده داشته‌اید! و هوقعی که از اتفاق خارج می‌شدم، در مقابل نگهبانانی که در راهرو ایستاده بودند گفت: «تو باید توبه کنی!» ضمن آنکه او در صحبت‌های ابتدای جلسه گفته بود: «من مطیع ولی فقیه (آقای خامنه‌ای) هستم؛ اگر ایشان بگویند دست محمد توسلی را ببوس، حتماً می‌بوسم.»

همان‌جا به او گفتم: «نه من اجازه می‌دهم کسی دستم را ببوسد و نه آقای خامنه‌ای چنین مطلبی را خواهند گفت.»

روز دوشنبه ۱۳۹۱/۲/۲۵ ساعت یک بعدازظهر مرا برای بازجویی صدا کردند. آقای مهدوی گفت: «مقامات وزارت اطلاعات متن نوشته شما را قبول نکردند. بایستی آن قسمت از یادداشت را که با عبارت «بدیهی است...» ادامه یافته را حذف کنید.»

گفتم: «حذف عبارت، این واقعیت را تغییر نمی‌دهد که فریضه امر به معروف و نهی از منکر از پایه‌های اصلی اسلام و انکار آن در حکم ارتداد است. اگر لازم می‌دانید آن را حذف می‌کنم.» مجدداً در روز ۹۱/۲/۲۵ بخش اول را عیناً نوشتم و پس از امضاء، اثر انگشت را روی آن اضافه کردم. سپس گفتم: «حالا می‌روم مرخصی شما را هماهنگ کنم.»

### ک: هم‌بندان

همان‌گونه که قبلاً توضیح دادم ۳۲ روز اول بازداشت را به صورت انفرادی گذراندم (۲۸ روز در سلول بزرگ ۵۳ و ۴ روز در سلول کوچک ۷۱). ظاهراً از بازپرس حکم یک‌ماهه برای نگهداری من در سلول انفرادی اخذ شده بود. تا این‌که در روز یکشنبه ۱۳۹۰/۹/۱۳ مرا به سلول بزرگ ۹۲ منتقل کردند. چند دقیقه پیش از آمدن من به این سلول، زندانی دیگری با نام آقای احمد حسین را به آنجا منتقل کرده بودند. سلول بزرگ را سوئیت می‌گفتند که شامل دو سلول کوچک بود و دیوار و سطل آن را برداشته بودند. در داخل هر سلول یک دستشویی قرار داشت.

در طبقه دوم بازداشتگاه ۲۰۹، بندهای ۴ و ۵ و ۹ به صورت سوئیت و بندهای ۶ و ۸ و ۱۰ که آنها هم به صورت سوئیت در آمده اما دو طرف آن بسته و از آنها به صورت عمومی استفاده می‌شد. در این بندها بین ۸ تا ۱۲ نفر نگه‌داری می‌شدند. بند ۷ به صورت انفرادی و بند ۱۱ که انتهای شمالی طبقه دوم واقع شده، سلول‌هایی با دستشویی و دوش وجود داشت. در بقیه بندها دستشویی و دوش در یک یا دو طرف بند بود. به همین مناسبت با روشن کردن چراغ بالاسر سلول روزانه چهار یا پنج بار افراد می‌توانستند از سرویس استفاده کنند. هفته‌ای دو روز (معمولاً شنبه و چهارشنبه) را به حمام زندانیان اختصاص داده بودند. بندهای ۱ و ۲ و ۳ که بیشتر خانم‌ها از آن استفاده می‌کردند نیز ظاهراً به صورت سوئیت ساخته شده است.

تا زمانی که در سلول انفرادی بودم از هواخوری خبری نبود اما بعد که در سلول دو نفر، سه نفر و گاهی چهار زندانی بودیم، هفته‌ای دو بار (روزهای یکشنبه و سه‌شنبه) و گاهی روزهای پنجشنبه زندانیان را به مدت ۲۰ دقیقه به هواخوری می‌بردند. سالن هواخوری در انتهای شمالی ساختمان و بیرون از آن به صورت سرپوشیده در مساحت تقریبی ۱۰۰ متر مربع (۱۰×۱۰ متر) واقع شده بود. سقف این محوطه به شکل کشویی مجهز به موتور پیش‌بینی شده بود و ظاهراً در مواقع لازم امکان فرود آمدن هلی‌کوپتر روی آن وجود داشت.

اولین هم‌بندم آقای احمد حسین راننده با سابقه کامیون و تریلی بود و در کرج سکونت داشت. وی سال‌ها در کشورهای آسیای میانه، روسیه و اروپا کالا حمل می‌کرد. علت بازداشت و اتهام او حمل قاچاق کالا بود. بارنامه و محموله کامیون او در دویی چرم مصنوعی عنوان شده اما محتوای واقعی بار پارچه وارداتی از چین بود. صاحب کالا از او خواسته بود به جای مراجعه به گمرک، بار را در انبار دی‌گری تخلیه کند و بعد چرم مصنوعی را جایگزین کند که با پیگیری مأموران اطلاعات، بار کامیون پس از کشف، توقیف و افراد مرتبط بازداشت شده بودند. البته راننده کامیون اظهار می‌کرد در جریان این کار نبوده و به درخواست صاحب کالا تریلی را در انبار متوقف



و تخلیه کرده است. مطابق اظهارات آقای احمد حسین تفاوت تعرفه گمرکی پارچه و چرم مصنوعی تقریباً ۱۷۰ میلیون تومان بود.

پس از مدتی آقای سینا عظیمی اهل مشهد به سلول ما اضافه شد. او جوان با استعدادی بود که نزدیک یک ماه از ازدواجش می گذشت و با همسرش در مشهد کلاس آموزش کامپیوتر اداره می کردند. او برای گرفتن گذرنامه خارجی و اقامت در کشورهای دیگر و پیشرفت در کار و زندگی در مدت تقریبی سه سال به چهار کشور اروپایی و آسیایی سفر کرده و با سفارت اسرائیل هم مذاکره کرده بود ولی در نهایت به درخواست او جواب رد داده بودند. جالب اینکه تمام ارتباطات و سفرهای وی از سوی وزارت اطلاعات پیگیری می شده است. اتهام وی ارتباط با بیگانگان (اسرائیل) بود. خودش می گفت با همسرش برنامه ریزی کرده بود که با هم ۱۰ سال کار کنند و بقیه عمر را خوب زندگی کنند. بلندپروازی آنها را اجباراً به این انحراف کشانده بود.

تقریباً یک ماه بعد که سینا عظیمی به بند ۱۰ عمومی منتقل شد، آقای احمد حسین اهل جوانرود کردستان و اهل تسنن را به سلول آوردند. او به زبان عربی مسلط بود و قرآن را با سبک ترتیل بسیار زیبا می خواند و بخش عمده ای از قرآن را حفظ بود. مقید به فقه تسنن و افکارش سلفی بود. اتهام وی عضویت و همکاری با القاعده بود اما خودش هرگونه ارتباطی را تکذیب می کرد.

بعد از جابجایی آقای احمد حسین، آقای رضا حجتی به سلول اضافه شد. او قبلاً در سلول ۹۳ با آقای دکتر دادخواه (عضو تیم مذاکرات هسته ای و از همکاران دکتر حسن روحانی) بود. علاوه بر دکتر دادخواه، دو تن دیگر از همکاران وی در تیم مذاکرات هسته ای، در سلول های دیگر زندانی شده و ظاهراً احکام سنگین تا ۱۰ سال حبس به آنان داده بودند. طبق گزارش آقای رضا حجتی، وزارت اطلاعات از کمک های مشاوره ای دکتر دادخواه در زندان استفاده می کرد. اتهام رضا حجتی بنا بر اظهار خودش، قاچاق ۲۶۷ هزار دلار ارز بود که با خود از آلمان به ایران آورده بود. خانواده او در برلین بودند. او به بیش از ۱۰۰ کشور جهان مسافرت کرده و با شمار زیادی از مقامات سیاسی و امنیتی ایران آشنایی داشت. نام او در بهداری زندان که به

او دارو می‌دادند متفاوت بود. تا آن تاریخ ۸ ماه از بازداشت او گذشته بود و به نظر می‌رسید موضوع قاچاق ارز، بهانه‌ای بیش نبود و در اصل کار دیگری با او داشتند که خودش مطرح نمی‌کرد. ذهنی کاملاً اطلاعاتی داشت.

آقای حسن ساجدی جوان بسیجی مسجد امام حسین (ع) (واقع در میدان امام حسین) نیز وارد سلول شد که دو روز قبل به اتهام «جعل عنوان» بازداشت شده بود و از زندان ۲۴۰ می‌آمد. زیر پیراهنی مندرس و سوراخ سوراخی بر تن داشت و تمام ایام روزه بود. شب‌ها دیر می‌خوابید و روزها تا ظهر خواب بود. گذران روز و شب در سلول چهارنفره با برنامه‌های متفاوت بسیار سخت بود. او در برنامه قرآن خوانی با جوان کرد شرکت می‌کرد اما خودش اهل قرائت قرآن نبود و شب‌ها تا دیروقت با رضا حجتی صحبت می‌کرد. او با آقای سید محمدحسن ابوترابی (روحانی مسجد امام حسین) از نزدیک آشنا بود و برادر کوچک آقای ابوترابی را نیز می‌شناخت. اقدامات خودش را در رخدادهای پس از خرداد ۱۳۸۸ در محور میدان انقلاب برای جمع شرح می‌داد. پس از چهار یا پنج روز او آزاد شد. رضا حجتی رفتار او را مشکوک توصیف می‌کرد و می‌گفت مگر ممکن است پس از دو روز زیر پیراهن کسی سوراخ سوراخ شود؟! من زیر پیراهن نو داشتم و همان شب اول به او دادم و آن را عوض کرد.

پس از انتقال جوان کرد به بند ۱۰ آقای مرادی اهل پل دختر به سلول اضافه شد. شغل او آهنگری در شهر پل دختر بود و با پدر و سایر برادران به این حرفه اشتغال داشتند. اتهام وی حمل یک پوند مواد منفجره بود. خودش می‌گفت این بسته را در کارگاهی پیدا کردم و با خود به تهران آوردم. دوستانم در سبزواری آثار تاریخی پیدا کرده‌اند و می‌خواستیم این مواد را برای حفاری از محلی به دوستانم در آن شهر برسانیم. در تهران موقعی که به منزل یکی از دوستانش که سرایدار ساختمانی در خیابان فرمانیه بود، وارد شد، پلیس به وی مشکوک شده و او را بازدید بدنی کردند. مأموران ابتدا گمان کردند مواد مخدر در بدنش جاسازی کرده‌اند اما معلوم شد چاشنی مواد منفجره را در کمر خود جاسازی کرده است. در خانه و اتاق سرایدار در خیابان

فرمانیه ساک حامل مواد منفجره را نیز پیدا کردند. خودش می‌گفت تمام برنامه را در سبزوار بازدید و تأیید کرده‌اند و تنها مسئله باقی‌مانده این بوده که این مواد را از کجا آورده؟ و او پاسخ داده بود که پیدا کرده است. در اداره آگاهی هم او را خیلی کتک زده بودند، اما مطلب تازه‌ای به دست نیاورده بودند. برای آموزش قرآن بسیار علاقمندی نشان می‌داد. روزانه سوره‌های کوچک قرآن را با او می‌خواندیم و او سوره‌ها را حفظ می‌کرد و در نمازهای یومیه آنها را با دقت می‌خواند و نگران هم سر و فرزندش بود.

پس از رفتن آقای رضا حجتی و آقای حسن ساجدی، چند روز با آقای مرادی تنها بودیم تا اینکه شخصی با نام آقای فرامرز غفاری به سلول ما آمدند. هنگام داخل شدن در سلول درحالی که هنوز پتوها زیر بغلش بود گفت: فقط قرآن، فقط «لا اله الا الله». ایشان شخصیت ویژه‌ای داشت. اتهام او به طوری که خودش توضیح می‌داد «فرقه ضاله» اعلام شده بود زیرا طرفدار نظر و عقیده «رشاد خلیفه» در مورد قرآن بود. غفاری تحصیل‌کرده رشته حقوق و وکیل پایه یک دادگستری بود و پیش از انقلاب مدیرعامل شرکت AEG در ایران بود. تقریباً در سال ۱۳۶۱ به آمریکا رفت و مدت ۳۰ سال در آن کشور سکونت داشت و در ایجاد نهادهای اجتماعی و بنیادهای اقتصادی نقش خلاقانه ایفا کرده بود. همسر و سه فرزند او در آمریکا زندگی می‌کردند. در سال‌های گذشته در کالیفرنیا با خانمی به نام اتفاق که طرفدار دیدگاه رشاد خلیفه بود و کلاس مطالعات قرآن داشت، آشنا گردید و در آن کلاس شرکت کرد و از این طریق تحت تأثیر خلاقیت‌ها و نظرات رشاد خلیفه قرار گرفت. دو سال پیش برای عیادت مادر بیمار خود به ایران آمد و یکسال بعد مادرش فوت کرد. دوستان او در شرکت AEG از او خواستند حالا که به ایران آمده، خودش مدیریت شرکت را به دست گیرد و او نیز این مسئولیت را پذیرفت. طرفداران رشاد خلیفه که از حضور او در ایران مطلع شدند از او خواستند در جلسات مطالعات قرآنی آنان شرکت کند. این جلسات تقریباً به مدت یکسال، هفته‌ای سه روز (دوشنبه، چهارشنبه و جمعه) برگزار می‌شد. در این

جلسات افراد تحصیل کرده و استادان دانشگاه شرکت کرده و آقای غفاری مسئول اداره جلسات بود. روزهای جمعه نیز نماز جمعه برگزار می‌کردند.

در یکی از روزهای ماه دی ۱۳۹۰ در جلسه‌ای که منزل خانم افراشته بر گزار شده بود، شرکت‌کنندگان در این جلسه را به‌طور دسته‌جمعی بازداشت کردند. چندی بعد کودکان و زنان مسن آزاد شدند و ظاهراً غیر از آقای غفاری، تعداد دیگری از آن جمع هنوز در بازداشت بودند. وزارت اطلاعات تمام ایمیل‌ها و ارتباطات آقای غفاری و مذاکرات جلسات آنان را شنود می‌کرده و پس از بازداشت و ضبط لپ‌تاپ و سایر وسائل او، اطلاعات شخصی او نیز در اختیار وزارتخانه قرار گرفت. از این رو در زندان ۲۴۰ به اتهام سب‌النبی و طرفداری از فرقه ضالّه با او به طرز شدیدی برخورد کردند. فرامرز غفاری با اسم مستعار «فرا» اشعار فراوانی سروده؛ از جمله در ۲۵ سالگی در وصف واقعه عاشورا و شخصیت امام حسین(ع) ابیاتی طولانی سرود. چون حافظه فوق‌العاده‌ای داشت سروده خود در این مورد را به مدت نیم ساعت از حفظ می‌خواند. آن‌طور که خودش می‌گفت، کارشنا سان پرونده به جهت مشاهده چنین ویژگی‌هایی در او، به شدت از او عصبانی بوده و او را به دفعات مضروب کرده بودند. او با ادبیات و شعر فارسی نیز آشنایی زیادی داشت و سروده‌های فراوانی از شاعران معروف ایران مانند فردوسی، سعدی، حافظ و مولوی را در حافظه داشت و مرتب می‌خواند.

در مورد شناختش از قرآن به‌رغم آنکه، دیدگاه‌های متفاوتی با هم داشتیم اما در سلول تنها مصاحب خوب من بود. از این رو بعد از گذشت ۱۰ روز، او را از سلول من جدا کردند. خودش می‌گفت: رشاد خلیفه در سفری که با پدر و مادر مصری و شیعه خود برای انجام فریضه حج تمتع به عربستان رفته بود، شبی همه پیامبران را در خواب دید در حالی که حضرت ابراهیم(ع) پی‌شاپیش آنها بود. در خواب حضرت ابراهیم(ع) به رشاد خلیفه گفته بود: برو و مطالعات قرآنی خود را تکمیل کن. رشاد خلیفه هم کار فشرده خود را در آمریکا دنبال کرد و به دستاوردهای شگفت‌انگیزی نائل شد؛ از جمله توانست با استفاده از قانون‌مندی مضرب ۱۹، نظم ریاضی قرآن را

در ابعاد مختلف کشف کند و نشان دهد. ارائه چنین نظریاتی موجب شد تا او را به فرقه ضالّه منتسب و متهم کنند.

در مورد آیه ۸۱ سوره آل عمران «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ» آقای غفاری معتقد بود منظور و اشاره قرآن به رسول در این آیه، شخص «رشاد خلیفه» است!

به علاوه او باور داشت دو آیه پایانی سوره توبه «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ\* فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» جزو آیات قرآن نبوده و بعدها به قرآن اضافه شده زیرا در قانون مندی مضر ب ۱۹ جا نمی‌گیرد و نظم ریاضی قرآن را بر هم زده است! و در همین مورد می‌گفت: عثمان (خلیفه مسلمانان بعد از عمر) اصرار ورزید این دو آیه در قرآن باشد و حضرت علی (ع) با نظر عثمان مخالفت کرد! نکته مهم اینکه او استدلال می‌کرد صفات «رؤوف رحیم» که در آیه ماقبل آخر این سوره آمده و به پیامبر (ص) نسبت داده شده، فقط به خداوند اختصاص دارد چنانکه این صفات در آیات دیگر قرآن نیز جزو صفات خاص خداوند شمرده شده است. بر این اساس در قرآنی که رشاد خلیفه تنظیم و چاپ کرده و به انگلیسی روان نیز ترجمه شده، این دو آیه حذف گردیده است.

من در هر دو مورد با توجه به سیاق آیات قرآن برای ایشان توضیح دادم که در آیه ۸۱ سوره آل عمران منظور از رسول، قطعاً پیامبر اکرم (ص) است. در خصوص دو آیه پایانی سوره توبه که مدعی بود درج این دو آیه در قرآن، نظم ریاضی قرآن را بر هم زده، یادآور شدم که در این مورد بایستی مطالعات بیشتری صورت گیرد. ضمن آنکه مرحوم مهندس بازرگان در مورد نظم موجود در قرآن تحقیق جامعی انجام داده‌اند که برای اطلاع و جست‌وجو بیشتر در این مورد می‌توان به دو جلد ۱۲ و ۱۳ از مجموعه آثار ایشان با عنوان *سیر تحول قرآن* مراجعه کرد.

در همان روزهای پایانی حضور آقای فرامرز غفاری در سلول، آقای طه رشیدی (اهل سنندج و پیرو مذهب تسنن) نیز به سلول ۹۲ آمد. او که از زندان ۲۴۰ می‌آمد بسیار مضطرب و ناراحتی بود. دو ست و هم‌کار بسیار نزدیک او، شهید مصطفی احمدی‌روشن بود که نزدیک به ۵ سال در سایت نطنز با هم سابقه همکاری نزدیک داشتند و این نزدیکی حتی به برقراری ارتباط نزدیک خانوادگی انجامیده بود. بعد از حادثه‌ای که مقابل دانشکده ارتباطات (نزدیک خیابان دکتر شریعتی) اتفاق افتاد و به شهادت مصطفی احمدی‌روشن انجامید، او را به اتهام معاونت در قتل، بازداشت کرده بودند. طه رشیدی مهندس رشته شیمی از دانشگاه شریف بود و زیر نظر شهید مصطفی احمدی‌روشن همکاری نزدیک داشت. اهل سنندج و کرد بود. طه رشیدی پس از درگذشت پدرش، عملاً سرپرست مادر، برادر و خواهرش بود. هم‌سرش مهندس کشاورزی و در دانشگاه زنجان تحصیل کرده بود و در مدیریت خانواده نقش مؤثری داشت. با آنکه طه رشیدی اهل مطالعه قرآن و دعا و نماز بود، همواره بابت هتک حیثیت و آبروی خود اضطراب داشت و نگران بود؛ به‌خصوص نگران وضعیت خانواده خود بود. با او از نزدیک زیاد صحبت کردم و کوشیدم به او آرامش و اطمینان خاطر بدهم که در مقابل این‌گونه مصائب بایستی صبورانه به خداوند بزرگ توکل کرد.

پس از چند روز آقای به‌نام امیر یا جعفر با اتهام جعل عنوان از سلول ۹۴ به سلول ما آمد. دو روز هم در سلول ۲۴۰ گذرانده بود. بسیار نگران دختر ۱۰ ماهه خود بود و در روزهای پایانی، دیگر تحمل خود را از دست داده بود. ظاهراً به او گفته بودند بازداشت او حداکثر بیش از چهار روز طول نمی‌کشد اما در عمل ۱۰ روز باها بود و نهایتاً با ارائه وثیقه آزاد شد. او و خانواده پدرش اهل محله نازی‌آباد تهران بودند اما خودش در مجتمع آپارتمانی در خیابان مقدس اردبیلی سکونت داشت. هم‌سرش مهندس معماری ساختمان بود. می‌گفت که با بسیاری از روحانیون قوه قضاییه ارتباط نزدیک دارد و بسیاری از کارکنان وزارت اطلاعات را می‌شناخت. او از قول رئیس بازداشتگاه می‌گفت که مرا برای شرکت در مراسم پنجاهمین سال

فارغ‌التحصیلی دانشکده فنی که قرار بود روز سوم اسفند بر گزار شود، آزاد خواهند کرد.

تحمل هوای بسته داخل سلول ۹۲ به دلیل پلاستیکی که روی پنجره اتاق کشیده بودند تا سرمای زمستان داخل نیاید، خیلی سخت بود و از این بابت شکایت داشتیم. تا اینکه روز ۱۳۹۰/۱۲/۱۰ نهایتاً ما را به سلول ۴۲ منتقل کردند. چند دقیقه قبل از آنجا آقای علی ایرانی اصل را از بند عمومی به این سلول آورده بودند. او اهل ماکو و جوان باهوشی بود و علاوه بر داشتن سابقه ورزشکاری، یک شرکت حمل و نقل بین‌المللی هم داشت. تقریباً از یکسال و نیم پیش به اتهام ارتباط با بیگانگان (اسرائیل) بازداشت شده بود. مدتی را در زندان ۲۴۰ و بند عمومی و همچنین سلول‌های مختلف گذرانده بود. می‌گفت که در این مدت وزن زیادی کم کرده است. پس از چند روز او را به دادگاه شعبه ۱۵ قاضی صلواتی احضار کردند. موقعی که برگشت بسیار خوشحال بود چون ظاهراً وکیل تسخیری از او خوب دفاع کرده بود و ضمناً قاضی صلواتی هم او را «علی جان» خطاب می‌کرده! او گمان می‌کرد حکم دادگاه در موردش به همان اندازه دوره بازداشت خواهد بود. به هر حال همان روز او را به بند ۳۵۰ زندان عمومی منتقل کردند. روز ۱۸ اسفند که به مرخصی می‌رفتم از مهندس فرید طاهری شنیدم که به بند ۳۵۰ رفته و وضعیت مرا به آنها گزارش داده است.

قبل از انتقال آقای ایرانی به بند ۳۵۰، خوشبختانه طه رشیدی با او مذاکره کرد و حلالیت طلبید و پس از تحویل وسایل و مدارک ضبط شده، آزاد شد و به دادن خانواده‌اش برگشت. مشاهده آزادی طه رشیدی از زندان در آن روز، شیرین‌ترین خاطره من در مدت بازداشت ۷ ماهه من در بازداشتگاه ۲۰۹ بود. او مسلمانی پاک از کردستان بود که صادقانه خدمت کرده و بی‌گناه بازداشت شده بود. مدت بازداشت خود را به ویژه در سلول‌های ۲۴۰ به سختی گذرانده بود. از یک طرف بابت کشته شدن دوست و همکارش متأثر بود و از سوی دیگر زیر فشار طاقت‌فرسای داخل بازداشتگاه، نگران وضع خانواده بی‌سرپرست خود بود.

پس از یکی دو روز آقای حسن برون به سلول ۴۲ آمد. وی تقریباً ۶۰ سال داشت و اتهامش جعل اسناد بود. او در یکی از دفترخانه‌های قدیمی تهران واقع در خیابان پلیس، سردفتر بود. قبل از انقلاب اسناد معاملات خانواده سلطنتی و برخی از صاحب‌منصبان گذشته ظاهراً در این دفترخانه معامله می‌شد. هدتی در زندان مشهد بازداشت بود. در تهران نیز مدتی او را در اداره آگاهی نگه‌داشته بودند و از اینکه دوباره او را به آگاهی ببرند، نگران بود.

چند روز بعد جوان کرد ۱۹ ساله‌ای به نام حسن وارد سلول ما شد. اتهام او عضویت و همکاری با القاعده بود و با جمعی از جوانان کُرد دستگیر شده بود. در خواندن نماز بسیار مقید بود و با خضوع نماز می‌خواند.

روز پنجشنبه ۱۳۹۰/۱۲/۱۸ که برای مرخصی از زندان خارج شدم آقایان حسن برون و حسن ... در سلول بودند. پس از مراجعت از مرخصی (شنبه ۱۳۹۰/۱۲/۲۰) ابتدا آقای الیاس به سلول آمد که اتهامش راه‌اندازی سایت پربیننده‌ای بود که ارتباط میلیونی با مخاطبان داشت و به‌ویژه پس از انتخابات ۱۳۸۸ در خدمت جنبش سبز بوده است. الیاس جوان باهوش و با استعدادی بود که در جبهه‌های جنگ به‌ویژه در عملیات مرصاد نقش مؤثر داشت و ترکش‌های زیادی در بدنش باقی مانده بود. به دلیل موقعیت ویژه‌اش و اینکه چند عضو خانواده‌اش شهید شده بودند، در سلول زندان ۲۰۹ بازجویی فشرده‌ای از او به عمل آمد و دو روزی در سلول زندان ۲۴۰ و سپس دو یا سه روز نیز در سلول ۴۲ با ما بود و نهایتاً با پیگیری‌های خانواده و وکیلش با وثیقه آزاد شد. می‌گفت پدرش در سه راه امین‌حضور دو دهنه مغازه دارد و لوازم خانگی می‌فروشد. ضمناً با مرحوم حاج آقا یزدی (پدر هم‌سرم) در سه راه امین‌حضور کاملاً آشنا بود.

پس از رفتن هم‌بندان یاد شده، جوانی به نام علی‌اکبر وارد سلول شد پدرش قهرمان بازنشسته ورزشی بود و با مادر و خواهرش زندگی می‌کرد. اتهامش ارتباط با بیگانگان (اسرائیل) بود زیرا در اسلالمبول یکبار به سفارت اسرائیل مراجعه کرده و از این رو بازداشت شده بود. کارشناس به او قول داده بود قبل از پایان سال آزاد خواهد شد.



خود و مادرش به شعبه زیر نظر آقای بیگی مراجعه کرده بودند ولی هنوز بر گه آزادی نیامده بود چون آقای بیگی در مسافرت بود. او از این بابت بسیار مضطرب و نگران بود. شب جمعه (۲۶ اسفند) باهم نماز و دعا خواندیم و در دعای کمیل هر دو اشک می ریختیم و برای آزادی او دعا می کردیم. روزهای شنبه و یکشنبه (۲۷ و ۲۸ اسفند) بین تعطیلین قرار گرفته بود و دولت هم ادارات را تعطیل کرده بود. علی اکبر هم به کلی ناامید شده و روز شنبه که قرار بود مواد غذایی را برای دو هفته تعطیلی سفارش بدهیم، او هم بیشتر تنقلات شب عید را سفارش داد و برای گذراندن تعطیلات عید در زندان آماده شد که ناگهان در ساعات پایانی یکشنبه ۲۸ اسفند برگه آزادی او آمد و آزاد شد.

در همان روز یکشنبه (۲۸ اسفند) دو نفر دیگر با نام‌های علی محمدی ک شکولی و مهدی ساجدی فر از سلول ۹۴ در حالی که وسایل و تنقلات شب عید را خریده و در دست داشتند به سلول ۴۲ آمدند.

علی محمدی اهل ایل قشقایی در فارس بود و سابقه ورزشکاری داشت و از نظر جسمی خیلی قوی بود. اتهام او ارتباط با بیگانگان (اسرائیل) بود. ظاهراً چون با کارشناس همکاری نکرده بود، او را ۸ ماه در سلول‌ها نگه داشته بودند و به‌رغم مطرح شدن پرونده او در شعبه ۱۵ قاضی صلواتی، به پرونده‌اش رسیدگی نشده بود.

مهدی ساجدی فر اهل مشهد بود و پدرش اخیراً فوت کرده و مادر و برادر و خواهران او در مشهد زندگی می‌کردند. همسر آقای ساجدی فر نیز تحصیل کرده و شاغل بود. پدر همسرش نیز سخت بیمار بود. آقای ساجدی فر اظهار می‌کرد در زمینه زیست‌شناسی چندین مقاله نوشته و برای ارائه مقالات به کشورهای مختلف سفر کرده و همه مقالاتش پذیرفته شده‌اند. او چند روزی در سلول ۹۴ با علی محمدی هم سلول بود و از بند ۲۴۰ به آنجا منتقل شده بود و اتهامش ارتباط با بیگانگان (اسرائیل) بود. وزارت اطلاعات جزئیات ارتباط ساجدی فر را در جریان بوده و ظاهراً با کارت او اطلاعات مربوط به ارتباط با اسرائیل را دنبال کرده بودند. ساجدی فر هم کاملاً متنبه

شده و می‌کوشید اشتباه خود را جبران کند. اهل نماز و قرآن و روزه بود. شب‌ها هم نماز شب می‌خواند.

علی محمدی‌کشکولی به تدریج ارتباط و هماهنگی خود با هم‌سلولی‌های خود را کاهش داد و غذای خود را جداگانه می‌خورد. نماز شب را بهانه کرده و می‌گفت من می‌خواهم شب‌ها دیر بخوابم و روزها تا قبل از ظهر بخوابم. وقتی شما شب برای نماز بلند می‌شوید، برنامه من مختل می‌شود. در واقع او بیشتر از بلا تکلیفی پرونده و مشکلات جدی که برای خانواده و همچنین نامزدش برای ازدواج فراهم شده، ناراحت بود.

هم‌سلولی دیگر آقای محمود راننده کامیون و اهل فسا بود. اتهام او قاچاق کالا بود. او قبلاً به سلول آمده و به این ترتیب سلول‌ها چ‌هار نفره شده و هماهنگی و برنامه‌ریزی روزانه را بسیار سخت شده بود. تا اینکه علی محمدی از ما جدا شده و ما سه نفر در برنامه روزانه تقریباً با هم هماهنگ بودیم ولی با تدبیر و تکیه بر روابط انسانی، فضای آرام سلول حفظ شده بود. به هر حال آقای علی محمدی با درخواست از افسر نگهبان جابجا شد و بجای او آقای اهل خرم‌آباد که اتهامش حمل ۱۳۰ کیلو شیشه بود را به سلول ما اضافه کردند.

به این ترتیب تا مدتی ایام را در سلول ۴۲ به صورت چ‌هارنفره می‌گذرانیدیم تا اینکه محمود و متهم مواد مخدر را جابجا کردند و در روزهای میانی اردیبهشت آقای سام ایزدمنش وارد سلول شد. او جوانی ۲۹ ساله م‌قیم قبرس بود که در خیلی از معاملات بانکی و تجارتي با ایران کار می‌کرد. اتهام او جرایم اینترنتی و معاملات خلاف قانون در بورس بود. پسر آقای علم‌الهدی (امام جمعه مشهد) که داماد آقای فلاحیان است با او در ارتباط بوده و به‌طور خاص نگران کار دفترش و اقامتش در قبرس به‌ویژه دفتر ۲۲ ماهه خود بود.

در روزهای پایانی زندان که زمینه برای آزادی من فراهم شده بود، موقعی که برای بازجویی، از سلول خارج می‌شدم، مهدی ساجدی‌فر که مدت نسبتاً طولانی (از ۹۰/۱۲/۲۹) هم‌سلول من بود و همچنین آخرین هم‌بندم (آقای سام ایزدمنش) بسیار

توصیه می‌کردند بیشتر به فکر نوه‌های خود باشم و کاری نکنم که مجدداً به زندان برگردم.

### ل: جمع‌بندی هم‌بندان

به‌طور خلاصه نوع اتهام و وضعیت ۱۹ تن از هم‌بندان از تاریخ ۹۰/۹/۱۳ تا ۹۱/۲/۲۵ (حدود ۵/۵ ماه) به شرح زیر بود:

ارتباط با بیگانگان (همه با اسرائیل)	با اتهام	۵ نفر
قاچاق کالا و ارز	با اتهام	۳ نفر
جرایم اینترنتی	با اتهام	۲ نفر
جعل عنوان وزارت اطلاعات	با اتهام	۲ نفر
عضویت یا همکاری با القاعده	با اتهام	۲ نفر
حمل مواد مخدر	با اتهام	۱ نفر
جعل سند، عضویت در فرقه ضاله، حمل مواد منفجره	با اتهام	۳ نفر متفرقه
		حمل مواد منفجره
	تبرئه	۱ نفر

طیف گسترده‌ی افراد با خصوصیات متفاوت (سن عموم زندانیان بین ۱۹ تا ۴۰ ساله بودند) زندگی مشترک در سلول و به ویژه ماهنگی برنا هم‌های روزانه را دشوار می‌سازد. اما توجه به این واقعیت که این افراد، حاصل آسیب‌های اجتماعی هستند و بایستی بر پایه‌ی روابط انسانی با آنان تعامل نمود، راه برای کاهش فشار هموار می‌شد. برخی افراد در برخوردها سن و سال مرا ملاحظه کرده و برخی نیز فقط شرایط را تحمل می‌کردند. به هر حال داشتن نگاه انسانی همراه با گذشت و مدارا در بسیاری موارد شرایط سخت زندان را تحمل‌پذیر می‌کرد.

### م: تسهیلات داخل سلول

بازداشتگاه محدودیت‌های ویژه‌ای برای من اعمال می‌کرد. از ماه دی فقط خرید روزنامه *کیهان* برای من مجاز بود و تهیه سایر روزنامه‌های دولتی مثل *ایران*، *همشهری* و *اطلاعات* ممنوع بود. تقریباً در دو یا سه ماه اول داشتن یخچال و تلویزیون برای سلول من ممنوع بود. موقعی که آقای رضا حاجتی از سلول ۹۳ به ۹۲ منتقل شد چون مواد غذایی فاسد شدنی همراه داشت و پس از پیگیری، سرانجام موفق گردید یخچال سلول ۹۳ را به سلول ۹۲ (که ما در آن بودیم) منتقل کند. می‌گفتند در سلولی که من هستم، داشتن تلویزیون مجاز نیست و هر چه هم‌بندان در این مورد با افسر نگهبان صحبت کردند و با نوشتن نامه به مدیریت بازداشتگاه پیگیری کردند، موفق نشدند.

موقعی که از سلول ۹۲ به سلول ۴۲ منتقل شدیم، یخچال را با خود آوردیم. اما باز تلویزیون در اختیار سلول ما قرار ندادند. در شب عید نوروز در اثر پیگیری‌های هم‌بندان نهایتاً کارشناس زندان موافقت کرد و تلویزیون در اختیار ما قرار دادند. هم‌بندان نسبت به تماشای برنامه‌های شبکه‌های خبر و فیلم و گزارش‌های ورزشی علاقه نشان می‌دادند و ساعت تلویزیون هم برای تنظیم برنامه‌های شب بسیار مفید و کاربردی بود.

### ن: آزادی از زندان

ساعت ۵ و نیم بعد از ظهر دوشنبه ۱۳۹۱/۲/۲۵ در داخل زندان مرا صدا زدند و پس از مدتی معطلی به دستور معاون بازداشتگاه به دادسرای واقع در شهید مقدس بردند. در آنجا به من گفتند که حاج آقا مهمان دارند و باید منتظر باشید. نزدیک به سه ربع ساعت در انتظار بودم و پس از پیگیری به اتاق سرپرست دادسرا رفتم. به من گفتند: آقای دادستان می‌خواهند به شما مرخصی بدهند. روز یکشنبه ۱۳۹۱/۲/۲۴ به مناسبت سالروز تولد حضرت فاطمه (س) برای گرفتن تبریک به خانواده اجازه دادند به منزل تلفن (کوتاه) کنم. همسرم گفت: از دادسرای اوین تماس گرفته‌اند و برای مرخصی سند خواسته‌اند. شما برای مرخصی درخواستی بنویسید و جداگانه یادداشتی نیز برای

ایشان بنویسید که در مدت مرخصی، فعالیت سیاسی خاصی نخواهید داشت. در دو برگ جداگانه یادداشت کوتاهی خطاب به «جناب آقای جعفری دولت‌آبادی، دادستان محترم تهران» مبنی بر درخواست مرخصی نوشتم و در برگ جداگانه با عنوان ایشان متنی با مضمون زیر نوشتم:

«همان‌گونه که جنابعالی با سوابق مبارزاتی و خدماتی اینجانب از سال‌های قبل و بعد از انقلاب آشنا هستید، اینجانب همواره به اصول و آرمان‌های اولیه انقلاب باور و تعهد داشته و به قانون اساسی التزام و به مصالح و منافع ملی تعهد داشته و دارم. بنابراین هرگز اقدامی برخلاف این مبانی انجام نداده و نخواهم داد.»

دو برگه به دفتر دادستان تهران فاکس شد و قرار شد پس از بررسی نظر خود را اعلام کنند. نهایتاً با قرار وثیقه ۱۰۰ میلیون توهانی با مرخصی موافقت و مرا آزاد کردند. از همان جا تلفنی با منزل تماس گرفتم. جمعی از اقوام و دوستان در منزل به مناسبت روز تولد من در منزل جمع بودند و به‌طور جمعی تولدم را تبریک گفتند که صدا در اتاق شنیده می‌شد.

تقریباً ساعت ۹ و نیم شب (بعد از اقامه نماز مغرب و صرف شام) نگهبان زندان، درب سلول ۴۲ را باز کرد و گفت: «فی‌امان‌الله»، وسایل خودتان را جمع کنید و زنگ بزنید. نمازم را تمام کردم و وسایل شخصی ضروری را برداشتم. آقایان مهدی ساجدی‌فر و سام ایزدمنش (دو هم‌سلولی) بسیار خوشحال شده و اشک شوق آنان مشهود بود. آقای سام ایزدمنش نوزدهمین زندانی بود که پس از انتقال از سلول‌های انفرادی ۵۳ و ۷۱ به سلول ۹۲ و سپس ۴۲ با من هم‌بند بودند. موقع بازرسی از وسایلم، سه شماره روزنامه کیهان که در مورد نهضت آزادی و خودم مطالبی در آن آمده بود را همراه داشتم که آنها را برداشتند. جریان تحویل ساک لباس و انگشت‌نگاری مدتی طول کشید؛ به طوری که تقریباً ساعت ۱۰ و نیم شب از درب زندان اوین خارج شدم. به سراغ آژانس واقع در کوچه سوری، مقابل زندان اوین رفتم. گفتند: حداقل ۲۰ دقیقه طول می‌کشد تا ماشین بیاید. همان‌جا به منزل تلفن زدم. دخترم (لیلا) گفت: همان‌جا باشید که ما راه افتادیم. حدود ساعت ۱۱ شب امضای

خانواده خودم و سپس خانواده برادرم (آقای عبدالله توسلی) و آقای مجتبی خندان آمدند و دیدار تازه شد و پس از مدتی گفت‌وگو به منزل رسیدیم.

### س: جلوگیری وزارت اطلاعات از اجرای پروژه‌های شرکت مهند سین مشاور گذرراه

فشار نهادهای اطلاعاتی برای جلوگیری از ادامه فعالیت های شرکت مهند سین مشاور گذرراه از سال ۱۳۹۰ شروع شده بود. اندکی پس از آزادی از زندان در اواخر اردیبهشت ۱۳۹۱ متوجه شدم مأمورین وزارت اطلاعات که قبلاً دستور داده بودند از ارجاع کار جدید به شرکت مهند سین مشاور گذرراه که با آن همکاری داشتم خودداری کنند، مجدداً دستور داده‌اند به کلیه پروژه‌های در دست اقدام این شرکت خاتمه داده شود. از آنجا که شرکت مهند سین مشاور گذرراه به عنوان نهادی فنی و خدماتی در ارائه خدمات کارشناسی و اجرای پروژه‌های زیر ساختی مانند احداث و توسعه فرودگاه‌های کشور نزد کارفرمایان مختلف، شرکتی شناخته شده، معتبر و مورد اعتماد بود، لذا خاتمه دادن به کلیه پروژه‌های در دست اقدام این شرکت، علاوه بر اینکه خسارت‌های مالی سنگینی به شرکت یادشده وارد می‌کرد، پیاپی مدهای منفی و زیانباری را در روند اجرای پروژه‌های مهندسی کشور از جمله اجرای پروژه توسعه فرودگاه بجنورد ایجاد می‌نمود. این شرکت براساس خط مشی دیرین مدیرانش در ارائه خدمات کارشناسی و رعایت صداقت و امانت، همواره مورد اعتماد سایر شرکت‌های مهندسی و کلیه کارفرمایان و از جمله مدیران شرکت فرودگاه‌های کشور قرار داشت. بر این اساس این شرکت در سال ۱۳۸۸ به عنوان مشاور نمونه انتخاب شده بود و مدیران و کارشناسان سازمان هواپیمایی نسبت به خدمات این شرکت نظر کاملاً مثبتی داشتند. جالب اینکه حتی آقای موسی‌الرضا ثروتی (نماینده مردم شهرستان بجنورد و شهرستان‌های مجاور در مجلس شورای اسلامی) طی یادداشتی در اواسط تیر ۱۳۹۱ خطاب به حجت‌الاسلام حیدر مصلحی (وزیر وقت اطلاعات) با یادآوری

پیامدهای منفی این تصمیم در روند اجرای پروژه تو سعه فرود گاه بجنورد، از وزیر اطلاعات درخواست کرد برای رفع این مشکل اقدام کند.

من نیز با ارسال یادداشتی خطاب به حجت‌الاسلام حیدر مصلحی (وزیر وقت اطلاعات) در ۱۳۹۱/۵/۲۳ و یادآوری بازداشت خود در آبان ۱۳۹۰ و سپری کردن ۱۹۴ روز حبس در بازداشتگاه ۲۰۹ وزارت اطلاعات، در قسمتی از یادداشت خود به ایشان چنین متذکر شدم: «...در راستای اجرای اصول متقن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای اینکه وزارت اطلاعات به سرنوشت ساواک گرفتار نشود، نمایندگان خیراندیش دوره اول مجلس شورای اسلامی برای تصدی و هدیریت این وزارتخانه ماده واحده‌ای به تصویب رسانند تا فردی مجتهد و با اشتها به عدالت و تقوی با نظارت عادلانه و آگاهانه خویش از بروز هرگونه اقدام خلاف قانون، شرع و اخلاق در روند فعالیت های این وزارتخانه جلوگیری به عمل آورد... در شرایط حساس کنونی و بحران‌هایی که منافع ملی کشور را در معرض مخاطره قرار داده است به نظر اینجانب ضروری و بجاست همه کسانی که به اصول و آرمان‌های انقلاب وفادار و به قانون اساسی التزام دارند، به رغم اختلاف سلیقه‌های سیاسی در کنار هم قرار گیرند و به وظایف قانونی و ملی خود عمل کنند. تصدیق می‌فرمایید که پیامد طبیعی اینگونه دستورها بی‌ثباتی، بی‌اعتدای مردم و اختلال در روند اشتغال و برنامه‌های توسعه کشور که قطعاً در راستای امنیت و منافع ملی نیست، خواهد بود.

اینجانب با توجه به سابقه عملکرد خود در سال‌های قبل از انقلاب و هدیریت انقلاب، همواره به اصول و آرمان‌های اصیل انقلاب پایبند بوده و با التزام به قانون اساسی به وظایف قانونی، دینی و اخلاقی خود در راستای مصالح و منافع ملی و خدمت به کشورم در طول بیش از ۵۰ سال خدمات هدیریتی و کارشناسی عمل کرده‌ام. معلوم نیست در شرایط حساس کنونی کشور، خدمات صادقانه کارشناسی شرکت مهندسین مشاور گذرراه که صرفاً متمرکز بر خدمات فنی و مهندسی بوده است، چگونه با مسائل امنیتی ارتباط برقرار کرده است که برخی از هم‌موران محترم آن وزارت چنین دستوری را به حراست شرکت فرودگاه‌های کشور صادر کرده‌اند؟

با توجه به مراتب بالا از اقدامی که برای لغو دستور صادره به اداره کل حراست شرکت فرودگاه‌های کشور جهت ادامه خدمات شرکت مهند سین مشاور گذرراه با حداقل ۸۰ نفر کادر فنی معمول خواهید داشت، پید شاپیش سپا سگزاری می‌نماید. با تقدیم احترام محمد توسلی<sup>۱</sup>

به رغم پیگیری های قانونی مختلف، حراست سازمان هواپیمایی کشوری در تصمیم خود تجدید نظر نکرد و خدمات مهندسین مشاور گذرراه به آن سازمان خاتمه پیدا کرد.

---

۱. بنگرید به پیوست ۱۶، نامه محمد توسلی به حجت‌الاسلام والمسلمین حیدر مصلحی وزیر محترم اطلاعات،

تاریخ ۱۳۹۱/۵/۲۳



فصل شانزدهم:

محکومیت در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب



### الف: احضار مجدد به دادگاه انقلاب شعبه ۱۵ (مورخ ۹۱/۶/۲۷)

روز هشتم مرداد ۱۳۹۱ از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران، برگ احضاریه‌ای به منزل اینجانب ابلاغ شد که به موجب آن می‌بایست ساعت ۱۰ صبح ۹۱/۶/۲۷ در دادگاه حضور می‌یافتم. این برگه در تاریخ ۹۱/۵/۱ به شماره ۱۱۱۵۴/۸۸/ط د صادره شده بود. همزمان احضاریه‌ای برای وکیل اینجانب (سرکار خانم فریده غیرت) نیز ارسال شده بود که در ساعت و تاریخ یاد شده مذکوراً یا متفقاً همراه آقایان ایمان میرزازاده و سید محمدعلی دادخواه جهت دفاع از موکل خود (محمد تو سلی حجتی) در دادگاه فوق حاضر باشند.

بر این اساس ساعت ۹ صبح روز دوشنبه ۹۱/۶/۲۷ در دادگاه انقلاب حاضر شدم و پس از مشاهده وکلای خود (خانم غیرت و آقای میرزاده) برنامه دادگاه را هماهنگ کردیم. آن روز آقای دادخواه نیامدند چون قاضی صلواتی با حضور ایشان در دادگاه مخالفت کرده بود. پس از انجام تشریفات اداری و سپردن کارت شناسایی و هماهنگی با دفتر دادگاه و صدور برگه ورود، ساعت ۹/۵۰ وارد محوطه دادگاه انقلاب شده و ساعت ۱۰/۳۰ ما را به داخل اتاق دادگاه هدایت کردند. قاضی صلواتی در جایگاه رئیس دادگاه و آقای نوریانی به‌عنوان نماینده دادستان تهران در کنار ایشان نشسته بود. من روی صندلی دسته‌دار در وسط اتاق نشستم و وکلای اینجانب نیز در قسمت عقب نشستند. شخص دیگری که ظاهراً محافظ رئیس دادگاه بود در فاصله بین صندلی من

و میز رئیس دادگاه نشست تا ارتباط با رئیس دادگاه را به لحاظ مبادله اوراق بازجویی برقرار کند.

ابتدا رئیس دادگاه غیرعلنی بودن دادگاه را تذکر داد و با استناد به بندهای ۲ و ۳ ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری، به رعایت نظم در جلسه دادگاه اشاره کرد. سپس آقای نور یانی (نماینده دادستان) متن کیفرخواست را از روی اوراق پرونده خواند. خلاصه کیفرخواست که در ۹۱/۳/۲۸ تهیه شده بود، شامل دو اتهام (الف: عضویت در گروهک غیر قانونی نهضت آزادی و ب: فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی) براساس گزارش ضابطین، اظهارات متهم و قرائن اعلام شده نماینده دادستان بر اساس دو ماده ۴۹۸ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی، درخواست مجازات کرد. زمان ارتکاب جرائم موصوف در کیفرخواست نیز از سال ۱۳۸۸ به بعد ذکر شده بود.

پس از قرائت کیفرخواست، قاضی دادگاه اطلاعات مربوط به هویت شخصی و سوابق تحصیلی و شغلی مرا را پرسید و پاسخها را یادداشت کرد. سپس به مانند بازجو سؤالاتی پرسید و ابتدا از من خواست در مورد سوابق محکومیت های گذشته توضیح دهم. من هم پس از اشاره به سوابق بازداشت های خود در سال های ۶۷، ۶۹، ۸۰، ۸۸ و نهایتاً ۹۰ توضیح دادم که در خرداد ۱۳۶۷ بازداشت بنده و آقایان مهندس هاشم صباغیان و خسرو منصوریان در پی انتشار بیانیه هشتاد و یک در اردیبهشت ۶۷ صورت گرفت. این بیانیه به قلم مرحوم مهندس مهدی بازرگان (دبیرکل نهضت آزادی ایران) نوشته و سپس برای رهبر فقید انقلاب فرستاده می شد. پس از شش ماه حبس در سلول های انفرادی زندان توحید و ۲/۵ ماه حبس در سلول های انفرادی زندان اوین (آسایشگاه) نهایتاً در نیمه شب ۲۲ بهمن آن سال، ظاهراً با دستور و عفو رهبر فقید انقلاب آزاد شدیم.

دو سال بعد در خرداد ۱۳۶۹ نیز متعاقب انتشار نامه ۹۰ امضایی جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران به رئیس جمهور وقت، ۲۴ تن از امضاکنندگان بازداشت

و ۹ نفر در دادگاه انقلاب محکوم شدند. بنده نیز به دو سال زندان محکوم شدم و پس از گذراندن دوران محکومیت، آزاد شدم.

در ۱۴ فروردین ۱۳۸۰ و در آستانه انتخابات ریاست جمهوری نیز همراه حدود ۴۰ تن از اعضا و علاقه‌مندان نهضت آزادی ایران توسط اطلاعات سپاه بازداشت شدم و پس از گذراندن قریب ۱۱ ماه در سلول‌های انفرادی زندان ۵۹ عسرت آباد و برگزاری دادگاه و صدور حکم ۹ سال حبس با وثیقه آزاد شدم. در طول سال‌های دهه ۱۳۸۰ ظاهراً به دستور رئیس قوه قضاییه وقت، اجرای احکام پرونده نهضت آزادی ایران متوقف شد.

در ۲۶ خرداد ۱۳۸۸ و در جریان اعتراضات به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم نیز همراه با بازداشت‌های برنامه‌ریزی شده در روزهای قبل از ۲۲ خرداد، نیروهای وزارت اطلاعات با حضور در دفتر کارم مرا بازداشت کردند و مدت ۴۳ روز در سلول‌های انفرادی زندان ۲۴۰ و ۲۰۹ بازداشت و نهایتاً با کفالت آزاد شدم.

بالاخره در ۱۲ آبان ۱۳۹۰ به اتهام امضای نامه ۱۴۳ امضایی به آقای سیدمحمد خاتمی (رئیس‌جمهور سابق) توسط نیروهای وزارت اطلاعات بازداشت شدم و پس از ۶/۵ ماه بازداشت در سلول‌های زندان ۲۰۹ وزارت اطلاعات، با وثیقه به صورت مرخصی آزاد شدم.

سپس قاضی از من پرسید: سمت و فعالیت شما در گروهک غیر قانونی نهضت آزادی چه بود؟

پاسخ دادم: نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۴۰ به عنوان یک حزب اسلامی و ملی توسط سیدمحمد طالقانی، مهندس مهدی بازرگان و دکتر پیدالله سبحانی و چندتن دیگر تأسیس شد و در سال‌های قبل و بعد از انقلاب همواره به صورت قانونی، علنی و مسالمت‌آمیز فعالیت داشته و خدمات دینی و اجتماعی آنان بر کسی پوشیده نیست. بنده از سال ۱۳۴۰ که دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تهران بودم عضویت نهضت آزادی ایران را پذیرفتم و در مدت ۵۰ سال گذشته تمام فعالیت‌های خود در ایران، اروپا، آمریکا و خاورمیانه را مطابق وظایف دینی و اجتماعی انجام داده‌ام. در سال‌های

پیش از انقلاب در مدیریت انقلاب مشارکت داشتم و در دو سال اول انقلاب با سمت شهردار تهران در شرایط بحرانی، شهر تهران را در دوره انتقال نظام اداره کردم. پس از انقلاب عضو شورای مرکزی و رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران بوده‌ام. نهضت آزادی ایران در سال‌های پس از انقلاب بر اساس اصل ۲۶ قانون اساسی و قانون احزاب و نامه وزارت کشور به دادگاه انقلاب در سال ۱۳۸۰ فعالیت قانونی و در عین حال غیر رسمی داشته و از آذر ۱۳۸۸ به دستور مقامات وزارت اطلاعات و محدودیت‌های اعمال شده، این فعالیت‌ها متوقف شد.

پرسش بعدی قاضی در مورد دستور دادن به شاخه جوانان نهضت آزادی جهت تشکیل جلسات در پارک‌ها بود که در این مورد توضیح دادم چنین ادعایی کذب محض است و بنده هرگز چنین مطالبی را به کسی نگفته‌ام.

در مورد نامه به دست آمده از پیک آقای مهندس صباغیان در روز بازداشت اینجانب که به دست مأموران افتاد، گفتند این نامه به پیش‌نویس نامه ۱۴۳ امضایی مربوط بوده و آقایان دکتر یزدی و مهندس صباغیان پس از تهیه آن را برای ویرایش نزد شما فرستاده بودند. توضیح دادم که این مطالب کاملاً خلاف است. این نامه به پیش‌نویس مقاله‌ای مربوط بود که بنده می‌خواستم در صورت موافقت مقامات جمهوری اسلامی با پیشنهادهای آقای سیدمحمد خاتمی مقاله‌ای با عنوان « ضرورت حضور و مشارکت مردم در انتخابات » برای مجلات متقاضی بنویسم. اما پس از اطلاع از مایوس شدن آقای خاتمی، ایده نوشتن مقاله نیز کاملاً منتفی گردید. ضمناً نامه ۱۴۳ امضایی قبلاً تهیه شده بود و دوستان ما در نوشتن آن نقشی نداشتند.

با توجه به اطلاعات کذب و خلاف واقع ضابطین قوه قضاییه و پرونده سازی به عمل آمده، براساس ماده ۱۴۷ قانون از ادامه پاسخ‌های خود به سؤالات بعدی رئیس دادگاه خودداری و سکوت کردم و لایحه اعتراضی خود را به پیوست تصویر نامه مورخ ۹۱/۴/۲۵ به رئیس قوه قضاییه<sup>۱</sup> (با توجه به سیاسی بودن جرم و تصریح اصل

۱۶۸ قانون اساسی مبنی بر عدم صلاحیت دادگاه انقلاب برای رسیدگی به جرائم سیاسی و صلاحیت دادگاه عمومی جهت رسیدگی به این نوع جرائم به شرط برگزاری علنی و با حضور هیئت منصفه) جهت ضبط در پرونده به دادگاه تحویل داد.<sup>۱</sup>

### ب: متن لایحه اعتراضی به اتهامات مطرح شده از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب

متن مکتوب لایحه اعتراضی اینجانب به شرح زیر بود:

به نام خداوند بخشنده مهربان - رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی منخرج صدق واجعل لی من لدنک سلطاناً نصیراً<sup>۲</sup>

ریاست محترم دادگاه انقلاب شعبه ۱۵

نظر به اینکه اتهامات مطروحه در کیفرخواست پرونده کلاسه شماره ۱۱۱۵۴/۸۸/ط د مربوط به فعالیت سیاسی اینجانب در نهضت آزادی ایران است و مطابق اصل ۱۶۸ قانون اساسی و قانون احزاب رسیدگی به جرائم سیاسی بایستی به صورت علنی با حضور هیئت منصفه و در محاکم دادگستری صورت گیرد، لذا دادگاه حاضر به نظر اینجانب صلاحیت رسیدگی به این اتهامات را ندارد و دلایل تفصیلی حقوقی آن را در صورت مقتضی وکلای محترم اینجانب ارائه خواهند داد.

شایان ذکر است که در پرونده مذکور به جای ارائه دلایل بازداشت اینجانب در ۱۲ آبان ۱۳۹۰ که به اتهام امضای نامه ۱۴۳ نفر به آقای سیدمحمد خاتمی رئیس جمهور سابق کشور انجام شده است و بر خلاف قانون حدود ۷ ماه بنده را در شرایط سلولهای بازداشتگاه ۲۰۹ وزارت اطلاعات بازداشت کردند، پرونده‌ای پراکنده با عنوان کلاسه بازداشت ۲۶ خرداد ۱۳۸۸ به این دادگاه ارائه شده است، پرونده‌ای که

۱. بنگرید به پیوست ۱۸، گزارش دادگاه انقلاب شعبه ۱۵ مورخ ۹۱/۶/۲۷

۲. پروردگارا، مرا (در هر امری) با شایستگی وارد کن و به شایستگی خارج کن و مرا از جانب خود منطقی مسلط و پیروزی آور عطا فرما (اسراء - ۸۰)

بازپرس آن آقای حیدری فر<sup>۱</sup> در آخرین جلسه بازپرسی در سال ۱۳۸۸ با حضور وکیل اینجانب سرکار خانم غیرت گفتند که مسئله‌ای نیست و آن را مختومه اعلام کردند. به علاوه در این پرونده به نام مورخ ۹۱/۴/۲۵ اینجانب به رئیس محترم قوه قضاییه در این خصوص که رونوشت آن برای تعدادی از مقامات مسئول از جمله وزیر محترم اطلاعات و دادستان محترم تهران نیز ارسال شده است و برای مزید استحضار دادگاه محترم مجدداً یک نسخه از آن را تقدیم می‌کنم نیز توجهی نشده است.

طرفه آنکه پس از بازداشت سال ۸۸ و دستور مقامات وزارت اطلاعات متعاقب دو نوبت احضار اینجانب و چند تن از اعضای شورای مرکزی نهضت آزادی به دفتر پیگیری وزارت اطلاعات، از آذر ماه ۱۳۸۸ فعالیت قانونی، علنی و مسالمت‌آمیز نهضت آزادی ایران متوقف شده است.

معلوم نیست در شرایط حساس کنونی کشور هدف از طرح مجدد اتهام عضویت در نهضت آزادی ایران چیست؟ حزبی که به استناد اصل ۲۶ قانون اساسی، قانون احزاب و نامه وزارت کشور در سال ۱۳۸۰ به دادگاه انقلاب قانونی ولی به علت عدم صدور پروانه غیر رسمی اعلام شده است. حزبی که در سال ۱۳۴۰ توسط مرحومان سید محمود طالقانی، مهندس مهدی بازرگان و دکتر یدالله سبحانی و چند تن دیگر تأسیس شد و همواره به استناد آیه محکم قرآنی «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»<sup>۲</sup> همواره در راستای

۱. نشریه *ندای آزادی* در تاریخ سه‌شنبه ۲۸ شهریور ۱۳۹۱ ضمن اطلاع رسانی خبر مربوط به برگزاری دادگاه غیرعلنی در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب نوشت: شایان ذکر است که قاضی علی‌اکبر حیدری‌فر در ماه‌های اخیر به اتهام تیراندازی به سوی مردم، تخریب احوال، جرایم امنیتی و از جمله حمل سلاح گرم، قاچاق عتیقه و نگهداری مواد مخدر بازداشت شده است.

۲. ترجمه: باید جمعی میان شما باشند که دیگران را به نیکی‌ویی فراخوانده و به رفتار نیک واداشته و از ناپسند بازدارند، و آنان رستگارانند. (آل عمران - ۱۰۴)



فریضه الهی امر به معروف و نهی از منکر برای تأمین آزادی و حقوق اساسی ملت ایران از جمله کرامت و حقوق بشر تلاش نموده است.

مستندات بازداشت‌های اینجانب در سال‌های ۶۷، ۶۹، ۸۰، ۸۸ و ۹۰ که همواره نقش ایذایی داشته‌اند نیز به وضوح نشان می‌دهند که جز اظهار نظر مشفقانه برای اجرای قانون و پاسداری از اصول و آرمان‌های اصیل انقلاب و انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر نبوده است. اصولی که در آیات محکم قرآن، سخنان پیامبر(ص) و ائمه علیهم‌السلام و همچنین اصل ۱۰۸ قانون اساسی مورد تأیید قرار گرفته است.

بنده با توجه به سوابق خدمات خود در سال‌های قبل و بعد از انقلاب و احساس تعهدی که نسبت به پاسداری از اصول و آرمان‌های اصیل انقلاب و منافع و مصالح ملی دارم اظهار نظر در خصوص مطالب پرونده‌ای که وجاهت قانونی و حقوقی ندارد و اراده‌ای امنیتی آن را تنظیم کرده و نتیجه آن از پیش مشخص گردیده است را به مصلحت نمی‌دانم و وکلای بنده نیز دفاعی نخواهند داشت. در چنین شرایطی بنده چون گذشته همواره به خداوند سمیع و علیم توکل خواهم داشت که «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»<sup>۱</sup> با احترام - محمد توسلی

### ج: در حاشیه دادگاه

پس از اعلام سکوت قانونی در مقابل سؤالات کاملاً کذب و خلاف واقع قاضی صلواتی که شبیه بازجویی بود، فرصتی فراهم شد تا ضمن یادآوری چند نکته به آقای نوریانی (نماینده دادستان) از ایشان خواستم به آقای دادستان بگویند که بنده با دو نامه برای شما از بازداشتگاه ۲۰۹ اوین درخواست کردم یا مرا احضار کنید یا نماینده‌ای به زندان بفرستید تا به وضعیت من در زندان که خلاف قانون رفتار و نگهداری می‌شوم، رسیدگی شود. چرا ایشان به این دو درخواست بنده پاسخی ندادند؟ همچنین در خصوص شکایت از آقای حسن رحیم‌پور ازغدی که طی نامه‌ای در دوم دی ۱۳۸۸

۱. ترجمه: هر که به خداوند توکل کند خدا برایش کافی است (الطلاق - ۳)

برای آقای دادستان ارسال شد و - حضوری نیز یک نسخه به ایشان دادم و قول رسیدگی دادند، پرسند که این شکایت چه سرنوشتی یافت؟ نامبرده در سخنرانی خود که روز سه‌شنبه ۲۴ آذر ۸۸ از شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی پخش شد در حالی که از روی کتابی می‌خواند، اظهار داشت: «شش عضو کابینه دولت موقت بازرگان از CIA پول می‌گرفتند و مستقیماً با جاسوس‌های آمریکایی رابطه داشتند. وی از دکتر ابراهیم یزدی، مهندس عباس امیرانتظام و دکتر صادق طباطبایی (سخنگوی دولت موقت) و بنده به‌عنوان نمونه‌هایی از این افراد نام برد ولی از مرحومان مهندس بازرگان و دکتر یدالله سجابی نام نبرد. پیامد چنین اظهارات واهی و نسبت دادن این اتهامات سنگین، این شبهه را در اذهان عمومی تقویت می‌کند که همه کسانی که در دیپلماسی انقلاب و مذاکرات سال ۱۳۵۷ با نمایندگان آمریکا مذاکره کرده‌اند از جمله رهبر فقید انقلاب و برخی اعضای شورای انقلاب که در مذاکرات شرکت داشته‌اند جاسوس آمریکا هستند! بنابراین انقلاب اسلامی ایران ثمره کار بیگانگان به ویژه آمریکاست؛ ادعایی که در مدت ۳۰ سال گذشته سلطنت‌طلبان و مخالفان نظام جمهوری اسلامی کو شیده‌اند آن را اثبات کنند و آقای رحیم پور از غدی آن را مستندسازی کرده‌اند!

آقای نوریانی پاسخ دادند: پرونده آقای رحیم پور از غدی در قوه قضاییه مورد رسیدگی قرار گرفته و ایشان تبرئه شده‌اند.

به ایشان گفتم: به این ترتیب روشن می‌شود از نظر قوه قضاییه جمهوری اسلامی کسانی که این قبیل سخنان را در مجامع عمومی بیان می‌کنند و به چنین اتهامات سنگین و خلاف واقع دامن می‌زنند، خطایی مرتکب نشده و باید زود تبرئه شوند اما در مقابل، امضاکننده نامه به رئیس‌جمهور سابق کشور که مشفقانه کو شیده با هدف ارتقاء امنیت ملی و افزایش مشارکت عمومی در انتخابات چاره‌جویی کند بایستی ۶/۵ ماه در سلول‌های بازداشتگاه ۲۰۹ اوین نگهداری شود و با این پرونده‌سازی به دادگاه انقلاب احضار شود؟!!

سپس خطاب به قاضی صلواتی گفتم: نتیجه عملی آنچه شما و همکارانتان در وزارت اطلاعات و قوه قضاییه در طول سه دهه گذشته انجام داده‌اید، با مواضعی که آقای پرویز ثابتی (مقام امنیتی ساواک در پیش از انقلاب) در مورد شخصیت‌های تاریخی صد سال اخیر کشور مانند دکتر مصدق، مهندس بازرگان، دکتر علمی شریعتی و نهضت آزادی ایران در خاطرات منتشر شده‌اش به تصویر کشیده، کاملاً هماهنگ است. البته از نیات قلبی و باطنی شما فقط خدای متعال آگاه است اما عمل کرد شما نشان می‌دهد با مواضع و عملکرد آقای پرویز ثابتی هماهنگی دارید!

قاضی صلواتی خطاب به من گفت: شما (نهضت آزادی) براندازید.

در پاسخ چنین توضیح دادم که اولاً وزیر سابق اطلاعات (آقای یونسی) در سال ۱۳۸۰ در مصاحبه‌ای رسمی اعلام کرد که نهضت آزادی ایران برانداز نیست. ثانیاً کمیسیون ماده ۱۰ احزاب وزارت کشور که مسئول قانونی احزاب است در سال ۱۳۸۰ طی نامه‌ای به دادگاه انقلاب نوشت که نهضت آزادی حزبی قانونی و ملی غیر رسمی است که برای آن پروانه صادر نشده است. و بالاخره چون از واژه برانداز استفاده کردید اجباراً خدمت شما عرض کنم من دوران جوانی خود را در ایران و خارج از کشور در اروپا، آمریکا و خاورمیانه وقف زمینه‌سازی برای این انقلاب کرده‌ام و در سال‌های پیش و پس از انقلاب در مدیریت انقلاب سهمی داشته‌ام و قریب ۵۰ سال از عمر خود را صرف ارائه خدمات کارشناسی و مدیریتی صادقانه و با امانت به کشور کرده‌ام. بنابراین دلسوزیم برای ایران و این انقلاب کمتر از نوع شماها نیست؛ به ویژه که با تمام محدودیت‌ها و فشارهایی که در این سه دهه بر من و خانواده‌ام گذشته، همچنان در ایران مانده و به خدمات خود ادامه داده‌ام. و به این ترتیب جلسه دادگاه در ساعت ۱۲/۳۰ خاتمه یافت.<sup>۱</sup>

۱. بنگرید به پیوست ۱۸ (گزارش دادگاه انقلاب شعبه ۱۵)

### د: صدور حکم محکومیت از سوی رئیس شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب

پس از چند روز سرانجام قاضی صلواتی در ۱۳۹۱/۷/۳ با صدور رأی، مرا به عنوان تنها عنصر فعال و سازمان دهنده گروهک غیر قانونی نهضت آزادی ایران در مواردی همچون نشر اکاذیب، تشویش اذهان عمومی، القاء ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی و دولت مستقر از طریق انتشار اخبار، تحلیل، مصاحبه و اطلاعیه در سایت نهضت آزادی ایران و تقابل آشکار با اقدامات و اظهارات و مواضع رسمی مسئولین نظام، مسئول شناخت و اقدامات را موجب خدشه به امنیت ملی اعلام کرد.

او در رأی خود چنین نوشت: «... با عنایت به گزارشات وزارت اطلاعات و اقراریه ضمنی و بعضاً اظهارات بلاوجه وی و عملکرد وی در گروهک غیر قانونی نهضت آزادی و به عهده داشتن رئیس دفتر سیاسی و اداره تشکیلات گروهک و مسئولیت وی در صدور بیانیتهای منتشره و مصاحبههای متهم با رسانه‌های مختلف و تلاش در راستای براندازی نظام در ادوار گوناگون و سوابق سوء متهم و عملکرد مشارالیه در سی سال گذشته و نقش محوری در صدور و انتشار نامه‌های سرگشاده و اداره سایت میزان خبر و انجام مصاحبه و نگارش مقاله علیه نظام جمهوری اسلامی ایران ضمن رد ایراد وارده بر صلاحیت دادگاه توسط متهم و وکیل مدافع، با توجه به مفاد کیفرخواست صادره و عناوین اتهامی و اینکه رسیدگی به آنها با استناد ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در صلاحیت ذاتی دادگاه انقلاب اسلامی می‌باشد.

با توجه به مجموعه عملکرد متهم و اداره نمودن تشکیلات گروهک غیر قانونی نهضت آزادی توسط نامبرده پس از استعفای دبیرکل و تشخیص عنوان بزه انتسابی با دادگاه و عدم التزام دادگاه در رسیدگی به عنوان اتهامی مندرج در کیفرخواست، لذا اتهام وی به نظر دادگاه در حد اداره نمودن تشکیلات غیر قانونی نهضت آزادی محرز و مسلم است. لذا با عنایت ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی و مستنداً به مواد ۴۹۸ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی نامبرده را در مورد اتهام ردیف اول (اداره نمودن تشکیلات

گروهک غیرقانونی نهضت آزادی) به تحمل ده سال حبس تعزیری و در مورد اتهام ردیف ب (فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی) به تحمل یک سال حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت قبلی محکوم می‌نماید و توجهاً به عملکرد نامبرده در مخالفت با نظام جمهوری اسلامی ایران به استناد ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی به - عنوان متمیم حکم تعزیری، نامبرده را به مدت ۵ سال از هرگونه فعالیت حزبی و گروهی و مطبوعاتی و رسانه‌ای در فضای مجازی محکوم می‌نماید. حکم صادره حضوری و پس از ابلاغ ظرف مدت ۲۰ روز قابل تجدید نظر خواهی در محاکم تجدیدنظر استان تهران است.» رئیس شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب و دادرس دادگاه عمومی تهران صلواتی ۱۹۱/۷/۳



فصل هفدهم:

محکومیت در دادگاه تجدیدنظر





## الف: اعتراض به حکم شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران و ارجاع پرونده به دادگاه تجدیدنظر

پس از صدور حکم از سوی قاضی صلواتی (رئیس شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران) در ۱۳۹۱/۷/۳ و با توجه به اینکه این حکم ظرف مدت ۲۰ روز از زمان ابلاغ، قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم تجدید نظر استان تهران بود، چون حکم صادره را غیر عادلانه و فاقد مبانی حقوقی و اخلاقی و دیکته شده از سوی دستگاه‌های امنیتی می‌دانستم در مقام اعتراض و تجدیدنظرخواهی برآمدم و به این ترتیب پرونده اینجانب به شعبه ۵۴ دادگاه تجدید نظر استان تهران ارجاع شد. معنی ارجاع پرونده به دادگاه تجدید نظر آن بود که تا زمانی که این دادگاه تصمیم نگیرد، محکومیت دادگاه بدوی قطعی نیست.

پیش از این توضیح داده شد که در آبان ۱۳۹۰ به اتهام بی‌اساس فعالیت تبلیغی علیه نظام دستگیر شده و پس از تحمل نزدیک ۷ ماه حبس، دادگاه بدوی (شعبه ۱۵) مرا به ۱۱ سال حبس تعزیری و ۵ سال محرومیت از فعالیت‌های حزبی، تشکیلاتی و مطبوعاتی محکوم کرده و من با قرار وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی آزاد شده بودم.

### الف: ۱ - ارسال یادداشت به رئیس دادگاه تجدید نظر استان تهران

تقریباً یک ماه پس از صدور حکم دادگاه بدوی، یادداشتی در ۸ صفحه خطاب به رئیس دادگاه تجدید نظر استان تهران نوشتم و همچنان منتظر تصمیم و رأی دادگاه

تجدید نظر و لغو حکم دادگاه بدوی بودم. در اینجا برای آگاهی علاقه‌مندان و ثبت در تاریخ متن یادداشت خود را عیناً می‌آورم:

باسمه‌تعالی - لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوِّءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ (نساء - ۱۴۸)

ترجمه: خداوند بانگ برداشتن به سخن بد را دوست ندارد، مگر از جانب کسی که مورد ستم قرار گرفته باشد.

ریاست محترم دادگاه تجدید نظر استان تهران - با سلام و احترام، در مقام اعتراض و تجدیدنظرخواهی از حکم صادره از شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران به ریاست آقای صلواتی مبنی بر ۱۱ سال حبس و ۵ سال محرومیت از حقوق اجتماعی، دفاعیاتی را وکلای محترم تقدیم می‌کنند که امید است مورد توجه و رسیدگی قرار گیرند. لیکن اینجانب نیز جهت روشن‌تر شدن ابعاد دفاعیات مطروحه و نیز کیفیت رأی صادره، بنا بر وظیفه‌ای که احساس کرده‌ام، متن حاضر را که اشاره به جنبه‌هایی دیگر از حکم یاد شده دارد به پیوست لایحه وکلای محترم ارائه می‌کنم:

همان‌گونه که قابل پیش‌بینی بود، شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب حکمی فاقد مبانی حقوقی، اخلاقی و حتی فقهی را که صرفاً بر اساس اراده مقامات امنیتی دیکته شده، صادر کرده است که فارغ از موارد کذب که در آن قید شده است، بیشتر شبیه یک بیانیه سیاسی در تقابل با مواضع و عملکرد «سی ساله» پس از انقلاب نهضت آزادی ایران می‌باشد و حتی می‌توان گفت که نوعی، انتقام‌جویی تاریخی از کارنامه ۵۰ تا ۷۰ ساله بنیان‌گذاران شریف و اعضای آن، به ویژه زنده‌یادان مهندس مهدی بازرگان، آیت‌الله سیدمحمود طالقانی و دکتر یدالله سبحانی محسوب می‌شود. بنده اگر چه در دادگاه بدوی، به علت عدم صلاحیت قانونی و ذاتی دادرس و دادگاه، از خود دفاع نکردم و مراتب را در نامه‌ای به ریاست محترم دادگاه اعلام داشتم و در دادگاه تجدید نظر نیز در همان راستا امیدی به اثرگذاری بر رأی دادگاه ندارم، به حکم «معدرتاً المی ربنا» و برای ثبت در پرونده و آگاهی ملت شریف ایران مواردی را ضرورتاً به شرح زیر به استحضار می‌رسانم:

۱. بخش مهمی از مستندات این حکم آنهاست که در سه دهه گذشته به دفعات در مقاطع مختلف مطرح شده و پاسخ‌های قانونی و اصولی در همان مواقع ارائه شده است. آنها هاتی از قبیل «غیر قانونی بودن فعالیت نهضت آزادی»، «مطالب برگرفته از نامه منتسب به امام خمینی»، «ارتباط با بیگانگان»، «ارتباط با گروه‌های معاند و ضد انقلاب»، «نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی»، «براندازی نظام» و ... که تماماً بی‌اساس، واهی و ساخته و پرداخته ذهن کسانی است که می‌خواهند با تحمیل نوعی رادیکالیسم ساختارشکن، استراتژی و خط مشی و فعالیت قانونی، علنی و مسالمت‌آمیز و گفتمان نهضت آزادی ایران را که در راستای تحقق مطالبات تاریخی ملت ایران از انقلاب مشروطیت، نهضت ملی ایران و انقلاب اسلامی سال ۵۷ و پاسداری از اصول و آرمان‌های اصیل انقلاب و جلوگیری از نقض مکرر اصول قانون اساسی پیگیری شده است، مخدوش نشان دهند. این‌که آنان چنین کارهایی را با چه نیتی انجام می‌دهند. موضوعی نیست که مورد توجه متقاضیان باشد. لیکن، بدیهی‌ترین پیامد آن تهدید واقعی امنیت ملی و افزایش شکاف دولت - ملت و تشدید تضادهای درونی و بیرونی حاکمیت خواهد بود. در اینجا نیازی به بازگو کردن جزئیات نمی‌بینم، زیرا در مدافعات مربوط به دادگاه‌های سال ۱۳۸۰ به تفصیل آمده است. برای روشن‌تر شدن ابعاد این مسأله، متن کامل دفاعیات حقوقی و سیاسی اعضای نهضت آزادی ایران را که در مرداد ۱۳۸۱ برای بررسی دیوان عالی کشور و قضات دادگاه تجدید نظر ارسال شده است به پیوست تقدیم می‌کنم. ضمناً در خصوص نامه منتسب به رهبر فقید انقلاب که به استناد آن، غیرقانونی بودن فعالیت نهضت در حکم صادره توجیه شده است، مطالب زیر را به توضیحات مندرج در دفاعیه سیاسی سال ۱۳۸۱ اضافه می‌نمایم. نامه مورد استناد، برابر نص صریح و صیت بنیانگذار جمهوری اسلامی فاقد اعتبار است زیرا در وصیت‌نامه ایشان تأکید شده هر سندی که پس از درگذشت‌شان به ایشان نسبت داده شود، تعلق خط و امضای آن باید مورد تصدیق کارشناسان قرار گیرد. به موجب اظهارات مکرر آیت‌الله سیدحسین موسوی تبریزی (دادستان کل دادگاه‌های انقلاب اسلامی)، مرحوم حاج سیداحمد

خمینی در سال ۱۳۶۸ در حضور آقای محتشمی (وزیر اسبق کشور) اظهار داشته است که این نامه به خط ایشان (مرحوم سید احمد آقا) است.

۲. بخش دیگری از اتهامات مطروحه مرتبط با حضور و شرکت در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ است که در آن نهضت آزادی ایران از مردم دعوت کرد با استفاده از حق مسلم قانونی خود در انتخابات شرکت کنند و به یکی از دو نامزد اصلاح طلب (آقایان مهندس میرحسین موسوی و حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی کروبی) رأی دهند. آیا این اقدام خلاف قانون و مصالح و منافع ملی بوده است؟

در روز ۲۶ خرداد ۱۳۸۸، بر اساس حکم شماره ۲۹۱۸۸/م/۲۰ مورخ ۸۸/۳/۲۰ (یعنی دو روز پیش از برگزاری انتخابات که حکایت از برنامه‌ای از پیش تنظیم شده دارد) به امضای دادستان وقت تهران (آقای سعید مرتضوی) اینجانب را در دفتر کارم در شرکت مهندسین مشاور به اتهام اقدام علیه امنیت ملی و ... بازداشت کردند و ۴۳ روز در زندان اوین در بازداشت انفرادی بودم. بازجویی‌ها شامل دو قسمت اصلی بود: در بخش اول نظرات بنده را درباره نحوه برگزاری انتخابات و مسائل و مشکلات آن به طور شفاهی و مکتوب سؤال کردند. در پاسخ، نظراتم را به طور مستند و علمی منعکس کردم و در اینجا نیازی به تکرار آنها نمی‌بینم. استماع تحلیل شفاهی بنده که ضبط شده است و مرور یادداشت‌ها در دوران بازجویی برای بررسی قضات محترم دادگاه بسیار مفید خواهد بود. بخش دیگری از بازجویی‌ها اختصاص به تهدیدهای مطرح شده داشت. اولین تهدید این سؤال بود که «اگر به همسر و خانواده شما ضربه‌ای وارد شود (نقل به مضمون) چه کار خواهید کرد؟» در راستای این تهدید، یک هفته پس از آزادی بنده، هم‌سرم در یک تصادف شدید با موتور سیکلت، در خیابان دکتر شریعتی، در مقابل خیابان قبا، در حالی که عرض خیابان را طی می‌کردند، مواجه شدند که به خواست و مشیت الهی و به رغم وخامت حال ایشان، نهایتاً خطر اصلی مرتفع شد اما متأسفانه یک کلیه ایشان متلاشی شده و از دست رفت که پیامدهای آن گریبانگیر ایشان و خانواده شده است. دو تهدید دیگر در خصوص اجرای حکم سال ۱۳۸۰ و جلوگیری از خدمات کارشناسی و تخصصی بنده بوده

است که متأسفانه این تهدیدات و فشار بر خانواده نیز به مرور مورد اجرا قرار گرفته‌اند. بازداشت دو دختر و دامادم در سال ۱۳۸۸ و اجرای حکم دو سال زندان خانم مهندس زهرا (لیلا) توسلی و حکم سه سال زندان آقای مهندس محمد (فرید) طاهری قزوینی و ۵ سال حکم تعلیقی همسر ایشان (خانم دکتر سارا توسلی)، بخشی از فشارهای وارد شده بر خانواده بوده است.

در بخش دیگری، مدیر ارشد وقت وزارت اطلاعات، در گفت و گوی ضروری، تصریح کردند که بر پایه تصمیم نظام، نهضت آزادی ایران بایستی منحل شود و هیچ‌گونه فعالیتی نداشته باشد. در غیر این صورت، افراد در عرصه‌های مختلف با تهدید جدی روبرو خواهند شد. پاسخ بنده این بود که با توجه به التزام نهضت آزادی ایران به قانون اساسی که بارها اعلام شده است، چرا این اقدام را از طریق دادگاه صالحه، طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی، انجام نمی‌دهند؟ پاسخ این بود که دادگاه انقلاب در سال ۱۳۸۰ حکم انحلال نهضت آزادی را صادر کرده است. توضیح داده شد که اولاً دادگاه انقلاب صلاحیت ذاتی برای رسیدگی به اتهامات سیاسی را نداشته است. ثانیاً پرونده و کیفرخواست مرتبط به اعضا و علاقه‌مندان نهضت آزادی بوده است و در مورد نهضت آزادی ایران، به عنوان یک شخصیت حقوقی مستقل، پرونده و کیفرخواست جداگانه‌ای مطابق قانون صادر نشده بود. پاسخ این بود که در این زمینه هیچ کار حقوقی بیشتری نمی‌تواند انجام دهند. در همانجا گفته شد که بر طبق اساسنامه نهضت، مرجع انحلال نهضت کنگره آن است. سؤال کردند: «اگر کنگره نهضت آزادی تشکیل شود، شما آماده هستید که در آن جلسه پیشنهاد انحلال نهضت را مطرح کنید؟» گفتم: «بله، بنده مطرح می‌کنم.» پرسیدند: «آیا تضمین می‌کنید که کنگره آن را تصویب کند؟» جواب روشن بنده این بود که خیر، چنین تصمیمی منوط به نظر و تشخیص اعضای کنگره خواهد بود. در ادامه این گفت‌وگو، مشخص شد که تنها راه‌حل باقی مانده تشدید فشار بر اعضای نهضت خواهد بود.

در همین راستا، فشارها و محدودیت‌ها بر اعضای نهضت تشدید شد، به طوری که برگزاری جلسات شورای مرکزی، دفتر سیاسی و هیئت اجرایی کاملاً متوقف

گردید. در آذر ۱۳۸۸، بنده را به دفتر پیگیری وزارت اطلاعات احضار کردند و خواستند که فعالیت دو سایت نهضت آزادی ایران و میزان نبوز متوقف شود. پاسخ بنده، به استناد اساسنامه و آیین‌نامه‌های داخلی نهضت، این بود که بنده چنین اختیاری را ندارم و دفتر سیاسی می‌تواند چنین تصمیمی را اتخاذ کند. به رغم اینکه از مدت‌ها پیش جلسات دفتر سیاسی برگزار نمی‌شد، موافقت کردند که جلسه فوق‌العاده دفتر سیاسی برگزار شود. جلسه دفتر سیاسی در منزل آقای دکتر یزدی تشکیل شد و پس از چند ساعت بحث و تبادل نظر، توقف دو سایت مذکور تصویب و مراتب از طریق اطلاعیه شماره ۲۱۳۱ مورخ ۸۸/۹/۱۲ به وسیله روابط عمومی نهضت آزادی ایران اعلام شد. در قسمت پایانی اطلاعیه آمده است: «... ضمن اظهار تأسف از برخوردهای خلاف قانون حاکمیت در جهت هر چه محدودتر کردن جریان آزاد اطلاعات و اعلام توقف فعالیت سایت رسمی نهضت آزادی ایران و سایت خبری - تحلیلی میزان نتا اطلاع ثانوی، این حق را برای شکایت و پیگیری قانونی از طریق قوه قضاییه برای خود محفوظ می‌داریم.»

پس از مدتی، مجدداً چند تن از اعضای شورای مرکزی و دفتر سیاسی، شامل آقایان دکتر ابراهیم یزدی، مهندس هاشم صباغیان، مهندس ابوالفضل بازرگان، مهندس امیر خرم، مهندس علی اکرمی و اینجانب را تلفنی به دفتر پیگیری وزارت اطلاعات احضار کردند. آقای دکتر یزدی به علت بیماری نتوانستند در جلسه شرکت کنند. در حدود ۵ یا ۶ ساعت بازجویی و گفت و گو با افراد به طور جداگانه و سپس به طور جمعی با حضور یکی از مدیران ارشد وزارت اطلاعات و جمعی از همکاران شان برگزار شد.

مدیر ارشد وزارت اطلاعات انتظار داشتند که این افراد انحلال یا توقف فعالیت نهضت آزادی را اعلام کنند که جملگی به طور جداگانه و در جمع اظهار کردند که چنین اختیاری را ندارند و تنها شورای مرکزی نهضت می‌تواند فعالیت نهضت آزادی را متوقف کند. در آن جلسه، مدیر ارشد وزارت اطلاعات تصریح کردند که نظام با گفتمان نهضت آزادی که فعالیت [اش] قانونی، علنی و مسالمت‌آمیز است، موافق

نیست و آن را براندازی نرم ارزیابی کرده و تحمل نمی‌کند. نظام موافق - حضور گروه‌های رادیکال است که بتواند آنها را سرکوب کند. (نقل به مضمون)

دوباره موافقت کردند که جلسه شورای مرکزی تشکیل شود. این جلسه در روز ۸۸/۱۰/۱۰ در منزل آقای دکتر یزدی برگزار شد. چند روز پیش از آن آقای دکتر یزدی بازداشت شده بودند و جلسه در غیاب ایشان با حضور اعضای شورای مرکزی و دفتر سیاسی از تهران و استان‌ها برگزار شد. پس از چند ساعت بحث و تبادل نظر، توقف فعالیت نهضت آزادی ایران به تصویب رسید و خبر آن در مصاحبه یکی از اعضای شورای مرکزی اعلام شد. شایان ذکر است که در جلسه یاد شده در دفتر پیگیری، از مدیر ارشد وزارت اطلاعات این سؤال مطرح شد که آیا منظور از توقف فعالیت نهضت آزادی صدور بیانیه‌ها و اظهار نظرها با امضای نهضت است یا این محدودیت شامل امضای شخصی افراد نیز می‌شود؟ ایشان تصریح کردند که «افراد با امضای شخصی خود آزادند که فعالیت داشته باشند».

۳. در مهر ۱۳۹۰ و در آستانه انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی، متنی از سوی دوستان جناب آقای سیدمحمد خاتمی (رئیس‌جمهور پیشین) در اختیار ما قرار گرفت تا دوستان ما نیز، در صورت موافقت، آن را امضا کنند. متن نامه که بعداً با ۱۴۳ امضا منتشر شد، برای دعوت به حضور حداکثری مردم در انتخابات و کاملاً در جهت ارتقای امنیت ملی ارزیابی می‌شد. آقای یونسی، وزیر پیشین اطلاعات، نیز در مصاحبه‌ای که در روزنامه‌ها منتشر شد در این باره توضیح داده و اهمیت حضور حداکثری مردم را در انتخابات مورد تأکید قرار داده بودند.

در روز پنجشنبه ۱۲ آبان ۱۳۹۰، بنده را با حکم بازپرس کشیک داد سرای انقلاب (شهید مقدس) در منزل بازداشت کردند، در حالی که چند ساعت پیش از آن برخی رسانه‌ها خبر بازداشت اینجانب را به اتهام «تقلب و جعل امضای افراد» منتشر کرده بودند که جزئیات آن را در نامه مورخ ۹۱/۴/۲۵ به رئیس محترم قوه قضاییه، برای رسیدگی، ارسال کرده‌ام و در این جا از بازگو کردن آنها خودداری می‌کنم. به بهانه امضای نامه به رئیس‌جمهور پیشین که همه امضاکنندگان امضای شان را قبول کرده

بودند و به رغم تهدیدات حضوری و تلفنی، هیچ‌کس حاضر نشد امضای خود را تکذیب کند. بنده را در شرایط سنی و جسمی خاص، به مدت ۶/۵ ماه در سلول‌های بازداشتگاه ۲۰۹ وزارت اطلاعات در زندان اوین محبوس کردند که بخشی از مسائل و مشکلات این دوره در نامه مذکور به رئیس محترم قوه قضاییه آمده است. تصویری از این نامه نیز، برای اطلاع یافتن قضات محترم از برخوردهای غیرقانونی و غیراخلاقی بازجویان در این دوره، به پیوست تقدیم می‌شود.

۴. در بازداشت خرداد ماه ۱۳۸۸، محور اصلی فشار وزارت اطلاعات از جلال و توقف فعالیت نهضت آزادی ایران بود که برخلاف قانون و از طریق تهدید و فشار عملی شد و از آذر ماه ۱۳۸۸ کلیه فعالیت‌های نهضت آزادی ایران عملاً متوقف گردید. اما در بازداشت آبان ماه ۱۳۹۰ که به بهانه امضای نامه ۱۴۳ امضایی صورت گرفت، مأموران وزارت اطلاعات با نگهداری طولانی مدت اینجانب در سلول‌های بازداشتگاه ۲۰۹ نه تنها به دنبال تخریب شخصیت و خواستار استعفایم از عضویت در نهضت آزادی ایران و دادن تعهد مبنی بر سلب حق هرگونه اظهار نظر (اعم از یادداشت و مصاحبه) به نام خودم بودند، بلکه می‌خواستند از عمل کرد پنجاه ساله افتخارآمیز پایه‌گذاران نهضت آزادی ایران و اعضای شریف آن نیز تبری بجویم!! بنده در نامه مورخ ۹۱/۴/۲۵ به رئیس محترم قوه قضاییه، به سوابق تاریخی این‌گونه روش‌ها اشاره کرده و نوشته‌ام: «... در قرون وسطی نیز اصحاب کلیسا از همین روش‌ها برای تغییر عقیده مردم استفاده می‌کردند. آیا در قوه قضاییه جمهوری اسلامی که مدعی اجرای احکام الهی و شرعی است، چنین روش‌هایی مورد پذیرش است؟»

۵. قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران و به طور مشخص دادستان محترم تهران، به جای رسیدگی به بازداشت و نگهداری خلاف قانون بنده به مدت ۶/۵ ماه در سلول‌های بازداشتگاه ۲۰۹ و مجازات ضابطین متخلف، پرونده‌ای با کلاس سه ۸۸/۱۱۵۴/ط/د مربوط به بازداشت سال ۱۳۸۸ - که قبلاً در همان سال، از سوی دادیار آن آقای حیدری‌فر، مختومه اعلام شده بود - با اضافه کردن اوراق پراکنده در آن و



اتهامات کذب، واهی و بی اساس، به سوابق بازداشت و حکم سال ۱۳۸۰ هم نقبی زده است که اجرای آن توسط رئیس قوه قضاییه وقت متوقف شده بود. اینک شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب، به استناد چنین پرونده مخدوشی و صرفاً بر اساس گزارش‌های عموماً کذب مأموران وزارت اطلاعات و فارغ از ادله قانونی اثبات دعوا، رأی خود را که بیشتر شبیه یک بیانیه سیاسی است، بدون ارائه مستندات حقوقی صادر کرده است. مجدداً یادآوری می‌شود که از آذر ۱۳۸۸ کلیه فعالیت‌های نهضت آزادی ایران متوقف شده و امضای نامه مذکور نیز با استفاده از حقوق شهروندی و در راستای فریضه امر به معروف و نهی از منکر انجام شده است.

با توجه به مراتب بالا، در شرایط ح‌ساس کنونی کشور و در آستانه انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای شهر و روستا، معلوم نیست که تشکیل چنین پرونده‌ای سؤال‌برانگیز و چنین حکمی برای یکی از مدیران انقلاب، که بایستی آن را یکی از شاهکارهای عدالت در قوه قضاییه قلمداد کرد! با چه اهدافی دنبال می‌شود؟! فاعتبروا یا اولوالابصار!

۶. در رأی دادگاه همچنین به عضویت در کمیته دفاع از انتخابات آزاد، سالم و عادلانه در کانون مدافعان حقوق بشر استناد شده است. همان‌گونه که استحضار دارند، کانون مدافعان حقوق بشر با اطلاع و در چارچوب مقررات کمیسیون ماده ده قانون احزاب و اصل ۲۶ قانون اساسی به طور علنی و رسمی فعالیت داشت. آیا حضور در چند جلسه کمیته مذکور در آن شرایط خلاف قانون و مصالح و منافع ملی بوده است؟

۷. در جای جای رأی دادگاه، بنده به عنوان عضو بسیار فعال نهضت آزادی ایران و فرد دوم تشکیلات و پس از استعفای آقای دکتر ابراهیم یزدی دبیر کل نهضت آزادی ایران، تنها عنصر فعال و سازمان‌دهنده نهضت آزادی معرفی شده‌ام که کاملاً خلاف واقعیت است. اولاً، با توجه به اینکه فعالیت نهضت آزادی ایران در سال‌های اخیر، به ویژه پس از آذر ماه ۱۳۸۸، به طور کامل متوقف شده است، این مطالب کاملاً واهی و بی اساس بوده و توهمی بیش نیست! ثانیاً، استعفای آقای دکتر ابراهیم یزدی که در شرایط بازداشت در خانه امن وزارت اطلاعات اخذ شده است، علمی‌الاصول

بایستی در شورای مرکزی نهضت آزادی، که ایشان را انتخاب کرده است، مطرح شود و مورد تأیید قرار گیرد که تاکنون چنین جلسه‌ای برگزار نشده است.

۸. مروری بر بیش از دو هزار بیانیه و اطلاعیه نهضت آزادی ایران در سال‌های پس از انقلاب ۵۷ که به صورت لوح فشرده قابل دسترسی است، به وضوح نشان می‌دهد که همواره بر پایه فریضه امر به معروف و نهی از منکر با اظهار نظر مشفقانه و خیر خواهانه به رسالت آگاهی بخشی در چارچوب قانون اساسی عمل شده است. نهضت آزادی، با تأکید بر «جنگ حجت»، از «جنگ قدرت» در شرایط جامعه غیر دموکراتیک پرهیز نموده، با پیگیری مطالبات تاریخی ملت ایران که در اصول و آرمان‌های اصیل انقلاب سال ۵۷ نیز تبلور دارد، برای تحقق آزادی، حاکمیت ملت و حقوق بشر که در آن، عدالت و نیازهای طبیعی انسان نیز لحاظ شده است به صورت قانونی، عدلی و مسالمت‌آمیز و با تأکید بر اصلاحات تدریجی، در راستای مصالح و منافع ملی عمل کرده و هرگز به خشونت، براندازی و ... توصیه نکرده و همواره بر «گفت‌وگو» و «تفاهم» و «وفاق ملی» تأکید نموده است. بنابراین، اتهامات مطروحه در این حکم درباره اینجانب و نهضت آزادی ایران خلاف واقع، واهی و بی اساس است. قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (بقره - ۱۱۱) «بگو اگر راست می‌گویید دلیل نشان (مستنداتتان) را (براساس بیانیه‌ها و اطلاعیه‌های منتشر شده) بیاورید.»

قضات محترم دادگاه تجدید نظر - صدور چنین حکم ناعادلانه‌ای برای بنده که سوابق خدماتم در سال‌های قبل و بعد از انقلاب بر کسی پوشیده نیست و در طول بیش از ۵۰ سال با صداقت و امانت به مردم و کشور عزیزم ایران خدمت کرده، به اصول و آرمان‌های اصیل انقلاب پایبند بوده، همواره به قانون اساسی التزام داشته و انگیزه‌ای جز انجام وظیفه دینی و اجتماعی نداشته‌ام، در شرایط حساس کنونی کشور موجب تشدید بحران‌ها، انسداد بیشتر جامعه و سرخوردگی و ناامیدی بیشتر مردم، به ویژه نسل جوان می‌شود و پیامد آن بهره‌برداری بیگانگان و دشمنان نظام و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ بوده، در تعارض با مصالح و منافع ملی ارزیابی می‌شود. عمل کرد ما و دوستانمان پس از انقلاب و گزینش راهبرد جنگ حجت و نه جنگ قدرت حکایت از

عدم تمایل نهضت آزادی ایران در دستیابی به قدرت سیاسی در شرایط غیردموکراتیک دارد و اینجانب، در این سن و سال، نه هراسی از رفتن به زندان و نه دغدغه‌ای برای از دست دادن موقعیت و مقامی دارم.

نگرانی و اعتراض من به حکم صادره از این روست که چگونه می‌شود فردی در مقام قاضی بدون هیچ بررسی دقیق و صرفاً با اعتماد به گزارش‌های مأموران امنیتی، در حکمش مواردی سراسر کذب را اعلام کند و خود را ملزم به پاسخ‌گویی مسئولانه و التزام به هیچ قانونی نبیند؟ چگونه است که در این حکم به انجام مصاحبه و نگرارش مقالات تند و هتاکانه نسبت به نظام اشاره می‌شود اما حتی به یک مورد از بیازیه‌های نهضت آزادی ایران یا مقالات و مصاحبه‌های اینجانب که مضمون هتاکانه یا ساختارشکن داشته باشد اشاره نمی‌شود؟!

چگونه است که در حکمی با این درجه از اهمیت با صراحت قید می‌شود که «مشارالیه (یعنی بنده) در طی بازجویی‌ها، به بسیاری از نقاط منفی عملکردش در حوزه تضعیف نظام اذعان نموده و با ابراز ندامت و تأسّف و همچنین اعلام آهادگی برای جبران مافات، تعهد می‌نماید که در صورت آزادی، حاضر است با مجاب نمودن سایر اعضا با برگزاری کنگره‌ای انحلال گروهک نهضت آزادی را اعلام نماید»، اما دادگاه خود را ملزم به اخذ سند از مأموران امنیتی ندیده، صرفاً به ارائه گزارش این افراد کفایت می‌کند؟

من از این ناراحت و نگرانم که در حکم صادره به وضوح مراتب کذب، ثبت شده و اعلام می‌گردد که در جلسه دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران مشی براندازی تصویب شده و جملات و عباراتی به دبیرکل و سایر اعضا نسبت داده می‌شود، اما سندی برای اصالت این سخنان طلب نشده و در پرونده قید نمی‌شود. حتی قاضی محترم نیازی به رجوع به عملکرد و سوابق علنی نهضت آزادی ایران که سال‌ها نسبت به روش‌های براندازانه نقد داشته و معترض بوده است، نمی‌بیند. آیا این نحو عملکرد رئیس شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به گزارش‌های وزارت اطلاعات، که جزیی از بدنه دستگاه اجرایی

کشور محسوب می‌شود، نقض اصل تفکیک قوا نبوده و حکایت از مداخله آشکار قوه مجریه در قوه قضاییه ندارد؟

زنه‌یاد مهندس بازرگان در دادگاه نظامی دوران شاه در سال ۱۳۴۳ اعلام کرد: «ها آخرین گروهی هستیم که با زبان قانون با شما سخن می‌گوییم.» امروز نگرانی‌ها، که برای برپایی نظام جمهوری اسلامی ایران سال‌ها تلاش کرده‌ایم و پس از انقلاب نیز از جمله مشوقان و مروجان اندیشه اصلاحات تدریجی و در چارچوب قانون بوده‌ایم، این است که مبدا صدور چنین احکامی موجب اقناع مخالفان عملکرد حاکمان ناصالح به ناکارآمدی روش‌های اصلاحی و اعتراضات علنی و مسالمت‌آمیز در چارچوب قانون شود و به ایجاد بن‌بست و رسیدن به نقطه غیرقابل بازگشت انجامد و گرنه چه باک از زندان و حبس و حصر. در روزگاری که عزیزترین فرزندان این مملکت در حبس و حصر به سر می‌برند و امکانی برای مشارکت در سرنوشت سیاسی و ابراز آزاد عقیده وجود ندارد، معلوم نیست که زندان در کدام سوی دیوارها معنا می‌گیرد.

با توجه به مراتب بالا و این که حکم صادره نه تنها هیچ ارتباطی با عمل کرد اینجانب و سایر اعضای نهضت آزادی ایران نداشته و ندارد، بلکه به‌زعم و گفتار صریح آقایان امنیتی در راستای قلع و قمع و تخریب اندیشه، منش و گفته‌های نهضت آزادی ایران و مشی اصلاحات تدریجی، مسالمت‌آمیز و در چارچوب حقوق بنیادین ملت به شرح مندرج در قانون اساسی قرار دارد، و به منظور نجات انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و حفظ اعتبار و مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران که بر پایه آرمان‌های آزادی، استقلال، تحقق حقوق و حاکمیت ملت و ارائه قرائتی اخلاقی و عقلانی از مبانی دین مبین اسلام بنیان یافت، درخواست می‌کنم که حکم صادره از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب نقض و حکم برائت اینجانب صادر گردد یا پرونده طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی به یک دادگاه عمومی، علنی و با حضور هیئت منصفه ارجاع شود. در پایان توجه قضات محترم دادگاه تجدید نظر را به آیه شریفه زیر جلب می‌کنم: وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ (مائده - ۸) (...د شمنی

با گروهی (از مردم) به بی‌عدالتی و ادارتان نکنند، عدالت ورزید که به تقوا نزدیکتر است..) محمد توسلی آبان‌ماه ۱۳۹۱

## الف: ۲ - دفاعیات و کلا در دادگاه تجدیدنظر

مقارن با ارسال یادداشت مذکور، وکلای اینجانب (خانم فریده غیرت و آقای ایمان میرزازاده) نیز هرکدام به‌طور جداگانه مطالب تفصیلی خود را به‌عنوان لایحه دفاعیه تنظیم کرده و در ۱۵ آبان ۱۳۹۱ به دادگاه تجدید نظر ارائه کردند.

خانم غیرت در یادداشت چهار صفحه‌ای خود با اشاره به این نکته که اتهام موکل سیاسی بوده و طبق قانون باید در دادگاه کیفری استان و با حضور هیئت منصفه مورد رسیدگی واقع می‌شد، متذکر شد شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب، صلاحیت قانونی جهت رسیدگی را نداشته و متأسفانه این تذکر و ایراد مورد توجه دادگاه قرار نگرفته است. از سویی تکرار مطالب مطروحه در دادنامه و توجه دقیق به مصادیق آن‌ها هم‌گی گویای این حقیقت است که اتهام موکل در هر سه نوبت پیگیری و دستگیری در سال‌های ۸۰، ۸۸ و ۹۰ همان اتهام عضویت در نهضت آزادی و اقداماتی در زمینه همین عضویت بوده، در حالی که محکومیت قطعی موکل در سال ۸۰ اعتباراً هر مختومه را پیدا کرده و رسیدگی مجدد به آن فاقد اعتبار قانونی است. اتهام دوم شامل فعالیت تبلیغی علیه نظام نیز به اعتبار عضویت موکل در نهضت آزادی بوده و لذا از نظر حقوقی، جرم جدا تلقی نمی‌شود و می‌بایست تحت عنوان جرم واحد مورد حکم قرار می‌گرفت. ضمن آنکه اتهام سال ۸۸ منجر به منع پی‌گرد شده و عملی القاعده با عملکرد سال ۹۰ موکل نمی‌تواند ارتباطی داشته باشد. از سویی مجازات محرومیت از برخی حقوق اجتماعی موکل به مدت پنج سال صحیح نبوده، زیرا با اقدامات موکل تناسب نداشته و تعیین چنین مجازاتی دور از عدالت و انصاف حقوقی است. نکته مهم اینکه کلیه سوابق و مدارک پرونده اتهامی حاکی است که هیچ‌گونه دلیل مستدل و مستندی برای اثبات اتهام مخالفت موکل با نظام وجود نداشته و ارائه نشده؛ ضمن آنکه اعضای نهضت آزادی قویاً خود را مقید و پایبند نظام دانسته و این اتهام را

متوجه خود نمی‌دانند. بنابراین اتهام برهم‌زدن امنیت، مصادق ندارد. بنابراین تقاضا دارد موارد اعلامی بررسی شده و حکم برائت موکل صادر گردد.<sup>۱</sup>

اما دفاعیه آقای میرزازاده مفصل‌تر و در ۱۱ صفحه تایپ و تنظیم شده بود. اعتراضات ایشان به حکم صادره از سوی قاضی صلواتی شامل دو بخش (ایرادات شکلی و ایرادات ماهوی) بود. ایشان در بحث ایرادات شکلی ضمن بر شمردن شش مورد مشکلات قانونی بازداشت موقت موکل (که بی‌جهت شش ماه و نیم به طول انجامید)، رعایت نکردن بی‌طرفی از سوی دادرس، نقص ادله اثباتی، عدم صلاحیت دادگاه، نادیده گرفتن مقررات مربوط به تفهیم اتهام، انطباق نداشتن موارد مندرج در تفهیم اتهام با کیفرخواست، عدم رعایت قانون در ضبط احوال و اوراق، القایی بودن پرسش‌ها و عملکرد فراقانونی را به‌عنوان مصادیق بارز ایرادات شکلی بر شمرد و در هر مورد توضیحاتی ارائه داد. ایشان در بخش ایرادات ماهوی پرونده و حکم صادره، در مورد فقدان دو عنصر مادی و معنوی، عدم رعایت اصول و قواعد معتبر کیفری (از جمله نقص اصل برائت و نقص قاعده اعتبار امر مختومه) و نقص اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، نقص اصل شخصی بودن مجازات‌ها مطالبی را متذکر شد و با توجه به ایرادات یاد شده در مراحل تحقیقات مقدماتی و جلسه دادرسی با استناد به بندهای الف، ب، ج، د ماده ۲۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری، درخواست نمود نسبت به نقص دادنامه اعتراضی رسیدگی شود و مطابق مقررات جزایی و اصول مصرحه در قانون اساسی تصمیم شایسته اتخاذ گردد.<sup>۲</sup>

چند روز پس از ارائه یادداشت وکلا به دادگاه تجدید نظر، اینجانب در ۲۲ آبان ۱۳۹۱ با ارسال نامه دیگری به آیت‌الله صادق آملی لاریجانی (رئیس وقت قوه قضاییه) او را در جریان دادرسی پرونده قرار داده و خواهان لغو حکم دادگاه بدوی شدم.<sup>۳</sup>

۱. برگرفته از متن دفاعیه خانم غیرت (وکیل پرونده) در پیوست ۲۰

۲. برگرفته از متن دفاعیه ۱۱ صفحه‌ای آقای میرزازاده (وکیل پرونده) در پیوست ۲۱

۳. بنگرید به پیوست ۱۷

### ب: عقب افتادن برگزاری جلسه دادگاه تجدیدنظر

مدتی گذشت و سال ۱۳۹۱ به پایان رسید اما از برگزاری جلسه دادگاه تجدیدنظر خبری نشد. با شروع سال ۱۳۹۲ فضای اجتماعی - سیاسی کشور همچنان تحت تأثیر برگزاری انتخابات ریاست جمهوری قرار داشت و شاید به همین دلیل مسئولان امنیتی و قضایی صلاح را در آن دیدند جلسه دادگاه تجدیدنظر را به چند ماه پس از انتخابات موکول کنند. البته در تمام این مدت به ویژه مقارن برگزاری انتخابات خرداد ۹۲ وزارت اطلاعات کلیه فعالیتها و رفت و آمدهای مرا تحت نظر داشت و مراقب بود تا به نفع نامزد اصلاح طلبان در انتخابات کمترین فعالیت تبلیغی نداشته باشم. کما اینکه دو روز پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، آقای مهدوی (بازجوی میز نهضت آزادی ایران در وزارت اطلاعات) در ساعت ۱۰/۱۹ صبح روز چهارشنبه ۹۲/۳/۲۲ به تلفن همراه اینجانب زنگ زد و از طریق پیامگیر گوشی، مطالبی را به شرح زیر به بنده متذکر شد:

«سلام علیکم آقای مهندس؛ من تماس گرفتم تذکراتی را به شما بدهم در خصوص انتخابات؛ له یا علیه هیچ کاندیدایی وارد عمل نشوید، بر خورد می شود با شما. چون جواب ندادید پیغام گذاشتم برایتان. مهدوی هستم، خداحافظ.»

در همان روز (چهارشنبه) با برخی دیگر از دوستان آقایان مهندس ابوالفضل بازرگان و مهندس علی اکرمی نیز تماس تلفنی گرفتند و مشابه همان پیام را متذکر شدند. گفتنی است که دو روز پیش از آن و در ساعات پایانی دو شب آقای دکتر محمدرضا عارف با صدور بیانییه، انصراف خود را از نامزدی ریاست جمهوری اعلام کردند و صبح سه شنبه بیانییه آقای محمد خاتمی و جمعی از شخصیتها در حمایت از حسن روحانی منتشر شده بود. در واقع وزارت اطلاعات از بیم حمایت اعضای نهضت آزادی از ایشان و جلوگیری از موج حمایت بیشتر از نامزد اصلاح طلبان اقدام به این گونه تماسهای تلفنی خلاف قانون کرده بود. البته با توجه به

پایان یافتن فرصت تبلیغات انتخاباتی، برای حمایت رسمی بیشتر از آقای حسن روحانی امکانی فراهم نبود.

سرانجام انتخابات ریاست‌جمهوری در ۲۴ خرداد ۱۳۹۲ برگزار شد<sup>۱</sup> و پس از چندی در اواسط تیر ۱۳۹۲ وکیل بنده (ایمان میرزازاده) خبر داد که دادگاه تجدید نظر در ۲۷ شهریور ۱۳۹۲ برگزار خواهد شد.<sup>۲</sup>

در ۴ مرداد ۱۳۹۲ خبرگزاری جرس به نقل از ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران گزارش دادهاشم صباغیان از اعضای شورای مرکزی و فخرالمالدین حکیمی، امیرحسین کاظمی و مجتبی خندان از اعضای شاخه جوانان نهضت آزادی ایران به وزارت اطلاعات احضار شده و تهدید به بازداشت شدند. بازجویان وزارت اطلاعات با توصیف شرایط گذشته، فعلی و آینده کشور، نهضت آزادی ایران را تشکیلی غیرقانونی خوانده و فعالیت اعضای آن را غیرقانونی دانستند. آنان با اشاره به انتخاب رئیس‌جمهور جدید گفتند: «فضای سیاسی کشور همچنان برای فعالیت نهضت آزادی ایران بسته است و هرگونه گردهم‌آیی، دیدار و ارتباط اعضای این تشکل، خلاف است و در صورت تکرار، اعضای نهضت آزادی ایران بازداشت خواهند شد.» آنان همچنین از برگزاری مراسم شب‌های احیا که هر ساله در خانه اعضای این جمعیت از جمله منزل مهندس صباغیان برگزار می‌شد جلوگیری کردند. پیش از این نیز مراسم افطاری این جمعیت در تهران و اصفهان با تهدید بازجویان لغو شده بود.<sup>۳</sup>

۱. یازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری ایران در ۲۴ خرداد ۱۳۹۲ برگزار شد که به موجب آن حسن روحانی با کسب بیش از ۵۰ درصد آراء به عنوان هفتمین رئیس‌جمهور ایران برگزیده شد. محمدباقر قالیباف، سعید جلیلی، محسن رضایی، علی‌اکبر ولایتی و محمد غرضی رقیبان او در این انتخابات بودند.

۲. خبرگزاری ایسنا، سرویس معارف و حقوق - حقوقی و قضایی، کد خبر 92041207307، ۱۵:۱۱ چهارشنبه

۱۲ تیر ۱۳۹۲

۳. پیوست ۲۲



البته به دلیل حضور نیافتن نماینده دادستان در جلسه رسیدگی به پرونده اینجانب در شهریور ۱۳۹۲ در شعبه ۵۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، زمان برگزاری جلسه دادگاه به روز دیگری موکول شد. در هشتم مهر ۱۳۹۲ وکیل اینجانب (ایمان میرزاده) در گفت‌وگو با ایسنا اعلام کرد: حدود ۱۰ روز پیش زمان تشکیل دادگاه تجدیدنظر مهندس توسلی به بنده ابلاغ و از ما و ضابطین پرونده دعوت شد تا در ۲۷ آذرماه در شعبه ۵۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران حاضر شویم.<sup>۱</sup>

### ج: گزارش جلسه دادگاه تجدیدنظر شعبه ۵۴ استان تهران

براساس ابلاغ قبلی جلسه دادگاه تجدیدنظر روز چهارشنبه ۹۲/۰۹/۲۷ در دادگاه تجدیدنظر شعبه ۵۴ استان تهران برگزار شد. ساعت ۹ صبح به اتفاق آقای ایمان میرزاده (وکیل پرونده) به دادگاه انقلاب واقع در خیابان معلم مراجعه کردیم. سرکار خانم فریده غیرت (وکیل قدیمی پرونده) پیش از ما آمده بودند. پس از هدتی انتظار در سالن مقابل دفتر آقای موحد (رئیس دادگاه‌های انقلاب و رئیس شعبه ۵۴ تجدیدنظر) مطلع شدیم که جلسه دادگاه در طبقه دوم برگزار می‌شود و آقای موحد سمتی در این دادگاه ندارند. چند دقیقه پیش از ساعت ۱۰ صبح به داخل سالن اتاق دادگاه تجدیدنظر شعبه ۵۴ راهنمایی شدیم. آقای پورعرب در جایگاه رئیس دادگاه، آقای بابایی (قاضی پرونده سال ۱۳۸۰) به عنوان یکی از مستشاران، آقای خدابخشی به عنوان نماینده دادستان و آقای نویدی به عنوان نماینده امور قضایی وزارت اطلاعات در جلسه حاضر بودند.

پیش از شروع دادگاه صحبت‌های مقدماتی و شخصی بین افراد رد و بدل شد. آقای پورعرب با احترام از خانم غیرت یاد کرد و چند بار از آقای ایمان میرزاده و اینکه داماد خانواده توسلی هستند تقدیر نمود. ضمن گفت‌وگو با آقای بابایی در باره

برخی مسائل شخصی، او گفت: همسر شما در سال ۱۳۸۰ گفتند که هم سرم در همه عرصه‌ها شاگرد اول هستید و در دادگاه شما هم متهم ردیف اول شده‌اند!

حوالی ساعت ۱۰ صبح جلسه دادگاه آغاز شد. آقای پورعرب ابتدا از خانم غیرت خواستند مطالب خود را ارائه دهند. ایشان در اظهارات خود به‌طور خلاصه ۶ محور را مورد تأکید قرار دادند: محور اصلی استدلال ایشان این نکته بود که چون در خصوص اتهام عضویت موکل در نهضت آزادی در سال ۱۳۸۰ رأی صادر شده لذا موضوع مختومه است و مجدداً بابت این اتهام نمی‌توان رأی جدید صادر کرد. محور دوم سخن ایشان در خصوص اتهام تبلیغ علیه نظام بود که گفتند چون کلیه بیانه‌ها و اظهار نظرها از طریق نهضت آزادی بوده لذا بایستی مجموعه آنها با هم مورد توجه قرار گیرند. محور دیگر این‌که پرونده سال ۱۳۸۸ از سوی بازپرس پرونده (آقای حیدری‌فر) مختومه اعلام شده است. در مورد اتهام جعل امضاء شماری از ۱۴۳ تن اشخاصی که در آبان ۱۳۹۰ در حمایت از مواضع آقای سیدمحمد خاتمی نامه نوشته و امضاء کرده بودند و به همین دلیل موکل بنده بازداشت شده‌اند، لازم است این موضوع مورد بررسی قرار گیرد که اصل نوشتن نامه با هدف تأمین زمینه‌ها و شرایط حضور حداکثری مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی بوده است.

سپس آقای میرزازاده (وکیل پرونده) به ابهامات و نقایص متعدد موجود در پرونده تشکیل شده اشاره کردند و تخلفات غیر قانونی انجام گرفته نسبت به موکل خود را برشمردند.

در فرصت بعدی آقای خدابخشی (نماینده دادستان) در پاسخ به دفاعیات خانم غیرت و آقای میرزازاده چند نکته را بیان کردند. از جمله گفتند: موضوع «امر مختومه» مصداق ندارد چون فعالیت نهضت آزادی ادامه پیدا کرده است. همچنین در توجیه حبس متهم به مدت ۶/۵ ماه در زندان ۲۰۹ اظهار داشت: ایشان را در بازداشتگاه ۲۰۹ نگهداری کردیم برای اینکه شئون ایشان را رعایت کرده باشیم تا از سایر زندانیان جدا باشند و ضمناً مجبور نشوند با سایر زندانیان بیانه‌ها را امضاء کنند. دادستان تهران هم توصیه ضابطین وزارت اطلاعات را مورد تأیید قرار داد! آقای نویدی (نماینده امور

قضایی وزارت اطلاعات) از روی یادداشت هواردی را مطرح کرد که عیناً در گزارش‌های ضابطین وزارت اطلاعات و دادنامه آمده بود. از جمله «تشکیل شاخه جوانان در پارک» و گزارش وزارت به بازپرسی مورخ ۹۰/۱۱/۰۹ در ادامه آقای بابایی نیز یک سری موارد که در پرونده آمده بود را از روی نوشته به شرح زیر بازگو کرد:

۱. براندازی در دفتر سیاسی نهضت آزادی

۲. عضویت در کمیته انتخابات آزاد

۳. نامه دوم بیانیه (منظورشان یادداشت ضبط شده از پیک مهندس صباغیان به

هنگام بازداشت در منزل بود)

۴. مدیریت سایت میزان نیوز

۵. امضای بیانیه ۱۴۳ امضایی

۶. نامه به آقای هاشمی رفسنجانی

۷. تشکیل شاخه جوانان در پارک در مهرماه ۸۸

در ادامه و در پایان جلسه، رئیس دادگاه از بنده خواست که صحبت کنم. برای احترام به دادگاه ایستاده صحبت خودم را با این آیه قرآن شروع کردم: *أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ (حدید - ۱۶)* آیا هنگام آن فرا نرسیده که دل‌های مؤمنین به یاد خدا و کلام حقی که نازل شده فروتن شود. از دادگاه تجدید نظر برای فرستی که برای ارائه دفاعیات و کلا و بنده فراهم کرده‌اند سپاسگزاری کردم. سپس در خصوص رکن معنوی، سوابق خانوادگی و شخصی خودم را از دوران دبستان، دبیرستان و دانشگاه و برنامه‌های خارج از کشور در دوران مدیریت انقلاب و مدیریت شهرداری تهران در دو سال اول پس از انقلاب و فعالیت‌های نهضت آزادی و خدمات مهندسی اشاره کردم.

سپس در حدود ساعت ۱۲ آقای بابایی پرسید: نظرتان در خصوص نظام اسلامی و

قانون اساسی چیست؟

به صراحت پاسخ دادم: به اصول و آرمان‌های اصیل انقلاب پایبندم و به قانون اساسی التزام دارم و طبیعی است که اصل ولایت فقیه نیز در قانون اساسی درج شده

است. سپس در مورد سایر اتهامات توضیحاتی دادم. در خصوص فشارهای وزارت اطلاعات در محیط کار شرکت مهندسین مشاور گذرراه به اقدامات حراست سازمان هواپیمایی کشوری و توقف خدمات و گرفتن کلیه قراردادهای موجود شرکت با این سازمان اشاره کردم و گفتم: همه مدیران و کارشناسان سازمان هواپیمایی با چنین اقدامی مخالفت کردند و حتی اقدامات و پیگیری آقای ثروتی (نماینده بجنورد در مجلس شورای اسلامی) در کمیسیون امنیت ملی مجلس در تأیید پرونده حادثه فرودگاه بجنورد که شرکت گذرراه مطالعه کرده و با نظارت این شرکت در حال ساخت بود، فایده نداشت و متأسفانه تلاش‌های ایشان در کمیسیون امنیت ملی مجلس در مدت یکسال به نتیجه‌ای نرسید. علاوه بر این در هفته‌های اخیر حراست شهرداری تهران نیز چنین دستوری را به مناطق شهرداری و سازمان‌های خدماتی شهرداری تهران چون سازمان مشاور فنی و مهندسی و سازمان مهندسی عمران شهر تهران و سازمان حمل و نقل و ترافیک شهر تهران صادر کرده و توضیح دادم که پیامد چنین تصمیماتی واکنش اجتماعی ایجاد خواهد کرد. با توجه به سابقه خدمات ۵۰ ساله بنده و مهندسین مشاور گذرراه به شهر تهران و انتخاب این شرکت به عنوان شرکت مشاور نمونه از سوی سازمان هواپیمایی کشوری در سال ۸۸، آیا پیامد این اقدام علیه امنیت ملی، «تبلیغ علیه نظام» و «تشویش اذهان عمومی» نخواهد بود؟!

جلسه تا ساعت ۱۳ ادامه داشت و پس از امضای صورت مذاکرات که آقای پورعرب تهیه می‌کردند، قرار شد بنده طی لایحه‌ای مجدداً به برخی از پرسش‌ها که فرصت مطرح شدن و یا پاسخگویی پیدا نکردند پاسخ داده و متن آن را، حتی المقدور به صورت دست‌نوشته تا اوایل هفته بعد به دادگاه مذکور ارائه کنم. جمع‌بندی و کلا و بنده از برگزاری این جلسه آن بود که برخورد دادگاه ظاهراً منفی و خصمانه نبود؛ حتی برخورد آقای بابایی که هنوز در فضای دادگاه سال ۸۰ سیر می‌کرد، ملایم‌تر شده بود. طولانی شدن زمان دادگاه (تقریباً سه ساعت) و گوش کردن و مکتوب نمودن دفاعیات را نشانه مثبتی ارزیابی کردیم. آقای نویدی در صحبت خصوصی با آقای میرزازاده، نسبت به مدافعات و واکنش مثبت نشان داد و گفت: کار آقای مهندس درست

است. آقای خدابخشی به‌عنوان نماینده دادستان بیشتر اداری بر خورد می‌کرد. آقای پورعرب هم برخلاف بابایی، با نظر مثبت به صحبت‌ها توجه داشت و یادداشت می‌کرد. در مورد دلیل غیبت آقای موحد در جلسه دادگاه به نظر می‌رسید چون احتمال می‌رفت نظرات آقای بابایی با پورعرب هماهنگ نباشد قرار بود ایشان به‌عنوان نفر سوم اظهار نظر کند. البته باید منتظر اعلام رأی دادگاه می‌ماندیم و پس از آن روند تحولات پرونده را پیگیری می‌کردیم.

به این ترتیب لایحه اعتراضی وکیل بنده همراه سایر مستندات شامل دفاعیات خودم، مکاتبات با مسئولین از جمله ریاست محترم قوه قضاییه، وزیر اطلاعات و نیز بخشی از دفاعیات پرونده سال ۸۰ که حکم نهایی صادره در آن هیچ‌گاه به بنده و وکلایم ابلاغ نشده بود به شعبه ۵۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران مستقر در محاکم انقلاب اسلامی تقدیم گردید. وکیل اینجانب در موضوع ابهامات و عملکرد غیرقانونی در طی تحقیقات خطاب به رئیس و مستشاران شعبه ۵۴ محاکم تجدیدنظر استان تهران نکات حقوقی و مواردی از اقدامات و رفتارهای غیرقانونی بازجویان و مسئولین را در ۱۲ بند در مورد پرونده به شرح زیر به استحضار آنان رساند:

۱. موکل [اینجانب] تا کنون ۲ دفعه در این پرونده در سال‌های ۸۸ و ۹۰ دستگیر شده است. اولین دستگیری در ۱۳۸۸/۰۳/۲۶ صورت گرفت که مدت زمان بازداشت و نگهداری موکل در بند امنیتی، ۴۳ روز بود و نهایتاً موکل پس از ارائه آخرین دفاعیات در خصوص اتهامات منتسبه (تشویش اذهان عمومی، فعالیت تبلیغی و توهین و افترا) در ۱۳۸۸/۰۵/۰۶ آزاد گردید. در طول این دوره بنا به اعلام ضابطین، موکل ۱۳ جلسه بازجویی سنگین داشته، اما صورت‌جلسات بازجویی مضبوط در این پرونده، ۹ جلسه بازجویی را نشان می‌دهد.

۲. در طول دوره بازداشت موقت موکل در بند ۲۰۹ در سال ۸۸ دادیار مسئول پرونده (آقای حیدری‌فر) پرونده را جهت رسیدگی به اعتراض موکل به بازداشتش، هیچ‌گاه به دادگاه انقلاب جهت رسیدگی ارسال نداشته و به این طریق بند ۲ بخش

(ن) ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مد نظر داد یار پرونده قرار نگرفته است.

۳. در دومین بازداشت موکل در سال ۱۳۹۰/۰۸/۱۳ نیز که به دنبال امضای نامه موسوم به ۱۴۳ امضایی خطاب به آقای خاتمی از سوی وزارت اطلاعات و نیز کارشناس/بازجوی پرونده موکل صورت گرفت، با وجود گردش کارهای متعدد و درخواست‌های فراقانون ضابطین از دستگاه قضایی، ابتدایی‌ترین حقوق موکل هیچ‌گاه رعایت نگردید و این موضوع از مکاتبات موجود در پرونده کاملاً واضح و مشخص است که در ادامه لایحه و نیز در جای خود به‌طور مفصل به آنها پرداخته خواهد شد. در خصوص بازداشت موقت موکل، لازم به توضیح است که با وجود مکاتبات متعدد موکل از بند مربوطه، هیچگاه اعتراض مشارالیه به بازداشتش جهت رسیدگی به دادگاه ارسال نشده است. در خصوص موکل به‌طور ویژه در بازداشت دوم، لازم به توضیح است که بخشی از دوران بازداشت موکل بلاجهت و بدون لوازم قانونی آن صورت پذیرفته است که از مصادیق بازداشت غیر قانونی و خود سرانه می‌باشد و می‌تواند موجبات مسئولیت ضابطین و سایر مقامات ذی‌سمت را فراهم نماید (مواد ۵۷۲، ۵۷۴، ۵۷۶ و ۵۷۸ بخش تعزیرات تقصیرات مأمورین و مقامات دولتی) قانون مجازات اسلامی و بند ۱ ماده واحده حقوق شهروندی: «کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می‌باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلاخی شخصی و سوء استفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود.» در خصوص عدم متابعت ضابطین از دستورات و تصمیمات بازپرس، مواردی به شرح ذیل به استحضار می‌رسد:

الف) بازپرس محترم شعبه ۶ داد سرای ناحیه ۳۳، ابتدا و پس از تفهیم اتهام، نظرش بر صدور قرار کفالت (وجه‌الکفاله ۴۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریالی) بوده و این موضوع در برگ معرفی به زندان موکل منعکس است و حضوراً به موکل نیز ابلاغ گردیده اما با وجود تجویز ۱۰ روز انفرادی در زمان معرفی به بازداشتگاه ۲۰۹ از سوی بازپرس،

پس از ۴ روز در تاریخ ۱۳۹۰/۸/۱۸ ضمن ارائه گردش کار، کار شناس/بازجو یک ماه انفرادی برای موکل تقاضا نمود، اما بازپرس صرفاً با ۱۰ روز انفرادی موافقت کرد. بازجو مجدداً بر ۳۰ روز انفرادی موکل (با ۷۴ سال سن) اصرار ورزید و مجدداً گردش کار دیگری را در ۱۳۹۰/۸/۳۰ به بازپرس ارائه داد. بازپرس حاضر نشد تصمیم‌گیری کند و تقاضا کرد معاون دادستان در داد سرای مقدس دخالت و اعمال نظر کند. دادستان نیز پس از ملاحظه پرونده و گردش کار بازجو، در تاریخ ۱۳۹۰/۹/۱ صرفاً با ۷ روز تمدید بازداشت موقت موافقت نمود و تمدید مجدد قرار بازداشت را صرفاً به ارائه دلایل و مستندات از سوی ضابطین منوط کرد.

ب) جالب آنکه تازه در تاریخ ۱۳۹۰/۹/۲، بازپرس بنا به پیشنهاد معاون دادستان در دادسرای مقدس در مورد تشدید قرار پس از حدود ۱۹ روز انفرادی، به تشدید قرار کفالت به بازداشت موقت تصمیم گرفت. در طول این دوران در تاریخ ۱۳۹۰/۹/۹ همزمان با انقضا مدت زمان ۷ روزه تمدید قرار بازداشت، بنا به پیشنهاد و نظر معاون دادستان، قرار بازداشت موقت را تخفیف داد و به وثیقه ۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰ تومانی تبدیل نمود و مراتب را نیز بارها و طی مکاتبات متعدد خطاب به بند ۲۰۹ و زندان اوین اعلام داشت.

ج) فی الواقع مدت زمان بازداشت موقت صادره ۱۳۹۰/۹/۲ لغایت ۱۳۹۰/۹/۹ به مدت یک هفته بوده! اما موکل بیش از ۶ ماه (۱۹۵ روز) را در بند امنیتی ۲۰۹ محبوس بوده است!

د) در تاریخ ۱۳۹۰/۹/۲۶ مسئول اجرای احکام اوین (آقای خدابخشی) نسبت به صدور برگه معرفی به زندان موکل بابت محکومیت ۸ ساله قطعیت یافته در سال ۸۱ اقدام نمود. اما در این مقطع زمانی مشخص نشد که از زمان تبدیل و تخفیف قرار بازداشت موقت از ۱۳۹۰/۹/۹ تا زمان صدور برگه معرفی به زندان موکل در اجرای احکام اوین ۱۳۹۰/۹/۲۶، موکل به چه دلیلی و تحت اوامر کدام مرجع در بند امنیتی ۲۰۹ با شرایط خاص آن بند محبوس بود! مهم‌تر آنکه اجرای احکام در همان روز صدور برگ اعلام محکومیت قطعی موکل (۱۳۹۰/۹/۲۶)، خطاب به بند ۲۰۹ مقرر

کرد موکل در «یوم جاری به زندان اوین اعزام و تحویل گردد» و حتی شعبه ۶ بازپرسی نیز در تاریخ ۱۳۹۰/۱۰/۷ بلامانع بودن انتقال موکل به بند عمومی اوین را اعلام داشت. گویا دستی پنهان تمام تلاش خود را بر ادا همه نگهداری موکل در بند ۲۰۹ متمرکز کرده بود!

ه) این موضوع که چگونه حکم ۸ سال حبس موکل در سال ۸۰-۸۱، قابلیت اجرایی در سال ۹۰ را دارد به خصوص در وضعیتی که نهاد امنیتی با اصرار فراقانونی بر نگهداری موکل در بند ۲۰۹ تا زمان انتخابات مجلس تأکید می‌ورزد، موضوعی محل تأمل است!! پرونده و حکمی که به موجب گزارش کمیسیون اصل ۹۰ در مجلس ششم و نیز دستور صریح آیت‌الله شاهرودی می‌بایست اجرای احکام آن متوقف گردد.

و) بازپرس شعبه ۶ دادسرای شهید مقدس در تاریخ ۱۳۹۰/۹/۲۹ طی یادداشتی به وزارت اطلاعات دستور داد هر چه زودتر گردش کار نهایی را ارسال کند و در ۱۳۹۰/۱۰/۷ نیز بلامانع بودن انتقال موکل به بند عمومی اوین را اعلام می‌دارد.

ز) با وصول گردش کار نهایی در ۱۳۹۰/۱۱/۹ بازجوی محترم از مقام قضایی اشد مجازات را برای موکل درخواست نمود.

ح) با آنکه در ۱۳۹۰/۹/۹ قرار بازداشت موقت به وثیقه تبدیل شد، بازپرس شعبه ۶ دادسرای اوین در ۱۳۹۰/۱۱/۱۱ مقرر داشت قرار بازداشت موقت به زندان و زندانی ابلاغ گردد. علاوه بر اینکه دلیل این تأخیر مشخص نگردید، در همان روز برای تودیع وثیقه با منزل موکل تماس گرفته شد. در ۱۳۹۰/۱۱/۱۲ وثیقه تودیع و قرار قبولی وثیقه صادر گردید و در ۱۳۹۰/۱۱/۱۵ هرچند با تأخیر، صدور قرار قبولی وثیقه به اطلاع بند امنیتی ۲۰۹ رسید و از مسئول بند خواسته شد که زندانی سریعاً آزاد گردد، اما گویا مصلحت بر ضوابط و قانون برتری دارد!

ط) نکته حائز اهمیت آنکه کارشناس و بازجوی پرونده، پس از اطلاع از موضوع، طی گردش کار مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۶ خطاب به بازپرس اعلام کرد که موکل باید پس از انتخابات در بند ۲۰۹ تحمل کیفر نماید! یاللعجب! بازجو قصد اجرای حکم قطعیت



یافته موکل در پرونده سال ۸۰ - ۸۱ را در بند ۲۰۹ در سر دارد. معنی چنین اصراری چیست؟ آیا جز تضعیف و اعمال فشار روحی و روانی بر موکل، هدف دیگری می‌توان تصور کرد؟ جالب آنکه موکل در یادداشت ۱۳۹۰/۹/۳ ضمن بازگویی وضعیت بد جسمی خود از جمله عفونت مثانه‌اش، نسبت به بازداشت خود اعتراض کرده بود. این نامه در ۱۳۹۰/۹/۵ از طریق سازمان زندان‌ها به شعبه ۶ ارسال گردیده و در پرونده موجود است، اما از رسیدگی به اعتراض موکل خبری نیست! با این همه فشارهایی که از سوی نهادهای امنیتی به موکل وارد گردید و بر خلاف اصل ۵۷ قانون اساسی که تصریح کرده: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران ... مستقل از یکدیگرند»، بازپرس شعبه ۶ در مواجهه با تمامیت خواهی و استیلای کارشناس/بازجوی پرونده (که جز ضابط قوه قضاییه چیزی نیست) و در برابر درخواست بازجو در ۱۳۹۰/۱۱/۱۶ مبنی بر تحمل کیفر موکل در بند امنیتی تا پس از انتخابات مجلس، چنین مرقوم می‌دارد: «آزادی نامبرده به اجرای احکام اعلام گردیده؛ چنانچه ادامه حضورش در زندان را به مصلحت می‌دانید، دستور دهید و الاً طبق ضوابط اقدام فرمایید!» آیا مصلحت بر ضوابط و قانون برتری دارد؟!

ی) موکل در تاریخ ۱۳۹۱/۲/۲۵ پس از تحمل ۱۹۵ روز زندان امنیتی ۲۰۹ با شرایط ویژه آن آزاد گردید، اما مشخص نشد چرا تبدیل و تخفیف قرار بازداشت با نزدیک ۲ ماه تأخیر از تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۱ به اطلاع موکل و خانواده جهت تودیع وثیقه رسید؟! آیا قرار بوده ماجرای اجرای حکم ۸۰ - ۸۱، به‌عنوان بهانه‌ای برای ادامه نگهداری موکل در بند امنیتی، سامان پیدا کند و بعد تبدیل وثیقه صورت گیرد تا با وجود تودیع آن، موکل همچنان در اختیار باشد؟! در کجای قانون آمده که محکوم می‌باید با اختیار ضابط، در بند امنیتی با شرایط خاص آن بند کیفر را تحمل کند! این موارد در جای خود می‌تواند برای نظام قضایی و قوه قضاییه فاجعه قلمداد شود!

همه این خودسری‌ها و بی‌قانونی‌ها در حالی صورت می‌گیرد که گویی جای دادستان و مدعی‌العموم با بازجویان و نیز شأن قوه قضاییه با وزارت اطلاعات عوض شده است! در این پرونده به صرف ارائه درخواست کارشناس/بازجو به دستگاه

قضایی، حکم جلب و دستگیری و تفتیش منزل و محل کار صادر شده، بدون رعایت قواعد آیین دادرسی کیفری، اقدام به توقیف اموال و اسناد سجلی موکل و ... کردند و به حرز و محل خصوصی زندگی سایر اعضای خانواده وارد شدند، موکل را بدون داشتن دستور قضایی در بازداشت نگه داشته و برای نظر مقام قضایی و مسئول تحقیق هیچ‌گونه اهمیتی قائل نیستند! انگار نه انگار که تحقیقات باید بر اساس نظارت و راهنمایی‌های مقام تحقیق توسط مأمورین انجام پذیرد! خودسرانه از ابتدا نیت کردند موکل را تا انتخابات مجلس در بازداشت نگهداری کنند و پس از آن نیز از دستگاه قضایی خواسته‌اند حکم سال ۸۰ - ۸۱ موکل را که در آن زمان به سبب عملکردهای خودسرانه و فراقانونی ضابطین متوقف شده بود، به مرحله اجرا در بیاورند! فی الواقع دستور آیت‌الله شاهرودی و نیز گزارش مفصل کمیسیون اصل ۹۰ مجلس فدای درخواست کارشناس/ بازجو گردید! اجرای احکام به منظور خارج کردن موکل از محیط امنیتی، درخواست کرد زندانی به بند عمومی تحویل شود، اما با آن موافقت نشد! بازجو/کارشناس خود را در مقام مدعی‌العموم دانسته و اشد مجازات یا صدور قرار نهایی برای زندانی تقاضا کرد و حتی درخواست نمود قرار ممنوع‌الخروجی صادر شود! گویی در دولت کریمه جای قاضی و قوه قضاییه با کارشناس/ بازجوی یک وزارتخانه به‌طور واقعی عوض شده است. با این و صف بازجو/کارشناس به همین مقدار هم بسنده نکرد و به دفعات از بازپرس انفرادی‌های متعدد (حداقل ۳۰ روزه) را طلب کرد. گرچه بازپرس مخالفت کرد اما حبس انفرادی یک‌هفته یا ۱۰ روز را برای زندانی تجویز نمود. نهایتاً با تبدیل قرار بازداشت موقت به وثیقه، قرار قبولی وثیقه صادر شد اما از موکل خبری نشد و مثل اینکه قرار نبود از موکل خبری شود! سرانجام وثیقه تودیع گردید و برگه صادر شده مبنی بر قبولی وثیقه به بند امنیتی نیز اطلاع‌رسانی شد، اما از آزادی موکل خبری نشد چون اراده‌ای برای این کار نبود. سرانجام در سال ۸۰ - ۸۱ رأی صادر شد که تاکنون هیچ‌کس از سرنوشت آن رأی و نتیجه رسیدگی دادگاه تجدیدنظر به اعتراض‌ها خبری ندارد. بارها از مسئولین به طور کتبی تقاضا شد رأی صادره را ابلاغ کنند یا حداقل برای مطالعه در اختیار ما بگذارند

اما مسئولین اجرای احکام اوین اعلام کردند ابلاغ رأی به مصلحت نیست و دستور دارند رأی صادره به کسی ابلاغ نشود! و به این ترتیب باز هم قانون و ضوابط فدای مصلحت‌ها شد! به یکباره و پس از دستورات بازپرس، بحث اجرای رأی جدی شده، حتی بازجو/کارشناس درخواستی ارائه داده که موکل پس از انتخابات مجلس در بند امنیتی کیفر خود را تحمل کند. انگار نه انگار که کشور قانون دارد... بارها مکاتبه و اطلاع‌رسانی شد که سن موکل ۷۴ سال است و با این کهولت سن، نگهداری طولانی مدت او در بند امنیتی، شرایط جسمی او را وخیم می‌کند. موکل در مکاتبات متعدد با مسئولین بند و نیز بازپرس پرونده، به موضوع بیماری‌های خود و مخصوصاً عفونت مثانه اشاره کرده اما بازجو/کارشناس هنوز برای آزادی مشارالیه اراده‌ای نشان نداده! در حالی که قانون اساسی و قوانین عادی بارها به لزوم رعایت حقوق متهم اشاره کرده و تأکید می‌کنم همه این موارد از سوی ضابطین با جسارت تمام نقض شده است.

۴. موکل در خصوص بازداشت غیر قانونی‌اش بارها از بند ۲۰۹ با دادستان تهران و سایر مقامات مسئول مکاتبه کرده و با آنکه موکل در قالب شق آخر از قسمت (ح) قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب که مقرر داشته «هرگاه متهم موجبات بازداشت را مرتفع ببیند می‌تواند از بازپرس درخواست رفع بازداشت خود را بنماید. در این صورت بازپرس مکلف است ظرف ۱۰ روز از تاریخ تسلیم درخواست، نظر خود را جهت اتخاذ تصمیم نزد دادستان ارسال نماید»، اما در طول مدت بازداشت هیچ‌گاه چنین حقی برای موکل شناسایی نگردید.

۵. در دستگیری دوم، امضای نامه موسوم به ۱۴۳ امضایی خطاب به آقای خاتمی، دلیل بازداشت موکل بوده و این موضوع در گردش کار مورخ ۱۳۹۰/۸/۱۱ وزارت اطلاعات، تصریح شده است. در مورد این نامه گفته‌اند است که بازجو در طول تحقیقات و بازجویی مدام در صدد القای تهیه و نگارش و نیز انتشار نامه توسط موکل بوده است. در صورتی که در اظهارات مکتوب دوستان و برخی از اعضای نهضت آزادی مانند مصیب دوانی، مجید جابری، بنی‌اسدی، ابوالفضل بازرگان و غفار فرزندی که در پرونده منعکس است، هیچ‌کدام نام خود را از کار نکرده‌اند و همگی اذعان

داشته‌اند که هیأت ۳ نفره متشکل از موکل، مهندس صباغیان و دکتر یزدی، اختیار درج نام ایشان را در نامه‌هایی که جنبه ملی داشته را دارا بوده‌اند و حتی تصریح کرده‌اند که این اختیار را به‌طور شفاهی به این هیأت داده بودند. جالب‌تر آنکه حتی بعضی از ایشان تصریح نموده‌اند که با متن نامه موافق هستند و حاضرند تاوان آن را نیز بپردازند، اما بازجو همواره سعی کرده چنین القا نماید که مشارالیه‌م را ضعیف به امضای نامه نبوده‌اند و یا موکل خودسرانه دست به چنین اقداماتی زده است! که البته محتویات اظهارات اخذ شده خلاف چنین القایی است!

۶. بازجو یا کارشناس پرونده به این مقدار نیز بسنده نکرده و روز دستگیری، همزمان با حضور نیروهای اداره کل عملیات وزارت اطلاعات در منزل موکل، سایت‌هایی معلوم‌الحال از قبیل فارس، صراط و... اقدام به انتشار خبر دستگیری موکل تحت عنوان جعل امضا می‌نمایند! ساعت انتشار اخبار تقریباً ۹ و نیم صبح را نشان می‌دهد، در حالی که مأموران تا نزدیک ظهر در منزل موکل مشغول بازرسی و تفتیش بوده‌اند. توضیح آنکه در این خصوص نیز شکایتی به دادسرای فرهنگ و رسانه ارائه شده که متأسفانه تا کنون بلااقدام مانده است! اما گردش کار: در تاریخ ۱۳۹۰/۸/۱۱ در بخش دلایل توجیه اتهام (بند ۵) به جعل عنوان اشاره شده که همین اشاره مشخص می‌کند انتشار این اکاذیب از کدام مجاری صورت گرفته است. در واقع برخی عناصر دخیل در پرونده، سعی داشته‌اند در روز دستگیری موکل با ایجاد جو روانی، برخوردها و اتفاقات آتی را توجیه کنند. البته در این خصوص با دفتر دادستان تهران مکاتباتی صورت گرفته و مدارک و اسناد لازم نیز به دادستانی کل و دادسرای دیوان عالی کشور نیز ارسال شده و رونوشت آن در پرونده موجود است.<sup>۱</sup>

۷. در توجیه یا دلایل بازداشت موکل، در گردش کار ۱۳۹۰/۸/۱۱ چنین آمده است: «با عنایت به شرایط حساس پیش رو و احتمال صدور بی‌بازرسی‌های دیگر در مقطع انتخابات، ضرورت دارد نامبرده در اسرع وقت بازداشت و مورد برخورد قرار گیرد.»

۱. برای مشاهده خبر خبرگزاری فارس و صراط بنگرید به پیوست ۲۴

این اظهارات و پیشگویی‌ها در حالی صورت گرفته که موکل در بازجویی مورخ ۱۳۹۰/۸/۱۷ مندرج در ص ۲۴۰ پرونده تصریح نموده است: «در خصوص چگونگی معرفی نام دوستان نهضتی، بر اساس اختیاری که دوستان به مسئولان نهضت تفویض کرده‌اند، در مواردی که موضوعی در چارچوب قانون اساسی و مصوبات قبلی نهضت باشد، سه تن از مسئولان نهضت می‌توانند به استناد حقوق شهروندی، امضای آنان را معرفی نمایند. در این مورد نیز به همین ترتیب عمل شده و سه تن از مسئولان نهضت (آقایان دکتر ابراهیم یزدی، محمد توسلی و هاشم صباغیان) پس از رؤیت متن با معرفی اسامی دوستان نهضتی موافقت کردند. ضمناً بیانیه از طریق آقای سعید مدنی در اختیار ما قرار گرفت.

۸. در خصوص به دست آمدن نامه از پیک آقای صباغیان هنگام دستگیری موکل گفتنی است که نامه مزبور، مقاله‌ای بوده که در آن زمان اتفاقاً آقای دکتر یزدی (دبیرکل نهضت آزادی) به دلایلی با انتشار آن مخالف بوده‌اند. ضمن آنکه نگارش مقاله‌ای که انتشار نیافته، مطابق کدام قانون جرم تلقی می‌شود؟

۹. متأسفانه برخی از عناصر ذی‌سمت در تحقیقات، مغرضانه عمل کرده‌اند که در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌کنم:

الف) در خصوص پرونده سال ۸۰ و نیز آخرین وضعیت دادنامه صادره در آن لازم به توضیح است پیرو اولین بازداشت و پس از صدور قرار مجرمیت در تاریخ ۱۳۸۸/۱۱/۲۱، پرونده به نظر دادیار اظهار نظر می‌رسد تا در خصوص قرار مجرمیت اعلام نظر نماید، نظر دادیار اظهار نظر در خصوص قرار مجرمیت بدین شرح است: «با توجه به اینکه سابقاً در خصوص نهضت آزادی رأی قطعی صادر گردیده است، لذا تصویر از رأی اخذ و به نظر برسد.»

ب) جالب آنجاست که رأی سال ۶۹ - ۷۰ دادگاه انقلاب به جای رأی پرونده سال ۸۰ - ۸۱ در پرونده قرار می‌گیرد، اما دادیار اظهار نظر با تیزهوشی خطاب به بازپرس شعبه ۴ (دادسرای سابق امنیت مستقر در مجتمع انقلاب اسلامی) مقرر می‌سازد که «... حکم قطعی از شعبه ۳۶ تجدیدنظر اخذ گردد» در این مرحله است که بازپرس

دادسرای ناحیه ۲۰ به دلیل تأسیس دادسرای اوین، خطاب به ریاست داد سرا پید شنهاده می‌نماید که پرونده به دادسرای اوین ارجاع گردد. پرونده به شعبه ۶ داد سرا اوین ارجاع می‌گردد و بازپرس موصوف ابتدا در تاریخ ۱۳۸۹/۸/۱۷ خطاب به دفتر خود مقرر می‌سازد «از شعبه ۳۶ تجدیدنظر، در خصوص قطعیت یا عدم قطعیت استعلام گردد». البته در تاریخ ۱۳۸۹/۱۱/۱۷، مراتب طی نامه از شعبه ۳۶ تجدیدنظر استعلام می‌گردد. اما با وجود مکاتبات متعدد در پرونده، هیچ دادنامه‌ای از شعبه ۳۶ تجدیدنظر وجود ندارد و صرفاً برگه معرفی به زندان در خصوص موکل توسط اجرای احکام اوین بعد از ۱۰ سال از تاریخ قطعیت رأی صادر و رونوشتی از آن در اختیار شعبه ۶ بازپرسی قرار می‌گیرد. البته به نظر می‌رسد موضوع اجرای دادنامه پرونده سال ۸۰ - ۸۱، ترفندی در جهت نگهداری فراقانونی موکل در صورت اعلام آزادی‌اش از سوی شعبه ۶ بازپرسی اوین بوده باشد.

۱۰. بازپرس محترم شعبه ۶ دادسرای ناحیه ۳۳ پس از دریافت گردش کار نهایی پرونده موکل در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۹ ضمن دادن دستور به دفتر شعبه جهت ابلاغ فک و تبدیل قرار از بازداشت موقت به وثیقه یکصد میلیون توهانی به زندان و زندانی، آخرین دفاعیات موکل را اخذ و اقدام به صدور قرار مجرمیت نموده و پرونده را جهت اظهار نظر نزد دادیار ارسال داشته است. دادیار نیز در تاریخ ۱۳۹۱/۲/۹ چنین اظهار نظر می‌نماید: «در خصوص قرارهای مجرمیت مورخ ۸۸/۱۱/۲۱ و ۹۰/۱۱/۱۱ فی‌المجموع فعالیت تبلیغی علیه نظام، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و لا غیر.» از آنجا که نظر بازپرس بر عضویت در نهضت آزادی و نیز فعالیت تبلیغی بود، پرونده جهت حل اختلاف به دادگاه انقلاب و نزد شعبه ۲۸ آن ار سال گردید و در تاریخ ۱۳۹۱/۳/۱۶ چنین اظهار نظر می‌شود: «... به لحاظ اینکه نامبرده (متهم) در خصوص عضویت در نهضت آزادی در گذشته محکومیت پیدا کرده، بزه انتسابی از سوی متهم، فعالیت تبلیغی و نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی است. دادگاه با عنایت به مجموع محتویات پرونده و به لحاظ اینکه هیچ‌گاه حکم صادره و مورد اشاره دادیار به مرحله اجرا در نیامده و از سوی دیگر متهم به فعالیت خود در

گروهک نهضت آزادی ادامه داده و همچنین فعالیت‌های تبلیغی علیه نظام جم‌هوری اسلامی داشته، لذا دادگاه با نظریه دادپار مخالفت و با نظریه بازپرس موافقت می‌نماید.» مستندات موجود در پرونده و به‌ویژه برگ اعلام محکومیت قطعی موکل در صفحه ۲۶۶ پرونده در خصوص حکم پرونده سال ۸۰ - ۸۱ حاکی از آن است که قاضی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اشتباه کرده!

۱۱. در خصوص اصرار ضابطین در نگهداری متهم در بند امنیتی و ممانعت ایشان از آزادی موکل، پس از اعلام محکومیت قطعی موکل توسط اجرای احکام، نامه‌ای نیز خطاب به بند ۲۰۹ ارسال گشت با این محتوا که «... با عنایت به صدور حکم قطعی برای نامبرده، مقتضی است با کسب نظر بازپرس محترم آن پرونده، محکوم علیه فوق در یوم جاری برای اجرای حکم به زندان اوین اعزام و تحویل و متعاقباً نتیجه به اجرای احکام منعکس گردد.»

۱۲. متأسفانه کارشناس یا کارشناسان پرونده در برخی موارد گزارشات خلافی تنظیم نموده‌اند که به بعضی از آنها اشاره می‌گردد: الف) در صفحه ۷۱ پرونده آمده: «... متهم در نهایت با روبرو شدن با اطلاعات کامل بازجویان، سه گزینه را پیشنهاد نمود...» چنین برگ بازجویی یا صورت جلسه‌ای در پرونده موجود نیست.

ب) در صفحه ۷۷ - ۷۸ - ۷۹ پرونده آمده: «... مشارالیه در طول بازجویی‌ها به بسیاری از نقاط منفی عملکردش در حوزه تضعیف نظام اذعان نموده و با ابراز ندامت و تأسف و همچنین اعلام آمادگی برای جبران مافات، تعهد می‌نماید که در صورت آزادی حاضر است با مجاب نمودن سایر اعضا با برگزاری کنگره‌ای از جلال گروهک نهضت آزادی را اعلام نماید...» (ج) در صفحه ۸۷ - ۸۸ ذکر شده: «با توجه به تردد سالانه وی و خانواده‌اش به خارج از کشور...» و در صفحه ۸۹ آمده «نظر به اینکه مشارالیه قصد خروج از کشور را دارد...» در صفحه ۲۱۳ آمده: «... در حال حاضر تنها عنصر فعال و سازمان دهنده گروهک محمدتوسلی می‌باشد، وی در تهیه و تأیید بیانیه ۱۴۳ امضایی نقش اصلی را داشته و در طی برخوردهای صورت گرفته با ۵ نفر از عناصر گروهک به نام‌های بنی‌اسدی، ابوالفضل بازرگان، مصیب دوانی، بیوک

سعیدی و غفار فرزندی، همگی از انتشار و امضای بیانیه اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند و فقط مجید جابری از اعضای شورای مرکزی گروهک طی بر خورد صورت گرفته اعلام نموده که نامه مذکور قبل از انتشار توسط محمد توسلی برای وی ارسال شده و وی پس از تأیید به یاد شده عودت داده است...».

این مطالب در حالی توسط بازجو یا بازجویان تنظیم گردیده است که همگی افراد فوق‌الذکر (به استثنای بیوک سعیدی که اساساً صورت جلسه‌ای از بازجویی وی در پرونده نیست) اذعان نموده‌اند که به مسئولین نهضت جهت درج نام ایشان در نامه‌ها و یا بیانیه‌ها، اختیار و وکالت شفاهی داده‌اند و با متن نامه نیز موافق هستند و حتی در برخی موارد، اعلام داشته‌اند که حاضر به پرداخت تاوان آن نیز هستند!

#### د: ارسال یادداشتی به دادگاه تجدیدنظر در دفاعیه تکمیلی

متعاقب دفاع حقوقی وکیل محترم و نظر به اینکه در جلسه دادگاه تجدیدنظر ۵۴ استان تهران مورخ ۹۲/۹/۲۷ فرصت برای ارائه توضیحات لازم در مورد برخی از اتهامات مطرح شده نبود، اینجانب با ارسال یادداشتی خطاب به قضات دادگاه تجدیدنظر ۵۴ استان تهران در تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۱ توضیحات تکمیلی زیر را جهت اطلاع آن‌ها یادآور شدم:

۱. اتهامات مطرح شده در دادنامه که عیناً از گزارش‌های ضابطین وزارت اطلاعات نقل شده است، بدون ارائه مستندات، کذب محض، واهی و بی‌اساس می‌باشند. سؤال اصلی این است که چرا کارشناس پرونده، این‌گونه اتهامات را در مدت ۶/۵ ماهی که در بازداشتگاه ۲۰۹ نگهداری می‌شدم مطرح نکرده است و بدون پرسش و پاسخ‌های بنده، صرفاً به صورت گزارش‌های انتزاعی برای پرونده سازی در اختیار بازپرس محترم پرونده قرار گرفته و در دادگاه شعبه ۱۵ عیناً در دادنامه نقل شده است؟



۲. اتهامات مطرح شده در دادنامه فقط به موضوع امضای نامه ۱۴۳ امضاء به رئیس‌جمهور سابق آقای سیدمحمد خاتمی در سال ۹۰ که دلیل یا بهانه بازداشت بنده بوده محدود نشده و به سوابق عملکرد نهضت آزادی ایران در سه دهه بعد از انقلاب توسعه پیدا کرده است. در حالی که در سال ۱۳۸۸ فعالیت نهضت آزادی ایران به دستور وزارت اطلاعات متوقف شده است. پاسخ این اتهامات در لایحه دفاعیه به دادگاه تجدید نظر به تاریخ آبان ماه ۱۳۹۱ در بخش دفاعیه سیاسی اینجانب و لایحه دفاعیه تجدید نظر خواهی سیاسی پرونده سال ۱۳۸۱ پیوست آن آمده است. ذیلاً به برخی از آنها مجدداً اشاره می‌شود.

۳. در خصوص پرونده سال ۸۸ که به مناسبت انتخابات ریاست جمهوری، بنده در محل کارم بازداشت و پس از ۴۳ روز نگهداری در سلول‌های انفرادی با کفالت آزاد و دادیار پرونده آقای حیدری‌فر در همان سال پرونده را مختومه اعلام کرد. در سال ۸۸ نهضت آزادی ایران مطابق خط مشی گذشته خود در انتخابات ریاست جمهوری حضور و مشارکت داشت و از مردم هم دعوت نمود در انتخابات شرکت کنند و به یکی از دو نامزد اصلاح طلب مورد تأیید شورای نگهبان (آقایان مهندس میرحسین موسوی و مهدی کروبی) رأی دهند. آیا استفاده از حق قانونی و حقوق شهروندی برای انجام وظیفه دینی و اجتماعی اقدام علیه امنیت ملی و مجازات آن بازداشت و محدودیت‌های بعدی است؟

۴. در خصوص پرونده سال ۹۰ و امضای نامه ۱۴۳ امضاء به آقای سیدمحمد خاتمی که بنده یکی از امضاءکنندگان آن بودم، موضوع نامه حمایت از مواضع آقای خاتمی برای تأمین شرایط حضور حداکثری مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی بود. انگیزه آن روز بنده برای امضای آن نامه احساس مسئولیت نسبت به روند مدیریت اجرایی کشور در دولت گذشته بود تا مجلس قوی و کارآمد بتواند از قانون و حقوق ملت پاسداری کند. امروز گزارش‌های مسئولان دولت یازدهم ابعاد فاجعه‌آمیز آن را در عرصه داخلی و بین‌المللی به‌طور رسمی مطرح می‌کنند. آیا چنین اظهار

نظری مشفقانه خلاف قانون و امنیت ملی و پیامد آن ۶/۵ ماه بازداشت فرا قانونی و صدور چنین حکم سنگینی است؟

۵. در دادنامه، اتهامی به این شرح آمده است: «در حین دستگیری محمد توسلی نامه دوم گروهک نهضت آزادی که در راستای تحطئه وضعیت جاری نظام و انتخابات تنظیم شده بود، به دست آمد. این نامه را یزدی و صباغیان اصلاح و برای ویرایش نهایی و انتشار توسط پیک برای توسلی ارسال کرده بودند.»

اولاً - همان‌گونه که ضمن بازجویی‌های منعکس شده در پرونده همان موقع توضیح داده شده است، متن مزبور، مربوط به پیش‌نویس مقاله‌ای بوده است که بنده می‌خواستم برای یکی از نشریات تهیه کنم و با نهضت آزادی که فعالیت آن قبلاً متوقف شده بود ارتباطی ندارد.

ثانیاً - این یادداشت را فقط آقای مهندس صباغیان ملاحظه و اظهار نظر کرده بودند نه آقای دکتر یزدی.

ثالثاً - آقای دکتر یزدی تهیه چنین یادداشتی را مفید ندانسته بودند زیرا مطلع شده بودند که مسئولان نظام با پیشنهاد آقای سیدمحمد خاتمی موافقت نکرده‌اند، بنابراین قبل از دریافت اظهار نظر آقای مهندس صباغیان موضوع کاملاً منتفی شده بود.

رابعاً - هدف تهیه آن یادداشت، در صورت موافقت با پیشنهاد آقای خاتمی توسط مسئولان نظام، تأکید بر ضرورت حضور حداکثری مردم در انتخابات از طریق فراهم کردن حقوق مردم در انتخابات یعنی «حق الناس» است که در انتخابات اخیر مقام محترم رهبری نیز به آن تأکید داشتند. پیامد طبیعی آن یادداشت اگر ارائه می‌شد ارتقای امنیت ملی و تقویت نظام بود نه تحطئه آن.

۶. اتهام دیگر در دادنامه: «متهم..... به منظور مقابله با نظام، ضمن انجام سازماندهی و ایجاد هماهنگی بین عناصر شاخص این جریان فعالیت تبلیغی خود را با انجام مصاحبه و سخنرانی‌های تند و موضع‌گیری علیه اصول و موازین انقلاب و نظام به انجام می‌رساند.» این ادعا نیز کذب محض و بخشی از پرونده سازی است.

مستندات این مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های تند و اتهامات مطرح شده چیست؟ چرا این گونه مستندات را در بازجویی‌ها مطرح نکرده‌اند و حتی در پرونده نیاورده‌اند؟

۷. اتهام دیگر در دادنامه تصویب براندازی نظام در جلسه دفتر سیاسی نهضت آزادی است: «در جلسه دفتر سیاسی نهضت آزادی مورخ ۸۷/۳/۲۰ ابتدا محمد توسلی (رئیس دفتر سیاسی) در خصوص استراتژی نهضت در انتخابات آینده ریاست جمهوری اعلام می‌نماید: ما باید برای انتخابات آینده ریاست جمهوری استراتژی مشخص کنیم یا به سوی براندازی برویم» ... (ادامه مطلب حذف شده است) یا چون به براندازی باور نداریم و التزام به قانون اساسی داریم بایستی در انتخابات شرکت کنیم. این روش نقل مطلب انسان را به یاد آن کسی می‌اندازد که می‌گفت: «مگر نمی‌دانی که خداوند در قرآن تصریح کرده است که نماز نخوانید!! «و لا تقربوا الصلاة» و ادامه آن یعنی «و انتم سکاری» را فراموش می‌کرد!! تنظیم‌کنندگان گزارش‌های پرونده که ظاهراً عیناً مبنای تدوین دادنامه صادره از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب بوده است، در آستانه انتخابات ریاست جمهوری یازدهم روز ۲۸ اسفند ماه ۹۱ اینجانب و چند نفر دیگر از اعضای نهضت آزادی ایران را به وزارت اطلاعات احضار کردند، که گزارش آن در ارتباط با این اتهام خالی از لطف نیست. در آن جلسه ضمن طرح مطالب و تهدیدهای مختلف به عنوان دستور وزارتی تصریح کردند: «در انتخابات ریاست جمهوری پیش رو حق هیچ‌گونه اظهار نظری را ندارید!!» در مرحله بعد در تاریخ ۲۲ خرداد ۹۲ یعنی دو روز قبل از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آقای مهدوی کارشناس وزارت اطلاعات تلفنی به اینجانب و چند تن دیگر از اعضای نهضت با لحن تهدید آمیز پیغام گذاشت: «آقای مهندس من تماس گرفتم به شما تذکر بدهم که در انتخابات له یا علیه هیچ‌کاندیدایی وارد عمل نشوید در این صورت با شما برخورد خواهد شد.» آیا نقض قانون و حقوق شهروندی از این آشکارتر امکان پذیر است؟

ما دستورات کارشناس وزارت اطلاعات را رعایت کردیم و در جریان انتخابات هیچ‌گونه اظهار نظری نکردیم. اما روز انتخابات در صف طولانی صندوق حسینه ارشاد

(نزدیک منزل) با جمعی از دوستان از جمله آقای دکتر ابراهیم یزدی حضور پیدا کردیم و به وظیفه ایمانی و ملی خود عمل کردیم. گزارش‌های خبری و تصویری از حضور ما در صف رأی دهندگان انتخابات و پوشش خبری داخلی و خارجی آن برای جلب حضور بیشتر مردم در انتخابات تأثیر خود را بر جای گذارد و اکثریت قاطع مردم با حضور حدود ۷۵ درصد واجدین شرایط پیام و مطالبات خود را که در برنامه‌های رئیس‌جمهور منتخب انعکاس داشت، اعلام داشتند. اینک باید پرسید چه کسانی علیه امنیت ملی و نقض حقوق شهروندی اقدام کرده و می‌کنند و باید مطابق قانون رسیدگی و مجازات شوند؟

۸. در دادنامه براساس گزارش‌های ضابطین وزارت اطلاعات آمده است: «محمد توسلی در چارچوب این استراتژی (مخدوش نمودن ساختار و دکترین قضایی - امنیتی دیکته شده به ضد انقلاب با تشکیل شاخه جوانان در یکی از پارک‌های تهران ادامه داده است.)» این گزارش نیز کذب محض، واهی و بی‌ربط است.

اولاً - در حالی که بنده هیچ‌گونه اطلاعی از برنامه افطار چند خانواده زندانی در پارک نداشته‌ام و بعداً مطلع شدم، چه ارتباطی با بنده دارد؟

ثانیاً - افطار چند خانواده زندانی با فرزندان خردسال خودشان در فضای یک پارک عمومی که عموماً غیر سیاسی هستند چه ارتباطی با شاخه جوانان نهضت آزادی که عموماً زندانی بودند دارد؟!

ثالثاً - حضور چند خانواده یا فرزندان خردسالشان در پارک عمومی چه ارتباطی با ساختار و دکترین قضایی - امنیتی دیکته شده به ضد انقلاب دارد؟!

۹. در خصوص سایت میزان نیوز - این سایت همراه با سایت نهضت آزادی ایران در آذر ماه ۱۳۸۸ به دستور وزارت اطلاعات و تصویب دفتر سیاسی نهضت آزادی متوقف شد. در مورد سایت میزان خبر که ظاهراً در خارج از کشور اداره می‌شود بنده هیچ‌گونه ارتباط و مسئولیتی ندارم.

۱۰. در صفحات ۲۲۰ تا ۲۲۲ پرونده طی گردش کار مورخ ۹۰/۸/۱۳ آمده است: «متهم پس از تعطیلی گروهک در سال ۸۸ و استعفای دبیر کل نهضت آزادی عملاً

تمامی فعالیت‌های گروهک را به صورت زیرزمینی رهبری کرده و جلسات به صورت مخفی اداره می‌کند و در همین راستا انتقال بخشی از فعالیت‌های گروه به خارج از کشور و مشارکت و راه‌اندازی تلویزیون ر سا (تلویزیون فتنه) گوشه‌ای از جرایم نامبرده می‌باشد.»

این گزارش نیز کاملاً کذب، بی‌اساس و خلاف واقع است. اولاً در خصوص استعفای دبیرکل نهضت آزادی (آقای دکتر ابراهیم یزدی) چون ایشان منصوب شورای مرکزی هستند و تا کنون جلسه شورا برگزار نشده است کماکان ایشان این سمت را دارند. ثانیاً نهضت آزادی ایران هیچگاه به فعالیت مخفی و زیرزمینی باور نداشته و همواره در شرایط مساعد فعالیت قانونی، علنی و مسالمت‌آمیز داشته است. پس از آذر ماه ۸۸ نهضت آزادی هیچ‌گونه فعالیت تشکیلاتی و انتشار بیابیه نداشته است. ثالثاً فعالیت خودجوش علاقه‌مندان و اعضای نهضت آزادی در خارج از کشور به عهده خودشان می‌باشد و بنده مسئولیتی در قبال فعالیت آن‌ها ندارم. رابعاً بنده هیچ‌گونه ارتباطی با راه‌اندازی تلویزیون ر سا نداشته‌ام.

۱۱. از جمله مستندات تشویش اذهان عمومی مطلب سخنرانی اینجانب مربوط به «مقایسه خلق و خوی مردم ایران قبل و بعد از انقلاب» است که در جلسات بازاندیشی رفتار و خلق و خوی ایرانیان، ارائه شده است که توسط بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان در حسینیه ارشاد برگزار می‌شد. در این سخنرانی با توجه به تجربه دوران مدیریت انقلاب در دو سال قبل از انقلاب و مدیریت شهر تهران در دو سال بعد از انقلاب نشان داده شده است که رفتار و خلق و خوی مردم در اثر انقلاب اسلامی در سال ۵۷ متحول شده است و شهروندان رفتار انسانی متعادل پیدا کرده‌اند. آیا دفاع از دستاوردهای انقلاب و تبیین علمی آن را تشویش اذهان عمومی باید تلقی کرد و آن را مشمول مجازات قانونی مطرح کرد؟!!

۱۲. در خصوص قانونی بودن فعالیت نهضت آزادی ایران که در سال ۱۳۴۰ تأسیس شده است، در سال‌های پس از انقلاب به استناد اصل ۲۶ قانون اساسی و ماده ۶ قانون احزاب که در آنها فعالیت احزاب علی‌الاطلاق آزاد تصریح شده است، و بر

پایه بیانیه ۸ ماده‌ای امام در سال ۶۱، به فعالیت خود ادا مه داده است. در سال ۱۳۸۱ نیز کمیسیون ماده ۱۰ احزاب وزارت کشور در پاسخ به وکیل پرونده نهضت آزادی اعلام داشت که نهضت آزادی ایران حزبی است قانونی ولی بدون پروانه و در هیچ دادگاه صالحی حکمی مبنی بر غیر قانونی بودن آن صادر نشده است. برای توضیحات تفصیلی به لایحه دفاعیه تجدید نظرخواهی سال ۱۳۸۱ دفاعیه حقوقی (مبحث دوم - قانونی بودن نهضت آزادی) و در بخش دفاعیه سیاسی صفحات ۳۸ - ۴۱ مراجعه شود.

۱۳. در خصوص نامه منتسب به امام خطاب به وزیر کشور وقت که در سال ۱۳۶۸ منتشر شده است برای رعایت اختصار از توضیح مکرر خودداری می‌شود. برای توضیحات به دفاعیه سیاسی سال ۹۱ صفحه ۲ بند ۱ و لایحه دفاعیه تجدید نظرخواهی سال ۱۳۸۱ - دفاعیه سیاسی - صفحه ۳۲ - ۳۴ مراجعه شود.

۱۴. در خصوص سایر اتهامات مطرح شده در دادنامه به لایحه دفاعیه سیاسی بنده مورخ آبان ۹۱ و همچنین لایحه دفاعیه تجدید نظرخواهی سال ۸۱ - دفاعیه حقوقی و دفاعیه سیاسی که به تفصیل آمده است می‌توان مراجعه کرد. در پایان بار دیگر آیه شریفه‌ای را که در ابتدای سخنان خود در دادگاه تجدید نظر تلاوت کردم تکرار می‌کنم: أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ (آیا هنگام آن فرا نرسیده است که دل‌های مؤمنان به یاد خدا و کلام حقی که نازل شده فروتن شود. حدید - ۱۶) والعاقبه للمتقين با احترام - محمد توسلی<sup>۱</sup>

پس از گذشت بیش از دو ماه، در ششم اسفند ۱۳۹۲، قضات و مستشاران شعبه ۵۴ دادگاه تجدید نظر استان تهران (آقایان پورعرب، بابایی و موحد) با پیگیری ویژه مأمور وزارت اطلاعات اجباراً رأی دادگاه بدوی مبنی بر ۱۱ سال محکومیت اینجانب را تأیید کردند؛ با این توضیح که رأی صادر شده به وکیل اینجانب (آقای میرزازاده) ارائه نگردید و پس از پیگیری تنها کپی قسمت پایانی رأی در تاریخ ۱۳/۱۲/۱۳۹۲ به

ایشان ارائه شد. با تجمیع رأی‌های صادر شده، دادگاه از قلاب در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۲ اینجانب را جمعاً به ۲۰ سال محکومیت زندان محکوم کرده و علاوه بر آن ۱/۸ میلیارد تومان نیز وثیقه ملکی دریافت کردند.





پیوست‌ها



## فهرست پیوست‌ها

۱. متن آیین‌نامه شورای هماهنگی ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی
۲. یادداشت پیشنهادی در مورد اصول اعتقادی-سیاسی میثاق نیروهای ملی - مذهبی
۳. متن آخرین دفاع مهندس توسلی در دادگاه بدوی همراه با موارد اتهامی نامبرده در دادگاه (۱۳۸۰)
۴. پاسخ دبیر کمیسیون ماده ۱۰ قانون فعالیت احزاب و جمعیت‌ها به استعلام وکیل اعضاء نهضت آزادی ایران در مورد فعالیت قانونی نهضت آزادی
۵. متن دادنامه و احکام صادره دادگاه انقلاب تهران در مورد ۴۵ متهم نهضت آزادی و نهادها و اشخاص علاقمند
۶. یادداشت مهندس توسلی به رئیس دادیاری اجرای احکام مستقر در دادسرای شهید مقدس اوین در مورد رفع بازداشت وثیقه‌های پرونده سال ۱۳۸۰
۷. نامه مهندس توسلی به ریاست دیوان عالی کشور و درخواست نقض دادنامه صادره از سوی دادگاه انقلاب و ارجاع پرونده به دادگاه صالحه (۱۳۸۱/۵/۲۴)
۸. شماری از نامه‌های متعدد خانواده‌های زندانیان نهضت آزادی ایران و ملی - مذهبی به رهبری، رؤسای سه قوه و بسیاری مقامات و نهادهای بین‌المللی در مورد پایان دادن به بازداشت‌های غیرقانونی اعضای نهضت آزادی و بازگرداندن آنها به جمع خانواده
۹. پوستر تبلیغاتی نهضت آزادی ایران در مورد معرفی ۱۵ تن از نامزد های خود در دو مین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا (۱۳۸۱)
۱۰. گزارش دیدار نمایندگان نهضت آزادی ایران و جمعی از نیروهای ملی-مذهبی با دکتر معین نامزد اصلاح‌طلبان پیشرو در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۴
۱۱. بیانیه نهضت آزادی ایران و فعالان ملی - مذهبی در حمایت از نامزدی دکتر معین در نهضت انتخابات ریاست جمهوری (۱۶ خرداد ۱۳۸۴)
۱۲. متن منشور جبهه «دموکراسی و حقوق بشر» شامل مقدمه و ۱۲ اصل تصویب شده از سوی هیئت مؤسس (۱۳۸۵/۱۱/۱۴)
۱۳. متن اسامنامه «جبهه دموکراسی و حقوق بشر» تصویب شده از سوی هیئت مؤسس (۱۳۸۵/۱۱/۲۴)
۱۴. متن سخنرانی مهندس توسلی در مراسم افطار شاخه جوانان نهضت آزادی ایران در مورد لزوم شکل‌گیری ائتلاف میان نیروهای اصلاح‌طلب در انتخابات (۶ مهر ۱۳۸۷)

۱۵. گزارش سخنرانی مهندس توسلی در اراک به مناسبت سالگرد دوم خرداد (خرداد ۱۳۸۸)
۱۶. نامه مهندس توسلی به حیدر مصلحی (وزیر اطلاعات) و درخواست رفع موانع از ادامه فعالیت- های شرکت گذر راه (۱۳۹۱/۵/۲۳)
۱۷. نامه مهندس توسلی به صادق لاریجانی (رئیس قوه قضائیه) در مورد رفتار های خلاف قانون مأموران هنگام بازداشت او در آبان ۱۳۹۰ و...
۱۸. متن گزارش برگزاری دادگاه انقلاب شعبه ۱۵ (۱۳۹۱/۶/۲۷)
۱۹. متن حکم صادره از سوی رئیس شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب (قاضی صلواتی) در خصوص اتهامات مهندس توسلی (۱۳۹۱/۷/۳)
۲۰. نامه خانم فریده غیرت (وکیل پرونده مهندس توسلی) به ریاست دادگاه های تجدیدنظر استان تهران در اعتراض به حکم صادره شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب و درخواست بررسی مجدد و صدور حکم برائت برای موکل خود
۲۱. نامه ایمان میرزاده (وکیل پرونده مهندس توسلی) به ریاست دادگاه های تجدیدنظر استان تهران در اعتراض به حکم صادره شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب و بیان ایرادات حقوقی وارده به حکم، عدم صلاحیت دادگاه و درخواست نقض دادنامه و اتخاذ تصمیم شایسته مطابق مقررات جزایی و اصول قانون اساسی
۲۲. متن خبر خبرگزاری جرس مبنی بر احضار مجدد اعضای نهضت آزادی ایران به وزارت اطلاعات (۴ مرداد ۱۳۹۲)
۲۳. گزارش خبر تاریخ برگزاری دادگاه تجدید نظر مهندس محمد توسلی به نقل از ایمان میرزاده در خبرگزاری ایسنا (۸ مهر ۱۳۹۲) در آذر ۱۳۹۲
۲۴. گزارش خبرگزاری فارس درباره بازداشت مهندس محمد توسلی به اتهام تقلب و جعل امضاء در صدور بیانیه موسوم به ۱۴۳ امضایی
۲۵. نامه ایمان میرزاده (وکیل پرونده مهندس توسلی) به رئیس و مستشاران شعبه ۵۴ محاکم تجدید نظر استان تهران در خصوص ابهامات و عملکرد غیرقانونی طی تحقیقات موکل خود
۲۶. نامه مهندس توسلی به دادگاه تجدیدنظر ۵۴ استان تهران و ارائه توضیحاتی در مورد برخی اتهامات خود (۱۳۹۲/۱۰/۱)

## پیوست شماره ۱

به نام خدا

### آیین‌نامه‌ی شورای هماهنگی ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی

مقدمه: در پی پایان یافتن فعالیتهای مشترک انتخاباتی ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی با توجه به درک ضرورت ادامه همکاری تعریف شده نیروها، شورای هماهنگی ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی از نمایندگان احزاب و گروههای سیاسی فعال و افراد در بین نیروهای ملی - مذهبی تشکیل می‌شود. نیروهای ملی - مذهبی درون این ائتلاف معتقد به فعالیت مسالمت‌آمیز در چارچوب التزام به قانون اساسی، مقید به مصالح و منافع ملی و نیز پیگیر تحقق حقوق اساسی (ملت) مصرح در قانون اساسی می‌باشند.

۱ - هدف: هدف از تهیه و تنظیم این آیین‌نامه هماهنگ کردن فعالیتهای ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی تا زمان تشکیل شدن احزاب و تشکلهای ملی - مذهبی و حداکثر در مدت ۶ ماه فعالیت شورا از تاریخ تصویب این آیین‌نامه می‌باشد.

۲ - ارکان: ارکان ائتلاف شامل شورای هماهنگی و کمیته اجرایی می‌باشد.

۲ - ۱ - شورای هماهنگی از نمایندگان احزاب و گروههای سیاسی ملی - مذهبی و یا افراد مستقل تشکیل می‌شود که صلاحیت آنها توسط اولین جلسه شورای هماهنگی و با اتفاق آرا به تصویب می‌رسد.

تبصره ۱: در صورتی که به هر دلیلی یکی از اعضا از ادامه همکاری معذور باشد، جانشین وی با نظر تشکل مربوطه پذیرفته می‌شود.

تبصره ۲: تعداد اعضای شورای هماهنگی در حال حاضر ۸ نفر می‌باشد و با رأی موافق همه اعضا قابل افزایش است.

تبصره ۳: تصمیمات شورای هماهنگی با تصویب کلیه اعضا قابل اجرا خواهد بود و صورت جلسات تهیه و به امضای اعضا می‌رسد. در صورت غیبت هر یک از اعضا، اخذ نظر وی برای اجرای تصمیمات کلیدی، ضروری است.

۱-۱-۲ - مدیر شورای هماهنگی: مدیر شورای هماهنگی در هر جلسه از روی حرف الفبا انتخاب می‌گردد و اداری جلسه را به عهده خواهد داشت و در هر جلسه رئیس جلسه تغییر خواهد نمود.

تبصره ۱: اجزاء شورای هماهنگی عنوان ملی - مذهبی را به تنهایی نمایندگی نمی‌کنند و افراد وابسته به آن مجاز به استفاده از عنوان جمع در فعالیتهای خود نیستند.

۲-۱-۲ - دبیر شورای هماهنگی: یک نفر به عنوان دبیر جلسه با رأی همه اعضا انتخاب می‌شود و مسئولیت هماهنگی جلسات و تهیه صورت جلسات و نگهداری آنها را به عهده دارد.

۳-۱-۲ - تمهیدات اعضا: اعضای شورا موظفند در هنگام تصمیم‌گیری، نظرات تشکل مربوطه به خود را مطرح نمایند و تصمیمات شورای هماهنگی را در حداقل زمان به سازمان خود برای اجرا اطلاع دهند.

۲ - ۲ - کمیته اجرایی: کمیته اجرایی از سه نفر عضو تشکیل می‌شود که از اعضای شورای هماهنگی بوده و مسئولیت اجرای کلیه مصوبات را دارد.

۳ - صندوق تعاونی: شورای هماهنگی متعهد می‌شود زمینه و مقدمات ایجاد یک صندوق تعاونی به منظور همیاری و تأمین اهداف جمع را فراهم کند. این صندوق به صورت مستقل به فعالیت خود ادامه خواهد داد.

۴ - موضوع همکاری ائتلاف: ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی برای تحقق اهداف و برنامه‌های زیر با یکدیگر فعالیت مشترک خواهند داشت: ۱-۴ - تلاش برای شکل‌گیری تشکلهای مستقل ملی - مذهبی به منظور دستیابی به جبهه ائتلاف تشکلهای ملی - مذهبی در مدت زمان پیش‌بینی شده.

۲-۴ - صدور بیانیه مشترک، برگزاری کنفرانس مطبوعاتی (و سازمان دادن هر اقدام جمعی به اتفاق آرا) به مناسبتهای مختلف.

۳-۴ - همکاری در اجرای انتخابات‌های آتی و مراسم همگانی مربوط به نیروهای ملی - مذهبی.

۴-۴ - دفاع و حمایت مادی و معنوی از همفکران ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی که مورد تعرض قرار گیرند با اتخاذ روشهای مختلف.

۵ - انحلال: انحلال ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی در صورت توافق دو سوم نمایندگان نیروهای حاضر (مجمع و منفرد) در شورای هماهنگی ائتلاف، یا منتفی شدن به دست ائتلاف (۶ ماه) صورت خواهد گرفت.

۶ - نحوه تصویب و نسخ آیین‌نامه: این آیین‌نامه با امضای نمایندگان احزاب، گروهها و افراد شاخص مستقل تصویب گردیده و به تعداد احزاب، گروهها و افراد مستقل تکثیر و در اختیار آنها قرار می‌گیرد.

۷۹/۵/۱

ایران فردا، نهضت آزادی، جنبش مسلمانان مبارز، جاما، جامعه زنان، نمایندگان (مطبوعات، اصناف و ملیون).  
هدایت مامور

به نام خدا

یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون

مشور ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی (پیشنهادی)

در موقعیت تاریخی کنونی که جامعه ایران در پرتو جنبش تحول طلب پس از دوم خرداد ۷۶ از دوران "خود ویژه" آغاز دهه شصت تا میانه دهه هفتاد فاصله گرفته و به مرحله نوین حیات سیاسی - اجتماعی خود وارد شده است و در دوران نو نیز همگامی در میان طبقات هم تبار - هم پیشینه قابل مشاهده می باشد، ضروری است تا نیروهای فکری - سیاسی با خود توضیحی و باز تعریف خویش به هر چه شفاف تر شدن عرصه تفکر و سیاست کمک کنند. میادرت به این اقدام گامی مؤثر در مسیر آشنایی عمیق تر با نیروها قلمداد می شود که این مهم خود به ارتقاء درک و شناخت مردمی و افزایش ضریب "سلامت انتخاب"، می انجامد. بر اساس چنین ضرورتی نیروهای ملی مذهبی که از تجمع جریان های حزبی، طیف ها و منفردین درون خود، ائتلافی را سامان داده اند، "مشور" هویتی - فکری خویش را به عنوان سند دیدگاههای مرجع قابل نشر، تدوین کرده و انتشار می دهند. بس بدیهی است که منشور ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی حاوی مشترکات مورد توافق آنهاست و به مفهوم عدم وجود اختلاف دیدگاه در عرصه های مختلف در میان شان تلقی نمی شود. جریان ملی - مذهبی با اعتقاد به نقش "مذهب" در حیات انسانی و نقش هویتی آن، در کنار دیگر عوامل، در هویت تاریخی و اجتماعی ایرانیان، و ضمن احترام گذاری به دیگر اندیشه های فلسفی و اجتماعی و اعتقاد به حق و آزادی حرکت و تلاش آنان، از منظر "ملی" نیز به هویت، حاکمیت، وحدت و منافع ملی معتقد است. و توجه به این دو عنصر را علاوه بر اعتقاد به آن، یک امر استراتژیک دوران ساز در مرحله کنونی حرکت جامعه ایران می داند.

نیروهای ملی - مذهبی حیات سیاسی و فکری امروز ایران زمین را ادامه نقطه چین تاریخی فرازهای مبارزاتی یک سده اخیر اعم از نهضت مشروطه، جنبش جنگل، نهضت ملی شدن نفت، نهضت ۱۵ خرداد، مبارزات دهه پنجاه و انقلاب بهمن ۵۷ می داند. بر خود نیز در شصت - ساله پس از شهریور ۱۳۲۰ در مسیر تحولات فکری، سیاسی و اجتماعی بس فعالانه ایفای نقش نموده اند تا آن حد که تحلیل منصفانه تاریخ شش دهه اخیر بدون لحاظ کردن نقش محوری آن ها میسر نیست. این جریان دکتر محمد مصدق رهبر نهضت ملی ایران را به عنوان شاخص مبارزات ملی و آیت الله سید محمود طالقانی، مهندس بازرگان، دکتر علی شریعتی، مهندس محمد حنیف نژاد و محمد تخبیب را به عنوان آموزگاران و مورث نوگرایی مذهبی که هر یک به تناسب وزن و جایگاه خویش در تحولات فکری و مبارزات سیاسی دهه های گذشته ایفای نقش نموده اند، قلمداد می کنند.

ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی با رعایت احترام کامل نسبت به دیگر هویت ها و نخله ها فکری و با تأکید بر همزیستی همه هویت های فکری - سیاسی ایرانی خواه و مردم گرا، اصول منشور خود را در سه سطح "اعتقادی - نظری"، "استراتژیک - سیاسی" و "تسهیلاتی" ارائه می دارد:

۱ - اصول اعتقادی - نظری؛

- اعتقاد به جهان بینی توحیدی و تسری توحید به عرصه های مختلف

- پای بندی به اسلام نوگرا و پویای دارای ممیزه های مشخص تاریخی - نظری با اسلام سنتی حکومتی

- قائل بودن به قرائت اجتماعی از دین

- تأکید بر کرامت، حریت و منزلت انسانی و رابطه بلاواسطه انسان و پروردگار

- نفی ولایت فقیه و نفی حق ویژه هر صنف و طبقه

- وفاداری به اخلاق و سلوک مذهبی و اعتقاد به عرفان حرکت آفرین

۲ - اصول استراتژیک - سیاسی؛

- تأکید ویژه بر هویت ملی و عنصر ایرانیت و پاسداری از پیشینه تاریخی و مورث تمدن و فرهنگ ایران زمین

- پاس داشت استقلال و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی و مردمی و دموکراتیک

- تأکید بر وحدت ملی و حل مسالمت آمیز اختلافات قومی و مذهبی از طریق استیفای حقوق دموکراتیک

- تأمین و تضمین حقوق اساسی و آزادی های فردی و اجتماعی کلیه شهروندان، صرف نظر از جنس، مذهب، عقیده، قومیت و پذیرش اعلامیه حقوق بشر

- اعتقاد به عدالت اجتماعی و نفی سلطه طبقاتی و توزیع عادلانه امکانات و فرصت های اجتماعی

- التزام عملی به قانون اساسی ضمن حفظ حق برخورد انتقادی و مرزبندی با برخی اصول آن با چشم انداز

تغییرات دموکراتیک در آن.

- ضرورت پای بندی به منش اخلاقی و صداقت سیاسی نیروها

۳ - اصول تشکیلاتی:

- اعتقاد به مشارکت و کار جمعی با حفظ حقوق دموکراتیک مشارکت کنندگان

## پیوست شماره ۲

به نام خدا

### میثاق نیروهای ملی - مذهبی (پیشنهادی)

یا ایهاالذین آمنوا صبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون (قرآن - سوره آیه ۲۰۰)

#### مقدمه

در موقعیت تاریخی کنونی جامعه ایران و پس از ورود به مرحله نوین حیات سیاسی - اجتماعی، هم‌گرایی طیف‌های سیاسی هم پیشینه، ضرورتی حیاتی است. به منظور هر چه شفاف‌تر شدن عرصه تفکر و سیاست، باز تعریف نیروهای فکری سیاسی از خود، گامی مؤثر در مسیر آشنایی عمیق‌تر نیروها از هم قلمداد شده و به ارتقاء درک و شناخت مردمی و افزایش "سلامت انتخاب" راه و روش فکری - سیاسی کمک می‌کند.

بر اساس چنین ضرورتی است که نیروهای ملی - مذهبی متشکل از اعضای جمعیت‌های سیاسی و منفردین ضمن احترام عمیق به تمامی مبارزان گذشته از هر فکر و سازمان و نحله و جریان، تجمعی را سامان داده‌اند و چون علی‌رغم وجود اشتراکات فکری و عمل اجتماعی آن‌ها در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی چندین سال اخیر، مبنای اشتراکات و توافقات به صورت تدوین یافته مکتوب نگردیده است، جهت پاسخ‌گویی به این نیاز اصول و معیارهایی با عنوان میثاق تعریف می‌گردد. تدوین این اصول در جهت اتحاد هر چه بیشتر این نیروهاست و در عین حال، به معنای نادیده گرفتن اختلافات فکری، سیاسی، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی در احزاب، گروه‌ها و شخصیت‌های فعال ملی - مذهبی نبوده و ضمناً مبین وجوه تمایز میان جریان ملی - مذهبی با دیگر جریان‌های سیاسی درون جامعه می‌باشد.

#### پیشینه و درک مشترک تاریخی

فعالیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کنونی نیروهای ملی - مذهبی ادامه حرکت و تلاش تاریخی مبارزات ضد استعماری، ضد استبدادی و ضد استثمار مردم ایران در یکصد و پنجاه سال اخیر می‌باشد که تجربه آموخته از تعامل و تعارض غرب و مسلمانان با تلاش برای کشف راه کارهای عملی جهت رهایی از سلطه بیگانگان بوده و تداوم تحولات این دوره، اعم از انقلاب مشروطه، نهضت ملی شدن نفت، انقلاب بهمن ۵۷ بوده و سابقه‌داران این طیف خود نیز در دوران پس از شهریور ۱۳۲۰ در مسیر تحولات فکری، سیاسی و اجتماعی



فعالانه ایفای نقش نموده‌اند تا آن حد که تحلیل منصفانه تاریخ این دوره بدون لحاظ کردن نقش آن‌ها میسر نیست.

این جریان، امیرکبیر، سید جمال‌الدین اسدآبادی، دکتر محمد مصدق (رهبر نهضت ملی و نماد برجسته مبارزات ملی علیه استعمار و تحقق حاکمیت ملی)، آیت‌الله سیدمحمدطالقانی، مهندس مهدی بازرگان، دکتر محمد نخشب، دکتر علی شریعتی و مهندس محمد حنیف‌نژاد را به عنوان آموزگاران و موارث نوگرایی دینی که هر کدام به تناسب زمان و جایگاه خویش در تحولات فکری و مبارزات سیاسی دهه‌های گذشته ایفای نقش نموده‌اند، قلمداد می‌نماید.

#### اصول میثاق

نیروهای ملی - مذهبی ضمن رعایت احترام نسبت به دیگر نخله‌های فکری - سیاسی و تأکید بر همزیستی دموکراتیک با آن‌ها، اصول منشور خود را در: مینه‌های "اعتقادی-نظری"، "استراتژیک-سیاسی" و "تشکیلاتی" به شرح زیر اعلام می‌نماید:

#### اصول اعتقادی - نظری

- ۱- اعتقاد به جهان‌بینی توحیدی و تسری آن به عرصه‌های مختلف اجتماعی و ایمان به اصول اعتقادی اسلام منبعث از اسلام نوگرا و پویای نافعی همه امتیازاتی که بین انسان‌ها اختلاف ایجاد می‌کند، جز تقوا، دارای ممیزه‌های مشخص تاریخی - نظری با اسلام آلوده به شرک و خرافه.
- ۲- تأکید بر کرامت، حریت و منزلت انسانی و رابطه بلا واسطه او با پروردگار و نفی حق ویژه هر فرد، صنف و طبقه.
- ۳- وفاداری به اخلاق و سلوک مذهبی و اعتقاد به عرفان حرکت آفرین آن.
- ۴- قایل بودن به تکثر آرای دینی و قرائت‌های متفاوت از متن و مبانی معرفتی و اعتقادی.
- ۵- اعتقاد به جدایی دین از حکومت و دولت.
- ۶- بهره‌جویی از مجموعه معارف و دست‌آوردهای بشری.

#### اصول استراتژیک - سیاسی

- ۱- تأکید ویژه بر هویت ملی و پاسداری از پیشینه تاریخی و موارث تمدن و فرهنگ ایران زمین



- ۲- تعمیق استقلال از طریق توسعه درون‌زای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و انسانی و حفظ تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، مردمی و دموکراتیک و مقابله با استعمار نوین و نظام تک قطبی جهانی‌سازی و تأکید بر وحدت ملی و حل مسألت آمیز اختلافات قومی و مذهبی از طریق استیفای حقوق دموکراتیک.
- ۳- تأمین و تضمین حقوق اساسی و آزادی‌های فردی و اجتماعی کلیه شهروندان صرف نظر از جنس، مذهب، عقیده، قومیت و پذیرش اعلامیه حقوق بشر.
- ۴- اعتقاد به تأمین عدالت اجتماعی و نفی سلطه طبقاتی و توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌های اجتماعی از طریق تعمیم علوم و فنون جدید، بهداشت و درمان و فراهم نمودن شرایط بروز خلاقیت‌های فکری، فرهنگی، اجتماعی و حرکت به سوی محو تدریجی و درازمدت استثمار.
- ۵- التزام عملی به قانون اساسی ضمن حفظ حق اصلاح دموکراتیک آن.
- ۶- حفظ محیط زیست و ارتقاء فرهنگ زیست‌محیطی در راستای نظام پویایی تولیدی.
- ۷- همکاری با دیگر نخله‌های فکری-سیاسی؛ ایران‌خواه، استقلال‌طلب و مردم‌گرا در چارچوب‌های مشخص و اهداف و برنامه تعیین شده.
- ۸- اعتقاد نظری و عملی به تقدم منافع ملی بر منافع حزبی، گروهی و جریانی.

## اصول تشکیلاتی

- ۱- اعتقاد به مشارکت و کار جمعی خلاق همگان با حفظ حقوق دموکراتیک افراد.

## پیوست شماره ۳

بسمه تعالی

### متن آخرین دفاع در دادگاه بدوی مورخ ۱۸۰/۹/۲۶

ولتکن منکم أمة یدعون إلی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و أولئک هم المفلحون  
(آل عمران - ۱۰۴)

ریاست محترم شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی تهران

#### ۱ - مقدمه

به طوری که استحضار دارید متن ادعانا مه (کیفرخواست) عمومی حدود ۱۵۰ صفحه‌ای در جلسات مورخ ۲۰، ۲۱ و ۲۲ آبان ۸۰ دادگاه با حضور ۳۴ نفر و دو غایب<sup>۲</sup> (آقایان دکتر ابراهیم یزدی و دکتر غلام عباس توسلی) و با حضور ۸ تن از وکلای مدافع توسط نماینده محترم مدعی العموم ارائه گردید. رئیس دادگاه تأکید نمود که اظهارنظر در خصوص آن در وقت مقتضی به عمل خواهد آمد، ولی در پایان جلسه نیز به کسی اجازه صحبت داده نشد و در حالی که دادگاه به استناد تبصره ۱ ذیل بند ۳ ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری غیر علنی اعلام گردید، مفاد ادعانا مه و اتهامات، از رسانه‌ها پخش شد و معلوم نیست که این رسانه‌ها از چه طریق به این اطلاعات دسترسی پیدا کرده‌اند و آیا متخلفین مطابق تبصره ۱ ذیل ماده مذکور مورد پیگرد قرار گرفته و به مجازات مفتری محکوم شده‌اند؟ متعاقباً چهار جلسه دادگاه اختصاصی اینجانب به صورت انفرادی و با حضور جناب آقای محمدعلی دادخواه وکیل اینجانب در تاریخ‌های ۲۶، ۲۷، ۲۹ و ۳۰ آبان ماه سال جاری به صورت غیر علنی، برگزار شد. این جلسات عموماً از ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱:۴۵ و در روز آخر تا ساعت ۱۲:۳۰ به طول انجامید.

در این‌جا در خصوص عدم صلاحیت ذاتی دادگاه‌های انقلاب در مورد اتهامات سیاسی که قبلاً توسط وکیل محترم عنوان شده مطالبی اضافه نمی‌کنم. اما در خصوص ضرورت علنی بودن دادگاه بر اساس اصل ۱۶۵ قانون اساسی و ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی در امور کیفری لازم می‌دانم صرفاً یک نکته را مجدداً در اینجا مورد تأکید قرار دهم. در مدت حدود هشت ماه گذشته اتهامات واهی و بی‌اساس به‌طور وسیع و گسترده در رسانه‌های عمومی، در مورد اینجانب و عده دیگری از شهروندان بازداشتی که عموماً از خدمتگزاران و مدیران

---

۱. متن آخرین دفاع در سلول انفرادی شماره ۲۹ (بند ۲) زندان ۵۹ در ایام ماه مبارک رمضان بدون دسترسی به منابع و پس از گذراندن بیش از ۸ ماه سلول انفرادی تهیه شده است.

۲. در جلسه دادگاه عمومی مورخ ۸۰/۹/۲۰ پرونده نهضت آزادی ایران در شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی تهران، ۳۲ نفر حضور داشتند و دو نفر آقایان مهندس غلامرضا مسموعی و مرتضی اشفاق به علت تشرف به خانه خدا (عمره) شرکت نداشتند و پرونده آقایان دکتر ابراهیم یزدی و دکتر غلام عباس توسلی مفتوح اعلام گردید. افراد دیگری در مراحل بعدی به جمع پرونده نهضت آزادی اضافه و محاکمه شده‌اند و به این ترتیب افراد پرونده نهضت آزادی ایران به ۴۵ نفر رسیده است.

انقلاب بوده‌اند پخش گردیده، اما انتشار دلایل این اتهامات و پاسخ متهمین، خلاف امنیت و مداخل احساسات مذهبی دانسته شده است. آیا چنین رفتاری دوگانه با حق و عدالت و انصاف سازگاری دارد؟ محاکمه سران و فعالان نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۴۲ در دادگاه نظامی عشرت‌آباد در رژیم طاغوت و استبداد شاهنشاهی به صورت علنی برگزار می‌شد و در آن اقسام مختلف مردم می‌توانستند حضور یابند و متهمین آن دادگاه مورد حمایت مراجع عظام، عالمان و شخصیت‌های سیاسی - اجتماعی و قاطبه مبارزان قرار گرفتند و امروز اسناد آن در کتب تاریخ در اختیار عموم قرار دارد و مقایسه آن با محاکمات مشابه ملی بسیار وسیع‌تر به صورت غیر علنی در نظام جمهوری اسلامی ایران چه تأثیرات سوئی علیه مصالح نظام و منافع و امنیت ملی داشته و خواهد داشت؟

ریاست محترم دادگاه، افکار و اندیشه‌های دینی و سیاسی پیشگامان نهضت آزادی ایران به ویژه مرحوم آیت‌الله طالقانی، مرحوم مهندس مهدی بازرگان و جناب آقای دکتر عبدالله سجایی و سایر پیشگامان روشنفکران دینی نظیر مرحوم استاد محمدتقی شریعتی مزینانی و شاگردان برجسته آنان نظیر مرحوم دکتر علمی شریعتی و شهید دکتر مصطفی چمران و خدمات آنان در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و تدارک و مدیریت انقلاب اسلامی، از شهریور ۱۳۲۰ تا سال‌های اخیر همواره به صورت علنی و مکتوب بوده و برای ملت ایران و حتی آگاهان در سطح جهانی شناخته شده است و لذا برگزاری دادگاه به صورت غیر علنی از این جهت تأثیر چندانی بر قضاوت و افکار آگاهان جامعه نخواهد داشت. به نظر این جانب پیامد غیر علنی بودن این دادگاه صرفاً به ضرر استقلال و اقتدار قوه قضاییه بوده و تأثیرات زیادی علیه مصالح نظام، منافع و امنیت ملی خواهد داشت و ارزیابی آن را به آیندگان می‌سپاریم.

ریاست محترم دادگاه، باتوجه به اهمیت این پرونده که در شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی تهران مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و بایستی آن را یک «پرونده ملی» تلقی نمود، پیشنهاد می‌نماید که کمیسیون ویژه‌ای از سوی ریاست محترم قوه قضاییه، مجموعه این پرونده از جمله مراحل بازداشت، بازرسی منازل و محل‌های کار افراد، اطلاعاتی صادر شده توسط دادگاه انقلاب اسلامی تهران، نحوه بازجویی‌ها، شرایط نگهداری متهمین، پرونده‌های پزشکی متهمین و نهایتاً جریان رسیدگی به اتهامات در دادگاه را به عنوان نمونه‌ای از عملکرد قوه قضاییه مورد بررسی و ارزیابی قرار دهند تا ضمن تقویت جنبه‌های مثبت آن، موارد خلاف قانون و مصالح نظام و منافع ملی و حق و عدالت در برنامه توسعه قضایی کشور مورد توجه قرار گیرد. در این راستا به رغم غیر علنی بودن دادگاه، اینجانب مطالب آخرین دفاع خود را «معدرتاً الی ربنا» و به امید آنکه خداوند تأثیری بر آن مترتب سازد در این دادگاه محترم معروض می‌دارد.

ریاست محترم دادگاه، نظر به اینکه متن ادعانامه (کیفرخواست) کلی در اختیار اینجانب نیست در اینجا صرفاً به ذکر نکات کلی و ضروری اکتفا می‌شود و لذا دفاعیه عمدتاً بر مفاد کیفرخواست اختصاصی که در اختیارم می‌باشد متمرکز خواهد شد و به لحاظ صرفه‌جویی در وقت دادگاه، مطالب حتی‌المقدور به اختصار ارائه می‌شود و از بذل توجه و عنایتی که در استماع آن خواهید فرمود قبلاً سپاسگزاری می‌نماید.

۲ - نگاه کلی به ادعانامه (کیفرخواست) عمومی

ریاست محترم دادگاه، باتوجه به اینکه نسخه‌ای از متن کیفرخواست عمومی و همچنین متن توضیحات شفاهی اضافی ارائه شده به دادگاه (توسط نماینده مدعی‌العموم) در اختیار اینجانب نیست صرفاً نکات و محورهای مهم آن را که در یادداشت‌های دستی منعکس شده است در اینجا به اجمال توضیح می‌دهم:

۱/۲- ادعای نامه به‌طور مستقیم و غیرمستقیم پیشگامان نهضت آزادی ایران مرحوم آیت‌الله طالقانی، مهندس مهدی بازرگان و جناب آقای دکتر یدالله سبحانی به‌طور خاص و جریان روشنفکران دینی در تاریخ ۶۰ ساله اخیر کشور را به‌طور عام مورد تعرض قرار داده، افکار و اندیشه‌های آنان را تحت تأثیر بیگانگان و آموزش‌های نهضت آزادی ایران را انحرافی و موجب سوختن افکار مارکسیسم در «سازمان مجاهدین» اولیه معرفی می‌کند و نهایتاً در توصیف آنان اضافه می‌نماید که آنان سابقه همکاری با دکتر مصدق و جبهه ملی داشته و به انقلاب اعتقاد نداشتند، روش آنان گام به گام بوده و تا پایان (سال ۵۷) نیز اعتقاد به رژیم سلطنتی و ماندن شاه را حفظ کردند!!

ریاست محترم دادگاه، علاوه بر بی‌اساس بودن این ادعاها، پیامد این دیدگاه از یک سو تشدید بی‌هویتی و سرگردانی نسل جوان و تحصیل‌کرده است و از سوی دیگر، باتوجه به نقش مؤثر و برجسته پیشگامان و فعالان نهضت آزادی ایران و سایر روشنفکران دینی در شکل‌گیری حرکت اسلامی در داخل و خارج از کشور در نیم‌قرن اخیر و در تدارک و مدیریت انقلاب، همگام و هماهنگ با رهبر فقید انقلاب و روحانیون مبارز، عملاً حربه‌ای به دست مخالفان انقلاب اسلامی داده است تا رسالت آن را مخدوش نمایند. تهیه‌کننده محترم ادعای نامه حتی حرمت سخنان و نامه‌های حضرت امام خمینی (ره) و نامه تسلیت مقام محترم رهبری (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای) به جناب آقای دکتر یدالله سبحانی بعد از درگذشت مرحوم مهندس بازرگان در سال ۱۳۷۳ را در خصوص آن مرحوم رعایت نکرده است.

۲/۲- مستندات ادعای نامه ضمن آنکه به یک تحلیل سیاسی خاصی که جای نقد و بررسی دارد شبیه است عموماً اقرار در دوران بازداشت افرادی است که خود بعد از آزاد شدن آنها را تکذیب و با اصلاح نموده‌اند (نظیر اظهارات آقایان دکتر فرهاد بهبهانی و مهندس عزت‌الله سبحانی در بازداشت سال ۱۳۶۹) و یا اظهارات افرادی است که بعضاً در شرایط فشارهای جسمی و روحی ناشی از دوران بازداشت طولانی در سلول‌های انفرادی اخذ شده است و هنوز صحت و سقم آنها در دادگاه مورد رسیدگی و تأیید قرار نگرفته است.

۳/۲- بخش قابل ملاحظه‌ای از ادعای نامه مربوط به سوابق، اظهارنظرها و اقرار در دوران بازداشت افراد و گروه‌های تشکیل‌دهنده «شورای فعالان ملی - مذهبی» است و به ویژه نقل مطالبی از میثاق و منشور آنان است که علی‌الاصول ارتباطی به نهضت آزادی ایران و اینجانب ندارد و پس از رسیدگی خود بایستی پاسخگوی آنها باشند. ارتباط و همکاری نهضت آزادی و اینجانب با آنان صرفاً در مقاطع انتخابات شوراهای مجلس شد و دوره تدارک انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۸۰ بوده است. در این خصوص در بخش ادعای نامه اختصاصی توضیح بیشتری ارائه خواهد شد.

۴/۲- در بخشی از ادعای نامه به مذاکرات اینجانب با آقای کشتگر (رهبر چریک‌های فدایی اقلیت) به نقل از یادداشت‌های سررسید اینجانب پرداخته شده و توضیحات مفصلی در خصوص جنایات و خیانت‌های آنها در جلسه دادگاه ارائه شد که کذب محض می‌باشد. نه در یادداشت‌های سررسید اینجانب چنین موردی وجود دارد

و نه هرگز اینجانب با وی آشنایی و دیدار داشته‌ام. به رغم چند بار درخواست اینجانب از نماینده محترم مدعی‌العموم برای ارائه مدارک این بخش از ادعانامه هیچ‌گونه سندی در جلسه دادگاه ارائه نشده است.

۵/۲- در بخشی از ادعانامه، بدون ذکر منبع، این جمله از قول اینجانب نقل شده است: «ما به مبارزه علنی، آرام و مسالمت‌آمیز اعتقاد داریم و معتقدیم باید درون همین حاکمیت، تحولات ایجاد و نظام را استحاله کرد.» اینجانب هرگز به خاطر ندارم که چنین مطلبی را گفته و یا نوشته باشم. در جلسات رسیدگی دادگاه اینجانب به دفعات از ریاست محترم دادگاه درخواست نمودم که نماینده محترم مدعی‌العموم مأخذ این جمله را در پرونده ارائه نمایند ولی هیچ‌گاه به این درخواست مشروع اینجانب پاسخی داده نشد. اما سؤال و شگفتی بیشتر درج همین جمله عیناً به نام اینجانب در روزهای قبل از ارائه ادعانامه در دادگاه و بعد از آن در روزنامه **کیهان** است که موضوع و بریده جریده مزبور به دادگاه محترم جهت رسیدگی ارائه شد و این در حالی است که جلسات دادگاه غیر علنی اعلام شده و تأکید گردیده که مطالب دادگاه قابل اذعان و انتشار نیست. (مطلب در جلسه دوشنبه ۸۰/۸/۲۱ توسط نماینده محترم مدعی‌العموم در دادگاه ارائه شد، در حالی که عین آن، در صفحه اول و دوم **کیهان** همان روز و در سلسله مقالاتی تحت عنوان «بررسی شیوه‌های متفاوت براندازی به روایت اسناد، بخش دوم» مورخ ۸۰/۸/۲۲ و همچنین مجدداً در **کیهان** مورخ ۸۰/۸/۲۶ درج شده است.)

۶/۲- آنچه موجب سؤال و شگفتی بیشتر می‌گردد درج قسمتی از گزارش مذاکرات مورخ ۷۸/۲/۲۶ مربوط به مذاکره گروه پارلمانی حزب سبزه‌های آلمان در دفتر آقای دکتر ابراهیم یزدی در مقاله «بررسی شیوه‌های متفاوت براندازی به روایت اسناد، بخش اول» در **کیهان** مورخ ۸۰/۸/۲۱ و از قول آقای مهندس هاشم صباغیان است. اصل منحصر به فرد این گزارش و تنها نسخه آن در اختیار آقای مهندس ابوالفضل بازرگان منشی جلسه مزبور بوده که عیناً در اختیار ضابطین محترم دادگاه و سپس نماینده محترم مدعی‌العموم قرار گرفته است. موضوع جهت رسیدگی در دادگاه محترم توسط اینجانب مطرح گردید ولی نتیجه آن تاکنون اعلام نشده است.

۷/۲- نماینده محترم مدعی‌العموم در موارد متعددی در ادعانامه تنظیمی ضمن تحریف سوابق تاریخ انقلاب اتهامات واهی و بی‌اساسی را متوجه پیشگامان نهضت آزادی ایران نموده است. به عنوان نمونه در فرازی از ادعانامه آمده است که اهداف انقلاب فروپاشی نظام سلطنتی و تأسیس حکومت دینی یعنی: حاکمیت ارزش‌های دینی، تبعیت از رهبری و نظام مبتنی بر ولایت فقیه بوده است در حالی که اهداف نهضت آزادی خلاف روند فوق و خواست مردم و در راستای تداوم سلطنت بوده است (نقل به مضمون)

اولاً- رهبران نهضت آزادی ایران نه تنها از سال ۱۳۴۰ که نهضت تأسیس شده است بلکه از شهریور ماه ۱۳۲۰ که حرکت فرهنگی خود را آغاز کردند، به صحنه آوردن قرآن و آشنایی جامعه به ویژه جوانان و نسل تحصیل کرده را با معارف اسلامی و با زبان علمی و روزآمد در دستور کار خود قرار دادند تا ارزش‌های دینی به‌طور طبیعی با خواست و تمایل مردم در جامعه حاکم شود (لیقوم الناس بالقسط)، بیش از ۳۰۰ اثر ثبت شده مرحوم مهندس بازرگان و آثار متعدد مرحوم آیت‌الله طالقانی و سایر آثار فعالان نهضت آزادی ایران در ۶۰ سال گذشته به وضوح این واقعیت را نشان می‌دهد. مدافعان مرحوم مهندس بازرگان در دادگاه نظامی عشرت‌آباد در سال ۱۳۴۲ با عنوان «چرا با استبداد مخالفیم» که به دفعات چاپ شده است و همچنین مصاحبه‌های آن مرحوم و نشریات نهضت آزادی ایران در طول سال ۱۳۵۷ که در داخل کشور در اردیبهشت و شهریور سال ۱۳۵۷ به

صورت مصاحبه و نشریه برای اولین بار اعلام داشته است که «شاه باید برود» از جمله بطلان ادعای نماینده محترم مدعی العموم را نشان می‌دهد.

ثانیاً- شعار محوری مردم در انقلاب اسلامی سال ۵۷ «آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی» بوده است که در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تبلور یافته و امروز به صورت «میثاق ملی» مناسبات مردم و مسئولان نظام را مشخص می‌نماید. در قانون اساسی هم اصول مربوط به اختیارات و وظایف رهبری (ولایت فقیه) به تفصیل آمده است و هم حقوق اساسی ملت به طور کامل منعکس شده است. «نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَ نَكْفُرُ بِبَعْضٍ» به‌ویژه توسط نماینده محترم مدعی العموم که بایستی معرف دیدگاه عمومی مردم و الگوی قانون‌مداری باشد دور از انتظار و مغایر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

ثالثاً- تأیید صریح سوابق خدمات دینی و مبارزات سیاسی مرحوم مهندس بازرگان توسط رهبر فقید انقلاب و اعضای شورای انقلاب در حکم انتصاب نخست‌وزیری آن مرحوم در ۱۵ بهمن سال ۵۷ و همچنین نامه پذیرش استعفای ایشان در ۱۴ آبان ۵۸ بطلان ادعا و اتهامات واهی نماینده مدعی العموم را لاقلاً تا آن تاریخ به خوبی نشان می‌دهد.

۸/۲- بخش قابل ملاحظه‌ای از ادعای نماینده محترم مدعی العموم به نظرات و دیدگاه‌های آقای ساموئل هانتینگتون در کتاب **موج سوم دموکراسی** که در سال ۱۳۷۳ منتشر شده است می‌پردازد و این اتهام را مطرح می‌سازد که رهبران و فعالان نهضت آزادی ایران از آقای هانتینگتون و افراد دیگری نظیر آقای گری سیک خط می‌گرفتند و با هدف موهوم براندازی نظام! در انتخابات شرکت می‌کردند. قطعاً نماینده محترم مدعی العموم به یاد دارند که کتاب مزبور در سال ۱۳۷۳ منتشر شده است و حال آنکه لاقلاً بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از همان سال ۱۳۵۸ نهضت آزادی ایران همواره در امر انتخابات مشارکت فعال داشته است. در دوره اول مجلس با تشکیل گروه همنام (هیئت معرفی نامزد های انتخابات مجلس) از شخصیت‌های دینی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و ارائه فهرست ۳۰ نفره از شخصیت‌های واجد شرایط متعلق به طیف گسترده‌ای از گروه‌های اجتماعی، بیشترین آراء را به خود اختصاص داد. این اتهام تأثیرپذیری روشنفکران دینی و فرهیخته‌گان جامعه ایرانی از بیگانگان و خط گرفتن از آنان و به تعبیر مرحوم مهندس بازرگان «بیگانه‌زدگی» و یا «بیگانه‌پرستی» اتهام تازه‌ای نیست، این اتهام از ویژگی‌های فرهنگ از خود بیگانگی کشورهای جهان سومی و متأثر از فرهنگ استبدادی است که عامل اصلی همه مسائل و مشکلات را به «دشمن» و بیگانگان نسبت می‌دهند. حال آنکه مطابق حدیث شریف «دائک فیک و دوائک منک» و واقعیات تجربه بشری بایستی ریشه درد و مشکلات را در خود جست‌وجو کنیم و مداوای آن را نیز از راه‌کارهای واقع‌بینانه بومی بجوییم. البته در این روند هیچ‌گاه نبایستی از توجه به ترندهای دشمنان غفلت ورزید. پیشگامان نهضت آزادی ایران مبانی اندیشه سیاسی خود را در مرحله اول از متن معارف دینی یعنی قرآن و سنت و شناخت تاریخی مسائل فرهنگی - اجتماعی جامعه و در مرحله بعد از تجربه بشری گرفته‌اند و قبل از اینکه افرادی نظیر آقای هانتینگتون نظرات خود را ارائه دهند مواضع و دیدگاه‌های اعتقادی، سیاسی و اجتماعی خود را بیان داشته‌اند که در آثار مکتوب آنان موجود است. انسجام مواضع بنیانی این پیشگامان در عرصه مسائل اعتقادی و سیاسی در طول چند دهه تاریخ کشورها از

ویژگی‌های برجسته این بزرگواران است. «یثبت الله الذین آمنوا بالقول الثابت فی الحیاة الدنیا و فی الآخرة» (ابراهیم - ۲۷).

۹/۲- آنچه موجب سؤال و شگفتی است این است که در آستانه برگزاری دادگاه مربوط به متهمان پرونده نهضت آزادی ایران و همزمان با ارائه ادعای نامیده محترم مدعی‌العموم، در روزنامه **کیهان** نیز چند مقاله درج شده است که منطقی و عبارات و حتی پاره‌ای از واژه‌های آنها شباهت بسیار زیادی با متن ادعای مه مذکور دارد. به خصوص آنکه پاره‌ای از اسناد انحصاری پرونده نیز همان‌گونه که در بالا توضیح داده شد در این مقالات منعکس گردیده است. برای بررسی و رسیدگی دادگاه محترم فهرست مقالات مورد نظر ذیل درج می‌گردد:

۱. سلسله مقالات تحت عنوان «کتاب مقدس براندازان» در شماره‌های مورخ ۸۰/۸/۲۰ تا ۸۰/۸/۲۳ (در چهار بخش) در معرفی ساموئل هانتینگتون و کتاب **موج سوم دموکراسی** ترجمه و انتشار فارسی ۱۳۷۳.
۲. سلسله مقالات «بررسی شیوه‌های متفاوت براندازی» در شماره‌های مورخ ۸۰/۸/۲۱ تا ۸۰/۸/۲۳ (در سه بخش) و نقل قول‌هایی بعضاً از پرونده متهمین شعبه‌های ۲۱ و ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی ایران.
۳. معرفی کتاب **آمریکا و براندازی جم‌جمهوری اسلامی** تألیف کامران غضنفری در کیهان چهارشنبه ۸۰/۸/۲۳

۴. سلسله مطالب تحت عنوان «مردی که نمی‌خواست انقلابی باشد» پژوهش از مؤسسه قدر ولایت تا ۸۰/۸/۲۳ هفتاد و شش قسمت آن درج شده است.

۱۰/۲- سندسازی علیه اصالت انقلاب اسلامی ایران و مخدوش کردن آن محور دیگری از پیمان ادعای نامیده محترم مدعی‌العموم است.

با وجود آنکه سوابق تاریخ مکتوب و محتویات پرونده از وضوح کامل برخوردار بوده و مشعر بر آن است که آقای دکتر بهرام بهرامیان در سال‌های ۵۶ و ۵۷ معاون و استاد دانشگاه امیرکبیر، شریک دفتر مهندسی مشاور آقای مهندس سعید سبحانی، فرزند جناب آقای دکتر یدالله سبحانی و مشاور فرهنگی مرحوم دکتر بهشتی در پروژه دانشگاه اسلامی ایشان بوده‌اند و با معرفی آقای دکتر فریدون سبحانی صرفاً اینجانب را در برنا مه دیپلماسی انقلاب به آقای استمپل‌کاردار سفارت وقت آمریکا معرفی کرده و دیگر نقشی در مذاکرات سیاسی مرحوم مهندس بازرگان و آقای دکتر یدالله سبحانی نداشته است و اسناد اتهام ارتباط وی با سازمان سیا حدود دو سال بعد یعنی در اواخر سال ۵۸ منتشر شده است، موضوع ارتباط اینجانب در فروردین ماه ۵۷ با آقای بهرام بهرامیان به عنوان عضو ساواک و جاسوس سیا! بعد از گذشت ۲۴ سال در این ادعای مه مطرح شده است! باتوجه به مسئولیت‌های متعدد و حساس اینجانب در طول سال‌های تدارک انقلاب ۵۷ - ۱۳۵۴ که در منابع مختلف چاپ و منتشر شده است، از جمله مسئولیت تبلیغات ستاد برگزاری راهپیمایی‌های تا سوعا و عاشورا، اربعین و استقبال از حضرت امام (ره) در بهمن ماه ۵۷، همکاری در برگزاری نمازهای عید فطر سال‌های ۵۶ و ۵۷ در تپه قیطریه تهران، برگزاری مراسم چهلم شهدای قم، تبریز، یزد و ... و متعاقب آنها تهیه اولین پیش‌نویس اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در معاونت امور انقلاب دولت موقت و طراحی و پیشنهاد این نام به‌جای «گارد ملی» که امام فرموده بودند و تصویب آن توسط ایشان و همچنین مدیریت شهر تهران در دو سال اول انقلاب در شرایط بحرانی دوران انتقال نظام و ... این سند در پرونده قوه قضاییه همواره می‌تواند توسط

دشمنان انقلاب و ایران و اسلام مورد سوء استفاده قرار گیرد و انقلاب اسلامی ایرا را ساخته و پرداخته ساواک و سازمان سیا! معرفی نماید. در این راستا، بهانه‌ها و مستمسک‌های دیگری نظیر مذاکرات رهبر فقید انقلاب با نماینده ویژه دولت آمریکا که آقای دکتر ابراهیم یزدی نقش ترجمه آن را به عهده داشته‌اند و در اسناد تاریخی نیز منتشر شده است، با بستری که در این ادعاینامه فراهم شده است برای مخدوش کردن اصالت انقلاب اسلامی ایران و حداقل القای شبهه می‌تواند مورد سوء استفاده دشمنان انقلاب قرار گیرد. اینجانب مبراً از دادگاه محترم می‌خواهم که موضوع را مورد بررسی جدی قرار دهند و برای زدودن این گونه اتهامات خلاف واقع و مفسده‌انگیز از پرونده که جنبه ملی و عمومی دارد اقدام مقتضی به عمل آورند.

۱/۲- نماینده محترم مدعی‌العموم در بخش دیگری از ادعاینامه به دولت موقت انقلاب پرداخته و ضمن اشاره به اشتباه بودن این انتخاب، ترکیب آن را از نهضت آزادی ایران و جبهه ملی معرفی می‌کند و ادعا شده که آنها که به دنبال اهداف و منافع حزبی خود بودند و چون انتقادپذیر نبودند بعد از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در اثر حرکت مردم، دولت موقت سقوط کرده است. به علاوه در ادعاینامه تصریح شده است که پیشنهاد «جمهوری دموکراتیک اسلامی» توسط مرحوم مهندس بازرگان انحراف از اهداف انقلاب بوده است. ریاست محترم دادگاه، همه می‌دانند که دولت موقت انقلاب براساس حکم رهبر فقید انقلاب، دولتی غیر حزبی بوده و عملکرد آن ارتباطی با نهضت آزادی ایران نداشته است، در اینجا به چند توضیح اجمالی اکتفا می‌کنم:

۱. مرحوم مهندس بازرگان در آن موقع پاسخ این مطلب را طی نامه‌ای سرگشاده به مرحوم حضرت امام(ره) داده‌اند و نیازی نیست که در اینجا مطلبی اضافه شود. مدارک و سوابق مربوط به آن دوران نشان می‌دهد که این انتخاب با اصرار رهبر فقید انقلاب و اعضای شورای انقلاب صورت گرفته و باتوجه به شرایط عینی آن زمان هیچ گزینه عملی دیگری وجود نداشته است.

۲. انتخاب کلیه وزرای دولت موقت توسط شورای انقلاب به تصویب و حکم‌انته‌صاب آنان توسط رهبر فقید انقلاب امضا و ابلاغ شده است. پاره‌ای از اعضای دولت موقت از جمله مرحوم دکتر کریم سنجابی، مرحوم داریوش فروهر و آقای ابوالحسن بنی‌صدر توسط شخص امام(ره) توصیه شده بودند و ملی‌مهندس بازرگان زیر بار آقای بنی‌صدر به علت نداشتن تجربه مدیریت نرفتند.<sup>۱</sup>

۳. موضوع استعفای دولت موقت، به طوری که در اسناد آن دوران آمده است، ارتباطی با تسخیر سفارت سابق آمریکا نداشته و از چند ماه قبل در شورای انقلاب مطرح بوده و بعد از حادثه اشغال سفارت نهایی شده است.

۴. خدمات و نقش دولت موقت در دوران انتقال نظام و شرایط بحرانی آن دوره و فضای جنگ قدرت بعد از پیروزی انقلاب کمتر مطرح شده و مورد ارزیابی قرار گرفته است. اینجانب که عضو کوچک دولت موقت

---

۱. برای اطلاع از نحوه پیشنهاد و انتخاب وزرای دولت موقت و تغییرات آن در طول مدت ۹ ماه عمر دولت موقت و وابستگی‌های گروهی آنان به نشریه شورای انقلاب و دولت موقت به قلم مرحوم مهندس بازرگان از انتشارات نهضت آزادی ایران مراجعه شود.



انقلاب اسلامی بوده‌ام برای روشن شدن ابعاد این خدمات صرفاً اشاراتی اجمالی به پاره‌ای از خدمات هدیریت شهرداری تهران بعد از انقلاب می‌کنم و از اینکه به علت عدم اطلاع کافی از عملکرد سایر مسئولان دولت موقت اجباراً از عملکرد خود سخن می‌گویم متواضعانه پوزش می‌طلبم.

ریاست محترم دادگاه، از همان اسفند ماه ۵۷ برای شهر تهران برنامه‌ریزی زیربنایی و دراز مدت صورت گرفته است، به طوری که قسمت اعظم خدمات زیربنایی که در دو دهه بعد از انقلاب در شهر تهران انجام گرفته، در این دوره اجرا، یا طراحی و یا برنامه‌ریزی شده است:

- انجام مطالعات علمی و اجرای تقسیمات شهر تهران به ۲۰ منطقه و ۳۷۵ محله (به جای ۱۲ منطقه بی‌اساس قبلی) که برای انجام انتخابات شوراهای محلی، مناطق و شهر تهران ضروری بوده است و انجام مطالعات مقدماتی برای انتخابات شورای شهر تهران قبل از تدوین قانون اساسی.

- انجام مطالعات فشرده و علمی برای حل مشکل ترافیک در محدوده مرکزی شهر تهران به عنوان طرح کوتاه مدت و اجرای آن (مرحله اول) در شهریور ماه ۵۸ (طرح محدوده مرکزی شهر). این طرح بعد از ۲۳ سال همچنان به صورت یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر مورد استفاده قرار دارد.

- اجرای برنامه توسعه شبکه بزرگراهی به عنوان طرح میان مدت ترافیک شهر تهران. ادامه محور بزرگراه صدر، ادامه بزرگراه رسالت تا میدان آفریقا، ادامه قسمتی از آزادراه شمال عباس آباد (شهید همت) و احداث یکی از پل‌های تقاطع فجر (ارتباط غرب به جنوب)، محور بزرگراه بعثت، محور بزرگراه افسریه و اسب‌دوانی و ... بخشی از توسعه شبکه بزرگراهی در این دوره کوتاه و بحرانی شهر تهران بوده که در سال‌های بعد ادامه یافته است.

- اصلاح طرح مترو تهران در راستای برنامه دراز مدت ترافیک شهر تهران و پیگیری فشرده برای احداث چهار خط پیش‌بینی شده بدون درخواست کمک مالی از دولت. شایان ذکر است که این طرح ضروری و ملی شهر تهران که می‌توانست با استفاده از دلار به نرخ حدود ۷۰ ریال با توجیه فنی - اقتصادی اجرا شود در اثر شعارهای سیاسی چپ و احساسی اواخر سال ۵۹ متوقف گردید و اجرای آن از سال ۱۳۶۵ با هزینه‌های بسیار سنگین و جذب اعتبارات ملی دنبال شد.

- تکمیل ترمینال مسافربری جنوب تهران و انتقال شرکت‌های مسافربری از مرکز شهر و پیش‌بینی دو ترمینال در شرق و غرب و یک ترمینال در شمال شهر در محدوده میدان آرژانتین (آفریقا). در این مدت، ترمینال غرب احداث گردیده است و ترمینال‌های شرق و شمال در دست اقدام و مطالعه می‌باشد.

- انجام مطالعات میدانی میوه و تره‌بار، انتخاب زمین مناسب برای میدان میوه و تره‌بار مادر در جنوب تهران و محصور نمودن آن و احداث تعدادی از میدانی اقماری نظیر میدان قول‌قلعه که در سال‌های بعدی مابقی طرح اجرا گردیده و در دست بهره‌برداری است.

- حل مشکل تخلیه آب‌های سطحی شهر تهران به صورت کوتاه مدت و آغاز مطالعات اساسی و دراز مدت در سه حوزه شرقی، مرکزی و غربی توسط مهندس مشاور که در سال‌های اخیر اجرای آنها به ثمر رسیده است.

- کنترل توسعه بی‌رویه شهر و جلوگیری از ساخت و سازهای خلاف و اصلاح ضوابط و مقررات که توضیح درباره آنها گزارش گسترده‌ای را می‌طلبد.

- ایجاد تحول زیربنایی، در واحدهای خدمات اجتماعی، نامگذاری معابر و میدانی، تشکیل شوراهای محلی و جلب همکاری و مشارکت نیروهای کارشناسی داوطلبانه که مجموعه آنها نیز به توضیحات و گزارش مفصلی نیاز دارد.

- اصلاح ساختار سازمانی و مدیریت شهرداری تهران متناسب با شرایط بعد از انقلاب و ایجاد تحول روحی و ارزشی در کارکنان شهرداری.

- ایجاد سازمان بهسازی جنوب شهر تهران و ارائه خدمات گسترده عمرانی و اجتماعی برای پاسخگویی به نیازهای مردم و رفع تبعیضهای گذشته.

- انجام دادن اولین انتخابات شوراها در گودهای جنوب شهر تهران زیر نظر وزارت کشور و حل مشکلات گودنشینان با همکاری و مشارکت خود آنان و با حداقل هزینه ممکن که امروز آن گودهای سابق به صورت بوستانهایی در خدمت مردم قرار گرفته و این لکههای سیاه از جنوب شهر تهران پاک شده است.

- توسعه فضای سبز شهر تهران به ویژه در حریم و مناطق جنوب تهران و در زمینهایی که احتمال تصرف آنها وجود داشته است.

- تسویه حساب کلیه قراردادهای خارجی شهرداری تهران با آمریکا و کشورهای اروپایی با تراضی و شرایط بسیار مطلوب، به طوری که در پروندههای مربوط به بیانیه الجزایر پروندهای از شهرداری تهران دیده نمی شود.

- عدم پذیرش استعفای اینجانب بعد از دولت موقت، در دولت شورای انقلاب و دولت شهید رجایی و ادامه خدمات تا اواخر سال ۱۳۵۹.

- در دیدار اواخر دی سال ۵۹ با حضرت امام خمینی (ره) و ارائه گزارشی از مسائل و مشکلات مدیریت شهر تهران و تأکید بر این نکته که ادامه تصدی اینجانب نه به نفع مردم شهر تهران و نه در راستای منافع ملی است و درخواست پذیرش استعفای خود که گزارش مشروح آن در روزنامههای آن روز منعکس شده است.

ریاست محترم دادگاه، چنانچه هر یک از وزراء فهرست خدمات خود را در دوران بحرانی انتقال نظام ارائه می کردند نقش مؤثر خدمات دولت موقت و مظلومیت تاریخی آن در آن دوران کوتاه نمایان می گردید.

۵. و اما درباره آنچه مرحوم مهندس بازرگان در آستانه تغییر نظام مطرح کردند یعنی «جمهوری دموکراتیک اسلامی»، اولاً این عنوان مأخوذ از اساسنامه مصوب شورای انقلاب است. ثانیاً مفهوم آن همان «مردم سالاری دینی» است که امروز در زبان و قلم بسیاری از مسئولان نظام ساری و جاری است ثالثاً این پیشنهاد صرفاً تأکیدی بر مردم سالار بودن یعنی رکن جمهوریت نظام اسلامی است که بعدها در اصول قانون اساسی از جمله اصل ششم و اصل پنجاه و ششم (فصل پنجم، حاکمیت ملت) تفصیل و تبیین شده است.

۱۲/۲- بخش دیگری از ادعای نام به مواضع و نثریات نهضت آزادی ایران در خصوص جنگ تحمیلی هشت ساله آمریکا علیه انقلاب و نظام اسلامی بعد از پیروزی خرمشهر پرداخته و به دفعات به «ننگین نامه» هشدار اشاره دارد. باتوجه به اینکه بررسی عملکرد جنگ تحمیلی نیاز به کار کارشناسی دارد و در این خصوص گروههای کارشناسی ذی ربط مشغول چنین امر مهمی هستند و نیز با عنایت به واقعیات آشکار و پیاپی هدای جنگ تحمیلی نیازی به اظهار نظر اینجانب در فرصت محدود دادگاه نیست. در اینجا صرفاً بر این نکته تأکید

می‌کنم که نشریه **مشهد** در فروردین ۱۳۶۷ مرحوم مهندس بازرگان تهیه شد و پس از بررسی و تصویب دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران با امضای آن مرحوم جهت رهبر فقید انقلاب ارسال گردید و ایشان نه تنها هیچ گاه چنین واژه‌های دور از اخلاق اسلامی به‌کار نبرده‌اند بلکه به هنگام برنامه بازداشت فعالان نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۶۷ فرموده بودند «به آقایان بازرگان و یزدی کاری نداشته باشید.» انتظار می‌رود نماینده محترم مدعی‌العموم که خود را ملتزم به تبعیت از رهبری می‌دانند بعد از گذشت ۱۴ سال از آن قضیه، با تأسی به رفتار ایشان از به‌کار بردن این‌گونه کلمات که دور از اخلاق اسلامی است و مولای متقیان حضرت علمی (ع) نیز در خطبه ۲۰۶ نهج‌البلاغه اصحاب و شیعیان خود را در این خصوص مورد شماتت قرار می‌دهند (انی‌اکره لکم ان تکونوا سباین...) جداً پرهیز نمایند و به‌جای آن نظر، نقد و اعتراض خود را بیان نمایند و که این روش به صواب نزدیک‌تر (أصوب فی القول) و تأثیر آن نیز بر مخاطب بیشتر است.

۱۳/۲- بخش دیگری از ادعای به گسترش تشکیلاتی نهضت آزادی ایران در شهر ستان‌ها پرداخته و به احیای کانون نشر حقایق اسلامی در مشهد و جمعیت تلاشگران زنجان و جمعیت توسعه فرهنگی تبریز اشاره می‌نماید. به استناد صورت جلسات شورای مرکزی و دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران که در اختیار دادگاه محترم می‌باشد چنین واحدهای فرهنگی هیچ‌گونه ارتباط تشکیلاتی، اداری و مالی با نهضت نداشته‌اند و صرفاً با نظر و تشخیص افراد محلی تأسیس شده‌اند و حضور آقایان مهندس عبدالعلی بازرگان و دکتر علی اصغر غروی در کانون مشهد کاملاً جنبه همکاری شخصی داشته و ارتباطی به نهضت آزادی ایران نداشته است.

ریاست محترم دادگاه، توضیحات اجمالی فوق در خصوص ادعای عمومی نماینده محترم مدعی‌العموم نشان می‌دهد که تهیه‌کننده آن با اتکا به یک دیدگاه خاص، تفکر و عملکرد نهضت آزادی ایران را به‌طور خاص و روشنفکران دینی ۶۰ سال اخیر کشور را به‌طور عام مورد تعرض قرار داده است و پیاپی آن جز تفرقه در صفوف مسلمانان و سرگردانی و بی‌تفاوتی جامعه، به ویژه نسل جوان و تحصیل‌کرده، و بی‌اعتدالی نسبت به قوه قضاییه و مسئولان نظام نخواهد بود. در سال‌های اولیه انقلاب یک بار سران حزب توده که به‌عدها در اعترافات خود نیز تصریح کردند، کوشش نمودند برای ضربه زدن به انقلاب اسلامی ایران با ترفندهای مختملف بین دو جریان اسلامی حوزه و دانشگاه شکاف به‌وجود آوردند که به خواست خدا تفکر و سازمان آنها در داخل کشور و در سطح جهانی با فروپاشی و شکست تاریخی مواجه شد. به نظر اینجانب پیاپی هدایت بازداشت اعضای نهضت آزادی ایران و جمعی از روشنفکران دینی (کانون مشهد) که بسیاری از آنها از خدمتگزاران و هدیران انقلاب بوده و امروز نیز در مراکز علمی دانشگاه‌ها و در سطوح کارشناسی مشغول خدمت به نظام هستند و نیز اثر ادعای که نماینده محترم مدعی‌العموم ارائه کرده‌اند، عملاً ایجاد شکاف بین دو جریان اسلامی دانشگاه و حوزه است. در صورتی که بازداشت‌ها و ادعای یاد شده چنین هدفی را دنبال می‌کند، قطعاً اشخاص ذری‌بط دچار اشتباه بزرگ تاریخی شده‌اند، زیرا جریان نهضت آزادی ایران و روشنفکران دینی کشور در مجموعه افراد بازداشت شده خلاصه نمی‌شود، بلکه ریشه در متن جامعه اسلامی ما دارد و حرکت بالنده خود را داشته و خواهد داشت. اگر در آستانه انقلاب همکاری تنگاتنگ این دو جریان و تعامل تعالی بخش تاریخی این دو جریان اسلامی زمینه‌ساز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی گردید، تداوم بالنده انقلاب نیز در گرو چنین همکاری خواهد بود. به نظر اینجانب یکی از ریشه‌های بحران‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

جامعه در دو دهه گذشته و پیامدهای بسیار تلخ آن آمار و ارقام مفاسد گسترده اجتماعی منتشر شده این شکاف بین دو جریان مذکور می‌باشد که برای هر دردمند انقلاب و دلسوز ملک و ملت غم‌بار است. اگر رئیس‌جمه پور محترم با افتخار طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها را در سازمان ملل مطرح کرده و با استقبال و تحسین جهانیان روبه‌رو شده است و جامعه جهانی به رغم تمامی اختلافات و دیدگاه‌های متفاوت راهی جز گفت‌وگو و تعمیق و گسترش وجوه اشتراک در پیش روی ندارد که البته مقدمه این گفت‌وگو احترام متقابل و پذیرش دیدگاه‌ها و نظرات دیگران است و اگر امروز مسئولان نظام خواستار حکومت فراگیر با مشارکت تمامی اقوام و دیدگاه‌ها در افغانستان هستند آیا دو جریان اسلامی دانشگاه و حوزه که در چند دهه گذشته در مقاطع مختلف تعامل و همکاری تعالی بخش داشته و نهایتاً در سال ۵۷ این فرآیند، پیروزی قدرتمند و شکوهمند از انقلاب اسلامی ایران را در پی داشته است نمی‌توانند با پذیرش پاره‌ای دیدگاه‌های مختلف در مقابل وجوه اشتراک فراوان با احترام متقابل در راستای مصالح نظام و منافع ملی مسائل مورد اختلاف را از طریق گفت‌وگو و با تساهل و در چارچوب اصل قرآنی «رحماء بینهم» کاهش داده و زمینه همگرایی بیشتر را فراهم سازند؟ آیا پخش یک سری اتهامات سنگین و بی‌اساس و واهی از رسانه‌های جمعی و بازداشت‌های انجام شده به نفع نظام و منافع و امنیت ملی بوده است؟ به نظر اینجانب یک نظرسنجی علمی و بی‌طرفانه نشان خواهد داد که این اقدامات به نفع دشمنان انقلاب به ویژه گروه‌های برانداز، بوده است و زمینه‌های روانی - اجتماعی ذهنیت «براندازی» که مطمح نظر و خواست آنها است از طریق اطلاعیه‌های صادر شده و به‌کارگیری رسانه‌ها به خوبی فراهم شده است. از دادگاه محترم و مقامات ذی‌ربط در قوه قضاییه درخواست بررسی مجدد ادعای عمومی نماینده محترم مدعی‌العموم و در صورت مقتضی اصلاح آن و جبران پیامدها و آثار اقدامات انجام شده را دارند. این آرید إلا الإصلاح ما استطعت و ما توفیقی إلا بالله علیه توکلت و إليه أنیب (هود - ۸۸)

### ۳- توضیحات و پاسخ ادعای اختصاصی

ریاست محترم دادگاه، نظر به اینکه در متن ادعای اختصاصی (کیفرخواست) اختصاصی اینجانب متهم ردیف اول اطلاعات خلاف واقع و مغایر مندرجات پرونده فراوان وجود دارد، در هر قسمت ابتدای اطلاعات نادرست و اصلاحی آنها مطرح و سپس توضیحات لازم در هر مورد تقدیم می‌شود. ذکر این نکته نیز در خصوص سوابق کیفری سال ۶۷ لازم است که اینجانب بعد از هشت ماه و نیم بازداشت متعاقب انتشار بی‌بازیه هم‌ساز، بدون صدور کیفرخواست و مشخص شدن موضوع اتهام با عفو حضرت امام (ره) آزاد شدم و موارد اتهامی مذکور در کیفرخواست مطرح نبوده است.

۱/۳- کلیات: فعالیت‌های تشکیلاتی

الف- اصلاحات متن ادعای اختصاصی:

- در ردیف ۳-۴ آمده است: «با شکل‌گیری دفتر سیاسی نهضت عضو دفتر سیاسی شده و تا زمان دستگیری رئیس دفتر سیاسی بوده است»، دفتر سیاسی از حدود سال ۶۰ تأسیس شده و اینجانب فقط در دو سال آخر یعنی ۷۸ و ۷۹ رئیس دفتر سیاسی بوده‌ام. از ابتدا تا سال ۱۳۷۳ که مرحوم مهندس بازرگان حضور داشتند آقای دکتر ابراهیم یزدی رئیس دفتر سیاسی بوده‌اند و بعد از سال ۱۳۷۳ که ایشان به سمت رئیس شورای مرکزی و دبیرکل نهضت انتخاب شدند، آقای دکتر غلام‌عباس توسلی این سمت را داشته‌اند.

- در ردیف ۵-۳ آمده است: «سخنرانی‌های متعدد، نوشتن مقالات، شرکت در جلسات پرسش و پاسخ و مصاحبه با نشریات داخلی و رادیوهای بیگانه در راستای اهداف تشکیلاتی نهضت»، باتوجه به اینکه اینجانب از سال ۱۳۶۷ به‌طور متمرکز در کار حرفه‌ای و تخصصی خود اشتغال داشته‌ام و تا اخذ پروانه از وزارت کشور و رسمیت یافتن فعالیت نهضت آزادی ایران ساعات محدودی را به فعالیت‌های نهضت اختصاص داده بودم، در طول ۱۰ سال اخیر تعداد سخنرانی‌ها و مقالات و مصاحبه با مطبوعات داخلی از چند مورد تجاوز نکرده است؛ از قبیل مصاحبه با نشریه پیام‌هاجر و روزنامه‌های آزادی و حیات نو، به‌جز یک مورد مصاحبه با رادیو فرانسه در خصوص آلودگی هوای تهران و مسائل زیست محیطی آن، به‌خاطر ندارم که مصاحبه دیگری با رادیوهای خارجی داشته باشم.

- در ردیف ۶-۳ آمده است: «... واگذاری دو واحد ساختمانی واقع در خیابان شهید مطهری پلاک ۲۳۴ به نهضت آزادی»، دو واحد مذکور ابتدائاً در اختیار نهضت آزادی بوده است. بعد از سال ۱۳۶۷ و تأسیس بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان، اینجانب دو واحد خود را به آن بنیاد واگذار و اهدا کردم و این امر در سوابق کمیسیون ساختمان نهضت آزادی و مدارک مربوط به بنیاد فرهنگی مهندس بازرگان نیز منعکس می‌باشد.

- در ردیف ۷-۳ آمده است: «نماینده نهضت آزادی در ائتلاف موسوم به ملی- هذیبی و به‌عنوان عضو اصلی ستاد هماهنگی» اینجانب فقط در طول مدت دو یا سه هفته در مقطع انتخابات مجلس ششم عضو ستاد هماهنگی (چهار نفره) بوده‌ام و مأموریت و یا مسئولیت دیگری در ائتلاف مذکور نداشته‌ام.

- در ردیف ۹-۳ آمده است: «... همچنین رئیس شورای مرکزی انجمن اسلامی مهندسين در مدت بعد از انقلاب»، اینجانب فقط در یک دوره در حدود سال‌های ۱۳۷۳ رئیس شورای مرکزی انجمن اسلامی مهندسين بوده‌ام.

#### ب- توضیح پیرامون فعالیت تشکیلاتی

ریاست محترم دادگاه، همان‌گونه که شرح فعالیت‌های تشکیلاتی نشان می‌دهد، نهضت آزادی ایران بعد از سال ۱۳۶۷ به ویژه بعد از سال ۱۳۶۹ که دفتر نهضت آزادی تعطیل و جمعی از فعالان نهضت بازداشت شدند و فشارها و هزینه‌ها به هیچ‌وجه تناسبی با میزان فعالیت سیاسی نداشت، جمع‌ز یادی از اعضای نهضت آزادی ایران که کارمند دولت و یا دانشجوی بودند همکاری خود را با نهضت قطع کردند. در چنین شرایطی شورای مرکزی نهضت آزادی ایران بعد از بررسی نظرات و دیدگاه‌های مختلف سرانجام تصمیم گرفت که فعالیت‌های تشکیلاتی از جمله عضوگیری را متوقف نماید و فقط واحدهای ستادی شورا و دفتر سیاسی و هیئت اجرایی فعالیت محدودی داشته باشند و برای اخذ پروانه و رسمیت یافتن نهضت آزادی ایران از طریق قانونی پیگیری نمایند. این سیاست حتی بعد از سال ۷۶ که فضای سیاسی بازتری برای فعالیت احزاب فراهم شده بود، کماکان مورد عمل بود و با وجود فشار زیادی که از سوی علاقه‌مندان به ویژه دانشجویان برای عضویت در نهضت آزادی وجود داشت، شورای مرکزی نهضت همچنان تا تعیین تکلیف صدور پروانه و تأمین امنیت فعالیت سیاسی برای اعضا بر این تصمیم خود پافشاری نمود و در سال ۷۹ فقط معدودی (۵ نفر) از اعضا و علاقه‌مندان قدیمی به عضویت پذیرفته شدند. صورت‌جلسات دفتر سیاسی و شورای مرکزی نهضت آزادی ایران که در اختیار آن دادگاه محترم هست، پیگیری‌ها و تلاش به عمل آمده برای ارتباط و مذاکره با مقامات مسئول وزارت

کشور، وزیر اطلاعات، رؤسای جمهوری و مجلس شورای اسلامی و همچنین مقام محترم رهبری را در این خصوص به وضوح نشان می‌دهد. بر این اساس، اعضای نهضت آزادی ایران از جمله اعضای شورای مرکزی، دفتر سیاسی و هیئت اجرایی آن در رشته‌های تخصصی و حرفه‌ای و علمی خود مشغول بوده‌اند و زمان بسیار محدودی را در هفته در اختیار نهضت قرار می‌دادند. اینجانب نیز پس از سال ۶۷ به‌ویژه پس از سال ۱۳۷۱ با تأسیس شرکت مهندسی مشاور و اخذ صلاحیت و درجه‌بندی در رشته‌های تخصصی حمل و نقل و ترافیک و فرودگاه و همچنین در رشته راه با جذب همکاران متخصص به کار پژوهشی و مطالعاتی پرداختم که ثمره آن تهیه طرح‌های پژوهشی و تحقیقاتی و اجرایی بزرگ و ملی بوده است. برای مزید اطلاع دادگاه محترم یک نسخه از فهرست این طرح‌ها به پیوست تقدیم دادگاه محترم می‌شود (پیوست شماره ۱) تهیه چند آیین‌نامه ملی در زمینه حمل و نقل و ترافیک و فرودگاه برای اولین بار در ایران که توسط سازمان هدیریت و برنامه‌ریزی کشور چاپ و منتشر شده است، مطالعه و تهیه طرح اجرایی بزرگراه‌های کردستان و نیاپش که قسمت‌هایی از آنها از جمله پل‌های بزرگ تقاطع بزرگراه نیاپش- شهید چمران اجرا و مورد بهره‌برداری قرار گرفته، تهیه طرح‌های جامع فرودگاه هواز و ارومیه، تهیه شرح خدمات طرح جامع حمل و نقل کشور، مطالعات اولویت‌های طراحی و اجرایی شبکه بزرگراهی شهر تهران (که در جشنواره مهندسی کشور در سال ۷۸ موفق به اخذ جایزه ویژه گردید)، مطالعات ساماندهی مدیریت آسفالت شهر تهران و اجرای طرح نظارت بر عملیات آسفالت شهر تهران در ۵ سال اخیر و بالاخره ارائه نظرات کارشناسی و مدیریتی به مدیران دستگاه‌های اجرایی مختلف در وزارت راه و ترابری (سازمان هواپیمایی کشوری و مرکز تحقیقات و آموزش آن وزارت)، سازمان هدیریت و برنامه‌ریزی کشور، شهرداری تهران، شورای اسلامی شهر تهران، معاونت امور عمرانی وزارت کشور و در استان‌های گیلان و همدان و شهر تبریز گوشه‌ای از خدماتی است که در زمینه رشته تخصصی اینجانب با مساعدت همکاران (در شرکت مهندسی مشاور) در سال‌های اخیر ارائه شده است.

ریاست محترم دادگاه، ارائه نمونه‌هایی از خدمات عرضه شده در سال‌های اخیر صرفاً برای نشان دادن روند فکری و اشتغالات اصلی اینجانب و خلاف واقع بودن اتهامات بی‌اساس مطرح شده در کیفرخواست عمومی و اختصاصی است. آیا در جمهوری اسلامی ایران و در سال تأسی به رفتار حضرت علی(ع) کسانی که چند دهه از عمر خود را صرف زمینه‌سازی، تدارک و مدیریت انقلاب کرده‌اند و به رغم تهامی بی‌مهری‌ها و رفتارهای خلاف قانون و شرع که شرح آنها در این مختصر نمی‌گنجد، به‌خاطر ایمان و اعتقادات اسلامی و مصالح نظام و منافع ملی و خدمت به مردم، با پذیرش کلیه مشکلات کار در شرایط کنونی تمامی ظرفیت کارشناسی خود را متواضعانه و با رعایت تقوای حرفه‌ای در اختیار مدیران و مسئولان نظام گذارده و موجبات تقویت حاکمیت و امنیت ملی را فراهم ساخته‌اند، اینک به‌خاطر «اظهاری نظر» در نشریات زیراکسی و امثالهم بایستی این چنین بازداشت و با اتهاماتی از قبیل اقدام علیه امنیت کشور روبه‌رو شوند؟!!

۲/۳ - اتهام اقدام علیه امنیت کشور

ریاست محترم دادگاه، در ادعای اتهام اقدام علیه امنیت کشور به استناد چهار محور زیر عنوان شده است و لذا توضیحات نیز به همین ترتیب ارائه می‌شود:

## ۱/۲/۳- عضویت در شورای مرکزی نهضت آزادی ایران

الف- اصلاحات متن ادعانامه: در این قسمت آمده است: «... آخرین مسئولیت وی به عنوان مسئول کمیته اجرایی و رئیس دفتر سیاسی بوده است»، همان‌گونه که قبلاً توضیح داده شد اینجانب بعد از سال ۱۳۶۷ هیچ‌گونه مسئولیتی به‌جز در دو سال آخر که رئیس دفتر سیاسی بوده‌ام نداشته‌ام، لذا مسئولیت هیئت اجرایی بعد از سال ۶۷ خلاف واقع است. ضمناً مسئولیت رئیس دفتر سیاسی، مطابق آیین‌نامه آن، اداره جلسات آن دفتر است و او مانند سایر اعضای دفتر سیاسی فقط صاحب یک رأی می‌باشد. مسئولیت نشریات و اتخاذ تصمیم به عهده همه اعضای دفتر سیاسی است. البته اینجانب به عنوان یک عضو نهضت آزادی ایران مسئولیت اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های نهضت آزادی ایران را پذیرفته‌ام زیرا قصد و هدف انجام تکلیف دینی و اجتماعی و خدمت بوده است.

## ب- دلایل قانونی بودن فعالیت نهضت

ریاست محترم دادگاه! در ادعانامه اختصاصی صرفاً «عضویت در شورای مرکزی گروهک غیرقانونی نهضت آزادی» ذکر شده ولی به دلایل غیرقانونی بودن آن اشاره‌ای نشده است. اما در ادعانامه عمومی با استناد به نا هم متناسب به حضرت امام(ره) که به تاریخ ۱۳۶۶ صادر ولی در سال ۱۳۶۸ بعد از رحلت ایشان منتشر شده، فعالیت نهضت غیرقانونی دانسته شده است. البته نماینده محترم مدعی‌العموم ضمن بحث خود در جریان دادگاه نهضت آزادی ایران را تا سال ۱۳۶۰ که قانون اساسی و قانون فعالیت احزاب تصویب شده است به دلیل نداشتن «پروانه» غیرقانونی تلقی نموده‌اند. با توجه به اینکه نهضت آزادی ایران بر اساس مفاد قانون اساسی و قانون احزاب ادامه فعالیت خود را بعد از پیروزی انقلاب قانونی ولی غیر رسمی می‌دانند و مقامات مسئول وزارت کشور نیز به دفعات این موضوع را اعلام داشته‌اند، فهرست‌وار این دلایل را برای بررسی دادگاه محترم ارائه می‌کنم:

اصل ۲۶ قانون اساسی و ماده ۶ قانون احزاب به‌طور صریح فعالیت احزاب را آزاد اعلام کرده و در قانون احزاب هیچ‌گاه فعالیت احزاب منوط و مشروط به داشتن پروانه نشده بلکه پروانه صرفاً «امتیازی» است که احزاب دارای پروانه می‌توانند از تسهیلات قانونی آن بهره‌مند شوند. شایان ذکر است که در قانون احزاب از واژه «مجوز» استفاده نشده است.

در اصل بیست و ششم قانون اساسی تصریح شده است: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی را نقض نکنند...» و ماده ۶ قانون احزاب که ناشی از اصل ۲۶ قانون اساسی است نیز بر این امر صراحت دارد: «ماده ۶: فعالیت گروه‌ها آزاد است مشروط بر این‌که مرتکب تخلفات مندرج در بندهای ماده ۱۶ این قانون نگردند». در ماده ۱۶ قانون احزاب موارد تخلف ذکر گردیده و در ماده ۱۷ قانون مذکور تصریح شده که در صورت تخلف، کمیسیون ماده ۱۰ می‌تواند بر حسب مورد، اقدام به تذکر کتبی، اخطار، توقیف پروانه و نهایتاً تقاضای انحلال از دادگاه نماید. در مورد نهضت آزادی ایران در دو دهه بعد از انقلاب هیچ‌گاه چنین اقداماتی توسط وزارت کشور صورت نگرفته و تاکنون در هیچ دادگاه صالحه‌ای مطابق اصل ۱۶۸ قانون اساسی رأی در خصوص نهضت آزادی ایران صادر نشده است.

ریاست محترم دادگاه! برای اینکه منطق حقوقی «پروانه» در قانون احزاب روشن تر گردد تعریف آن را عیناً از منبع معتبر دانشنامه حقوقی جلد دوم نوشته دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی نقل می‌کنم: «پروانه دلالت بر یک امتیاز می‌کند، هر امتیازی حاکی از تعهدی است به نفع دارنده امتیاز که باتوجه به موضوع امتیاز ممکن است جنبه مالی داشته باشد، بلکه غالب امتیازات از این قبیل است.» موارد فوق و همچنین مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی درخصوص اصل ۲۶ قانون اساسی به وضوح این واقعیت را نشان می‌دهد که علی‌الاطلاق اصل بر آزادی فعالیت احزاب است و برای تنظیم فعالیت احزاب و استفاده از تسهیلات قانونی ضروری است که احزاب اساسنامه و مرامنامه خود را با ضوابط وزارت کشور هماهنگ نمایند. همان‌گونه که اداره ثبت شرکت‌ها درخصوص رسمیت یافتن شرکت‌ها با انجام تشریفات مشابه، برای شرکت‌ها شماره ثبت (مانند پروانه) صادر می‌کند.

ریاست محترم دادگاه! اجازه بفرمایید که علاوه بر دلایل حقوقی قانونی بودن ادامه فعالیت نهضت آزادی ایران دلایل تاریخی آن را نیز به استحضار برسانم:

۱. در جریان رویدادهای سال ۶۰ رهبر فقید انقلاب طی پیام ۸ ماده‌ای تکلیف همه گروه‌های سیاسی را مشخص کردند، (ظاهراً) یکی از بندهای آن اطلاق به نهضت آزادی ایران دارد که از سال ۱۳۴۰ فعالیت خود را آغاز کرده و لذا براین اساس فعالیت علنی نهضت ادامه یافت و هیچ‌کدام در آن سال‌ها مطالبی دال بر غیرقانونی بودن فعالیت نهضت اعلام نداشته است.<sup>۱</sup> (پیوست شماره ۲)

۲. دفتر نهضت آزادی ایران واقع در خیابان استاد مطهری پلاک ۲۳۴ در سال ۱۳۶۳ توسط دادستانی انقلاب اسلامی تهران برای مدتی تصرف شد و پس از بررسی کلیه اسناد و مدارک، مجدداً دفتر را رسماً تحویل مسئولان نهضت دادند تا به فعالیت خود ادامه دهد. آیا این اقدام دادستانی انقلاب (تلویحاً) دال بر قانونی بودن ادامه فعالیت نهضت آزادی ایران نیست؟<sup>۲</sup>

۳. رؤسای محترم جمهور وقت در دهه اول انقلاب به دفعات در پاسخ به این سؤال و ادعای خبرنگاران خارجی که در ایران آزادی وجود ندارد تصریح کرده‌اند که در ایران آزادی وجود دارد و دلیل آن فعالیت علنی نهضت آزادی ایران و انتشار نشریات آن است.

۴. اگرچه قانون احزاب در سال ۱۳۶۰ به تصویب رسیده است، اما وزارت کشور تا حدود سال ۱۳۶۹ اقدامی درخصوص تشکیل کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب و صدور پروانه برای هیچ‌کدام از احزاب و گروه‌های فعال این دوره مانند حزب جمهوری اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، دفتر تحکیم وحدت و جامعه روحانیت مبارز تهران و ... بدون پروانه فعالیت نداشته‌اند. وزیر کشور وقت در سال ۶۹ از کلیه احزاب قدیمی خواست که برای ادامه فعالیت به کمیسیون ماده ۱۰ مراجعه و اساسنامه و مرامنامه خود را

۱. مطابق نامه هشت ماده‌ای امام به دادستانی انقلاب مورخ ۲۴/۰۹/۶۱ جز احزابی که در آن تاریخ منحل اعلام شدند سایر احزاب از جمله نهضت آزادی ایران می‌توانستند به فعالیت خود ادامه دهند.

۲. جریان دقیق ماوقع در اسناد نهضت آزادی ایران منعکس است.



با ضوابط وزارت کشور هماهنگ نمایند. نهضت آزادی ایران نیز اساسنامه و مرامنامه خود را با انجام اصلاحاتی با ضوابط وزارت کشور هماهنگ و تسلیم نمود.<sup>۱</sup> (پیوست شماره ۳)

۵. مقامات وزارت کشور در سال‌های اخیر به دفعات اعلام نموده‌اند که فعالیت نهضت آزادی ایران قانونی ولی غیررسمی است. (پیوست شماره ۴)

۶. در جریان بازداشت‌های سال‌های ۱۳۶۷ (پس از صدور بیانیه هشدار) و ۱۳۶۹ (پس از صدور نامه ۹۰ امضایی به رئیس‌جمهور وقت) مقامات قضایی دادگاه انقلاب اسلامی تهران هیچ‌گاه مطالبی در خصوص غیرقانونی بودن فعالیت نهضت آزادی ایران اعلام نداشته بودند.

۷. دفتر نهضت آزادی ایران به ویژه تا سال ۱۳۶۷ که نهضت فعالیت نسبتاً گسترده‌ای داشته است توسط مأموران نیروی انتظامی حفاظت می‌شده و دستگاه‌های اجرایی از جمله وزارت کشور با نهضت آزادی ایران مکاتبه داشته‌اند.

ریاست محترم دادگاه! لازم است درخصوص دو نامه وزارت کشور که به غیرقانونی بودن نهضت آزادی اشاره دارد گفتنی است یکی از نامه‌ها به پاسخ به درخواست تسهیلات تبلیغاتی در مقطع انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی از سوی نهضت آزادی مربوط است که صلاحیت آقایان دکتر حسن فریداعلم، مهندس ابوالفضل بازرگان و دکتر غلام‌عباس توسلی از اعضای شورای مرکزی نهضت آزادی، توسط شورای نگهبان تأیید شده بود. با توجه به غیررسمی بودن نهضت آزادی ایران و عدم امکان ارائه تسهیلات به نهضت آزادی، اداره سوم سیاسی وزارت کشور اجباراً چنین جواب منفی را اعلام داشته است. نامه دوم پس از درگذشت شادروان مهندس بازرگان توسط جناب آقای دکتر یدالله سجایی برای پیگیری صدور پروانه نوشته شد تا چنانچه نسبت به نهضت آزادی ایران حساسیت برطرف شده باشد، در شرایط جدید نسبت به صدور پروانه اقدام نمایند. بدیهی است که اعلام غیرقانونی بودن احزاب فقط در صلاحیت دادگاه صالحه موضوع اصل ۱۶۸ قانون اساسی است و قانون چنین اختیاری را به وزارت کشور و کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب نداده است.

ریاست محترم دادگاه، اجازه بفرمایید که درخصوص نامه متسبب به امام(ره) نیز به اختصار توضیحاتی را ارائه نمایم:

۱. صرف‌نظر از شبهه‌های شکلی در نامه مزبور و انتشار آن در سال ۱۳۶۸، یعنی دو سال پس از تاریخ صدور نامه و پس از رحلت حضرت امام(ره) و نقض آشکار وصیت‌نامه ایشان درخصوص کارشناسی خط و امضای نامه که توضیح تفصیلی آن در پرونده آمده در متن نامه مطلبی دال بر غیرقانونی بودن نهضت وجود ندارد.

۲. نماینده محترم مدعی العموم (ظاهراً برای اولین بار) اظهار داشتند که نامه مزبور در ۵ نسخه تکثیر شده و در اختیار سران سه قوه و وزارت اطلاعات و (ایشان) قرار داشته است. نه تنها در این مدت هیچ یک از سران سه قوه آن دوره درخصوص اصالت نامه مذکور اظهارنظری نکرده‌اند، در بازداشت سال ۶۷ نیز هیچ‌گونه مطالبی از سوی ضابطین قوه قضاییه (وزارت اطلاعات) در این زمینه عنوان نشده است.

۱. در سال ۱۳۶۰ نهضت آزادی نیز مدارک لازم را برای تشکیل پرونده تسلیم وزارت کشور نموده است.

۳. در صورتی که حضرت امام(ره) در سال ۶۶ چنین نامه‌ای را انشاء کرده باشند، دستور یا توصیه ایشان در برنامه بازداشت‌های سال ۶۷ مبنی بر اینکه «به بازرگان و یزدی کاری نداشته باشید» مغایر رویه معمول ایشان بوده است.

۴. در حالی که سلب حقوق شهروندی جزو اختیارات مقام رهبری در قانون اساسی پیش‌بینی نشده و خداوند تبارک و تعالی نیز چنین حقی را حتی برای پیامبر بزرگوار اسلام قائل نشده، چرا بجای استناد به قانون اساسی که میثاق ملی است و امام نیز همواره بر اجرای آن تأکید داشته‌اند در برخوردهای سیاسی از اعتبار ایشان هزینه می‌کنیم؟ اصل ۱۶۸ قانون اساسی، محاکم دادگستری را برای اظهار نظر در خصوص عمل کرد احزاب سیاسی و مطبوعات مشخص کرده است.

ریاست محترم دادگاه! باتوجه به دلایلی که در بالا ارائه شد، فعالیت نهضت آزادی ایران پس از پیروزی انقلاب قانونی بوده و به علت عدم صدور پروانه از سوی وزارت کشور، نهضت آزادی غیر رسمی و محروم از استفاده از تسهیلات قانونی بوده است. همان‌گونه که قبلاً نیز توضیح داده شد، پس از رخدادهای سال ۱۳۶۷، خط مشی مصوب نهضت آزادی ایران توقف توسعه تشکیلاتی و انجام فعالیت محدود و تلاش برای اخذ پروانه بوده و این تصمیم در راستای مصالح نظام و منافع ملی و مصلحت نهضت آزادی ایران اتخاذ شده است. اما اینکه چرا در دو دهه پس از انقلاب برای قدیمی‌ترین حزب ملی و اسلامی کشور که سوابق خدمات و فعالیت‌های آن در دو دهه پیش از انقلاب در داخل و خارج از کشور شناخته شده است حتی «پروانه» فعالیت رسمی صادر نشده و اینچنین با آن برخورد می‌شود، موضوع قابل توجهی است که به بحث در باره آن در این وقت محدود دادگاه نمی‌گنجد. اما جا دارد که دادگاه محترم باتوجه به اهمیت آن موضوع را مورد توجه و عنایت قرار دهد.

ریاست محترم دادگاه! آیا عضویت در شورای مرکزی نهضت آزادی ایران که صرفاً برای زمینه سازی حرکت اسلامی و خدمت به مردم تأسیس شده و شخصیت‌هایی نظیر مرحوم آیت‌الله طالقانی، مرحوم مهندس بازرگان و جناب آقای دکتر یدالله سجابی از پایه‌گذاران آن بوده‌اند و جز در راه آزادی، استقلال و اعتلای کشور و در راستای مصالح نظام و منافع ملی و تقویت قانونمداری عملی انجام نداده است، اقدام علیه امنیت کشور است؟

۲/۲/۳- همکاری با ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی در مقاطع انتخابات

الف- اصلاحات متن ادعانامه: در ادعانامه عمومی بخش قابل ملاحظه‌ای به تشریح سوابق و عملکرد افراد و گروه‌های تشکیل‌دهنده شورای فعالان ملی-مذهبی و یا اظهارات، تشکیلات داخلی و مواضع آنها با عنوان «منشور همبستگی» پرداخته که ارتباطی به اینجانب و نهضت آزادی ندارد و ما در جریان فعالیت آنها نبوده‌ایم. در متن ادعانامه اختصاصی نیز بر آن اساس موضوع «عضویت» و فعالیت در تشکیلات غیر قانونی موسوم به ائتلاف ملی - مذهبی و یا مواردی از منشور همبستگی مزبور نقل شده است که ارتباطی به نهضت آزادی ایران و اینجانب ندارد و بلا موضوع است. ارتباط نهضت آزادی ایران با آن مجموعه (۷ گروه) از طریق آقای مهندس عزت‌الله سجابی و گروه *ایران فردا* بوده است و لذا مطالب مذکور در این قسمت خلاف واقع می‌باشد. برای روشن شدن محدوده این همکاری جزئیات آن ذیلاً توضیح داده می‌شود.

## ج - همکاری در مقاطع انتخابات

ریاست محترم دادگاه! سوابق فعالیت‌های نهضت آزادی ایران به ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که نهضت براساس خط مشی و برنامه‌های خود مشارکت در امر انتخابات را به عنوان یک حق و وظیفه دانسته و برای تقویت نظام و نهادینه شدن حقوق اساسی و حاکمیت ملت که در اصول قانون اساسی نیز تصریح شده است و فراهم شدن بستر اجتماعی لازم برای جلب اعتماد و مشارکت بیشتر مردم به امر مهم انتخابات پرداخته است. در این راستا، در انتخابات دوره اول مجلس همکاری نهضت با دیگران با عنوان همانام (هیئت معرفی نامزدهای انتخابات مجلس) شکل گرفت و گروه‌های مختلف اجتماعی در آن مشارکت داشتند و لیست همانام در تهران قوی‌ترین آراء را به خود اختصاص داد و مشارکت مردم بسیار وسیع بود. در دوره های دوم و سوم و چهارم مجلس، نهضت با توجه به شرایط اجتماعی آن دوران رأساً به این مهم پرداخت. در انتخابات دوره پنجم مجلس به دعوت جمعی از شخصیت‌های ملی و اسلامی با عنوان تلاشگران این همکاری شکل گرفت و چهار نفر از نامزدهای معرفی شده مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفتند. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۶ نیز با همان جمع تلاشگران مجدداً همکاری انتخاباتی صورت گرفت که چون در ادعای اختصاصی به این موارد اشاره‌ای نشده است برای رعایت اختصار از توضیح بیشتر در خصوص این همکاری‌ها صرف نظر می‌کنم.

ریاست محترم دادگاه! در مقطع انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا (سال ۷۷) باتوجه به مسائل و تجربیات همکاری‌های جمعی گذشته، آقای مهندس سحابی و دوستان ایشان در هیئت تحریریه *ایران فردا* پیشنهاد همکاری در انتخابات شوراهای مطرح کردند و باتوجه به محدود بودن زمان، ستاد همکاری نیز تشکیل شد و نماینده‌ای از نهضت در آن ستاد شرکت می‌کرد ولی ضوابط همکاری کاملاً روشن نشده بود. بعد از اعلام نامزدهای تأیید صلاحیت شده، روی لیست نامزدها توافق کامل به عمل نیامد و لذا نهضت آزادی به طور مستقل نامزد معرفی کرد. و گروه *ایران فردا* و دوستان‌شان نیز لیست جداگانه‌ای ارائه دادند. ستاد انتخاباتی نهضت آزادی ایران مستقلاً به حمایت از اعضای خود (آقایان دکتر غلام‌عباس توسلی، مهندس غلامرضا سموعی، مجید حکیمی و حسن شهبازی) و تعداد دیگری از نامزدهای تأیید صلاحیت شده پرداخت. هدف از مشارکت نهضت آزادی، همان‌گونه که قبلاً تصریح شده است، صرفاً شکل‌گیری نهادهای شورا در سطح کشور و جلب مشارکت بیشتر مردم در این امر مهم اجتماعی بوده است. بهرغم عدم تأیید صلاحیت اینجانب در انتخابات شورای شهر تهران و عدم انتخاب سایر نامزدهای نهضت در شورای شهر تهران اینجانب دعوت اعضای محترم شورای شهر تهران را با اشتیاق پذیرفتم و تجربیات بیش از ۳۰ سال خود در مسائل زیربنایی شهر تهران و تجربه مدیریت بحران دو سال اول انقلاب شهرداری تهران و نظرات کارشناسی در خصوص مسائل مبتلابه شورای شهر را در اختیار آنان قرار دادم که شمه‌ای از این خدمات ارائه شده قبلاً مرقوم شده و در پرونده منعکس می‌باشد و لذا از تکرار آنها خودداری می‌کنم.

ریاست محترم دادگاه! اشاره به این همکاری‌ها و خدمات از این جهت ضروری است که قصد و نیت اینجانب و نهضت آزادی ایران در همکاری‌های انتخاباتی در ادوار مختلف کاملاً تبیین و مشخص شود و برداشت‌ها و اتهامات ناصواب نماینده محترم مدعی‌العموم اصلاح گردد.

در مقطع انتخابات مجلس ششم ابتدائاً پیشنهاد همکاری توسط آقای مهندس سبحانی و همکاران شان در هیئت تحریریه مجله *ایران فردا* با نهضت آزادی ایران مطرح شد و پس از چند جلسه مذاکره برای همکاری، توافق حاصل نگردید و نهضت با تشکیل ستاد مستقل برای شرکت در انتخابات مجلس ششم رأی سبزه‌ریزی و اقدام کرد. در مراحل نهایی که فعالیت انتخاباتی آغاز شده بود، آقای مهندس سبحانی و دوستان شان نظر نهضت را که تصمیمات به صورت اقلیتی باشد پذیرفتند، به این ترتیب که فقط مواردی که طرفین در باره آن‌ها توافق کامل داشته باشند مورد عمل قرار گیرد. برای این منظور یک ستاد هماهنگی متشکل از دو نفر از طرف نهضت (آقای خسرو منصوریان و اینجانب) و دو نفر نیز از طرف آقای مهندس سبحانی و دوستان شان (آقایان هدی صابر و مرتضی کاظمیان) تشکیل شد و ضمن حفظ استقلال فعالیت دو ستاد، ستاد هماهنگی تصمیمات مربوط به انتخابات مجلس ششم را هماهنگ نمود. صورت‌جلسات این ستاد هماهنگی ضمیمه گزارش دفتر سیاسی به شورای مرکزی نهضت گردیده و در اختیار دادگاه محترم می‌باشد. محدود همکاری در این صورت‌جلسات با عنوان «ائتلاف نیروهای ملی-مذهبی» در امر انتخابات مجلس ششم کاملاً روشن است. لذا امضای اینجانب و آقای خسرو منصوریان در کنار امضای آقایان هدی صابر و مرتضی کاظمیان صرفاً محدود به امر انتخابات مجلس ششم بوده است. آقای هدی صابر عضو هیئت تحریریه مجله رسمی *ایران فردا* و نماینده آقای مهندس سبحانی در ستاد هماهنگی بودند و مطالبی که در ادعای عمومی در خصوص اظهارات و اقدامات دوستان و همکاران آقای مهندس سبحانی آمده است در صورت تأیید آنها پس از رسیدگی در دادگاه ارتباطی به نهضت و اینجانب ندارد زیرا در جریان آنها نبوده و بی‌اطلاع هستیم.

ریاست محترم دادگاه! بعد از انتخابات مجلس ششم، پیشنهاد ادامه همکاری برای تدارک انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۰ مطرح شد. دفتر سیاسی نهضت آزادی با ادامه همکاری با آقای مهندس سبحانی و دوستان شان به صورت انفرادی و یا محفلی موافق نبود و ادامه همکاری را فقط با احزاب و گروه‌های تعریف شده و شناسنامه‌دار مشروط نمود. برای این منظور (در خرداد ۱۳۷۹) دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران آیین‌نامه موقتی را تهیه کرد و برای بررسی در اختیار آنان قرار داد. این آیین‌نامه همکاری موقت (۶ ماهه) توسط نماینده نهضت و نمایندگان هفت گروه که دوستان آقای مهندس سبحانی تعریف کردند امضا شده است و نسخه‌ای از آن در اختیار دادگاه محترم می‌باشد. هدف، چارچوب مواضع و محدوده فعالیت این دوره موقت در آیین‌نامه مذکور کاملاً مشخص شده است. هدف پیدا کردن هویت و شناسنامه‌دار شدن احزاب و گروه‌های ائتلاف در امر انتخابات بوده و چارچوب مواضع، پاسداری از اصول و آرمان‌های انقلاب، وفاداری به نظام و التزام به قانون اساسی در آیین‌نامه مذکور تصریح شده است. مسئول ارتباطات دفتر سیاسی نهضت در این ستاد شرکت می‌کرد. تصمیمات این ستاد نیز براساس مفاد آیین‌نامه اقلیتی، یعنی با توافق همه گروه‌ها بوده است. بر این اساس کلیه تصمیمات قبلاً در دفتر سیاسی نهضت مطرح می‌شده و در صورت تصویب، نماینده نهضت در ستاد موافقت می‌نموده است.

ریاست محترم دادگاه! در اسفند ۱۳۷۹ یعنی بعد از بازداشت آقای مهندس عزت‌الله سبحانی، مسئول ارتباطات دفتر سیاسی نهضت متن ماشین‌شده‌ای با عنوان «میثاق نیروهای ملی-مذهبی» (پیشنهادی) را از طرف ستاد ائتلاف برای بررسی و اظهار نظر دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در اختیار اینجانب قرار داد که در همان

ملاحظه اولیه آن را در تناقض آشکار با اهداف و برنامه آیین‌نامه موقت مصوب دیدم و آن را با ایشان نیز مطرح کردم. با توجه به اینکه رئیس دفتر سیاسی نهضت مطابق آیین‌نامه دفتر سیاسی مجری مصوبات جمعی است، آن را در دستور کار دفتر سیاسی قرار دادم و یادداشت‌های سررسید اینجانب نیز حاکی از تراکم دستور جلسات اسفند ماه دفتر سیاسی بوده و بررسی و اظهارنظر روی آن به بعد از تعطیلات نوروز موکول گردید.

ریاست محترم دادگاه! به‌رغم اینکه موارد فوق در پرونده اینجانب به‌طور روشن توضیح داده شده و سایر اعضای دفتر سیاسی نهضت نیز قطعاً این واقعیت‌ها را مرقوم داشته‌اند، در ادعای عمومی به‌طور گسترده و در ادعای اختصاصی اینجانب به‌جای نقل مفاد آیین‌نامه موقت مصوب، مطالبی از «میثاق نیروهای ملی-مذهبی» (پیشنهادی) که احتمالاً نظرات هفت گروه دیگر ائتلاف است و گاهی نیز با عنوان «منشور همبستگی نیروهای ملی-مذهبی» مطالبی نقل شده که صرفاً مربوط به آن هفت گروه ائتلاف (و یا بعضی از گروه‌ها) می‌باشد و ارتباطی به اینجانب و نهضت آزادی ایران ندارد. با توجه به اینکه مفاد «میثاق» پیشنهادی مذکور با مفاد آیین‌نامه موقت مصوب و اصول مرامنامه، خط مشی و مواضع کنگره‌های نهضت آزادی ایران مغایرت دارد، در دفتر سیاسی نهضت آزادی رد می‌شود.

ریاست محترم دادگاه! به‌طوری که ملاحظه می‌فرمایید هدف همکاری نهضت آزادی ایران در ائتلاف نیروهای ملی-مذهبی صرفاً در مقوله انتخابات و در چارچوب برنامه و مواضع مشخصی مانند ادوار گذشته بعد از انقلاب بوده و اقدامات در چارچوب قانون و در راستای مصالح نظام و منافع و امنیت ملی صورت گرفته و پیامد آن جلب مشارکت بیشتر مردم و تشکیل مجلس با پشتوانه مردمی قوی‌تر برای پاسخگویی به نیازهای مردم و اجرای برنامه‌های توسعه و اصلاحات بوده است.

ریاست محترم دادگاه، آیا اقدام به این فریضه دینی و ملی که حق و وظیفه قانونی و شهروندی است اقدام علیه امنیت کشور است؟

۳/۲/۳ - شرکت در کنفرانس‌های خارج از کشور

الف - اصلاح متن ادعاینامه

مطالب این قسمت از ادعاینامه به‌طور کامل خلاف واقع و مغایر مندرجات پرونده است. اینجانب در هیچ کنفرانسی مربوط به گروه‌های مخالف نظام در خارج از کشور شرکت نداشته‌ام. در سفر تاریخی سال ۱۳۶۴ مرحوم مهندس بازرگان به کنگره جهانی شرق‌شناسان در آلمان همراه ایشان بوده‌ام و در سفر اسفند سال ۷۸ آقای دکتر ابراهیم یزدی به دعوت مؤسسه فرهنگی هاینرش بل آلمان نیز ایشان را همراهی کرده‌ام. ذیلاً به توضیح هر یک از این دو سفر می‌پردازم:

ب - توضیحاتی پیرامون دو سفر

ریاست محترم دادگاه، در سال ۱۳۶۴ کنگره جهانی شرق‌شناسان که در شهر ورتسبورگ آلمان برگزار شد از مرحوم مهندس بازرگان دعوت کرد که مقاله‌ای در خصوص کتاب *سیر تحول قرآن* ارائه نمایند. این کتاب در دوران زندان دهه ۴۰ ایشان نوشته شده و در سال‌های قبل از انقلاب در سه مجلد چاپ شده است. معرف و راهنمای این سفر مرحوم پروفسور دکتر عبدالجواد فلاطوری استاد معارف اسلامی دانشگاه کلن آلمان و رئیس

آکادمی علمی اسلامی کلن بودند. مقامات جمهوری اسلامی ایران به ویژه کسانی که قبلاً در مرکز اسلامی هامبورگ بوده‌اند، نظیر جناب آقای خاتمی رئیس محترم جمهوری، با سوابق اجتهاد حوزوی و علمی ایشان در زمینه فلسفه اسلامی و همچنین خدمات تاریخی آکادمی مذکور در اروپا آشنا هستند و دو سال قبل مراسم بزرگداشت ایشان در دانشگاه اصفهان برگزار شد. دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران با توجه به آشنایی اینجانب با زبان آلمانی تصویب کرد که بنده در این سفر همراه ایشان باشم. اگرچه نهضت همان موقع اطلاعیه‌ای صادر کرد و موضوع این سفر را صرفاً علمی و فرهنگی عنوان نمود. با توجه به جو ملتهب سیاسی خارج از کشور در آن دوران نگرانی‌هایی در مورد اقداماتی از سوی مخالفان نظام علیه ایشان وجود داشت. مشروح جریان این سفر در کتاب **در تکاپوی آزادی** قسمت دوم زندگینامه مرحوم مهندس بازرگان (تألیف جناب آقای حسن یوسفی اشکوری) آمده است. لذا در اینجا از ذکر جزئیات برای رعایت اختصار، صرف نظر و صرفاً به ذکر دو نکته مهم اکتفا می‌کنم. نکته اول آنکه حضور مرحوم مهندس بازرگان در این کنگره و ارائه مقاله علمی ایشان در خصوص دستاوردهای سه جلد کتاب **سیر تحول قرآن** که وحی بودن قرآن را به‌طور علمی نشان می‌دهد و معرفی ایشان به عنوان اولین نخست‌وزیر دولت موقت انقلاب هم به لحاظ سیاسی و هم از نظر علمی و دینی تأثیر و سبب و گسترده‌ای در محافل علمی اروپا در پی داشت و انعکاس خبر آن موجب تقویت نظام و هویت دینی آن گردید. نکته دوم اینکه «سازمان مجاهدین» (منافقین) نیروهای خود را در اروپا برای برنامه خائنانه‌ای سازماندهی کرده بود تا در مراسمی در حاشیه این کنفرانس نامه مسعود رجوی را به مرحوم مهندس بازرگان تسلیم و با پخش فیلم آن استفاده تبلیغاتی بنماید. با خواست خدا و تدبیری که اندیشیده شد به رغم محاصره بودن دانشگاه‌ها موفق به خروج از دانشگاه و شهر ورتسبورگ شدیم و این توطئه خنثی شد. البته آنان با پیگیری سازمان یافته مسیر سفر مرحوم مهندس بازرگان، نسخه‌ای از نامه مزبور را در ایستگاه راه آهن بروکسل به ایشان دادند. مرحوم مهندس بازرگان در یک پیام عمومی به ایرانیان خارج از کشور پاسخ غیرمستقیمی به این نامه را تلویحاً منعکس نمودند. قسمتی از نامه مسعود رجوی و متن کامل پیام مرحوم مهندس بازرگان در کتاب **در تکاپوی آزادی**، قسمت دوم منعکس شده است و از تکرار آنها در اینجا خودداری می‌کنم.

ریاست محترم دادگاه! آنچه به اختصار ذکر شد، دستاورد یکی از سفرهای اینجانب همراه سفر تاریخی مرحوم مهندس بازرگان است که در ادعای «شرکت در کنفرانس‌های گروه‌های مخالف نظام در خارج از کشور!» عنوان شده است که موجب تأسف و شگفتی است.

در هفته اول اسفند ۱۳۷۸ مؤسسه فرهنگی «هاینریش بل» آلمان دعوت مشابهی از آقای دکتر ابراهیم یزدی به عمل آورد تا در میزگردی با حضور نمایندگان احزاب پارلمان آلمان سخنرانی نمایند. موضوع سخنرانی ایشان آینده مناسبات ایران و آلمان بعد از انتخابات مجلس ششم بود. دفتر سیاسی نهضت با توجه به تجربه سفر مرحوم مهندس بازرگان در سال ۱۳۶۴ تصویب نمود که اینجانب در سفر آقای دکتر یزدی ایشان را همراهی کنم. اگرچه میزبان با دعوت نفر دوم موافق نبود، با اصرار آقای دکتر یزدی و تقبل هزینه سفر اینجانب توسط نهضت آزادی ایران، مؤسسه فرهنگی مزبور برای اینجانب نیز دعوت‌نامه لازم برای صدور ویزا ارسال داشت. به منظور رعایت اختصار در مورد کلیه جلسات برگزار شده این سفر، موضوعات مطرح شده و دستاوردهای آن

را فهرست‌وار توضیح می‌دهم تا دادگاه محترم ملاحظه فرمایند که موضوع تا چه حد با مطالب ادعای نام‌مغایرت فاحش دارد.

۱. در جلسه اصلی که در سالن مؤسسه فرهنگی هاینریش بل در شهر برلین برگزار شد، نمایندگان پارلمانی پنج حزب آلمان شرکت داشتند. اینجانب در خصوص مناسبات گذشته و حال ایران و آلمان در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و با تأکید بر بُعد فرهنگی در حدود ۱۰ دقیقه مطالب خود را ارائه کردم و ضمن آن به خدمات فرهنگی ایران به آلمان در آکادمی علمی اسلامی کلن توسط مرحوم دکتر فلاطوری اشاره داشتم. (آکادمی در سال ۱۳۵۴ توسط جمعی از مسلمانان مقیم ایران، در آلمان به ثبت رسیده است و اینجانب از اعضای هیئت مؤسس آن بوده‌ام). آقای دکتر یزدی نیز در خصوص مناسبات ایران و آلمان، بعد از انتخابات اعضای مجلس ششم مقاله خود را (در همدت حدوداً ۱۰ دقیقه) ارائه کردند. گزارش تفصیلی سفر، بر اساس یادداشت‌های سررسید اینجانب، در پرونده منعکس می‌باشد. محور اصلی سخنان آقای دکتر یزدی در این جلسه و جلسات جانبی این بود که منافع درازمدت دو ملت ایران و آلمان در گرو ثبات سیاسی در ایران است و تحقق این امر در گرو اجرای برنامه توسعه سیاسی و اصلاحات دولت آقای خاتمی است و لذا برای تأمین منافع درازمدت دو ملت بایستی به دولت آقای خاتمی کمک بشود. در همین راستا، نمایندگان احزاب مختلف در پارلمان آلمان نیز دیدگاه‌های خود را مطرح کردند. در قسمت بعدی برنامه که سؤالات شرکت‌کنندگان، اعم از آلمانی و ایرانی، مطرح می‌شد، افرادی از گروه‌های مخالف نظام با اصل توسعه مناسبات دو ملت آلمان با جمهوری اسلامی ایران مخالفت می‌کردند که در پاسخ با آنها برخورد شد و تأکید گردید که این توسعه مناسبات در راستای منافع ملی است. فیلم کامل جریان این جلسه توسط گروهی از سفارت جمهوری اسلامی ایران در آلمان تهیه شده است.

۲. در حاشیه این جلسه رسمی، دوستان قدیمی انجمن اسلامی دانشجویان در شهرهای برلین، فرانک‌فورت و کلن جلسات سخنرانی برای ایرانیان برنامه‌ریزی کرده بودند. در برلین آقای حمید بهشتی، در فرانک‌فورت آقای دکتر قهرمانی و در کلن آقای مهندس حاجی از دانشجویان مسلمان قدیمی و مقیم شهرهای مزبور هستند. در این جلسات که جمع زیادی از ایرانیان شرکت داشتند به‌طور طبیعی افرادی از گروه‌های مخالف نظام نیز حضور یافته بودند و ضمن طرح سؤالات خود قصد ایجاد تشنج و برهم زدن جلسات را داشتند. آقای دکتر یزدی با برخورداری از تجربه طولانی در برخورد با گروه‌های چپ‌مارکسیست در دوره قبل از انقلاب در خارج از کشور و اینجانب با تجربه حدود ۵ سالی که در دوران تحصیل در سال‌های ۴۶ - ۱۳۴۱ در خارج از کشور داشتیم، به تمامی سؤالات با قاطعیت و در راستای منافع نظام و منافع ملی و در چارچوب مواضع نهضت آزادی پاسخ دادیم و کمترین فرصتی برای ایجاد تشنج توسط آنها فراهم نگردید؛ به‌طوری که افراد مذکور جلسه را ترک می‌کردند یا در جلسه ساکت می‌ماندند. یکی از مخالفان در یکی از این جلسات با عصبانیت گفت: «شما آمده‌اید گروه‌های خارج از کشور را محاکمه کنید!» به‌طور خلاصه ارزیابی دوستان ما از جلسات برگزار شده این بود که در ۲۰ سال گذشته، این جلسات آرام‌ترین و مؤثرترین جلسات در مقابله با گروه‌های مخالف نظام بوده است، ضمن اینکه آشنا شدن ایرانیان مقیم آلمان اعم از مهندسين، پزشکان، تجار و دانشجویان و ... با مسائل داخل کشور که مورد علاقه و انتظار آنان است نیز به‌خوبی تأمین شده است.

ریاست محترم دادگاه! آیا برگزاری این گونه جلسات که در راستای مصالح نظام و منافع ملی است و در آن با گروه‌های مخالف نظام و برانداز برخورد شده است بایستی «همنویی با گروه‌های مخالف نظام» در ادعانا مه مطرح شود؟ و اگر در این گونه جلسات که افرادی از گروه‌های مخالف نظام هم به طور طبیعی در آنها شرکت می‌کنند به سؤالات و شبهات آنها پاسخ مؤثر داده شود تا در فضای سیاسی خارج از کشور منزوی، محدود و طرد بشوند آیا این عمل اقدام علیه امنیت کشور است؟

جناب آقای خاتمی رئیس محترم جمهوری، به دفعات سیاست دولت را در قبال ایرانیان خارج از کشور توضیح داده‌اند و وزیر محترم اطلاعات نیز در برنامه کار آن وزارت «تلاش برای تعدیل و تبدیل عناصر ضد انقلاب به مخالف و تبدیل و جذب مخالفین به جرگه طرفداران نظام از طرق مختلف» را گنجانده‌اند (اطلاعات ۱۳۸۰/۵/۲۵). آیا دستوراد این جلسات بدون آنکه هزینه‌ای برای دولت داشته باشد بر اساس مسئولیت «کدام راع و کلکم مسئول عن رعیت» در راستای اجرای برنامه دولت و نظام نبوده است؟ چند نفر از مسئولان نظام از توان و تجربه طولانی آقای دکتر یزدی در برخورد با گروه‌های مخالف نظام برخوردارند که بتوانند در چنین جلسات «گفت‌وگویی آزاد» شرکت کنند و چنین دستاوردی را برای اجرای برنامه دولت تأمین نمایند؟ آیا به جای تقدیر و تشکر و «خدا قوت» بایستی این خدمات را با عنوان «اقدام علیه امنیت کشور» این چنین پاسخ گفت؟

ریاست محترم دادگاه! بررسی وضعیت اجتماعی ایرانیان خارج از کشور از جمله آلمان در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که اکثریت آنان نسبت به مسائل سیاسی بی‌تفاوت و به دنبال کار و زندگی خود هستند. گروه‌های معدودی بر مواضع خود در مخالفت با نظام و براندازی اصرار دارند و گروه‌هایی نیز طرفدار مبارزه مسالمت‌آمیز و قانونی هستند که در مقابل گروه‌های برانداز، برخورد و موضع‌گیری دارند. در این گونه جلسات عمومی که در خارج از کشور برگزار می‌شود این دو گروه که در مجموعه ایرانیان در اقلیت قرار دارند به دنبال بهره‌برداری به نفع گروه خود هستند. برگزاری آرام سه جلسه در برلین، فرانکفورت و کلن و پاسخ‌گویی قاطع و منطقی به همه سؤالات، به ویژه سؤالات گروه‌های مخالف نظام و برانداز موجب شد تا گروه‌های دیگر یعنی مخالفان براندازی به نفع خودشان بهره‌برداری کنند و حال آنکه اکثریت شرکت‌کنندگان که دور از وطن هستند علاقه‌مند به اطلاع از وضعیت تحولات ایران هستند و با این انگیزه در جلسات شرکت می‌کنند و مخاطب اصلی نیز این گروه هستند. افراد بریده از سوابق خود و مخالف خط مشی براندازی نظیر آقایان خانابا تهرانی و فرخ نگهدار در زمره افراد وابسته به گروه‌های مخالف گروه‌های برانداز هستند و به همین مناسبت روند این جلسات را دنبال می‌کردند که در یادداشت سررسید اینجانب نیز به این موضوع اشاره شده است.

ریاست محترم دادگاه! در ادعانامه آمده است: «وی در این نشست‌ها با چهره‌هایی از قبیل خانابا تهرانی و فرخ نگهدار به تبادل نظر می‌پرداخته است.»

اولاً درخواست و دیدار این دو تن با آقای دکتر یزدی به عنوان چهره سرشناس سیاسی بوده است و اینجانب جز حضور در این دیدارها به عنوان همراه ایشان نقش دیگری نداشته‌ام.

ثانیاً همان گونه که یادداشت‌های سررسید اینجانب و توضیحات پرونده به خوبی نشان می‌دهد، آقای فرخ نگهدار در شهر برلین و آقای خانابا تهرانی در شهر فرانکفورت در محل هتل با آقای دکتر یزدی دیدار کوتاهی



(در حد ۲۰ تا ۳۰ دقیقه) داشتند و در هر دو مورد آنان سیر تحول و در واقع فروپاشی فکری، اعتقادی و فلسفی خود را توضیح دادند و آقای دکتر یزدی با تجربه طولانی خود با افراد وابسته به گروه های چپ مارکسیست، کاملاً با «حریم» با آنها صحبت می‌کردند و در خصوص ضوابط مبارزه قانونی و ضرورت التزام به قانون اساسی که میثاق ملی است و الزامات آن را مورد تأکید قرار دادند و هیچ‌گونه «تبادل نظر!» و یا کوچک‌ترین زمینه‌ای در فضای دیدار برای ارتباط بیشتر وجود نداشت. زیرا در این صورت حداقل شماره تلفن و یا آدرسی از آنان در سررسید می‌آمد.

ثالثاً درخواست دیدار افراد قدیمی و شاخص جریان مارکسیستی چند دهه گذشته کشور از فرد شاخص حرکت اسلامی آن دوران در دانشگاه‌های داخل و خارج از کشور و ارائه گزارش فروپاشی نظری و عملی از گذشته خود به ایشان یک رویداد تاریخی بوده است و حقانیت حرکت اسلامی در ایران را نشان می‌دهد. وقتی آقای خانباها تهرانی به آقای دکتر یزدی گفت: امروز ما متوجه شده‌ایم آنچه مهندس بازرگان از ۵۰ سال پیش می‌گفت درست بوده است، تاریخ چند دهه فشار و تحقیر جریان مارکسیستی بر جریان روشنفکران دینی در دانشگاه‌های ایران و خارج از کشور از ذهن من خطور کرد و بعد از رفتن آقای خانباها تهرانی به آقای دکتر یزدی گفتم که ما بایستی خداوند را به خاطر فضل و رحمتش شکرگزار باشیم که جریان اسلامی در ایران در ۶۰ سال گذشته زیر این همه فشار و تحقیر استوار ایستاده و همواره مواضع منسجم و ثابتی داشته است. الحمدلله الذی هدینا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا ان هدینا الله. ضمناً نماینده محترم مدعی‌العموم در ادعانامه عمومی با استناد به یادداشت‌های سررسید اینجانب، دیدار با آقای کشتگر را به‌طور تفصیل مطرح کرده‌اند که تماماً خلاف واقع و کذب محض می‌باشد و همان‌طور که قبلاً به آن اشاره شده است، چنین دیداری هرگز نداده است.

ریاست محترم دادگاه! همان‌گونه که ملاحظه فرمودید در این دو سفر نه تنها عملی خلاف مصالح نظام، منافع ملی و قانون صورت نگرفته، بلکه در راستای تقویت ارزش‌های دینی و منافع ملی بوده است و معلوم نیست که براساس چه دلایلی در ادعانامه همراهی اینجانب با مرحوم مهندس بازرگان و آقای دکتر یزدی در دو سفر یاد شده اقدام علیه امنیت کشور تلقی شده است؟

۴/۲/۳- ارتباط با مقامات خارجی

الف- اصلاح متن ادعانامه: متن ادعانامه که با عنوان ارتباط با بیگانگان آغاز شده است تماماً از مقوله تحریف سوابق تاریخی و محتویات پرونده و مطالب آن خلاف واقع و کذب است که ذیلاً به اختصار توضیح داده می‌شود:

ب- مذاکرات سیاسی (دیپلماسی) انقلاب: همان‌گونه که در پرونده منعکس می‌باشد، اینجانب در جریان دیپلماسی انقلاب و مذاکرات مرحوم مهندس بازرگان و جناب آقای دکتر یدالله سبحانی با مأمور سفارت به عنوان مترجم در شش ماه اول سال ۵۷ حضور داشتم و سپس به‌علت مسئولیت‌های متعدد در جریان تدارک و مدیریت انقلاب که قبلاً توضیح داده شده است، در ادامه مذاکرات با نظر مرحوم مهندس بازرگان، آقای مهندس عباس امیرانظام این مسئولیت را دنبال کردند. بعد از تشکیل شورای انقلاب، با تأیید آن شورا مذاکرات ادامه یافت و بعضی از اعضای روحانی شورای انقلاب نیز در مذاکرات شرکت داشتند و همزمان، حضرت امام (ره) نیز با نماینده ویژه دولت آمریکا مذاکرات سیاسی مشابهی را در پاریس داشتند که مشروح آنها در کتب تاریخی

آن دوره مندرج می‌باشد. همان‌گونه که قبلاً نیز مرقوم شده است، اسناد دیپلماتی از انقلاب از برگ‌های زرین تاریخ انقلاب اسلامی ایران است و نقش آن را در تسهیل پیروزی انقلاب به وضوح نشان می‌دهد. به‌جز این مورد، اینجانب شخصاً در سال‌های بعد از انقلاب با هیچ مقام خارجی دیدار و مذاکره نداشته‌ام.

دیدار مقامات خارجی (سفرا و کارداران) در دو دهه بعد از انقلاب با مرحوم مهندس بازرگان و آقای دکتر یزدی به‌عنوان شخصیت‌های انقلاب و سرشناس سیاسی با اطلاع و در چارچوب پروتکل وزارت امور خارجه صورت گرفته و حضور اینجانب و سایر اعضای دفتر سیاسی در حدود دو سال اخیر در این جلسات به درخواست آقای دکتر یزدی برای تهیه صورت‌جلسه و آموزش مذاکرات سیاسی بوده است و در باره جزئیات مربوط به دو جلسه‌ای که اینجانب در آنها حضور داشته‌ام قبلاً توضیح داده شده و در پرونده منعکس می‌باشد و از تکرار آنها خودداری می‌کنم. آنچه در یادداشت‌های سررسید اینجانب آمده است صرفاً مربوط به جریان دو سفری است که قبلاً درباره آنها توضیح داده‌ام. بدیهی است تأکید بر اینکه اینجانب بعد از انقلاب با هیچ مقام خارجی شخصاً دیدار و مذاکره‌ای نداشته‌ام صرفاً برای اصلاح اطلاعات مندرج در ادعانامه است و الا ملاقات با مقامات خارجی مشروط بر اینکه خلاف مصالح نظام و منافع ملی نباشد خلاف قانون نیست و در قانون احزاب نیز پیش‌بینی شده است.

شایان ذکر است که در دو دهه بعد از انقلاب که مذاکرات مقامات خارجی با مرحوم مهندس بازرگان و آقای دکتر یزدی با اطلاع وزارت امور خارجه صورت گرفته است هیچ‌گاه از طرف مقامات مسئول آن وزارت و یا سایر مقامات ذی‌ربط تذکری در این خصوص به آنان داده نشده است.

ریاست محترم دادگاه! علاوه بر تحریف سوابق و محتویات پرونده که در بالا اشاره شد، متن ادعانامه حاوی نکات کذب و مغالطه‌هایی است که پیامد آنها پرونده‌سازی علیه اصالت انقلاب اسلامی و دادن بهانه به‌دست بدخواهان و دشمنان انقلاب اسلامی ایران است. در ادعانامه آمده است: «به موجب اسناد افشا شده لانه جاسوسی آمریکا، در اوج مبارزات مردم ایران علیه رژیم ستم‌شاهی، با وساطت یکی از جاسوسان سیا به‌نام بهرام بهرامیان در چند مرحله با «جان دی استمپل» مأمور سیاسی سفارت آمریکا در تهران ملاقات و به تبادل اطلاعات می‌پردازد که خلاصه مذاکرات و گفت‌وگوها ... ضمیمه پرونده می‌باشد.»

اولاً این مذاکرات سیاسی انقلاب توسط مرحوم مهندس بازرگان و جناب آقای دکتر پیدالله سبحانی که ادعانامه اشاره‌ای به آنها ندارد در اردیبهشت سال ۵۷ که هنوز شرایط عمومی جامعه عادی بود و تا اوج مبارزات مردم ایران یعنی راه‌پیمایی‌های تاسوعا و عاشورا ۸ ماه فاصله وجود داشت، آغاز شد.

ثانیاً تمام اسناد و مدارک تاریخی نشان می‌دهد که شکل‌گیری زمینه راه‌پیمایی تاسوعا (۱۹ آذر، روز جهانی حقوق بشر) و سپس عاشورا مولود همین مذاکرات و دیپلماسی انقلاب بوده است.

ثالثاً در این مذاکرات و مذاکراتی که اینجانب براساس ضرورت و به‌عنوان یکی از مدیران انقلاب داشته‌ام جز زمینه‌سازی برای رفع موانع و تسهیل پیروزی انقلاب کدام اطلاعات مبادله شده است؟

رابعاً آقای دکتر بهرام بهرامیان که صرفاً اینجانب را در اردیبهشت سال ۵۷ به آقای استمپل معرفی کرده و دیگر نقشی در این مذاکرات نداشته است در آن موقع استاد و معاون دانشگاه امیرکبیر، شریک دفتر مهندسی آقای مهندس سعید سبحانی فرزند جناب آقای دکتر پیدالله سبحانی، و در بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی اساتید

دانشگاه‌ها در آن دوران فعال بوده، وی از جمله از مشاوران نزدیک شهید دکتر بهشتی در پروژه دانشگاه اسلامی بوده و معرف ایشان به اینجانب نیز آقای دکتر فریدون سجابی بوده‌اند. اسناد مورد نظر نماینده مدعی‌العموم در خصوص آقای بهرام بهرامیان در اواخر سال ۵۸ یعنی در حدود دو سال بعد منتشر شده است و به شرط رسیدگی در دادگاه صالحه و به فرض تأیید صحت آنها چه ارتباطی به فضای سیاسی اوایل سال ۵۷ دارد؟ آنچه موجب نگرانی است و قبلاً نیز اهمیت آن را به دادگاه محترم و مقامات قضایی کشور متذکر شده‌ام این است که حداقل پیامد طبیعی تشکیل چنین پرونده‌ای در دستگاه قضایی ثبت این سند است که جمعی از مدیران شناخته شده انقلاب با یک جاسوس سیار ارتباط داشته‌اند!! و این سند و برگ پرونده قضایی برای دشمنان انقلاب اسلامی که به دنبال مخدوش کردن اصالت آن هستند و حداقل برای القای این شبهه کاملاً کافی است. از این رو مجدداً از دادگاه محترم درخواست می‌کنم که باتوجه به روشن شدن سوابق تاریخی و محتویات پرونده چنین موارد تحریف و کذب در ادعای نامه را مورد بررسی و رسیدگی قرار دهند و برای اصلاح آنها و جلوگیری از چنین سوء استفاده احتمالی اقدام جدی به عمل آورند.

ریاست محترم دادگاه، همان‌گونه که در اسناد مذاکره با مقام سفارت سابق آمریکا منعکس می‌باشد، اینجانب به عنوان یکی از مدیران کوچک انقلاب برای حفاظت از مسئولیت‌هایی که در آن دوران به عهده داشتم از نام «محمد توکلی» استفاده می‌کردم تا شناخته نشوم و آسیب‌پذیری سایر مسئولیت‌هایم کاهش یابد و در آن شرایط خطیر که افراد کمتر آمادگی پذیرش مسئولیت داشتند به‌خاطر انجام وظیفه دینی و اجتماعی این مسئولیت‌ها را به عهده گرفتم و امروز از اینکه چنین توفیقی در آن روزها نصیب شده بود خداوند را شاکرم. اما آنچه موجب سؤال و شگفتی است این است که این خدمات با تحریف و قلب ماهیت بعد از ۲۴ سال به عنوان یکی از دلایل «اقدام علیه امنیت کشور» علیه اینجانب مطرح می‌شود؟! رینا تقبل من انک انت السميع العليم.

۳/۳ - اتهام علیه نظام جمهوری اسلامی ایران

ریاست محترم دادگاه، در ادعای نامه در خصوص اتهام تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی به نشریات نهضت آزادی ایران، ائتلاف نیروهای ملی-مذهبی و امضادار استناد شده است. باتوجه به تفاوت فرآیند تهیه این نشریات و کیفیت آنها در هر مورد جداگانه توضیح داده خواهد شد. اما وجه مشترک این نشریات «اظهاریات» در خصوص رویدادهای جاری کشور و «نقد عملکرد» مسئولان نظام است که به‌عنوان وظیفه دینی و اجتماعی و در چارچوب اصول قانون اساسی و مبانی دینی صورت گرفته است. این‌گونه اظهارنظرها و نقدها نه تنها تبلیغی علیه نظام نیست بلکه لازمه حفظ و تقویت نظام و جلوگیری از انحرافات احتمالی آن است که براساس وظیفه مهم دینی و اجتماعی انجام می‌شود. برای توضیح این مبانی مقدمتاً به اختصار به این اصول در قرآن، سنت و قانون اساسی اشاره می‌نماید:

۱/۳/۳ - مقدمه: در معارف اسلامی، ساز و کار جلوگیری از انحراف در اصول و ارزش‌های حاکم در جامعه سالم و ایمانی فریضه مهم «دعوت به خیر»، «امر به معروف» و «نهی از منکر» پیش‌بینی شده است که در آیات قرآنی و سخنان پیشوایان دینی، و براساس آنها در قانون اساسی از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در اینجا برای رعایت اختصار به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

۱. مبانی قرآنی- در آیات ۱۰۲ الی ۱۰۴ سوره آل عمران ویژگی‌های یک جامعه ایمانی معرفی شده است. در این آیات، بعد از تأکید بر حاکمیت ارزش‌های الهی و وحدت و یکپارچگی مردم حول این ارزش‌ها، ساز و کار جلوگیری از انحراف در درون جامعه بدین صورت مورد تأکید قرار می‌گیرد: «ولتکن منکم أمة یدعون إلی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون» از تو ضیح ادبی و مفهومی «یدعون» «الملی» و «الخیر» و تعاریف و مراحل امر به معروف و نهی از منکر در این مقال مختصر صرف نظر و به طور خلاصه به ذکر این نکته اکتفا می‌کنم که دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر در معارف اسلامی ساز و کار گردش آزاد اطلاعات و حضور و مشارکت زنده و با نشاط مردم در درون جامعه اسلامی است که با واژه «ولتکن» مورد تأکید قرار گرفته و شکل آن را «امة» یعنی گروهی همفکر و هم‌گام و به تعبیر ادبیات سیاسی جدید «حزب» معرفی می‌نماید تا از طریق آگاهی‌بخشی به مردم، برای آگاهی و رشد و تربیت اجتهاد مردم زمینه‌سازی شود و مردم آگاه جامعه بتوانند از انحرافات جلوگیری کنند.

حضرت لقمان نیز یکی از نصایح خود به فرزندش را به این امر مهم اختصاص داده و می‌فرماید: یا بنی اقم الصلاة و امر بالمعروف و انه عن المنکر و اصبر علی ما اصابک إن ذلک من عزم الأمور (لقمان - ۱۷)

۲. مبانی سنت - در روایات و سخنان پیشوایان دینی در خصوص اقامه فریضه امر به معروف و نهی از منکر به طور وسیع تأکید شده است که به چند مورد زیر اشاره می‌شود:

- حضرت علی(ع)، مولای متقیان، به منظور تصویر اهمیت و جایگاه فریضه امر به معروف و نهی از منکر در مفاهیم اسلامی می‌فرماید:

«ما اعمال البر کلها و الجهاد فی سبیل الله عند الامر بالمعروف و النهی عن المنکر الا کفنة فی بحر لاجی» (حکمت ۳۷۴) یعنی تمام کارهای نیکو (از جمله نماز و روزه و زکات و صدقات و ... و امثالهم) و حتی جهاد در راه خدا، در برابر فریضه امر به معروف و نهی از منکر چنان آب دهان (قطره‌ای) در مقابل دریای هواج و پهناور است.

- حضرت علی(ع) در سخنان دیگری پیامدهای ترک این فریضه مهم را مورد تأکید قرار داده و می‌فرماید: «لا تترك الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فیولی علیکم شرارکم ثم تدعون فلا یتستجاب لکم» (نا هه ۴۷) فریضه امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که بدترین شما حکمرانی را بر دست گیرند و آن گاه دعا کنید و از شما نپذیرند.

- حضرت امام محمدباقر(ع) در روایت طولانی جایگاه مهم و برجسته فریضه امر به معروف و نهی از منکر را بیان فرموده‌اند که در قسمتی از آن آمده است، «ان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فریضة عظيمة تقام به الفرائض»<sup>۱</sup> یعنی اقامه سایر فرائض دینی و حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی و حتی امنیت اجتماعی موقوف به انجام فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر شده است.

۱. برای متن کامل روایت به کتاب *فروع کافیه* تألیف شیخ کلینی - باب امر به معروف و نهی از منکر صفحه ۵۵ مراجعه شود.

۳. مبانی قانون اساسی - علاوه بر اصول فصل سوم قانون اساسی به ویژه اصل ۲۶، در خصوص آزادی فعالیت احزاب سیاسی و گروه‌های اجتماعی، اصول هشتم و نهم قانون اساسی به‌طور مشخص اجرای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه تضمین کرده است. این امر هشیاری و آگاهی تاریخی تهیه‌کنندگان پیش‌نویس قانون اساسی و نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی را به خوبی نشان می‌دهد. در اصل هشتم تصریح شده است: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت...» و در اصل نهم شرایط لازم برای اقامه این فریضه حتی در شرایط بحرانی جنگ که استقلال و تمامیت ارضی کشور در معرض مخاطره قرار می‌گیرد، تضمین گردیده است. «در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند.»

ریاست محترم دادگاه! براساس این مبانی محکم قرآنی و سنت و اصول قانون اساسی، «اظهاریت» در خصوص مسائل جاری کشور و «نقد عملکرد» مسئولان کشور از حقوق و وظائف شهروندی است و هیچ مقامی حق جلوگیری از آن را ندارد، مگر مطابق اصل ۱۶۸ قانون اساسی توسط دادگاه علنی و با حضور هیئت منصفه، علت آن نیز بسیار بدیهی است زیرا پیامد فریضه امر به معروف و نهی از منکر «اظهاریت» در خصوص مسائل جاری کشور و عملکرد مسئولان نظام است و لذا دستگاه‌های وابسته به نظام صلاحیت رسیدگی به این گونه موارد را ندارند چون خود ممکن است مخاطب آنها باشند. در صورتی که اظهاریت و یا نقدی در راستای «مصلح نظام» و یا «منافع ملی» نباشد، فقط دادگاه عمومی با حضور هیئت منصفه که نهادهای مردمی را از سوی جامعه نمایندگی می‌کند شایسته چنین داوری است.

۲-۳/۳- نشریات نهضت آزادی ایران - با توضیحاتی که در مقدمه فوق اشاره شد و در خط مشی و برنامه و مواضع نهضت در کنگره‌های سوم (تیر ماه ۱۳۵۹) تا یازدهم (تیر ماه ۱۳۷۹) این موارد به تفصیل آمده است، هدف اصلی از اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های نهضت ایفای این فریضه و وظیفه مهم دینی و اجتماعی بوده است و بنابراین با قصد خیر و مشفقانه و با امید به تأثیرگذاری تهیه و منتشر شده است. مدارک دفتر نهضت آزادی ایران نشان می‌دهد که این نشریات در مرحله اول برای مقامات مسئول نظام از جمله وزارت کشور و رسانه‌های عمومی ارسال شده است تا امکان «استماع» این «اظهاریت‌ها» برای مسئولان نظام فراهم شود و در صورت پذیرش صحت آنها «اتباع» نمایند. این نشریات معمولاً به‌صورت محدود تکثیر می‌شده و در اختیار علاقه‌مندان مرتبط نیز قرار می‌گرفته است.

ریاست محترم دادگاه! انجام این فریضه مهم دینی و اجتماعی نه تنها مطابق اصولی که بیان شد هم حق و هم وظیفه مردم است بلکه از حقوق رهبری و مسئولان جامعه بر عهده مردم نیز می‌باشد. مولای متقیان حضرت علی(ع) که ما روش او را در اداره جامعه با افتخار الگوی خود می‌دانیم، در خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه حقوق و وظایف متقابل رهبری و مردم را بیان کرده‌اند که بسیار آموزنده است و ملی به لحاظ رعایت اختصار از ذکر

تمامی آن در اینجا صرف‌نظر می‌کنم. آن حضرت در پایان خطبه می‌فرمایند: «فلا تکفوا عن مقالة بحق، او مشورة بعدل فانی لست فی نفسی بفوق ان اخطی ولا آمن ذلک من فعلی» (پس از گفتن حق یا مشورت عادلانه خودداری نکنید زیرا من خود را برتر از آنکه اشتباه کنم و از آن ایمن باشم نمی‌دانم)، بر این اساس، اظهار نظر مشفقانه و نقد خیرخواهانه عملکرد مسئولان نظام ادای چنین حقی است بر گردن مردم.

در خصوص محتوا و محورهای اصلی نشریات نهضت، در متن پرونده توضیح داده شده است و از تکرار آنها خودداری می‌کنم. محور اصلی (نشریات نهضت) پاسداری از اصول و آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی و جلوگیری از انحراف بوده است. با مرور مجدد بر مجموعه این نشریات مشخص می‌شود که محتوای آنها نه تنها در جهت تبلیغ علیه نظام نیست بلکه موجب حفظ و تقویت نظام گردیده و در راستای منافع ملی بوده است و کاملاً در چارچوب قانون صورت گرفته است. جلوگیری از آزادی بیان و سلب حق اظهار نظر از مردم در واقع نقض آشکار اصول هشتم و نهم و بسیاری دیگر از اصول قانون اساسی است و این امر پایه‌های اصلی نظام را که بایستی متکی به آرای مردم باشد متزلزل می‌سازد و پیامدهای سوء شکاف بین مردم و دولت را رخ می‌نمایاند.

ریاست محترم دادگاه! اگر اینجانب به‌عنوان یک عضو مسئولیت‌اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های نهضت آزادی ایران را می‌پذیریم به این علت است که قصد و نیت صرفاً ایفای فریضه مهم دینی و اجتماعی بوده است و همان‌گونه که مرحوم مهندس بازرگان نیز تصریح کرده بودند هدف نهضت تحقق «حجت» و حاکمیت ارزش‌های اسلامی است نه دستیابی به قدرت. مجدداً درخواست می‌کنم که اگر نشریه‌ای خارج از اصول و مبانی فوق وجود دارد و متن آن تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی تلقی شده است، به‌طور مشخص در این دادگاه محترم مطرح گردد.

۳/۳۳- نشریات ائتلاف نیروهای ملی-مذهبی. همان‌گونه که قبلاً توضیح داده شد، همکاری نهضت آزادی ایران با ائتلاف نیروهای ملی-مذهبی صرفاً در مقطع انتخابات (انتخابات شوراهای، مجلس ششم و تدارک انتخاب ریاست جمهوری ۸۰) بوده است. البته در دوره تدارک انتخابات ریاست جمهوری ۸۰ که همکاری در چارچوب آیین‌نامه موقت صورت می‌گرفت، ائتلاف به لحاظ رویدادهای جاری بیانیه‌هایی داشته است که نهضت نیز به‌عنوان یکی از اعضای تشکیل‌دهنده ائتلاف، مسئولیت آن را پذیرفته است و اینجانب نیز می‌پذیریم. اما توجه به این نکته ضروری است که در همکاری جمعی نظرات یکسان نیست و متوجه آنها انعکاس پیدا می‌کند. با توجه به اینکه متن این بیانیه‌ها توسط گروه‌های دیگر تهیه می‌شده و دفتر سیاسی نهضت موضوع آن را تأیید و متن را ویرایش می‌کرده است، طبیعی است که لحن ارائه با نشریات نهضت یکسان نباشد. اما محتوای این نشریات نیز جز «اظهار نظر» و «نقد عملکرد» مسئولان حاوی مطلبی نیست. به ویژه در شرایطی که افرادی از ائتلاف بازداشت شده بودند، موضوع نشریات اعتراض به بازداشت‌ها و درخواست رسیدگی قانونی بوده است. در خصوص نشریات با امضای ائتلاف نیروهای ملی-مذهبی نیز اگر مواردی خارج از مبانی فوق و قانون و تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی تلقی شده است به‌طور مشخص در دادگاه مطرح گردد.

۴/۳۳- نشریات امضادار. این نشریات توسط دیگران تهیه شده، دفتر سیاسی نهضت موضوع آن را تأیید کرده ولی اظهار نظرهای به عمل آمده در متن آنها به‌طور کامل رعایت نشده است و لذا اینجانب صرفاً مسئولیت موضوع نشریات را پذیرفته‌ام و عبارات و کلماتی که در متن این‌گونه نشریات آمده است تماماً مورد تأیید

نیست. مقایسه متن و لحن این نشریات با نشریات نهضت این تفاوت را به خوبی نشان می‌دهد. آنچه در این جا بایستی مجدداً مورد تأکید قرار گیرد این است که در این نشریات نیز جز «اظهارنظر» و «نقد عمل کرد» مسئولان مطلبی نیامده است، ضمن آنکه نشریات امضادار و نشریات ائتلاف نیز به صورت محدود تکثیر می‌شده است و بسیاری از آنها را حتی اینجانب بعد از انتشار رؤیت نکرده‌ام و انعکاسی نیز نداشته است.

طُرفه آنکه در شرایطی که این نشریات تهیه می‌شد در روزنامه‌های کثیرالانتشار مقالات و مطالب حاوی اظهارنظرها و نقدهای بسیار تندتر وجود داشته است و لذا درج خیر این نشریات در روزنامه‌ها کاملاً کمرنگ و بی‌تأثیر بوده است.

در خصوص نشریات امضادار نیز درخواست می‌کنم که اگر مواردی خلاف مبانی فوق و قانون و مصداق تبلیغ علیه نظام جمهوری تشخیص داده شده است به‌طور مشخص در دادگاه مطرح شود. یک مورد از نشریات امضادار در خصوص ابراز نگرانی از اعزام آقای اکبر گنجی (و همچنین آقای احمد زیدآبادی) به بند زندانیان بزهکار است که در جلسات اولیه دادگاه مطرح و توضیح داده شد و تأکید گردید که ابراز نگرانی مستند به گزارش‌های نگران‌کننده‌ای بوده است که در آن موقع در مطبوعات منعکس شده بود و هیچ مقام مسئول قضایی نیز گزارش‌های مزبور را تکذیب نکرده بود. بدیهی است که اگر متن نشریه مزبور توسط نهضت تهیه می‌شد لحن و کلمات ابراز نگرانی متفاوت می‌بود و از روشی که در نشریات نهضت آزادی ایران مورد عمل بوده است بهره گرفته می‌شد و ضمن رعایت مصالح عمومی جامعه تأثیر آن نیز می‌توانست بیشتر باشد.

\*\*\*

ریاست محترم دادگاه! در سالی که عنوان «سال رفتار علوی» را توسط مقامات نظام به خود اختصاص داده است و از همه دستگاه‌های اجرایی و مسئولان نظام خواسته شده است که در همه زمینه‌ها تلاش شود تا عملکرد خود را در راستای الگوی رفتاری حضرت علی(ع) تنظیم نمایند. جا دارد که مقامات محترم قوه قضاییه، از جمله دادگاه حاضر، نیز به الگوی رفتاری حضرت علی(ع) با مخالفان سیاسی آن دوران عنایتی بفرمایند. تاریخ مدون حکومت حدوداً پنج ساله آن حضرت مشحون از درگیری با مخالفان است، مخالفان سرسختی چون ناکتین، قاسطین و مارقین که با انگیزه‌های فزون‌طلبی، قدرت‌طلبی و تحجر و قشری‌گری در مقابل حکومت اسلامی حضرت علی(ع) صف‌آرایی کرده‌اند و این مخالفان علاوه بر تبلیغات وسیع و گسترده خود علیه حکومت آن حضرت، به جنگ با آن حضرت نیز پرداخته‌اند و نهایتاً ایشان را به شهادت نیز رسانیده‌اند. بررسی و یادآوری رفتار حضرت علی(ع) با این مخالفان سرسخت خود برای بشریت و امروز جامعه ما و مقامات محترم قوه قضاییه بسیار مفید است. مجموعه خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه و تاریخ مدون آن دوران دو واقعیت را به صورت برجسته نشان می‌دهد. اول آنکه حضرت علی(ع) هیچ‌گاه آغازگر جنگ با مخالفان نبوده و تمام تلاش خود را با استفاده از روش گفت‌وگو برای خاموش کردن نائره جنگ به‌کار برده‌اند. دوم آنکه مخالفان سیاسی حضرت علی(ع) از آزادی و امنیت کامل برخوردار بوده‌اند و آن حضرت هیچ‌گاه نه تنها متعرض «اظهارنظر» و «نقدها»، بلکه حتی متعرض دشنام‌دهندگان و هتاکان هم نشده‌اند، به تعبیر امروزی در آن دوران «جرم سیاسی» و «زندانی سیاسی» وجود نداشته است. به عنوان نمونه، در هنگامی که حضرت علی(ع) در مسجد کوفه (دارالخلافت آن حضرت) با دشنام یکی از خوارج روبه‌رو می‌شود که گفت: «قاتله الله کافراها

افق‌ه» و یاران حضرت علی(ع) برآشفتند و برای کشتن او آماده می‌شدند فرمود: «رویدا انما هو سب سب او عفو عن ذنب» (حکمت ۴۲۰)

ریاست محترم دادگاه! جا دارد که دادگاه محترم و مقامات محترم قوه قضاییه که مسئول اجرای عدالت در جامعه هستند و می‌خواهند عدالت علوی را الگو و سرمشق خود قرار دهند، عملکرد قوه قضاییه و سایر مقامات ذی‌ربط را در دو دهه بعد از انقلاب با جمعی از شهروندان که در چند دهه گذشته زندگی خود را وقف خدمات دینی و اجتماعی و علمی و خدماتی نهاده، و با تحمل تحامی سختی‌های دوران مبارزه و تدارک انقلاب و سپس مدیریت دوران بحرانی انتقال نظام، قبول مسئولیت کرده، بعد از سال ۱۳۵۹ به وظیفه پا سداري از اصول و آرمان‌های اصیل انقلاب اقدام نموده‌اند و برای جلوگیری از انحراف و اجرای اصول قانون اساسی و حفظ و تقویت نظام جمهوری اسلامی به وظایف دینی و اجتماعی خود عمل کرده و به اظهار نظر خیرخواهانه و نقد مشفقانه عملکرد مسئولان پرداخته‌اند مورد بررسی و ارزیابی قرار دهند تا میزان نزدیکی این عمل‌کرد با رفتار علوی مشخص شود. در آخرین مرحله، یعنی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری ۸۰ که جمعیتی بازداشت شده‌اند با آنان چگونه رفتار شده است؟ بیش از هشت ماه است که اتهامات واهی و بی‌اساس علیه آنان در رسانه‌های عمومی به‌طور وسیع پخش می‌شود و کیفرخواست مربوط به آنان با وجود غیر علنی اعلام شدن دادگاه از رسانه‌ها پخش می‌گردد اما کسی حق پاسخ‌گویی برای متهمان از طریق این رسانه‌ها قائل نیست؟! ریاست محترم دادگاه! ادعای عمومی و اختصاصی نماینده محترم مدعی‌العموم حاوی موارد کذب، خلاف واقع، تحریف واقعیات تاریخی، استنادات بی‌پایه و تحلیل‌هایی از مقوله ظن و گمان (إن الظن لا یغنی عن الحق شیئاً) و نیز توضیحات اینجانب را در هر مورد استماع فرمودید. سوابق خدمات چند دهه گذشته اینجانب، به ویژه در ده سال اخیر که متمرکز بر ارائه خدمات کارشناسی و مشاوره فنی به بسیاری از دستگاه‌های اجرایی و مسئولان کشور و نتیجه آن تقویت حاکمیت و نظام و امنیت ملی بوده است نیز مشهود می‌باشد. آیا دلایل و مستندات ارائه شده برای اتهامات علیه کسی که (انشاء الله) قلبش جز برای جلب رضای الهی و خدمت به ایران اسلامی نپسیده است می‌تواند مصداق داشته باشد؟

ریاست محترم دادگاه! اینجانب به‌خاطر مصالح نظام و منافع ملی و تقویت فرآیند قانون‌مداری و برنام‌ه اصلاحات و توسعه سیاسی در کشور با توکل به خداوند متعال تمامی سختی‌ها و فشارهای جسمی و روحی دوران بازداشت را با صبر و شکیبایی به امید اجرای قانون و حق و عدالت تحمل نموده‌ام و اینک بار دیگر تنها درخواست خود را که در اولین دیدارهای جناب‌عالی در سلول مطرح کردم با کلام الهی تجدید می‌کنم:

یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط ولا یجر منکم شنان قوم علی ألا تعدلوا اعدلوا هو أقرب للتقوی و اتقوا الله خبیر بما تعملون (مائده - ۸)

به امید آنکه رأی این دادگاه آن‌چنان بر اصول قانونی و حق و عدالت استوار باشد که با رأیی که در محضر احکام‌الحاکمین صادر خواهد شد هماهنگ باشد و موجب ارتقای استقلال قوه قضاییه و تأمین سعادت دنیا و آخرت ما گردد. والسلام



تاریخ..... ۱۳۸  
شماره.....  
پیوست.....



### « متهم مردیف اول »

#### ۱- مشخصات فردی:

محمد توسلی حجتی ، فرزند: رضا ، شماره شناسنامه ۲۲۲ ، تاریخ تولد ۱۳۱۷ ، صادره: تهران ، تابعیت: ایران ، متأهل ، دارای پیشینه کیفری ، وضعیت فعلی: بازداشت موقت ، ساکن: تهران - خیابان شریعتی - خیابان قبا - کوچه آذر پلاک ۲۷ .

#### ۲- سوابق کیفری متهم:

۱-۲- در مورخ ۶۷/۳/۱۱ به اتهام جمع آوری اطلاعات طبقه بندی شده نظامی و غیرنظامی و ترغیب و تشویق مردم به مبارزه با نظام جمهوری اسلامی ایران و بر هم زدن نظم عمومی جامعه ، نشر اکاذیب و افتراء و تهمت به مقام معظم رهبری ، توهین به مقدسات مذهبی به مدت هشت ماه بازداشت می گردد .

۲-۲- در مورخ ۶۹/۳/۲۹ به اتهام شرکت در اجتماع و ارتکاب جرائم برضد امنیت داخلی و خارجی و مشارکت در امشاء و تأیید نامه به اصطلاح جمعی از آزادیخواهان معروف به نامه ۹۰ امشایی مبادرت به توهین ، افتراء و نشر اکاذیب علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی نموده که پس از تحمل دوسال حبس در مورخ ۷۱/۱/۱۷ مورد عفو مقام معظم رهبری قرار می گیرد .

#### ۳- فعالیتهای تشکیلاتی متهم:

۱-۳- از سال ۱۳۴۰ به عضویت نهفت آزادی در می آید و بعنوان مسئول شاخه دانشجویی فعالیت می نماید .

۲-۳- از سال ۱۳۵۶ عضو شورای مرکزی و عضو هیأت اجرایی بوده است .

۳-۳- در سال ۱۳۵۹ مجدداً به عنوان عضو شورای مرکزی و در دهه ۶۰ برای مدتی رئیس هیأت اجرایی نهفت بوده است .

۴-۳- با شکل گیری دفتر سیاسی نهفت عضو دفتر سیاس شده و تازمان دستگیری رئیس دفتر سیاسی بوده است .

۵-۳- سخنرانیهای متعدد ، نوشتن مقالات ، شرکت در جلسات پرسش و پاسخ و مصاحبه با نشریات داخلی و رادیوهای بیگانه ، در راستای اهداف تشکیلاتی نهفت .

۶-۳- کمک مالی به نهفت تحت عنوان حق عضویت و واگذاری دو واحد ساختمانی واقع در خیابان شهید مطهری پلاک

تاریخ..... ۱۳۸  
 شماره.....  
 پیوست.....



**قوه قضائیه**

۲۳۴ به نهضت آزادی

۳-۷- نماینده نهضت آزادی در ائتلاف موسوم به ملی- مذهبی و به عنوان عضو اصلی ستاد هماهنگی .

۳-۸- امضاء اطلاعیه های صادره موسوم به جمعی از عناصر ملی- مذهبی که حاوی عناوین مجرمانه می باشد .

۳-۹- عضویت در انجمن اسلامی مهندسين از سال ۱۳۴۰ و همچنین رئیس شورای مرکزی انجمن اسلامی مهندسين در مدت بعد از انقلاب .

۳-۱۰- عضویت در شورای مرکزی جمعیت دفاع در آزادی و حاکمیت ملت در سالهای ۶۹-۶۵ .

۴- موارد اتهامی:

الف- اقدام علیه امنیت کشور از طریق :

۱- عضویت در شورای مرکزی گروهک غیرقانونی نهضت آزادی :

بحکایت لوراق و مندرجات پرونده مشارالیه یکی از اعضای مؤثر و تعیین کننده گروهک مذکور بوده و سالها در بخش های مختلف این تشکیلات فعالیت داشته است .

آخرین مسئولیت وی بعنوان مسئول کمیته اجرایی و رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی بوده است که در صفحه ۲۷ پرونده به این موضوع اقرار داشته و حسب دیگر اقرار و اظهارات متهم صفحه ۱۰۵ پرونده مسئولیت تمامی اطلاعیه های موهسن صادره بنام این گروهک که بخش هایی از آنها ضمیمه اسناد پرونده می باشد ، بعهده این دفتر بوده است .

۲- عضویت فعالیت در تشکیلات غیرقانونی موسوم به ائتلاف ملی- مذهبی :

حسب اقرار منعکس در صفحات ۲۷-۶۲-۱۸۱-۲۲۴-۲۲۵ پرونده مشارالیه بعنوان عضو و نماینده نهضت آزادی در ائتلاف مذکور بوده بنحوی که بدون حضور وی و نهضت آزادی ، ائتلاف مذکور از اعتبار داخلی خود ساقط می شده و مجاز به صدور اطلاعیه ایی به این نام نبوده است .

این مجموعه با آشنایی به واژه ها و ادبیات سیاسی حاکم بر جامعه نفسی حاکمیت جمهوری اسلامی را با عنوان برقراری حاکمیت ملی و مردمی و دموکراتیک از اصول کار و فعالیت خود قرار می دهد که در بند دوم بیانیه ایی تحت عنوان منشور همبستگی نیروهای ملی- مذهبی به این موضوع اشاره شده است .

تاریخ..... ۱۳۸۰  
 شماره.....  
 پیوست.....



توضیحات

۳- شرکت در کنفرانس های گروههای مخالف نظام در خارج از کشور :

مشاریه در سالهای اخیر در چندین مرحله و در همناوبی با گروههای مخالف نظام و بنیادهای شناخته شده خارجی در جلسات آنها در خارج از کشور شرکت نموده که حسب اقرار منعکس در صفحات ۴۶-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۲-۱۸۴-۲۱۲-۲۱۳ این جلسات عمدتاً با حضور گروههای مخالف نظام منجمله گروهک منافقین و گروهکهای کمونیستی تشکیل شده و بموجب یادداشت های شخصی وی در این نشست ها با چهره هایی از قبیل خانبابا نهرائی و فرخ نگهدار به تبادل نظر می پرداخته است .

۴- ارتباط با پیگاتگان :

بموجب اقرار و سوابق منعکس در صفحات ۱۷۰-۱۷۱-۱۷۲-۱۷۷-۲۰۹-۲۱۰-۲۱۱-۲۱۲-۲۱۶ مشاریه در طول مدت فعالیت های سیاسی خود در نهضت آزادی بارها با مقامات خارجی ملاقات و ارتباط برقرار می نماید . از جمله بموجب اسناد افشاء شده لانه جاسوسی آمریکا ، در لوج مبارزات مردم ایران علیه رژیم مستعشاهی با وساطت یکی از جاسوسان سیا به نام بهرام بهرامیان در چند مرحله با « جان دی استمپل » مأمور سیاسی سفارت آمریکا در تهران ملاقات و به تبادل اطلاعات می پردازد که خلاصه مذاکرات و گفتگوها با طبقه بندی سری از اسناد لانه جاسوسی استخراج و تصاویر آن ضمیمه پرونده می باشد .

اینگونه ارتباطات پس از پیروزی انقلاب اسلامی با دیگر مقامات خارجی در داخل و خارج از کشور استمرار داشته که بخش هایی از آن در یادداشت های شخصی متهم منعکس و در بخش اسناد ضمیمه پرونده متهم می باشد .

ب- تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی :

متهم یکی از امضاء کنندگان همیشگی بیانیه ها و اطلاعیه هایی بوده که حاوی عناوین مجرمانه و انتشار مطالب خلاف و تبلیغات منفی علیه نظام جمهوری اسلامی بوده است .

علاوه بر اینکه مشاریه بعنوان نماینده گروهک نهضت آزادی در ائتلاف موسوم به ملی- مذهبی حضور داشته بنحوی که بودن حضور وی هیچ اطلاعیه ای بنام ائتلاف مذکور صادر نمی شده است . نسامبرده بعنوان مسئول دفتر سیاسی نهضت مسئولیت تمامی بیانیه های صادره از نهضت آزادی را نیز بعهده دارد .

تاریخ..... ۱۳۸  
 شماره.....  
 پیوست.....



نمونه های متعددی از این بیانیه ها و تبلیغات سنیه متهم علیه نظام جمهوری اسلامی در صفحات ۳۵۸-۳۵۹ و ۳۶۰ پرونده منعکس می باشد.  
 علیهذا و با عنایت به مراتب مذکور و نقش موثر متهم در اداره کردن تشکیلات نهضت آزادی و فلق سواد ۲۸۹ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی تقاضای مجازات وی را دارد.

## پیوست شماره ۴

تاریخ: ۱۳۸۰/۰۹/۱۸

بسمه تعالی  
نهضت آزادی ایران  
تاسیس ۱۳۴۰

### پاسخ کمیسیون ماده ۱۰ وزارت کشور به استعلام وکیل اعضای نهضت آزادی ایران

بسمه تعالی

تاریخ: ۱۳۸۰/۰۹/۱۸  
شماره: ۴۶/۹۸۲

جمهوری اسلامی ایران  
وزارت کشور

جناب آقای سیدمحمدعلی دادخواه  
وکیل محترم دادگستری

با سلام،

درخواست جنابعالی در جلسه مورخه ۸۰/۹/۱۷ کمیسیون ماده ۱۰ قانون فعالیت احزاب و جمعیتها طرح و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر تصویب نمودند:

” درخصوص احزاب و گروههایی که قبل از تصویب قانون فعالیت احزاب و جمعیتها تشکیل شده و فعالیت می‌کنند و به هر دلیل خود را با قانون جدید تطبیق نداده‌اند، نظر کمیسیون آن است که غیر قانونی بودن آنها باید از طریق مراجع صالح قضایی اعلام شود. “

محمدجواد حق شناس  
دبیر کمیسیون ماده ۱۰ قانون فعالیت احزاب و جمعیتها

پیوست شماره ۵

## دادنامه

و

## احکام صادره

توسط دادگاه انقلاب اسلامی تهران

به ترتیب ردیف متهمین در دادنامه

 <b>قوه قضائیه</b> دارگاه تقوی اسلامی	(ص ۱) * * * * *
تاریخ - ۲۶ / ۲ / ۱۳۸۱ شماره ۲۱ / ۸۹ / ۴۱ پیوست	<b>دادنامه</b>
	
تاریخ‌های ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۳۰ / ۸ / ۳۰ و ۴، ۵، ۷، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰ / ۹ / ۸۰ و ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۶ / ۱۰ / ۸۰ و ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۴ / ۱۱ / ۸۰ و ۱۴ / ۱۲ / ۸۰ شنبه ۳۱ دانشگاه انقلاب اسلامی تهران بصدای این جانب امضاء کننده ذیل و با حضور نماینده مدعی العموم و متهمین و وکلای مدافع آنها تشکیل و پرونده متهمین گروه نهضت آزادی و تشکلهای وابسته به کلاس‌های ۴۰۶۴ / ط دالی ۴۱۰۰ / ط د، ۴۱۰۳ / ط د، ۴ / ط د، ۴۱۲۶ / ط د، ۴۱۶۲ / ط د، ۴۱۶۳ / ط د، ۴۱۷۱ / ط د، ۴۱۷۲ / ط د، ۴۱۷۳ / ط د، ۴۱۸۲ / ط د، ۴۱۸۷ / ط د، ۴۱۸۹ / ط د، ۴۱۹۴ / ط د، ۴۲۰۰ / ط د، ۴۲۰۲ / ط د، ۴۲۲۴ / ط د، ۴۳۱۵ / ط د، ۴۳۴۳ / ط د، ۴۴۸۸ / ط د، ۴۵۵۶ / ط د، ۴۵۵۷ / ط د، ۴۸۷۹ / ط د، که به لحاظ وحدت موضوع و ارتباط کامل موارد انهامی و مشارکت متهمین توأماً و بصورت واحد رسیدگی می‌گردد تحت نظر قرار دارد.	
<b>●●● در این پرونده ●●●</b>	
<b>۱ - محمد توسلی حجتی</b> : فرزند رضایه شماره شناسنامه ۲۲۲ متولد ۱۳۱۷ صادره از تهران ایرانی متأهل دارای سابقه کیفری ارتکاب جرایم برضد امنیت کشور ساکن تهران خیابان شرعی خیابان قبا، کوچه آذریلاک ۲۷ آزاد باقراروئیقه با وکالت آقای محمد علی دادخواه.	
<b>۲ - هاشم صباغیان</b> : فرزند تقی به شماره شناسنامه ۱۲ متولد ۱۳۱۶ صادره از تهران - ایرانی - متأهل - دارای سابقه کیفری ارتکاب جرایم برضد امنیت کشور ساکن تهران، پاسداران، گلستان دوم پلاک ۱۱۶ آزاد باقراروئیقه با وکالت آقای ابراهیم احدی.	
<b>۳ - خسرو منصوریان</b> : فرزند علی به شماره شناسنامه ۶۳۱ متولد ۱۳۲۰ صادره از تهران تابعیت ایران دارای سابقه کیفری ارتکاب جرایم برضد امنیت داخلی کشور ساکن بلوار کشاورز سازمان آب پلاک ۷ آزاد باقراروئیقه با وکالت آقای ابراهیم احدی.	
<b>۴ - ابوالفضل بازرگان</b> : فرزند ابوالقاسم به شماره شناسنامه ۱۵۰ متولد ۱۳۱۹ صادره از تهران - متأهل - مهندس - مشاور عدم سابقه کیفری آزاد باقراروئیقه، ساکن تهران - سید خندان خیابان جلفا کوچه قوشماره ۴، با وکالت آقایان محمد علی دادخواه و ابراهیم احدی.	
<b>۵ - محمود نعیم پور</b> : فرزند جواد به شماره شناسنامه ۳۰ صادره از تهران متولد ۱۳۳۷ ایرانی متأهل - مهندس راه و ساختمان آزاد باقراروئیقه - دارای سابقه کیفری ارتکاب جرایم برضد امنیت کشور ساکن تهران - خیابان پاسداران -	
رونویس در روزنامه رسمی کشور فرم شماره ۵۴/۲۲۰/۱/۱۰۴۰ دفتر طرح ویرنامه بزی	

(ص ۲)	قوه قضائیه	تاریخ ۱۳۸۱/۲۲/۲۶
دادنامه	داگاه انتداب اسلامی	شماره
دادنامه	داگاه انتداب اسلامی	پیوست ۲۱/۸/۹۴
<p>خیابان اقدسیه - خیابان شهید سیاری انتهای دهم پلاک ۴۶ باوکالت آقایان محمد علی دادخواه و ابراهیم احدی.</p>		
<p><b>۶ - غفار فرزندی</b> : فرزند عبدالحسین به شماره شناسنامه ۹۳۷ متولد ۱۳۲۴ صادره از تبریز - ایرانی - متأهل - عدم سابقه کیفری آزاد باقاروقیقه ، ساکن تبریز خیابان آزادی روبروی مسجد طویلی کوچه رز پلاک ۵۸ باوکالت آقای زین العابدین زاخری.</p>		
<p><b>۷ - احد میر محمد رضایی</b> : فرزند اکبر به شماره شناسنامه ۳۸۳ صادره از زنجان متولد ۱۳۳۶ تابعیت ایران متأهل - آزاد باقاروقیقه - ساکن زنجان خیابان معلم خیابان شرقی پلاک ۸/۱ عدم سابقه کیفری باوکالت آقای اسماعیل گلستانی.</p>		
<p><b>۸ - سید امیر خرم</b> : فرزند سید حسین به شماره شناسنامه ۱۲۵۹ متولد ۱۳۳۹ ایرانی ، متأهل عدم سابقه کیفری آزاد باقاروقیقه ساکن تهران ، تهرانسر - بلوار اصلی خیابان ۱۵ پلاک ۱۹ مجتمع مروارید واحد ۸۱ باوکالت آقایان شاهپور منوچهری و محمد بی طرف.</p>		
<p><b>۹ - علی اصغر غروی</b> : فرزند سید جواد به شماره شناسنامه ۴۹۴۱ صادره از نائین متولد ۱۳۲۵ متأهل دکترای فلسفه ، شغل آزاد ، ایرانی - دارای سابقه کیفری ارتکاب جرایم برضد امنیت کشور آزاد باقاروقیقه ، ساکن اصفهان خیابان آیشار سوم خیابان سرور کوچه شهید باسمی پلاک ۹ باوکالت آقای نصراله فهرمانی.</p>		
<p><b>۱۰ - محمد هادی هادی زاده یزدی</b> : فرزند احمد علی به شماره شناسنامه ۲۳۸ متولد سال ۱۳۲۶ صادره از مشهد ایرانی متأهل مدرس دانشگاه مشهد فاقد سابقه کیفری آزاد باقاروقیقه ساکن مشهد بلوار وکیل آباد ۳۵ متری دندان پزشکیان ۱۹ پلاک ۶۱ باوکالت آقای محمد علی صفی زاده شبستری.</p>		
<p><b>۱۱ - محمد حسین بنی اسدی</b> : فرزند محمد باقر به شماره شناسنامه ۹۴۱ صادره از اصفهان متولد ۱۳۲۱ تابعیت ایران متأهل دارای سابقه کیفری ارتکاب جرایم علیه امنیت کشور فعلاً آزاد باقاروقیقه ساکن تهران خیابان نیاوران کوچه معظمی پلاک ۷ باوکالت آقای محمد علی دادخواه.</p>		
<p><b>۱۲ - محسن محقق</b> : فرزند محمد به شماره شناسنامه ۴۶ صادره از تهران متولد ۱۳۲۲ ایرانی متأهل فاقد سابقه کیفری آزاد باقاروقیقه ساکن تهران لواسانات خیابان خیام خیابان صحرائی ناران کوچه اول پلاک ۸۵ باوکالت آقایان محمد علی دادخواه و سعید توکلی کرمانی.</p>		
<p><b>۱۳ - غلامرضا مسموعی</b> : فرزند یحیی به شماره شناسنامه ۲۵۱۳ صادره از آبادان متولد ۱۳۲۹ تابعیت ایران متأهل مهندس راه و ساختمان ، آزاد باقاروقیقه ، فاقد سابقه کیفری - ساکن تهران میدان آرژانتین خیابان لوند خیابان</p>		



(ص ۳)	قوة قضائیه	تاریخ ۱۳۸۳/۰۶/۲۶
❀ ❀ ❀ ❀		شماره ۸۹۱/۴
دادنامه	دارگاه انتظامی اسلامی	پیوست
۳۷ شرقی کوچه نادری پلاک ۲۱ باورکالت آقایان محمد بیطرف و نصرالله قهرمانی.		
<b>۱۴ - د مصطفی مسکین</b> : فرزند کریم به شماره شناسنامه ۹۵۸ صادره از اصفهان متولد ۱۳۲۸ تابعیت ایران دارای سابقه کیفری جرایم اقدام علیه امنیت کشور، آزاد با قرار وثیقه، ساکن اصفهان خیابان خیام کوچه شهید مهدی فرقاندانی بین بست ایمن پلاک ۶۸ باورکالت آقای سعید توکلی کرمانی.		
<b>۱۵ - د مجید حکیمی</b> : فرزند موسی به شماره شناسنامه ۵۵۳۰ متولد ۱۳۳۵ صادره از تهران ایرانی متأهل فاقد سابقه کیفری آزاد با قرار وثیقه ساکن شهرداری خیابان شهید یاسارمیتاق ۶ پلاک ۳۵ طبقه سوم باورکالت آقای اسماعیل گلستانی.		
<b>۱۶ - د سیدعلی رضا هندی</b> : فرزند بوسف متولد ۱۳۲۸ به شماره شناسنامه ۷۵۳۰۹ صادره از تهران تابعیت ایران مهندس مکانیک متأهل شغل آزاد ساکن تهران تجریش خیابان شهید دکتر لوساسانی فرمانیه پلاک ۲۰ دارای سابقه کیفری توهین به مقدسات و اقدام علیه امنیت کشور، آزاد با قرار وثیقه باورکالت آقای محمد بیطرف.		
<b>۱۷ - د محمد نوید بازرگان</b> : فرزند مهدی به شماره شناسنامه ۸۵ متولد ۱۳۳۲ صادره از تهران تابعیت ایران - متأهل عدم سابقه کیفری آزاد با قرار وثیقه ساکن تهران آجودانیه نشین بستم غربی پلاک ۲ طبقه چهارم باورکالت آقای محمد علی دادخواه.		
<b>۱۸ - د احمد صدر حاج سید جوادی</b> : فرزند سیدعلی به شماره شناسنامه ۳۵۳۶۸ متولد ۱۲۹۶ صادره از قزوین تابعیت ایران متأهل فاقد سابقه کیفری و کتیل دادگستری آزاد با قرار وثیقه باورکالت آقای محمد علی دادخواه.		
<b>۱۹ - د خانم ربابه بی طرف معروف به صفا</b> : فرزند ابوالقاسم به شماره شناسنامه ۲۶۷ صادره از شاهرود متولد ۱۳۳۵ تابعیت ایران مجرد آزاد با قرار وثیقه فاقد سابقه کیفری ساکن تهران سه‌رودی شمالی بعد از تقاطع شهید بهشتی کوچه اول شهید شهرتاش پلاک ۸۶ باورکالت آقای محمد بی طرف.		
<b>۲۰ - د خانم فرشته بازرگان</b> : فرزند مهدی به شماره شناسنامه ۲۶۸۴ متولد ۱۳۲۴ صادره از تهران ایرانی متأهل عدم سابقه کیفری آزاد با قرار وثیقه ساکن تهران نیاوران کوچه معظمی پلاک ۷ باورکالت آقای محمد علی دادخواه.		
<b>۲۱ - د محمدحسین درویش ملا</b> : فرزند ابوالحسن به شماره شناسنامه ۸۳۲۴ صادره از تهران متولد ۱۳۴۳ تابعیت ایران متأهل فاقد سابقه کیفری آزاد با قرار وثیقه، ساکن تهران خیابان نواب کوچه دولت پلاک ۱۴ باورکالت آقای		

رونوشت  
فوتوکپی  
بازوی پلاک انتظامی امنیت  
دفتر دادگاه شعبه بیست و یکم انقلاب اسلامی تهران

(ص ۴)	قوه قضائیه	تاریخ - ۲۶ / ۲ / ۱۳۸۱ هـ
❀ ❀ ❀ ❀		شماره - ۲۱ / ۸۹ / ۹۴۱
دادنامه	داڕداه اتقواب اسلامی	پیوست
شاهپور منوچهری.		
<p><b>۲۲ - د مصیب دوانی :</b> فرزند حسین به شماره شناسنامه ۴۹۲ صادره از تهران متولد ۱۳۲۷ ایرانی متأهل کارمند عدم سابقه کیفری آزاد باقراروثیقه ساکن تهران پونک بلوار اشرفی اصفهانی خیابان صفاریان کوچه گلزار پلاک ده باوکالت آقایان شاهپور منوچهری و محمد بن طرف.</p>		
<p><b>۲۳ - د مرتضی اشفاق :</b> فرزند محمد به شماره شناسنامه ۲۰۷ صادره از اصفهان متولد ۱۳۲۰ تابعیت ایران متأهل آزاد باقراروثیقه فاقد سابقه کیفری ساکن اصفهان خیابان صائب کوچه علی آباد خیابان مطهری پلاک ۵ باوکالت آقایان محمد علی دادخواه و سعید توکلی کرمانی.</p>		
<p><b>۲۴ - د جمال زره ساز :</b> فرزند محمد ابراهیم به شماره شناسنامه ۳۸۳۹۶ صادره از بغداد کاظمین متولد ۱۳۳۱ تابعیت ایران آزاد باقراروثیقه ساکن شیراز بهشتی (شهرک شهید بهشتی) لادن ۵ پلاک ۳۳۷ باوکالت آقای محمد بن طرف.</p>		
<p><b>۲۵ - د باقر فتحعلی بیگی :</b> فرزند قدرت به شماره شناسنامه ۵۴۲ متولد ۱۳۴۹ صادره از زنجان تابعیت ایران متأهل فاقد سابقه کیفری آزاد باقراروثیقه ساکن زنجان پست امجدیه خیابان عباس مرادی پلاک ۳۳.</p>		
<p><b>۲۶ - د سید اکبر بدیع زادگان :</b> فرزند محمود به شماره شناسنامه ۱۱۸۱ متولد ۱۳۱۸ صادره از اصفهان تابعیت ایران متأهل عدم سابقه کیفری آزاد باقراروثیقه ساکن تهران خیابان ۱۷ شهریور شمالی خیابان خشکبارچی کوچه بدیع زادگان پلاک ۷ باوکالت آقای اسماعیل گلستانی.</p>		
<p><b>۲۷ - د حجت اله قیاسی :</b> فرزند احمد به شماره شناسنامه ۴۷۱ متولد ۱۳۳۶ صادره از نهاوند تابعیت ایران متأهل فاقد سابقه کیفری آزاد باقراروثیقه ساکن شهران جاده سولقان کوچه مهسا پلاک سه باوکالت آقای محمد بطرف.</p>		
<p><b>۲۸ - د علی رضا غروی :</b> فرزند سید جواد به شماره شناسنامه ۳۸۴ صادره از تهران متولد ۱۳۴۰ ایرانی متأهل عدم سابقه کیفری آزاد باقراروثیقه ساکن تهران ولنجک جنب کوی شانزدهم مجتمع مسکونی ولنجک شماره ۲۷.</p>		
<p><b>۲۹ - د بیژن گل افرا :</b> فرزند حسن به شماره شناسنامه ۲۷۵۶ صادره از تهران متولد ۱۳۳۲ تابعیت ایران متأهل فاقد سابقه کیفری آزاد باقراروثیقه ساکن کرج فازیک مهرشهر کرج خیابان ۱۱۱ پلاک ۵۲۳.</p>		
<p><b>۳۰ - د مسعود رضا حمسی :</b> فرزند محمد به شماره شناسنامه ۴۷۱۷۰ صادره از تهران متولد ۱۳۲۸ تابعیت ایران متأهل فاقد سابقه کیفری آزاد باقراروثیقه ساکن کرج گوهردشت بلوار جمهوری اسلامی نیش خیابان چهارم غربی.</p>		
<p><b>۳۱ - د سعید غفارزاده :</b> فرزند غلامحسین به شماره شناسنامه ۲۴۹ صادره از ارومیه متولد ۱۳۱۵ تابعیت ایران</p>		

روشت  
توثیق  
برابر به اصل است  
دفتر دادگاه قلمه بیست و یک انقلاب اسلامی تهران

تاریخ شماره پیوست	<b>قوه قضائیه</b>  <b>دائرة انطباق اسالی</b>	(ص ۵) * * * * *	دادنامه
	متأهل فافد سابقه کیفری آزاد باقرآه وثیقه ساکن چیدرکوی عقابی پلاک ۲۵.		
	<b>۳۲ - د طاهر احمدزاده هروی</b> : فرزند محمودبه شماره شناسنامه ۵۲۵۱۹ صادره از مشهد متولد ۱۳۰۰ تابعیت ایران متأهل دارای سابقه کیفری ارتکاب جرایم علیه امنیت کشور و هواداری از گروهک منافقین آزاد باقرآه وثیقه ، ساکن مشهد خیابان احمدآباد خیابان عازف پلاک ۸.		
	<b>۳۳ - د علی اکبر سرجمعی</b> : فرزند غلامرضابه شماره شناسنامه ۱۴۱۷۳ صادره از مشهد متولد ۱۳۱۴ تابعیت ایران متأهل عدم سابقه کیفری آزاد باقرآه وثیقه ساکن مشهد خیابان آبکوه میلان شهید محبوب گل ۴ پلاک ۲۲ باورکالت آقای محمدعلی صفی زاده شبستری.		
	<b>۳۴ - د سید محمد ازتضاء</b> : فرزند میرزا حسن به شماره شناسنامه ۴۶۱ صادره از مشهد متولد ۱۳۱۴ تابعیت ایران متأهل فافد سابقه کیفری آزاد باقرآه وثیقه ، ساکن مشهد خیابان حکیم نظامی - نظامی ۳۰ پلاک ۹.		
	<b>۳۵ - د سید حامد علوی</b> : فرزند سید محمد به شماره شناسنامه ۲۷ صادره از زابل متولد ۱۳۲۹ تابعیت ایران متأهل دارای سابقه کیفری ارتکاب جرایم برضد امنیت کشور و هواداری از گروهک منافقین که به ۱۵ سال حبس محکوم گردیده بود ، فعلاً آزاد باقرآه وثیقه ساکن مشهد رضاشهر خیابان ملک الشعراء غریب پلاک ۱۴.		
	<b>۳۶ - د جمشید منصوریان</b> : فرزند علی به شماره شناسنامه ۴۹۷۳۴ صادره از مشهد متولد ۱۳۱۵ تابعیت ایران متأهل فافد سابقه کیفری آزاد باقرآه وثیقه ساکن مشهد خیابان فلسطین ۸ پلاک ۱۶.		
	<b>۳۷ - د سید جعفر عباس زادگان</b> : فرزند سید نصراله متولد ۱۳۱۶ به شماره شناسنامه ۳۸۲ صادره از شیراز تابعیت ایران متأهل عدم سابقه کیفری آزاد باقرآه وثیقه ، ساکن شیراز خیابان لطفعلی خان زند مقابل اولین کوچه ۷۱ پلاک ۱۵۱.		
	<b>۳۸ - د محمد ابراهیم زمانی</b> : فرزند عبدالحسین متولد ۱۳۳۵ به شماره شناسنامه ۲۴ صادره از میناب تابعیت ایران متأهل عدم سابقه کیفری آزاد باقرآه وثیقه ، ساکن شیراز ملکه هنگ کوچه ۲۰ بن بست سوم پلاک ۶.		
	<b>۳۹ - د علی فرید یحیائی</b> : فرزند صادق متولد ۱۳۲۵ به شماره شناسنامه ۱۳۳۶ صادره از تبریز تابعیت ایران متأهل عدم سابقه کیفری آزاد باقرآه وثیقه ، ساکن تبریز خیابان قطران شمالی کوچه شهریار پلاک ۱۸۲.		
	<b>۴۰ - د جعفر کیوانچهر</b> : فرزند وهاب متولد ۱۳۳۵ به شماره شناسنامه ۱۱۵ صادره از تبریز تابعیت ایران متأهل عدم سابقه کیفری آزاد باقرآه وثیقه ساکن تبریز خیابان ولی عصر فلکه همافرخ فروغ شمالی کوچه پنجم شرقی پلاک ۱۰۰ باورکالت آقای علی کاکا افشار.		

تاریخ ۱۳۸۱/۲/۲۶ شماره ۲۹/۸۱/۴۱ پیوست دادنامه (ص ۶)

قوة قضائیه



داڕځه انټوب اسلامي

<p>۴۱- <b>فضل اله صلواتي</b> : فرزند حیدر متولد ۱۳۱۷ شماره شناسنامه ۵۹۳ صادره از اصفهان متأهل دکترای ادبیات فارسی ساکن - اصفهان خیابان جی کوچه ۷ تیرپلاک ۵۵ آزاد باقر اوثقیه.</p>
<p>۴۲- <b>سید صالح سیدگوانی</b> : فرزند میرهاشم متولد ۱۳۲۶ اهل تبریز به شماره شناسنامه ۲۷۰ ساکن تبریز بلوار ۲۹ بهمن بالاتر از دانشگاه اول کوی امین پلاک ۱ طبقه اول عدم سابقه کیفری آزاد باقر اوثقیه.</p>
<p>۴۳- <b>محمد رضا باباصفوری</b> : فرزند حسن متولد سال ۱۳۲۷ ، اهل اصفهان به شماره شناسنامه ۳۷۴ ایرانی عدم سابقه کیفری ساکن اصفهان - رهنان - خیابان شریف شرقی - کوچه گلستان پلاک ۵۲ آزاد باقر اوثقیه.</p>
<p>۴۴- <b>مصمد فراروئی</b> : فرزند حسین علی متولد ۱۳۰۷ به شماره شناسنامه ۷۵۹۲۲ متأهل ساکن شیراز چهارراه هواپرد کوچه شهید هوشیار پلاک ۱۰ مسلمان ایرانی عدم سابقه کیفری آزاد باقر اوثقیه.</p>
<p>۴۵- <b>رئوف طاهری</b> : فرزند سیف الله به شماره شناسنامه ۲۰۹ صادره از زنجان متولد ۱۳۵۰ متأهل ایرانی عدم سابقه کیفری آزاد باقر اوثقیه ساکن زنجان کوی فرهنگ خیابان شقایق پلاک ۳۷۹.</p>
<p><b>همگی متهمند به :</b> ۱- مشارکت در اقدام علیه امنیت کشور از طریق اداره گروه نهضت آزادی یا عضویت در آن و تشکیل های وابسته با هدف تغییر نظام جمهوری اسلامی با هماهنگی دیگر گروه ها و افراد معاند با ملت و جمهوری اسلامی از جمله تشکیل ائتلاف تحت عنوان نیروهای ملی و مذهبی در داخل کشور و شرکت در کنفرانس ها و برگزاری جلسات خصوصی با گروه های ضد انقلاب مثل کمونیست ها و توده و چریک های فدائی خلق و وابستگان سازمان منافقین و شورای ملی مقاومت به جهت هماهنگ سازی نیروهای داخل و خارج از کشور در مبارزه علیه حکومت برخاسته از رأی ملت ایران و همچنین ارتباط با بیگانگان اعم از احزاب و سفرا و یا کارداران کشورهای خارجی با هدف جلب حمایت و پشتیبانی آنان در مبارزه علیه نظام جمهوری اسلامی.</p>
<p>۲- تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی و فعالیت بنفع گروه های مخالف نظام از طریق تهیه و تنظیم و توزیع اطلاعیه و بیانیه و مقالات و مصاحبه و سخنرانی که حاوی عناوین و انتشار مطالب خلاف و تبلیغات منفی علیه نظام جمهوری اسلامی چه بنام نهضت آزادی و ائتلاف ملی مذهبی و با عنوان گروهی از شخصیت های ادبی و سیاسی و ملی مذهبی و ... باشد مطالب موهن و معرفی چهره خشن و مخدوش از نظام و نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی و تحریک و ترویج مردم به تحصن و اعصاب و تجمع و ایجاد درگیری و ناامنی و آشوب و بدبینی و یأس و ناامیدی از مسئولین نظام در قالب موضع گیری در مقابل حوادث جاری و مختلف کشور و منظور مخالفت با نظام جمهوری اسلامی.</p>
<p>مجموع اینها دیگر متهم ردیف دوم <b>هاشم صباغیان</b> : دایره نگهداری ادوات جنگی غیرمجاز ( ۲۴ تیر فشنگ کلت</p>

پیش  
وکیل  
دادگاه

قوه قضائیه  دادگاه انتداب اسلامی	(ص ۷) * * * * *	<b>دادنامه</b>
تاریخ: ۲۶ / ۱۲ / ۱۳۸۸ شماره: ۱۴۱ / ۸۱ / ۲۱ پیوست:		
کمبری ( و اتهام دیگر متهم ردیف چهاردهم « <b>مصطفی مسکین</b> » دایره توهمین به امام راجل و مقام معظم رهبری و اتهام دیگر متهم ردیف هیجدهم « <b>احمد صدر حاج سید جوادی</b> » دایره نگهداری سی و چهارگرم تریاک و ادوات استعمال پنج حقه و افورواعتیاده آن و اتهام دیگر متهم ردیف دهم « <b>محمد هادی هادی زاده یزدی</b> » دایره توهمین به رهبر کبیر انقلاب حضرت امام "ره"		
و اتهام دیگر متهم ردیف سی و پنجم « <b>سید حامد علوی</b> » دایره نگهداری حدود ۱۵ گرم تریاک و توهمین به امام راجل و اتهام دیگر متهمین ردیف های بیست و سوم و یازدهم و چهل و یکم آقایان : « <b>هر ترضی اشفاق و محمد حسین نبی اسدی و فضل الله صلواتی</b> » دایره نگهداری و جمع آوری اطلاعات طبقه بندی شده از جمله نامه خیلی محرمانه وزارت اطلاعات به ریاست جمهوری ، و گزارش سازمان بازرسی در رابطه با وضعیت گمرک جمهوری اسلامی ایران.		
<b>●●● گردش کار و خلاصه جریان پرونده ●●●</b>		
بحکایت مندرجات ۵۷ فقره پرونده مشکله به کلاسه های اعلامی فوق که در تاریخ ۲۸/۱۲/۷۹ و در اجرای ماده ۲۶ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری ریاست حوزه قضایی تهران اعلام جرم واصله علیه اداره کنندگان و اعضای تشکیلات موسوم به نهضت آزادی ایران رابه این شعبه ارجاع نمود.		
متعاقباً و با توجه به دلایل و مدارک ابرازی و اینکه بزه اعلامی از مصداق جرایم علیه امنیت کشور عنوان گردیده بود. با اجازه حاصله از ماده ۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب دستور تحقیقات مقدماتی و احضار و دستگیری متهمین و هم چنین جمع آوری ادله تکمیلی صادر گردید.		
پس از احضار متهمین تحقیقات و بازرجویی های مقدماتی مستقیماً توسط این مرجع و با تحت نظارت این مرجع توسط ضابطین قضایی آغاز و اسناد و مدارک درون تشکیلاتی ازمنازل متهمین و یا محل های اختفاء اسناد کشف و ضبط گردید مضافاً آنکه پس از تفهیم اتهام قرار تأمین متناسب نیز در مورد هر یک از متهمان صادر شد.		
متعاقباً و در اجرای تبصره ۱ ماده ۴ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری اذعان نامه تنظیمی توسط نماینده مدعی العموم در رابطه با شرح شکایت اولیه و تشریح موارد اتهامی و عملکرد مجرمانه تشکیلات نهضت آزادی و هم چنین موارد اتهامی اداره کنندگان و اعضای این تشکیلات به دادگاه واصل گردید. با فراهم شدن زمینه رسیدگی و تکمیل تحقیقات مقدماتی و هم چنین معرفی و انتخاب وکیل توسط متهمین که بعضاً تا ۳ نفر وکیل نیز انتخاب کرده بودند ، زمان		
تهران، روز ۲۶ بهمن ماه ۱۳۸۸ دادگاه انتداب اسلامی تهران		
چاپ روزنامه رسمی کشور فرم شماره ۱۰۴۰ / ۱۱ / ۲۲۰۵۴ دفتر طرح و برنامه ویرزی		

تاریخ: ۳۳۱/۴۴۴  
 شماره: ۲۱/۸۱/۴۴  
 پیوست: .....  
**قوة قضائیه**  
  
 دادگاه نقوب اسلامی  
 (ص ۸)  
 \* \* \* \* \*

**دادنامه**

<p>دادرسی تعیین ویراعایت تشریفات وقواعد ومقررات مربوطه ابلاغ گردید.</p> <p>باتوجه به موارداتهامی منتهین وهم چنین نتیجه تحقیقات مقدماتی وبالفاظ ضرورت رعایت مبانی امنیتی مستنداً به اصل ۱۶۵ قانون اساسی و بند ۳ ماده ۱۸۸ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی واتقلاب درامور کیفری قرار غیر علنی بزدن جلسات رتسیدگی دادگاه در تاریخ ۳۳۸۰/۸/۱۹ صادر گردید و پس از فراهم شدن مقدمات مذکور از تاریخ ۱۳۸۰/۸/۲۰ الی ۱۳۸۰/۱۲/۱۴ مجموعاً ۴۴ جلسه دادرسی تشکیل شد که در ۳ جلسه اول آن ادعاینامه تنظیمی توسط نماینده مدعی العموم قرائت گردید و در ۴۱ جلسه دادرسی نیز منتهین ووکلاهی مدافع آنان از اتهامات انتسابی دفاع نموده و دادگاه نیز توضیحات تکمیلی را از طرفین اخذ نمود.</p> <p>وماحصل ادعاینامه اینکه در مقدمه ادعاینامه تنظیمی ضمن تشریح توطئه های استکبار جهانی علیه انقلاب اسلامی ایران اعم از آشوب های منطقه ای ، کودتا ، آتش افروزی عناصر مزدور و منافق داخلی ، جنگ تحمیلی ، تحریم های سیاسی واقتصادی و در نهایت موج جدید تقابل باانقلاب یعنی استحاله نظام ازدرون و دگرگونی درمبانی فکری واعتمادی مردم وتضعیف رهبری نظام سه محور جدید توطئه های استکبار جهانی برای فروپاشی نظام اسلامی بوده ومحورهای اصلی براندازی به شیوه نوین مطرح که دستورالعمل صریح آن در نوشته های نظریه پردازان غربی وهم چنین اظهارات صریح رسمی وغیررسمی زمام داران غرب مطرح وظیفه اجرای آن به استمدادهای همسو در داخل کشور سپرده می شود.</p> <p>تشکیک درمبانی دینی ، ترویج ناکارآمدی دینی در عرصه اجتماع وسیاست ، زیر سوال بردن ارزش های انقلاب ، تخریب چهره وایده های بنیانگذار انقلاب اسلامی ورهبری نظام ، اهانت به ارزش های دینی ، حمله به نهادهای انقلاب اسلامی ، تظهير چهره اشخاص وجریانات منحرف از راهبردهای اصلی دوران استحاله بشمار می آید که جریان موسوم به ملی - مذهبی بطور اعم ونهضت آزادی بطور اخص در روند ایجاد این استراتژی نقش اساسی را ایفاء نموده اند. اگرچه حرکت این جریان در سالهای قبل خصوصاً در عرصه مطبوعات ومحافل دانشجویی ازیدید مسئولین دورنمانده است اما زمانی که نقش حماسی وهدایتی بیگانگان در این جریان وپیوند آن باجریان ضدانقلاب خارج نشین ودیدارهای پشت پرده با بیگانگان آشکار گردید ومحافل داخلی نیز با تلاش در ایجاد بحران های اجتماعی وسیاسی وتشنج در محیط های دانشجویی وطرح واقدام به پروژه هایی همچون نافرمانی مدنی ، لزوم مقاومت فعال وانسداد سیاسی زمینه های استحاله وبراندازی آرام نظام را فراهم نمودند. همسویی این جریان باتئوری های فروپاشی وبراندازی نظام بیش از پیش آشکار گردید که بخش هایی از عملکرد مشترک آنان در فصل های مختلف ادعاینامه توضیح داده خواهد شد.</p> <p>در فصل اول ادعاینامه تنظیمی ، عملکرد نهضت آزادی قبل وبعدازیروزی انقلاب اسلامی وتقابل آن با مبانی ارزشی نظام</p>
--

**قوه قضائیه**  
  
**دادنامه**

(ص ۹)  
 \* \* \* \* \*

داگاه و نقوب اسلامی

تاریخ: ۳۸۱ / ۲۴ / ۲۶  
 شماره: ۲۱۸۱ / ۴۱  
 پیوست

<p>وبالعکس همگرایی و پیوند فکری آن با جریانات معاند و براندازمانند منافقین جنایتکار تشریح گردید. هم چنین نمودار تشکیلاتی، ارکان، شرح فعالیت‌ها آورده‌های سازمانی تعریف شده در تشکیلات نهضت آزادی شامل شورای مرکزی، هیئت داور، هیئت اجرایی، شعب تحقیقات و سیاسی، ارتباطات سیاسی، ارتباطات داخلی و ارتباطات خارجی، کمیته‌های مالی، انتشارات، روابط عمومی، شهرستانها، تشکیلات و پژوهش نیز با ذکر شرح وظایف سازمانی مشخص و هم چنین دستورالعمل‌های حفاظتی درون تشکیلاتی و برنامه‌های جذب و سازماندهی و گسترش تشکیلات در استان‌های مختلف تشریح گردید که همگی حکایت از وجود یک تشکیلات بهم پیوسته و با تعاریف سازمانی مشخص دارد.</p> <p>در قسمت بعدی از فصل اول ادعای پیوند و نقش اساسی نهضت آزادی در براندازی تشکیلات غیر قانونی دیگری بنام ائتلاف ملی - مذهبی توضیح داده شده است. این جریان نیز متشکل از گروه‌هایی مانند جاما، جنبش مسلمانان مبارز، روند جدایی منافقین، خروش موحدین، جریان ایران فردا و ... می باشد که همراه با اشخاص و جریان‌های دیگری که سابق عناد و تقابل با نظام جمهوری اسلامی در کارنامه عملکرد آنان وجود دارد و بعضی از افراد آن نیز جهت ارتکاب جرایم علیه امنیت به حبس‌های طولانی‌مدت محکوم شده‌اند. می باشد و نقش محوری نهضت آزادی در سازماندهی مجدد و پیوند این مجموعه با یکدیگر در جهت مقابله با اهداف و مبنای ارزشی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران توضیح داده شده است.</p> <p>در فصل دوم ادعای نهضت آزادی در تشریح عملیات روانی تبلیغات سیاه (تبلیغ علیه نظام) بعنوان یکی از ابزارهای اساسی فروپاشی و براندازی به شیوه نوین موارد متعددی از مواضع و عملکردها و بیانیه‌های مشترک و منفرد نهضت آزادی مستند به اسناد مکشوفه از این تشکیلات تکرار شده است که همگی حکایت از عملکرد این جریان در مخدوش نمودن اعتماد عمومی نسبت به ارکان و پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران دارد.</p> <p>در فصل سوم موارد ایجاد شبهه در باورهای دینی و ارزش‌های انقلاب اسلامی بعنوان یکی دیگر از ابزارهای نوین براندازی و عملکرد نهضت آزادی و جریان‌ها و اشخاص هم پیمان با این گروه توضیح داده شده است.</p> <p>فصل چهارم ادعای نهضت آزادی نیز بعنوان روی گردانی اجتماعی، ضمن تشریح نقش نهضت آزادی و جریان‌های همسواقدامات و عملیات ایجاد شکاف بین ارکان حاکمیت، توسعه تضاد در جریان‌های سیاسی، ترویج مفاهیم نظری و مخالفت با حکومت دینی و نفوذ در دستجات دانشجویی و افراطی نمودن این جریانات بیان گردیده است.</p> <p>در فصل پنجم فراهم سازی شرایط مناسب برای اقدامات فخرآمیز و مسلحانه توسط جریان موسوم به ائتلاف نیروهای ملی</p>
--

فرم شماره ۵۴/۲۲۰۱/۱۰۴۰ دفتر طرح و برنامه ری

جاب روزنامه رسمی کشور

و بابت  
 ثبت  
 شماره ثبت و کد رهگیری

تاریخ: ۲۱/۸/۱۴۰۱ شماره: ۲۱۸۱/۱۴۰۱ پیوست:	<b>قوه قضائیه</b>  دادگاه انتداب اسلامی	(ص ۱۰) * * * * * <b>دادنامه</b>
<p>- مذهبی که نهضت آزادی بعنوان یکی از ارکان اساسی آن بشمارمی آید توضیح داده شده است. حسب اقرار و اظهارات صریح بعضی از متهمین پرونده اساساً ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی بدون حضور و امضاء نهضت آزادی مجازیه فعالیتی تحت نام ائتلاف نبوده است.</p> <p>علاوه بر فصول پنجگانه ادعای نامہ در جلسات دادگاه موارد متعددی از جلسات و نشست های نمایندگان نهضت آزادی بانمایندگان دولت های بیگانه مستند به صورت جلسات مکتوفه از اسناد درون گروهی مطرح گردید. در این جلسات که عمدتاً در زمان های حساس مانند مقاطع انتخابات در کشور برگزار شده است اطلاعاتی از مسائل مهم کشور توسط نمایندگان نهضت آزادی به اتباع خارجی بعضاً بانیت جاسوسی داده شده است که مشروح آن در قسمت بعدی دادنامه ذکر خواهد شد. سپس اتهامات انفرادی هر یک از متهمین در ادعای نامہ درج شده است.</p> <p style="text-align: center;">* * * * *</p> <p>پس از قرائت ادعای نامہ و قبل از شروع مدافعات، بعضی از متهمین وکلای مدافع آنان به صلاحیت دادگاه جهت رسیدگی به موارد اتهامی ایراد نمودند باین توضیح که موارد اتهامی متهمین جرم سیاسی محسوب و بایستی بصورت علنی و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری رسیدگی گردد. ولیکن دادگاه باین توضیح که به صراحت اصل ۱۶۸ قانون اساسی تعریف جرم سیاسی را قانون و بر اساس موازین اسلامی معین می کند و این امر نیاز به تدوین قانون خاص دارد و با عقاید دادگاه تازمانی که بموجب قانون اساسی جرم سیاسی توسط قانون تعریف نشود هیچ جرمی رانمی توان سیاسی تلقی نمود. مضافاً اینکه عنوان اتهامی متهمین اقدام علیه امنیت کشور است که استناد بند یک از ماده ۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب رسیدگی به این قبیل جرایم به صراحت در صلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی قرار داده شده است. و در خصوص غیر علنی بودن دادگاه با توجه به توضیحات تشریح شده در متن قرار غیر علنی بودن و اینکه با استناد به اصل ۱۶۵ قانون اساسی تشخیص علنی یا غیر علنی بودن دادگاه نیز بر اساس مستندات مذکور منحصراً با دادگاه رسیدگی کننده می باشد ضمن رد ایرادات مبادرت به ادامه رسیدگی و استماع مدافعات متهمین وکلای آنان نمود.</p> <p>متهمین پرونده نیز در ۲۱ جلسه دادگاه ضمن تشریح جایگاه و نوع فعالیت های خود در تشکیلات نهضت به دفاع از اتهامات انتسابی پرداختند و بعضاً با پذیرش موارد اتهامی فعالیت ها و اقدامات خود را در راستای امریه معروف ونهی از منکر معرفی نموده که در فصول بعدی و تشریح اتهامات افراد بطور خلاصه مطالب ذکر خواهد شد. پس از پایان مدافعات متهمین و نهیم مجدد اتهامات انتسابی و بر اساس ماده ۱۹۳ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری آخرین دفاع متهمین اینجند که بعضاً در جلسات دادگاه آخرین دفاع خود را بصورت شفاهی مطرح و بعضی دیگر نیز آخرین دفاع خود</p>		
فرم شماره ۵۴/۲۲۰۱/۱۰۴۰ دفتر طرح و برنامه بزی چاپ روزنامه رسمی کشور		



تاریخ: ۲۶/۱۲/۱۳۸۱ شماره: ۴۱۸۱ پیوست دادنامه (ص ۱۱)

قوه قضائیه



دادگاه انتحاب اسلامی

<p>رایموجب لوايح تقديمي شخصاً ویا توسط وکلای خود به دادگاه تقديم نمودند. النهایه دادگاه با احراز کفایت رسیدگی ختم جلسات دادرسی را اعلام و در فرصت مقتضی و پس از بررسی مجدد مدارک و مستندات و قرائن و امارات موجود در پرونده و لوايح تنظيمی مهمين و وکلای مدافع آنان با استعانت از خداوند متعال و تکیه بر شرف و وجدان بشری ذیل میبایست به صدور رأی می‌نمایند.</p>
<p>●●● رأی دادگاه ●●●</p>
<p>● قسمت اول: اتخاذ تصمیم در خصوص تشکیلات موسوم به نهضت آزادی ایران ●</p>
<p>نهضت مذهبی ملی به رهبری امام راحل "ره" در ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ به ثمر نشست و در دوازدهم فروردین ماه سال ۱۳۵۸ با ۹۸/۲ درصد آرای مردم نظام جمهوری اسلامی استقرار یافت. اما بودند گروههایی که در پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به رغم ادعاهای استفاده از عناوین زیباراه خود را از راه عزت آفرین ملت ایران جدا کردند، از آن جمله گروه نهضت آزادی که در هنگامه مبارزه خونبار هموطنانمان علیه استبداد و وابستگی رژیم شاهنشاهی، شعارشاه باید سلطنت کند رامشی و مرام سیاسی خود قرارداد در حالیکه نظام سلطنتی از بیخ و بن در تضاد با خواست ملت ایران بر استقرار نظامی مبتنی بر دین و رأی مردم بود جدایی گروههایی مثل نهضت آزادی از اهداف و آرمانان انقلاب ناشی از دوگانگی این گروهها با ملت ایران می‌باشد و این حقیقت تلخ نه تنها به انحراف آنها انجامید بلکه به رویارویی آنان با دستاوردهای ملت ایران پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی در بیست و سه سال گذشته بوده و همواره بر رهروی از مصدق پدربجه ملی تأکید داشتند، پیوند نهضت با ملی گراها بخصوص جبهه ملی و منافقین در اواخر خرداد سال ۱۳۶۰ در اطلاعیه این گروه که مردم زایه یک راهبیمایی اعتراض آمیز علیه نظام جمهوری اسلامی و لایحه قصاص دعوت می‌کنند روشن تر نمایان می‌گردد که در این رابطه حضرت امام "ره" در مورخه ۱۳۶۰/۳/۲۵ خطاب به آنها می‌فرمایند: «اینها یکی که نهضت آزادی) پیوند کرده اند با جبهه ملی و منافقین و منحرفین من با اینها کار دارم شما که مدعی تدین هستید چه توجیهی دارید؟ آیا تکلیف شرعی فقط این است که در مقابل مجلس و دولت اعلامیه صادر کنید؟ دعوت کنید به شورش در مقابل دولت اسلامی؟ نهی از منکر و امر به معروف فقط منحصر است به همین که شما دولت اسلامی را نهی و امر کنید، آن هم با کوبندگی و آن هم</p>

تاریخ: ۱۳۶۸/۱۲/۲۶  
شماره: ۲۱/۸۱/۴۱

قوة قضائیه



دائرة انقواب اسلامی

(ص ۱۲)  
\* \* \* \* \*

دادنامه

دعوت به قیام و شورش، با اینها (نهضت آزادی) ما چه کنیم با این مقدس هایی که از اینها پشتیبانی می کنند و با هم ائتلاف کرده اند و از اول ائتلاف داشتند، با این مسلمانهای نمازخوان ما چه بکنیم. **الآن من نصیحت می کنم که از این سنگ اندازی جلوی چرخ اسلام دست بردارید و بیاید در میدان با برادران دیگر بنشینید** و همچنانکه حضرت امام "ره" این معمارانقلاب اسلامی در ادامه تجری مسئولین این گروه نسبت به انقلاب اسلامی در مورخ ۱۳۶۶/۱۱/۳۰ می فرماید: **و امروز پس از ده سال از پیروزی انقلاب اسلامی همچون گذشته اعتراف می کنم که بعضی از تصمیمات اول انقلاب در سپردن پستها و امور مهم کشور به گروهی که عقیده خالص و واقعی به اسلامی ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) نداشته اند اشتباهی بود که تلخی آثار آن به راحتی از میان نمی رود، گرچه در آن موقع هم من شخصاً موافق به روی کار آمدن آنان نبودم و الآن هم سخت معتقدم که آنان به چیزی کمتر از انحراف انقلاب از تمام اصولش و حرکت به سوی آمریکای جهانخواه قناعت نمی کنند ما هنوز هم خوب اعتمادهای فراوان خود را به لیبرالهای خوریم، نهضت آزادی که در ابتدای انقلاب تأکید داشت به جای جمهوری اسلامی از عبارت جمهوری دموکراتیک استفاده شود با آن که حضرت امام "ره" قاطعانه فرموده بودند **و جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد، ولی دائماً در مخالفت با ایشان جبهه گیری نمودند.****

**علیهذا** با عنایت به مجموع محتویات و مندرجات پرونده اعم از اذعاننامه تنظیمی مدعی العموم، صدها برگه اسناد درون گروهی مکتوبه از تشکیلات موسوم به نهضت آزادی ایران، نتیجه بازجویی ها و تحقیقات و استماع مدافعان متهمین و وکلای آنان و بررسی ماهیت و ساختار تشکیلاتی و اقدامات و فعالیت های انجام شده توسط این تشکیلات در راستای اقدام علیه امنیت کشور شرح ادله ذیل:

**الف) راه اندازی و توسعه تشکیلات بصورت غیر قانونی در جهت فعالیت های مجرمانه**

از آنجاکه بر اساس قانون فعالیت احزاب، جمعیت ها و انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های شناخته شده مصوب ۷ شهریور ۱۳۶۰ و ضوابط و مقررات مندرج در این قانون، گروهها و دسته جات سیاسی هنگامی مجاز به فعالیت خواهند بود که بر اساس ماده ۱۹ از همین قانون مبادرت به اخذ پروانه نموده باشند ولیکن تشکیلات موسوم به نهضت آزادی ایران علی رغم وجود قانون لازم الرعایه فوق از سال ۱۳۶۰ تاکنون هیچگونه پروانه ای جهت فعالیت های خود دریافت نکرده است و بدون داشتن پروانه در تمام سالهای گذشته مرتباً و مستمرآ فعالیت و اقدامات تشکیلاتی خود

روايت  
مجلسی  
پروايتو بيا اصلى است  
دفتر نشر فرهنگى و كتابخانه هاى مركزى - تهران - ۱۳۶۸

چاپ روزنامه رسمی کشور فرم شماره ۱۱۰۴-۵۲/۲۲۰ دفتر طرح و برنامه ریوی

<b>قوه قضائیه</b>  دارگاه انتخب اسلامی	(ص ۱۳) * * * * *	تاریخ: ۱۳۸۱/۱۲/۲۶ شماره: ۴۴۱۴۱۱۱ پیوست:
<b>دادنامه</b>		
<p>را ادامه داده و با برگزاری کنگره‌های متعدد درون گروهی و هم چنین بسط و توسعه تشکیلات خود برخلاف موازین قانونی مبادرت نموده است که اینک بر اساس اسناد درون گروهی تشکیلات منسجمی را با اجزاء و ارکان تعریف شده و شرح وظایف خاص شامل شورای مرکزی، هیئت داوری، دفتر سیاسی، شعب تحقیقات و ارتباط سیاسی، ارتباطات خارجی، ارتباطات داخلی، کمیته های مالی، انتشارات، روابط عمومی، شهرستانها، تشکیلات و پژوهش دارا بوده که وجود تشکیلات فوق با شرح وظایف معین و مشخص مورد پذیرش و اقرار تمامی منتهین پرونده خصوصاً اعضای شورای مرکزی این تشکیلات قرار گرفته و در صفحات متعدد پرونده در بازجویی های این افراد منعکس است. مضافاً آنکه بعضاً نیز در اسناد مکشوفه درون گروهی دستورالعمل های حفاظتی خاصی نیز برای فعالیت اعضا صادر نموده است که بعنوان نمونه در یکی از دستورالعمل های حفاظتی چنین آمده است:</p>		
<p>۱- جیب، کیف و مانتین شما حتی المقدور از نشریات خالی و در صورت ضرورت فقط یک نسخه داشته باشید و از محتویات داخل مانتین مطلع باشید.</p>		
<p>۲- بهنگام رانندگی خصوصاً مواقعی که نشریاتی دارید حتی الامکان از امور خلاف بپرهیزید.</p>		
<p>۳- در محل اداری یا کار خود سعی شود نشریه یا اعلامیه ای منسوب به خودتان نباشد.</p>		
<p>۴- در منزل اسناد و مدارک را در محل امنی نگهداری و یکی از افراد خانواده از آن مطلع تا در صورت پیش آمد نامطلوب تغییر محل لازم داده شود.</p>		
<p>۵- اسناد و نشریاتی که در منزل می باشد در صورتی که زیاد باشند به ۲ یا ۳ گروه برحسب اهمیت طبقه بندی و در دو سه نقطه امن نگهداری شوند.</p>		
<p>۶- اخبار و اسامی یا سایر مدارکی که مهم است و امکان ریزنویسی در قطعات کوچک کاغذ می باشد به این صورت تهیه و به هنگام مخاطره از بین برود (خورده شود).</p>		
<p>۷- بهنگام رفت و آمد به جلسات و یا مواقعی که اسناد، مدارک یا نشریاتی به همراه دارید از حرکات و کارهایی که باعث بوجود آمدن شک و تردید می شود بپرهیزید.</p>		
<p>۸- به هنگام ورود به جلسات اطراف خود را پاک نموده سعی شود در صورت امکان دوتفری آمد و شد کنید.</p>		
<p>۹- در صورتی که به لحاظی اسامی چند نفری را یادداشت کرده اید به آنها تعدادی اسامی غیر اضافه کنید.</p>		
<p>۱۰- در خانگیه جلسات و ترک جلسه حتی المقدور به یکی از اعضا مقصد بعدی خود را اطلاع دهید.</p>		
<p>۱۱- چنانچه به نحوی از انحاء یکی از اسناد یا اطلاعات مهم مفقود یا توسط شمانشیت نمود در اسرع وقت به یکی</p>		
و بدست نویسی <b>پروانو: یاقینی است</b> کمر دادنامه همه پیوست و یک کتبات امنی بران		
چاپ روزنامه رسمی کشور      فرم شماره ۵۲۳۲۰/۱/۱۰۴۰ دفتر طرح و برنامه ریزی		

تاریخ: ۱۳۷۵/۳/۲۴ شماره: ۲۷۸۱/۱۴۱ پیوست:	<b>قوة قضائیه</b>  دارگاه نقشب اسلامی	(ص ۱۴) * * * * * <b>دادنامه</b>
از مسئولین اطلاع دهید.		
۱۲ - در مکالمات تلفنی حتی المقدور از ذکر نام خودداری و به هنگام حرکت با وسیله نقلیه و یا پیاده کردن همراهانی که دارید قرار مشخصی جهت روابط با یکدیگر داشته باشید تا در صورت پرسش، پاسخ هابکسان باشند.		
علینهدا بررسی: مجموع سوابق واسناد و مدارک فوق الذکر حکایت از آن دارد که تشکیلات موسوم به نهضت آزادی ایران صرفاً تجمع تعدادی افراد هم فکرنیوده بلکه تشکیلاتی است با طبقه بندی ورده های سازمانی تعریف شده که علیرغم تصویب قانون احزاب در سال ۱۳۶۰ و تکلیف این قانون بر اخذ پروانه جهت این قبیل فعالیت ها، علاوه بر اینکه تاکنون هیچگونه مجوزی از مراجع ذیصلاح دریافت نکرده کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب نیز طی نامه های شماره ۲۳/۱۲۲۲۲ مورخ ۱۳۷۳/۱۲/۲۲ و ۲۳/۱۴۲۸۶ مورخ ۷۴/۱۲/۱۲ یا عدم موافقت تأسیس نهضت آزادی، فعالیت این گروه و امانت و غیر قانونی اعلام نموده است.		
<b>د ب) ارتباطات با بیگانگان</b>		
قطع نظریات و تلباط و تماس های بعضی از اعضای شورای مرکزی تشکیلات موسوم به نهضت آزادی با عناصر بیگانه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی که اسناد آن در سالهای گذشته در جاسوس خانه آمریکا کشف و منتشر شده است که از آن جمله می توان به ملاقاتهای آقای محمد توسلی بانام مستعار محمد نوکلی بانام آمریکایی جان دی استمپل اشاره نمود که حسب اظهارات منته محمد توسلی این تماسها بعداً توسط امیرانظام ادامه یافت واستمرار آن در سالهای اخیر نیز در مقام حساس هم چون زمان برگزاری انتخابات، ملاقات ها و تبادل نظرهای مختلف بین نمایندگان تشکیلات موسوم به نهضت آزادی وعناصر بیگانه صورت گرفته است.		
نمونه هایی از این ملاقات ها که صورتجلسات آن به خط و دست نوشته اعضای شورای مرکزی نهضت آزادی تحریر شده است به قرار ذیل می باشد:		
۱ - سند مکتوبه از منته ابوالفضل بازرگان حاکی است که در تاریخ ۱۳۷۵/۳/۱۰ پس از برگزاری انتخابات مجلس پنجم ملاقاتی توسط اعضای شورای مرکزی تشکیلات موسوم به نهضت آزادی ایران مرکب از ابراهیم یزدی، ابوالفضل بازرگان ومحمد توسلی با سفیریکی ازدولت های خارجی ومهمراه وی صورت می گیرد وحول موضوعاتی از قبیل انتخابات مجلس پنجم، توزیع قدرت پس از انتخابات، سیاست نهضت در خصوص تغییر ساختار حکومتی، حضور سپاه پاسداران در سیاست، وضعیت نمایندگان مجلس پنجم واختلافات جناح های داخلی اطلاعاتی توسط افراد نهضت آزادی به طرف خارجی منتقل می گردد. بعنوان مثال در پاسخ به سئوال طرف خارجی در مورد چگونگی تغییر در ساختار حکومتی ایران،		
		روز: ..... ساعت: ..... امضاء: ..... مهر: .....

**قوة قضائيه**  
  
 دادنامه (ص ۱۵)

تاریخ: ۷۸۱ / ۲ / ۲۶  
 شماره: ۲۱ / ۱ / ۱۴  
 پیوست: .....  
 دادگاه: .....

تغییرات تدریجی و آرام پیشنهاد می شود.
۲ - سند مکشوفه از منزل ابراهیم بزدی حاکی است در تاریخ ۷۹/۳/۲۵ سه نفر از اعضای شورای مرکزی نهضت آزادی مرکب از ابراهیم بزدی، غلامعباس توسلی و ابوالفضل بازرگان ملاقات دیگری با سفیریکی از کشورهای خارجی پاد و نفر همراه وی صورت می گیرد.
در این ملاقات نیز حول موضوعاتی از قبیل موضع گیری های شورای نگهبان و برخورد با وزارت کشور، انتخابات مجلس ششم، بررسی وضعیت جناح های داخل کشور و شخصیت های مؤثر انقلاب، مسائل دانشجویی، ارتباطات مجلس ششم با قوه مجریه، اختلافات فی مابین قوای سه گانه و نهادهای مختلف، اطلاعاتی از طرف اعضای نهضت آزادی به طرف خارجی منتقل می گردد.
۳ - سند مکشوفه از منزل منتهم ابوالفضل بازرگان حاکی است در مورخه ۱۳۷۹/۱۲/۵ ملاقاتی از سوی اعضای نهضت آزادی مرکب از غلامعباس توسلی، محمد توسلی و ابوالفضل بازرگان با سفیر همان دولت خارجی و همراه وی انجام و حول موضوعات انتخابات سال ۱۳۸۰ ریاست جمهوری، موضع گیری شخصیت های مختلف در قبال انتخابات مذکور، دیدگاه های رهبری، برخورد شورای نگهبان، وضعیت نهضت آزادی و حمایت های بین المللی از این تشکیلات، وضعیت زندانیان موسوم به ملی - مذهبی، اطلاعاتی از سوی نهضت آزادی به طرف مقابل خارجی منتقل می شود.
۴ - در مورخه ۱۳۷۸/۲/۲۶ ابراهیم بزدی - هاشم صباغیان و ابوالفضل بازرگان ملاقاتی با نمایندگان یکی از احزاب شناخته شده خارجی که در سازماندهی نیروهای مخالف نظام جمهوری اسلامی بتفوز چشمگیری فعالیت دارد برگزار و در خصوص موضوعاتی از قبیل میزان قدرت ریاست جمهوری، وضعیت کنونی وزارت اطلاعات، مسئله تغییر حاکمیت و تقسیم قوا، مباحث مربوط به ولایت فقیه، جدایی دین از دولت و حکومت و ماهیت حکومت، بازنگری نسبت به انتقال و هم چنین چگونگی پشتیبانی احزاب خارجی از نهضت و مباحث دیگر مورد تبادل نظر قرار می گیرد.
۵ - سند مکشوفه از منزل ابراهیم بزدی حاکی است که در مورخه ۱۳۷۸/۱۰/۲۸ ملاقاتی توسط هیئت نهضت آزادی مرکب از ابراهیم بزدی - غلامعباس توسلی - محمد توسلی با دبیر اول سفارت یکی از دولت های خارجی در منزل ابراهیم بزدی انجام پذیرفته و در این ملاقات در خصوص مسئله انتخابات مجلس ششم، شرایط داخلی ایران، ارزیابی مواضع نهضت آزادی، دادگاه ویژه روحانیت، هیئت رسیدگی به قانون اساسی، تشکیلات نهضت آزادی و چگونگی پیشبرد اهداف آن مورد بحث قرار گرفته و اطلاعات مقتضی در اختیار دبیر اتمات بیگانه قرار می گیرد.
۶ - سند مکشوفه از منزل ابراهیم بزدی حاکی است در تاریخ ۱۳۷۹/۶/۶ ابراهیم بزدی - غلامعباس توسلی و فرشته

برای مطالعه اصل است

تاریخ ۲۶ / ۲ / ۷۸۱

شماره ۱ / ۱ / ۳۱

پیوست

**قوة قضائیه**



دارگاه انطباق اسلامی

(ص ۱۶)

\*\*\*\*\*

**دادنامه**

<p>بازرگان ملاقاتی با کنسول یکی از کشورهای خارجی در منزل ابراهیم بزدی انجام و در خصوص موضوعاتی از قبیل اصلاح قانون مطبوعات ، موضعگیری های مقام معظم رهبری ، معانت از فعالیت نهضت و اعلام غیرقانونی بودن آن بحث و اطلاعات مقتضی به طرف خارجی منتقل می شود.</p>
<p>لازم به ذکر است تمامی ملاقاتها در جلسات متعدد دادگاه مطرح و مورد پذیرش و اقرار متهمین مربوط قرار گرفته است که مشروح آن و اسناد و دست نوشته های ملاقاتها در صورتجلسات دادگاه و اسناد پرونده منعکس می باشد و هم چنین حسب تحقیقات بعمل آمده و اقرار بعضی از متهمین منجمله ابوالفضل بازرگان عضو شورای مرکزی و دفتر سیاسی نهضت آزادی یکی از عناصر شرکت کننده در این ملاقات ها <b>هدف از این ملاقات ها علاوه بر انتقال اطلاعات ، جلب حمایت و پشتیبانی یگانگان به منظور حصول هدف نهضت در زمینه تغییر حاکمیت و استقرار یک حکومت غیر دینی در ایران بوده است .</b></p>
<p>و بر همین اساس است که مشاور سابق امنیت ملی آمریکا تصریح می کند « من چگونه خوشحالی خود را نشان ندهم که در ایران موج تازه ای به پاشیده که مضمون است طومار حکومت اسلامی را به هم بیچند و حکومتی شبیه حکومت ایران زمان شاه بروی کار آورد. من در ایران روشنفکرانی را دیدم که اشارات مارادنیال می کنند. آنها شش لولی بالا برده اند تا هر کس و هر چه را با ما مانا سازگار است را هدف قرار دهند ، که هم گرابی این اعمال و سوق دادن جامعه به سوی اهداف مورد نظر کارشناسان آمریکایی را خوشنود نموده و در این رابطه اظهار می دارد : « سازمان سیا و دیگر سازمانهای مشابه آن در درجه اول در پوشش آزاس های مطبوعاتی عمل می کنند و در مقاطعی در شبلی و آنگول و گرانادا و نیکاراگوانیمی از تمام اعتبارات مربوط به برنامه های براندازی و ابرسیج خیری و روانی برای آماده سازی افکار عمومی در زمینه عملیات مورد نظر با خنثی کردن مخالف آنها اختصاص داده و برابر گزارش کمیته اطلاعات سنای آمریکا ، برای سرنگونی حکومت سسالودور آلنسنده بیش از نیمی از بودجه آن به تسلیحات و روانی علیه آئنده از راه انتشار اخبار و مقالات و تفسیر تحریک آمیز در خبرگزاریها و رادیو و تلویزیون ها و روزنامه ها و شعارها و شایعه پراکنی های گسترده خرج شده است .»</p>
<p><b>د ج ) ارتباط با گروه های معاند و ضد انقلاب .</b></p> <p>بموجب اسناد و مدارک مکشوفه و اقرار برخی از گردانندگان و اداره کنندگان تشکیلات موسوم به نهضت آزادی ایران در خلال سالهای اخیر ارتباطات و نشست های مختلفی با گروه های معاند و ضد انقلاب شناخته شده برقرار کرده اند نمونه های آن به قرار ذیل می باشد :</p>
<p>۱ - در سند مکشوفه از منزل منجم ابوالفضل بازرگان یک گزارش تشکیلاتی تحت عنوان میزان E از خارج کشور به مرکزیت</p>

دفتر مطبوعاتی و چاپ و نشر

تاریخ: ۱۳۸۱/۱/۱

شماره: ۱/۱/۳۱

پیوست: ۱

<p>تاریخ: ۸۳۱/۱۲/۲۶</p> <p>شماره: ۲۱/۸۱/۴۶</p> <p>پیوست</p>	<p>قوه قضائیه</p>  <p>دائرة انتخاب اسلامی</p>	<p>(ص ۱۷)</p> <p>***</p>
<p><b>دادنامه</b></p>		
<p>تشکیلات موسوم به نهضت آزادی ایران ارسال شده است که از برگزاری جلسات متعدد ضد انقلاب خارج کشور در زمینه براندازی نظام جمهوری اسلامی و ارتباط آنان با جریان های داخل منجمله نهضت آزادی حکایت می نماید در قسمتی از این سند آمده است: <b>و من حیث المجموع ایرانیان و سیاسیون خارجه مترصد رفتار و تلقی اپوزسیون داخل کشور در آستانه انتخابات ریاست جمهوری می باشند و بعضاً حاضر به بعضی از سرویس رسانی هاهم می باشند که در نوع خود دامری نو می باشد.</b></p>		
<p>۲- در سند دیگری که از منتهم ابوالفضل بازرگان کشف شده است نوع دیگری از ارتباطات و همکاری نهضت آزادی با گروه های معاند خارج از کشور در زمینه همکاری های مطبوعاتی منعکس شده است. در این سند آمده است: خدمت سرور محترم جناب آقای بزدی با تقدیم عرض سلام و آرزوی سلامتی و شادمانی برای جنابعالی و دوستان لازم دانستم گزارش کوتاهی از نحوه کارمیزان برایتان ارسال کنم. بازتاب و پژواک کاری و خبری میزان اروپا با وجود همه مشکلات که البته در حقیقت یک مشکل آن هم مشکل مالی می باشد. مال آن اخبار و بیانیه های نهضت رابه طور مرتب رأساً در اختیار اینستگاه رادبویی قرار می دهیم. این رادیوها در سراسر اروپا، آلمان، فرانسه، انگلستان و سوئد برای ایرانیهای مقیم و مهاجر و هم چنین بعضاً برای داخل کشور برنامه منظم دارند هم چنین در لیست دریافت کنندگان مرتب ۸ روزنامه و نشریه قرار دارند که نیمروز کیهان جزو پرتیراژترین روزنامه های خارج از کشور می باشند خصوصاً نیمروز که تاکنون ۹۸٪ مطالب ارسال را منعکس کرده است و در عین حال با چندی از اینها ماهه یک رابطه مبادله پای پای مطبوعاتی رسیده ایم (راه توده - کار و ...) به این معنی که آنها نیز مطالب خود را برای ما ارسال می کنند که بنده تاکنون اهم آنها را جهت اطلاع برایتان فاکس کرده ام و هم چنین تاکنون برای رادیو ۲۴ ساعته لس آنجلس مطالب را ارسال می کنیم.</p>		
<p>۳- در سند دست نوشته مشکوفه از منتهم محمد توسلی عضو شورای مرکزی نهضت آزادی و رئیس دفتر سیاسی این تشکیلات در جلسه ای با عناصر ضد انقلاب خارج از کشور که در جریان سفر به یکی از کشورهای اروپایی ابراهیم بزدی و محمد توسلی با احزاب سیاسی آن کشور ملاقات داشته و همچنین در کنفرانسهای متعدد شرکت کرده و در حاشیه کنفرانسها با ضد انقلاب ها و معتمدان به براندازی نظام جمهوری اسلامی ارتباط برقرار نموده که از جمله وابستگان به منافقین و گروهکهای راه کارگر و راه توده و فدائیان خلق اکثریت و سازمان سوسیالیستهای ایران و جبهه دمکراتیک مردمی ایران و اعضای شورای ملی مقاومت و جبهه ملی در این جلسات حضور داشته و با اعضای نهضت در خصوص نقش اپوزسیون داخل و خارج در جهت تسریع در روند تغییرات سیاسی مذاکره نمودند.</p>		
<p>بحکایت اسناد مورد اشاره و اسناد دیگری که در پرونده منعکس می باشد نهضت آزادی در برقراری ارتباط با گروهها و افراد</p>		
<p>تاریخ: ۸۳۱/۱۲/۲۶</p> <p>شماره: ۲۱/۸۱/۴۶</p> <p>پیوست</p>		
<p>چاپ روزنامه رسمی کشور فرم شماره ۵۴/۲۲۰/۱/۰۴۰ دفتر طرح و برنامه بوی</p>		

تاریخ ۱۳۸۱/۱۲/۲۶ شماره ۲۲۸۱/۱۴۱ پیوست دادنامه (ص ۱۸)  دارگاه انتصاب اسلامی

معاند نظام و تروریست و جنایتکاران خائن خارج نشین و در فرآیند تغییر نظام جمهوری اسلامی حول سه محور سازماندهی می نماید. اول **فعال کردن ضد انقلاب خارج کشور**، دوم **ایجاد هماهنگی بین گروهها و نیروهای مخالف نظام و مردم در داخل کشور**، سوم **برقراری ارتباط و پیوند بین گروههای معاند در داخل و خارج کشور**، منتهم محمد توسلی در افرا بر مندرج در پرونده اهداف این ملاقات ها را پیوند و همگرایی و اشتراک مشی و هماهنگ سازی فعالیت ها و پشتیبانی متقابل گروههای معاند اعلام می نماید.

**د، تشکیل ائتلاف موسوم به ملی - مذهبی**

همزمان با برگزاری انتخابات دوره ششم مجلس شورای اسلامی، مجموعه ای از جریانها و اشخاص شناخته شده و بعضاً دارای سوابق متعدد محکومیت طولی المدت به ارتکاب جرائم علیه امنیت کشور یا محرومیت نهضت آزادی و به بهانه انتخابات تشکیل می گردد. سازمان، فعالیت ها، شرح وظایف، نمودار سازمانی، اهداف و شعارها، منشور و ميثاق این ائتلاف در پرونده متهمین منعکس است مضافاً سوابق و دیدگاههای گروهها و افراد تشکیل دهنده این تشکل نیز در متن ادعای نامه بیان شده است این تشکلات ظاهراً بجهت انتخابات دوره ششم مجلس شورای اسلامی تشکیل اماعلاماً تا زمان دستگیری اعضاء، فعالیت مستمر خود را ادامه می داده است. دیدگاههای فکری و اعتقادی این جریان در منشور همبستگی و هم چنین نوشته ای تحت عنوان ميثاق نیروهای ملی - مذهبی مطرح شده است. در بند دوم از منشور همبستگی این نیروها بر فراری حاکمیت ملی و مردمی دموکراتیک در مقابل نظام جمهوری اسلامی مطرح و در بند پنجم از اصول اعتقادی - نظری ميثاق نیروهای ملی - مذهبی نیز به جدایی دین از حکومت اشاره دارد.

متهم ابوالفضل بازرگان در خصوص نقش نهضت آزادی در تدوین ميثاق نیروهای ملی - مذهبی در بازجویی مورخ ۱۳۸۰/۲/۲۷ خود اظهار می دارد **یکی از شروط نهضت برای مشارکت در ائتلاف این بود که ائتلاف فقط متشکل از گروههای سیاسی باشد و شروط دیگری نیز توسط نهضت و گروههای دیگر مطرح شد و سرانجام ضوابط ائتلاف بعنوان ميثاق بین نیروهای ملی - مذهبی مشخص و تدوین گردید**، منتهم خسرو منصوریان در بازجویی مورخ ۱۳۸۰/۱/۲۲ اظهار می دارد **ائتلاف در وهله اول به تبیین و تدوین ميثاق همکاری بین اعضاء پرداخت تا مشخص و معین باشد که درجه چارچوبی و درجه سطوح و مواردی مجاز یا محدود به حرکت و عمل هستیم**، وی در بازجویی مورخ ۱۳۸۰/۵/۲۳ خود اظهار می دارد **نهضت پیشنهاد تدوین و تهیه نوشته فوق الذکر را به دیگر اعضای ائتلاف ملی - مذهبی ارائه و به احتمال قریب به یقین پیشگام تهیه پیش نویس مزبور جهت طرح در جلسه ائتلاف و طرح**





**قوة قضائيه**

(ص ۲۰)

\* \* \* \* \*

**دادنامه**

دارگاه تعویب اسولی

تاریخ: ۷۳۸ / ۲ / ۲۴

شماره: ۳۲۸ / ۱ / ۴۱

پیوست:

<p><b>عزوفت گذاری عبث این هزاران میلیون عزادار. امام در تفکر شیعه معنادارد، این شیعه ایرانی است که امام دارد و امامش هم عین پادشاه است هیچ عربی اینقدر در تکریم امام حسین (علیه السلام) اغراق نمی کند امام حسین (علیه السلام) همان سیاوش است.</b></p> <p>علیهذا بیاگرش به آنچه که دریند دوم از منشور همبستگی نیروهای ملی - مذهبی و دریند پنجم از اصول اعتقادی نظری میثاق نیروهای ملی - مذهبی آمده است تقابل جریان سیاسی فوق بانظام جمهوری اسلامی آشکار می شود.</p> <p><b>د ه) عملیات تبلیغات سیاه (تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی) :</b></p> <p>تشکیلات موسوم به نهضت آزادی ایران در خلال فعالیت های گذشته خود مرتباً با انتشار بیانه ها و اطلاعیه های حاوی عناوین مجرمانه و مطالب کذب و خلاف واقع محوردیگری از سراندازی و قروباشی به شیوه نوین راعهده دار شده و اجرانموده است. بسیاری از این بیانه ها بانام نهضت آزادی ایران و بعضی دیگر بانام ائتلاف ملی - مذهبی که نهضت آزادی از ارکان محوری و تعیین کننده آن بوده است و بعضی دیگر با عناوین واسامی مسئولین این گروه منفرداً منتشر شده است.</p> <p>منهم ابوالفضل یازگان در خصوص نقش نهضت آزادی در تدوین بیانه های بانام ائتلاف ملی - مذهبی دریا جزوی مورخ ۱۳۸۰/۲/۷ خرداظهار می دارد : <b>د یک ضابطه مهم این بود که فقط اقداماتی رامی توان تحت نام ائتلاف انجام داد یافقط مطالبی رامی توان تحت این نام بیان کرد که مورد اتفاق واجتماع اعضای ائتلاف باشد. حتی شورای هماهنگی حق نداشت که مستقلاً اقدام یابیانه ای را تصویب کند بلکه هر پیشنهاد می بایستی توسط اعضای شورای هماهنگی که نمایندگان گروه های ائتلافی بودند در گروه ها مطرح می شد و در صورتی که مورد موافقت همه گروه ها قرار می گرفت تصویب شده تلقی می گردید. به عبارت دیگر هر گروهی حق و توداشت در واقع نام ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی یک نام مشاع بود که هیچ عضو ائتلاف حق استفاده از آن را به تنهایی نداشت.</b></p> <p>بانگرش به مطالب فوق و ملاحظه بیانه ها و اطلاعیه های متعددی که در مجموعه اسناد کشف شده از این تشکیلات بدست آمده و در صفحات مختلف پرونده های متهمین منعکس می باشد همگی حکایت از انجام عملیات روانی تبلیغات علیه نظام جمهوری اسلامی ایران دارد عمده ترین محورهای این عملیات در بیانه های صادره عبارتند از:</p>
--

رواشت  
تقریبی  
دفتر دادگاه شعبه بیست و یکم اقلیای تهران

چاپ روزنامه رسمی کشور  
فرم شماره ۵۴/۲۲۰/۱/۱۰۴۰ دفتر طرح و برنامه ریزی

**۱) تضعیف ارکان حاکمیت نظام:**

گروه نهضت آزادی در بیانیه شماره ۱۷۴۰ مورخ ۷۹/۱۱/۲۳ بمناسبت دهه مبارکه فجر و سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی چنین آورده است: «اینک با گذشت ۲۲ سال از انقلاب مردمی با سرکوب آزادی‌ها و تعطیلی روزنامه‌ها و مجلات و بهره‌برداری یکسویه نهادهای تبلیغاتی، نقض بی‌طرفی قوه قضائیه و تهدید و خشونت و ترور و روشنفکران از سوی گروه‌های خشن و تمامیت‌خواه روبرو هستند، و یاد نام‌های موسوم به نامه ۹۰ امضایی در مورخ اردی بهشت سال ۱۳۶۹ که توسط اعضای شورای مرکزی گروه نهضت آزادی و سایر رهبری گسرها خطاب به رئیس جمهور وقت نوشته شده است آمده: «۵۵ سال حکومت مطلقه انحصار و اختناق و انحراف، امروزه در شرایطی زندگی می‌کنیم که از نظر اقتصادی و گران‌بای تعاضدی معیشت و غارت سرسام آوریک اقلیت وابسته به حاکمیت از یک طرف و محرومیت و تسکناهای کمتر شدن اکثریت از طرف دیگر، اختلافات طبقاتی و جدایی و کینه ورزی رابه جداعلی رسانده است و ... ایران در بدترین انزوای تاریخی قرار گرفته و تنه‌بند نامی و بی اعتباری بین‌المللی نصیبمان شده است، وهم چنین در بیانیه شماره ۱۶۰۳ مورخ ۱۳۷۶/۲/۲۷ این گروه آمده است: «متأسفانه هیچ مقام و مرجعی برای دادخواهی مردم وجود ندارد و مردم آگاه خود با انحصارگران مقابله و اعتراض و حشاشان را مطالبه کنند، سرکوب، ناراضی‌ها و معارضان موجب حذف اعتراض نخواهد شد بلکه جامعه رابه سوی انفجار خواهد برد، و یاد در بیانیه شماره ۱۵۸۶/۱ مورخ ۱۳۷۵/۱۱/۲۰ آمده است: «نهضت آزادی با عملکرد حاکمیت کنونی مخالف است و با آن مبارزه می‌کند و می‌کوشد که آن را اصلاح نماید یا تغییر دهد. حاکمیت کنونی از نظر فرهنگی و دینی از تجاعی و واپسگرا و از نظر سیاسی انحصار طلب و تمامیت خواه و از نظر اقتصادی بر نامه هایش ناقص و نادرست و در عمل و اجرا مأموران و مدبرانی بر سر کار گذاشتند که تنها هنرشان تعبد کورکورانه از مقامات است.»

و یاد در بیانیه مورخ ۲۱ دیماه ۱۳۷۸ تحت عنوان شکست تمامیت خواهان قطعی است آمده است: «صاحبان زر و زور و تزویر که مسیر انقلاب شکوهمند ایران را از خواسته‌ها و شعارهای اولیه و فراگیر آن منحرف کرده‌اند و با حداکثر توان خویش باروند جدید اصلاحات مقابله می‌کنند، وهم چنین

پیوست  
 شماره پرونده: ۵۴/۲۲۰/۱۰۰۰۰۰۰۰  
 دفتر طرح و برنامه بزرگ

(ص ۲۲)  
\*\*\*\*\*

**قوه قضائیه**  
  
دائرة انتداب اسلامی

تاریخ: ۷۸ / ۲ / ۲۶  
شماره: ۳۱ / ۸ / ۱۳  
پیوست

دادنامه

<p>دربینانه شماره ۴ ائتلاف ملی - مذهبی مورخ ۷۸/۱۱/۲۰ آمده است: «انقلاب بزرگ مردم ایران که حامل آرمانهایی همچون آزادی، استقلال، عدالت، خودباوری، کرامت انسان و ممنوعیت بود باغلبه و حاکمیت یک طیف خاص به انحراف رفت، و دراطلاعیه مورخ ۷۹/۹/۳۰ می نویسد: «در ایران انحصار و استبداد به دوری خواسته های مردم که مطالباتشان در انقلاب متبلور شده بود انجامید و بدین ترتیب انقلاب استتعاله شد و یکی از نشانه های این امر برخورد های خشونت آمیز و غیر انسانی و غیر اسلامی نظام با همه طیفهای مخالف بود، و در بینانه شماره ۱۴۲۲ مورخ ۷۰/۲/۴ آمده است: «وجه دیگر سیاست خارجی دولت عملکرد تعارض و تناقض درونی و فلج کننده بوده و از کادری اجرایی توانمندی برای تحقق اهداف دولت برخوردار نیست، و در ادامه آمده: «بعد از پیروزی انقلاب و به تدریج شرایط سیاسی حاکم بر کشور از مسیرواصولی تعیین شده در قانون اساسی تغییر یافت و حقوق و آزادیهای مردم در آن نادیده گرفته شد و تنها گروههای وابسته به جناح حاکمیت از آن حقوق برخوردارند». نهضت آزادی در مقاله با عنوان چه باید کرد؟ در مورخ سال ۶۴ می نویسد: «معتقدم به تغییر حاکمیت حاضر بوده و تغییر حکومت یا سقوط رژیم دوره کار دارد: ۱- راه کار قانونی (سیستم پارلمانی) ۲- راه کار غیر قانونی (کودتا و قیام) و نهضت فعال راه کار قانونی را انتخاب کرده و شروع به فعالیت نموده و در اولین مرحله ولایت فقیه و رهبری نظام را نشانده گرفته است، و هم چنین در بینانه ۱۵۹۷ مورخ ۷۶/۲/۹ آورده است: «بعد از انقلاب صرفاً افراد و مسئولان عوض شده و هیچگونه تعویض بنیادی و ساختاری به وجود نیامد بلکه از جهاتی بدتر از نظام پادشاهی گردیده است، و مادر بینانه ای در مورخ ۷۸/۱۱/۲۰ می نویسد: «سلاح ضد مردمی و غیر قانونی کنترل و تصفیه سیاسی تحت نام استصواب مجلس آینده را از بهره گیری توان کارشناسی و باصلاحیت افراد مبارز و با سابقه ملی مذهبی محروم کرد، و در بینانه ۱۷۴۱ مورخ ۷۹/۱۲/۹ آمده است: «عملکرد جانبدارانه قوه قضائیه و گسترش بی عدالتی قضایی در دوران اخیر، مطالبات یکصد سال گذشته مردم در انقلاب مشروطیت یعنی درخواست عدالتخانه را مجدداً برای بسیاری از مردم بطور جدی مطرح ساخته است.»</p>
<p><b>(۲) تشویش اذهان عمومی با نشر اکاذیب و تهمت و توهین و افترا نسبت به مسئولین نظام:</b></p>

شماره: ۵۴/۲۲۰/۱/۱۰۴۰ دفتر طرح و برنامه ریزی

تاریخ: ۲۶ / ۲ / ۱۳۸۱	قوه قضائیه	(ص ۲۳)
شماره: ۲۶		*****
پیوست	دارگاه انتظامی اسلای	دادنامه
<p>مستولان و اعضای شورای مرکزی نهضت آزادی به‌همراه سایر اعضای ملی - مذهبی در اطلاعیه‌ای تحت عنوان بازداشت‌ها و دادگاه‌های زنجیره‌ای بی اثر است به نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی پرداخته و چنین آورده است:</p> <p><b>«ما شاهد برخوردهای شدیداً تبعیض آمیز قوه قضائیه با روشنفکران و ... هستیم و در همین حال خبرها و شنیده‌های ناگواری از وضعیت اسفناک برخی رفتارها و فشارها و برخوردهای جسمی و جنسی نسبت به بعضی از زندانیان به گوش می‌رسد که هرچند در پیشینه و پرونده تمامیت خواهان مدعی ارزشمندی و مستکر همیشگی وجود شکنجه و بدرفتاری در بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها امری سابقه‌ای نیست اما استفاده از این اهرم‌ها علیه دانشجویان و روزنامه نگارانی که جز فرآورده‌های سخن و قلمشان یا رنگ‌آه اقدامی را بزم تمامیت خواهان پر دوش ندارند، مایه شرمساری ابدی است و بسیار بی‌بانه شماره ۱۷۳۴ مورخ ۲۸/۷/۷۹ نهضت آزادی آمده است «رفتارهای خلاف قانون، اخلاق و انسانیت بازندان سیاسی و اعمال شکنجه‌های جسمی و جنسی و روحی یادآور اعمال شوم دادگاه‌های تفتیش عقاید کلیسای قرون وسطایی است» و یاد در جریان حادثه کوی دانشگاه تهران در مورخ ۱۸/۴/۷۸ طی اطلاعیه‌ای به تحریک دانشجویان پرداخته و تحت عنوان نباید خون دانشجویان پایمال شود آمده است: «این حادثه پایه زمین ریخته شدن خون تعدادی از دانشجویان و زخمی شدن تعداد بیشماری از آنان همراه بود و هم چنین نهضت در بیانیه شماره ۱۷۲۲ مورخ ۱۳۷۹/۴/۱۵ در خصوص فاجعه کوی دانشگاه می‌نویسد: «در این حادثه بیش از ۱۵۰۰ تن از دانشجویان فعال که اغلب حتی در تظاهرات و تحصن محدود کوی دانشگاه در تهران و تبریز حضور نداشته‌اند بازداشت و در شرایط سختی نگهداری و مورد بازجویی قرار گرفتند و جمعی از آنها بدون هیچ‌گونه دلیل موجهی به زندانهای طولانی ۳ تا ۹ سال محکوم شدند» و در بیانیه دیگری به شماره ۱۷۲۵ مورخ ۱۳۷۹/۵/۲ چنین آورده‌اند: «در این حمله قریب چند صد نفر دانشجویی که در هیچ یک از تظاهرات تهران و تبریز شرکت نداشتند و مخالفین آشوب بودند بدون برخورداری از حقوق مدنی و قانونی محاکمه و به زندانهای طولانی مدت محکوم شدند».</b></p> <p>و یاد در بیانیه شماره ۱۵۶۲ مورخ ۲۹/۲/۷۵ این گروه آورده است: «بخشی از مردم به دلیل بمباران تبلیغاتی حاکمیت، فشار فتاوی یا احکام شرعی، هراس از اخراج از مؤسسات دولتی یا عدم پذیرش در دانشگاه یا قطع کوبن ارزاق عمومی، بدون اعتقاد قلبی و تنها به جهت مهور شدن شناسنامه</p>		
<p>دو نوبت تقریبی تعدادی</p>		

قوه قضائیه  دارگاه نقشب اسلامی	(ص ۲۴) * * * * *	دادنامه تاریخ: ۱۳۸۱ / ۲ / ۲۶ شماره: ۴۱ / ۸۱ / ۱۴ پیوست:
<p>در انتخابات شرکت کردند اما چون آزادی آنها واقعاً مخدوش شده بود در عمل با آراء شان عدم موافقت خود را با سیاستهای حاکمیت و شورای نگهبان اعلام نمودند. هم چنین طی بیانیه شماره ۲۶۸۹/الف مورخ ۶۸/۶/۹ چنین آمده: «وضع دادگستری بسیار اسفناک، رقت بار و در هم ریخته توصیف می شود. قوه قضائیه و دادگاههای متنوع ویژه و غیر ویژه آن، فقهای شورای نگهبان، صداوسیما، روزنامه و نشریات غوغاسالار و گروههای فشار و عناصر قانون شکن بطور آشکارویی پراخ خود را منتسب به مقام رهبری می نمایند و برخی از مصاحبه ها و مذاکرات چنین تصوراتی را در اذهان مردم تقویت می کنند.»</p>		
<p><b>(۳) القاء ناکارآمدی نظام و ایجاد یأس و ناامیدی در مردم:</b></p>		
<p>گروه نهفت آزادی در محور دیگری از تبلیغات سیاه به القاء ناکارآمدی نظام و ایجاد یأس و ناامیدی در مردم پرداخته و در بیانیه شماره ۱۴۵۹ مورخ ۱۳۷۳/۳/۲۹ چنین آورده: «با کمال تأسف باید اذعان کرد که طی ۱۴-۱۳ هجری قمری و انتخابات که صورت گرفته روز به روز شاهد افت کیفیت و کیفیت انتخاباتی بوده ایم و عدم امنیت شرکت کنندگان ناواسته به حکومت یا غیر موافق آن را روز به روز بصورت نمایشی تر و تصنعی تر در آورده است و هم چنین در بیانیه شماره ۱۵۴۲ مورخ ۱۳۷۴/۱۰/۲۱ آورده است و سرخوردگی مردم ریشه در رویدادهای بعد از انقلاب دارد از یک طرف حاکمیت انحصاری طبقه ای تحت نام خدا، دین، انقلاب، مستضعفان، سرکوبی هر نوع اعتراض و انتقاد و جلوگیری از طرح هر نوع فکر و اندیشه جدید و مستقل و از طرف دیگر پیامدهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی طی ۱۶ سال گذشته سبب شده است که یأس و ناامیدی به تدریج جایگزین شور و نشاط سیاسی گردد و در بیانیه شماره ۱۷۴۰ مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۲۳ چنین آمده است: «در شرایطی که اقتدار گرایان با بهره گیری از ساختارهای نامرئی قدرت به اصلاحات پشت پامی زنند و دایره انحصاری خودی و غیر خودی به شدت تنگ می شود و با دانشجو و صاحب خرد و دانش به ستیز بر می خیزند، جامعه هر چه بیشتر به سمت بسته شدن پیش می رود و واکنش طبیعی چنین وضعی، عدم احساس مسئولیت در جوانان، توسعه انواع آسیبها و انحرافات اجتماعی، دین گریزی، بی اعتمادی نسبت به دین و پنداران، خودسانسوری، فساد ویسی عدالتی است،</p>		
در وقت دفتر شماره ۵۴/۲۲۰/۱۱۰۴۰ فرم شماره ۵۴/۲۲۰/۱۱۰۴۰ دفتر طرح و برنامه ریزی		

قوه قضائیه  دارگاه انجمن اسلامی .....	(ص ۲۵) * * * * *	تاریخ ۱۳۸۷/۷/۲۶ شماره ۳۱۴۱ پیوست	دادنامه
<p>ودربیانیه شماره ۱۵۱۰ مورخ ۱۳۷۴/۳/۲۲ نیزچنین آمده‌است «حتی کسانی که آماده بودند درحمام خون جنگ ایران و عراق جان فشانی کنند اکنون بطور عمیقی از حکومت ناراضی هستند.»</p> <p>مسئولین این گروه بائتلاف باگروه‌های ملی - مذهبی بمناسبت آغازسال نوتحصیلی دانشگاه درمورخ ۷۹/۷/۲ می نویسد: «جریان تمامیت طلب بانمایش دندانه‌های تیز درحوادث کوی دانشگاه تهران وحادثه خرم آباد ازیک سو بامرعوب ساختن وبه رخوت کشاندن جنبش نوپای دانشجویی وریشش نیروهای آن راطلب وازسوی دیگرفعالان راازمرحله کنونی مبارزه مایوس و دلزده ساخته وبه تندروی بکشاند.»</p>			
<b>۴- نفی باورها و ارزشهای انقلاب اسلامی:</b>			
<p>نهضت آزادی درادامه سیاست تبلیغات روانی خود علیه نظام بانفی باورها وحمله به ارزشهای نظام اسلامی قصدبراندازی نظام به روش آرام و تدریجی راداشته ودربیانیه های مختلفی به آنها اشاره کرده‌است ازجمله دربیانیه شماره ۱۵۸۰ مورخ ۱۳۷۵/۱۲/۲ چنین آورده‌است: «ما چیزی بنام اقتصاد اسلامی، هنر اسلامی، حکومت اسلامی درمتون اولیه واصل دینی نداریم، شرایط ومناسبات کنونی جهانی تغییر پیدا کرده‌است، راه‌های گذشته امر و زکار ساز نیستند، بنابراین مسلمانها باید راه‌های جدید پیدا کنند و گروه نهضت آزادی درقسمتی ازقطعنامه کنگره نهم خود پیرامون اسلام فقهانی آورده‌است: «تبدیل اسلام اعلی‌اصیل به اسلام فقهانی نوعی تخصیص وبدعت دین واقربه خدای عزیز وحکیم است که جایگزین شدن تشیع صفوی بجای تشیع علوی رابخاطر می آورد نهضت معتقد است ریشه بسیاری ازمشکلات کنونی جامعه ماناشی ازحاکمیت معتقدان به اسلام فقهانی است و وسایر کرده‌این گروه ابراهیم یزدی می گوید: «جامعه ولایتی، انحصارگرمستبد است و ارزشی برای توده‌ها قائل نیست و درقسمتی دیگر می گوید: «چون دین و سیاست از هم جدا بند، حکومت دینی هم غلط است و باعبدالعلی بازرگان ازاغضای شورای مرکزی نهضت درسخرانی خود چنین می گوید: نظرات شخصی متولیان مذهبی وبدعت‌گذاری های آنان منشاء گمراهی مردم است این بخاطر پیروی رهبران دینی از هوس و هوس است و نهضت آزادی درخصوص ولایت فقیه بنابر توصیه مهدی بازرگان که درمورخ ۱۳۶۶/۱۲/۲۵ طی نامه‌ای خطاب به ابراهیم یزدی نوشته‌اقدام به تهب جزوه تفصیلی دراین خصوص می نماید متن نامه</p>			
تهران، روزنامه رسمی کشور چاپ روزنامه رسمی کشور فرم شماره ۰۴۰/۱۱۰۴۲۳۲۰۵۴ دفتر طرح و برنامه ریزی			

**قوة قضائیه**

(ص ۲۶)

\* \* \* \* \*

دادنامه

دارگاه انتظامی اسلامی

تاریخ: ۱۳۸۱ / ۲ / ۲۶  
شماره: ۳۱ / ۸۱ / ۱۴  
پیوست:

بازرگان بدین شرح می باشد:

**جناب آقای یزدی ، به دنبال جلسه الحمدا... موفق دیروز سخنرانی فکری کتم اگر زحمت  
واقبول کنید جالب و مفید خواهد بود ، نشریه یا مقاله ای تحت عنوان ولایت افلاطونی یا ولایت  
فقیه افلاطونی تهیه فرمائید که هم مبانی و سوابق تاریخی و فکری ولایت فقیه چه از نظر جنبه  
فقهی و ذاتی چه از جنبه فلسفی و سیاسی و هم از جنبه ریشه های یونانی بنه این ولایت را بنویسد ،  
مهدی بازرگان**

بهین منظور در جزوه مذکور چنین آورده است : « ولایت مطلقه فقیه از دید قرآن بی اساس و در حکم  
شرک است ، ولایت مطلقه فقیه یک اصل یا نظر به فقهی سیاسی بدیعی می باشد که از اصالت  
و اعتبار کالی برخوردار نبوده ، نه در قرآن آیه ای آنرا اعلام یا تأیید می نماید و نه در سند رسول  
خدا ( صلی الله و علیه و آله ) سابقه ای و تجربه ای برای آن می توان یافت بلکه شدیداً نفی می  
کنند و علاوه مشروعیت قانونی نیز نداشته و به آرمانهای انقلاب و ملت خیانت شده است .  
و از نظر اجتماعی و سیاسی ولایت مطلقه فقیه چیزی جز خودکامگی یا استبداد دینی و دولتی  
نبوده موجب محو آزادی و شخصیت و استقلال می گردد ، همین گروه در نامه ای به ریاست مجلس  
خبرگان در مورخ ۱۳۷۶ / ۱۰ / ۲۵ می نویسد : « نهضت آزادی ولایت فقیه را فاقد قانونیت و مشروعیت  
می داند ، و نهضت در خصوص حضرت امام راحل با انتشار نامه سرگشاده با عنوان هشدار می نویسد : « در چهارم  
نشستن و جز در مورد پیر و ان خاص به هیچ سؤال و اظهار نظر یا استغاثه مردم جواب ندادن  
و چیزی جز آنچه خواسته و عقیده شخصی است تکفن و اطاعت و اجرا از همه خواستن ،  
آیا شیوه پیامبر ( صلی الله و علیه و آله ) و علی ( علیه السلام ) مطابقت دارد ؟ و ابراهیم یزدی در جلسه  
پرسش و پاسخ مورخ ۷۶ / ۸ / ۲۵ بالحنی اهانت آمیز به ولایت فقیه می گوید : « آن آقای که گفت ولایت مطلقه  
فقیه می تواند حتی توحید را هم تعطیل کند ... آخر پدر من تو این چاهی است که خود کنده ای  
تو آخر مرد حساسی مقامت که از توحید بالاتر نیست ، این گوساله ای که برده ای بالای پشت بام  
گاو شدی ، حالا دیگر نمی توانی پائین بیاوری ، اینستادگی ملت ایران در هشت سال دفاع مقدس با اهداء جان

توسلی  
فرمانده انتظامی  
دارگاه انتظامی اسلامی



<b>قوة قضائیه</b>  دارگاه انقوب اسلامی	(ص ۲۷) * * * * *	تاریخ ۱۳۸۱/۲۲/۲۶ شماره ۲۸۱/۱۴۱ پیوست
<b>دادنامه</b>		
<p>عزیزترین فرزندانش و پاسداری از مین اسلامی درحالی بود که مدعیان مذهب و ملیت مثل گروه نهضت آزادی نه تنها هیچ هم‌راهی در این آزمون تاریخی نکردند بلکه نقش ستون پنجم دشمن را برعهده داشتند و در جهت تخریب روحیه رزمندگان و خانواده‌های شهدا حرکت و شعارهای اساسی نظام و عملشان را در خط بیگانه و خلاف شعار انقلاب دانسته و طالب ارتباط با بیگانه بودند.</p> <p>گروه نهضت آزادی هم چنین در خصوص هشت سال دفاع مقدس که برگ زرینی در تاریخ حیات پرافتخار ملت ایران است به تبلیغات روانی پرداخته و در هشدارنامه و بیانیه های مختلف می نویسد: <b>« اداره کنندگان این جنگ هستند که بیشترین خسارات مالی و انسانی را به ایران وارد و باید به تسل های کنونی و آینده پاسخگو باشند و علی رغم هشدار و تحلیل مادر باره پیامدهای ادامه جنگ ولی معلوم نیست چه کسانی و یا چه تحلیلهایی توانستند رهبرانقلاب و گردانندگان کشور را نسبت به ادامه جنگ قانع کنند که نتیجه آن ائتلاف بیشتر منابع ارزنده ملت و عدم دریافت غرامت و زیانهای دیگری بوده و اگر قرار باشد مردم تا آخرین نفر و تا آخرین منزل مقاومت کنند دیگر چیزی باقی نخواهد ماند. اگر مقاومت تا آن حد باشد که نه نفری و نه منزلی برجاماند آ یا صحیح تر نیست عنوان مقاومت تا پیروزی، به مقاومت تا نابودی تغییر یابد تا هم مصداق پیدا کند و هم اینکه خیال مردم راحت شود که باید آنقدر مقاومت کنند تا نابود شوند»</b> این گروه شعار جنگ جنگ تا پیروزی را جنگ جنگ تا نابودی و گفته انگیزترین شعارها دانسته و آن را به مسابقه مرگ و ویرانی تلقی و شعار جنگ جنگ تا پیروزی را جنگ جنگ تا نابودی اعلام می نماید و می گوید <b>جنگی را که امام خمینی ره شروع کرده خود باید تمام کند.</b></p> <p style="text-align: center;"><b>« و استحاله و براندازی »</b></p> <p>هدف نهایی گروه موسوم به نهضت آزادی استحاله نظام و براندازی حکومت دینی بوده که از طرق اشاره شده آن رادنیال و در بیانیه ها و سخنرانیهای مختلف به صراحت این هدف را بیان نموده اند. بعنوان نمونه در بیانیه شماره ۱۵۸۶/۱ مورخ ۱۳۷۵/۱۱/۲۰ درباره تغییر حاکمیت و حکومت اسلامی می نویسد: <b>« نهضت آزادی ایران با عملکرد حاکمیت کنونی مخالف است و با آن مبارزه می کند و می کوشد که آن را اصلاح نماید یا تغییر دهد»</b> و در بیانیه شماره ۱۴۵۱ مورخ ۱۳۷۱/۵/۲۸ آورده است: <b>« جمهوری اسلامی بدانند که هر زمان و هر کشوری که صاحبان قدرت و حکومت جلوی مبارزات سیاسی و پارلمانی را بگیرند ناگزیر پراهمای خطرناکی و مغرب براندازی را می گشایند»</b> گروه نهضت در بیانیه شماره ۱۵۲۲ مورخ ۱۳۷۴/۱۰/۲۱ می گوید:</p>		
رونوشت تهرانی شورای عالی امنیت ملی دبیرخانه هیئت عالی امنیت ملی		
چاپ روزنامه رسمی کشور فرم شماره ۵۴/۲۲۰۱۱۰۴۰ دفتر طرح و برنامه ریزی		

تاریخ ۲۶ / ۱۲ / ۱۳۸۱	قوه قضائیه	(ص ۲۸)
شماره ۲۱۸۱ / ۱۴۱		*****
پیوست	دارگاه انتظامی	دادنامه
<p>د بی تفاوتی نوعی واکنش منفی است که فقط گرایشهای مردم رانشان می دهد هر قدر مردم درک و شعور سیاسی داشته باشند و در کوچ و خیابان و محافل در بسته باصراحت باطن اعتراض و حتی انزجار خود را از وضعیت نابسامان اقتصادی و سیاسی نشان دهند ، تازمانی که این نارضایتی ها به یک حرکت سیاسی جهت دار تبدیل نشود هیچ حاصلی نخواهد داشت و منجر به تغییر ساختار حاکمیت نخواهد شد ، و در سبانه شماره ۱۲۹۶ مورخ ۷۴/۲/۱۱ آورده است : و فشارهای اقتصادی که حکومت بر طبقات محروم روا داشته آنها را از پای درمی آورد واکنش طبیعی مردم به این فشارها ایجاد شور و شهنوا آرامی های خود جوش اجتماعی است ، هم چنین در سبانه ۱۵۷۵ مورخ ۱۳۷۵/۹/۶ عنوان می نماید : و نظام سیاسی هیچ کشوری ایستانیست این تصور نادرستی است که بعضی ها دارند و معتقد هستند مصون از هر نوع تغییر و تحول هستند ما امید داریم تغییر و تحول را بپذیرند و از طریق مبارزات مردمی اینطور بشود ، و در سبانه شماره ۱۶۰۶ مورخ ۱۳۷۶/۲/۲۷ چنین آمده است : و اگر امروز صدای اعتراض مردم در برابر انحصار طلبی و خودکامگی حاکمان نظام شنیده نشود مردم ناگزیر خواهند شد که برای رساندن پیام خود تا پشت دیوار خانه ها و کاخهای آنان پیش بروند و آن زمان صدای اعتراض مردم را در حالی خواهند شنید که بسیار دیر است ، این گروه در قسمتی از قطعنامه کنگره منتم آورده است : و باید برای مردم جایفتند که اگر رژیمی رفت کدام گروه یا حزب جانشین خواهد شد و بدین عنصر جایگزینی نمی توان اقدام به براندازی حاکمیت فعلی نموده نهضت می باید بعنوان جایگزین عمل نماید و به مردم شناخته شود ، منتم خسرو منصوریان در جلسه پرسش و پاسخ اظهار می دارد : و حاکمیت خودکامه باید بداند آنهایی که به روی مردم سلاح کشیدند و آنها را مجروح کردند نمی توانند پایداری بمانند ، پیام ما این است که تا آخرین قطره خون برای احقاق حق خود مبارزه می کنیم ، و منتم ستواری عبدالعلی بازرگان در سخنرانی خود می گوید : و مایک موقع هست که انتقاد داریم به این حکومت و یک موقع است که انتقاد می کنیم که این حکومت بد است مابه مرحله اول نیاز نداریم ، آنچه نیازمند آن هستیم نیازمند براندازی است ، هم چنین ابراهیم یزدی سرکرده این گروه در سخنرانی خود در تاریخ ۱۳۶۶/۲/۲۴ می گوید : و ماهنوز در حال انقلاب هستیم و پیروزی انقلاب را چشم انتظاریم چرا که تمام قرائن و شواهد نشان می دهد که امیدوار باشیم و بدانیم که این رژیم از بین می رود ، و دی</p>		
رواشت گورکزی		برایر پد اصلی نیست
چاپ روزنامه رسمی کشور فرم شماره ۵۴/۲۲۰/۱۱۰۴۰ دفتر طرح و برنامه بوی		

تاریخ ۱۳۸۱/۲۲/۲۶	شماره ۲۱,۸۱,۱۴۱	پیوست	<p>قوه قضائیه</p>  <p>دارگاه انطباق اصولی</p>	(ص ۲۹) * * * *	دادنامه
<p>درمصححه بانشریه ضدانقلابی نیم وزمی گوید: « مامعتقد به یک مبارزه سیاسی وقانونی وعلنی برای تغییر حکومت هستیم » نامبرده درسختراستی مورخ ۱۳۷۳/۸/۲۷ درآمریکای گوید: « اکثریت ایرانی هاخواستارسرتگونی رژیم ملاحابوده وخواهان جدائی دین ازحکومت می باشندوبرای اولین باردرتاریخ ایران پس ازاسلام هیبت واعتبار روحانیون ازین رفته است » وهم چنین درمصححه ای باعنوان جدائی دین ازدولت می گوید: « ماجیزی بنام حکومت اسلامی نداریم وبه حکومت دمکراتیک معتقدیم »</p> <p>مسئولین گروه نهضت آزادی بهمهراه سایر نیروهای ملی گزادراطلاعه ای درمورخ ۱۳۷۹/۱۰/۳ می گوید: « ماازفعالان سیاسی وفکری ومطبوعاتی جنبش دانشجویی وآحاد مردم بویژه جوانان طرفداررونداصلاحات وجنبش نوین مسالمت آمیزوآزادیخواه می خواهیم ضمن اعتراض به روند بازداشتهای زنجیره ای اخیر باامید وبشکاک ، مصمم وبیگیر به حرکت خودادامه دهند. تشکیل جلسات ونشستهای سخنرانی ، بحث وگفتگو ، حفظ وگسترش ازتباطات ، ارتقاء فکری وسیاسی خود موضعگیری سیاسی وعملی دربرابرحوادث مهم کشور ، نقد برخورددهای تسلیم طلبانه برخی اصلاح طلبان باحوادث جاری ودفاع ازوضع موجود ودربیش گرفتن استراتژی مقاومت فعال وپیشروی درجهت اهداف اصلاح طلبانه مورد حمایت اکثریت مردم همگی دراین مرحله می توانند گامی درجهت رشدروند دموکراتیزاسیون درجامعه ایران باشد ، وهم چنین درادامه آمده است: « مردم باید به مرحله فشاراجتماعی وتحصن وراهپیمائی واعتصاب وتعطیل کردن کاروکسب بپردازند ودانشکده هاراتعطیل کنند ومقاومت راآرام آرام به سطح جامعه بپروند » یکی ازعناصرفعال گروه ائتلاف ملی - مذهبی درمورخ ۷۹/۱۰/۱ می گوید: « اقدام قهر آمیزومسلحانه یک روش مؤثرولی نه بعنوان استراتژی می باشد واشکالی ازمقاومت مسلحانه بعنوان یک پدیده فرعی می تواند کمک کند به ایجاد فضای مناسب برای مقاومت ، دراین روش تردیدی نیست ، گاه گذاری حتی ترورهم توانسته ، امانه بعنوان یک استراتژی ، حالا مقاومت مسلحانه یک چیزفرااترازتروراست چون مقاومت سازمان یافته می تواند استمراربیشتری داشته باشد ، وقتی که قهر وسرکوب اوج می گیرد درکنارمقاومت توده وسیع ، اشکالی ازمقاومت مسلحانه هم شکل گرفته است . »</p>					
<p>دولت تجزیه و تحلیل بوابر یا اصلی نیست</p>					

**قوة قضائیه**

(ص ۳۰)

❀ ❀ ❀ ❀

**دادنامه**

دادگاه انتقوب اسلامی

تاریخ: ۲۶ / ۱۲ / ۱۳۸۱

شماره: ۱۴ / ۸۱ / ۲۱

پیوست: ۱

<p>لذا این گروه با جعل مفاهیم وواژه هایی مثل استراتژی مقاومت فعال وناقرمانی مدنی ومقاومت مدنی وطرح ادعای انسداد سیاسی وتوسعه تضاد وروی گردانی اجتماعی وسوق دادن نظام اسلامی به سمت براندازی این اقدامات رادردستورکارخود قرارمی دهد وبه صراحت تأکید می کنند که مردم باید به مرحله فشاراجتماعی وتحصن وراهپیمایی واعتصاب وتعطیل کردن کابروکسپ بپردازند ودانشکده هارامتعطیل کنند ومقاومت وآرام آرام به سطح جامعه بپیوند ودرادامه چنین ارزیابی می گردد که این واکنش های عمومی وپروژه اعتراضات ونارضایتی هاوفشارنیروهای مخالف ، حکومت را قدم به قدم ازخاکریزه هایش واداره عقب نشینی کرده وسپس مخالفین را به پیروزی نهائی می رساند.</p> <p>درمجموع آنچه براساس اسنادومدارک واقعاتیرمهمان پسرورنده نهضت آزادی بدست آمده وبه اثبات رسیده بآردیگرمرتأییدی است برشهادت تاریخی وجاودان پنهانگذارحکیم روشن ضمیرجمهوری اسلامی حضرت امام خمینی " ره " در مورخ ۶۶/۱۱/۳۰ که درباره این گروه باصطلاح نهضت آزادی فرمودند : <b>نهضت باصطلاح آزادی طرفدارجدی وابستگی کشورایران به آمریکااست ودراین باره ازهیچ کوششی فرودگذارنکرده است وبرحسب اموربسیاردیگرصلاحیت درهیچ امری ازاموردولتی باقانونگذاری یاقضای رانداردوضرر آنها به اعتباراینکه متظاهر به اسلام هستند وسالین حربه جوانان عزیز ما منصرف خواهند کرد واز ضررگروه های دیگر حتی منافقین ، این فرزندان عزیز مهندس بزرگان بیشتر وبالا تراست . نتیجه آنکه نهضت آزادی وافراد آن چون موجب گمراهی بسیاری از کسانی که بی اطلاع از مقاصد شوم آنان هستند می گردند ، باید با آنها برخورد قاطعانه شود ونیاید رسمیت داشته باشند و هم چنین فرمایشات شمع فروزان انقلاب اسلامی مقام معظم رهبری در مورد فعالیت این گروه ومستولین آنها ... : <b>امروز هر نفسی وحجره ای که برای ناامید کردن مردم بدهد ، در اختیار دشمن است ، چه خودش بداند یا نداند ، هر قلمی که کلمه ای برای مایوس کردن روی کاغذ بیاورد متعلق به دشمن است ، اغلب خبرهای تبلیغاتی این گروه های دشمن زهر آگین است وبرای این تنظیم می کنند که مردم رامایوس کنند وآینده را تیره و تار جلوه دهند وهمه عقاید سازنده اسلامی رامورد تهاجم قرار داده اند و اگر بتوانند ازین بپروند وگرنه روی محتویاتش کارکنند . چقدر خطامی کند کسانی که به اسم روشنفکری وتجدد طلبی عقاید سازنده رابدون اطلاع مورد تردید وتشکیک قرارمی دهند ، اینها همان راکه دشمن می خواهد راحت انجام می دهند ، بدون تردید روی مفاهیمی از این انقلاب وفرهنگ این مردم که برای آنها منشا</b></b></p>
--

روایت برای یا اصلی

دفتر دادگاه شمع بیست و یک

چاپ روزنامه رسمی کشور

فرم شماره ۴۰/۲۲۰۱۱۰۴۰ دفتر طرح و برنامه ریزی

(ص ۳۱)  
\* \* \* \* \*

**قوه قضائیه**  
  
داگاه و نقاب اسلامی

تاریخ: ۱۳۸۱/۱۲/۲۶  
شماره:  
پیوست: ۲۱/۸۱/۱۴

دادنامه

اصلی مشکلات محسوب می شود کاری کنند. انقلاب اسلامی افتخاراتش این بوده که نفوذ و دست وریشه آمریکا و بندوبستهای آمریکارادراین کشورازین برسد ، البته این عده که دراول کار برمسند حکومت دراین کشورنشسته بودند و دل درگرو آمریکا داشتند می خواستند نگذارند، ویکسال ازانقلاب اسلامی نگذشته بود که همان آقایان طرح گفتگوی آمریکارادراجزایریختند ، انسان وقتی ازاین جورافراد نام اصلاح و آزادی می شنود حق دارد بدین شود آن کسانی که پس ازیک چنین انقلاب باشکوهی که لبه تیزاین انقلاب علیه سلطه آمریکا بود می خواستند بانداییرگوناگون آمریکایی هارا که ازدررفته بودند از پنجره برگردانند. و کشورهم چنان وابسته به آمریکا بشود. این آدمها حالادم از آزادی و دم از اصلاح می زنند و کسانی که از تفاله ها و از مز دوران رژیم گذشته به آنها کمک می شود هر آدم هوشمندی حق دارد نگران شود و سوء ظن پیدا کند ، هم چنین معظم له در مورخ ۷۹/۱۲/۹ در جمع دانشجویان فرمودند : « در محافل خودشان نشستند و گفتند مامی خواهیم براندازی قانونی کنیم ، چیز عجیبی است ماجزری به اسم براندازی قانونی نمی شناسیم ، هر حرکت و تلاشی که به قصد براندازی صورت گیرد ، شروع به محاربه است ، حکم محارب هم در اسلام معلوم است .»

**علیهذا :** با عنایت به مراتب فوق و مجموع اقدامات و عملکرد تشکیلات موسوم به نهضت آزادی در اقداماتی مانند ارتباط با بیگانگان و گروههای ضد انقلاب و سازماندهی افراد و اشخاص معاند ، اقدام در جهت توسعه تضاد و نفی ارزشهای انقلاب اسلامی و تلاش برای استتعاله و تغییر حاکمیت و براندازی نظام به روش نوین و هم چنین بانوجه به اینکه :

**اولاً :** نهضت آزادی ایران در ایجاد و توسعه تشکیلات خود بشرحی که در قسمت های پیشین دادنامه نوشته شده است علیرغم وجود و حاکمیت قانون احزاب مصوب سال ۱۳۶۰ هیچگونه مجوزی جهت انجام فعالیت خود دریافت نکرده و مجموعه این فعالیتها و اقدامات توسط یک تشکیلات غیرقانونی صورت پذیرفته است.

**ثانیاً :** با عنایت به فرمان صریح حضرت امام خمینی " ره " بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در مورخ ۱۳۶۶/۱۱/۳۰ مبنی بر طرفداری جدی نهضت آزادی از وابستگی کشور به بیگانگان و خلاف مصلحت بودن فعالیت این گروه و اینکه بموجب ماده یک قانون نحوه آزار و یاد حضرت امام خمینی " رضوانا... تعالی علیه " مصوب ۶۸/۸/۱۴ اصالت و اعتبارنامه مذکور برای این دادگاه محرز و مسلم است.

**ثالثاً :** با عنایت باینکه به تصریح و تصدیق سرکرده و دیگر گردانندگان تشکیلات نهضت آزادی هدف این گروه نفی

**قوة قضائيه**

( ص ۳۲ )

❁ ❁ ❁ ❁

**دادنامه**

دارگاه انتوب اسولى

تاریخ: ۲۶ / ۲ / ۱۳۸۱ شمارة پیوست: ۱۴۱ / ۸۱ / ۲۱

وتغییر حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بوده و به انحاء مختلف نیز تلاش خود را معطوف به تحقق هدف براندازی فوق نموده است.

**رایباً:** با عنایت به اینکه استمرار فعالیت های این تشکیلات غیر قانونی صرفاً بعنوان محمل و وسیله ای جهت اعمال مجرمانه اقدام علیه امنیت کشور می باشد.

**خامساً:** با عنایت به ماده ۱۵ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی که در موارد مشابه تعیین تکلیف این قبیل امورها از وظایف دادگاه بشمار می آید.

**سادساً:** با عنایت به تکلیف و اختیارات دادگاه در حفظ نظم و مسراعات مصلحت اجتماع در قبایل تخلف از مقررات و نظامات حکومتی که در ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی به نمونه های تمثیلی آن اشاره شده است.

**سابعاً:** با عنایت به اینکه بموجب صورتجلسات دادگاه بعضی از متهمین پرونده مضموناً و کراراً اعلام نموده اند صرف وجود تشکیلات نهضت آزادی رابه قانونی بودن آن حمل نموده و فی الواقع وجود این تشکیلات زمینه ارتکاب اعمال مجرمانه آنان را فراهم نموده است. من حیث المجموع و با عنایت موارد هفت گانه فوق و مواد قانونی مرقوم در این بندها دادگاه: **با احراز غیر قانونی بودن تشکیلات موسوم به نهضت آزادی ایران حکم به انحلال این تشکیلات و کلیه تشکلهای وابسته و تحت پوشش آنها از جمله انجمن اسلامی مهندسین، بنیاد فرهنگی بازرگان، جمعیت توسعه فرهنگی تبریز - جمعیت تلاشگران روشنفکر و دفتر پژوهشهای محک درز تاجان را صادر و اعلام می نماید** و در خصوص آن بخش از مدافعان بعضی از متهمین با وکلای مدافع آنان مضموناً مبنی بر اینکه اتخاذ تصمیم در مورد تشکیلات نهضت آزادی بایستی بر اساس تشریفات ماده ۱۷ قانون احزاب مصوب ۱۳۶۰ صورت پذیرد. با اعتقاد دادگاه نظریه اینکه به صراحت مواد متعدد همان قانون منجمله مواد ۱۶ و ۱۷، اعمال مقررات مذکور مربوط به تشکیلاتی است که بموجب همان قانون مبادرت به اخذ پروانه فعالیت نموده باشد و بابه تعبیر دیگر اعمال این تشریفات مربوط به تشکیلاتی است که بر اساس مجوز همان قانون متولد شده باشد بنابراین هرگونه تشکیلی که خارج از ضوابط و مقررات حاکم به آن قانون ایجاد شده باشد اساساً از شمول قانون مذکور خروج موضوعی دارد.

**● قسمت دوم: ●**

**اتخاذ تصمیم در خصوص موارد اتهامی اعضای گروه موسوم به نهضت آزادی و تشکلهای وابسته:**

با عنایت به محتویات و مندرجات پرونده و گردش کار تنظیمی و همچنین موارد ذکر شده در قسمت اول دادنامه اصداری و با توجه به اینکه حسب ادله و مدارک موجود اعم از اطلاعیه و بیانیه های صادره و دستنوشته و صورتجلسات مکشوفه

دو نوبت  
تاریخ: ۱۳۸۱ / ۲ / ۲۶

چاپ روزنامه رسمی کشور فرم شماره ۰۴/۲۳۰۱/۱۰۴۰ دفتر طرح و برنامه ریزی

تاریخ: ۱۳۸۱/۱۲/۲۶	قوة قضائیه	(ص ۳۳)
شماره: ۳۱۴۱/۸۹		***
پیوست	دارگاه انتداب اسلامی	دادنامه
<p>و افرا بر صریح منعکس در پرونده (تعداد ۲۱ نفر از متهمین از اعضای شورای مرکزی و اداره کنندگان تشکیلات مذکور تعداد ۲۴ نفر عضو فعالین بنفع گروه‌های فوق الذکر و تشکلهای وابسته) بشمار می‌آیند و بانگش به اهداف نهضت آزادی و ائتلاف موسوم به ملی مذهبی و تشکلهای تحت پوشش وابسته که اقدام علیه امنیت کشور و ضدیت بانظام می‌باشد. و رعایت میزان فعالیت هر یک از متهمین در این گروه‌ها متناسب تأثیر آنها لذا <b>به ترتیب متهمین ردیف اول الی بیست و یکم همگی متهمند به: مشارکت در اداره گروه نهضت آزادی و تشکلهای وابسته و تحت پوشش باهدف اقدام علیه امنیت کشور</b> ضدیت باآن و نفی حکومت اسلامی مبنی بر برای مردم از طریق:</p> <p><b>الف - ائتلاف با گروه‌ها و نیروهای معتقد به براندازی نظام جمهوری اسلامی موسوم به ائتلاف نیروهای ملی و مذهبی در تحکیم مبارزه واحد با حکومت اسلامی.</b></p> <p><b>ب - برقراری ارتباط با بیگانگان اعم از احزاب و سفرا و کارداران کشورهای خارجی بمنظور کسب حمایت و پشتیبانی این کشورها در مبارزه علیه جمهوری اسلامی همراه با ارائه محورها و شیوه های مدنظر برای تغییر حکومت و در اختیار قراردادن اطلاعات مربوط به اوضاع کشور به بیگانگان.</b></p> <p><b>ج - شرکت در گرد همانی و کنفرانسهایی برگذار شده توسط گروههای معاند در خارج از کشور و برقراری ارتباط و ملاقات با عناصر و وابستگان گروههای ضد انقلاب و معاند با ملت و نظام مثل کمونیستها، راه کارگر، چریکی فدائی خلق، راه توده، شورای ملی مقاومت و منافقین که مشی مسلحانه و دیراندازی نظام جمهوری اسلامی دنبال و در کارنامه تروریستی خود بر زمین ریختن خون آحاد ملت و مسئولین بلند پایه نظام رانیت کرده‌اند. بجهت ایجاد پیوند و همگرایی و اشتراک مشی و هماهنگ سازی فعالیتها و پشتیبانی متقابل در مبارزه بانظام جمهوری اسلامی.</b></p> <p><b>د - مخدوش کردن و برهم زدن وحدت و انسجام ملی که شاکله بنیادین امنیت ملی کشور را تشکیل می‌دهد. با نقض بندی و دوگانگی و ایجاد شکاف در جامعه بین گروهها و جناحهای مختلف و رویاروی قرار دادن آنها و حلقه واژه‌هایی مثل محافظه کار، خشونت طلب، استبداد سیاسی، رویگردانی اجتماعی، مقاومت فعال، مقاومت مدنی، نافرمانی اجتماعی و نافرمانی مدنی و توسعه تضاد و غیره و تلاش برای نفوذ در ارکان حاکمیت جهت انجام مبارزه بانظام از درون و نیز نفوذ در دانشگاهها و دستجات دانشجویی برای رادیکال نمودن مطالبات آنان و دعوت به تحصن و اعتصاب و تجمع و تحریک احساسات آنها و درگیری و خشونت در جامعه و ایجاد جنبش های اجتماعی و تشکیلات تحت پوشش و رویارویی آنها با حاکمیت و حکومت دینی و فراهم سازی شرایط مناسب برای اقدامات فحش و مسلمانانه جهت براندازی نظام مبتنی بر رأی ملت.</b></p>		
<p>برای پوزیت فرم شماره ۵۲/۲۲۲۰/۱/۱۰۴۰ دفتر طرح و برنامه ریزی چاپ روزنامه رسمی کشور</p>		

تاریخ: ۱۳۸۱/۲/۲۶	قوه قضائیه	(ص ۳۴)
شماره: ۲۱/۸۱/۴۱		***
پست	دارگاه انتهای اسلامی	دادنامه
<b>ومتهمین ردیف بیست و دوم الی چهل و پنجم متهمند به:</b>		
<b>مشارکت در عضویت گروه نهضت آزادی و ائتلاف موسوم به ملی مذهبی و تشکلهای وابسته ،</b>		
و تحت پوشش این گروهها موضوع ماده ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی که اهداف و خط مشی این گروهها اقدام علیه امنیت کشور و ضدیت بانظام و نفی حکومت دینی بوده و بطور مبسوط در فوق مطرح شده و در راستای اهداف و خط مشی فوق متهمین مذکور با شناخت از این اهداف به تأیید و تصدیق مواضع آنها پرداخته و حمایت و همراهی نمودند.		
<b>مضافاً تمامی اشخاص یادشده متهمند به : تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی و فعالیت بنفع</b>		
<b>گروهها و سازمانهای مخالف و معاند آن</b> از طریق تهیه و توزیع بیانیه و اطلاعیه و انجام سخنرانی و مصاحبه بنام نهضت آزادی و ائتلاف ملی مذهبی و با عنوان گروهی از فعالان سیاسی با قید نام متهمین حاضر ، حاوی عنایین و مطالب خلاف و تبلیغات منفی و موهن و ارائه تصویر ترش و مخدوش از نظام جمهوری اسلامی و ایجاد پاس و ناامیدی و بندبندی در مردم نسبت به ارکان نظام و تشویش اذهان و طرح اظهارات کذب و شبهه افکنی و ترزول دریاورهای دینی و نفی ولایت فقیه و غیره بمنظور مخالفت بانظام جمهوری اسلامی و همچنین اتهام دیگر متهم ردیف دوم « <b>هاشم صبغیان</b> » دایره نگهداری ادوات جنگی غیر مجاز ( ۲۴ نفر فشنگ کلت کمربندی ) و اتهام دیگر متهم ردیف چهاردهم « <b>مصطفی مسکین</b> » دایره توهین به امام راحل و مقام معظم رهبری و اتهام دیگر متهم ردیف هیجدهم « <b>احمد صدر حاج سید جوادی</b> » دایره نگهداری سی و چهار گرم تریاک و ادوات استعمال پنج حقه و افروغ و اعتیاد به آن و اتهام دیگر متهم ردیف دهم « <b>محمد هادی هادی زاده یزدی</b> » دایره توهین به رهبر کبیر انقلاب حضرت امام * ره .		
و اتهام دیگر متهم ردیف سی و پنجم « <b>سید حامد علوی</b> » دایره نگهداری حدود ۱۵ گرم تریاک و توهین به امام راحل و اتهام دیگر متهمین ردیف های بیست و سوم و یازدهم و چهل و یکم آقایان : « <b>مر تضی اشفاق و محمد حسین بنی اسدی و فضل الله صلواتی</b> » دایره نگهداری و جمع آوری اطلاعات طبقه بندی شده از جمله نامه خیلی محرمانه وزارت اطلاعات به ریاست جمهوری ، و گزارش سازمان بازرسی در رابطه با وضعیت گمرک جمهوری اسلامی ایران.		
<b>علیهذا دادگاه:</b>		
<b>۱ - آقای محمد توسلی حجتی</b> : فرزند رضا دارای سابقه کیفری ارتکاب جرایم بر ضد امنیت کشور ، از اعضای فعال و مؤثر شورای مرکزی نهضت آزادی و دارای مسئولیت در ارکان مختلف از جمله رئیس دفتر سیاسی که از مهم ترین ارکان تشکیلاتی این گروه بوده و وظایف آن تحقیق درباره مسائل و جریانات موضوعه و اتخاذ تصمیم و ارتباط با گروهها		
رونوشت قضایی در دادگاه قوه قضائیه و یک نسخه از آن به دفتر محترم تقدیم		
برای پراکنش و تبلیغ نهضت		
چاپ روزنامه رسمی کشور فرم شماره ۱/۱۰۴۰-۵۴/۲۲۴۰ دفتر طرح و برنامه ریزی		



تاریخ ۱۳۸۱ / ۲۲ / ۲۶	شماره ۲۱ / ۸۱ / ۱۴۱	پیوست	<p>داده‌نامه</p> <p>دائرة انقلاب اسلامی</p> <p>قوة قضائیه</p> <p>(ص ۳۵)</p> <p>***</p>
<p>شخصیت‌ها و تهیه و تحصیل بیانیه و اطلاعیه و تدوین و سیاست گذاری کلی گروه می باشد. همچنین عضویت سه نفره تصمیم گیرنده نهضت در مسائل مهم و فوری و نماینده نهضت در شورای فعالان ائتلاف ملی مذهبی و نماینده آن در ارتباط با بیگانگان و گروههای ضدانقلاب و معاند خارج نشین ، و عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی مهندسين و جمعیت دفاع از آزادی و جمعیت تلاشگران آزادی و عضو بنیاد فرهنگی بازگان از گروههای وابسته به نهضت آزادی با توجه پذیرش کلیه مسئولیت و فعالیتهای خود در این گروه و ائتلاف ملی مذهبی از جمله تهیه و تنظیم اطلاعیه ، بیانیه ، مصاحبه و سخنرانی و تهیه و تنظیم و ویرایش ميثاق نامه که توسط نهضت پیشنهاد شده و جمعی از فعالان شورای ائتلاف تدوین و در دفتر سیاسی ویرایش شده و مدعی است که فرصت کافی برای مطالعه نداشته و نمی توانسته آن را تغییر دهد.</p> <p>و نیز برقراری ارتباط با بیگانگان را یک آموزش و تمرین سیاسی دانسته و آن را یک امر عادی تلقی و بیامانات یا گروههای ضد انقلاب و معاند در جهت جذب این عناصر و اتخاذ راه کارهای مشترک در مبارزه با حکومت دینی بوده و تغییر تدریجی آن را از افتخارات خود و نهضت می داند و می گوید مابه میزازه علنی و آرام نیاز داریم و باید نظام را استحاله کنیم. فلذا بزه کاری نامبرده و امینی برالف - شرکت در اداره گروه غیر قانونی نهضت آزادی و ائتلاف موسوم به ملی مذهبی و تشکلهای وابسته با هدف اقدام به برهم زدن امنیت کشور و ضدیت با نظام. ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت بفتح گروههای مخالف را محرز و مسلم و عملش را منطبق با مواد ۴۹۸ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و بارعایت مقررات تکرار و تعدد درج موضوع مواد ۴۷ و ۴۸ قانون مذکور به تحمل هشت سال حبس بجرم اداره گروههای فوق الذکر و تحمل یکسال حبس بجرم تبلیغ علیه نظام محکوم می نماید.</p> <p>۲- « هاشم صباغیان » : فرزند نقی دارای سابقه کثیری از تکاب جرایم بر ضد امنیت کشور از اعضای فعال و مؤثر شورای مرکزی و دفتر سیاسی و مسئول شعبه ارتباطات و هیأت دوری و تشکیلات و مسئول هیئت اجرایی گروه نهضت آزادی از گروههای وابسته به نهضت آزادی ضمن قبول کلیه مسئولیت و فعالیت و اقدامات فردی و گروهی انجام شده اظهار می دارد دیکته نانوشته غلط ندارد و بی به اشکال مختلف مردم را تحریک به انجام اقداماتی علیه نظام اسلامی از جمله شرکت در تحصن و اعصاب و تجمع و بخصوص دانشجو یانده و بیه عدم حضور در سر کلاس بعنوان جانشین کلری که می توانند در مقابل حکومت بکنند تشویق می کند ( از جمله اظهاراتش در دانشگاه مشهد ) نامبرده ابراد این قبیل اظهارات را یک امر اشتباه و خطا دانسته و اعلام کرده مسئولیت آن را می پذیرد. ضمن اینکه نامبرده استحاله انقلاب را راهکاری کاربردی برای تغییر نظام</p>			
<p>روز شنبه فرمانروایی</p> <p>چاپ روزنامه رسمی کشور فرم شماره ۵۴/۲۲۰/۱۱۰۴۰ دفتر طرح و برنامه بفری</p>			

(۳۶)

<p>معرفی کرده و برای نفوذ در حاکمیت تلاش کرده و در ملاقات با بیگانگان با اهداف ذکر شده در فوق شرکت کرده است وی به لحاظ اینکه اعتقاد به ولایت فقیه نداشته در جهت تضعیف و نفی آن اقدام و در مخالفت با جنگ تحمیلی بارها عنوان داشته جنگی را که خمینی "ره" شروع کرده باید خود تمام کند و جوابگو باشد نامبرده نقش فعالی در تبیین اهداف براندازانه نظام جمهوری اسلامی ابقاء در ارتباط با نگهداری سلاح و مهمات جنگی غیرمجاز ضمن قبول آن مدعی شده اینها از گذشته باقی مانده و اسلحه در اختیار ارتحول مقامات داده ولی رسیدی اخذ نکرده که ارائه نماید. بنابراین بزه کاری نامبرده را الف - شرکت در اداره گروه غیر قانونی نهضت آزادی و ائتلاف موسوم به ملی مذهبی با هدف اقدام علیه امنیت کشور و ضدیت بانظام ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروههای مخالف آن ج - نگهداری ادوات و مهمات سلاح جنگی و کلت کمبری غیرمجاز محرز و مسلم و عملش را منطبق با مواد ۴۹۸ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی و ماده ۲ و ۳ قانون تشدید مجازات نگهداری سلاح و مهمات فاجاق ، دانسته و بار عایت مقررات تکرار و تعدد جرم موضوع مواد ۳۸ و ۴۷ قانون مذکور به تحمل شش سال حبس بجرم اداره گروه فوق الذکر. و تحمل یکسال حبس بجرم تبلیغ علیه نظام و تحمل سه سال حبس بجرم نگهداری ادوات و مهمات جنگی محکوم و ادوات جنگی مکشوفه بنفع دولت ضبط می گردد.</p>
<p><b>۳- « خسرو منصوریان » :</b> فرزند علی دارای سابقه کیفری ارتکاب جرایم برضد امنیت کشور از اعضای فعال مؤثر در شورای مرکزی و دفتر سیاسی و مسئول کمیته ارتباطات و تحقیقات گروه نهضت آزادی و نماینده این گروه در ائتلاف با اصطلاح ملی - مذهبی دارای دو فقره سابقه کیفری جرائم برضد امنیت کشور با قبول مسئولیت کلیه اقدامات فردی و گروهی انجام شده با عنوان اینکه نهضت جهت نیل به اهداف خود با گروههای مخالف که دارای هویت شناسنامه ای بودند ائتلاف نموده و میثاقی را ندوین که چارچوب فعالیت آن را مشخص می کرد تا همگرای لازم بین این گروهها برای تحقق میثاقی که همانا نفی حاکمیت دینی و تغییر آن به حکومت غیر دینی بوده بوجود آید. منتهم بعنوان نماینده این گروه در ملاقات با بیگانگان در جهت جلب حمایت و پشتیبانی از اهداف گروه نهضت و ائتلاف شرکت و به منظور برقراری پیوند بین نیروهای معاند در داخل و خارج کشور با عناصری از گروههای ضد انقلاب نقش مؤثری را ایفا نموده است وی در یک سخنرانی به مناسبت فاجعه ۱۸ تیر سال ۱۳۷۸ می گوید : حاکمیت خودکامه ( جمهوری اسلامی ) بدانند آنهايي که سلاح بر روی مردم کشیده اند نمی توانند پایدار بمانند پیام ما این است تا آخرین قطره خون مبارزه می کنیم. لذا بزه کاری نامبرده را الف - اداره گروه غیر قانونی نهضت آزادی و ائتلاف ملی مذهبی و تشکلهای وابسته با هدف برهم زدن امنیت کشور و ضدیت بانظام ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروههای مخالف آن محرز و مسلم و عملش را منطبق با مواد ۴۹۸ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و بار عایت مقررات تعدد و تکرار جرم موضوع مواد ۴۷ و ۴۸ همین قانون به تحمل هفت سال حبس بجرم اداره گروههای مذکور با هدف اقدام علیه امنیت کشور و تحمل یکسال حبس بجرم تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروههای مخالف آن محکوم می نماید.</p>

(۳۷)

<p><b>۴- و ابوالفضل بازرگان :</b> فرزند ابوالقاسم اراغی‌های فعال و مؤثر در شورای مرکزی و دفتر سیاسی و مسئول هیأت اجرایی و کمیته آموزش و پژوهش و مالی گروه نهضت آزادی و نماینده این گروه در برقراری و شرکت در ملاقات‌های انجام شده با بیگانگان و عضوانجمن اسلامی مهندسین و جمعیت تلاشگران آزادی اراغی‌های وابسته به نهضت با قبول کلیه مسئولیت‌ها و اقدامات فردی و گروهی انجام شده خود با اذعان به اینکه خط مشی نهضت بر پایه جداسازی دین از سیاست و تغییر حکومت دینی به غیر آن بوده ضمن تأیید میثاق نامه تهیه شده توسط نهضت عنوان داشت بر اساس آن میثاق نامه کلیه گروه‌های معتقد به این خط مشی تحت پوشش ائتلاف درآمده و آن را ایجاد هماهنگی بین گروه‌های مخالف و ایجاد نیروی قوی تر برای مبارزه با حکومت دانسته است. منعم ، نهضت آزادی را از ارکان ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی معرفی و کلیه اطلاعیه‌های صادره حاوی مطالب مومن و ترسیم کننده چهره زشت از نظام اسلامی دانسته و ضمن تأیید دستورالعمل حفاظتی و امنیتی در این گروه اختفاء اوراق و اسناد مربوط به فعالیت های گروهی را در سایه همسر خود از مواد این دستورالعمل حفاظتی می داند و صورت جلسات ملاقات با بیگانگان از جمله سفرهای کشورهای خارجی که با دستخط وی تنظیم شده و حاوی مطالب اعلام وضعیت کشور و ارکان قدرت در نظام از جمله رهبری و ریاست جمهوری و تشدید اختلافات بین جناحهای سیاسی و موقعیت آنها و ارائه اطلاعاتی در رابطه با وزارت اطلاعات و سپاه و ... را تأیید و ارتباط با گروه‌های ضد انقلاب و راناشی برای هماهنگ سازی کلیه نیروهای معتقد به تغییر حاکمیت دینی داخل کشور و برقراری پیوند با گروه‌های ضد انقلاب خارج از کشور از طریق ملاقات با عناصر این گروه‌ها و نیز بدست آوردن حمایت و پشتیبانی بیگانگان از تلاشهای فوق در جهت اهداف نهضت می داند. لذا بزه کاری نامبرده را الف - اداره گروه غیر قانونی نهضت آزادی و ائتلاف ملی مذهبی و تشکلهای وابسته ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت بینه گروه‌های مخالف آن محرز و مسلم و عملش را منطبق با مواد ۲۹۸ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و با رعایت مقررات متعدد جرم موضوع ماده ۲۷ همین قانون بجرم اداره گروه مذکوره تحمل شش سال حبس و بجرم تبلیغ علیه نظام به تحمل یکسال حبس محکوم می نماید.</p>
<p><b>۵- و محمود تعیم پور :</b> فرزند جواد دارای سابقه کثیری ارتکاب جرائم برضد امنیت کشور از اعضای فعال و مؤثر در شورای مرکزی و مسئول کمیته تشکیلات تهران و کمیته شهرستانها و خارج کشور در رئیس هیأت اجرایی و آرشو گروه نهضت آزادی و عضو انجمن اسلامی مهندسین اراغی‌های وابسته به نهضت آزادی دارای سابقه کثیری ارتکاب جرائم برضد امنیت کشور با قبول مسئولیت گروهی و فردی خود در این گروه از جمله اختفاء اسناد و بدبختی پنهانکاری های مسئولین گروه مذکور در برابر اعضا، مردم ، آن را با احتیاط استنباه نهضت تلقی و با قبول برقراری ارتباط نهضت با بیگانگان و ضد انقلابیون خارج از کشور آن به صلاح ندانسته و مفاد بیانیه اطلاعیه های صادره و اظهار نظر های افراد را خلاف واقعیت و تحت تأثیر جوسازی های موجود می داند. بنابراین بزه ارتکابی نامبرده را الف - اداره گروه غیر قانونی نهضت آزادی</p>

(۳۸)

و ائتلاف ملی مذهبی و تشکلهای وابسته باهدف اقدام علیه امنیت نظام و ضدیت با آن ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروههای مخالف آن محروزمسلم و عملتن رامتظن بامواد ۴۹۸ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و بارعایت مقررات تکرار و تعدد جرم موضوع ماده ۴۸ و ۴۷ همین قانون ، نامبرده را بجرم اداره گروههای مذکوره تحمل پنج سال حبس و بجرم تبلیغ علیه نظام به تحمل هشت ماه حبس محکوم می نماید.

**۶- غفار فرزندی** : فرزند عبدالحسین از اعضای فعال و مؤثر در شورای مرکزی و مسئول شاخه تبریز گروه نهضت آزادی و مسئول واحد تشکیلات این گروه در تبریز و تشکیل و اداره کننده جمعیت توسعه فرهنگی و جلسات موسوم به سه شنبه ها وابسته به گروه نهضت آزادی با پذیرش اقدامات و مسئولیتهائی که در قالب گروه نهضت و ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی انجام شده ، فعالیت در این گروه و ابانگیزه مبارزه در راه حق و امر به معروف دانسته و معتمد است در اطلاعیه و بیانیه های صادره معیارهای انسانی و اسلامی رعایت نشده و خلاف واقع مطرح و آنهایی که مشتمل بر نشر اکاذیب و تحریک و تشویب اذهان عمومی به ویژه دربارہ دانشگاهها بوده از اشتباهات این گروههاست که نهضت به آن دامن زده و همچنین از بنیاد بایگانگان و معاندین نظام از خطاهائی بوده که صورت گرفته است و وکیل مدافع منعم این اعمال را توضیح و ضرورت غفلت از اینکه بجای انتقاد از حاکمیت ، نظام را نشانه گرفته اند عنوان نموده است. لذا بزه ارتكابی نامبرده را الف - اداره گروه غیر قانونی نهضت آزادی و ائتلاف ملی مذهبی و تشکلهای وابسته باهدف اقدام علیه امنیت کشور ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروههای مخالف آن محروزمسلم و عملتن رامتظن بامواد ۴۹۸ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و بارعایت مقررات تعدد جرم موضوع ماده ۴۷ قانون مذکور و بجرم اداره گروههای فوق الذکر به تحمل پنج سال حبس و بجرم تبلیغ علیه نظام به تحمل یکسال حبس محکوم می نماید.

**۷- احمد میر محمد رضایی** : فرزند اکبر از اعضای مؤثر و فعال در شورای مرکزی و مسئول شاخه زنجان گروه نهضت آزادی و تشکیل و اداره کننده جمعیت تلاشگران روشنفکر و دفتر پژوهشهای اجتماعی ( محک ) از گروههای وابسته به نهضت آزادی بانبول مسئولیت کلیه فعالیت خود در این گروهها و تشکلهای وابسته اعلام داشت نهضت در عملکردش دارای اشتباه بوده و افراط می کرده و مطالب خلاف واقع را در جلسات و سخنرانی ها و بیانیه ها مطرح و بانگاهی یکسویه به نظام و مسئولان آن چهره ای خشن و مخدوش و موهن از نظام تصویر نموده و تحریک مردم به ایجاد درگیری و آشوب در جامعه می برداخته که این امور ناشی از تفکر تشکیلاتی بوده است. وی به نظر حضرت امام "ره" در باره نامشروع بودن فعالیت نهضت و مخالف کمیسیون ماده ۱۰ احزاب به غیر قانونی بودن فعالیت آن اشاره و گفت : گردانندگان نهضت در صدد بودند ملاتانهای بی مسئولان سرگزار تا فعالیت خود را قانونی جلوه دهند و اینکه تغییر حکومت دینی از انگیزه های

(۳۹)

مستمر آنها و دیگر گروه‌های همفکر با آن بوده و آن را اختیارات به دیگر اعضای مردم تلقی نموده است و از دیگر خیریه‌های مسئولان نهضت ارتباط با گروه‌های معاند بمنظور ایجاد پیوند بین فعالان داخلی و خارج کشور در مبارزه بانظام مقدس جمهوری اسلامی و ارتباط با بیگانگان در جهت کسب حمایت و پشتیبانی از اهداف آنها می‌باشد. متهم اظهار می‌دارد چون گردانندگان نهضت به حکومت غیردینی معتقد بودند برای رسیدن به این هدف، آسان‌ترین راه را کنار گذاشتن ولایت فقیه می‌دانستند و معتقد بودند که این هدف با کارهای فرهنگی و تبلیغی محقق شدنی است. نامبرده ایجاد بدبینی در جامعه و نسبت به مسئولان و امور دانا اشاره فرار داده و اعلام داشته نهضت بلافاصله پس از سر زهر واقعه کوچک یا بزرگی با صدور اطلاعیه و انجام مصاحبه به تشدید اختلافات می‌پرداخته از جمله آن طرح کذب اعلام کشته شدن دانشجویان در جریان ۱۸ تیرماه سال ۱۳۷۸ و تشویق به تجمع و تحصن و درگیری و تضعیف روحیه مردم بوده است. وی از اینکه خود در انجام اعمال فوق سهمی بوده ابراز ندامت و پشیمانی می‌نماید. وکیل متهم نیز اظهار داشت با توجه به اعترافات موکلم، متأسفم از آنچه که فکرمی کردم این گروه عملی به نفع نظام دارد، در حالی که اعمال آن مصداق فعالیت علیه نظام بوده است. بنابراین بزه ارتكابی نامبرده را الف - اداره گروه غیرقانونی نهضت آزادی و ائتلاف ملی مذهبی و تشکل‌های وابسته با هدف اقدام علیه امنیت کشور و ضدیت بانظام ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروه‌های مخالف آن محرز و مسلم و عملش را منطبق با مواد ۴۹۸ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و با رعایت مقررات تعدد جرم موضوع ماده ۴۷ همین قانون و با عنایت به موضوع ماده ۲۲ قانون مذکور جهت عدم سابقه کیفری و اوضاع و احوال که وی تحت تأثیر آن مرتکب بزه گردیده و اینکه در مراحل تحقیق و دادگاه صادقانه برخورد کرده و از اعمالش ابراز ندامت و پشیمانی نموده و بلاحظه موقعیت اجتماعی و حسن اخلاق و رفتار او به تحمل یکسال حبس بجزم اداره گروه‌های مذکور و پرداخت ده میلیون ریال جزای نقدی بجزم تبلیغ علیه نظام محکوم می‌نماید.

۸- «سید امیرخرم»: فرزند سید حسین از اعضای مؤثر و فعال در شورای مرکزی و دفتر سیاسی و هیأت اجرایی و مسئول کمیته‌های تعلیمات سیاسی و شهرستانها و حلقه‌های دانشجویی و آموزش و پژوهش گروه نهضت آزادی و عضو کمیته ۵ نفره پیگیری حقوقی این گروه و عضو انجمن اسلامی مهندسین و بنیاد فرهنگی بازرگانان از گروه‌های وابسته به نهضت با قبول کلیه مسئولیت و اقدامات انجام شده در این گروه‌ها و تشکیل جلسات پس از دستگیری تعدادی از مسئولان نهضت که مقرر گردید ادامه فعالیت آن به خارج از کشور منتقل گردد. متهم طرح مطالب سخیف و تندیازسوی این گروه‌ها را برای جذب دانشجویان و جوانان که به گفته وی دچار قلیان هستند را مطلوب و قابل قبول دانسته و در خصوص ارتباط با بیگانگان و نمایندگان معاند، این ملاقاتها را بر اساس مواضع افراد ملاقات کننده تلقی و حکومت دینی را مانند حکومت پادشاهی که سنبل استبداد است معرفی و ولایت فقیه را نماینده مکرسی دانسته و در جهت کسب اندیشه‌های

۱۶

نوبه یک حکومت دموکراتیک معتقد می باشد. لذا بزهارنگابی نامبرده را الف - اداره گروه غیرقانونی نهضت آزادی و ائتلاف ملی و مذهبی و تشکلهای وابسته باهدف اقدام علیه امنیت کشور و ضدیت با نظام ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروههای مخالف آن محرز و مسلم و عملش را منطبق با مواد ۴۹۸ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی و رعایت مقررات تعدد جرم موضوع ماده ۴۷ همین قانون به تحمل چهار سال حبس بجرم اداره گروههای مذکور و تحمل هشت ماه حبس بجرم تبلیغ علیه نظام محکوم می نماید.

**۹- «علی اصغر غروی»:** فرزند سید جواد از اعضای فعال و مؤثر در شورای مرکزی و مسئول شاخه اصفهان گروه نهضت آزادی دارای سابقه کیفری ارتکاب جرایم بزه ضد امنیت کشور. ضمن پذیرش مسئولیت و اقدامات انجام شده در این گروهها اظهار داشت چون مزرین انتقاد و تبلیغ سوء مشخص نبوده قصور کرده و مواضع ابراز شده را تبلیغ سوء علیه نظام دانسته و با اختیاری که به گردانندگان نهضت داده با قبول مسئولیت آنها اعلام می کنم نهضت در بعضی موارد اشتباه کرده است. بنابراین بزهارنگابی نامبرده را الف - گروه غیرقانونی نهضت آزادی و ائتلاف ملی مذهبی و تشکلهای وابسته باهدف اقدام علیه امنیت کشور و ضدیت با نظام ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروههای مخالف آن محرز و مسلم و عملش را منطبق با مواد ۴۹۸ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی و رعایت تکرار تعدد جرم موضوع ماده ۴۸ و ۴۷ همین قانون به تحمل پنج سال حبس بجرم اداره گروههای مذکور با هدف اقدام علیه امنیت کشور و تحمل یکسال حبس بجرم تبلیغ علیه نظام محکوم می نماید.

**۱۰- «محمد هادی هادی زاده یزدی»:** فرزند احمد علی از اعضای مؤثر و فعال در شورای مرکزی و مسئول شاخه خراسان گروه نهضت آزادی و عضو و هیأت امضاء و مؤسس کانون نشر حقایق دینی مشهد از گروههای وابسته به نهضت آزادی با قبول کلیه مسئولیتهای خود در این گروه و اقدامات انجام شده اظهار داشت در اطلاعیه های صادر شده بعضاً اشتباهاتی وجود داشته وی ارتباط مسئولان این گروه با بیگانگان و طرح اطلاعات مسائل و مشکلات کشور را از تصمیمات شورای مرکزی با اهداف تبادل نظر سیاسی دانسته لیکن تبادل نظر بر پرآمون مسائل محرمانه کشور، روابط با گروههای ضد انقلاب یک امر عادی نبوده است. منتهی در خصوص تشکیل جنسائی بادیگرافراد گروههای مخالف نظام در منزلتین و بحث پرآمون براندازی و مقابله با نظام اسلامی بر اساس دستنوشته های بدست آمده اظهار می دارد این مسئله بصورت تحلیل توسط شرکت کنندگان مطرح شده و بعنوان یک دیدگاه پذیرفته گردید و هر چند اشتباه بوده ولی دیکته زانوشته غلط ندارد. ضمن اینکه در سوابق فعالیتهای وی مکانیبات و ارتباط رایانه ای با عناصری در کشورهای مختلف با طرح اختیار و اوضاع سیاسی کشور اشاره کرد که تحکیمات از جنبه اعتدال و نسبت به نظام اسلامی بوده و از جمله نامه وی خطاب به

(۴۱)

دوست استرالیایی که همزمان با بستری شدن حضرت امام "ره" در بیمارستان چنین نوشته است: «که محور چرخش امور سرگیجه الرحمن گرفته است» و یادرسالی که یادگار امام "ره" فوت شده می نویسد: «خدا را شکر از درود یوار آسمان برای این ملت نعمت می یارد». لذا بزرگوارنکایی نامبرده را الف - اداره گروه غیرقانونی نهضت آزادی و ائتلاف ملی و مذهبی باهدف بزعم زدن امنیت کشور و صدمت بانظام ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروههای مخالف آن ج - توهین به رهبر کبیر انقلاب اسلامی محرز و مسلم و عملش را منطبق با مواد ۴۹۸ و ۵۰۰ و ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی دانسته و با رعایت مقررات متعدد جرم موضوع ماده ۴۷ قانون مذکور نامبرده را به جرم اداره گروههای مذکور باهدف اقدام علیه امنیت به تحمل هفت سال حبس و مجرم تبلیغ علیه نظام به تحمل نه ماه حبس و مجرم اهانت به رهبر انقلاب اسلامی به تحمل یکسال حبس محکوم می نماید.

**۱۱ - محمد حسین بنی اسدی :** فرزند محمد بافردارای سابقه کفوری ارتکاب جرایم برضد امنیت کشور از اعضای فعال و مؤثر شورای مرکزی و کمیته تعلیمات و آموزش و پژوهش و دفتر سیاسی گروه نهضت آزادی و رئیس شورای مرکزی انجمن اسلامی مهندسین از گروه وابسته به نهضت آزادی. با قبول کلیه مسئولیتها و اقدامات خود در این گروههایان می دارد اهداف اینها تغییر حاکمیت بوده و نه حکومت، کسانی که در ائتلاف با دیگر گروهها و یاد در ملاقاتهای خارجی موضوع تغییر حکومت را مطرح کرده اند خود پاسخگو باشند چون اصول نهضت را زیر پا گذاشته اند و این ملاقاتها هیچ سودی نداشته است. وی مفاد اطلاعیه و بیانیه های صادره را بر مبنای تحلیل های غلط و شایعات و نوعی تندروی دانسته و اظهار می دارد این مسئله از جمله اشتباهاتی بوده که موجب نارضاایتی و تشویش اذهان گردیده است. بنابراین بزرگوارنکایی نامبرده را - الف - اداره گروه غیرقانونی ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروههای مخالف آن محرز و مسلم و عملش را منطبق با مواد ۴۹۸ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی و رعایت مقررات تکرار و تعدد جرم موضوع ماده ۴۷ و ۴۸ همین قانون، نامبرده را بجرم اداره گروه مذکور باهدف اقدام علیه امنیت کشور به تحمل پنج سال حبس و مجرم تبلیغ علیه نظام به تحمل هشت ماه حبس محکوم و از حیث تهیه و جمع آوری اطلاعات ضمه بندی شده بلحاظ انکار منهم و عدم کفایت دلیل حکم بر اثبات وی صادر می نماید.

(۴۲)

۱۲- « محسن محققى » : فرزند محمد از اعضای فعال و مؤثر در شورای مرکزی و مسئول کمیته تشکيلات تهران و هیئت اجرایی گروه نهضت آزادی و عضو انجمن اسلامی مهندسين وابسته به این گروه با قبول کلیه مسئوليتها و اقدامات خود در این گروهها، همکاری نهضت با دیگر گروههای مخالف نظام را حرکتی خلاف دانسته و عنوان داشته بلحاظ عضویت در آن ناچاره پذیرش هشتم وی مفاد اطلاعیه های صادره را در جهت محدودش کردن نظام تلفی و مدعی است موافق با طرح این مسائل نبودم. لذا بزه ارتكابی نامبرده را الف - اداره گروه غیر قانونی نهضت آزادی و ائتلاف ملی مذهبی و تشکلهای وابسته به آنها با اهداف اقدام علیه امنیت کشور و ضدیت با نظام ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت گروههای مخالف آن محرز و مسلم عملش را منطبق با مواد ۴۹۸ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و بار عایت مقررات تعدد جرم موضوع ماده ۲۷ همین قانون به تحمل دو سال حبس بجرم اداره گروههای مذکور با اهداف اقدام علیه امنیت کشور و تحمل شش ماه حبس بجرم تبلیغ علیه نظام محکوم می نماید.

۱۳- « غلامرضا مسموعی » : فرزند یحیی از اعضای فعال و مؤثر در شورای مرکزی و علی البدل دفتر سیاسی و دبیر شورای مرکزی گروه نهضت آزادی و عضو هیئت اجرایی و مسئول شهرستانهای این گروه و عضو انجمن اسلامی مهندسين گروه وابسته به نهضت آزادی ضمن پذیرش کلیه مسئوليتها و اقدامات خود در این گروهها و توضیح نحوه خرید ساختمانها بنام دفتر مرکزی محل فعالیت نهضت از وجوه جمع آوری شده مردمی و بلحاظ اینکه گروه ( نهضت آزادی ) رسمی و قانونی نبوده و پروانه نداشته اسناد ساختمان مورد نظر صوری بنام برخی از اعضاء ( پردی - صباغیان - توسلی - صدرحاج سید جوادی - بنی اسدی و ... ) صادر گردیده است وی ائتلاف نهضت با گروههایی که سوابق سوء دارند و ارتباط آن با گروههای معاند خارج کشور و بیگانگان را حرکتی اشتباه و تضاد و تضاد و تضاد و تضاد دانسته و مدعی است با راهب سرکرده این گروه مذکور داده و آن را جبهه گیری در مقابل نظام یاد کرده است. بنابراین بزه ارتكابی نامبرده را الف - اداره گروه غیر قانونی نهضت آزادی و ائتلاف ملی مذهبی و تشکلهای وابسته به آنها با اهداف اقدام علیه امنیت کشور و ضدیت با نظام ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت گروههای مخالف آن محرز و مسلم و عملش را منطبق با مواد ۴۹۸ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و بار عایت مقررات تعدد جرم موضوع ماده ۲۷ همین قانون مذکور به تحمل سه سال حبس بجرم اداره گروه مذکور با اهداف اقدام علیه امنیت کشور و تحمل شش ماه حبس بجرم تبلیغ علیه نظام محکوم می نماید.



(۴۳)

**۱۴ - مصطفی مسکین** : فرزند کریم دارای سابقه ارتکاب جرایم برضد امنیت کشور از اعضای فعال ومؤثر دشواری مرکزی ومسئول بخش نشریات وبیانیه های گروه نهضت آزادی وائتلاف ملی مذهبی ومسئول تهیه وتنظیم نشریه غیرقانونی آئین باتیول کلیه مسئولیت واقدامات خود دراین گروهها ، ارتباط نهضت بااحزاب وگروههای ضدانقلاب در خارج ازکشور ونیز بیگانگان راامری خلاف دانسته وطرح مسائلی را که مخزل امنیت است خود سری بعضی ازملقات کنتگان عتوان نموده ، وضمن قبول مفاد بیانییه واطلاعییه های صادره ونهیه ونیز ترویج هفته نامه آئین بانسائلی سراسر کذب وتوهین آمیز علیه مسئولین نظام درهر انقلاب ومقام ولایت ازجمله در مقاله ای آمده است و در اجتماعیه که رهبران از توترون زاپش ، عمامه وپیراهن وازگوار دین انگلیسی لباده وقیامی دوزند وهرروزه شکلی بت عیار درمی آید باید مایلیونها قبری که از لباسهای کهنه مرده ها واغنیاستفاده می کنند وجود داشته باشند وآباد در فردای قیامت در پیشگاه داری پروردگار شرمنده نمی شویم اگر تاام چنین افرادی راه مردیت بزرگمردی بیاوریم که فرمود من از همه خوراکیهای شتابیه دوقریص نان واز همه پوشاکیها به دور پیراهن کرباسی اکتفا کرده ام و که انتشار آن راخطا دانسته است. لذا بزه ارتکابی نامبرده را

**الف -** اداره گروه نهضت آزادی وائتلاف ملی مذهبی وتشکلهای وابسته باهدف اقدام علیه امنیت کشور ضدیت بانظام

**ب -** تبلیغ علیه نظام وفعالیت گروههای مخالف آن ج - توهین به امام راحل ومقام معظم رهبری رامحرزومسلم و عملش رامنتظق نامواد ۴۹۸ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته وبارعایت مقررات تعدد جرم موضوع ماده ۴۷ قانون مذکور نامبرده را بجرم اداره گروههای فوق الذکراهدف اقدام علیه امنیت کشور به تحمل سه سال حبس و بجرم تبلیغ علیه نظام به تحمل شش ماه حبس و بجرم توهین به مقام معظم رهبری به تحمل یکسال حبس محکوم می نماید.

**۱۵ - وحید حکیمی** : فرزند موسی از اعضای فعال ومؤثر دشواری مرکزی وعضو هیئت اجرائی ومسئول کمیته تعلیمات وعضود فترسیاسی گروه نهضت آزادی ضمن قبول مسئولیت واقدامات خود دراین گروهها ، مبنای تلاش نهضت رانغبیر حاکمیت دانسته واطلاعییه های صادره در مخالفت مسئولان نظام تندرو نادریست واشتباه بوده وگاهی هم مورد سوءاستفاده قرار گرفته است وی قبول دارد مطالب مطروحه در ارتباط با بیگانگان وگروههای ضدانقلاب خلاف می باشد.

بنابراین بزه ارتکابی نامبرده را **الف -** مشارکت در اداره گروه غیرقانونی نهضت آزادی وائتلاف ملی مذهبی وتشکلهای وابسته باهدف اقدام علیه امنیت کشور ضدیت بانظام **ب -** تبلیغ علیه نظام وفعالیت بنفم گروههای مخالف آن محرزومسلم و عملش رامنتظق نامواد ۴۹۸ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته وبارعایت مقررات تعدد جرم موضوع ماده ۴۷ همین قانون وی را به تحمل دوسال حبس بجرم اداره گروههای مذکور باهدف اقدام علیه امنیت کشور وتحمل شش ماه حبس بجرم تبلیغ علیه نظام محکوم می نماید.

(۴۴)

**۱۶ - سید علی رضا هندی** : فرزند یوسف دارای سابقه کفیری ارتکاب جرایم برضد امنیت کشور و اعضاء بسیار فعال و مؤثر در شورای مرکزی و دفتر سیاسی و مسئول شعبه تحقیقات دفتر سیاسی و هیئت اجرایی و کمیته تشکلات گروه نهضت آزادی و نماینده این گروه در ائتلاف ملی مذهبی و عضو انجمن اسلامی مهندسین از گروه وابسته به نهضت آزادی دارای سابقه کفیری ارتکاب جرایم برضد امنیت کشور و توهین به مسئولین نظام. با پذیرش کلیه مسئولیها و اقدامات خود در این گروهها تلاش آنها را منطبق بر مصالح کشور و واقعیهای جامعه و مخالف با حاکمان قدرت طلب دانسته که با کم لطفی مسئولان نظام روبرو گردیده است منتهم ارتباط با گروههای مخالف نظام در خارج از کشور و نیز ارتباط با بیگانگان را طبیعی و توسعه دمکراتیک عنوان کرده و حرکت این گروه و ائتلاف را در راستای قوام بخشیدن به نظام ارزیابی و طرح مطالب خلاف رایج اشتباه طبیعی می داند ، وی با نادیده گرفتن مفاد نامه حضرت امام راجل به وزارت کشور وقت که گروه نهضت آزادی را از متحرقتین و بدتر از منافق و غیر رسمی معرفی کرده بود ، این عمل را تخلف از قانون اساسی و متصرف به خلاف دانسته و علی رغم تأیید کارشناسی رسمی و صدور حکم قطعی تعلق آن به خط و امضاء حضرت امام " ره " در محافل و مجالس آن راجع و غیر واقعی تلقی و سعی در مشروع و قانونی نشان دادن آن و فعالیت خود را دارد. نامبرده که از تهیه کننده پیش نویس و تدوین کنندگان میناق همبستگی فی مابین گروههای مخالف نظام می باشد عنوان می دارد با عمل به آن و ارتباط با گروههای معاند خارج کشور ، از ایس و نو میدی و نیز لول آنها جلوگیری و موجب تقویت آنها در برابر حاکمان و انجام مبارزه واحد در برابر نظام دینی می گردد. لذا بزه ارتکابی نامبرده را الف - مشارکت در اداره گروه نهضت آزادی و ائتلاف ملی مذهبی و تشکلهای وابسته با اهداف علیه امنیت کشور و ضدیت با نظام ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروههای مخالف آن محرز و مسلم و عملش را منطبق با مواد ۴۹۸ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و با رعایت مقررات متعدد جرم موضوع مواد ۴۷ و ۴۸ همین قانون به تحمل هفت سال حبس بجزم اداره گروههای مذکور با اهداف اقدام علیه امنیت کشور و نخیل یکسال حبس بجزم تبلیغ علیه نظام محکوم می نماید.

**۱۷ - محمد نوید بازرگان** : فرزند مهدی اعضاء فعال و مؤثر شورای مرکزی گروه نهضت آزادی با پذیرش مسئولیت و اقدامات خود در گروه نهضت آزادی ، هدف از تأسیس آن را تشکیل نظام غیر دینی و جدائی دین از سیاست و دولت و حکومت عنوان و اظهار می دارد از همان ابتدای پیروزی انقلاب مرحوم پدرم و نهضت معتقد به تشکیل جمهوری دمکراتیک غیر دینی بوده که مرحوم امام " ره " مخالفت کرده و پس از آن نهضت در جهت تحقق هدف خود با گروههای دیگری که بدنبال تغییر نظام دینی بودند همکاری و ائتلاف نموده چرا که هیچ حزبی نمی تواند ریشه خود را با گذشته اش قطع کند و این طبیعی است که در این راه ارتباطی با گروههای خارج کشور و نیز بیگانگان برقرار کنند وی مطالب مطروحه در بیانه و اطلاعیه های این گروهها را بر اساس شنیده ها و خلاف دانسته لیکن آنها را تأیید نموده است. لذا

بزه‌ارتکابی نامبرده را الف - مشارکت در اداره گروه نهضت آزادی و ائتلاف ملی مذهبی و تشکلهای وابسته باهدف اقدام علیه امنیت کشور تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروههای مخالف آن محرز و مسلم و عملش را منطبق با مواد ۴۹۸ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و با عنایت به مقررات تعدد جرم موضوع ماده ۴۷ همین قانون و رعایت دیوارده مخففه موضوع ماده ۲۲ قانون مذکور بجهت عدم سابقه کیفری و وضعیت و موقعیت اجتماعی و اوضاع و احوال منعم که تحت تأثیر آنها مرتکب بزه شده به پرداخت سی و پنج میلیون ریال جزای نقدی بجرم اداره گروههای مذکور باهدف اقدام علیه امنیت کشور و به پرداخت پانزده میلیون ریال جزای نقدی بجرم تبلیغ علیه نظام محکوم می‌نماید.

**۱۸ - و. احمد صدر حاج سید جوادی**؛ فرزند سیدعلی از اعضای مؤسس و فعال و مؤثر در شورای مرکزی و عضو کمیته حقوقی و تشکیلات انضباطی گروه نهضت آزادی با قبول کلیه مسئولینها و اقدامات خود در گروه نهضت آزادی، مواضع این گروه و مطالب مطروحه در بنیانه و اطلاعیه های صادره و اخلاف نظام ندانسته و آن را یک اشتباه معمولی تلقی و ارتباط با بیگانگان و شرح مطالب در این جلسات را از تعالیت هائی معمولی یک گروه قلمداد کرده و اظهار داشت در امر حکومت نظام بر مبنای دموکراسی که از ابتدا مطرح بوده در شورای مرکزی نهضت بصورت انحصاری مطرح و تأیید شده است. وی نگهداری مواد مخدر مکشوفه را مربوط به همسر مرحومش دانسته و مدعی عدم استفاده از آن می‌باشد. بنابراین بزه ارتکابی نامبرده را الف - مشارکت در اداره گروه نهضت آزادی و ائتلاف ملی مذهبی و تشکلهای وابسته باهدف اقدام علیه امنیت کشور و ضدیت با نظام ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت گروههای مخالف آن ج - نگهداری حدود سی و چهار گرم تریاک و ادوات استعمال و اعتیاد به آن محرز و مسلم و عملش را منطبق با مواد ۴۹۸ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی و بند یک ماده ۵ و ۲۰ و ۱۶ قانون اصلاحی مبارزه با مواد مخدر دانسته و با عنایت به مقررات تعدد جرم موضوع ماده ۲۷ قانون مذکور و رعایت موارد مخففه موضوع ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی بجهت عدم سابقه کیفری و وضعیت خاص و کهنوت سن و اوضاع و احوال که منعم تحت تأثیر آن مرتکب بزه گردید و موقعیت اجتماعی و سوابق زندگی وی را بجرم اداره گروههای فوق الذکر باهدف اقدام علیه امنیت کشور به پرداخت چهل میلیون ریال جزای نقدی و بجرم تبلیغ علیه نظام به پرداخت ده میلیون ریال جزای نقدی و بجرم نگهداری مواد مخدر به پرداخت یک میلیون و پانصد هزار ریال جزای نقدی و تحمل ۵ ضربه شلاق و بجرم اعتیاد به پرداخت یک میلیون ریال جزای نقدی و تحمل ده ضربه شلاق و بجرم نگهداری ادوات استعمال و افورزه تحمل پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم و مجازات شلاق به پرداخت پانصد هزار ریال جزای نقدی تبدیل می‌گردد.

## (۴۶)

**۱۹ - « خانم ربابه بی طرف معروف به صفا »:** فرزند ابوالقاسم از اعضای فعال و مؤثر شورای مرکزی و عضو دفتر سیاسی گروه نهضت آزادی ضمن پذیرش مسئولیتها و اقدامات خود در این گروهها، ارتباط آنها با بیگانگان را امری طبیعی و سیاسی دانسته و اظهار می دارد این ملاقاتها در دفتر سیاسی و شورای مرکزی مطرح اما آنچه در صورت جلسات این ملاقاتها عنوان تغییر حکومت و نقاضای پشتیبانی از آن کشورها بعمل آمده اطلاعی نداشته و خلاف می داند منتهی ضمن قبول تشکیل جلسات نهضت پس از دستگیری تعدادی اعضای آن می گوید بلحاظ حضور برخی از مسئولان نهضت در خارج از کشور مقرر شده تشکیلات بخارج مستقل و در آنجا تصمیمات مغتنی اتخاذ گردد همچنین وکیل منتهی اظهار داشت فکر مطرح شده توسط این گروه یعنی تغییر حاکمیت جمهوری اسلامی به دیکتاتیک فرقی با تغییر نظام ندارد و این از سال ۵۸ تا کنون مطرح بوده و حتی در ملاقات با بیگانگان هم عنوان داشته اند را اشتباه این گروه دانسته که خارج از ضوابط و قاعده مطالبی عنوان و نیز در اطلاعیه ها از کلمات نادرست و خلاف استفاده کرده اند. بنابراین بزه ارتكابی نامبرده را الف - مشارکت در اداره گروه نهضت آزادی و ائتلاف ملی مذهبی و تشکلهای وابسته با هدف اقدام علیه امنیت کشور و ضدیت با نظام ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروههای مخالف آن محرز و مسلم و عملش را منطبق با مواد ۲۹۸ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و با عنایت به مقررات تعدد جرم موضوع ماده ۴۷ همین قانون و رعایت موارد مخففه موضوع ماده ۲۲ قانون مذکور بجهت عدم سابقه کیفری و وضعیت خاص و موقعیت اجتماعی و سوابق زندگی و اوضاع و احوالی که تحت تأثیر آن مرتکب بزه شده به پرداخت سی میلیون ریال جزای نقدی بجرم اداره گروههای مذکور با هدف اقدام علیه امنیت کشور و پرداخت ده میلیون ریال جزای نقدی بجرم تبلیغ علیه نظام محکوم می نماید.

**۲۰ - « خانم فرشته بازگان »:** فرزند مهدی از اعضای فعال شورای مرکزی گروه نهضت آزادی و عضو ملاقات کننده این گروه با بیگانگان ضمن قبول مسئولیت و اقدامات خود در گروه نهضت آزادی، درباره ارتباط خود با بیگانگان می گوید در ملاقات با سفیر یکی از کشورهای اروپایی که در منزل ابراهیم بزدی دبیرکل نهضت انجام شده شرکت و اظهارات آنها را در صورت جلسه نوشتن لایحه منعقد بودم که این ملاقاتها اشکال دارد و آقای بزدی مدعی بودم بلا اطلاع وزارت خلیجه صورت گرفته که بعداً این ادعا تکذیب شد وی معتقد است حزب سیاسی باید حرف بزدد و ارتباط داشته باشد و لو اینکه خلاف و کذب باشد و ممکن است اشتباه باشد ولی مردم خودشان سره را از ساره تشخیص می دهند و نظام باید بگذارد مخالفین حرف خود را بزنند و گرنه اسلحه جایگزین آن می شود و نباید همه چیز را منع کرد چون عقده ایجاد می کند. لذا بزه ارتكابی نامبرده را الف - مشارکت در اداره گروه نهضت آزادی و ائتلاف ملی مذهبی با هدف اقدام علیه امنیت کشور و ضدیت با نظام ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروههای مخالف آن را محرز و مسلم و عملش را منطبق با مواد ۲۹۸ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و با عنایت به مقررات تعدد جرم موضوع ماده ۴۷ همین قانون و رعایت موارد مخففه موضوع ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی بجهت عدم سابقه کیفری و وضعیت خاص منتهی که زن و دارای همسر، فرزند می باشد و موقعیت اجتماعی و اوضاع و احوالی که وی تحت تأثیر آنها مرتکب جرم شده به پرداخت سی میلیون ریال جزای نقدی بجرم اداره گروههای مذکور با هدف اقدام علیه امنیت کشور و پرداخت ده میلیون ریال جزای نقدی بجرم تبلیغ علیه نظام محکوم می نماید.

(۴۷)

۲۱- «محمد حسین درویش ملا»: فرزند ابوالحسن از اعضای فعال و مسئول روابط عمومی و دفتر دبیر و کمیته اجرایی و تبلیغات گروه نهضت آزادی و مسئول تبلیغات گروه ائتلاف ملی مذهبی با قبول مسئولیت‌ها و اقدامات خود در این گروه‌ها، هدف از فعالیت‌های انجام شده در قالب نهضت و ائتلاف و نیز برقراری ارتباط با بیگانگان و گروه‌ها ضد انقلاب در خارج را تغییر حکومت و حاکمیت دینی عنوان و مدعی است فکرمی کرده صدور بیانیه و اطلاعیه‌ها و غیره علیه مسئولان نظام بوده از روی دلسوزی می باشد ولی اعمال نهضت نشانگر خلاف صورت من بوده است. لذا بزه ارتکاب نامبرده را الف - عضویت در گروه نهضت آزادی و ائتلاف ملی مذهبی با هدف اقدام علیه امنیت کشور و ضدیت با نظام ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروه‌های مخالف آن محرز و مسلم و عملش را منطبق با مواد ۴۹۹ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و با عنایت به مقررات تعدد جرم موضوع ماده ۴۷ همین قانون و تناسب تأثیر فعالیت وی در ارتکاب موارد مخفیه موضوع ماده ۲۲ همین قانون بجهت اوضاع و احوال و موقعیت اجتماعی و عدم سابقه به تحمل دو سال حبس بجرم عضویت در گروه مذکور با هدف اقدام علیه امنیت و پرداخت ده میلیون ریال جزای نقدی بجرم تبلیغ علیه نظام محکوم می نماید.

۲۲- «مصیب دوانی»: فرزند حسین از اعضای فعال کمیته استانها و آموزش سیاسی و مسئول تشکیلات در شهرستانهای جنوب گروه نهضت آزادی با قبول مسئولیت ها و اقدامات خود در این گروه، تغییر حاکمیت دینی را از جمله اهداف و فعالیت نهضت و ائتلاف می داند که از طریق برگزاری فریاد و لغو نظارت استصوابی و راهپایایی اعضای این گروه‌ها به مجلس خبرگان و تغییر ولایت ممکن می شود که زمینه آن از طریق طرح مسأله در مطبوعات و سخنرانی ها و اطلاعیه ها فراهم شود نهیم کنندگان پوستر مشترک یا تصویر ریاست جمهوری و مصدق را پس از طرح در نهضت توسط حلقه علاقمندان دانشجویی این گروه در شیراز به جهت ایجاد بدبینی بین مردم و نهاد های مسئول اعلام و آن را به سیاه منتسب نموده‌اند. بنابراین بزه ارتکابی نامبرده را الف - عضویت در گروه نهضت آزادی و تشکلهای وابسته با هدف اقدام علیه امنیت کشور ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروه‌های مخالف آن محرز و مسلم و عملش را منطبق با مواد ۴۹۹ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و با رعایت مقررات تعدد جرم موضوع ماده ۴۷ قانون مذکور و تناسب تأثیر فعالیت وی به تحمل دو سال حبس بجرم عضویت در گروه مذکور و تحمل شش ماه حبس بجرم تبلیغ علیه نظام محکوم می نماید.

(۴۸)

**۲۳- «مرتضی اشفاق»:** فرزند محمد از اعضای مس نزهت آزادی و مسئول برگزاری جلسات و تشکیلات این گروه در تشکیلات شاخه اصفهان و چاپ اطلاعیه و نشریات آن در چاپخانه خود با قبول کلیه مسئولیتها و اقدامات خود در این گروهها اظهار داشت منی نهضت را مخالف نظام و در جهت تغییر آن ندانسته و هرچند مخالف حاکمیت بوده و در برخی از مطالب مطروحه در اطلاعیه هارا خلاف و اشتباه می دانم ، منم در خصوص نهیه و جمع آوری اسناد محرمانه طبقه بندی شده از جفله گزارش وزارت اطلاعات به ریاست جمهوری عنوان داشته از طریق آقای صلواتی برای سرکرده این گروه (ابراهیم بزیدی) نهیه و ارسال نموده است. بنابراین بزوار تکاپی نامبرده **والف** - عضویت در گروه غیر قانونی نهضت آزادی با اهداف علیه امنیت کشور ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت بتبع گروههای مخالف آن ح - جمع آوری و دریافت افراد در اطلاعیه طبقه بندی شده را محرز و مسلم و عملش را منطبق با مواد ۲۹۹ و ۵۰۰ و ۵۰۵ قانون مجازات اسلامی دانسته و با عنایت به مقررات تعدد جرم موضوع ماده ۴۷ همین قانون و رعایت موارد مخففه موضوع ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی بجهت ، عدم سابقه کیفری و موقعیت اجتماعی و اوضاع و احوال و سوابق زندگی نامبرده را جرم عضویت در گروه مذکور با هدف برمه زدن امنیت کشور به تحمل دو سال حبس و جرم تبلیغ علیه نظام به پرداخت ده میلیون ریال جزای نقدی و جرم جمع آوری اطلاعات طبقه بندی شده به پرداخت بیست میلیون ریال جریمه محکوم می نماید.

**۲۴- «جمال زره ساز»:** فرزند محمد ابراهیم از اعضای فعال و مؤثر و مسئول شاخه شیراز گروه نهضت آزادی و فعالیت در تشکیلات ائتلاف ملی مذهبی ضمن قبول مسئولیت و فعالیت خود در این گروه مشارکت در تهیه پوستر مشترک تصویر آقای خانمی و مصدق و نسبت دادن آن به سپاه را پذیرفته و مدعی شده که در این خصوص با آقای خرم از اعضای شورای مرکزی و مسئول شهرستانهای نهضت تبادل نظر و در دستنوشته های وی مسئله را بگونه ای منمکس که در صورت کشف موضوع کارسپاه و سیخ نفی گردد و هدف آن را ایجاد بدبینی بین مردم و تشدید اختلاف جناحها بلحاظ نزدیکی در انتخابات ریاست جمهوری عنوان می نماید. لذا بزوار تکاپی نامبرده **والف** - عضویت در گروه غیر قانونی نهضت آزادی و ائتلاف ملی مذهبی و تشکلهای وابسته با هدف اقدام علیه امنیت کشور ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت بتبع گروههای مخالف آن محرز و مسلم و عملش را منطبق با مواد ۲۹۹ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و با رعایت مقررات تعدد جرم موضوع ماده ۲۷ همین قانون نامبرده رایبه تحمل دو سال حبس جرم عضویت در گروههای مذکور با هدف اقدام علیه امنیت کشور و تحمل شش ماه حبس جرم تبلیغ علیه نظام محکوم می نماید.

(۴۹)

**۲۵- د باقر فتحعلی بیگی**؛ فرزند قدرت از اعضای فعال گروه نهضت آزادی و مسئول کجبه آموزشی و نشریات این گروه در شاخه زنجان و عضو جمعیت تلاشگران روشنفکر و پژوهش‌های فرهنگی ( محک ) وابسته به گروه نهضت آزادی ضمن قبول مسئولیت و فعالیت خود شرکت در جلسیات مربوطه و توزیع اطلاعاتی و بیانیه ها اظهار می دارد نگاه نهضت و دیگر گروه‌های ائتلاف به مسائل جامعه یک جانبه و به همین دلیل بحث استحاله نظام را مطرح و دارای اشتباه و خطا بوده و من هم به اشتباه عضو آن شدم. بنابراین بزه ارتکابی نامبرده را الف - عضویت در گروه غیر قانونی نهضت آزادی و تشکیلاتی وابسته باهدف اقدام علیه امنیت کشور ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروه‌های مخالف آن محرز و مسلم و عملش را منطبق با مواد ۴۹۹ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و با عنایت به مقررات موضوع ماده ۲۷ قانون مذکور رعایت موارد مخففه موضوع ماده ۲۲ همین قانون بجهت عدم سابقه و موقعیت اجتماعی و اوضاع و احوالی که منتهی تحت تأثیر آن مرتکب بزه گردید نامبرده را به تحمل یکسال حبس بجرم عضویت در گروه مذکور باهدف برهم زدن امنیت و پرداخت ده میلیون ریال جزای نقدی بجرم تبلیغ علیه نظام محکوم می نماید.

**۲۶- د سید اکبر بدیع زادگان**؛ فرزند محمود از اعضای نهضت آزادی و مسئول دفتر بنیاد فرهنگی بازرگان از تشکل های وابسته به این گروه و ائتلاف ملی مذهبی با پذیرش مسئولیت و فعالیت خود در این گروه مدعی اعمال نظرات و تندروی ها و طرح مسائل و مطالب موهن و چهره خشن از نظام و مسئولین آن در اطلاعیه های این گروه بوده است. لذا بزه ارتکابی نامبرده را الف - عضویت در گروه نهضت آزادی باهدف اقدام علیه امنیت کشور و ضدیت با نظام ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروه‌های مخالف آن را محرز و مسلم و عملش را منطبق با مواد ۴۹۹ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و با عنایت به مقررات تعدد جرم موضوع ماده ۴۷ همین قانون و رعایت موارد مخففه موضوع ماده ۲۲ قانون مذکور بجهت عدم سابقه کیفری و موقعیت اجتماعی و اوضاع و احوالی که وی تحت تأثیر آنها مرتکب بزه شده نامبرده را به پرداخت ده میلیون ریال جزای نقدی بجرم اقدام علیه امنیت کشور و پرداخت پنج میلیون ریال بجرم تبلیغ علیه نظام محکوم می نماید.

(۵۰)

**۲۷- «حجت‌الیه قیاسی»:** فرزند احمد از اعضای فعال و مؤثر گروه نهضت آزادی و عضو علی‌البدل دفتر سیاسی کمیته شهرستانها و مسئول آرشو این گروه با قبول مسئولیت‌های خود اظهار داشت، از ائتلاف نهضت با گروه‌های همفکر و ارتباط با یگانگان و ملاقات با گروه‌ها و افراد ضد انقلاب اطلاع داشته ولی از مطالب مطروحه فی مابین بی‌خبر بودم و بی‌مفاد بیانی و اطلاعیه‌های صادره این گروه‌ها را نمی‌دانستم و بعضاً خطا و اشتباه تلقی نموده‌است. لذا بزه‌ارتکابی نامبرده را الف - عضویت در گروه غیر قانونی نهضت آزادی با هدف اقدام علیه امنیت کشور ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروه‌های مخالف آن را محرز و مسلم و عملش را منطبق با مواد ۴۹۹ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و با عنایت به مقررات تعدد جرم موضوع ماده ۴۷ قانون مذکور رعایت موارد مختلفه موضوع ماده ۲۲ همین قانون بجهت عدم سابقه و موقعیت اجتماعی و اوضاع و احوالی که وی تحت تأثیر آن مرتکب بزه گردیده نامبرده رایه تحمل یکسال حبس بجزم عضویت در گروه مذکور با هدف اقدام علیه امنیت کشور و پرداخت ده میلیون ریال جریمه نقدی بجزم تبلیغ علیه نظام محکوم می‌نماید.

**۲۸- «علیرضا غروی»:** فرزند سید جواد از اعضای فعال گروه نهضت آزادی و جمعیت وابسته به آن و عضو کمیته انتشارات و اجرایی این گروه با قبول مسئولیت و فعالیت خود در این گروه ارتباط با دیگر گروه‌های مخالف نظام و یگانگان را خلاف و مطالب مطروحه در سوابق هزار یک عمل انتقادی از حاکمیت و بعضاً خلاف و با عدم رعایت شئون اسلامی می‌داند. بنابراین بزه ارتکابی نامبرده را الف - عضویت در گروه غیر قانونی نهضت آزادی با هدف برهم زدن امنیت کشور ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروه‌های مخالف آن را محرز و مسلم و عملش را منطبق با مواد ۴۹۹ و ۵۰۰ قانون مذکور دانسته و با عنایت به مقررات تعدد جرم موضوع ماده ۴۷ همین قانون و رعایت موارد مختلفه موضوع ماده ۲۲ قانون مذکور بجهت عدم سابقه کیفری و موقعیت اجتماعی و اوضاع و احوالی که وی تحت تأثیر آن مرتکب بزه گردیده نامبرده رایه تحمل شش ماه حبس بجزم عضویت در گروه مذکور با هدف اقدام علیه امنیت کشور و به پرداخت ده میلیون ریال جزای نقدی بجزم تبلیغ علیه نظام محکوم می‌نماید.



(۵۱)

**۲۹- «بیژن گل افرا»:** فرزند حسن از اعضای فعال و مسئول کمیته مالی و شاخه کرج و عضو کمیته تشکیلات و شهرستانهای گروه نهضت آزادی با قبول مسئولیتها و اقدامات خود در گروه نهضت مواضع آن را بر اساس سیاست ناسازگار نظام با نهادانسته و اطلاعیه های صادره را بر مبنای دگرگونی نظام و برخورداری از امکانات خاصه تلقی و مورد تأیید قرار داده است. لذا بزه ارتکابی نامبرده را الف - عضویت در گروه غیرقانونی نهضت آزادی و تشکلهای وابسته با هدف برهم زدن امنیت کشور و ضدیت با نظام ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروههای مخالف آن محرز و مسلم و عملش را منطبق با مواد ۴۹۹ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و با عنایت به مفرات تعدد جرم موضوع ماده ۴۷ همین قانون نامبرده را بجرم عضویت در گروه مذکور با هدف اقدام علیه امنیت کشور به تحمل یکسال حبس و بجرم تبلیغ علیه نظام به تحمل شش ماه حبس محکوم می نماید.

**۳۰- محمد رضا حسینی:** فرزند محمد از اعضای فعال و مؤثر و مسئول روابط عمومی گروه نهضت آزادی با پذیرش کلیه مسئولیت و اقدامات خود در گروه نهضت آزادی و ارتباط با دیگر گروههای مخالف، از بنیاد این گروه با پیگانگان را خلاف دانسته و بیان مطالب موهن و غیر موجه در اطلاعیه ها از جهت تخریب ذهن جوانان و غیرقانونی و دور از شأن یک تشکل سیاسی می داند. بنابراین بزه ارتکابی نامبرده را الف - عضویت در گروه غیرقانونی نهضت آزادی و تشکلهای وابسته با هدف برهم زدن امنیت کشور ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروههای مخالف آن را محرز و مسلم و عملش را منطبق با مواد ۴۹۹ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و با رعایت مفرات تعدد جرم موضوع ماده ۴۷ همین قانون و تناسب تأثیر فعالیت وی به تحمل دو سال حبس بجرم عضویت در گروه مذکور با هدف اقدام علیه امنیت کشور و تحمل شش ماه حبس بجرم تبلیغ علیه نظام محکوم می نماید.

**۳۱- سعید شفا رزاقی:** فرزند غلامحسین عضو فعال گروه نهضت آزادی با پذیرش مسئولیت و فعالیت خود در این گروه از بنیاد با پیگانگان و صدور اطلاعیه های موهن و خلاف واقع و از اشتباهات گروه و مسئولین آن می داند. لذا بزه ارتکابی نامبرده را الف - عضویت در گروه غیرقانونی نهضت آزادی با هدف اقدام علیه امنیت کشور ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروههای مخالف آن محرز و مسلم و عملش را منطبق با مواد ۴۹۹ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و با عنایت به مفرات تعدد جرم موضوع ماده ۴۷ همین قانون و رعایت مفرات تعدد جرم موضوع ماده ۲۶ قانون مذکور بجهت عدم بیابند محکومیت و موقعیت اجتماعی و اوضاع و احوالی که وی تحت تأثیر آن مرتکب جرم گردیده نامبرده را به تحمل شش ماه حبس بجرم عضویت در گروه مذکور با هدف اقدام علیه امنیت و پرداخت ده میلیون ریال جرای نقدی بجرم تبلیغ علیه نظام محکوم می نماید.

(۵۲)

**۳۲- طاهر احمدزاده هروی** : فرزند محمود دارای سابقه کثیری ارتکاب جرایم برضد امنیت کشور از اعضای مؤسس و تشکیل دهنده و رئیس هیئت مدیره و امنای کانون نشر حقایق دینی مشهد از تشکلهای وابسته و تحت پوشش نهضت آزادی و ائتلاف ملی مذهبی و جایگاه فعال گروههای مخالف نظام و انقلاب اسلامی از سابقه داران ارتکاب جرایم برضد امنیت کشور و وابسته به گروهک منافقین که حتی فرزندانش در این رابطه معدوم و متواری اند. با پذیرش کلیه مسئولیت و فعالیت خود در گروهها و تشکلهای وابسته از جمله دایر کردن کانون نشر حقایق اسلامی در مشهد از مراکز تحت پوشش و پایگاه گروه نهضت با اصطلاح آزادی و ائتلاف ضد ملی و ضد مذهبی و محل تبلیغ دیگر گروههای مخالف نظام علیه جمهوری اسلامی بوده و با اعضاء و مسئولین این گروهها مرتبط و حتی بعضی از آنها را به عضویت این کانون در آورده و به تهیه و توزیع اطلاعیه و بیانیه جمع و سخنرانی علی رغم غیرقانونی بودن فعالیت کانون بر تبیین مواضع گروههای مخالف نظام پرداخته و در سفرهای خود بخارج از کشور به نمانه دیدار با فرزندان متواری اش که وابسته به منافقین می باشند ملاقاتهایی با عناصری از شورای ملی مقاومت و وابسته های سازمان منافقین داشته است لیکن در جلسات دادگاه در واکنش به سئوالات مطروحه اکثراً سکوت و از پاسخگویی استنکاف ورزیده است. بنابراین بزه ارتکابی نامبرده را الف - مشارکت در اداره کانون نشر حقایق اسلامی از مراکز و تشکلهای تحت پوشش و پایگاه نهضت آزادی و ائتلاف ملی مذهبی با هدف اقدام علیه امنیت کشور و ضدیت با نظام ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروههای مخالف آن را محرز و مسلم و عملش را منطبق با مواد ۴۹۸ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و با رعایت مقررات تکرار و تعدد جرم موضوع مواد ۴۷ و ۴۸ همین قانون به تحمل پنج سال حبس بجرم اداره گروههای وابسته و تحت پوشش فوق الذکر با هدف اقدام علیه امنیت کشور و تحمل شش ماه حبس بجرم تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروههای مخالف آن محکوم می نماید.

**۳۳- علی اکبر سجعی** : فرزند غلامرضا از اعضای فعال و مؤسس هیئت امناء کانون نشر حقایق دینی از تشکلهای وابسته به گروه نهضت آزادی ضمن قبول مسئولیت خود در ارتباط با اعضاء نهضت و ائتلاف گروههای ملی حمایت و همراهی خود با این گروهها ، کانون را پایگاهی برای تجمع آنها دانسته و بعضاً این جلسات در منزل وی برگزار می گردیده و مفاد اطلاعیه و بیانیه های منتشره که بعضاً با نام وی هم بوده را اشتباه و خلاف می داند. بنابراین بزه ارتکابی نامبرده را الف - عضویت در کانون نشر حقایق دینی از تشکلهای وابسته و تحت پوشش گروه غیرقانونی نهضت آزادی و ائتلاف ملی مذهبی با هدف اقدام علیه امنیت کشور و ضدیت با نظام ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروههای مخالف آن محرز و مسلم و عملش را منطبق با مواد ۴۹۹ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و با عنایت به مقررات تعدد جرم موضوع ماده ۴۷ همین قانون و رعایت موارد مخففه موضوع ماده ۴۲ قانون مذکور بجهت عدم سابقه محکومیت و سوءقبت اجتماعی و اوضاع و احوالی که وی تحت تأثیر آن مرتکب بزه گردید و سوابق زندگی به پرداخت بیست میلیون ریال جزای نقدی بجرم عضویت در گروه مذکور با اقدام علیه امنیت کشور و تحمل شش ماه حبس بجرم تبلیغ علیه نظام محکوم می نماید.

(۵۳)

**۳۴- سید محمد ارتضاء:** فرزند میرزا حسن عضو کانون نشر حقایق دینی مشهد و هیئت امنای آن از تشکلهای وابسته به گروه نهضت آزادی ضمن قبول مسئولیت و فعالیت در کانون به حمایت و همراهی این گروه هادرتبیین مواضع آنها و تبلیغ علیه نظام پرداخته و منزل خود رایه این کانون هدیه و منتقل نموده است. لذا بزوار تکاب نامبرده را **الف** - عضویت در کانون نشر حقایق از تشکلهای وابسته به گروه غیر قانونی نهضت آزادی و ائتلاف ملی مذهبی باهدف اقدام علیه امنیت کشور ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروههای مخالف آن مجرم و مسلم و عملش را منطبق با مواد ۴۹۹ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و با عنایت به مقررات تعدد جرم موضوع ماده ۲۷ همین قانون، و رعایت موارد مخففه موضوع ماده ۲۲ قانون مذکور جهت عدم سابقه محکومیت و موافقت اجتماعی و اوضاع و احوالی که وی تحت تأثیر آن مرتکب بزه گردیده به پرداخت بازده میلیون ریال جزای نقدی بجرم عضویت در گروه مذکور باهدف اقدام علیه امنیت کشور و تحمل چهار ماه حبس بجرم تبلیغ علیه نظام محکوم می نماید.

**۳۵- سید حامد علوی:** فرزند سید محمد دارای سابقه کیفری ارتکاب جرایم برضد امنیت کشور از اعضای کانون نشر حقایق دینی و مسئول اداری و مدیر داخلی کانون از تشکلهای وابسته به گروه نهضت آزادی و نیروهای ملی مذهبی با سابقه کیفری ارتکاب جرایم برضد امنیت کشور و هواداری از گروهک منافقین که به ۱۵ سال حبس محکوم گردیده است. با توجه به سوابق ارتکاب جرایم علیه امنیت و وابستگی به منافقین مدعی است به دعوت متهم احمدزاده به عضویت کانون نشر حقایق اسلامی مشهد درآمده و با مسئولان گروههای مخالف نظام ارتباط برقرار نموده و در دست نوشته های خود به رهبرانقلاب و مقام معظم رهبری توهین و آن را از اشتباهات خود دانسته است. بنابراین بزوار تکاب نامبرده را **الف** - عضویت در کانون نشر حقایق دینی از تشکلهای وابسته به گروه غیر قانونی نهضت آزادی و ائتلاف ملی مذهبی ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروههای مخالف آن ج - توهین به امام راحل و مقام معظم رهبری ، د - نگهداری ۱۵ گرم تریاک - راحرز و وعظش را منطبق با مواد ۴۹۹ و ۵۰۰ و ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی و بند یک ماده ۱۰ قانون اصلاحی مبارزه با مواد مخدر دانسته و با عنایت به مقررات تکرار تعدد جرم موضوع مواد ۴۸ و ۴۷ همین قانون و نامبرده را بجرم عضویت در تشکلهای مذکوره تحمل یکسال حبس و بجرم تبلیغ علیه نظام به تحمل شش ماه حبس و بجرم توهین به رهبرانقلاب به تحمل شش ماه حبس و بجرم نگهداری مواد مخدر به پرداخت یک میلیون ریال جریمه و تحمل ده ضربه شلاق محکوم می نماید.

(۵۴)

**۳۶- جمشید منصوریان :** فرزند علی عضو هیئت‌امنی کانون نشرحقایق دینی از تشکل های وابسته به گروه

نهضت‌آزادی وائتلاف ملی مذهبی وعضو جمعیت‌آزادی ملت‌ایران، باقبول مسئولیت خود در تبیین مواضع آنها فعالیت واطلاعیه های صادره از طرف آنها که بعضاً بانام وی بوده را نوعی انتقاد واشتباه می داند. لذا بزوارتکابی نامبرده را الف - عضویت در کانون نشرحقایق قرآنی از تشکلهای وابسته باهدف اقدام علیه امنیت کشور است - تبلیغ علیه نظام وفعالیت بنفع گروههای مخالف نظام را مجرور و عملش را منطبق با مواد ۴۹۹ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و با عنایت به مقررات تعدد جرم موضوع ماده ۳۷ همین قانون در رعایت موارد مخفیه موضوع ماده ۲۲ قانون مذکور بجهت عدم سابقه محکومیت وموقعیت اجتماعی واوضاع واحوال وی نامبرده را به تحمل چهارماه حبس بجرم اقدام علیه اقدام علیه امنیت کشور پرداخت ده میلیون ریال بجرم تبلیغ علیه نظام محکوم می نماید.

**۳۷- و سید جعفر عباس زادگان :** فرزند سید نصرالله عضو تشکلهای فرهنگی وقرآنی و سه شنبه های شیراز وابسته

بانهضت‌آزادی وائتلاف ملی مذهبی ضمن اعلام حمایت وهمراهی خود رابا این گروهها آترانشی از روابط عاطفی دانسته است. بنابراین بزوارتکابی نامبرده را دایره تبلیغ علیه نظام وفعالیت بنفع گروههای مخالف آن مجرور و عملش را منطبق باماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و با عنایت به موارد مخفیه موضوع ماده ۲۲ همین قانون بجهت عدم سابقه محکومیت وموقعیت اجتماعی واوضاع واحوالی که وی تحت تأثیر آن مرتکب جرم گردید به پرداخت ده میلیون ریال جریمه محکوم ودرخصوص اتهام عضویت در گروه نهضت‌آزادی وتشکل های وابسته باهدف برهم زدن امنیت کشور باتوجه به انکار وی وعدم کفایت دلیل رأی برائت صادر واعلام می نماید.

(۵۵)

۳- «محمد ابراهیم زمانی»: فرزند عبدالحسین عضو تشکلهای جلسات هفتگی قرآنی، سه شنبه ها و مسجدالحسین وضعیت نظام و تبلیغ علیه آن و مناقشه حکومت دینی با حکومت تعاونیه و پدید درضرباطعی که کاندیدای انتخابات بوده و تحت تأثیر فضای انتخاباتی مطرح و اشتباه کرده است. لذا بزه ارتکابی نامبرده را مبنی بر تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروههای مخالف آن محرز و مسلم و عملش را منطبق با ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و به تحمل نه ماه حبس بجرم تبلیغ علیه نظام محکوم و از حیث اتهام عضویت در گروه نهضت آزادی و تشکل های وابسته باهدف برهم زدن امنیت کشور با توجه به انکار وی و عدم کفایت دلیل رای برائت صادر و اعلام می نماید.

#### ۳۹- و علی فرید یحیانی: فرزند صادق عضو تشکلهای جمعیت توسعه فرهنگی و هنری قرآنی و

سه شنبه ها وابسته به گروه نهضت آزادی ضمن قبول مسئولیت و فعالیت خود در تشکل های وابسته به نهضت، ارتباط خود با گروههای مخالف نظام و آزادی آشنائی که با مسئولین آن پدید می آید که مطرح می کردند تبلیغ و اظهار داشتند از طریق سایت اینترنتی با آنها ارتباط و فعالیت تحت پوشش در قالب جلسات قرآنی بمنظور حفاظت آنها با حضور مسئولین و اعضای گروههای مخالف نظام در منطقه صورت می گرفت است منجم طرح مطالب تند و توهین آمیز در اطلاعیه و بیانیه ها را باعث تشدید درگیری در دانشگاه تهران و تبریز دانسته و ضمن اعتراض به آن خود را نماینده و همراهِ کنگره ای این گروهها برده است. بنابراین بزه ارتکابی نامبرده را الف - عضویت در تشکلهای وابسته گروه نهضت آزادی باهدف اقدام علیه امنیت کشور ب - تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروههای مخالف آن را محرز و مسلم و عملش را منطبق با مواد ۲۹۹ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و با عنایت به مقررات تعداد جرم موضوع ماده ۲۷ همین قانون و رعایت موارد مختلفه موضوع ماده ۲۳ قانون مذکور جهت عدم سابقه و محکومیت و نیز قیمت اجتماعی و اوضاع و احوالی که مرتکب بزه گردیده نامبرده را به تحمل شش ماه حبس بجرم عضویت در گروه مذکور باهدف اقدام علیه امنیت کشور و پرداخت ده میلیون ریال جریمه بحد تلف علیه نظام محکوم می نماید.

#### ۴۰- جعفر کسبوانچهر: فرزند وهاب عضو تشکلهای جمعیت توسعه فرهنگی و هنری و جلسه


سه شنبه ها وابسته به گروه نهضت آزادی و ائتلاف ملی مذهبی و ولایتین و شرکت کنگره ای در جلسات تحت پوشش گروه نهضت و دیگر گروههای ملی مذهبی، حمایت و همراهِ خود با این گرد هم آرتیبین مواضع آنها را آزادی کنجکاری و برای اینکه کاندیدای آنها محسوب می شده و اعلامیه هایی از آنها پانام امضاء خود صادر نموده است می داند. لذا بزه ارتکابی نامبرده را دایره تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروههای مخالف آن محرز و مسلم و عملش را منطبق با ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و با عنایت به موارد مختلفه موضوع ماده ۲۷ همین قانون با جهت عدم سابقه محکوم و بزه ارتکابی اجتماع وی به برداشتن و میلوند بهالذبح برای نفادی محکوم و نسبت به اتهام عضویت در گروه نهضت آزادی و تشکل های وابسته باهدف برهم زدن امنیت کشور با توجه به انکار وی و عدم کفایت دلیل رای برائت صادر و اعلام می نماید.

(۵۶)

**۴۱- فضل اله صلواتی** : فرزند حیدر از طرفداران و فعالین گروههای وابسته به نهضت آزادی و ائتلاف ملی مذهبی و تشکیل دهنده جلسات تحت پوشش نهضت آزادی و ائتلاف با گروهها و افراد معاند مخالف نظام ملی مذهبی و مبلغ و تبیین کننده مواضع گروههای مخالف نظام بوده و ارتباط با آنها را از روی آشنائی دوران قبل و بعد از انقلاب با مسئولین این گروهها دانسته و از حامیان و همراهی کنندگان آنها بوده و در سخنرانیهای متعدد از جمله در سخنرانی مورخه ۷۸/۵/۲۱ می گوید: « صدر حمت به زمان شاه آن زمان مسیحی به کلیسایی رفت و مسلمانان به مسجد و هیچکس به کار کسی کارنداشت. آن کس که مشربوب می خورد خودش بود و آنکس که مؤمن بود خودش، حکومت آن وقت از خیلی مسائل بهتر بود. در حال حاضر مردم آقا بالا سردارند و امروزه می کنند ... این انقلاب فلج شده است و خطاب حضار عزیزان مقاومت کنید، نترسید، حرف خودتان را بزنید عقب نشینی نکنید با استبداد مبارزه کنید » و یاد سخنرانی مورخ ۷۹/۴/۲۳ می گوید: « امروزاننده های مادریند هستند، علمای ارجحیت کردند ولی اینطور نمی ماند اینها با دست خودشان گور خود را می کنند. مردم اصفهان تلاش کنید همه منتظرند که در اصفهان اتفاق بیفتد تا بقیه شهرها اقدام کنند » و هم چنین در سخنرانی مورخ ۷۹/۴/۱۶ می گوید: « آیا این عدالت است کسی که سواد ندارد و هیچ بعضی از علمایم حساب نشود اینها را بگذارند و رهبر و صحنه ۴ در صورتی که دیگر فقهای واجد شرایط در جیس می باشند، با عتوا وین خلاف و تبلیغات منفی علیه نظام با فباید کلمات موهن و مخدوش کننده علیه آن و تشریفات و تشویق اذهان و تحریک مردم و مقایسه حکومت دینی با حکومت استبدادی شاه و هتک حرمت به مسئولان و حاکمان را برای تهییج مستمعین و ... را نوعی انتقاد و اشباه می داند و قبول دارد که بعضی از انتقادهای طبق قانون جرم بوده است. بنابراین بزه ارتکابی نامبرده را الف - تبلیغ علیه نظام و فعالیت بنفع گروههای مخالف آن ب - جمع آوری و در اختیار قرار دادن اسناد طبقه بندی شده را مخرب و مسلم و عملش را متعلق با مواد ۵۰ و ۵۰ و ۵۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و با عنایت به مقررات متعدد جرم موضوع ماده ۴۷ همین قانون و رعایت موارد مخففه موضوع ماده ۲۲ قانون مذکور جهت عدم سابقه محکومیت و مهفت اجتماعی و سوابق زندگی و اوضاع و احوالی که وی مرتکب بزه گردیده نامبرده را به پرداخت پانزده میلیون ریال بجرم تبلیغ علیه نظام و پرداخت بیست و پنج میلیون ریال بجرم در اختیار قرار دادن اطلاعات طبقه بندی شده محکوم و از حیث اتهام عضویت در گروه نهضت آزادی و تشکل های وابسته با هدف برهم زدن امنیت کشور را توجه به انکار وی و عدم کفایت دلائل رأی برائت صادر و اعلام می نماید.

- ۴۲ - **سید صالح سیدگوانی** : فرزند میرهاشم رأی برائت
- ۴۳ - **محمد رضا باباصفری** : فرزند حسن رأی برائت
- ۴۴ - **صمد فراروئی** : فرزند حسین علی رأی برائت
- ۴۵ - **رنوف طاهری** : فرزند سیف الله رأی برائت

<b>قوة قضائیه</b>  دارگاه انقلاب اسلامی	(ص ۵۷) ❀ ❀ ❀ ❀	تاریخ ۲۶ / ۲ / ۱۳۸۱ شماره ۲۱ / ۸۱ / ۱۴۱ پیوست
<b>دادنامه</b>		
<p>ضمناً مقرری دارد لیام بازداشت قبلی محکوم علیهم‌الذمیزان محکومیت آنان کسر گردد.</p> <p>مضافاً اینکه گروههای مذکور جهت تبیین مواضع انحرافی و مناقضانه و خلاف صریح اصول مسلمة اسلام و انقلاب اسلامی و در ضدیت و مبارزه بانظام جمهوری اسلامی باهدف براندازی آن املاک و اموالی برای ارتکاب جرم و محل اختفاء فعالیتهای غیرقانونی آن اختصاص واز آنها برای تهیه و توزیع نشریات و اعلامیه و بیانیه تشکیل جلسات و سخنرانی استفاده نموده و این املاک و اشیاء و اموال مکشوفه جزء دلایل و تجهیزات و امکانات و وسیله ارتکاب جرم محسوب می گردد لذا دادگاه استناداً به ماده ده قانون مجازات اسلامی حکم به ضبط اموال و املاک مکشوفه گروههای فوق از جمله واحدهای ذیل :</p>		
۱ - ضلع شمال غربی طبقه همکف به شماره پلاک ثبتی ۶۹۳۳/۴۶۸۸۱ ۲ - ضلع شمال شرقی طبقه دوم به شماره پلاک ثبتی ۶۹۳۳/۴۸۸۴ ۳ - ضلع جنوب شرقی طبقه دوم به شماره پلاک ثبتی ۶۹۳۳/۴۸۸۵ ۴ - ضلع شمال غربی طبقه دوم به شماره پلاک ثبتی ۶۹۳۳/۴۶۸۸۶ ۵ - ضلع شمال غربی طبقه سوم به شماره پلاک ثبتی ۶۹۳۳/۴۶۸۸۹ جزء ساختمان شماره ۲۳۳ واقع در خیابان شهید مطهری ۶ - ملک کانون فرهنگی نشر حقایق اسلامی مشهد واقع در کوهسنگی ۲۸ حکیم نظامی ۲۸ پلاک ۱۰ که از وجوه کمکهای نقدی و غیرنقدی اعضاء و علاقمندان گروه نهضت آزادی و تشکلهای وابسته آن تهیه و بلحاظ غیرقانونی بودن گروه مذکور ضروری بنام اعضاء این گروه از جمله آقایان: ابراهیم یزدی، مهدی بازرگان، عبدالعلی بازرگان، محمدحسین بنی اسدی، وحید منصوریان، ناصر احمدزاده، خانم یزدانی مقدم و... می باشد. و دیگر اموال و اشیاء مکشوفه اعم از کس کامپیوتر و غیره بشرح لیست منمکس در پرونده و وجه مندرج در حسابهای شماره ۲۳۷۶/۶۵ و ۲۷۲۱ و بانک صادرات شعبه مبارزان کد ۲۸۶۳، بنام آقایان بیژن گل افرا و حسن اربابی و ابوالفضل بازرگان و مسموعی متعلق به گروه نهضت آزادی رابنفع دولت جمهوری اسلامی صادر و اعلام می نماید.		
این رأی حضوری بوده و به استثنای موضوع محکومیت بزه انشایی مواد مخدر محکومین ردیفهای هفدهم و احمد		
رونوشت		

**قوة قضائيه**  
  
 دارگاه انقلاب اسلامی

(ص ۵۸)  
 ❀ ❀ ❀ ❀

**دادنامه**

تاریخ: ۱۳۸۱ / ۲ / ۲۴  
 شماره: ۲۱ / ۸۱ / ۱۴۱  
 پیوست:

صدرحاج سید جوادی «وسی و پنجم» حامد علوی «که قطعی است نسبت به سایر موارد پس از ابلاغ ظرف مدت بیست روز قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان تهران می باشد.

پرونده در مورد متهمین: ۱ - ابراهیم یزدی ۲ - عبدالعلی بازرگان ۳ - غلامعباس توسلی ۴ - رضا صدر و سایر اعضای گروه غیرقانونی نهضت آزادی مفتوح اعلام می گردد. ۱۴/۰۱/۵۱۵۰۰۰۰۱

**رئیس شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی تهران**  
**\*\* حسن بابائی \*\***

رونوشت  
 بر روی پاکت اصلی بسته  
 دفتر دادگاه شعبه بیست و یکم انقلاب اسلامی تهران



## پیوست شماره ۶

بسمه تعالی

تاریخ: ۹۲/۱/۲۷

ریاست محترم دایه‌یاری اجرای احکام مستقر در داهسرای شهید مقدس اوین

موضوع: رفع بازداشت وثیقه‌های پرونده سال ۱۳۸۰

با سلام و احترام، نظر به این که به موجب نامه شماره ۴۰۶۴/۸۰/۲۶۳ ط د شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی تهران در سال ۱۳۸۰ جهت قرار صادر شده پرونده دادنامه شماره ۱۴۱/۲۱/۸۱ به مبلغ دویست میلیون تومان، چهار سند به شرح زیر بازداشت شده است:

- ۱- ملک شماره ۳۵۲۶۷۲۸۵۱۲ به نام آقای محمد توسلی حاجی به مساحت ۹۶۷۴۱ متر مربع واقع در خیابان ولیعصر - کوی زرین - پلاک ۸ - طبقه دوم غربی
  - ۲- ملک شماره ۳۵۲۶۷۲۸۵۱۰/۲۸۵۱۱ به نام آقای احمد توسلی حاجی و احسان توسلی حاجی (هر یک سه دانگ) به مساحت ۸۷/۶۷ واقع در خیابان ولیعصر - کوی زرین - پلاک ۸ طبقه دوم شرقی.
  - ۳- ملک شماره ۳۵۲۶۷۲۸۴۱۵/۲۸۴۱۶ به نام خانم عصمت یزدی (چهاردانگ) و خانم سکنیه منجبت کاران (دو دانگ) به مساحت ۸۷۵۵ متر مربع واقع در خیابان ولیعصر - کوی زرین - پلاک ۸ طبقه سوم شرقی.
  - ۴- ملک شماره ۳۷/۵۶۴۴ به نام آقای محمد توسلی حاجی به مساحت ۱۴۷/۸۷ متر مربع واقع در دروس - خیابان احتشامیه - کوچه حاکباز - پلاک ۸ - واحد شماره چهار.
- این ملک به عنوان بازداشت معوض به موجب نامه شماره ۱۷۸۸۸۱ شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران جایگزین سندقبلی شده است.

با توجه به این که پیش از ۱۰ سال از حکم سال ۱۳۸۰ گذشته و مطابق مفاد مواد ۱۷۳ و ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مشمول مرور زمان شده و بعلاوه تا کنون حکم دادگاه تجدید نظر به اینجانب و یا وکیل اینجانب ابلاغ نشده است، خواهشمنداست مقرر فرمایند از سندهای فوقی رفع بازداشت بعمل آید.

لازم به یادآوری است که در پرونده بازداشت سال ۹۰ کلاسه شماره ۱۱۱۵۴/۸۸ ط د وثیقه یکصد میلیون تومانی اخذ شده که در اختیار آن دایه‌یاری محترم قرار دارد.

در صورتی که به هر علت رفع بازداشت از وثیقه‌های فوق‌الذکر مربوط به پرونده سال ۱۳۸۰ قانوناً امکان پذیر نمی‌باشد، خواهشمنداست مقرر فرمایند، ملک ردیف اول به شماره ۳۵۲۶۷۲۸۵۱۲ که به نام اینجانب می‌باشد کارشناسی شود و سند این وثیقه در پرونده سال ۱۳۸۰ در بازداشت باقی بماند.

با تقدیم احترام

محمد توسلی

## پیوست شماره ۷

بسمه تعالی

### ریاست محترم دیوان عالی کشور

اینجانب محمد توسلی (حجتی) فرزند رضا ضمن تأیید مفاد دفاعیه حقوقی (بخش اول) و دفاعیه سیاسی (بخش دوم) و پیرو مدافعات شفاهی چهار جلسه دادگاه انفرادی در تاریخ های ۲۶، ۲۷، ۲۹ و ۳۰/۸/۱۳۸۰ و آخرین دفاع دادگاه بدوی مورخ ۸۰/۹/۲۶ که متن کامل آن منضم به پرونده می باشد ذیلاً درخصوص مواردی که در دادنامه به نام اینجانب اشاره شده است توضیحاتی اضافه می کنم:

#### ۱ - ارتباط با بیگانگان

۱/۱ - ملاقات اینجانب با آقای جان دی استمپل در سال ۱۳۵۷ مربوط به مذاکرات سیاسی (دیپلما سی) انقلاب است که مرحومان مهندس مهدی بازرگان و دکتر یدالله سبحانی با مأمور سفارت آمریکا انجام دادند و اینجانب به عنوان مترجم حضور داشتم. به علت مسئولیت های متعدد در جریان تدارک و مدیریت انقلاب که در مدافعات و آخرین دفاع دادگاه بدوی توضیح داده شده است در ادامه مذاکرات با نظر مرحوم مهندس بازرگان، آقای مهندس عباس امیرانتظام این مسئولیت را دنبال کردند. برای حفاظت از فعالیت های دوران تدارک و مدیریت انقلاب، خود را با نام «محمد توکلی» معرفی کردم تا شناخته نشوم و قطعاً دادگاه محترم به مفهوم این اقدام که دیدگاه اینجانب را نسبت به بیگانگان نشان می دهد، توجه دارند.

شایان ذکر است که بعد از تشکیل شورای انقلاب، با تأیید آن شورا مذاکرات سیاسی ادامه یافت و بعضی از اعضای روحانی شورای انقلاب نیز در مذاکرات شرکت داشتند و همزمان حضرت امام (ره) نیز در پاریس با نماینده ویژه دولت آمریکا مذاکرات سیاسی مشابهی را داشتند که مشروح آنها در کتب تاریخی آن دوره مندرج می باشد. به نظر اینجانب اسناد مذاکرات سیاسی انقلاب در سال ۵۷ از برگ های زرین تاریخ انقلاب اسلامی ایران است و نقش تعیین کننده آن را در تسهیل پیروزی انقلاب نشان می دهد.

۲/۱ - ملاقات با مقامات سفارتخانه های مقیم تهران (سفر یا کارداران) در چارچوب وظایف احزاب (مفاد مواد ۶ و ۱۶ قانون احزاب) و پروتکل وزارت امور خارجه صورت گرفته است. این دیدارها در دو دهه بعد از انقلاب به دفعات با مرحوم مهندس بازرگان و آقای دکتر ابراهیم یزدی به عنوان شخصیت های سرشناس انقلاب انجام شده است و حضور اینجانب و سایر اعضای دفتر سیاسی در سال های اخیر برای آشنایی و مشارکت در مذاکرات سیاسی و تهیه صورت جلسات این مذاکرات بوده است. صورت جلسات این ملاقات ها بخوبی نشان می دهد که مذاکرات مطابق عرف جهانی بوده و مطلبی خلاف قانون، مصالح نظام و منافع ملی نبوده است. سفرها و کارداران جمهوری اسلامی ایران نیز ملاقات های مشابهی با رهبران احزاب موافق و مخالف کشورهای متبوع خود دارند و به علت متعارف بودن این ملاقات ها هیچگاه مورد اعتراض مقامات مسئول آن کشورها واقع نشده است.

## ۲- شرکت در کنفرانس‌های خارج از کشور

اینجانب در هیچ کنفرانسی مربوط به گروه‌های مخالف نظام در خارج از کشور شرکت نداشته‌ام. در سال‌های بعد از انقلاب یک بار در سال ۱۳۶۴ در سفر تاریخی مرحوم مهندس مهدی بازرگان به کنگره جهانی شرق‌شناسان در آلمان همراه ایشان بودم که کاملاً جنبه علمی و دینی داشت. حضور ایشان در این کنگره و ارائه مقاله علمی درخصوص سه جلد کتاب *سیر تحول قرآن* و معرفی ایشان به عنوان اولین نخست‌وزیر دولت موقت انقلاب، موجب اعتبار و تقویت نظام و معرفی قرآن و اسلام گردید که تفصیل گزارش این سفر در کتاب *در تکاپوی آزادی* قسمت دوم زندگینامه مهندس بازرگان چاپ ۱۳۷۹ آمده است.

در اسفند ۱۳۷۸ مؤسسه فرهنگی «هاینریش بل» دعوت مشابهی از آقای دکتر ابراهیم یزدی به محل آورد و اینجانب بنابه توصیه و مصوبه دفتر سیاسی همراه ایشان بودم. جریان کامل جلسات این سفر در هدفیات و آخرین دفاع دادگاه بدوی به تفصیل آمده است و در تمام این جلسات که به صورت عمومی و با شرکت ایرانیان مقیم شهرهای برلین، فرانکفورت و کلن آلمان و افرادی از گروه‌های مخالف نظام برگزار شد، به مسئولان گروه‌های مخالف پاسخ داده شد و از مصالح نظام و منافع ملی دفاع شده است. متن سخنرانی آقای دکتر ابراهیم یزدی و سخنرانی اینجانب در جلسه رسمی مؤسسه هاینرش بل در شهر برلین پیوست می‌باشد. به طوری که ملاحظه می‌فرمایید محور اصلی مطالب دو سخنرانی در راستای مصالح و منافع ملی بوده است.

«سند دست‌نوشته مکشوفه!» مذکور در صفحه ۱۷ دادنامه یادداشت‌های روزانه این سفر در سرسید اینجانب است که مأموران دادگاه انقلاب در تاریخ ۸۰/۱/۱۸ از کتابخانه منزل اینجانب برداشته‌اند. بر اساس یادداشت‌های سرسید در این جلسات که به صورت عمومی برگزار شده است جز پاسخ‌گویی به سؤالات شرکت‌کنندگان هیچ‌گونه ارتباط خاصی با شرکت‌کنندگان این جلسات وجود نداشته است. در حاشیه این جلسات دو تن از ایرانیان مقیم خارج از کشور با آقای دکتر یزدی و با حضور اینجانب دیدار کوتاهی داشتند و جریان تحولات فکری و مواضع گذشته خودشان را توضیح دادند و آقای دکتر یزدی درخصوص التزام به قانون اساسی در مبارزات قانونی تذکراتی را مطرح کردند که کلاً در راستای مصالح و منافع ملی بوده است و هیچ‌گونه ارتباط بعدی با هیچ‌یک از آنان صورت نگرفته است.

موارد مذکور در صفحه ۱۸ دادنامه با عنوان اقرار اینجانب در پرونده «کذب محض» است و چنین مطالبی هیچ‌گاه در پرونده و مکتوبات اینجانب وجود ندارد.

## ۳- ائتلاف نیروهای ملی-مذهبی

مطالب مندرج ذیل بند د صفحه ۱۸ دادنامه درخصوص همکاری نهضت آزادی ایران با سایر نیروهای ملی-مذهبی در مقطع انتخابات مجلس ششم با عنوان ائتلاف نیروهای ملی-مذهبی خلاف واقع و تحریف سوابق و بعضاً کذب محض است که در آخرین دفاع اینجانب به تفصیل توضیح داده شده است. همکاری نهضت آزادی ایران در مقاطع انتخابات با سایر گروه‌های اجتماعی در دو دهه بعد از انقلاب کاملاً مشهود است. در انتخابات دوره اول مجلس با نام «همنام» آغاز شده است و در انتخابات مجلس ششم با عنوان ائتلاف نیروهای ملی-مذهبی صورت گرفته است و تماماً در چارچوب قانون و مصالح نظام و منافع ملی بوده است. چارچوب این همکاری در آیین‌نامه‌ای منعکس شده است که به امضای هشت گروه تشکیل‌دهنده ائتلاف رسیده است. دادگاه

انقلاب متأسفانه برای تحریف سوابق و پرونده‌سازی علیه نهضت آزادی هیچگاه در جریان رسیدگی دادگاه و نهایتاً در این دادنامه به این آیین‌نامه حتی اشاره‌ای ندارد و به‌جای آن به «منشور همبستگی» اشاره کرده است که هیچ‌گاه ما آن را ندیده‌ایم و به «میثاق نیروهای ملی- مذهبی پیشنهادی» تأکید می‌کند که بعد از انتخابات مجلس ششم در اسفند ۷۹ در شورای هماهنگی ائتلاف برای بررسی و اظهارنظر در اختیار نماینده نهضت آزادی قرار داده شد که به گواه صورت‌جلسات دفتر سیاسی نهضت، فرصتی برای مطرح شدن آن نبوده است و مطالب نقل شده از قول آقایان مهندس ابوالفضل بازرگان و خسرو منصوریان در این خصوص همان‌طور که خود توضیح داده‌اند خلاف واقع و کذب محض است.

در آیین‌نامه مصوب شورای هماهنگی ائتلاف نیروهای ملی- مذهبی تصریح شده است که «نیروهای ملی- مذهبی درون این ائتلاف معتقد به فعالیت مسالمت‌آمیز در چارچوب التزام به قانون اساسی، مقید به مصالح و منافع ملی و نیز پیگیری تحقق حقوق اساسی (ملت) مصرح در قانون اساسی می‌باشد» و لذا همکاری‌ها برای شرکت در انتخابات شکل گرفته که حق قانونی و طبیعی شهروندی مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است و عملی خلاف قانون و مصالح نظام و منافع ملی انجام نشده است. هدف از این‌گونه همکاری‌ها جلب مشارکت بیشتر مردم در انتخابات و تقویت نظام و اعتبار جهانی ایران بوده است که با برداشته شدن و ظن و گمان‌های دادنامه کاملاً مغایرت دارد.

مطالب مربوط به ائتلاف نیروهای ملی- مذهبی در رأی اینجانب، تحریف سوابق و مواردی کذب محض است. همان‌گونه که توضیح داده شد اساس همکاری ائتلاف بعد از انتخابات مجلس ششم آیین‌نامه‌ای است که به امضاء ۸ گروه تشکیل دهنده رسیده و نسخه‌ای پیوست هدف‌ها می‌باشد که به رغم تذکرات متعدد در مدافعات دادگاه بدوی در دادنامه صادر شده حتی به آن اشاره نشده است. ائتلاف نیروهای ملی- مذهبی بعد از انتخابات مجلس ششم برای مشارکت در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۰ همکاری خود را به صورت موقت در قالب آیین‌نامه مصوب مذکور تنظیم نموده بود و لذا هیچ عملی خلاف قانون و مصالح نظام و منافع ملی صورت نگرفته است.

#### ۴- عضویت و همکاری با نهضت آزادی ایران

اینجانب از سال ۱۳۳۵ که وارد دانشکده فنی دانشگاه تهران شدم به عنوان عضو انجمن اسلامی دانشجویان فعالیت دینی و اجتماعی خود را آغاز کرده و از سال ۱۳۴۰ که نهضت آزادی ایران تأسیس شده است به عنوان یک دانشجوی مسلمان عضویت آن را پذیرفته و با انگیزه دینی و برای جلب رضای الهی و خدمت به مردم، چه در ایران و چه در دوران ادامه تحصیل در خارج از کشور در اروپا و آمریکا و سپس در منطقه خاورمیانه و بعد از سال ۱۳۴۶ که به ایران مراجعت کرده‌ام به وظایف انسانی، ملی و دینی متناسب با شرایط به فریضه اجتماعی دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر عمل نموده‌ام. قصد و نیت در این اعمال صالح و اجتهاد همواره انجام وظیفه دینی و اجتماعی و خدمت به مردم بوده است. بررسی مجموعه نشریات و مواضع مکتوب و اقدامات نهضت آزادی ایران بعد از تأسیس سال ۱۳۴۰ به ویژه بعد از تجدید سازمان نهضت در سال ۱۳۵۹ به وضوح نشان می‌دهد که کلیه سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات در چارچوب قانون اساسی، پاسداری از اصول و آرمان‌های اصیل و اولیه انقلاب و انجام فریضه اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر بوده است. هروری بر

مواضع و اظهارنظرهای گذشته نهضت و وضعیت کنونی جامعه نشان می‌دهد که بسیاری از پیش‌بینی‌ها و تذکرات و نقدهای مشفقانه به حاکمان، محقق شده و قصد و نیت خیر نهضت آزادی ایران را نشان می‌دهد. براساس دلایلی که قبلاً توضیح داده شده است فعالیت نهضت آزادی ایران بعد از انقلاب قانونی و ملی غیررسمی بوده و اینجانب از سال ۱۳۷۷ مسئول دفتر سیاسی و در مقطع انتخابات مجلس ششم عضو ستاد هماهنگی انتخابات ائتلاف نیروهای ملی-مذهبی بوده‌ام و کلیه اقدامات علنی و در چارچوب قانون صورت گرفته است و مسئولیت اظهارنظرهای مشفقانه و اقدامات خیرخواهانه را که در نشریات نهضت آزادی مندرج می‌باشد، می‌پذیرم.

تأکید بر این نکته ضروری است که نهضت آزادی ایران از سال ۱۳۶۰ براساس مصوبات کنگره‌ها و شورای مرکزی آن فعالیت تشکیلاتی در خارج از کشور را به مصلحت ندانسته و صرفاً به توزیع نشریات نهضت در خارج از کشور توسط برخی علاقمندان که از اعضای قدیمی انجمن‌های اسلامی دانشجویان خارج از کشور بوده‌اند بسنده کرده است. اینجانب جز در دو سفر همراه با مرحوم مهندس بازرگان در سال ۱۳۶۴ و همراه آقای دکتر یزدی در سال ۱۳۷۸ که شرح آنها قبلاً گذشت هیچ‌گونه «ارتباط با بیگانگان و گروه‌های ضدانقلاب و معاند خارج‌نشین» نداشته‌ام و موارد مذکور در دادنامه را تکذیب می‌کنم.

#### ۵- عضویت و همکاری با انجمن اسلامی مهندسين

اینجانب از سال ۱۳۴۰ عضو انجمن اسلامی مهندسين و در سال‌های بعد از انقلاب عضو شورای مرکزی آن بوده‌ام و به لحاظ خدمات فرهنگی و اسلامی و نقشی که این انجمن در توسعه فرهنگی، اجتماعی و دینی کشور در حدود پنج دهه گذشته ایفاء نموده است به این عضویت افتخار می‌کنم و خداوند را برای این توفیق سپاس می‌گذارم.

انجمن اسلامی مهندسين نهادی است مستقل و هیچ‌گونه ارتباط سازمانی و تشکیلاتی با نهضت آزادی ایران نداشته است.

#### ۶- همکاری با بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان

اینجانب عضو هیئت امنا بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان بوده‌ام. این بنیاد که توسط خانواده محترم مرحوم مهندس بازرگان و جمعی از علاقمندان ایشان تأسیس شده است کاملاً مستقل بوده و برناهی آن چاپ مجموعه آثار مهندس بازرگان و کتب فرهنگی مشابه بوده و در «جایگاه مؤلف» آثار تدوین شده از طریق ناشران رسمی و با مجوز وزارت ارشاد چاپ شده است و لذا کلیه اقدامات فرهنگی بوده و در چارچوب قانون صورت گرفته است.

ضمناً جمله زیر در ادعای من از قول اینجانب نقل شده بود که در مدافعات دادگاه بدوی آن را تکذیب و درخواست ارائه منبع آن را نمودم، ولی هیچ‌گاه به این درخواست مشروع و قانونی عمل نشد.

«ما به مبارزه علنی، آرام و مسالمت‌آمیز اعتقاد داریم و معتقدیم باید درون همین حاکمیت تحولات ایجاد و نظام را استحاله کرد»

متأسفانه مجدداً در رأی صادره این جمله منتسب به اینجانب نقل شده است که مجدداً آن را تکذیب و درخواست ارائه منبع آن را می‌نمایم.

باتوجه به مفاد مدافعات عمومی سیاسی و حقوقی و توضیحات تکمیلی در موارد اتهامات اختصاصی، مقام محترم دیوان عالی کشور ملاحظه می‌فرمایند که قصد و نیت اینجانب در طول چند دهه گذشته انجام فریضه اجتماعی و دینی و خدمت به مردم در راستای آموزه‌های اسلامی و قرآنی بوده و جز جلب رضای الهی انگیزه‌ای نداشته‌ام و عملی برخلاف قانون و مصالح و منافع ملی صورت نگرفته است و امروز که به سوابق تاریخی چند دهه مواضع فکری، سیاسی و اقدامات منسجم پیشگامان نهضت آزادی ایران در راستای خدمت به ایران و اسلام مرحومان آیت‌الله طالقانی، مهندس بازرگان و دکتر یدالله سبحانی نظر می‌افکنم از این‌که به‌عنوان یک عضو در این خدمات مشارکت داشته‌ام افتخار و مباهات می‌نمایم و برای این فضل و رحمت الهی که بر این بنده خود ارزانی فرموده خداوند را بسیار شکر می‌گذارم. الحمدلله الذی هدینا لهذا و ما کننا لنهتدی لولا ان هدینا الله.

باتوجه به مراتب بالا مجدداً از مقام محترم دیوان عالی کشور نقض دادنامه صادر شده توسط دادگاه انقلاب و ارجاع پرونده به دادگاه صالحه مطابق اصل ۱۶۸ قانون اساسی را درخواست می‌کنم.

محمد توسلی

۸۱/۵/۲۴

## پیوست شماره ۸

۱۳۸۰/۱/۲۴

به نام خدا

ولایجرمنکم شأنُ قوم علی الاتعدلوا  
اعدلوا هو اقرب للتقوی واتقوا الله  
ان الله خبیر بما تعملون (مانده ۸)

حضرت آیت الله شاهرودی، ریاست محترم قوه قضائیه  
سلام علیکم

بی شک مستحضرید که در روز هجدهم فروردین ماه جاری، نیروهایی از دادگاه انقلاب (که مجموعه‌ای تحت اشراف و نظارت جنابعالی است) بطور همزمان در تهران و شهرستانها، به منازل و محل کار گروهی از اعضای نهضت آزادی ایران و همفکران آنان وارد شده و پس از ساعتهای متمادی جستجوی اثاث، مدارک شخصی، کتب، کامپیوتر، نوشته‌ها، عکسها و غیره اقدام به دستگیری افراد و بردن وسایل آنان کردند.

اینگونه مراجعات همزمان و جستجوی منازل البته برای خویشان و نزدیکان نهضت آزادی ایران تازگی ندارد زیرا در رژیم گذشته و کنونی، بارها و بارها این تجربه تلخ به تکرار آمده است. لیکن آنچه برای ما بیش از همه چیز شگفت می‌نماید، نوع بهتان و برجسی است که این بار دادگاه انقلاب بر جبین این گروه نهاده است.

آخر چگونه می‌توان گروهی که بخش اعظم عمر خود را صرف مبارزه برای استقرار نظام جمهوری و مردم‌سالاری متکی بر دین مبین اسلام کرده‌اند را متهم به براندازی نمود. یعنی خود مقدم در براندازی نظامی هستند که سالها برای ایجاد آن تحمل زندان، تبعید و مرارت کرده‌اند؟  
جناب آقای شاهرودی

دستگیری به بهانه "بیم تبانی" چگونه قابل تصور است در حالیکه بسیاری از همسران و پدران دستگیر شده ما در هنگام مراجعه مأموران دادگاه انقلاب، در منزل نبوده‌اند و به محض آگاهی، خود به خانه مراجعه کرده آرام و متوکل، با چمدانی که همواره برای آنان آماده داریم، رهسپار زندان شده‌اند. آیا اینانند کسانی که در امنیت کشور اخلال کرده‌اند؟ چه عمل مسلحانه و چه رفتاری متناسب با کودتا و براندازی (متناسب با مواد ۱۸۷، ۱۸۸ و ۵۰۴ قانون مجازاتهای اسلامی) در آنان سراغ دارید؟ کسانی که در طول ۲۲ سال گذشته علیرغم تهمتها، افتراها و حملات گسترده گروههای فشار، به جای خروج از کشور و مهاجرت به گوشه عافیت، تخصصهای خود را در خدمت به مردم، عمران و اصلاح کشور به کار گمارده‌اند.



جناب آقای شاهرودی

هنگامی که وزارت اطلاعات این کشور، که خود قانوناً مسئول کشف جرائمی اینچنین است، در مورد این گروه برجسب براندازی را ناروا می‌شمارد، چه بینه‌ای برای مدعی باقی است؟ در آنصورت آیا اقدام دادگاه انقلاب خود نوعی تشویش اذهان عمومی، اخلال در امنیت اجتماعی، بحران‌آفرینی و وهن قوه قضائیه نیست؟

چگونه است که اطلاعاتیه مبنی بر براندازی، حتی پیش از دستگیری در اختیار صدا و سیما قرار گرفته و این رسانه بارها و بارها اتهام ضدیت با نظام و براندازی را پیش از اثبات در کوی و برزن جار می‌زند و زمینه‌ای فراهم می‌سازد که عده‌ای نیز از آب گل‌آلود سود جسته و بدون هیچ مسئولیت قضائی، زمزمه احکام شداد و غلاظ سردهند؟

جناب آقای شاهرودی

در کشوری که همه ارکان آن ادعای پیروی از سیره نبی(ص) و حکمت علی(ع) را شعار خود ساخته‌اند، چگونه است که عده‌ای از عزیزان ما را - که بعضاً کهنسال و رنجورند- از کار و زندگی خود منفک کرده به نقطه‌های نامعلومی در سلولهای تنگ انفرادی در بازداشتگاههای غیررسمی نظامی، به اسارت می‌برند و تا مدت‌ها بدون بهره‌مندی از وکیل، همسران و فرزندان را از وضعیت جسمی و روحی آنان در برهوت بی‌خبری نگه می‌دارند؟ آیا این کمترین حق یک شهروند در این کشور نیست که بداند خویشاوندش در چه مکان و شرایطی و تحت چه رفتاری نگهداری می‌گردد؟

جناب آقای شاهرودی

کلیه خانواده‌های زندانی از شما بعنوان ریاست قوه قضائیه این کشور انتظار دارند که به این گونه اقدامات سؤال‌برانگیز که به هیچ روی به مصلحت کشور نبوده، آرامش ضروری آن را در آستانه انتخابات حساس امسال برهم می‌ریزد، پایان دهید و شرایطی را فراهم سازید تا هر چه زودتر زندانیان به جمع خانواده خود بازگردند.

چه خوب است مدت کوتاه ریاستها و مناصب فانی دنیا، هزینه تدارک نام نیک و عاقبت محمود گردد.

خانواده های : اح مدزاده ، ارّ ضاء ، ا شفاق ، بازر گان ، بنی سدی ، تو سلی حجتی ، ر ضایی ، سرجمعی ، صباغیان ، ا ملوی ، غروی ، فرزندی ، م سکین ، م سموعی ، منصوریان(جمشید) ، منصوریان (خسرو) ، نعیم پور .

رونوشت : ریاست محترم جمهوری ، جهت اطلاع .

رونوشت : مجلس شورای اسلامی ، کمیسیون اصل نود قانون اساسی، جهت اطلاع و پیگیری .

رونوشت : مجلس شورای اسلامی ، کمیسیون قضائی و حقوقی، جهت اطلاع و پیگیری .

رونوشت : مجلس شورای اسلامی ، کمیسیون امنیت ملی، جهت اطلاع و پیگیری .



۸۰/۱/۲۷

بنام خدا

جناب آقای سید محمد خاتمی ریاست محترم جمهوری

سلام علیکم

اینجانبان به نمایندگی از سوی خانواده زندانیان نهضت آزادی ایران که اخیراً (در تاریخ ۸۰/۱/۱۸) توسط دادگاه انقلاب بطور یکپارچه در تهران و شهرستانها دستگیر شده‌اند، لازم میدانیم نکات چندی را باستحضار جنابعالی برسانیم.

شما نیک میدانید که نهضت آزادی ایران و همفکران ملی مذهبی بطور کلی و بلحاظ مشرب فکری، اعتقادی به تدریجی غیر منطقی و افراطی نداشته، در طول تاریخ حیات خود به عنوان منتقدی دلسوز همواره جامعه را به اعتدال و آرامش دعوت کرده در تحقق نظامی مبتنی بر آزادی و مردم سالاری متکی بر دین پیشگام بوده‌اند.

برای مردم ما متناسب ساختن این گروه به براندازی، تشویش اذهان و فتنه گری، از جمله برجسب‌های ناچسبی است که عارف و عامی به آن می‌خندند. اما در همه حال تبعات چنین اتهام خطرناکی نیز بر هیچکس پوشیده نیست. لذا در صورتیکه مصلحت بدانید نمایندگان خانواده‌ها مایلند طی جلسه‌ای در حضور، جنابعالی نکات بیشتری را پیرامون چگونگی دستگیری، نوع برخورد دادگاه انقلاب و وضعیت جسمی دستگیرشدگان باطلاع آن مقام محترم برسانند. شاید از اینطریق بتوان اقدام شایسته‌ای در جهت آزادی آنان و رفع معذوریت‌های و برخوردهای خلاف قانون انجام داد.

پیشاپیش از بذل عنایتی که میفرمائید سپاسگذاریم./

زهره محققی (نعیم‌پور) فرشته بنی‌اسدی فاطمه فرهنگ‌خواه (منصوریان) طیبه اشفاق



بسمه تعالی

۸۰ / ۲ / ۹

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

حجت الاسلام و المسلمین کربوبی

با عرض سلام و احترام

چنانچه مستحضرید، در پی اطلاعیه دادگاه انقلاب اسلامی در آخرین روزهای سال گذشته مبنی بر کشفیات جدید (!) در رابطه با نهضت آزادی و نزدیکان ایشان، این دادگاه اقدام به صدور قرار بازداشت و بازرسی منازل تعدادی از اعضاء و نزدیکان ایشان به تاریخهای متفاوت (۸۰/۱/۳۰، ۸۰/۱/۱۸، ۷۹/۱۲/۳۰) نموده و در تاریخ ۸۰/۱/۱۸ به دستگیری و بازرسی منازل و محل کار ایشان به صورت هماهنگ پرداخت و بعضاً منازل همسایگان و کارمندان دفاتر کار ایشان نیز از تعرض مصون نماندند. با توجه به اینکه افراد دستگیر شده عموماً افراد شناخته شده و دارای مناصب دانشگاهی و اجتماعی بوده و بعضاً در سنین بیش از ۶۰ سال به سر می‌برند و اینکه نهضت آزادی ایران به تأیید حافظه‌های زنده و مکتوب تاریخ، از بدو تأسیس همواره تئوری اصلاح در چارچوب قانون را وجه همت خویش قرار داده و هیچگاه به اقدامات براندازانه اعتقاد نداشته است، اتهام براندازی و اطلاعیه‌های دادگاه انقلاب در این زمینه عجیب و دور از ذهن به نظر می‌رسد. با توجه به موارد مذکور ما خانواده‌های دستگیرشدگان، از جنابعالی، رئیس محترم مجلس، تقاضای تعیین وقت جهت توضیح بیشتر و ارائه درخواست پیگیری برای رفع هر چه سریعتر مسائل را داریم.

از طرف خانواده زندانیان نهضت آزادی و سایر همفکران:

طیبه اشفاق، فرشته بازرگان(بنی‌اسدی)، زهرا بندگانی(مسموعی)، سارا توسلی، فرزانه توحیدی(صباعیان)، سعید سرجمعی، مریم صالحی(منصوریان)، فاطمه فرهنگ‌خواه(منصوریان) ملیحه کیان‌فر(سرجمعی)، نژاد شاکرین(بازرگان)، مسیح غروی، سوده منصوریان، وحید منصوریان، زهره محقق(نعیم‌پور)، نیاز نعیم‌پور، عصمت یزدی(توسلی)

با سپاس از توجه شما

محمد طاهری قزوینی



به نام خدا

۱۳۸۰/۲/...

"بیت الله الذین آمنوا بالقول الثابت فی الحیوه الدنیا و فی الآخره"

### حضرت آیت الله خامنه‌ای، مقام معظم رهبری

سلام علیکم

اینجانبان خانواده‌های زندانیان سیاسی نهضت آزادی ایران و جمعی از نیروهای ملی-مذهبی، که در ادامه عوج دستگیریهای اسفندماه، بطور همزمان در هجدهم فروردین‌ماه بازداشت شده‌اند، شایسته دیدیم بر حسب وظیفه شرعی و انسانی خود نکاتی چند را با حضرتعالی درمیان گذاریم.

معرفی و شرح حال پدران و همسران ما که اکنون دو هفته است در سلولهای تنگ انفرادی به سر می‌برند، برای جنابعالی خالی از ضرورت است زیرا خود بسیاری از آنان را از سالهای مبارزه در رژیم پهلوی بخوبی می‌شناسید و به سلوک فرهنگی و سیاسی آنان واقفید. پیشینه سالها تلاش برای استقرار حکومتی مبتنی بر آراء مردم، حکومتی بدون فساد و استبداد، بر پایه دین مبین اسلام آنها با پیروی از مشی اعتدال و خردگرایی، چیزی نیست که از دیده‌ها پنهان بماند.

چه وصله ناچسبی است تهمت دادگاه انقلاب بر دامن کسانی که سلاحی جز بیان کین و ناصح در اختیار نداشته و عمر بر فریضه امر به معروف و نهی از منکر سپرده‌اند.

اکنون حضرت آقای خامنه‌ای

آیا می‌دانید با کسانی که به این تهمت خطرناک اسیرند چه رفتاری صورت می‌گیرد؟

به ادعای برخی از مطلعین، آنان در سلولهای تنگ بدون نور و تهویه مناسب، بدون حق استفاده از قرآن، کتاب و نشریه، در بی‌خبری مطلق از دنیای بیرون نگهداری می‌گردند و در ساعات نیمه شب، علیرغم خستگی و خواب‌آلودگی به بازجویی‌های دراز مدت و پرتنش با چشمهای بسته احضار می‌گردند.

در مورد وضعیت بهداشتی این سلولها که در زندانهای غیر رسمی و نظامی واقع‌اند و دسترسی این افراد به داروهای مورد لزوم، نگرانی‌های جدی وجود دارد.

مجموعه این محدودیتها و فشارهای روحی، برای به زانو درآوردن اراده کسانی است که دادگاه انقلاب مایل است از زبان آنان اقرار به براندازی، فتنه‌گری، ندامت و درخواست عفو بشود و افکار عمومی را به فتوحات خود خیره سازد! آنها هیچ نمیدانند که دادگاه افکار عمومی، دیری است بر اقرار زندان نشستنگان، قلم بطلان کشیده است و با اینکار، تنها تیشه بر ریشه نظام کوفته و از آبروی آن هزینه می‌کنند.

ما خانواده‌های این زندانیان، که سالها است به واسطه زبان حق‌گوی شوهران و پدرانمان، با امنیت و آرامش در محیط زندگی وداع گفته‌ایم، به عنوان شهروندان این کشور، بسیار مایلیم از حضرتعالی، به عنوان رهبری که قانون اساسی کشورمان، برای او مقامی مسئول و در عین حال مشرف بر همه قوا و ارکان ترسیم کرده است، سؤال کنیم که آیا مسؤولان این کشور اقتدا به علی(ع) کرده‌اند؟ علی همان کسی است که فرمود اگر مسلمانی از غم برکنده شدن خلخال از پای زن یهودی، قالب تهی کند، رواست! علی همان کسی است که در محکمه، اندک تمایز در احترام خطاب از طرف قاضی - مابین خود و طرف دعوی- را نگوشت و منع می‌کند. علی آن کس است که در حضورش و در برابر یارانش، بر او لعن و نفرین می‌کنند و تا دست به قبضه شمشیر نبرده‌اند، به هیچ روی متعرض آنان نمی‌گردد. علی آن کس است که حتی وقتی کبار صحابه - طلحه و زبیر - ناخوشود از او، از کوفه بیرون می‌روند - و او می‌داند به چه منظور - هیچ متعشان نکرد و تا هنگامی که به همراهی همسر





بسم الله الرحمن الرحيم

د. قاسم معظم رهبری

شماره: ۱/۸۰۷۵۲  
تاریخ: ۱۳۸۰/۴/۲۷  
پست:

خانواده های محترم دستگیرشدگان اخیر توسط قوه قضائیه

سلام علیکم.

مقام معظم رهبری «مدظله العالی» پس از ملاحظه نامه‌ی شما - طی یادداشتی مرقوم فرمودند:

«به خانمها بگوئید: اینجانب هرگز به اینکه برکسان شما که اکنون در بازداشتند، یا به هرکس دیگری ظلم شود، راضی نیستم و اگر خدای نخواستہ از سوی دستگاههای حکومتی چنین اتفاقی بیفتد و مطلع شوم مطمئناً با آن برخورد میکنم. ایشکاش شما که اکنون همت به کار دستجمعی برای دفاع از همسران خود گماشته‌اید، پیش از این نیز از رفتارهایی که گمان ستیزه‌گری آنان با نظام اسلامی و مردمی را پدید می‌آورد، بطور دستجمعی جلوگیری میکردید. از خدا میخواهم که اتهام وارد بر مشارالیه‌م به حقیقت مقرون نباشد و همه‌ی عوارض آن رفع شود.

بدیهی است که هیچکس نباید راضی باشد که نظام جمهوری اسلامی نیز که بخاطر پایبندی به حق، مورد کینه و ستیزه‌ی جباران بین‌المللی است، مورد ظلم و جفا قرار گیرد.

مراتب برای اطلاع، ایفاد می‌گردد.

محمدی علی‌باگانی

۸۰/۳/۲

بنام خدا

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای

نامه مورخ ۸۰/۲/۲۷ حضرتعالی که در پاسخ به شکوائیه اینجانبان مرقوم فرموده بودید عز وصول بخشید. دعای خیر جنابعالی مبنی بر رفع اتهام وارد بر دستگیرشدگان و رفع عوارض آن نیز موجب سپاسگذاری است. به شما اطمینان خاطر میدهیم که پدران و همسران ما هیچگاه از آرمان خود که همانا تلاش برای سربلندی و سعادت کشور، تعالی اخلاق و اشاعه ارزشهای دینی در جامعه است به کژراهه منحرف نگشته اند. چگونه میتوان در مورد کسانی که عمری به ذوق تحقیق نظام مردمی و اسلامی گام زده اند گمان ستیزه‌گری و عداوت با نظام داشت. اگر چنین بود بیشک نهادهائی چون وزارت اطلاعات که مراقب مستمر بر عملکرد گروهها و احزاب و مجهز به ابزار کافی برای تشخیص این موارد هستند قبل از حادثه اقدام مقتضی میکردند. شما نیک میدانید که حکومت های بشری دائماً در معرض لغزش و خطا هستند. آیا رواست کسانی را که با حسن‌نیت تمام برای حراست زمامداران از لغزش و انحراف به تشخیص و ادراک خود به زبان قانون امر به معروف و نهی از منکر میکنند به اتهام خطرناک براندازی متهم ساخت؟ جای خوشوقتی است که جنابعالی نسبت به مظالم حکومت حساس و آماده برخورد هستید. حال که چنین است دستور فرمائید با کسانی که هفته های متعددی عزیزان ما را در سلولهای انفرادی تحت فشار بازجوییهای دراز مدت شبانه - و چنانکه شنیده ایم با خوراندن داروهای ویژه - مکلف به توبه میکنند، برخورد قاطع صورت گیرد و هرچه زودتر آنان از اسارت به جمع خانواده‌های نگران و بحران زده خود بازگردند. در صورتیکه دستگاه قضائی ادله کافی برای مدعیای خود دارد ترتیبی اتخاذ فرمائید تا در شرایط طبیعی با هیئت منصفه با حق برخورداری از وکیل در دادگاه صالحه علنی مورد رسیدگی قرار گیرد. برای جنابعالی آرزوی توفیق در جلب رضایت حق و برای کشور امنیت و آرامش آرزو دارم.

توسلی (مهر) (توسلی)  
 دروازه‌بان (مهری)  
 ناصر زینت‌خواه (مهری)  
 (توسلی)  
 (توسلی)  
 (توسلی)

به نام خدا

۸۰/۵/۶

لا یحب الله الجحر بالسوء من القول الا من ظلم  
 خداوند دوست نمی دارد کسی به عیب خلق بانگ برآورد  
 مگر آنکه به او ظلمی رسیده باشد.... (نساء ۱۲۸)

حضرت آیت الله خامنه‌ای

مقام محترم رهبری

سلام علیکم

این نامه از جانب خانواده های بازداشت شدگان ملی - مذهبی و نهضت آزادی و زندانیان سیاسی مطبوعاتی که از سوی بخشی از دستگاه تحت نظارت شما به آنان ظلم بسیار شده است به جنابعالی نوشته می‌گردد. شما بخوبی میدانید که خویشتان ما ماهها است به اتهام براندازی و اقدام علیه امنیت ملی، ظاهراً توسط قوه قضائیه بازداشت شدند و در مکان نامعلومی نگهداری می‌گردند. ما در این مختصر در مقام دفاع از عزیزانمان نیستیم چرا که داور اصلی و نهائی را پروردگار قادر می‌شناسیم و بس. بدین لحاظ مایلیم از منظری و رای اثبات برائت آنان با شما سخن گوئیم و تنها گوشه‌ای از رفتارهای غیرقانونی و غیرانسانی با شهروندان اسیر را در این کشور بر شما آشکار کنیم.

شاید بر شمردن سختیای زندان انفرادی برای جنابعالی که خود طمع آنرا در رژیم گذشته چشیده و گفته اند که آنرا بدترین نوع شکنجه برشمرده اید خالی از ضرورت است. اما آیا میدانید هم اکنون ماهها است عده‌ای در شرایط طاقت فرسایی به بهای از دست دادن سلامت جسم و روان در سلولهای انفرادی به سر می‌برند؟ سلولهای تنگ و تاریک فاقد هرگونه امکانات زیست انسانی که در آن بطور تحقیرآمیزی از دریچه زیرین درب سلول به زندانی آب و غذا داده می‌شود و در ساعات نیم روز تابستان که گرما و بی‌آبی امان می‌برد و نفس تنگ می‌گردد زندانی ناگزیر است برای یافتن دمی هوای تازه رخ بر شکاف سلول گذارد. زندانهائی که مکان آن بر همگان پوشیده است و کسی نیز اجازه نظارت بر شیوه های اعمال شده در این پنهانگاهها را نیافته است. شما میدانید که مطابق عرف حقوقی در مکان های مخفی بدون از بازرسی و کنترل که حتی نمایندگان مردم را بجهت تفحص، راهی بدان نباشد گمان هرگونه شکنجه و فشار غیر متعارف وجود دارد، مگر آنکه خلاف آن ثابت گردد. بویژه که بازداشت شدگان همگی غیر نظامی بوده، اما چنانکه شنیده ایم آنانرا در بازداشت گاه نظامی سپاه نگه می‌دارند که این نیز خود نقض آشکار قانون است.

مگر نه آنکه آدمی حتی در اسارت نیز حقوقی دارد؟ گروه ویژه ای که متولی بازداشت و بازجویی این اشخاص اند براساس کدام موازین قانونی بخود اجازه میدهند بی محابا هرگونه حقوق فطری و قانونی متهمین را از ایشان سلب نموده و به کسی پاسخگو نباشند؟ این اسارت طاقت فرسا، بازجوییهای مکرر با چشمان بسته، بی خبری مطلق از دنیای بیرون، محرومیت از مطالعه حتی نهج البلاغه، کتب و مطبوعات، محرومیت طولانی از ملاقات و تماس تلفنی محدود و کنترل شده، محرومیت از حضور وکیل (بر خلاف اصل ۲۵ قانون اساسی)، بی اعتنائی نسبت به معالجات ضروری زندانی، جو زندان را آکنده از انذار و تهدید برای اخذ ندامت نامه و اقرار کتبی و تلویزیونی ساخته است و جنابعالی بهتر می‌دانید گرفتن اقرار و توبه در چنین شرایطی تا چه حد دارای وجاهت شرعی و قانونی است. اصل سی و هشتم قانون اساسی صراحتاً هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار، یا کسب اطلاع را ممنوع اعلام می‌دارد و می‌گوید *اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سونگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سونگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.*

پس در این شرایط چه کسی می‌تواند پاسخگوی اعتراض ما به موارد آشکار نقض قانون باشد؟ مگر نه اینکه در دو



اصل قانون اساسی به حق تحقیق و تفحص مجلس در تمام امور کشور تصریح شده است و کمیسیون اصل ۹۰ به عنوان مرجعی عمومی برای شکایت از عملکرد قوای سه گانه معین گشته است. پس چرا مجلس بهیچ روی اجازه بررسی و تفحص در امور این زندانیان را نمی یابد و تمام کوشش مجلسیان در راه برد به این منزلگاه، بی سود و بی حاصل است؟

تضییع حقوق و عدم پاسخگویی، تابداندجا دادگاهیان را غره نموده که به هتک حرمت متهمین اکتفا نکرده و دامنه تعرضاتشان با تحقیر و توهین، تهدید به حریم خانواده ها نیز کشیده شده است. اکنون هفته هاست که یکی از خواهران ما را بدون هیچ حکم و احضاریه ای بازداشت و به سلول انفرادی منتقل نموده اند. آیا سعی هاجر گونه چند زن که برای یافتن زرم نجاتی میان دو مقصد می روند و می آیند برایشان گران آمده است؟

تاکنون بارها وعده آزادی و یا تخفیف شرایط سخت از سوی مسئولین قوه قضائیه در رسانه های جمعی شنیده شده و وثیقه‌هایی بسیار سنگین و غیرعادلانه از سوی دادگاه ها تعیین گردیده که بعضاً نیز توسط خانواده ها تهیه و به دادگاه ارائه شده است، لکن نمی دانیم چه دستهای پنهانی مانع تحقق این وعده ها می گردد؟

نمی دانیم چرا دادگاه انقلاب با وجود وعده جمع کردن پرونده ها در زمانی نزدیک به صدور احکام جلب تازه، بازداشت های جدید، تهدید و احضار خانواده ها و تعیین وثیقه های نجومی و غیرقابل پرداخت اقدام می نماید؟

و چرا دادگاه ویژه روحانیت پس از گذشت یکسال حکم تجدید نظر را همچنان معلق نگهداشته است؟  
نمیدانیم چرا دادگاه مطبوعات به دفعات حکم خود را نقض کرده و زندانی و خانواده ها را در بلاتکلیفی قرار می دهد؟

و چرا دادرسی عالی قضات نسبت به شکایات رسیده علیه چند قاضی اقدامی نمی کند؟  
نمیدانیم چرا پرونده های قضایی در دیوان عالی معوق مانده و به آنها رسیدگی نمی شود؟  
و چرا بعضی از اصول صریح قانون اساسی نظیر اصول ۲۳، ۲۲، ۲۶، ۲۷، ۳۸، ۳۹ تعطیل مانده و به آن عمل نمی گردد؟

اگر کسی در مقام جنابعالی و یا نهادهای قانونی کشور در برابر ایرن قانون شکنی ها نایستد، این ره به کجا می انجامد؟ و اگر شما این رویه غیرقانونی را صراحتاً پایان بخشید مسئولیت مارتع و عواقب این پرونده ها برعهده چه کسی خواهد بود؟

اصل سی و دوم قانون اساسی ارسال پرونده مقدماتی و تدارک مقدمات محاکمه را حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پس از دستگیری دانسته است و برای متخلف از این اصل مجازات تعیین کرده است. اما امروزه ابتدا اشخاص از طریق رسانه های جمعی نظیر رادیو و تلویزیون متهم و یا مجرم شناخته و اعلام می گردند و سپس مراحل تحقیق و بازجوییهای طاقت فرسا و دراز مدت بجهت اثبات جرم آغاز می گردد؟

این در حالی است که اصل سی و نهم هتک حرمت و حیثیت کسی را که به حکم قانون، دستگیر، بازداشت، زندان و یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات می داند.

حضرت آیت الله خامنه ای

جنابعالی امسال را نیز سال الهام از فضائل و عمل به آموزه های اخلاقی مولا علی (ع) خوانده اید. علی (ع) همان کسی است که به مالک اشتر فرمود: "ای مالک، از مردم گره هر کینه رابگشا و از خود رشته هر انتقام و بازخواستی را جدا کن و در تصدیق و باور داشتن بدگو و سخن چین شتاب منما که او، هرچند به صورت پندهنده باشد، اما خیانتکار و فریب دهنده است. ای مالک، بی تردید برکزیده ترین وزیران تو کسی است که سخن تلخ حق بیشتر به تو بگوید هرچند ترا ناخوش آید."



## حضرت آیت الله خامنه ای

شما خویشتان ما را بعضاً بخوبی می شناسید، چرا که خود نیز در گذشتند های نه چندان دور و در مقاطعی از مبارزات ملی - مذهبی در رژیم پهلوی با بسیاری از بازداشت شدگان همسنگر و همسو بوده اید. نامه تجلیل آمیز جنابعالی به دکتر یدالله سبحانی به مناسبت درگذشت مهندس مهدی بازرگان هنوز در یادها زنده است. نامه ای که در آن از بازرگان به عنوان " یکی از مبارزان دیرین با رژیم ستمشاهی و نیز از جمله پیشروان ترویج و تبیین اندیشه های ناب اسلامی با زبان و منطق و شیوه نوین " یاد کرده‌اید.

اینک جمع خانواده های حاضر با یادآوری آن عهد قدیم از شما می خواهند تا قاطعانه در برابر همه این قانون شکنی های ظالمانه که انسانهای بسیار را در این کشور در آتش قهر خود می سوزاند بایستید. بسیاری از مسئولین در عین بی اعتنایی به مراجعات و درخواست های مکرر خانواده های مضطرب و نگران - به دلیل منشاء انتصاب - خود را صرفاً پاسخگو به شخص رهبر می دانند.

کوئی دستهایی در کار است که برای استقرار سلطه پنهان و بلارقیب خود اعمال خلاف قانون و شیوه های غیر انسانی خود را به پای شما بنویسند.

با الهام از سخن گهربار پیامبر مکرم (ص) که فرمودند: "هرگز پاک شمرده نمی شود، امتی که در میان آنان، طلب حق ضعیف از قوی، بدون اضطراب میسر نگردد". اینک ما نیز شایسته آن دیدیم که پیام حق جوئی و مطالبات قانونی خویش را طی نامه ای سرگشاده به نزد شما بنویسیم و بحق انتظار داشته باشیم که با تمام توان و همت خویش را در توقف این روند عدالت ستیز و قانون گریز در قوه قضائیه بکار گیرد.

برای شما توفیق در جلب رضای حق و ایفای وظایف قانونی و احقاق حقوق تضییع شده شهروندان را خواستاریم.  
بر دلگرمی ستم ها است خدایا مهیستند  
که مکرر شود آئینه مهر آئینم

خانواده های بازداشت شدگان : طاهر احمدزاده، محمد ارتضاء، مرتضی اشفاق، مهندس ابوالفضل بازرگان، محمد بسته‌نگار، دکتر محمد حسین بنی‌اسدی، عمادالدین باقی، دکتر مسعود پدram، دکتر حبیب‌الله پیمان، مهندس محمد توسلی حجتی، مهندس سید امیر خرم، مصیب دوانی، دکتر رضا رئیس‌طوسی، تقی رحمانی، احد رضایی، جمال زره‌ساز، محمد ابراهیم زمانی، مهندس عزت‌الله سبحانی، دکتر علی‌اکبر سرجمعی، ماشاءالله شمس‌الواعضین، فیروزه صابر، هدی صابر، حامد علوی، رضا علیچانی، محمود عمرانی، دکتر علی‌اصغر غروی، دکتر غفار فرزندی، مرتضی کاظمیان، مهندس محسن محقق، محمد محمدی اردهالی، سعید مدنی، مصطفی مسکین، مهندس غلامرضا مسموعی، مهندس جمشید منصوریان، خسرو منصوریان، مهندس محمود نعیم‌پور، حسن یوسفی اشکوری.

۱۳۸۰/۶/۳۱

به نام خدا

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ بَدَلُوْا نِعْمَتَ اللّٰهِ كُفْرًا وَّ اَحْلَوْا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ

اَلَّذِيْنَ يَدْعُوْنَ بِالْحَمْدِ لِلّٰهِ ثُمَّ يَدْعُوْنَ بِالنَّارِ اِذَا كَانُوْا عِنْدَ اللّٰهِ

و یاس نداشتند و سرزمینشان را گرفتار حسرت و ویرانی نمودند؟

(ابراهیم - ۲۸)

جناب آقای خاتمی، ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران  
جناب آقای کروبی، ریاست محترم مجلس شورای اسلامی  
جناب آقای هاشمی شاهرودی، ریاست محترم قوه قضائیه

با سلام و احترام،

پس از مدت‌ها نگرانی، روند نیکو و عقلانی آزادسازی بازداشت شدگان، که آغاز شده بود و آرام پیش می‌رفت، بارقه‌های امید و خرسندی را در دل‌های ما خانواده‌های زندانیان ملی- مذهبی، روشن ساخته بود. در این روزهای مواجهه با بحران جهانی که خطر، زمین و آسمان منطقه ما را تهدید می‌کند، دوست نمی‌داشتیم بار دیگر قلم به شکوه و اعتراض فرسوده، اوقات مسؤولان قوای سه‌گانه کشور را تصدیع نماییم. لیکن تداوم وضعیت نامعلوم زندانیان برجای مانده و شرایط سخت برخی از آنان که هنوز در انزوا به‌سر می‌برند و شروع دستگیریهای جدید، نگرانی خانواده‌ها را افزون نموده است. طاهر احمدزاده، با کهولت سن و ضعف مغز، ماههای متوالی از نهمین دهه عمر خود را در محبس طی می‌کند. دکتر حبیب الله پیمان، بعد از گذران شش‌ماه در سلول انفرادی و قرنطینه خبری، فشارهای مضاعفی را جهت پذیرفتن اتهاماتی سنگین و بی‌اساس تحمل می‌کند. وعده‌های معالجه ایشان و دیدار با پزشک معتمد، محقق نشده و پس از دو ماه بی‌خبری از او، در دیداری کوتاه و در شرایطی ناگوار، با خانواده‌اش سخنانی همچون وصیت بر زبان می‌آورد. مهندس عزت‌الله سبحانی، پس از ۹ ماه انزوا در زندان انفرادی و تحمل بیماری قلبی و بازرجویی‌های سنگین، همچنان به بهانه تحقیقات، در محل پنهان - موسوم به "خانه امن"<sup>(۱)</sup> - محبوس است. مهندس بیژن گل‌افرا، اخیراً در حال بیماری و در آستانه عمل جراحی، بازداشت شده است و دیگرانی که وصف نگرانی‌ها در مورد ایشان در این مختصر نگنجد ... در حالیکه مسؤولین دادگاه، وعده جمع آوری پرونده‌ها تا نیمه مهرماه داده‌اند، دلیل بازداشت‌های مجدد اخیر و منظور از تشدید فشارها بر روی زندانیانی که عمر خود را به پای انقلاب و آرمانهای آن صرف نموده‌اند، چیست؟ آیا تمدید مکرر زمان بازداشتها - همانطور که ریاست دادگاههای انقلاب اشاره نموده‌اند - جهت ادامه تحقیقات صورت می‌گیرد؟ چگونه در انزوا خبری و در یک «بازداشتگاه نظامی و مخفی سپاه» و خارج از نظارت سازمان زندانها، که زندانیان در آن، به کمترین اطلاعات برای دفاع از خویش دسترسی ندارند، از تماس با وکیل محرومند و حتی کتب مرجع قانونی و آئین دادرسی نیز از آنان دریغ می‌شود، تحقیقات اصولی و ضابطه‌مند، امکان‌پذیر است؟ تحریم حقوق فطری زندانیان، محرومیت از درمان و ملاقات مستمر، محرومیت از خواندن حتی کتب دینی و عرفانی، آیا فضای سالمی برای تحقیقات باقی می‌گذارد؟

متأسفانه "تحقیقات" از مسیر حقوقی و منطقی خویش خارج شده‌است. گویی به جای تحقیق در اسناد واقعی، بر



۱۳۸۰/۶/۳۱

تولید اسناد از میان اظهارات و اقراریه‌های حاصل شده به زندانی، پای می‌فشارند. مبدا جبران خطای گذشته، با تکرار و تشدید اشتباه بر روی چند نفر، به خطایی بزرگتر و جبران ناپذیر منتهی شود.

افسوس، کشتی وطن که سکان آن را به شما سپرده‌اند تا در این دریای طوفانزده، به تدبیر و سیاست بر امواج سرکشش برانید و به سر منزل امن برسانید، به دست کسانی، نابخردانه سوراخ می‌شود و دشنه بی‌قانونی و رفتارهای ظالمانه، در نهان بر کفش کوبیده می‌شود.

یک بار دیگر اعلام می‌داریم که خواسته ما خانواده‌های بازداشت‌شدگان ملی مذهبی، از جمله اعضاء نهضت آزادی، چیزی جز اجرای قانون نیست. آیا قانوناً می‌توان متهمان سیاسی را با طرح اتهامات سنگین امنیتی، ماههای متوالی در مخفیگاه نظامی بازجویی کرد، بی‌آنکه مراجع قانونی و رسمی چون وزارت اطلاعات و وکلای آنان، اطلاعی از پرونده داشته باشند؟

ما شهادت می‌دهیم که در این بازداشتگاه‌ها، حقوق قانونی و فطری زندانی، به منظور تنبیه، از وی دریغ می‌شود و بعضاً حق دیدار او با خانواده و حتی معالجه و درمان وی مشروط به اطلاعات و همکاری با بازجویان یا اعتراف به گناه ناکرده می‌گردد.

روا مدارید که در قلب دستگاه قضائی - جایی که باید مظهر بسط داد و اجرای قانون باشد - اینگونه پشت پا بر اصول قانون اساسی کشور بزنند و پاسخگو نباشند. مبدا که روند مرسوم دادرسی امروز ما، در مورد اتهامات سیاسی و مطبوعاتی، فردا ضرب‌المثلی برای بیداد قضائی و مایه عبرت دیگران گردد!

ما شاهد بوده‌ایم که برخلاف بیانات آقای علیزاده - مدعی‌العموم پرونده‌ها و ریاست دادگستری تهران - نمایندگان مردم، هرگز اجازه نیافتند تا از "بازداشتگاه مخفی" بازدید به عمل آورند و با زندانیان آن دیداری داشته باشند، چه رسد به گپ دوستانه و تفریح! کاری کنید که مکان، نحوه اداره و روند بازجویی‌ها در این بازداشتگاه، بیش از این، دور از نظارت نمایندگان مردم باقی نماند.

اکنون که کشور ما در سطح کلان در آستانه بحرانهای جهانی و منطقه‌ای قرار دارد و برای حل آن به درستی بر ایده گفتگوی تمدنها و کشورها پای می‌فشاریم، چگونه است که در داخل کشور، حرکتی وارونه و در جهت سلب حقوق شهروندان را در پیش گرفته‌ایم؟ آیا سزاوار نیست که با تسریع روند آزادسازیها و حذف ننگ داشتن "زندانیان عقیدتی و سیاسی" از پیشانی این کشور، دوگانگی در رفتار و سخنان داخلی و خارجیان را حل نماییم؟

اخیراً شنیده‌ایم که برای آزادی بازداشت‌شدگان یا بهبود شرایط نگهداری آنان، شروطی چون مصاحبه در پیش دوربین فیلمبرداری یا پذیرش و امضای اتهامات سنگین و واهی ویا تعهد کتبی مبنی بر عدم بازگویی مکان نگهداری، محتویات پرونده و نحوه بازجویی‌ها و... نهاده‌اند. مگذارید که آزادی زندانیان، به جز وثیقه‌های سنگین - که خارج از بضاعت اغلب خانواده‌ها است - با شروط مضاعف بیشتری مقید گردد.

اصرار ما بر احقاق حقوق بازداشت‌شدگان ملی مذهبی، گذشته از تلاشی در حوزه تعلقات خانوادگی، برای احیاء گوشه‌هایی از تاریخ انقلاب و نهضت ملی ایران است که با حذف این چهره‌های خدمتگذار، پژوهشگر و اهل قلم، بیم محو آن می‌رود. نامه‌های مکرر ما بر شما نیز برای بازگویی و رویارویی با شیوه‌های مغرب غیرقانونی است که بنیاد وفای ملی و جمهوریت و اسلامیت نظام و میهن را یکسره برمی‌اندازد!

با تجدید سلام و احترام و آرزوی توفیق خدمت.



۱۳۸۰/۶/۳۱

خانواده‌های بازداشت‌شدگان: طاهر احمدزاده ، مهندس ابوالفضل بازرگان ، دکتر حبیب‌الله پیمان ، مهندس محمد توسلی حجتی ، عبدالرسول خوشرو ، دکتر رضا رئیسی طوسی ، تقی رحمانی ، جمال زره‌ساز ، مهندس عزت‌الله سبحانی ، هدی صابری ، رضا علیجانی ، دکتر غفار فرزندی ، مرتضی کاظمیان ، مهندس بیژن گل‌افرا ، سعید مدنی ، خسرو منصوریان ، مهندس محمود نعیم‌پور.



شما را به خدا آیا اینگونه محاکمات، نقطه قوتی و اعتباری برای جمهوری اسلامی است؟ برای کسانی که مدعی حمایت گسترده مردمی و چشمان تیزبین و اکتشاف و خنثی کردن همه توطئه‌ها هستند و مدتهاست کلیه عزیزان ما را دربند داشته و یا به قید وثیقه‌های سنگین آزاد کرده‌اند. چه نکته مهم امنیتی در پرونده است که قوه قضائیه به بهانه آن از برگزاری علنی محکمه سرباز می‌زند؟

اصرار ما بر علنی بودن محکمه، به دلیل شناخت ما از مشی ایشان و اعتقاد بر تبرئه عزیزان خویش است. اگر برای مدعی نیز از صحت مدعا و حقانیت کیفرخواست اطمینان کافی حاصل است، پس چه باک از علنی بودن محاکمات؟ چرا نمی‌گذارند همه جهانیان هم ادعای آنان را بشنوند و هم دفاعیات کسانی را که ماههاست در زندانهای نظامی فرسوده شده‌اند؟ آیا رفتاری که دیده‌ایم، اقتدا به سیره رسول رحمت<sup>ص</sup> در حفظ کرامت عموم بندگان خدا است و یا بر طبق آموزه‌های علی<sup>ع</sup> به مالک اشتر، مبنی بر اهتمام بر رعایت حرمت و مساوات مردم، عمل می‌کنند؟

ما خانواده متهمین «نهضت آزادی ایران» دیگر دیری است احاله کار به احکم الحاکمین و اسرع الحاسبین کرده‌ایم. همسران و پدران ما، دغدغه و تعلق خاطری بیش از زندگی فردی و خانوادگی دارند. ایشان با سوابق روشن و قصد خیر و خدمت به این ملک و ملت، دهها سال در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حرفه‌ای خود، تلاشی پیگیر داشته و همواره فشارهای اینچنینی را به جان خریدند و به حمد و شکر خدای مَنان، همچنان استوار ایستاده‌اند. این روزها نیز خواهد گذشت، همانگونه که محاکمه نیمه‌علنی و منجر به محکومیت مؤسسین نهضت آزادی (مرحومان مهندس بازرگان و آیت‌الله طالقانی، همچنین دکتر یدالله سبحانی و سایرین) در رژیم پهلوی سپری شد، اما قضاوت صریح ملت ما در تاریخ باقی ماند. مبدا گروهی را محکوم و مطرود نماییم که وجدان و افکار عمومی - به عنوان عالی‌ترین هیأت منصفه - حکم برائت آنان را پیشاپیش صادر کرده باشد.

### توضیح خانواده "مهندس محمد توسلی" درباره اطلاعیه دادگاه انقلاب - ۸۰/۹/۱۷

دادگاه انقلاب طی اعلامیه مورخ ۸۰/۹/۱۵ اعلام نموده‌است که هیچ یک از متهمان نهضت آزادی در زندان انفرادی نیستند و «تنها» پنج نفر از آنان در بند عمومی به‌سر می‌برند. در حالیکه آقای مهندس محمد توسلی، متهم ردیف اول پرونده، بعد از برگزاری جلسات در بسته دادگاه، از تاریخ اول آذرماه به سلول انفرادی منتقل شده‌اند و تا هنگام تماس تلفنی چهارشنبه شب ۸۰/۹/۱۴ و در آستانه برگزاری جلسه آخرین دفاع در روز یکشنبه ۱۸ آذر ماه، همچنان در سلول انفرادی بوده‌اند. لازم به ذکر است چهار نفر زندانی دیگر نیز در سلولهای در بسته دو نفره نگهداری می‌شوند که به دلیل شرایط زیر:

- ۱- نظامی بودن محیط زندان
  - ۲- محدودیت در خروج از سلول در بسته و اجبار در بستن چشم‌بند در خارج از فضای سلول
  - ۳- محدودیت در ارتباط و اطلاع از محیط خارج از زندان
  - ۴- محدودیت در ملاقات حضوری و تماس تلفنی با خانواده
  - ۵- محرومیت شدید از امکانات درمانی علیرغم دچار شدن به بیماریهای مزمن
  - ۶- عدم امکان ملاقات با وکیل در محیط نظامی، علیرغم در جریان بودن جلسات دادگاه
- به هیچ وجه تناسب و تشابهی با بند عمومی زندان ندارد. جالب توجه است که دادگاه انقلاب، گذشته از موارد خلاف واقع، ماهها حبس و فشار بر زندانیان را سهل و ممتنع می‌انگارد و در اطلاعیه ابراز می‌دارد «تنها» پنج نفر از متهمین در بازداشت به‌سر می‌برند.

۸۰/۹/۱۷

خانواده مهندس محمد توسلی

۱۳۸۰/۱۱/۸

جناب آقای خاتمی، ریاست محترم جمهوری

هیچگاه حتی تصور آن را نمی‌کردیم روزی فرا رسد که در جریان تظلم خواهی و پیگیری آزادی عزیزان در بندمان، نیروی انتظامی همسران و مادران زجرکشیده را مورد ضرب و شتم قرار دهند، پوشش از سر آنان بردارند، لباس زنان را بدرند و آنان را با مشت و لگد به دیوار بکوبند. آنچه که ما را به اعتراض واداشت این است که نمی‌دانیم چگرته می‌توان شرایطی را تحمل کرد که طی آن امروز شهروندی را به اسارت درآوردند و سه ماه بعد او را به صورت مشتکی پوست و استخوان و درحالتی به ملاقات آوردند که حتی فرزندان او را نشاناسند. آیا می‌توانید شرایطی را تصور کنید که پدر، مادر یا همسر شما چند هفته یا چند ماه قبل در گوشه یک سلول انفرادی و در گوشه یک زندانی که نمی‌دانید کجاست، چندبار تا سرحد مرگ کشانیده شده اما دست شما از همه جا کوتاه بوده و بدتر از همه کسی پاسنگوی شما نیست. آیا حتی تصور آن نیز هولناک نیست که شهروندان را در معرض آزار جسمی و روحی و شکنجه سفید قرار دهند و تهدید به ... کنند. اما هریک از آنان دست‌خط بگیرند که کسی به آنها تعرض نکرده است؟

زنان و مادرانی که مورد توهین و هتک حرمت قرار گرفتند، قبلاً بارها به قوه قضائیه، مجلس، دولت، منزل مراجع و سازمانهای حقوق بشر مراجعه و آزادی همسرانشان را درخواست کرده‌اند. این بار نیز در ادامه تظلم خواهی، به درب سازمان ملل مراجعه کردند تا شکایت خود را به مجامع بین‌المللی عرضه دارند. زیرا نمی‌دانیم چه کسی پاسنگوی ظلمی است که ۱۴ ماه پی‌درپی و در سلولهای انفرادی بازداشتگاههای نظامی بسر مهندس سبحانی و همفکرانش رفته است و می‌رود. علناً متهم کرده‌اند و امروز که هنگامه اثبات اتهامات توسط ضابطان قضایی و مدعی‌العموم فرا رسیده است، دادگاهی فرمایشی را پشت درهای بسته و بدون حضور هیأت منصفه برگزار می‌کنند. از سویی دو ماه است که از محاکمه مهندس توسلی، مهندس صباغیان، منصوریان و دیگر اعضای نهضت آزادی می‌گذرد، اما به رغم اعلام ختم دادرسی، آنان را همچنان در وضعیت بلا تکلیف نگاه داشته‌اند.

جناب آقای رئیس‌جمهور، رسیدگی به پرونده مفسدان اقتصادی و رانت‌خواران در هر شرایطی به هنگام است. اما آن بازیگران و دسیسه‌چینانی که با استفاده ابزاری از نظام قضائی و رسانه‌های ملی، محاکمه متهمان به رانت‌خواری را به ترتیبی زمان‌بندی کرده‌اند تا محاکمه مهندس سبحانی و ملی مذهبی‌ها را تحت‌الشعاع قرار دهند، برای حفظ حریم، امدیت و آبروی این آب و خاک هزینه‌ای نپرداخته‌اند که امروز برای نگاه داشتن حرمت آن دغدغه‌ای به دل راه دهند. جناب آقای خاتمی، محاکمه علنی شهرام جزایری محل امنیت ملی است یا دادگاه علنی مهندس سبحانی و توسلی؟ چگونه است محاکمه‌ای که کلیه مسئولان را در معرض اتهام قرار می‌دهد و حیثیت کشور را مخدوش می‌نماید، امدیت ملی را تهدید نمی‌کند اما دفاعیات فعالان ملی مذهبی و نهضت آزادی محل امنیت ملی تلقی می‌گردد؟

در چنین شرایطی ما خانواده‌های زندانیان سیاسی ملی - مذهبی و نهضت آزادی، در اعتراض به دستگیری‌های ظالمانه، بازجویی‌های شبانه روزی، پرونده‌سازی، تفتیش عقاید، رفتار غیرانسانی با زندانیان و تهدید خانواده‌ها که در کلبه، نقض حقوق بشر و پایمال کردن اعلامیه جهانی حقوق بشر است و نیز در اعتراض به برگزاری دادگاه غیرعلنی و اینکه بیش از دو ماه است تماس تلفنی و ملاقات با همسرانمان قطع شده است، همزمان با سفر کوفی عنان، قصد دادن نامه‌ای اعتراض آمیز را به دفتر سازمان ملل داشتیم. طبق ماده ۲۷ قانون اساسی، هر تجمع مسالمت‌آمیزی که مخالف مبادی شرع و مسلحانه نباشد، آزاد است. با این حال همچون دفعات قبل، دفتر مدیرکل سیاسی استانداری تهران را مطلع ساختیم و از آنان خواستیم امنیت ما را تأمین نمایند. با این حال پریروز خانواده‌ها قبل از اینکه عرض خیا بان را طی کرده و وارد پیاده‌روی ساختمان سازمان ملل شوند، مورد حمله قرار گرفتند یعنی هنوز تجمع و اعتراضی صورت





۱۳۸۰/۱۱/۸

نگرفته بود که مأموران نیروی انتظامی ما را مورد تعرض قرار دادند.

زنانی که از سوی نیروهای انتظامی و لباس شخصی‌ها مضروب شدند، زنان آزاداندیش و اصلاح طلبی هستند که به رغم فشارهای نظام حتی یک گام از اصرار بر اصلاحات و ضرورت تحمل هزینه آن عقب ننشسته‌اند و ناپسامانی زندگی و خانواده خود را به لحاظ اینکه می‌تواند به پیشبرد، تحکیم و تعمیق روند اصلاحات بیانجامد به جان خریده‌اند. همین زنان و مادران در زیر مشتش و لگد مأموران در این اندیشه بودند که آیا برداشتن پوشش از سر ما و دریدن لباس از تن همسران زندانیان موافق شرع است و اگر این چنین است فردا با ما چه خواهند کرد؟ کجاست عدل و انصافی که هر شب نمایش تلویزیونی آن را در سخنرانی‌های مسئولان می‌بینیم و کجاست شعارهای علوی و داستان خلخال پای آن زن یهودی! وا اسفا و وای بر ما و بر شما که مجبور شده‌ایم مظلومیت و بی‌داری خود را بر اعلامیه جهانی حقوق بشر عرضه داریم. جناب آقای خاتمی، آن شبی که - ۲۱ اسفند - جمع کثیری از فعالان ملی - مذهبی را در آستانه سفر خارجی حضرتعالی دستگیر کردند، فردای روزی بود که حکم توقیف روزنامه‌های اصلاح طلب صادر شد. د پروز که حکم جلب نمایندگان منتخب ملت تحریر گردید و یکی از آنان راهی زندان شد، فردای روزی بود که همه نسبت به دستگیری اعضای نهضت آزادی در ۱۸ فروردین (به ستمی که بر مهندس سبحانی رفت) سکوتی احتیاط آمیز اختیار کردند و امروز هرچند که همسرانمان ماههاست با جان خویش همچنان هزینه اصلاحات را پرداخته و می‌پردازند، با تنی کوفته و مضروب، نگران آن هستیم که سهم ما را در ادامه روند اصلاحات گرانتر نمایند و دادرسی نیا شد، هرچند که آنرا نیز به جان می‌خریم.

جناب آقای رئیس جمهور، تجربه یکسال گذشته به ما آموخته است که قوه قضائیه و دادگاه انقلاب، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی را از وظایف خود نمی‌داند، اما ما نمی‌توانیم از رئیس‌جمهور منت‌خوب و جناب آقای موسوی لاری، وزیر محترم کشور، نیز انتظار پاسخگویی نداشته باشیم. بدین وسیله از حضرتعالی درخواست داریم دستور فرمایید بر سرسی شود:

- ۱- مسئولیت دستور حمله به زنان، فرزندان و مادران خانواده‌های زندانیان سیاسی ملی - مذهبی و نهضت آزادی ایران را چه کسی برعهده می‌گیرد؟
- ۲- اگر با همسران نخبگان، اندیشمندان، نویسندگان، روزنامه‌نگاران و اساتید دانشگاه چنین برخوردی کنند با دیگر ائتشار اجتماعی چه خواهند کرد؟
- ۳- و آیا اگر چنین رویدادی در هر یک از کشورهای رخ می‌داد که مناسبات قانون‌مندی بین شهروندان و حاکمیت تعریف شده است، آیا مسئول مربوطه، مجبور به عذرخواهی یا استعفا نمی‌شد؟

امضاء با احترام

خانواده‌های زندانیان سیاسی

ملی - مذهبی و نهضت آزادی

محمد بسته‌نگار - مهندس محمد توسلی - دکتر حبیب‌اله پیمان - دکتر مسعود پدرام - دکتر رضا رئیسی طوسی - تقی رحمانی - رضا علیچانی - هدی صابر - مهندس هاشم صباغیان - مهندس ابوالفضل بازرگان - مهندس عزت‌اله سبحانی - مهندس نعیم‌پور - خسرو منصوریان - سعید مدنی - دکتر علیرضا رجایی - محمود عمرانی - دکتر محمد ملکی - کاظمیان - محمدی اردهالی



بسمه تعالی

۸۰/۱۱/۲۴

حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی ریاست محترم قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران

سلام علیکم، آنچه ما را به نگارش این نامه واداشت درج سخنان تأمل برانگیز شما در جلسه مسئولان اجرائی قوه قضائیه در ابتدای سال ۱۳۸۰ است که اخیراً در مطبوعات کشور منعکس شده است. جنابعالی در آن جلسه از وضعیت عقب افتاده قضائی کشور، بازداشت های بی منطق موقت، بلاتکلیفی صدها هزار زندانی، شکنجه اشخاص خوب و بیگناه به قصد اخذ اقرار، قاضی های عصبانی، تند مزاج و بدخوی، به شکوه و اعتراض یاد کردید.

تصویری که جنابعالی از «آشفته بازار قضا» ترسیم کرده اید و دیروز معاون اول جنابعالی نیز به لمس آن با همه وجود اذعان داشته اند، تصویری اسفناز، تأثرانگیز و دردآور است که همگان نیز آن را به رأی العین می بینند. برای ما نکته شگفت انگیز آن است که جنابعالی، با آن واقع بینی و دقت نظر، مطالبی که در محاکم این کشور بر بی پناهان مراجع می رود یک یک برمی شمارید و مسئولان اجرائی قوه را به بیان مؤثر انداز می دهید که برخیزند و برای مراجعاتی که از هیچ سو مرهمی بر آلام خود نمی یابند، کاری کنند، اما خود در طول یک سال جاری، در مقابل خانواده های بی پناه ملی - مذهبی و نهضت آزادی، که نامه های متعدد دادخواهی و شکوه از مظالم دادگاه انقلاب نگاشته اند، حتی یک بار، یک سطر نیز پاسخ نگفته اید. درخواست های ملاقات خانواده هایی که زندانیانشان در گوشه سلول های زندان انفرادی و نظامی هر روز تحلیل می رفتند، همگی بی پاسخ ماند. جنابعالی که خود به صراحت اظهار داشته اید:

«من از طریق دفاتر نظارت و پیگیری و از طریق گزارش ها و فیلم هایی که از مجتمع های قضائی می گیرند بر بسیاری از آنچه در محاکم می گذرد آگاهی پیدا می کنم و از همین طریق می بینم و می شنوم که زنی آنگاه که قاضی جواب او را نمی دهد، شش هفت بار سرش را به میز دادگاه می کوبد... آیا دادگاه اسلامی یعنی همین که مردم در مراجعه به آن دیوانه شوند و سر به دیوار بکوبند...».

برای همسران ستم کشیده زندانیان سیاسی این نظام که یک سال بلاتکلیفی، بی سامانی و اضطراب را به همراه تندخویی ها، بی احترامی ها و بی تفاوتی های قاضی پرخاشگر محکمه، تحمل کرده اند چه کرده اید؟ مگر خود به حق نگفته اید که :

« یک سال و نیم گذشت، دو سال و نیم دیگر هم می گذرد و دوره پنج ساله مأموریت رئیس قوه هم می گذرد، عمرها هم می گذرد و هنگام مردن فرا می رسد و هنوز حقه مهر بد آن مهر و نشان است که بود.»

پس چگونه است که خود به نظاره گر بی تفاوتی بدل شده اید که در نظام تحت نظارت جنابعالی (دادگاه انقلاب) به زندانیان سیاسی که عمدتاً نویسنده و اهل قلم بوده، سوابق درخشانی در خدمت به نظام و انقلاب داشته اند توسط ضابطین امنیتی تا این اندازه جفا می شود و خانواده های نگرانیشان مورد ظلم و جور روزافزون قرار می گیرند؟ راستی چرا مسند ریاست تا این اندازه موجب غفلت و فراموشی است؟

آیا در قاموس جنابعالی این ظلم نیست که دادگاه انقلاب، اتهامات سنگین و عظیمی را به اشخاصی که خود از تلایه داران انقلاب بوده اند، بصورت علنی وارد سازد و هر روز طی اطلاعیه های جدید، اتهامات جدیدی را طرح و تبلیغ نماید و در مقابل نه تنها دادگاه را غیرعلنی برگزار کند، بلکه حق انعکاس کوچکترین اخبار را توسط متهمین و وکلا با تهدید و تحذیر از آنان سلب دارد؟



آیا این ظلم نیست که پس از اتمام دادگاههای مذکور در حالی که کیفرخواست ۳۰۰ صفحه‌ای به تمامی قرائت گشته و حتی در روزنامه‌های چون کیهان نیز به چاپ رسیده و محاکمات اتمام یافته است، ریاست دادگستری پرده از ۱۳ مورد اتهام دیگر بردارد که حتی «متهمین خود از آن بی اطلاع اند!!».

اگر جنابعالی بر آنچه در دادگاههای انقلاب می‌رود بی اطلاع و یا بی نفوذید، این را به صراحت اعلام دارید که دامن از مظلمه پاک گردانید والا حداقل به وعده‌های خود عمل کنید که «الکریم اذا وعد وفی».

مگر شما نگفته اید که :

«این ناپسامانی‌ها راهکار هم دارد و چاره هم دارد، این طور نیست که از آن گریزی و گزیری نداشته باشیم مگر اینکه خدای نکرده بی تدبیر باشیم و بی لیاقت و ناکارآمد. اگر نه می‌بایست بر کل این آشفتگی‌ها راه می‌گرفتیم که نگرفتیم و حالا در آغاز سال ۸۰ این شما و این آشفته بازار قضاہ...»؟

حال، یک سال از آن سخنان گذشته است و سال ۸۱ در آستانه ورود است اما هنوز کسی خشتی به ویرانسرای قضا نهاده است. خانواده‌های بسیاری از زندانیان سیاسی همچنان چشم انتظار رفع گرفتاری و آزادی عزیزان دربند خویشند. درخواست ما این است که جنابعالی حتی المقدور به سخنان پر سوز خود عمل کنید و به آنچه در دادگاههای انقلاب می‌گذرد نیز به دید اصلاح و جبران نظر بیفکنید. آیا لازم است به الهام از سخنان خودتان یادآور گذشت عمرها، عبرت و خشیت از مرگ و پرسش قیامت شویم؟

خانواده‌های زندانیان سیاسی نهضت آزادی ایران :

مهندس ابوالفضل بازرگان - مهندس محمد توسلی - مهندس هاشم صباغیان - خسرو منصوریان.




پنجمه تهرانی



بیانگذاران نهضت آزادی ایران

# رای، سخن خاموش ملت است

دومین دوره انتخابات شوراهای اسلامی

				
آقای مهدی حکیمی ۸۱۷۳ مدیر باسابقه آموزش و پرورش	آقای مهندس محمد توسلی حاجتی ۳۳۵۱ رئیس شورای تهران بعد از انقلاب، باشکوه ۲۰ سال خدمت فرهنگی و هنری در تهران	آقای دکتر غلامعباس توسلی ۱۵۶۳ استاد ممتاز جامعه شناسی و رئیس انجمن دانشکده اقتصاد	آقای دکتر محمد حسین پیک اسدی ۷۶۶۱ رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت پارس پارس	آقای مهندس ابوالفضل بازرگان ۱۳۸۳ معاون نخست وزیر در دولت موقت
				
خانم فریبا داودی مهاجر تهرانی ۳۷۶۰ نویسنده و مدیر مجله روزنامه نگاران زن تهران	آقای مهندس مصطفی ایزدی ۳۱۷۹ معاون سابق استاندار تهران	آقای خسرو منصوریان ۹۷۸۶ معاون شورای تهران در دولت موقت	آقای دکتر حسن فرید اعظم ۳۷۷۸ رئیس انجمن دانشکده اقتصاد و مدیر عامل مؤسسه مطالعاتی مؤسسه توسعه شهر تهران	آقای مهندس امین خرم ۳۸۳۳ مشاور و مدیر در صنایع خودرو سازی و غیره
				
آقای محمد جواد مظفر ۵۱۲۳ مدیر انتشارات کویر و طراح مطبوعات محله ما	خانم طاهره علانی طالقانی ۹۳۵۲ عضو شورای برقراری حقوق زنان در ایران	آقای دکتر لطیف صفری ۸۷۱۵ نویسنده، داور، مدیر هیئت مدیره شورای اسلامی	آقای سعید رضوی فقیه ۶۸۱۳ رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل مؤسسه پژوهش و توسعه	آقای دکتر علیرضا رجائی ۵۳۷۷ پژوهشگر اجتماعی و روزنامه نگار

**ستاد انتخابات یاران « بازرگان - طالقانی - سبحانی »**  
 تهران: ستاد مرکزی : ۷۶۳۳۱۷ - ۷۵۰۳۹۸ - فاکس : ۸۷۸۹۳۳

## پیوست شماره ۱۰

### دیدار نمایندگان نهضت آزادی ایران و جمعی از نیروهای ملی- مذهبی

#### با دکتر معین نامزد اصلاح طلبان پیشرو

نمایندگان نهضت آزادی ایران و جمعی از نیروهای ملی- مذهبی عصر پنجشنبه دوازدهم خرداد ماه در ملاقات با دکتر مصطفی معین در ستاد انتخاباتی نامزد اصلاح طلبان پیشرو از تشکیل "جبهه دموکراسی و حقوق بشر" استقبال کردند.

در این نشست که خانم دکتر الهه کولایی و آقای مصطفی تاج زاده نیز حضور داشتند موضوع انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری و چگونگی شکل گیری این جبهه مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

آقایان دکتر ابراهیم یزدی و مهندس محمد توسلی به نمایندگی از نهضت آزادی ایران و مهندس عزت الله سبحانی و دکتر حبیب الله پیمان از جانب جمعی از نیروهای ملی - مذهبی در این جلسه دیدگاه مثبت خود را نسبت به تشکیل "جبهه دموکراسی و حقوق بشر" مورد تاکید قرار دادند و آن را یک ضرورت تاریخی در این شرایط سرنوشت ساز خواندند.

به گفته آنان شرایط حساس کنونی داخلی و بین المللی به گونه‌ای است که حرکت سریع به سمت تشکیل این جبهه حتی پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ضروری است تا بتوان اصلاحات از درون را با سازوکارهای قانونی و با اتکا و حمایت نیروهای مردمی در عرصه عمومی پیگیری و اجرا کرد.

نمایندگان نهضت آزادی ایران و نیروهای ملی- مذهبی ضمن استقبال از مواضع دکتر معین در بیانیه اخیر، به ویژه از تاکید وی بر لزوم تشکیل جبهه "دموکراسی و حقوق بشر" با مشارکت کلیه ایرانیان آزادیخواه و حق طلب در مسیر حرکت به سمت نهادینه شدن دموکراسی و تحقق حقوق بشر، آن را در جهت سیاست‌های راهبردی خود دانستند و مثبت ارزیابی کردند.

آنان یادآور شدند هدف از این ملاقات به هیچ وجه سهم خواهی نیست، بلکه مشورت و هم فکری برای یافتن راهکارهای مناسب برای تقویت وحدت ملی و نجات کشور در شرایط خطیر کنونی است و حرکت به سوی تشکیل یک جبهه فراگیر می‌تواند محور چنین راهکارهایی باشد.

در ادامه این نشست، دکتر معین تاکید کرد تشکیل جبهه دموکراسی و حقوق بشر یکی از دغدغه‌های اصلی من بوده و هست و به این دلیل آن را در اولین سخنرانی‌های انتخاباتی خود مطرح کردم و در بیانیه بازگشت نیز بر آن پا فشردم. تصورم این است که گروه‌های حامی و نیز دیگر گروه‌های اصلاح‌طلب و آزادیخواه از تشکیل چنین جبهه فراگیری استقبال خواهند کرد و در ایجاد آن نقش فعال خواهند داشت.



وی افزود: اگر با رای مردم به عنوان رئیس جمهور ایران برگزیده شوم دولت "وحدت ملی و تفاهم جهانی" تشکیل خواهم داد. وجود چنین جبهه‌ای می‌تواند راه را برای رسیدن به این هدف مهم تسهیل کند. به نظر من هر نوع وحدت و یکپارچگی در جامعه حرکت به سمت نهادمند کردن دموکراسی و حقوق بشر را تضمین خواهد کرد.

دکتر معین تأکید کرد چه آنانی که با ما در مورد نحوه مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری اختلاف نظر دارند، و چه آنان که باورهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دیگری دارند بالقوه می‌توانند عضو این جبهه باشند مشروط بر آنکه اصول اولیه آن را بپذیرند.

وی این اصول را به عنوان پیش شرط‌های عضویت در جبهه دموکراسی و حقوق بشر مورد تأکید قرار داد:

الف- باور به ضرورت تداوم جنبش اصلاحات در جمهوری اسلامی ایران و تشکیل یک

جبهه فراگیر.

ب- التزام به قانون اساسی

ج- تعهد به مصوبه‌های برآمده از اجماع و اتفاق نظر اعضا

حاضران در این نشست ضمن تأیید اصول مورد نظر نامزد اصلاح طلبان پیشرو آمادگی خود را برای مشارکت و همکاری فعال در این زمینه اعلام کردند.

دکتر معین همچنین برای اجرایی شدن هرچه سریعتر این هدف گفت: پیشنهاد می‌کنم کمیته ویژه‌ای هرچه سریعتر شکل گیرد و در جهت تدوین منشور جبهه دموکراسی و حقوق بشر و سازوکارهای اجرایی لازم اقدام کند.

دکتر معین با ابراز تأسف از اینکه به دلیل سفرهای انتخاباتی به استان‌ها نمی‌تواند شخصا در جلسات کمیته ویژه حضور داشته باشد آقای مصطفی تاج‌زاده را به عنوان نماینده خود برای تشکیل جلسات مشترک تعیین و به اعضای جلسه معرفی کرد و از او خواست تلاش کند اولین نشست کمیته ویژه را در روزهای آینده با حضور نمایندگان گروه‌های حامی داوطلب، نهضت آزادی ایران و سایر نیروهای ملی-مذهبی و دیگر گروه‌هایی که بالقوه می‌توانند به عضویت در "جبهه دموکراسی و حقوق بشر" درآیند، تشکیل دهد.

در حال حاضر جبهه مشارکت ایران اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، انجمن اسلامی پزشکان، انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها، انجمن اسلامی معلمان، جامعه دانش‌آموختگان خارج از کشور و گروه‌هایی از جنبش دانشجویی، زنان، فعالان فرهنگی روشنفکران مذهبی و روزنامه نگاران و مدیران مطبوعات اصلاح طلب حمایت خود را از دکتر معین اعلام کرده‌اند.

## پیوست شماره ۱۱

به نام خدا

بیانیه نهضت آزادی ایران و فعالان ملی-مذهبی  
در حمایت از نامزدی دکتر معین در نهمین انتخابات ریاست جمهوری

به سوی جبهه دموکراسی خواهی و حقوق بشر

هم‌میهنان عزیز:

انسداد و بن‌بست در فرآیند مشارکت و توسعه سیاسی، در سالهای اخیر ناامیدی گسترده‌ای در میان مردم، به ویژه نخبگان و گروه‌های سیاسی، نسبت به امکان پیشرفت اصلاحات درون حکومتی پدید آورده است. با آنکه ماه‌ها پیش، با جدی‌تر شدن بحث‌های مربوط به نهمین انتخابات ریاست جمهوری، به درستی پیش‌بینی می‌شد که این بار نیز با رأی و نظر انحصارطلبانه شورای نگهبان و پدیده مکرر در مکرر رد صلاحیت نامزدهای انتخاباتی روبه‌رو خواهیم بود، برخی امیدوار بودند که با توجه به حساسیت اوضاع داخلی و بین‌المللی در شرایط کنونی، لاقلاً بخش پیش‌روتر اصلاح‌طلبان دوم خرداد از تیغ نظارت استصوابی جان سالم به در برند. ولی با کمال تأسف، این امید دیری نپایید و شورای غیر پاسخ‌گویی نگهبان، با روش آمرانه و جانبدارانه همیشگی، مبادرت به تأیید کسانی که با معیارهای متعارف رجل سیاسی و مذهبی محسوب نمی‌شوند و رد مردان و زنان صاحب صلاحیت، کرد. مسلماً سنت ناصواب نظارت استصوابی، یک بار دیگر در جهت تخریب روح وحدت ملی عمل کرده و از این رو، هیچ‌گونه حجت موجهی برای تشویق و ترغیب مردم به شرکت در این انتخابات باقی نمانده بود.

در میان ردصلاحیت شدگان، آقای دکتر مصطفی معین در بیانیه‌ای، با یادآوری رنج‌های ایران زمین از استبداد و خودکامگی، ضمن اعتراض به تصمیم شورای نگهبان، برعزم خود مبنی بر «تشکیل جبهه‌ای که بتواند دموکراسی، عدالت، استقلال، حقوق بشر و آرمانهای آزادیخواهانه مردم را پی‌بگیرد»، تأکید نمود. وی پس از فرآیندی که منجر به بازگشت ایشان به صحنه انتخابات ریاست جمهوری شد، با نقد مجدد انتخابات غیر آزاد و نظارت استصوابی، نقد قانون اساسی، نقد حکم حکومتی، محکوم کردن تهاجم علیه مطبوعات و فعالان سیاسی، حمایت از نیروهای حذف شده و تمایل به همکاری با جریانهای بیرون از حکومت، «به عنوان نامزدی که هویت اعتقادی، سیاسی و انتخاباتی خود را با منافع ملی و پیش‌برد دموکراسی» تعریف نموده‌است، بار دیگر ضرورت تشکیل «جبهه دموکراسی خواهی و حقوق بشر» را یادآور شد.

هم‌میهنان عزیز:

نهضت آزادی ایران و فعالان ملی-مذهبی، از زمان اعلام صلاحیت آقای دکتر معین، با اعضای ارشد ستاد وی (دبیرکل و چند تن از اعضای شورای مرکزی جبهه مشارکت ایران اسلامی) به طور مشترک گفتگوهای فشرده‌ای داشته‌اند که به نظر می‌آید، برخی از نتایج این گفتگوها در بیانیه انتخاباتی اخیر آقای دکتر معین بازتاب یافته است. اکنون، نهضت آزادی ایران و فعالان ملی-مذهبی، پس از ملاقات با آقای دکتر معین و اطمینان از اینکه ایشان-صرف‌نظر از نتیجه انتخابات پیش‌رو- در پی‌گیری برنامه‌های خود، به ویژه تحقق جبهه دموکراسی خواهی و حقوق بشر مصمم است، حمایت خود را از نامزدی وی در نهمین انتخابات ریاست جمهوری اعلام می‌کنند. جدا از برنامه‌های ترقی‌خواهانه آقای دکتر معین، دلایل دیگر این حمایت به شرح زیر است:

۱. با توجه به مشی سیاسی مسالمت‌آمیز، علنی و قانونی و پایبندیمان به تغییر و تحول آرام و تدریجی، اعتقاد داریم پیروزی آقای دکتر معین - که عملاً حضور او در انتخابات به شورای نگهبان و حامیان آن تحمیل شده است - برنامه جناح اقتدارگرای حاکمیت را به هم خواهد ریخت و مانع از یکدست شدن حکومت به نفع نیروهای افراط‌گرای راست خواهد شد.

۲. افزایش مشارکت مردم و غلبه آنان بر یأس و انفعال کنونی، به نفع جریان دموکراسی‌خواه و اصلاح‌طلب بوده، مانع از آن خواهد شد که همانند دوره دوم انتخابات شوراها، گروهی با کسب تنها ۱/۵ درصد آرای مردم، بر امکانات گسترده شهرهای بزرگ، نظیر تهران، تسلط یابند.

۳. با توجه به طرح تحریم انتخابات از طرف بعضی از نیروها، ما اعتقاد راسخ داریم که دعوت به عدم مشارکت در انتخابات پیش‌رو، در نهایت، خواسته‌های جناح‌های راست افراطی را تأمین می‌کند و عملاً گامی در راستای کمک کردن به پیروزی آنان با حد اقل آرا و بی‌دردسر و تسلطشان بر مهمترین دستگاه اجرایی کشور خواهد بود.

۴. همچنان که گروه‌های بسیاری یادآور شده‌اند، برنامه‌های آقای دکتر معین، چهارچوب حداقلی برای گذار از مرحله کنونی تحولات ایران است و به رسمیت شناخته شدن آن، جز با تغییر توازن نیروها به سود جنبش اجتماعی مردم ممکن نیست. بنابراین ما معتقدیم که حتی اگر بخواهیم به عرصه عمومی و تعمیق حرکت‌های اجتماعی توجه کنیم، باید تا حد امکان، به روی کار آوردن دولتهای اصلاح‌طلب، بیش از گذشته یاری رسانیم.

۵. تشکیل جبهه دموکراسی‌خواهی و حقوق بشر - که در برنامه آقای دکتر معین نیز مورد تأکید قرار گرفته است - برای تداوم جنبش اصلاحات، مستقل از نتیجه انتخابات پیش‌رو، نیازی راهبردی در شرایط حساس کنونی کشور است.

نهضت آزادی ایران و فعالان ملی-مذهبی، مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری و حمایت از مواضع و برنامه‌های اعلام شده از سوی آقای دکتر معین را گامی استراتژیک در راستای تداوم اصلاحات دموکراتیک، اعمال تحول تدریجی در ساختارهای حقیقی قدرت، راهی برای برون رفت از دایره تهدیدهای خطرناک بین‌المللی و بحرانهای داخلی، در مسیر چیره شدن بر بافت انحصارطلب و جناح اقتدارگرای حاکم، و بطور مشخص، در راستای مصالح، منافع و امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران می‌دانند. ما در این حمایت هیچ‌گونه سهمی از حاکمیت یا منصبی در دولت آینده رئیس‌جمهور طلب نمی‌کنیم و ضمن آن که خویش را همچنان یک نیروی نقاد ساختار قدرت می‌شماریم و معتقد هستیم که راه اصلاح فقط از درون جامعه ایران می‌گذرد، حرکت به سوی تشکیل جبهه دموکراسی‌خواهی و حقوق بشر را برای بازگرداندن امید به نیروهای ترقی‌خواه و ملی‌ضروری می‌دانیم.

۱۶ خرداد ۱۳۸۴

دبیرکل نهضت آزادی ایران  
ابراهیم یزدی

رئیس شورای فعالان ملی-مذهبی  
عزت الله سبحانی



## پیوست شماره ۱۲

### به نام خدا

منشور «جبهه دموکراسی و حقوق بشر»

مقدمه:

انقلاب مشروطه نقطه عطفی در تلاش ملت ایران برای حاکمیت قانون و زنی استبداد و عقب‌ماندگی به شمار می‌رود. در این نهضت، ایرانیان با هدف استقرار عدالت، آزادی و پیشرفت و مشروط کردن قدرت مطلقه حاکمان علیه سرکوب، تحقیر و تبعیض از یک سو و وابستگی، توسعه‌نیافتگی و ضعف در قبال بیگانگان از سوی دیگر قیام کردند و از آن پس در این یکصد سال، فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشتند و تسلیم استبداد نشدند، اگرچه به همه اهداف خود نرسیده‌اند.

نهضت ملی شدن صنعت نفت با هدف کوتاه کردن دست استعمارگران، در پی تثبیت حاکمیت ملی با برپایی انتخابات آزاد بود. انقلاب اسلامی نیز در ادامه مبارزات ملت ایران با آرمان آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی و نیل به ارزش‌های اخلاقی و معنوی اسلام به نظام استبداد مطلقه سلطنتی پایان داد و جمهوری اسلامی را مستقر کرد. جنبش اصلاحی دوم خرداد ۷۶ نیز حاکمیت قانون، پاسخگو و مشروط کردن قدرت و تقویت جامعه مدنی را سرلوحه تلاش‌های شهروندان، به‌ویژه زنان و جوانان ایران زمین قرار داد. هر چند در این مسیر شاهد پیشرفت‌هایی بوده‌ایم، اما هنوز در جامعه ما قانون‌مداری و دموکراسی به عنوان پیش‌نیاز تحقق اهداف دیرین ملت ایران نهادینه نشده است و با کمال تأسف نقض حقوق شهروندان در عرصه‌های گوناگون مشاهده می‌شود.

در جریان نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۴ ضرورت تشکیل «جبهه دموکراسی و حقوق بشر» با هدف پایان دادن به نقض حقوق بشر در ایران و دفاع از حق حاکمیت ملت توسط نامزد اصلاح‌طلبان پیشرو پیشنهاد و در مذاکره با احزاب و نیروهای گوناگون مورد تأکید قرار گرفت. پس از فعل و انفعالات انتخابات نهم و یک‌دست شدن حاکمیت، جلسات تأسیس جبهه دموکراسی و حقوق بشر به طور مستمر تشکیل شد. مبنای این جلسات همان شروط اعلام شده در جریان رقابت‌های انتخاباتی یعنی «تداوم اصلاحات و فعالیت سیاسی مسالمت‌آمیز و علنی در چارچوب قانون اساسی، با نگاهی نقادانه و تلاش برای اصلاح اصول غیردموکراتیک آن و نیز اجماعی بودن تصمیمات مؤسسان جبهه» بود. طی این جلسات، با حضور گروهی از نمایندگان احزاب، فعالان سیاسی و اجتماعی و روشنفکران، پس از طرح فشرده مباحث، منشور «جبهه دموکراسی و حقوق بشر» که در این متن اختصاراً «جبهه» نامیده می‌شود، تدوین شد.

به باور مؤسسان، در ارزیابی جامعه ایران نباید تک بعدی نگریست. بدین معنا که نباید هر مشکل ریز و درشتی را در کشور به حکومت و نارسایی‌ها در روابط سیاسی جامعه تقلیل داد. جامعه ایران نه فقط در سطح حکومت از وجود تبعیض نهادی و ضعف ساز و کارهای دموکراتیک رنج می‌برد، بلکه در سطح نهادهای مدنی و زندگی روزمره (و به‌طور کلی در سطح روابط اجتماعی و فرهنگی) شاهد آسیب‌های بنیادین، بی‌اعتدالی در روابط با یکدیگر، بی‌توجهی به انجام وظایف و مسئولیت‌های مدنی، عدم احترام به حقوق دیگران و... است. از

این رو تحقق دموکراسی، تأمین حقوق شهروندی و تقویت آزادی‌های مدنی نیازمند نگاهی انتقادی و مسئولانه به همه مؤلفه‌های اساسی جامعه مانند حکومت، نهادهای مدنی، نهاد خانواده و وظایف شهروندی است و لذا نگاه تک بعدی، ما را به سرمنزل مقصود نمی‌رساند.

«جبهه» خود را رقیب و جایگزین هیچ شکل سیاسی - اجتماعی، حزب و جبهه‌ای نمی‌داند و شرط عضویت در آن عدم عضویت در احزاب و جبهه‌های دیگر نیست. به باور مؤسسان «جبهه»، نهادینه شدن «حقوق بشر» و «دموکراسی» در ایران و استقرار «صلح» در منطقه و جهان زمینه مساعدی را به منظور ایجاد و تقویت نهادهای مدنی و حزبی برای همگان، به‌ویژه جوانان ایران زمین فراهم می‌کند تا بتوانند با برنامه‌های مشخص علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، منطقه‌ای و بین‌المللی در عرصه رقابت‌های سیاسی و انتخاباتی حاضر شوند. به همین دلیل «جبهه» دست‌اشخاص حقوقی و حقیقی را که خواهان استقرار دموکراسی در ایران و تأمین حقوق همه ایرانیان هستند و آن را از طرق مسالمت‌آمیز، قانونی و علنی و در چارچوب این منشور دنبال می‌کنند، می‌فشارد و آمادگی خود را برای همکاری و حضور آنان در «جبهه» اعلام می‌دارد. اصول منشور جبهه به شرح زیر است:

#### اصول:

۱ - «جبهه» استبداد را به هر شکل و توجیهی مهم‌ترین عامل توسعه نیافتگی ایران می‌داند و ضمن تأکید بر راهبرد توسعه دموکراتیک، «دموکراسی» را تنها روش آزموده شده انسانی برای اداره کشور می‌داند. در این دموکراسی باید حقوق مدنی (آزادی عقیده، بیان، مطبوعات و حق تشکیل انجمن، اتحادیه، سندیکا، حزب، تجمع اعتراض‌آمیز و مسالمت‌آمیز و...)، حقوق سیاسی (حق مشارکت و رقابت آزاد در انتخابات)، حقوق اجتماعی (حق تأمین بهداشت، تغذیه، اشتغال، ازدواج، مسکن، آموزش، پوشاک، تأمین اجتماعی و...) و حقوق فرهنگی (حق حفظ هویت‌های مذهبی، قومی، زبانی و...) همه ایرانیان به رسمیت شناخته شود. «جبهه» انتخاب مقامات را که باید در انتخابات آزاد، سالم و عادلانه برگزیده شوند و نیز امکان عزل قانونی آنان را حق همه شهروندان با علایق و منافع گوناگون می‌داند و در همه حال از حقوق برابر متدندان و دگراندیشان برای نقد قدرت و مشارکت در حکومت دفاع می‌کند.

۲ - «جبهه» اعلامیه جهانی حقوق بشر را یکی از دستاوردهای بزرگ آزادی‌خواهان و حق‌طلبان جهان می‌داند. جمهوری اسلامی نیز متعهد به رعایت میثاق حقوق بشر شده است و آن به موجب ماده ۹ قانون اساسی ایران، حکم قوانین کشور را دارد. «جبهه» خواهان اجرای اصول اعلامیه و سایر معاهدات ناشی از آن از جمله، دو میثاق بین‌المللی «حقوق مدنی و سیاسی» و «حقوق اقتصادی و اجتماعی» و پایان یافتن نقض حقوق بشر در ایران است. به همین دلیل در جهت بهره‌مندی همه ایرانیان از همه حقوق خود خواهد کوشید، تا آنان نیز وظایف شهروندی خود را به طور کامل انجام دهند.

۳ - مؤسسان «جبهه» دفاع از دموکراسی و حقوق بشر را علاوه بر اینکه یک رسالت انسانی می‌دانند، براساس باورهای اسلامی وظیفه دینی خود نیز می‌دانند. چرا که اسلام را یک ایمان درونی صرف که به وجدانیات و حوزه شخصی منحصر شود تلقی نمی‌کنند و آن را در عرصه عمومی و قلمرو سیاست نیز مؤثر

می‌دانند. «جبهه» هرگونه حق ویژه سیاسی را برای افراد، قشرها و گروه‌های اجتماعی خاص نفی کرده و مشروعیت همه مقامات و نهادهای حکومتی را ناشی از اراده و رأی مردم می‌داند.

به همین دلیل از حقوق همه اشخاص حقوقی و حقیقی اعم از مسلمان و غیر آن در عرصه عمومی و سیاسی دفاع می‌کند. «جبهه» به مشروط بودن همه اختیارات و مسئول بودن همه مقامات باور دارد و همه آنان را بدون استثناء در برابر قانون و ملت پاسخگو می‌شناسد. «جبهه» با تأکید بر «حاکمیت قانون» که از صدر مشروطه تاکنون خواست آزادی‌خواهان و عدالت‌طلبان بوده است، هیچ فرد یا نهادی را مافوق قانون نمی‌داند، به حق حاکمیت مردم باور دارد و معتقد است هیچ تفسیری از اصول قانون اساسی (به‌ویژه با توجه به اصل ۵۶ قانون اساسی) نمی‌تواند این حق خداداد را از ایرانیان سلب کند و در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد. «جبهه» ضمن دفاع از حضور دین و متدینان در عرصه عمومی و قلمرو سیاست بر استقلال نهاد دین و نهاد علم از نهاد سیاست (حکومت) تأکید می‌کند. «جبهه» با هرگونه انحصار سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دینی به نام اسلام و هر عنوان دیگری مخالف است.

۴- ایران کشوری کهن با ملت واحد و اقوام متعدد است. از نظر «جبهه» همه ایرانیان دارای حقوق برابرند و تعلق به قوم و مذهبی خاص، ناقض حقوق هیچ شهروندی نیست. «جبهه» ضمن دفاع از استقلال هیمن و یکپارچگی سرزمینی و مخالفت با هرگونه جدایی‌طلبی، استیفای کامل حقوق اقوام و پیروان ادیان و مذاهب گوناگون را ضروری می‌داند و تحقق دموکراسی را پاسخگوی مطالبات همه هموطنان ارزیابی می‌کند. به اعتقاد «جبهه» ایران مملکت مشاع همه ایرانیان است که برای استفاده از مواهب عمومی و مشارکت در اداره کشور از حقوق برابر برخوردارند.

۵- «جبهه» با نفی هرگونه تبعیض جنسیتی به تلاش همه جانبه برای احقاق حقوق زنان در تمام عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی معتقد است. «جبهه» همچنین با تأکید بر حفظ و تقویت نهاد خانواده براساس «برابری حقوق»، «پایبندی به اخلاق» و «دلبستگی عاطفی» و تربیت فرزندان و اداره منزل به عنوان مسئولیت مشترک زن و مرد تأکید می‌کند. به باور ما حقوق انسان تفکیک‌ناپذیر است و بین آنها ارتباط و همبستگی متقابل وجود دارد. بنابراین «جبهه» با تمام توان از مشارکت آزاد، برابر و متشکل زنان به عنوان حاملان بزرگ دموکراسی، حقوق بشر، صلح و مدارا و گفت‌وگو در تمام مراحل تحقق دموکراسی در ایران دفاع و با هرگونه تضییع حقوق زنان مقابله می‌کند.

۶- «جبهه» از حق بهره‌مندی آحاد جامعه از یک زندگی شرافتمندانه که در آن حداقل نیازها و خدمات انسانی شامل آموزش، بهداشت، درمان، اشتغال، مسکن، پوشاک و بیمه‌های اجتماعی، برای همه ایرانیان تأمین شود، دفاع می‌کند تا همه بتوانند در عرصه اجتماع و حکومت مشارکت آزاد، آگاهانه و مؤثر داشته باشند. «جبهه» دفاع از حقوق مادی و معنوی تمام آسیب‌دیدگان اجتماعی و حاشیه‌نشینان اجتماع مانند از کارافتادگان، معلولان، معتادان، بزهکاران، زندانیان و خانواده‌های آنان و... را وظیفه خود می‌داند.

۷- به منظور تقویت جامعه مدنی و نهادهای آن که استقرار دموکراسی منوط به آن است، «جبهه» از حق تشکیل همه شهروندان، قشرها و گروه‌ها اعم از دانشگاهیان، فرهنگیان، هنرمندان، نویسندگان و روزنامه‌نگاران،

کارگران، کشاورزان، کارمندان، اصناف، فعالان سیاسی و... در قالب انجمن‌ها، شوراها، سازمان‌های غیردولتی، اتحادیه‌ها، سندیکاها، احزاب و... حمایت می‌کند.

۸ - «جبهه» با تأکید بر استفاده از فرصت‌های جهانی و مقابله با تهدیدهای احتمالی، ضمن استقبال از تجربیات سایر ملل در استقرار دموکراسی، دلبستگی به دخالت دولت‌های خارجی را برای استقرار دموکراسی و حقوق بشر در ایران، نفی توان و شاید سستی‌های ملی برای رسیدن به دموکراسی می‌داند. جبهه استقرار دموکراسی را از درون و مبتنی بر اراده آگاهانه شهروندان ایرانی در دستور کار خود قرار می‌دهد.

۹ - «جبهه» با اعتقاد به کرامت، حرمت و حقوق طبیعی انسان، بر مصون بودن حریم شخصی و خصوصی شهروندان تأکید می‌کند.

۱۰ - اعتقاد به حقوق نسل‌ها «جبهه» را ملزم می‌کند که از حق برخورداری همه شهروندان از محیط زیست سالم و حفاظت از میراث فرهنگی و آثار تاریخی، به‌طور ویژه حمایت و با هر اقدامی که حقوق مذکور را به خطر اندازد، مخالفت کند.

۱۱ - «جبهه» دفاع از حقوق ایرانیان خارج کشور را وظیفه خود می‌داند، همچنان که به حمایت از حقوق مهاجران و گردشگران خارجی در میهن متعهد است.

۱۲ - «جبهه» با توجه به مخاطرات پیش‌رو، تأمین امنیت عمومی و ملی و زندگی مسالمت‌آمیز را حق همه جهانیان از جمله ایرانیان می‌داند و از آن دفاع می‌کند. «جبهه» با نفی خشونت‌ورزی، جنگ‌طلبی و تروریسم در سطح جهان، بر «صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز» به عنوان انسانی‌ترین، کم هزینه‌ترین و مؤثرترین راه استقرار دموکراسی و تأمین حقوق بشر برای همه ملل تأکید می‌کند و همه صلح‌طلبان جهان را به یاری و همکاری با یکدیگر فرا می‌خواند.

این منشور با یک مقدمه و اصول دوازده گانه در تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۱۴ توسط هیأت مؤسس به تصویب رسید.

## پیوست شماره ۱۳

### به نام خدا

اساسنامه «جبهه دموکراسی و حقوق بشر»

#### فصل اول - نام و هدف

ماده اول - «جبهه دموکراسی و حقوق بشر»، که در این اساسنامه به اختصار «جبهه» نامیده می شود، با مشارکت شخصیت‌های حقوقی و حقیقی، تشکیل شده و در چارچوب اصول منشور «جبهه» و بر طبق اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فعالیت می کند.

#### ماده دوم - هدف و فعالیت‌ها

۱- هدف: استقرار حاکمیت ملت و تأمین حقوق و آزادی‌های مردم به شرح مکرر در اصول دوازده‌گانه منشور جبهه

#### ۲- فعالیت‌ها

۲/۱- جبهه ضمن نظارت بر عملکرد حاکمان، در جایگاه «دیده‌بان»، همه موارد نقض حاکمیت ملت و حقوق بشر و تجاوز به حقوق اساسی مردم را پیگیری و در رابطه با سیاست‌ها، برنامه‌ها، مقررات، قوانین و عملکرد حاکمان در رابطه با حقوق اساسی ملت موضع‌گیری می کند.

۲/۲- جبهه برای آشنایی هرچه بیشتر شهروندان به وظایف و حقوق اساسی خود و مقابله با ریشه‌ها و زمینه‌های فرهنگ استبدادی، با انجام پژوهش‌های لازم، برنامه‌های آموزشی و ترویجی را پیشنهاد یا اجرا می کند.

۲/۳- جبهه برای اجرای برنامه‌هایش مانند انتشار نشریات، سخنرانی، تشکیل اجتماعات، کارهای آموزشی، توضیحی و حمایتی و ... از روش‌های مدنی، علنی و مسالمت‌آمیز استفاده می کند.

ماده سوم - مرکز اصلی «جبهه» در تهران است. با تصویب شورای عمومی، جبهه می تواند در مراکز استان‌ها، بر طبق آیین‌نامه مصوب شورای عمومی، دبیرخانه استانی تأسیس کند.

ماده چهارم - درآمد جبهه از طریق دریافت حق عضویت و کمک‌های اشخاص حقوقی و حقیقی عضو یا حامی تأمین می شود.

تبصره: قبول هدایا و کمک‌های اشخاص حقوقی و حقیقی حامی بر اساس آیین‌نامه مصوب شورای عمومی خواهد بود.

#### فصل دوم - شرایط عضویت و حقوق و وظایف اعضا

#### ماده پنجم - شرایط عضویت

۱- هیئت مؤسس شامل اشخاص حقوقی (نمایندگان احزاب، سازمان‌های سیاسی و نهادهای مدنی مرتبط) و اشخاص حقیقی (شخصیت‌های مؤثر سیاسی و اجتماعی) می باشد که در جریان تدوین منشور و اساسنامه جبهه مشارکت داشته و یا در روند تأسیس جبهه با آن موافقت کرده‌اند.

۲- احزاب، سازمان‌های سیاسی و نهادهای مدنی مرتبط که متقاضی عضویت جبهه باشند در صورت پذیرش منشور و اساسنامه جبهه و رأی موافق دو سوم اعضای شورای عمومی به عضویت جبهه پذیرفته می‌شوند.

۳- با پیشنهاد حداقل یک سواعضای شورای عمومی و با رأی موافق حداقل سه چهارم اعضای شورا شخصیت‌های مؤثر سیاسی - اجتماعی به عنوان عضو اصلی و شخصیت‌هایی که خدمات ارز شمندی برای استقرار و تقویت دموکراسی و حقوق بشر انجام داده‌اند به عنوان عضو افتخاری در صورت موافقت خود آنان پذیرفته می‌شوند.

**تبصره:** اعضای افتخاری در صورت شرکت در اجلاس عمومی از حق رأی برخوردار خواهند بود.

۴- احزاب، سازمان‌های سیاسی، انجمن‌ها و نهاد های مدنی و صنفی و شخصیت‌های مؤثر سیاسی و اجتماعی که با هدف و برنامه‌های جبهه موافق باشند می‌توانند به عنوان عضو حامی و ناظر با جبهه همکاری کنند.

۵- نحوه ارتباط، همکاری و عضویت تشکل‌های حقوق بشری و دموکراسی‌خواه، که برای پیوستن به جبهه تشکیل شده باشند، بر طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب شورای عمومی برسد.

۶- اعضای جبهه از حق رأی مساوی برخوردارند.

۷- اعضای جبهه موظف به رعایت اصول منشور و مصوبات اجلاس عمومی و شورای عمومی و ایفای تعهدات همکاری و پرداخت حق عضویت مطابق آیین‌نامه مصوب شورای عمومی هستند.

**تبصره:** نحوه و شرایط ارتباط، همکاری و عضویت اعضای افتخاری و شخصیت‌های حقوقی و حقیقی حامی و ناظر براساس آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب شورای عمومی برسد.

**ماده ششم -** هر عضو جبهه، اعم از حقوقی یا حقیقی، که از اصول منشور و اساسنامه و مصوبات اجلاس عمومی و شورای عمومی جبهه تخلف کند، عضویتش با پیشنهاد دبیرخانه یا هر یک از اعضای جبهه و رسیدگی و اعلام نظر هیأت داور و تأیید شورای عمومی به حالت تعلیق درمی‌آید. مرجع نهایی برای لغو عضویت اجلاس عمومی است.

### فصل سوم - ارکان جبهه

**ماده هفتم -** ارکان جبهه عبارتند از: ۱- اجلاس عمومی ۲- شورای عمومی ۳- هیأت داور ۴- دفتر نظارت و برنامه‌ریزی ۵- دفتر پژوهش و ترویج ۶- دبیرخانه هماهنگی و واحدهای زیرمجموعه آن.

#### ۱- تعریف، وظایف و اختیارات اجلاس عمومی

**ماده هشتم -** اجلاس عمومی بالاترین مرجع تصمیم‌گیری در جبهه است که به‌طور عادی هر دو سال یکبار با حضور نمایندگان احزاب، گروه‌های سیاسی و نهادهای مدنی و نیز شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی تشکیل می‌شود.

**تبصره ۱ -** شرکت‌کنندگان در نخستین اجلاس عمومی متشکل از هیأت مؤسس و دیگر اعضای حقوقی و حقیقی که حداکثر در ظرف مدت دو ماه از انتشار منشور و اساسنامه به عضویت جبهه درآیند خواهند بود. در

دوره‌های بعد، اجلاس عمومی با حضور اعضای اجلاس عمومی دوره پیش و اعضای جدیدی که در فاصله بین دو اجلاس به جبهه پیوسته‌اند، تشکیل خواهد شد.

**تبصره ۲-** ترتیب دعوت از نمایندگان شخصیت‌های حقوقی و نحوه اداره جلسات اجلاس‌های عمومی عادی و فوق‌العاده و مقررات مربوط به رسمیت یافتن جلسه، رأی‌گیری و غیره طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب شورای عمومی (در نخستین اجلاس به تصویب هیأت مؤسس) برسد.

**تبصره ۳-** اجلاس عمومی با حضور اکثریت مطلق اعضای اجلاس و حداقل دو سوم اعضای حقوقی رسمیت می‌یابد.

**تبصره ۴-** همه ارکان منتخب اجلاس عمومی و شورای عمومی تا آن‌جا که با تصویب اجلاس جدید به این‌گونه وظایفشان ادامه می‌دهند.

**ماده نهم-** وظائف و اختیارات اجلاس عمومی به شرح زیر است:

۱- استماع گزارش‌های شورای عمومی و هیأت داور و اظهارنظر در مورد آنها

۲- تعیین تعداد اعضای شورای عمومی و انتخاب آنها

۳- انتخاب اعضای هیأت داور

۴- بررسی و تصویب سیاست‌های راهبردی جبهه به پیشنهاد شورای عمومی

**تبصره:** بحث و تصمیم‌گیری درباره هر موضوعی که دست‌کم یک سوم اعضای اجلاس عمومی به هیأت رئیسه اجلاس پیشنهاد دهند.

۵- اصلاح یا تغییر منشور یا اساسنامه جبهه

۶- تصمیم‌گیری درباره انحلال جبهه

**تبصره ۱:** در اجلاس نخست، سیاست‌های راهبردی به وسیله هیأت مؤسس پیشنهاد خواهد شد.

**ماده دهم -** تصمیمات اجلاس عمومی به‌جز در مواردی که برخلاف آن در این اساسنامه تصریح شده باشد با اکثریت نسبی اتخاذ خواهد شد. تصویب موارد مربوط به تبصره ذیل بند ۴ ماده نهم با حداقل دو سوم آراء و موارد مربوط به بندهای ۵ و ۶ ماده نهم با حداقل سه چهارم آراء حاضران در اجلاس عمومی خواهد بود.

**ماده یازدهم -** هر یک از نمایندگان اشخاص حقوقی در هر رأی‌گیری می‌تواند درخواست رأی‌گیری حزبی کند. در این صورت، علاوه بر اکثریت رأی تمامی اعضا، رأی با اکثریت تعیین شده اشخاص حقوقی نیز لازم خواهد بود.

**۲- تعریف و وظائف و اختیارات شورای عمومی**

**ماده دوازدهم -** شورای عمومی متشکل است از نمایندگان همه احزاب، سازمانهای سیاسی و نهاد های مدنی و تعدادی از شخصیت‌های مؤثر سیاسی و اجتماعی که به وسیله اجلاس عمومی برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند.

**تبصره ۱:** در دوره اول، تعداد اعضای شورای عمومی حداکثر ۲۱ نفر خواهد بود. تعداد اشخاص حقوقی عضو شورا نباید از نصف به علاوه یک تعداد کل اعضای شورای عمومی کمتر باشد.

**تبصره ۲:** جلسات شورای عمومی دست کم یک بار در ماه تشکیل می شود. ترتیب دعوت از اعضا، اداره جلسات شورای عمومی و مقررات مربوط به رسمیت یافتن آن و رأی گیری طبق آیین نامه ای خواهد بود که به تصویب شورای عمومی برسد.

**ماده سیزدهم - اختیارات و وظایف شورای عمومی به شرح زیر است:**

- ۱- دعوت برای تشکیل جلسات عادی و فوق العاده اجلاس عمومی
  - ۲- تدوین سیاست های راهبردی برای پیشنهاد به اجلاس عمومی
  - ۳- اجرای مصوبات اجلاس عمومی
  - ۴- انتخاب اعضای دفتر نظارت و برنامه ریزی، دفتر پژوهش و ترویج و دبیرخانه
  - ۵- انتخاب رئیس، نایب رئیس و دبیر شورای عمومی (سخنگوی جبهه)
- تبصره ۱-** رئیس شورا با رأی دو سوم اعضای شورای عمومی از میان اعضا برای مدت یک سال انتخاب می شود و تجدید انتخاب او در یک دوره دیگر بلامانع است.

**تبصره ۲-** نایب رئیس و دبیر شورای عمومی از میان اعضای شورا به صورت گردشی برای مدت شش ماه به ترتیب حروف الفبا (از الف تا ی) براساس آیین نامه مربوطه تعیین می شوند.

۶- بررسی و تصویب برنامه های پیشنهادی دفتر نظارت و برنامه ریزی و دفتر پژوهش و ترویج

۷- بررسی درخواست های عضویت و پذیرش اعضای جدید جبهه

۸- رسیدگی به گزارش هیأت داور و تصمیم گیری درباره اعضای خطاکار

۹- نظارت بر عملکرد ارکان جبهه

۱۰- بررسی و تصویب آیین نامه هایی که به وسیله ارکان مختلف جبهه تهیه و پیشنهاد می شود.

۱۱- بررسی و تصویب ترانزنامه مالی و بودجه سالانه

**ماده چهاردهم -** تصمیم درباره اقدامات عملی و مهم جبهه با حداقل دو سوم رأی موافق اعضای شورای عمومی اتخاذ می شود، مشروط بر آنکه هیچ عضو حقوقی مخالف آن نباشد.

**تبصره:** تشخیص اقدامات عملی و مهم طبق آیین نامه مصوب شورای عمومی خواهد بود.

### **۳- هیأت داور**

**ماده پانزدهم -** هیأت داور، مرکب از سه عضو اصلی و دو عضو علی البدل است که در اجلاس عمومی برای مدت دو سال، با دو سوم آرای حاضران انتخاب می شوند.

**تبصره ۱:** جلسات هیأت داور با حضور حداقل ۳ عضو که دو عضو آن باید اصلی باشند رسمیت می یابد. در صورت عدم شرکت یک عضو اصلی، اعضای علی البدل به ترتیب آراء با حق رأی در جلسه شرکت می کنند.

**تبصره ۲:** اعضای هیأت داور نمی توانند همزمان عضو شورای عمومی باشند، اما دیگر اعضای شخصیت های حقوقی می توانند برای عضویت هیأت داور انتخاب شوند.



**ماده شانزدهم -** وظایف هیأت داورى رسیدگی به شکایات در مورد عملکرد اعضا و ارکان جبهه و گزارش نتیجه رسیدگی به اجلاس عمومی و شورای عمومی است. تصمیمات هیأت داورى در صورت تأیید شورای عمومی لازم‌الاجرا خواهد بود.

**تبصره ۱:** نحوه کار هیأت داورى، مقررات انضباطی جبهه و سلب حقوق اعضا براساس آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب شورای عمومی برسد.

**تبصره ۲:** در صورت مخالفت شورای عمومی با تصمیم هیأت داورى، هیأت داورى می‌تواند تقاضای تشکیل اجلاس عمومی کند.

#### ۴ - دفتر نظارت و برنامه‌ریزی

**ماده هفدهم -** دفتر نظارت و برنامه‌ریزی حداکثر ۱۵ عضو دارد که توسط شورای عمومی از بین اعضای جبهه برای مدت یک‌سال انتخاب می‌شوند. اعضای علی‌البدل به نسبت یک به سه اعضای اصلی انتخاب خواهند شد. انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

**ماده هیجدهم -** وظایف دفتر نظارت و برنامه‌ریزی دیده‌بانی حقوق ملت به‌ویژه موارد نقض دموکراسی و حقوق بشر مذکور در منشور جبهه و ارائه پیشنهاد برای اقدام به شورای عمومی است.

**تبصره:** اعضای دفتر نظارت و برنامه‌ریزی در اولویت از بین نمایندگان شخصیت‌های حقوقی عضو جبهه انتخاب خواهند شد.

#### ۵ - دفتر پژوهش و ترویج

**ماده نوزدهم -** دفتر پژوهش و ترویج حداکثر ۱۵ عضو دارد که توسط شورای عمومی از بین اعضای جبهه (حداقل یک سوم از اعضای جبهه) و یا کارشناسان ذیربط برای مدت یک‌سال انتخاب می‌شوند. اعضای علی‌البدل به نسبت سه به یک اعضای اصلی انتخاب خواهند شد. انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

**ماده بیستم -** وظایف دفتر پژوهش و ترویج، برنامه‌ریزی و انجام مطالعات لازم در زمینه‌های مرتبط با دموکراسی، حقوق بشر و صلح و آموزش و ترویج آنهاست.

#### ۶- دبیرخانه

**ماده بیست و یکم -** دبیرخانه مرکب از پنج عضو اصلی و دو عضو علی‌البدل است که در اولویت از بین نمایندگان شخصیت‌های حقوقی عضو جبهه توسط شورای عمومی برای مدت یک‌سال انتخاب می‌شوند.

**تبصره:** هیچ‌یک از اعضای دبیرخانه نمی‌توانند بیش از دو دوره متوالی به سمت عضو دبیرخانه هماهنگی انتخاب شوند مگر با کسب رأی سه چهارم اعضای حاضر در جلسه شورای عمومی.

**ماده بیست و دوم -** وظایف دبیرخانه اجرای مصوبات شورای عمومی، ارائه خدمات لازم به ارکان و واحدهای مختلف جبهه است.

**ماده بیست و سوم -** دبیرخانه دارای واحدهای اطلاع‌رسانی و تبلیغات، واحد ارتباطات و واحد مالی و پشتیبانی است که هر یک ۳ تا ۵ عضو دارند که از بین اعضای جبهه توسط دبیرخانه هماهنگی انتخاب می‌شوند.

تبصره: حدود و ظایف و اختیارات و نحوه مدیریت دبیرخانه و واحدهای زیر مجموعه آن بر طبق آیین‌نامه‌ای است که توسط دبیرخانه هماهنگی تهیه و به تصویب شورای عمومی برسد.

#### فصل چهارم - امور مالی و متفرقه

ماده بیست و چهارم - مبادلات مالی جبهه از طریق حساب بانکی انجام می‌شود. تعهدات مالی و امضای چک‌های صادره با امضای رئیس شورای عمومی و امضای مسئول دبیرخانه یا مسئول واحد مالی و پشتیبانی جبهه صورت می‌گیرد.

ماده بیست و پنجم - در صورتی که اجلاس عمومی رأی به انحلال جبهه دهد، امر تصفیه جبهه توسط هیئت مرکب از پنج عضو منتخب اجلاس عمومی انجام می‌شود که حداقل سه نفر از آنها عضو حقوقی خواهند بود. هیئت تصفیه کلیه موجودی و اموال جبهه را به تشخیص خود به نهادهای مدنی واگذار خواهد کرد.

ماده بیست و ششم - این اساسنامه در چهار فصل، ۲۶ ماده و ۲۱ تبصره در تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۲۴ توسط هیئت مؤسس به تصویب رسید.

## پیوست شماره ۱۴

سخنان مهندس محمد توسلی در مراسم افطار شاخه جوانان نهضت آزادی ایران:

شنبه ۶ مهر ۱۳۸۷

با شکل‌گیری جبهه فراگیر اصلاح‌طلبان و آمدن خاتمی، جنبشی فراگیرتر از دوم خرداد شکل می‌گیرد به گزارش «موج سوم»، رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران که در مراسم افطاری شاخه جوانان نهضت آزادی ایران با حضور فعالان جوان احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلب سخن می‌گفت، تأکید کرد: به اعتقاد من، اگر آقای خاتمی محور جبهه فراگیر اصلاح‌طلبان شوند، گروه‌هایی مثل ادوار تحکیم و خود آقای عبدالله نوری‌ها به این جریان خواهند پیوست.

محمد توسلی گفت: نیروهای سیاسی می‌توانند در بزنگاه‌های سیاسی خاص و ایام انتخابات نشان دهند که در عمل به چه میزان منافع ملی را بر منافع شخصی و گروهی خود مقدم می‌دارند.

به گزارش خبرنگار «موج سوم»، رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران که در مراسم افطاری شاخه جوانان نهضت آزادی ایران با حضور فعالان جوان احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلب سخن می‌گفت، تأکید کرد: «گروه‌های مختلف اصلاح‌طلب هر تحلیلی از وضعیت کشور داشته باشند، در نگرانی نسبت به آینده منافع ملی اشتراک نظر دارند و همین نگرانی می‌تواند محوری باشد برای ارتباط و همفکری و همراهی بیشتر این نیروها و هیچ بهانه‌ای نباید در چنین شرایطی مانع از ائتلاف فراگیر نیروهای اصلاح‌طلب شود.»

وی افزود: «برای ائتلاف نیز باید به جای «همه با من»، از «همه باهم» سخن بگوییم و به اخلاق گفت‌وگو و ائتلاف سیاسی پایبند باشیم. انتخابات پیش‌رو فرصت بسیار مناسبی برای شکل‌گیری این ائتلاف با محوریت آقای خاتمی است؛ البته نزدیکان آقای خاتمی هم می‌توانند با تغییر پاره‌ای روش‌ها به شکل‌گیری و تداوم چنین ائتلافی کمک کنند.»

وی در ادامه خطاب به فعالان جوان احزاب اصلاح‌طلب کشور گفت: «شما می‌توانید برای تسهیل ائتلاف فراگیر و زدودن حاشیه‌های عاطفی و مشکلات تاریخی و خاطرات و اختلافاتی که عمدتاً تحمیلی بوده‌اند و مانع همفکری‌های آتی هستند، نقش مهمی ایفا کنید؛ همان‌طور که سازمان دانشجویان دانشگاه تهران در دهه ۴۰ توانست دیدگاه پاره‌ای از رهبران جبهه ملی را تغییر دهد.»

توسلی گفت: «جبهه گسترده اصلاح‌طلبان به محملی برای گفت‌وگوی اصلاح‌طلبان تبدیل خواهد شد و می‌تواند با محوریت آقای خاتمی شکل بگیرد و همه گروه‌ها و احزاب اصلاح‌طلب احساس کنند در این جبهه حضور دارند. به اعتقاد من، اگر آقای خاتمی محور چنین جبهه‌ای شوند، حتی گروه‌هایی مثل ادوار تحکیم که از آقای عبدالله نوری حمایت می‌کنند هم به این جریان خواهند پیوست.»

عضو ارشد نهضت آزادی ایران خاطر نشان کرد: «وجوه مشترک گروه‌های تشکیل دهنده این جبهه می‌تواند مبنایی باشد برای رسیدن به برنامه‌ای حداقلی برای انتخابات ریاست جمهوری و پس از آن.»

توسلی افزود: «به نظرم اگر با کمک جوانان احزاب، چنین همگرایی‌ای ایجاد شود، آقای خاتمی برای انتخابات ریاست جمهوری نامزد خواهند شد و جنبشی فراگیرتر از دوم خرداد ۱۳۷۶ ایجاد می‌شود؛ چرا که

شرایط کنونی جامعه ما بسیار مناسب‌تر از ۱۲ سال پیش است. خاتمی می‌تواند با حضور در انتخابات با اتکا به چنین ائتلاف و جنبشی ما را به تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی نزدیک کند.»

در این مراسم، نمایندگان جبهه مشارکت، حزب کارگزاران، «پویش (کم‌بین) دعوت از خاتمی»، ادوار تحکیم، شورای مرکزی دفتر تحکیم و تعدادی از انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌های کشور حضور داشتند و پیش از سخنان محمد توسلی به طرح دیدگاه‌های خود در باب مسائل جاری کشور و انتخابات ریاست جمهوری پیش‌رو پرداختند.

## پیوست شماره ۱۵

### گزارش سخنرانی مهندس توسلی به مناسبت ۲ خرداد در اراک

به مناسبت دوم خرداد ستاد ۸۸ اراک (جوانان حامی خاتمی و موسوی) از مهندس توسلی رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران دعوت کردند تا در اراک به ایراد سخنرانی بپردازند.

مهندس توسلی در ابتدا با تشکر از ستاد ۸۸ اراک که این مراسم را ترتیب داده‌اند اقدام به طرح یک پرسش کردند. پیام اصلی دوم خرداد چه بود؟

مهندس توسلی در پاسخ به سؤال فوق فرمودند: همه به یاد دارید یا مطالعه کرده‌اید ۲ خرداد در شرایطی به وجود آمد که مجموعه حاکمیت نسبت به نامزدی خاص تصمیم گرفته بود و حتی وزرا و مدیران کل هم انتخاب شده بودند در چنین شرایطی آقای خاتمی وارد عرصه انتخابات شد تا ۴ - ۵ میلیون رأی بیاورد که بتواند پایه‌گذار جنبشی بشود. خاتمی با حرف‌ها و برنامه‌هایش پاسخی بود به نیازهای جامعه و مردم، نیاز به آزادی، نیاز به دموکراسی، نیاز به پیشرفت و توسعه. این شرایط موجی در جامعه ایجاد کرد و باعث شد آقای خاتمی با اکثریت قاطع پیروز شود ۲ خرداد رأی اعتراضی بود به حاکمان قبلی در جهت مطالبات مردم.

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در ادامه با نگاهی اجمالی به دو دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی و عملکرد اصلاحات بیان کردند: در این ۸ سال تحولات اساسی در جامعه شکل گرفت از جمله اقداماتی در ایجاد و تقویت جامعه مدنی، اقداماتی در رابطه با توسعه علمی، فرهنگی و اقتصادی. در عرصه بین‌المللی: تنش‌زدایی، تقویت ارتباطات منطقه‌ای و جهانی، حضور در مجامع جهانی (سازمان ملل) و طرح دیدگاه‌ها (گفت‌وگوی تمدن‌ها) باعث سرافرازی و سربلندی ایران و ایرانی شده بود.

در این رابطه مهندس توسلی با نقل گفته‌هایی که خود مستقیم شنیده‌اند و یا برای ایشان گفته شده است بیان کردند: حتی آنهایی هم که موافق نظام نیستند و براندازند گفته‌اند وقتی آقای خاتمی در مجامع بین‌المللی سخنرانی می‌کنند ما احساس افتخار می‌کنیم ایشان به نقل از معاون دانشجویی وزارت علوم فرمودند: در این دوران بیش از سه هزار تشکل دانشجویی شکل گرفت البته وقتی این تشکل‌ها در دوره اخیر زیر فشار قرار گرفتند بیشتر قدر آن دوره را می‌دانند.

در ادامه اولین شهردار تهران بعد از انقلاب به نقد دوره اصلاحات پرداختند و در این رابطه به ۲ نکته اشاره کردند:

۱- مردم: جنبش دانشجویی و ما مردم ایران دچار فرهنگ استبدادی هستیم (زور و زود) همه چیز با یک سریع به دست بیاید خاتمی باید آن کارهایی را که کشورهای توسعه یافته در ۳۰۰ - ۴۰۰ سال طی کردن در دوره کوتاهی محقق می‌کرد و به تبع آن شعارهای تندی مثل عبور از خاتمی مطرح شد. تغییرات در جامعه پرسه‌ای طولانی است و باید با همفکری و کار جمعی به سمت آن برویم اصلاحات راه پر سنگلاخی است و نیاز به آدم‌هایی دارد که صبور باشند تا بذری را که می‌کارند اگر نتوانستند خود برداشت کنند دیگران و آیندگان آن را درو کنند.

۲- اصلاح‌طلبان: آیا اصلاح‌طلبان از تمام ظرفیت‌هایی که در اختیارشان بود استفاده کردند؟ نه، فرصت‌هایی بود که می‌شد بهتر استفاده کرد چنانچه خود آقای خاتمی گفتند بعضی از فرصت‌هایی که بود سوخت. ایشان

ریشه مشکل اصلاحات و جنبش اصلاح‌طلبی را سر و رهبر نداشت دانستند. ما در دوره اصلاحات به آقای خاتمی پیشنهاد کردیم که ایشان مردم را در سالگرد ۲ خرداد در میدان آزادی جمع و گزارشی از فعالیت‌ها و مشکلات بدهند. ما امیدواریم آقای خاتمی در شرایط جدید نقش رهبری و مدیریت اصلاحات را برعهده بگیرد.

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران گفت: قبل از بررسی انتخابات پیش‌رو باید به این سؤال پاسخ گفت که چگونه احمدی‌نژاد سرکار آمد؟ حتماً به یاد دارید که در انتخابات شورای شهر دوم در همه شهرهای کشور ۲ اتفاق افتاد:

۱- ناپختگی منتخبین شورای شهر اول که نتوانستند شوراها را در مسیر درست هدایت کنند و این مسئله باعث بی‌اعتمادی مردم نسبت به اصلاح‌طلبان شد. ۲- شرکت کم مردم در انتخابات شوراها (در تهران ۱۱٪) واجدین شرایط شرکت کردند) این فرصت را به رقیب داد تا با آرای مدیریت شده و بلو که آبدگران را بر کرسی شورای شهر بنشانند و متعاقب آن آقای احمدی‌نژاد به عنوان شهردار انتخاب شد. این مسئولیت سکوی پرتابی شد برای آقای احمدی‌نژاد تا با کارهایی مثل ساخت سقاخانه و دادن تسهیلات به هیئت‌های مذهبی رأی کافی را جمع‌آوری کند. در دوره نهم انتخابات ریاست‌جمهوری اصلاح‌طلبان با چند نامزد وارد شدند و آرای‌شان پراکنده شد و به گفته برخی مسئولین انتخابات مدیریت شد. در دور دوم هاشمی و احمدی‌نژاد در مقابل هم قرار گرفتند و به رغم حمایت‌های زیاد از هاشمی آرای خاموش با این تحلیل که رأی‌شان تأثیری ندارد حضور پیدا نکردند و در نتیجه احمدی‌نژاد به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد. در دور اول با تحلیلی که مطرح کرده بودیم از آقای معین حمایت کردیم ولی در دور دوم ما رأی اعتراضی دادیم رأی اعتراضی به این معنی که در اعتراض به احمدی‌نژاد به رقیب او آقای هاشمی رأی دادیم و رأی اعتراضی کافی نبود و احمدی‌نژاد انتخاب و بر مقدرات کشور حاکم شد. با توجه به عملکرد دوره چهار ساله احمدی‌نژاد تحلیل‌ها به این سمت رفت که ما اشتباه کردیم و باید شرکت می‌کردیم چنانچه تحریمی‌ها در این دوره فعالانه شرکت کردند و از اصلاح‌طلب‌ها حمایت کردند این نشانه بلوغ سیاسی است ما بارها گفته‌ایم که دموکراسی یادگرفتنی است. باید گام به گام جلو برویم و از گذشته درس بگیریم.

مهندس توسلی در ادامه به ارزیابی دولت نهم پرداختند و گفتند: در عرصه اقتصادی به‌رغم وعده‌ها تورم ما دو رقمی شده، بیکاری دو رقمی شده این در شرایطی است که در گزارشات درآمد نفت بین ۲۷۰ تا ۳۰۰ میلیارد دلار بوده است (تناقض آماری به دلیل عدم ارائه آمار صحیح از سوی دولت است) این درآمد معادل سه برابر متوسط درآمد ما در شانزده سال گذشته است. در حوزه فرهنگی با مطبوعات، چاپ کتاب و تولید فیلم چه کرده‌اند؟ در حوزه فرهنگی ما هزینه‌های زیادی داده‌ایم. در حوزه اجتماعی با سرکوب جنبش‌های مدنی، زنان، دانشجویان، معلمان، اقلیت‌های دینی، دراویش روبرو بوده‌ایم با تخریب مکان‌های شان با بازداشت آن‌ها. در عرصه سیاست خارجی دست‌کم سه قطعنامه سازمان ملل علیه ما صادر شد، تحریم‌ها تشدید شده باعث ایجاد مشکلات اساسی برای صنایع و کشاورزی ما شده است به‌خصوص با سلطه نهادهای نظامی و امنیتی که بدون ضابطه همه چیز در اختیارشان است باعث خرابی شده است. برخی از اقدامات دولت مانند طرح مسئله

هولوکاست و نمایش هسته‌ای که این نوع مطرح کردن‌ها همه به نفع اسرائیل تمام شده است و ضربه بوده به منافع ملی ما. این کج‌فهمی‌ها و کج‌اندیشی‌ها باعث ترد مدیرانی شد که روی آنها سرمایه‌گذاری شده بود.

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران با طرح این سؤال که راه‌کارهای پیش روی مردم در انتخابات چیست؟ به انتخابات دهم ریاست جمهوری پرداخت: برای مردم روشن است که شرایط موجود به نفع منافع ملی ما نیست و همه احساس مسئولیت کرده‌اند تا به عرصه بیایند تا وضع موجود را تغییر دهند. البته این فقط اصلاح‌طلب‌ها نیستند که خواهان تغییر هستند بلکه بخشی از اصول‌گرایان هم هستند که خواهان تغییر هستند مثل موضعی که نمایندگان اصول‌گرای مجلس علیه کارهای دولت می‌گیرند، مثل موضعی که جامعه مدرسن حوزه علمیه و جامعه روحانیت مبارز که نهادهایی اصول‌گرا هستند توجه کنید که به دلیل ضعف دولت و منافع صنفی نمی‌توانند از آن حمایت کنند. گفتمان تغییر تبدیل به گفتمان ملی شده است و باید برای تحقق آن تلاش کرد. در حال حاضر شورای نگهبان چهار نامزد را تأیید کرد که دو تای آنها اصلاح‌طلب هستند با این شرایط راه‌کار منطقی این است که مشارکت آن‌گونه بالا برود تا احمدی‌نژاد در دور اول ۵۰٪ رأی نیاورد. مهم نیست کروی یا موسوی، مهم این است که کسی ۵۰٪ رأی نیاورد که انتخابات به دور دوم برود، در دور دوم مردم تکلیف را روشن خواهند کرد. در این رابطه مردم باید قبول مسئولیت کنند و با ستادها همکاری کنند یا هر دو ستاد به صورت سازمان یافته. باید مواضع هر دو کاندید را بررسی کرد که کدام‌یک به مطالبات و خواست مردم نزدیک‌ترند در شرایطی که هر دو می‌توانند مملکت را از این وضعیت نجات بدهند و ملی‌اولویت بالا بردن مشارکت است.

در پایان مهندس توسلی به ضرورت صیانت از آرا اشاره کردند و فرمودند: ما از انتخابات آزاد عبور کرده‌ایم؛ معیارهای جهانی و عرفی انتخابات آزاد این‌گونه نیست. ما می‌خواهیم در فرایند دموکراسی تلاش کنیم، مهم سلامت انتخابات است، مهم این است که آن رأی که مردم می‌دهند شمرده شود. این سنگین‌ترین مسئولیت ما است مردم باید این را به عنوان یک مسئولیت مهم و سنگین بپذیرند و نقش مؤثر ایفا کنند. در ۲ خرداد مردم حضورشان بیشتر احساسی بود ولی در ۲۲ خرداد با آگاهی خواهد بود، آگاهی مردم نسبت به قبل بیشتر شده و این یک حرکت رو به جلو است.

بعد از پایان سخنرانی مهندس توسلی به سؤالات حضار پاسخ گفتند:

سؤال: با توجه به حضور وزارت کشور و شورای نگهبان در فرایند انتخابات آیا از آرا مردم صیانت می‌شود؟

جواب: این نگرانی وجود دارد که شرایط به نفع یک نامزد خاص باشد ولی باید تلاش کرد یا حضور در کمیته صیانت از آرا، یا حضور در پای صندوق‌های رأی. در ۲ خرداد هم همین اتفاق افتاد آن‌قدر اختلاف زیاد بود که نمی‌شد تقلب کرد

سؤال: ۱- علت دستگیری ۲۴ نفر از فعالین سیاسی در سال ۶۹ چه بود؟

۲- برنامه کدام نامزد با توجه به بیانیه‌های حقوق شهروندی آنها بهتر است؟

جواب: بازداشت سال ۶۹ در پی نامه ۹۰ امضایی به رئیس‌جمهور بود که از ۲۴ نفر بازداشت شده ۹ نفر در دادگاه محکوم شدن که من هم افتخار داشتم یکی از آنها بودم اگر شما دوباره آن نامه را با دقت بخوانید متوجه

می‌شود که امضاکننده‌های آن نامه (از جمله آقایان بازرگان، سحابی و اردلان بودند) هوجی ایجاد کردند که نتیجه‌اش ۲ خرداد شد. به سؤال دوم جواب نمی‌دهم ما در بیانیه خودمان از هر دو حمایت کرده‌ایم شما خودتان برنامه‌ها را بررسی و انتخاب کنید.

سؤال: برداشت خود را از دوران نخست‌وزیری آقای موسوی بیان کنید؟

جواب: این سؤال پاسخ کوتاه ندارد. موضع ما وضع حال افراد است. در پی اتفاقات سال ۶۰ طیف نهضت آزادی از حاکمیت خارج شد و هیچ گروهی امکان فعالیت نداشت و تنها ما به اعتبار بزرگانمان امکان حضور داشتیم. در چنین شرایطی آقای مهندس موسوی به‌طور طبیعی نخست‌وزیر شدند. آقای موسوی در زمان جنگ، اقتصاد را به خوبی هدایت کردند و به پشتوانه حمایت امام(ره) مسائل سیاسی را هم خوب هدایت کردند. البته ایشان نقاط قوت و ضعف زیادی داشتند. ما دوره قبل را فراموش نکرده‌ایم ولی مسائل را نیز به دل نگرفتیم. ما باید اهل تساهل و مدارا باشیم و منافع ملی را بر منافع شخصی ترجیح بدهیم تا بتوانیم در مسیر توسعه حرکت بکنیم. به عنوان مثال در مالزی و ترکیه، آرا و افکار مختلفی وجود دارد ولی آنها می‌توانند باهم کار کنند و این باعث توسعه شده است ما باید تلاش کنیم هر دو کاندیدا پایبندی خود را به بیانیه‌های حقوق شهروندی حفظ کنند.

سؤال: سکوت آقای خاتمی در سال‌های پایانی ریاست جمهوری برای حفظ نظام بود یا حفظ اصلاحات؟  
جواب: شما باید این سؤال را از خود آقای خاتمی پرسید البته ایشان کوتاهی‌هایی داشتند مثل برگزاری انتخابات مجلس هفتم و همچنین ایشان باید ابهام‌زدایی کنند که چگونه شد که آمدند و رفتند ولی خاتمی همچنان در جامعه نفوذ دارد و می‌تواند لولای اصلاحات شود ما نباید همه را سیاه و سفید ببینیم.

سؤال: با توجه به وضعیت اقتصادی آیا آقای موسوی می‌تواند کاری بکند؟

جواب: مهم‌تر از بحران سیاسی و سیاست خارجی، تحقیری است که دولت نهم نسبت به ملت ایران کرد. آقای احمدی‌نژاد با ارائه آمار نادرست و ادعاهای بی‌پشتوانه (مثل هاله نور) اقدام به تحقیر ملت ایران کرده است. سخنران باید با فرهنگ مخاطب خود آشنا باشد؛ به عنوان مثال سخنرانی ایشان را در سازمان ملل و مهدیه تهران مقایسه کنید خواندن دعا فرج وحدت‌آفرین است یا تنش‌زا؟ پخش سه هزار تراول چک پنجاه هزار تومانی در خوابگاه دانشجویان تحقیر دانشجو است. در دوران قبل از انقلاب هم این‌گونه نبود در روستاها رأی می‌خریدند نه در دانشگاه این تحقیر دانشجوست و یا توزیع سیب‌زمینی به این شکل تحقیر ملت ایران است یا اینکه نامه بدهند و پول بگیرند باید اعتماد اجتماعی را به جامعه برگرداند.

سؤال: با توجه به اینکه عرف شده است هر فرد دو دوره رئیس‌جمهور باشد آیا می‌شود در این دوره کس دیگری را انتخاب کرد؟

جواب: این دغدغه را فقط یکایک ما و شما می‌توانیم پاسخ‌گو باشیم (از ماست که بر ما ست) آن‌هایی که شرکت نکردند باید پاسخ‌گو باشند.

سؤال ۱. آیا دولت آینده آقای موسوی مجوز فعالیت نهضت آزادی را خواهند داد؟

۲. با توجه به وجهه نهضت آیا آقای موسوی از آنها در کابینه خود استفاده می‌کند؟



جواب: ما در دیداری که با رئیس ستاد آقای موسوی داشتیم، گفتیم ما هیچ سهمی نمی خواهیم. ما در راستای منافع ملی گام برمی داریم.

در ابتدای جلسه آقای سعید کمیجانی به عنوان رئیس ستاد ۸۸ اراک ضمن خیر مقدم به آقای مهندس توسلی و انتقاد از استانداری به دلیل عدم مجوز به سخنرانی آقای تاجزاده در اراک خواستار عدم تبعیض استانداری نسبت به کاندیداهای مختلف شد.

مهندس توسلی بعد از پایان سخنرانی با حضور در ستاد انتخاباتی آقای مهندس موسوی با اعضای ستاد به گفتگو پرداختند.

## پیوست شماره ۱۶

بسمه تعالی

تاریخ: ۱۳۹۱/۰۵/۲۳

جناب حجت الاسلام و المسلمین حیدر مصلحی

سه پیوست دارد

وزیر محترم اطلاعات

باسلام و احترام، و دعای قبولی طاعات و عبادات در این ماه مبارک رمضان،

نظر به اینکه براساس اطلاع از سوی جناب حجت الاسلام و المسلمین سید محمدحسن ابوترابی فرد جناب عالی شخصاً در جریان مسائل و مشکلات اینجانب قرار نگرفته‌اید، ضرورتاً موارد زیر را به استحضار می‌رساند:

۱- روز ۱۲ آبان ۹۰ با مدیریت مأمور محترم آن وزارت بنده بازداشت و پس از سپری کردن ۱۹۴ روز در بازداشتگاه ۲۰۹ وزارت اطلاعات با عنوان مرخصی آزاد شدم. شرح احوالی این بازداشت در نامه مورخ ۹۱/۴/۲۵ به ریاست محترم قوه قضاییه آمده و رونوشت آن نیز با پست سفارشی همزمان برای جناب عالی ارسال شده است. به پیوست مجدداً یک نسخه جهت استحضار جنابعالی ایفاد می‌شود.

۲- پس از آزادی اینجانب، مأمورین محترم آن وزارت که قبلاً از طریق حراست شرکت فرودگاه‌های کشور دستور داده بودند که از ارجاع کار جدید به شرکت مهندسین مشاور گذرراه که اینجانب با آن همکاری دارم خودداری کنند، مجدداً دستور داده‌اند به کلیه پروژه‌های در دست اقدام این شرکت خاتمه داده شود.

۳- جناب آقای موسی‌الرضا ثروتی وکیل محترم مردم شهرستان بجنورد و شهرستان‌های مجاور در مجلس شورای اسلامی طی یادداشت شماره ۴۶۹۲ مورخ ۹۱/۴/۲۰ خود به جنابعالی پیامدهای منفی این تصمیم را در روند اجرای پروژه توسعه فرودگاه بجنورد را یادآوری و درخواست رفع مشکل نموده‌اند. تصویر این نامه نیز به پیوست تقدیم می‌شود.

۴- مهندسین مشاور گذرراه نهادی فنی و خدماتی است و براساس خط مشی دیرین مدیران آن، اهدافش ارائه خدمات کارشناسی و با رعایت صداقت و امانت بوده و به همین علت مورد اعتماد کارفرمایان مختلف قرار دارد. برای مزید استحضار جنابعالی تصویر نامه شماره ۵۴۵/۱۵۳۱ مورخ ۹۱/۴/۱۹ این شرکت به مدیر عامل محترم شرکت فرودگاه‌های کشور در این خصوص تقدیم می‌شود.

۵- به طوری که استحضار دارند در راستای اجرای اصول متقن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای اینکه وزارت اطلاعات به سرنوشت ساواک گرفتار نشود نمایندگان خیراندیش دوره اول مجلس شورای اسلامی برای تصدی و مدیریت این وزارتخانه ماده واحده‌ای به تصویب رساندند تا فردی مجتهد و با اشتهار به عدالت و تقوی با نظارت عادلانه و آگاهانه خویش از بروز هرگونه اقدام خلاف قانون، شرع و اخلاق در روند فعالیت‌های این وزارتخانه جلوگیری به عمل آورد.

قطعاً جنابعالی استحضار دارید اداره دوم و هشتم ساواک سابقه خوبی از عمل کرد خود بر جای گذاشته است. آنچه موجب بدنامی ساواک گردید و یکی از عوامل انقلاب اسلامی سال ۵۷ گردید صرفاً عمل کرد اداره سوم آن بود که موجب بدنامی ساواک شد.

۶- در شرایط حساس کنونی و بحران‌هایی که منافع ملی کشور را در معرض مخاطره قرار داده است به نظر اینجانب ضروری و بجاست همه کسانی که به اصول و آرمان‌های انقلاب وفادار و به قانون اساسی التزام دارند، به رغم اختلاف سلیقه‌های سیاسی در کنار هم قرار گیرند و به وظایف قانونی و ملی خود عمل کنند. تصدیق می‌فرمایید که پیام طبیعی این‌گونه دستورها بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی مردم و اختلال در روند اشتغال و برنامه‌های توسعه کشور که قطعاً در راستای امنیت و منافع ملی نیست، خواهد بود.

۷- اینجانب با توجه به سابقه عملکرد خود در سال‌های قبل از انقلاب و مدیریت انقلاب، همواره به اصول و آرمان‌های اصیل انقلاب پایبند بوده و با التزام به قانون اساسی به وظایف قانونی، دینی و اخلاقی خود در راستای مصالح و منافع ملی و خدمت به کشورم در طول بیش از ۵۰ سال خدمات مدیریتی و کارشناسی عمل کرده‌ام.

معلوم نیست در شرایط حساس کنونی کشور، خدمات صادقانه کارشناسی شرکت مهندسین مشاور گذرراه که صرفاً متمرکز بر خدمات فنی و مهندسی بوده است، چگونه با مسائل امنیتی ارتباط برقرار کرده است که برخی از مأموران محترم آن وزارت چنین دستوری را به حراست شرکت فرودگاه‌های کشور صادر کرده‌اند؟ با توجه به مراتب بالا از اقدامی که برای لغو دستور صادره به اداره کل حراست شرکت فرودگاه‌های کشور جهت ادامه خدمات شرکت مهندسین مشاور گذرراه با حداقل ۸۰ نفر کادر فنی معمول خواهد داشت، پیشاپیش سپاسگزاری می‌نمایم.

باتقدیم احترام

محمد توسلی

## پیوست شماره ۱۷

بسمه تعالی

۱۳۹۱/۰۴/۲۵

آیت‌الله صادق آملی لاریجانی  
ریاست محترم قوه قضائیه

باسلام و احترام،

از آنجا که قوه قضائیه وفق اصل یک صد و پنجاه و شش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مسئولیت پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی و تحقق بخشیدن به عدالت و نظارت بر حسن اجرای قوانین و جلوگیری از تضییع حقوق فردی و اجتماعی آحاد شهروندان را به عهده دارد، که در اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از جمله در اصول دوم، هشتم، نهم، بیست و دوم، بیست و سوم، بیست و چهارم، بیست و ششم، سی و دوم و سی و ششم و سی و نهم و ... مورد تاکید قرار گرفته است، اینجانب براساس فریضه الهی امر به معروف و نهی از منکر - که در اصل هشتم قانون اساسی نیز تصریح شده است - لازم می‌دانم جریان بازداشت اخیر خود را به طور مستند به استحضار جنابعالی به عنوان ریاست محترم قوه قضائیه برسانم. به امید آن که ضمن احقاق حقوق اینجانب، با رسیدگی قانونی از این گونه تخلفات و نقض آشکار قانون و تضییع حقوق شهروندی پیشگیری به عمل آید.

### گام اول

روز پنجشنبه ۱۲ آبان ماه ۱۳۹۰ حدود ساعت ۹ صبح، جمعی با این عنوان که «نامه سفارشی» دارند وارد منزل شدند سپس حکمی مبنی بر بازرسی منزل و بازداشت اینجانب ارائه کردند و تا حدود ساعت ۱۱ صبح اطاق کار بنده و دختر اینجانب را بدون آن که مامور زن همراه داشته باشند بازرسی کردند. آرشیبو و یادداشت‌های مطالعاتی و قرآنی، (دو کارت)، دوربین عکاسی خانوادگی که در آن تصریح شد عکس‌های خانوادگی وجود دارد، تلفن‌های همراه، لپ‌تاب و کارت‌های بانکی شخصی و کارت ملی و ... پس از تنظیم صورتجلسه، وسایل شخصی را ضبط کردند و مرا با خود به زندان ۲۰۹ وزارت اطلاعات اوین بردند.

این در حالیست که ماده ۱۰۳ قانون آئین دادرسی کیفری چنین مقرر داشته: "از اوراق و نوشته‌ها و سایر اشیای متعلق به متهم، فقط آنچه که راجع به واقعه جرم است تحصیل و در صورت لزوم به شهود تحقیق ارائه شود و...". خود قضاوت بغرمایید، کارت ملی اینجانب و یا تحقیقات قرآنی بنده، چه سنخیت و رابطه‌ای با عناوین اتهامی منته سببه دارد! بازرسی اتاق شخصی دخترم چه ارتباطی با عناوین اتهامی بنده دارد؟! در خصوص دوربین عکاسی، موبایل و کامپیوتر شخصی، طبق ماده قانونی مذکور، قاضی مکلف شده است با کمال احتیاط رفتار نماید. تاکنون با وجود نامه نگاری با دادستان محترم تهران، پاسخی در خصوص اشیاء و اسناد توقیف شده، ارائه نشده است.

در بدو ورود این افراد به منزل، اعضای خانواده را به آشپزخانه منزل هدایت کردند و شروع به تفتیش نمودند، این در حالیست که ماده ۹۸ قانون آئین دادرسی کیفری مقرر داشته، تفتیش و بازرسی می‌باید در حضور متصرف قانونی و شهود

تحقیق به عمل آید ولی مامورین موصوف، بازرسی از اتاق دخترم را در غیاب ایشان انجام دادند و وسایل شخصی و البسه او را تفتیش نمودند.

جالب آنکه بند ۸ ماده واحده قانون حفظ حقوق شهروندی، تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارباب به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد، تقبیح و ممنوع گردیده است.

خبرگزاری فارس در ساعت ۹:۱۸ روز پنجشنبه ۱۲ آبان ماه (شماره ۱۵۱۱۰۰۸۱۱۰۰۱۳۹۰) از قول یک «منبع آگاه» اقدام به نشر این خبر کرد:

«محمد توسلی از اعضای گروهک منحل نهضت آزادی به اتهام تقلب و جعل امضاء در صدور بیانیه موسوم به ۱۴۳ نفره بازداشت شد. تاکنون ۳۰ نفر از افرادی که اسامی و امضای آنها ذیل این بیانیه قرار گرفته، به طور مکتوب و یا با انجام گفت و گوهایی این موضوع را تکذیب کرده‌اند... در تحقیقات بعدی مشخص شد عا حل اصلی جعل امضا و این اقدام متقلبانه محمد توسلی... بوده است و بر همین اساس وی به اتهام تقلب و جعل امضا دستگیر شد. مقام آگاه افزود: به موازات ادامه تحقیقات درباره امضا کنندگان بیانه ۱۴۳ نفره تعداد افرادی که امضای آنها جعل شده و به این امر معترض هستند در حال افزایش است...» (پیوست شماره یک).

خبرگزاری مشرق در ساعت ۹:۴۴، خبرگزاری صراط در ساعت ۱۰:۱۸ روز ۱۲/۸/۹۰ به نقل از خبرگزاری فارس متن کامل این خبر را منتشر کردند (پیوست های شماره ۲ و ۳). خبرگزاری فارس روز بعد در ساعت ۱۱:۲۸ متن خبر مذکور را به صورت تکرار، مجددا منتشر کرد.

این اتهامات بی اساس، در حالی از طریق این رسانه‌ها منتشر شده است که طبق ماده ۱۸۸ قانون آئین دادرسی کیفری، انتشار هویت و مشخصات متهم قبل از قطعی شدن حکم غیر قانونی است و متخلف به مجازات مقرر محکوم خواهد شد، از طرفی ماده ۶ قانون مطبوعات در بندهای ۹، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰،

نهضت آزادی ایران به استناد سوابق و اعلام نظر کمیسیون ماده ده احزاب وزارت کشور در سال ۱۳۸۰، حزبی قانونی اما غیر رسمی اعلام شده است، چرا که تاکنون پروانه برای آن صادر نشده است. به عبارت دیگر، کمیسیون یاد شده که مرجعی رسمی برای تشخیص قانونی بودن احزاب سیاسی در ایران محسوب می‌شود با عنایت به صراحت اصل ۲۶ قانون اساسی و رویه جاری در خصوص بسیاری از جمعیت‌ها و احزاب سیاسی فاقد پروانه که از گذشته تا کنون به فعالیت‌های خود، آزادانه می‌پرداخته‌اند و به ویژه در طیف جریان اصولگرا و حاکم بر کشور نیز موارد مشابه فراوانی از آن یافت می‌شود، بر این باور بوده‌اند که عدم صدور پروانه از سوی وزارت کشور، موجب غیرقانونی بودن احزاب نبوده و احزاب سیاسی مانند هر شخصیت حقوقی دیگر، به صرف اراده موسسین، تحقق یافته و قانونی محسوب می‌شوند.

همان‌گونه که مستحضردید، این حزب اسلامی و ملی در سال ۱۳۴۰ توسط آیت‌الله سید محمود طالقانی، مهندس مهدی بازرگان و دکتر یداله سجایی و جمعی دیگر پایه‌گذاری شده است و در سال‌های قبل و بعد از انقلاب به ویژه در مدیریت انقلاب به وظایف دینی و ملی خود در راستای تحقق مطالبات تاریخی ملت ایران تلاش کرده است. احاطه مسوولیت‌های گوناگون از سوی رهبر فقید انقلاب به اعضای شناخته شده نهضت آزادی ایران در شورای انقلاب و نخستین دولت پس از انقلاب نیز بر پایه همین تلاش‌ها و نقش آفرینی‌ها صورت گرفته است. مصادحاً حکم نخست وزیر زنده یاد مهندس مهدی بازرگان از سوی رهبر فقید انقلاب نیز گواهی بر این مدعاست.

در سال ۱۳۸۸ به دنبال اعمال محدودیت‌ها و بازداشت تعداد زیادی از اعضای نهضت آزادی ایران از جمله دبیر کل و تنی چند از اعضای شورای مرکزی، دفتر سیاسی و شاخه جوانان به دستور مقامات وزارت اطلاعات و تصویب شورای مرکزی نهضت آزادی ایران، کلیه فعالیت‌های تشکیلاتی این حزب دیرپای اسلامی و ملی متوقف شد. اعضای نهضت آزادی در راستای انجام فریضه الهی امر به معروف و نهی از منکر و استفاده از حقوق شهروندی در این مدت با نام شخصی خود به صورت مصاحبه، یادداشت با امضای شخصی اظهار نظر نموده‌اند، امضای نامه به رئیس جمهور سابق کشور نیز در این راستا و به همین نحو صورت گرفته است.

شایان ذکر است که اتهام کذب «تقلب و جعل امضاء» هیچگاه توسط بازپرس و کارشناس محترم چه بصورت شفاهی و چه مکتوب در اوراق رسمی مطرح نشد.

بازپرس محترم ضمن تاکید به این که حکم بازداشت بنده توسط بازپرس کشیک امضا شده است، تلویحاً اظهار داشتند مندرجات پرونده که همه افراد امضای خود را قبول کرده‌اند دلیل موجه و مناسبی برای بازداشت شما نیست، گفتند: این گونه اظهار نظرها، در خصوص انتخابات مسئله‌ای نیست و در همان روز (۱۴ آبان ۹۱) با صدور قرار کفالت، حکم آزادی مرا پس از طرح سئوالی از سوی کارشناس پرونده صادر کردند.

حال این سوال به ذهن متبادر می‌گردد که بنده بر چه اساسی بازداشت شده‌ام؟! ماده ۱۲۴ قانون آئین دادرسی کیفری، صراحت دارد قاضی نباید کسی را جلب کند مگر اینکه دلایل کافی برای احضار یا جلب موجود باشد. از طرفی آیا امضای یک بیانیه جرم تلقی می‌شود؟ کدام قانون در کشور، امضای یک بیانیه مصلحت‌جویانه را جرم دانسته است؟ اصل قانونی بودن جرم و مجازات را در خصوص عملکرد ضابطین خاص دستگاه قضایی چگونه می‌توان توجیه نمود؟! ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، در این خصوص تکلیف را روشن نموده است!

بند ۳ ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب صراحت دارد که هرگاه در جرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری استان تا ۴ ماه و در سایر جرائم تا ۲ ماه به علت صدور قرار تامین، متهم در بازداشت بسربرد و پرونده اتهامی او

منتهی به تصمیم نهایی در دادسرا نشده باشد مرجع صادر کننده قرار مکلف به فک یا تخفیف قرار تامین متهم می‌باشد! در ادامه این ماده تاکید شده است که اگر جهات قانونی یا علل موجهی برای بقا قرار تامین وجود داشته باشد، در این صورت با ذکر دلایل قرار موصوف تمدید خواهد شد و متهم حق دارد ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ به وی به دادگاه عمومی یا از قلاب شکایت نماید. با وجود چندین مرتبه اعتراض به قرار بازداشت و همچنین درخواست‌های متعدد جهت ملاقات با دادستان تهران، رسیدگی لازم صورت نپذیرفت و حدود ۷ ماه را در بازداشتگاه وزارت اطلاعات سپری نمودم.

### گام سوم

ساعت ۱۰:۳۰ شب سه شنبه ۱۷ آبان ۹۰ به منظور بازجویی، مرا از خواب بیدار کردند و در خصوص نحوه بررسی متن نامه دریافت شده و ارائه امضاها و سنوالات مطروحه، توضیحات لازم به کارشناس محترم ارائه شد.

این در حالیست که بند ۶ ماده واحده قانون احترام و حفظ حقوق شهروندی تصریح نموده است که در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایدای افراد نظیر بستن چشم و ... اجتناب گردد. واضح است که موارد مطروحه حصری نبوده و مصدافی است، منطقیاً بازجویی فردی با شرایط سنی و جسمی من، در ساعت ۱۰:۳۰ شب، مصادیق بارز ایداء است. بعلاوه چه فوریتی برای بازجویی شبانه وجود داشته و آیا بازجویی در شب، نقض آشکار مقررات لازم الاجرای مندرج در ماده ۱۲۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری نبوده و از مصادیق بارز شکنجه و آزار روانی و جسمی متهم محسوب نمی‌شود؟

لازم به یادآوری است که در این جلسه بازجویی نیز که به صورت مکتوب انجام شد، هرگز مسئله‌ای به نام «تقلب و جعل امضا» مطرح نشد.

### ریاست محترم قوه قضائیه

اگر امضای نامه‌ای سرگشاده به رئیس جمهور سابق کشور در خصوص انتخابات مجلس شورای اسلامی که با هدف رفع موانع حضور حداکثری مردم در انتخابات و ارتقاء امنیت ملی صورت گرفته از نظر مقامات قضایی و امنیتی جرم باشد، آیا مطابق اصل ۳۲ قانون اساسی و ماده ۱۲۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری نباید «حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت» و دست کم پس از تکمیل عملی پرونده ظرف یک هفته موضوع به دادگاه صالحه برای رسیدگی ارجاع می‌شد و ضابطین قوه قضائیه براساس حکم صادره از سوی دادگاه صالحه، عمل می‌کردند! آیا مجازاتی که برای مأموران متخلف از مفاد ماده ۱۲۹ قانون یاد شده وضع شده است، ناظر به این مورد نیست؟ در منظر و منطق مأموران امنیتی و ضابطان قوه قضائیه، چه دلیل و علتی بر متمایز دانستن متهمان عقیدتی و سیاسی با مرتکبان جرایم عمومی مانند قاتلان و کلاهبرداران و جاعلان و سارقان وجود دارد که با متهمان سیاسی باید با چنین شدت عملی برخورد شود؟

ظاهراً با پیگیری ضابطین قوه قضائیه در وزارت اطلاعات، مقامات قضایی مستقر در دادسرای شهید مقدس (اوین) و به ویژه بازپرس محترم شعبه ششم ملزم به تمدید قرار بازداشت موقت اینجانب به مدت سه ماه شده است. صدور قرار بازداشت سه ماهه برای اینجانب نقض آشکار مواد ۳۲ و ۱۱۷، ۱۱۸ و محورهای مندرج در ماده ۱۳۴ قانون آیین دادرسی دادگاهی عمومی و انقلاب در امور کیفری در خصوص تناسب تامین قضایی با اهمیت جرم و امکان قرار متهم یا ام‌جای مدارک و مستندات محسوب می‌شود و اصولاً با توجه به صراحت ماده ۳۳ قانون یادشده، صدور قرار بازداشت موقت، افزون بر

یک ماه، نقض آیین دادرسی کیفری و اصل قانونی و عقلی قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها می‌باشد که در فقه شیعه نیز تحت عنوان "ممنوعیت عقاب بلا بیان" ذکر شده است و آیا این عمل، خود به عنوان جرمی مستقل قابل پیگرد نیست؟

نهایتاً با پیگیری وکلا و خانواده، روز سه شنبه ۱۱ بهمن ماه ۹۰ مرا به بازپرسی شعبه ۶ احضار کردند. در این جلسه بازپرس محترم خواستند به دو سؤال وزارت اطلاعات که قبلاً در مرحله تفهیم اتهام در خصوص ضویت در نهضت آزادی ایران و امضای نامه ۱۴۳ امضا به آقای سید محمد خاتمی رئیس‌جمهور سابق کشور مطرح شده بود، مجدداً پاسخ دهم و اینجانب به همان ترتیب قبل، همان توضیحات را تکرار کردم. به عبارت دیگر هیچ مطلب جدیدی نه از سوی ضابطان قضایی و نه از سوی متهم در این مرحله اعلام نشد.

روز شنبه ۱۵ بهمن ماه ۹۰ مجدداً به بازپرسی احضار شدم. در آنجا متوجه شدم که بازپرس محترم برای آزادی اینجانب به جای کفالت اولیه درخواست وثیقه یکصد میلیون تومانی کرده‌اند و خانواده نیز اضطرراً اقدام کرده‌اند و بر این اساس، شعبه ۶ حکم آزادی اینجانب را در همان تاریخ، مرقوم و به زندان ۲۰۹ وزارت اطلاعات ابلاغ کرد.

#### کام چهارم

روز ۱۲ دیماه ۹۰ کارشناس محترم در جلسه بازجویی اظهار داشتند، پرونده شما در قوه قضائیه مطرح شده است، نظر به این که رسیدگی به پرونده شما برای نظام هزینه سنگینی در پی دارد، لذا تصمیم گرفته‌اند حکم دادگاه سال ۱۳۸۰ اجرا شود و شما به استناد حکم سال ۸۰ بازداشتگاه ۲۰۹ نگهداری می‌شوید. حال به استناد کدام قانون، خدا می‌داند!

در پیگیری خانواده، احدی از مسئولین اجرای احکام صراحتاً اعلام داشته بود که بنده با دستور وزارت اطلاعات در بند ۲۰۹ نگهداری می‌شوم و اعلام داشته‌اند که بر اساس مصلحت است و نه قانون!

شایان ذکر است که در اواخر سال ۱۳۸۹ براساس گزارش آقای سید محمدعلی دادخواه وکیل اینجانب در پرونده سال ۱۳۸۰، جناب آقای احمدزاده معاون محترم اجرای احکام دادستانی تهران و با حضور دو تن از قضات دادستانی تهران از جمله قاضی صلواتی، پرونده سال ۱۳۸۰ اعضا و علاقمندان نهضت آزادی ایران مورد بررسی قرار گرفته و مطابق مواد ۱۷۳ و ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مشمول مرور زمان تشخیص داده‌اند و این رأی را ایشان روی پرونده مرقوم نموده‌اند.

حال چگونه است که ضابطین و دادرسرای اوین در یک اقدام هماهنگ تغییر استراتژی داده و بحث حکم سال ۸۰ را مطرح ساخته‌اند! اگر آن طور که مسئولین ذریبط تحقیق و اجرای احکام دلیل نگهداری ۷ ماهه بنده را اجرای حکم سال ۸۰ اعلام داشته‌اند، چرا مطابق قانون سازمان زندان‌ها، بنده می‌باید در بازداشتگاه امنیتی ۲۰۹ حکم خود را بگذارم؟! علی‌القاعده اگر قصد مسئولین مربوطه اجرای حکم سال ۸۰ بوده باشد، می‌باید به بند عمومی زندان اوین منتقل می‌گشته‌ام و نه بازداشتگاه ۲۰۹ وزارت اطلاعات. مطابق آیین نامه سازمان زندان‌ها، بازداشتگاه محل نگهداری افراد تحت قرار است و نه افرادی که احکام قطعی دارند. از طرف دیگر رأی نهایی پرونده سال ۸۰ تاکنون به بنده یا وکلایم ابلاغ نشده است و از محتوای آن بی‌خبر هستم.

به رغم اعتراض اینجانب که اگر به هر علت پرونده سال ۸۰ مشمول مرور زمان نیست و دستور توقف اجرای احکام این پرونده توسط رئیس قوه قضائیه وقت در ده سال گذشته نقض شده است، چرا مطابق قانون مرا با شرایط سنی و محدودیت‌هایی که دارم بجای بازداشتگاه در شرایط زندان عمومی سازمان زندان‌ها نگهداری نمی‌کنید. کارشناس محترم وزارت اطلاعات و در مرحله بعد مسئول محترم اجرای احکام زندان اوین به استناد گزارش‌های وزارت اطلاعات، نگهداری



اینجانب را در زندان عمومی به مصلحت نظام ندانسته و بطور ماهانه بازداشت اینجانب را تا ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۹۱ تمدید کردند.

#### ریاست محترم قوه قضائیه

بنا بر کدام قاعده حقوقی و مصلحت سیاسی و حتی امنیتی، متهمی را بنا بر موضوعی خاص بازداشت می‌کنند و پس از سه ماه و پس از اعلام نظر قاضی مربوطه و تودیع وثیقه، به علت آن که تازه دستگاه امنیتی کشور در می‌یابد که اتهام وارده، توجیه قانونی نداشته و برای نظام هزینه دارد، به بهانه واهی دیگری او را محبوس نگه می‌دارند! اگر که قرار بوده اینجانب همچنان محبوس بمانم و حکم سال ۸۰ اجرا شود دیگر چه نیازی به اخذ وثیقه جدید بود؟ آیا در نظام قضایی ما وثیقه اصل است؟ ظاهراً قانون، فلسفه اخذ هرگونه قرار تامین را به علت الزام متهم به حضور در دادگاه اعلام کرده و هیچ دلیل قانونی دیگری بر این امر ذکر نشده است. برای الزام متهمی که قرار است در زندان بماند، به حضور در دادگاه، چه نیازی وجود دارد که وثیقه اخذ شود؟ متأسفانه تمامی این دلایل حکایت از آن دارد که اولاً بازداشت و تمدید این بازداشت به دلایل غیرقضایی و به منظور اعمال فشار فیزیکی و روانی صورت گرفته است و دوم آن که نشان می‌دهد قوه قضائیه و سازمان زندان‌ها تا چه حدی متأثر از منویات وزارت اطلاعات است.

#### گام پنجم

اینجانب به مدت ۶/۵ ماه (۱۹۴ روز) را در سلول‌های زندان ۲۰۹ اوین، که ۳۲ روز آن بصورت انفرادی و بقیه مدت بصورت ۲، ۳ و حتی ۴ نفر بوده سپری نموده‌ام. اما شرایط سنی هم‌ندان عموماً ۱۹ تا ۴۰ سال و خصوصیات آنها که سختی برای زندگی مشترک با بنده نداشتند عموماً شرایط را برای بنده بسیار سخت‌تر از انفرادی ساخته بود. از دی‌ماه فقط اختیار خرید روزنامه کیهان را داشتم. استفاده از روزنامه همشهری و اطلاعات که در سایر سلول‌ها استفاده می‌شد برای بنده مجاز نبود. استفاده از تلویزیون جمهوری اسلامی ایران تا نوروز سال ۹۰ برای بنده و هم‌ندان بنده ممنوع بود در تمام مدت، قرآن مجید و مفاتیح در اختیار بنده بود و استفاده از قلم و کاغذ برای بنده ممنوع بود. پس از دوران انفرادی هفت‌هنگامی دو روز و گاهی سه روز هر بار حدود ۲۰ دقیقه ما را به هواخوری می‌بردند.

بیش از یک ماه از هرگونه تماس تلفنی یا ملاقات با خانواده محروم بودم و پس از ۳۶ روز از بازداشت (۱۷ آذر ۹۰) توانستم با حضور کارشناس پرونده با خانواده تلفنی صحبت کنم و در دوران بعد هفته‌ای یک بار به مدت حدود ۱۰ دقیقه اجازه تماس تلفنی با خانواده داشتم و هر دو هفته یکبار به مدت حدود ۲۰ دقیقه با خانواده بصورت کابینتی (بشت شیشه و تلفنی) ملاقات می‌کردم.

در اینجا لازم می‌دانم از پزشکان و بهیاران بهداری زندان ۲۰۹ که در حد امکانات و اختیارات خود مراقبت پزشکی از بنده داشتند سپاسگزاری نمایم.

#### گام ششم

#### ریاست محترم قوه قضائیه

همانگونه که قبلاً توضیح داده شد اگر امضای نامه‌ای به رئیس‌جمهور سابق کشور به هر علت جرم تلقی می‌شد پرونده مطابق قانون بایستی به دادگاه صالحه ارجاع می‌گردید. اما قرائن همه حاکی است که امضای نامه مذکور بهانه‌ای برای بازداشت بنده و در جهت اهداف خاص مأموران امنیتی بوده است.

پس از حدود هفته اول که موضوع امضاء نامه و پیش‌نویس اولیه تهیه مقاله‌ای برای نشریات داخلی کاملاً مشخص شده بود عملاً دیگر بازجویی مکتوبی صورت نگرفت.

در ماه‌های آبان و آذر، کارشناس محترم طی چند جلسه بازجویی به بدگوی، توهین و نسبت‌های دروغ و اتهامات سنگین اخلاقی و جاسوسی و در بهترین حالت غیبت نسبت به رهبران و اعضای نهضت آزادی ایران پرداختند و در جلسات بعدی همان موارد را تکرار می‌کردند. در اینجا به خاطر حفظ حرمت قلم از ذکر این موارد صرف‌نظر می‌کنم.

اینجانب با سکوت یا اجباراً با پاسخ‌های لازم تأکید می‌کردم که این موارد ارتباطی به اتهام تبخیم شده بنده و شخص اینجانب ندارد و اگر این موارد اتهامی جرم محسوب می‌شود، چرا مدارک و اطلاعات لازم را در اختیار قوه قضاییه و دادگاه صالحه قرار نمی‌دهید و به صورت تکراری این مسائل را با بنده مطرح می‌کنید.

کارشناس محترم در روز ۱۰ آذر ۹۰ پس از چند روز بی‌خوابی به علت صدای ناهنجار فن‌های بند زندان، در جلسه بازجویی به طور متمرکز به طرح اتهامات دروغ، توهین نسبت به دوستان نهضت پرداخت که در نهایت موجب هبانی و واکنش عصبی و از بین رفتن تعادل جسمی اینجانب گردید و مرا به بهداری بند منتقل کردند که سوابق در پرونده پزشکی اینجانب منعکس است. البته این تنش عصبی خوشبختانه موجب عارضه قلبی نگردید و پس از انجام آزمایش‌های مختلف و نوار قلب و چند ساعت استراحت به حالت عادی برگشتم.

کارشناس محترم پرونده در همین جلسه بازجویی در حالی که تمرکز خود را از دست داده بودم به بنده گفت: "باید از رئیس دفتر سیاسی و عضویت نهضت آزادی استعفا بدهی و مصاحبه بکنی. برو در سلول فکر بکن!"

در جلسات بازجویی که به فاصله حدود ۴۰ روز انجام می‌شد در ماه‌های دی و بهمن و اسفند سال ۹۰ و فروردین و اردیبهشت سال ۹۱ ضمن تکرار همان اتهامات گذشته نسبت به رهبران و اعضای نهضت آزادی همواره بر استغفای از نهضت آزادی ایران و به تبری جستن از سوابق و عملکرد نهضت آزادی ایران تأکید می‌شد.

پاسخ اینجانب در شرایطی که مناسب به نظر می‌رسید این بود که فعالیت نهضت آزادی از سال ۱۳۸۸ با اعمال محدودیت‌های خودتان و عدم امنیت از برگزاری هرگونه جلسه‌ای متوقف شده است. به علاوه اینجانب از سال ۱۳۴۰ که نهضت آزادی ایران تأسیس شده به عنوان عضو فعال انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و بنا بر اعتقادات اسلامی خود عضویت نهضت آزادی را پذیرفتم و در طول پنجاه سال گذشته به اتکاء اعتقادات دینی و انجام فریضه الهی امر به معروف و نهی از منکر به وظائف دینی و اجتماعی خود در راستای مصالح و منافع ملی عمل کرده‌ام. استعفا از نهضت آزادی به معنی پشت کردن به این اعتقادات و نقض اصول متقن و محکم قرآنی از جمله فریضه امر به معروف و نهی از منکر است و در ادبیات اسلامی مفهوم ارتداد را تداعی می‌کند که بنده هرگز باورها و ارزش‌های خود (آخرت) را به راحتی زنجنگی ندانم. نخواهم فروخت. در مورد تبری از سوابق و خدمات گذشته نهضت آزادی با توجه به خدمات برجسته پایه‌گذاران و فعالان نهضت آزادی چه در سال‌های قبل و چه بعد از انقلاب که بر آگاهان جامعه پوشیده نیست نه تنها جایی برای تبری وجود ندارد بلکه موجب مباهات و افتخار بنده و آگاهان جامعه می‌باشد.

ظاهراً با پیگیری قوه قضاییه از جمله در بی‌مکانیات خانواده با جناب‌عالی در اردیبهشت ماه ۹۱، دادستان محترم تهران از تمدید نگهداری بنده در بازداشتگاه ۲۰۹ امتناع کرده و برای آزادی اینجانب از بازداشتگاه ۲۰۹ وزارت اطلاعات، اقدام شده است.

## ریاست محترم قوه قضائیه

باتوجه به آنچه در بالا توضیح داده شد:

۱. آیا امضای نامه به رئیس جمهور سابق کشور که با قصد و نیت ارتقاء امنیت ملی از طریق حضور گسترده مردم در انتخابات مجلس صورت گرفته است جرم محسوب می‌شود؟ اگر جرم است چرا مطابق قانون و بعد از حدود یک هفته، پرونده برای رسیدگی به دادگاه صالحه ارجاع نشده است؟ اگر چنین اقدامی جرم باشد، دیگر چه تفسیری از اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌توان داشت، چه تضمینی برای تحقق و اجرای حقوق بنیادین ملت و آزادی عقیده و بیان در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی وجود دارد جایگاه یکی از اصول بنیادین دادرسی کیفری بنام اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در کجا قرار خواهد گرفت؟!
۲. باتوجه به اینکه همه امضاکنندگان نامه مذکور امضای خود را تأیید کرده‌اند، آیا خبرگزاری فارس که از قول یک "منبع آگاه" علت بازداشت اینجانب را "تقلب و جعل امضا" همزمان با بازداشت و قبل از رسیدگی منتشر کرده است و موجب اشاعه اکاذیب و هتک حرمت شده است قابل تعقیب قضایی نیست؟ آیا منبع آگاه که قبل از رسیدگی مبادرت به اشاعه اکاذیب کرده است کسی جز ضابطین دستگاه قضایی هست؟ انتساب چنین تهمت‌های کذب و بی‌اساس به مدیران انقلاب که بیش از ۵۰ سال با صداقت و امانت به مردم خدمت کرده‌اند و بر آگاهان جامعه نیز پوشیده نیست آیا پیامدی جز بی‌اعتبار ساختن اصالت انقلاب دارد؟
۳. چرا شعبه ۶ بازپرسی سه ماه بازداشت موقت را تمدید و نهایتاً بجای کفالت اولیه با سند یک‌صد میلیون تومان دستور آزادی اینجانب را صادر کرده است؟
۴. چرا رسیدگی به پرونده امضای نامه به رئیس‌جمهور سابق کشور برای قوه قضائیه هزینه سنگینی در برداشته است و تصمیم گرفته‌اند که حکم سال ۱۳۸۰ را که با دستور رئیس قوه قضائیه وقت متوقف شده است پس از ده سال در مورد اینجانب اجرا کنند؟ و چرا حکم سال ۱۳۸۰ را به اینجانب یا وکلای بنده ابلاغ نکردند؟! آیا این روند را قانونی و طبیعی می‌دانید؟!
۵. چرا برای اجرای حکم سال ۱۳۸۰ که طبق قانون می‌بایست در زندان عمومی صورت می‌پذیرفت، اینجانب را برای چند ماه در سلول‌های بازداشتگاه نگهداری کردند؟ آیا بر این امر، می‌توان علتی جز تحت فشار قرار دادن فردی یا ۷۴ سال سن به منظور تن دادن به منویات وزارت اطلاعات دانست و آیا همکاری قوه قضائیه با این ماموشی و رفتار وزارت اطلاعات، حکایت از مداخله قوه مجریه در دستگاه قضایی، عدم استقلال دادرسان و نقض اصل ۵۷ قانون اساسی و تفکیک قوا ندارد؟
۶. همه قرائن نشان می‌دهد که ضابطین قوه قضائیه از امضای نامه مذکور به عنوان بهانه‌ای برای تحت فشار قراردادن اینجانب و خانواده‌ام استفاده کرده‌اند؟ آیا چنین روشی قانونی، شرعی و انسانی است؟ جنابعالی که وفق اصل یک صد و پنجاه و هفت قانون اساسی به عنوان مجتهدی عادل بر این مسند خطیر قرار گرفته‌اید، به خوبی استحاضر دارید که در قرون وسطی نیز اصحاب کلیسا از همین روش‌ها برای تغییر عقیده مردم استفاده می‌کردند. آیا در قوه قضائیه جمهوری اسلامی که مدعی اجرای احکام الهی و شرعی است، چنین روش‌هایی مورد پذیرش است؟ و آیا جنابعالی به عنوان مسوول این نهاد مهم، تکلیفی برای برخورد با موارد خلاف قانون و اخلاقی در حیطه

دستگاه تحت امرتان و پیشگیری از تکرار آن احساس نمی‌شود؟ اگر مسوولان رده بالای قوه قضائیه در پی‌شگیری از وقوع و تکرار جرم در دستگاه قضایی کشور ناتوان بوده و یا غفلت ورزند، چه امیدی بر کارایی این نهاد در سطح وسیع جامعه می‌توان داشت؟

#### ریاست محترم قوه قضائیه

در خاتمه اعلام می‌دارد آن چه مرا با وجود سختی‌ها و تهدیداتی که در سالیان اخیر بر ما روا شده است و در این نامه، تنها به اندکی از آن اشاره شد، به نگارش این نامه واداشته، باور قلبی به وجوب فریضه امر به معروف و نهی از منکر بوده است. در این مجال توجه جنابعالی را به این حقیقت جلب می‌کند که آن چه امنیت واقعی را در جامعه‌ای به خطر می‌اندازد و نظام سیاسی هر کشوری را در موقعیت بحرانی قرار می‌دهد، قانون شکنی، قانون گریزی و در نهایت، جدایی و دوری مسوولان از آحاد ملت است.

تحت فشار قرار دادن فردی ۷۴ ساله در زندان به منظور استعفا از حزب سیاسی متبوعش و انصراف از حقوق شهروندی و به تعبیر کارشناس محترم پرونده، "قلع و قمع" کادرهای نهضت آزادی ایران، به نظر جناب عالی که به شرط برخورداری از وصف "مجتهد عادل" بر این سمت تکیه زده‌اید، با کدام ضرورت امنیتی و سیاسی و مبانی دینی و اخلاقی و قانونی سازگاری دارد؟

#### ریاست محترم قوه قضائیه

اینجانب بر اساس وظیفه‌ای که در دفاع از آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و تلاش صادقانه برای اصلاح و اجرای قانون و عدالت دارم، به رغم مخاطراتی که نوشتن این متن می‌تواند برایم فراهم آورد، آن را انجام دادم. حسابرس نهایی و احکم الحاکمین خداوند است. نگذاریم و نگذارید که در سایه بی‌توجهی ما ایران، اسلام و اعتدال و موجودیت نظام جمهوری اسلامی که به برکت خون عزیزترین فرزندان این مرز و بوم به پیروزی رسید به بحران‌های عمیق و نقطه بازگشت ناپذیر برسد.

ان ارید الا الاصلاح ما استطعت

محمد توسلی

#### رونوشت:

- رئیس محترم مجلس شورای اسلامی جهت استحضار
- وزیر محترم اطلاعات جهت استحضار.
- دادستان محترم کشور جهت استحضار.
- دادستان محترم تهران جهت استحضار.
- ریاست محترم دادگستری استان تهران جهت استحضار.

## پیوست شماره ۱۸

گزارش اجمالی دادگاه انقلاب شعبه ۱۵ مورخ ۹۱/۶/۲۷

### مقدمه

برگ احضاریه که به شماره ۱۱۱۵۴/۸۸/ط د مورخ ۹۱/۵/۱ صادر شده است توسط شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران روز هشتم مرداد به منزل ابلاغ شد و براساس مفاد آن، وقت حضور ۱۰ صبح ۹۱/۶/۲۷ اعلام گردید. اختاریه‌ای همزمان نیز برای سرکار خانم غیرت ارسال شد که در دادگاه فوق منفرداً یا متفقاً به همراه آقایان ایمان میرزازاده و سید محمدعلی دادخواه جهت دفاع از موکلان محمد توسلی حجتی حضور بهم رسانند.

### حضور در دادگاه

روز دوشنبه ۹۱/۶/۲۷ حدود ساعت ۹ صبح در لابی دادگاه انقلاب با وکلای خود خانم غیرت و آقای میرزازاده دیدار داشتیم تا برنامه دادگاه را هماهنگ کنیم. ضمناً آقای دادخواه به علت مخالفت قاضی صلواتی با شرکت ایشان در دادگاه، حضور پیدا نکردند.

پس از انجام تشریفات اداری و سپردن کارت شناسایی و هماهنگی با دفتر دادگاه و صدور برگ ورود حدود ساعت ۹/۵۰ وارد محوطه دادگاه انقلاب شدیم.

ساعت ۱۰ صبح رئیس دفتر دادگاه اعلام حضور شد. ساعت ۱۰/۳۰ ما را به داخل اتاق دادگاه هدایت کردند. قاضی صلواتی در جایگاه رئیس دادگاه و آقای نوریانی در کنار ایشان به عنوان نماینده دادستان تهران نشسته بودند. من روی صندلی دسته‌دار در وسط اتاق و دو نفر وکلا در سمت عقب نشستیم. فرد دیگری که ظاهراً محافظ رئیس دادگاه بود روی صندلی بین صندلی من و میز رئیس دادگاه نشست که ارتباط با رئیس دادگاه را به لحاظ مبادله اوراق بازجویی برقرار می‌کرد.

### شروع دادگاه

حدود ساعت ۱۰/۳۰ دادگاه آغاز شد. ابتدا رئیس دادگاه در خصوص غیر علنی بودن دادگاه تذکر داد و به بندهای ۲ و ۳ ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری و رعایت نظم جلسه دادگاه اشاره کرد. سپس آقای نوریانی نماینده دادستان متن کیفرخواست را از روی اوراق پرونده خواند. خلاصه کیفرخواست که به تاریخ ۹۱/۳/۲۸ تهیه شده است شامل دو اتهام عضویت در نهضت آزادی ایران (گروهک غیر قانونی نهضت آزادی) و فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی براساس گزارش ضابطین، اظهارات متهم و قرائن و امارات اعلام و براساس دو ماده ۴۹۸ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی درخواست مجازات شد. زهان ارتکاب جرائم مو صوف از سال ۱۳۸۸ تاکنون ذکر شده است.

### طرح سؤالات کتبی

پس از قرائت کیفرخواست، قاضی دادگاه، اطلاعات مربوط به هویت شخصی و سوابق تحصیلی و شغلی را سؤال و پاسخ‌ها را یادداشت کرد. سپس در خصوص سوابق محکومیت‌های قبلی به صورت بازجویی سؤال کرد که در پاسخ به سوابق بازداشت سال‌های ۶۷، ۶۹، ۸۰، ۸۸ و نهایتاً ۹۰ اشاره کردم. در توضیحات تأکید شد که در خرداد سال ۶۷ بازداشت بنده و آقایان مهندس‌ها شم صباغیان و خسرو منصوریان در پی انتشار بیانیه

«هشدار» در اردیبهشت ۶۷ به قلم مرحوم مهندس مهدی بازرگان دبیر کل نهضت آزادی ایران به رهبر فقید انقلاب صورت گرفت. شش ماه در سلول‌های انفرادی زندان توحی و ۲/۵ ماه در سلول‌های انفرادی زندان اوین (آسایشگاه) نگهداری شدیم و نیمه شب ۲۲ بهمن ظاهراً به دستور و عفو رهبر فقید انقلاب آزاد شدیم. در خرداد ۱۳۶۹ نیز متعاقب انتشار نامه ۹۰ امضایی (جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران) به رئیس‌جمهور وقت، ۲۴ نفر بازداشت و ۹ نفر در دادگاه انقلاب محکوم شدند. بنده با حکم دو سال زندان پس از گذراندن دوران محکومیت آزاد شدم.

در ۱۴ فروردین ۱۳۸۰ نیز همراه حدود ۶۰ تن از اعضا و علاقه‌مندان نهضت آزادی ایران در آستانه انتخابات ریاست جمهوری توسط اطلاعات سپاه بازداشت شدم و پس از گذراندن حدود ۱۱ ماه در سلول‌های انفرادی زندان ۵۹ عشرت‌آباد و برگزاری دادگاه و صدور ۹ سال حکم با وثیقه آزاد شدم. در طول سال‌های دهه هشتاد ظاهراً به دستور رئیس قوه قضاییه وقت اجرای احکام پرونده نهضت آزادی ایران متوقف شد.

در ۲۶ خرداد ۱۳۸۸ نیز در جریان انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم همراه با بازداشت‌های برنامه‌ریزی شده در روزهای قبل از ۲۲ خرداد، در دفتر کارم توسط نیروهای وزارت اطلاعات بازداشت شدم و مدت ۴۳ روز در سلول‌های انفرادی زندان ۲۴۰ و ۲۰۹ بازداشت و نهایتاً با کفالت آزاد شدم.

در ۱۲ آبان ۱۳۹۰ به اتهام امضای نامه ۱۴۳ امضا به آقای سیدمحمد خاتمی رئیس‌جمهور سابق کشور توسط نیروهای وزارت اطلاعات بازداشت شدم و پس از ۶/۵ ماه بازداشت در سلول‌های زندان ۲۰۹ وزارت اطلاعات با وثیقه آزاد شدم.

سؤال بعدی در خصوص سمت و فعالیت در «گروهک غیرقانونی نهضت آزادی» بود! در پاسخ توضیح داده شد که نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۴۰ به عنوان یک حزب اسلامی و ملی توسط سیدمحمد طالقانی، مهندس بازرگان و دکتر یدالله سبحانی و چند تن دیگر تأسیس شد و در سال‌های قبل و بعد از انقلاب همواره به صورت قانونی، علنی و مسالمت‌آمیز فعالیت داشته و خدمات دینی و اجتماعی آنان بر کسی پوشیده نیست. بنده از سال ۱۳۴۰ که دانشجوی فنی دانشگاه تهران بودم عضویت نهضت آزادی ایران را پذیرفتم و در طول پنجاه سال گذشته به وظایف دینی و اجتماعی خود در اروپا، آمریکا و خاورمیانه و ایران عمل نموده‌ام. در سال‌های قبل از انقلاب در مدیریت انقلاب مشارکت داشتم و در دو سال اول انقلاب با سمت شهردار تهران در شرایط بحرانی، شهر تهران را در دوره انتقال نظام اداره کردم. در سال‌های بعد از انقلاب عضو شورای مرکزی و رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران بوده‌ام.

از آذر ماه ۱۳۸۸ به دستور مقامات وزارت اطلاعات و محدودیت‌های اعمال شده فعالیت نهضت آزادی ایران متوقف شده است. نهضت آزادی ایران در سال‌های پس از انقلاب بر اساس اصل ۲۶ قانون اساسی و قانون احزاب و نامه وزارت کشور به دادگاه انقلاب در سال ۱۳۸۰ فعالیت قانونی ولی غیررسمی داشته است. در پاسخ سؤال بعدی در خصوص «دستور به شاخه جوانان نهضت آزادی جهت تشکیل جلسات در پارکها» این توضیح اضافه شده است که این ادعا کذب محض است و بنده هرگز چنین مطالبی را به کسی نگفته‌ام.

در پاسخ سؤالی در خصوص نامه به دست آمده از پیک آقای مهندس صباغیان که روز بازداشت به دست مأموران افتاده است و این که آن نامه مربوط به پیش‌نویس نامه ۱۴۳ امضا شده است که توسط آقایان دکتر یزدی و مهندس صباغیان تهیه و برای ویرایش برای اینجانب ارسال شده بود توضیح داده شد که این مطالب کاملاً خلاف است.

مطلبی که از پیک آقای مهندس صباغیان گرفته شد مربوط به پیش‌نویس مقاله‌ای بود که بنده می‌خواستم در صورت موافقت مقامات جمهوری اسلامی با پیشنهادهای آقای سیدمحمد خاتمی مقاله‌ای با عنوان « ضرورت حضور و مشارکت مردم در انتخابات» برای مجلات متقاضی مقاله بنویسیم. اما پس از اطلاع از ه‌ایوس بودن آقای خاتمی، این ایده کاملاً منتفی شده بود.

ضمناً نامه ۱۴۳ امضا قبلاً منتشر شده بود و دوستان ما در تهیه متن آن نقشی نداشتند.

در این جا با توجه به اطلاعات کذب و خلاف واقع ضابطین قوه قضاییه و پرونده سازی به عمل آمده براساس ماده ۱۴۷ قانون ..... از ادامه پاسخ به سؤالات خودداری و سکوت کردم و لایحه اعتراضی خود را که در آن با توجه به سیاسی بودن جرم مطرح شده در کیفرخواست که مطابق اصل ۱۶۸ قانون اساسی بایستی اتهامات در دادگاه عمومی، به طور علنی و با حضور هیئت منصفه برگزار شود تصریح شده که دادگاه از قلاب صلاحیت رسیدگی به جرایم سیاسی را ندارد. ضمناً به پیوست آن تصویر نامه مورخ ۹۱/۴/۲۵ به رئیس قوه قضاییه نیز تحویل دادگاه شد تا در پرونده ضبط شود.

#### صحبت‌های حاشیه دادگاه

پس از طرح سؤالاتی کاملاً کذب و خلاف واقع و اعلام سکوت مطابق قانون در مقابل سؤالات بازجویی گونه قاضی صلواتی فرصتی فراهم شد تا نکاتی را به آقای نوریانی نماینده دادستان به شرح زیر یادآوری کنم:

۱- به آقای دادستان بفرمایید که بنده از بازداشتگاه ۲۰۹ اوین دو نامه برای شما ارسال کردم و ضمن آن درخواست کردم یا مرا احضار بفرمایید یا نماینده‌ای به زندان بفرستید تا به وضعیت من در زندان که خلاف قانون رفتار و نگهداری می‌شدم رسیدگی شود. ایشان پاسخی به این دو درخواست بنده ندادند.

۲- به ایشان بفرمایید در خصوص شکایت از آقای حسن رحیم‌پور ازغدی که طی نامه‌ای در تاریخ دوم دی ۱۳۸۸ برای آقای دادستان ارسال شد و حضوری نیز یک نسخه به ایشان دادم و قول رسیدگی دادند، به چه سرنوشتی گرفتار شده است؟ آقای رحیم‌پور از غدی در سخنرانی خود که از شبکه اول سیما جمهوری اسلامی روز سه‌شنبه ۲۴ آذر ۸۸ پخش شد و در حالی که از روی کتابی می‌خواندند اظهار کردند که «در دولت موقت بازرگان» شش عضو کابینه از CIA پول می‌گرفتند و مستقیماً با جاسوس‌های آمریکایی در رابطه بودند. وی از دکتر ابراهیم یزدی، مهندس عباس امیرانتظام و سخنگوی دولت موقت (دکتر صادق طباطبایی) و بنده به عنوان نمونه‌هایی از این افراد نام برد ولی از مرحومان مهندس بازرگان و دکتر یدالله سبحانی نام نبرد.

پیامد این اتهامات سنگین این واقعه را تصویر می‌کند که همه کسانی که در دیپلماسی انقلاب و مذاکرات سال ۱۳۵۷ با نمایندگان آمریکا مذاکره کرده‌اند از جمله رهبر فقید انقلاب و برخی از اعضای شورای انقلاب که در مذاکرات شرکت داشته‌اند جاسوس آمریکا هستند!! و بنابراین انقلاب اسلامی ایران کار بیگانگان به ویژه

آمریکاست این ادعایی است که در طی ۳۰ سال گذشته سلطنت‌طلبان و مخالفان نظام جمهوری اسلامی به دنبال اثبات آن هستند و آقای رحیم‌پور ازغدی آن را مستندسازی کرده‌اند!!

آقای نوریانی اظهار داشتند پرونده آقای رحیم‌پور ازغدی مورد رسیدگی قرار گرفته و ایشان تبرئه شده‌اند. بنده اضافه کردم در قوه قضاییه جمهوری اسلامی مطرح کننده این اتهامات سنگین و خلاف واقع تبرئه می‌شود اما امضاکننده نامه مشفقانه به رئیس‌جمهور سابق کشور با هدف ارتقاء امنیت ملی بایستی ۶/۵ ماه در سلول‌های بازداشتگاه ۲۰۹ اوین نگهداری شود و اینک با این پرونده‌سازی به دادگاه انقلاب احضار شود!؟

۳- به آقای قاضی صلواتی گفتم آنچه شما و همکاران‌تان در وزارت اطلاعات و قوه قضاییه در طول سه دهه گذشته انجام داده‌اید نتیجه عملی آن کاملاً هماهنگ با موضعی است که آقای پرویز ثابتی مقام امنیتی دو دهه قبل از انقلاب ساواک در مصاحبه تفصیلی اخیرشان با آقای عرفان قانعی فرد در خصوص شخصیت‌های تاریخی صد سال اخیر کشور چون دکتر مصدق، مهندس بازرگان، دکتر علی شریعتی و نهضت آزادی ایران به تصویر کشیده است. در اینجا برای رفع هرگونه ابهامی تصریح کردم که نیت من و شما را خداوند آگاه است منظور من هماهنگی عملی عملکرد شما با مواضع آقای پرویز ثابتی است!!

۴- در پاسخ اظهار نظر آقای قاضی صلواتی که شما (نهضت آزادی) براندازید توضیح دادم که اولاً وزیر سابق وزارت اطلاعات (آقای یونسی) در سال ۱۳۸۰ در مصاحبه‌ای رسمی اعلام کرد که نهضت آزادی ایران برانداز نیست. همچنین کمیسیون ماده ۱۰ احزاب وزارت کشور که مسئول قانونی احزاب است در سال ۱۳۸۰ طی نامه‌ای به دادگاه انقلاب نوشت که نهضت آزادی حزبی قانونی و ملی غیر رسمی است و برای آن پروانه صادر نشده است.

۵- در این جا اجباراً اضافه کردم من که دوران جوانی خود را در ایران و خارج از کشور در اروپا، آمریکا و خاورمیانه وقف زمینه‌سازی برای این انقلاب کرده‌ام و در سال‌های قبل و بعد از انقلاب در مدیریت انقلاب سهمی داشته‌ام و حدود ۵۰ سال خدمات کارشناسی و مدیریتی صادقانه و با امانت به کشور داشته‌ام، دل‌سوزیم برای ایران و این انقلاب کمتر از نوع شماها نیست که به رغم تمامی محدودیت‌ها و فشارهایی که در این سه دهه بر من و خانواده‌ام گذشته در ایران مانده‌ایم و به خدمات خود ادامه داده‌ام. جلسه دادگاه در ساعت ۱۲/۳۰ خاتمه یافت.



## پیوست شماره ۱۹

### بسمه تعالی

شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران بر اساس ابلاغ شماره ۱/۸۲/۱۷۱۲۶ مورخ ۸۲/۱۱/۷ ریاست محترم قوه قضاییه که اینجانب با حفظ سمت دادرسی دادگاه عمومی و انقلاب تهران نیز هستم و مستنداً به ماده ۲۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری در مورخه ۹۱/۷/۳ جهت رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۱۱۵۴/۸۸/ط/د اتهامی آقای محمد توسلی حاجتی فرزند رضا تشکیل است. با عنایت به تحقیقات به عمل آمده و اخذ آخرین دفاع از متهم و ملاحظه لایحه دفاعیه وکیل مدافع ختم دادرسی را اعلام و با استعانت از خداوند متعال به شرح ذیل مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

### رأی دادگاه

در خصوص اتهام آقای محمد توسلی حاجتی فرزند رضا به شماره شنا سنانه ۲۲۲ صادره از تهران متولد ۱۳۱۷، دارای سوابق کیفری، متأهل، مهندس راه و ترابری، آزاد به قید وثیقه حسب کیفرخواست صادره دایره بر:

الف - عضویت و اداره گروهک غیرقانونی نهضت آزادی

ب - فعالیت تبلیغی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران

محمد توسلی از اعضا بسیار فعال و مؤثر گروهک نهضت آزادی (فرد دوم تشکیلات، عضو شورای مرکزی، رئیس دفتر سیاسی) و عضو کمیته دفاع از انتخابات آزاد، سالم و عادلانه (یکی از کمیته‌های فرعی گروهک کانون مدافعان به اصطلاح حقوق بشر) می‌باشد.

وی در طول ادوار گوناگون سی ساله انقلاب اسلامی هواره در راستای منافع گروهک نهضت آزادی (مبتنی بر تئوری جدایی دین از سیاست) به بهانه‌های مختلف، با القاء یاس و ناکارآمدی سیستم حاکم، نفی باورها و ارزش‌های انقلاب اسلامی، ایراد خدشه به گفتمان مترقی ولایت فقیه و هواردی از این دست به تضعیف نظام مقدس جمهوری اسلامی همت گماشته است که در همین راستا نیز در جریان اقامه دعوا بر علیه گروهک نهضت آزادی در سال ۱۳۸۰ (توسط برادران سپاه) به عنوان متهم ردیف دوم، بازداشت و در نهایت با تحمل ۳۳۴ روز بازداشت و محکومیت به تحمل ۹ سال زندان، با قید وثیقه آزاد می‌گردد. یاد شده در طی چند سال اخیر و خاصه از حدود سه سال قبل با جدی شدن فضای انتخابات، تحرکات (تشکیلاتی و فردی) خود را افزایش داده که از جمله این موارد می‌توان به سازماندهی گروه، تنظیم و برگزاری جلسات دفتر سیاسی و سایر برنامه‌های درون گروهی، برگزاری جلسه با جریان‌های سیاسی و دانشجویی، انجام مصاحبه و نگارش مقالات تند و هتاکانه نسبت به نظام، ترتیب دیدارهای منظم با ستادهای دو کاندیدای اصلاح طلب، طرح بحث تقلب در انتخابات و کمیته صیانت از آراء و ... اشاره نمود.

نامبرده مدیریت و سیاست‌گذاری سایت گروه را پذیرفته و همچنین به عنوان رئیس دفتر سیاسی مسئولیت

تمام نشریات گروه با مشارکته می‌باشد.

لازم به توضیح است انتشار هر بیانیه یا اطلاعیه یا نامه سرگشاده و امضا جمعی همگی پس از طرح تهیه، بحث و تصویب در دفتر سیاسی و سپس تأیید هیئت سه نفره در گروه که وی نیز از اعضای آن است، مجوز و قابلیت انتشار می‌یابد. در نتیجه نامبرده مسئول نشر اکاذیب، تشویش اذهان عمومی، القاء ناکارآمدی نظام

جمهوری اسلامی و دولت مستقر از طریق انتشار اخبار، تحلیل، مصاحبه و اطلاعیه در سایت گروهک بوده و با تقابل آشکار با اقدامات و اظهارات و مواضع رسمی مسئولین نظام موجب خدشه به امنیت ملی گردیده است. ایشان در پی اقدامات موصوف‌الذکر و حسب فتنه ایجاد شده از رهگذر انتخابات اخیر ریاست جمهوری در تاریخ ۸۸/۳/۲۶ دستگیر و مورد بازجویی قرار گرفت. مشاراًلیه در طی بازجویی‌ها، به بسیاری از نقاط منفی عملکردش در حوزه تضعیف نظام اذعان نموده و با ابراز ندامت و تأسّف و همچنین اعلام آمادگی برای جبران مافات، تعهد می‌نماید که در صورت آزادی، حاضر است با مجاب نمودن سایر اعضا با برگزاری کنگره‌ای انحلال گروهک نهضت آزادی را اعلام نماید.

لکن علیرغم بحث‌های مطروحه در دوران بازداشت و تعهد مشاراًلیه به عدم فعالیت تشکیلاتی در گروهک نهضت آزادی، ایشان به تعهدات خود واقعی ننهاده و کما فی‌السابق (البته توأم با مخفی‌کاری) به انجام امور همچون، شرکت در جلسات، مدیریت و سیاست‌گذاری سایت میزان نیوز (ارگان خبری گروهک نهضت آزادی) نگارش مقاله، تنظیم بیانیه‌های منتشره گروه، امضاء بیانیه‌های اعتراضی امضاء جمعی، ملاقات با خانواده افراد بازداشت شده در وقایع اخیر، فعالیت در راستای اسبجام و سازماندهی مجدد گروهک و بخش‌های گوناگون آن و تلاش در جهت گردآوری اعضا و ... می‌پردازد.

بررسی‌های تکمیلی و رصد فعالیت‌های یادشده طی مدت آزادی متهم نشان می‌دهد که وی اخیراً در پروسه تنظیم و صدور نامه موسوم به نامه ۱۴۳ فعال سیاسی خطاب به سید محمد خاتمی، نقش محوری داشته است به گونه‌ای که برابر اطلاعات موجود اسامی حدود ۳۵ نفر از اعضا گروهک نهضت آزادی توسط یاد شده در ذیل نامه مذکور گنجانده شده است. گروهک‌ها و عناصر فتنه با این تلقی که در آستانه انتخابات نظام امکان برخورد را ندارد شروع به فعالیت قابل توجه پس از یک دوره انفعال نموده و سعی در ایفای نقش در فضای سیاسی متأثر از انتخابات آتی را داشتند. این بیانیه نیز جزئی از برنامه جریان فتنه برای مواجهه با انتخابات (عریضه‌نویسی و انتشار آن در افکار عمومی) است. جریان فتنه و ضد انقلاب یکی از عوامل عدم موفقیت خود را اقتدار نظام و برخوردهای قاطعانه سیستم قضایی و امنیتی با فتنه‌گران می‌داند و به منظور محدودش نمودن ساختار و دگرترین قضایی امنیتی دیکته شده به ضد انقلاب به دنبال اجرایی کردن طرح‌ها و اقداماتی است که نظام توانایی برخورد و عکس‌العمل مناسب را نداشته باشد. گروهک نهضت آزادی در چارچوب این استراتژی فعالیت خود را از ابتدای مهرماه شروع و ابتدا دستور به تشکیل جلسه شاخه جوانان در یکی از پارک‌های تهران را داد. سپس نامه ۱۴۳ امضایی را با طرح و برنامه قبلی با شورای راه سبز امید، ملی - مذهبی‌ها و ... منتشر کرد.

در حین دستگیری محمد توسلی نامه دوم گروهک نهضت آزادی که در راستای تخطئه و ضعیف‌سازی جاری نظام و انتخابات تنظیم شده بود به دست آمد. این نامه را یزدی و صباغیان اصلاح و برای ویرایش نهایی و انتشار توسط پیک برای توسلی ارسال کرده بودند.

در نامه مذکور ضمن القاء سیاه‌نمایی از وضع موجود جامعه (با عبارتی همچون سقوط ارزش‌ها، فساد ساختاری، انسداد سیاسی، انزوای بین‌المللی و ...) نسبت به آنچه بازداشت‌های غیرقانونی و فضای امنیتی خوانده شده است اعتراض نموده و در نهایت امکان برگزاری انتخابات آزاد و قانونی غیرمحمّل دانسته شده

که خروجی آن در حوزه برآوردهای امنیتی چیزی جز تضعیف مشروعیت و اقبال عمومی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران نیست.

متمم مذکور در راستای اهداف گروهک و به منظور مقابله با نظام ضمن انجام سازماندهی و ایجاد هماهنگی بین عناصر شاخص این جریان؛ فعالیت‌های تبلیغی خود را با انجام مصاحبه و سخنرانی‌های تند و موضع‌گیری علیه اصول و موازین انقلاب و نظام به انجام می‌رساند.

پس از برخورد با عناصر گروهک و در راس آن ابراهیم یزدی و انفعال و استعفای وی، در حال حاضر تنها عنصر فعال و سازمان‌دهنده گروهک توسلی حجتی می‌باشد. همچنین به گواهی تعدادی از عناصر شاخص گروهک نهضت آزادی، وی نقش اساسی در تهیه بیانیه ۱۴۳ امضا داشته است.

#### نامه تاریخی حضرت امام(ره) در خصوص گروهک نهضت آزادی

اختلاف مبنایی ایدئولوژی و گفتمان گروهک نهضت آزادی با آرمان‌های حضرت امام و اصول انقلاب اسلامی به گواهی تاریخ، واقعیتی انکارناپذیر بوده و تکرار آن از حوصله این مقاله خارج است و در این راستا تنها به ذکر بخش‌هایی از فرمایشات حضرت امام(ره) در تاریخ ۶۰/۳/۲۵ اشاره می‌گردد.

... اینهایی (نهضت آزادی) که با جبهه ملی و منافقین و منحرفین ائتلاف کرده‌اند، من با اینها کار دارم. شما که مدعی تدین هستید چه توجیهی دارید؟ آیا تکلیف شرعی فقط این است که در تقابل مجلس و دولت اعلامیه صادر کنید؟ دعوت کنید به شورش در مقابل دولت اسلامی؟ نهی از منکر و امر به معروف فقط منحصر است به توهین که شما دولت اسلامی را نهی و امر کنید. آن هم با آن کوبندگی و آن هم با دعوت به قیام و شورش. با اینها (نهضت آزادی) ما چه کنیم. با این مقدس‌هایی که از اینها پشتیبانی می‌کنند و باهم ائتلاف کرده‌اند و از اول داشته‌اند. ...

ایشان همچنین در نامه تاریخی خود خطاب به وزیر کشور وقت در خصوص این گروهک می‌فرمایند

... آنچه اجمالاً باید گفت آن است که پرونده این نهضت و عملکرد آن در دولت موقت و انقلاب شهادت می‌دهد که نهضت به اصطلاح آزادی طرفدار جدی وابستگی کشور ایران به آمریکا است و در این باره از هیچ کوششی فروگذار نکرده است. نهضت به اصطلاح آزادی صلاحیت برای هیچ امری از امور دولتی یا قانون‌گذاری یا قضایی را ندارند و ضرر آنها به اعتبار آنکه متظاهر به اسلام هستند و با این حربه جوانان عزیز ما را منحرف خواهند کرد و نیز با دخالت بی‌مورد در تفسیر قرآن کریم و احادیث شریفه و تأویل‌های جاهلانه موجب فساد عظیم ممکن است شوند، از ضرر گروهک‌های دیگر حتی منافقین، این فرزندان عزیز مهندس بازرگان بیشتر و بالاتر است ...

#### شرایط شکلی و رعایت آیین قانونی

بر اساس قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی، صنفی، اسلامی، و اقلیت‌های شناخته شده مصوب ۱۳۶۰ و ضوابط و قوانین مندرج در این قانون، هنگامی مجاز به فعالیت خواهند بود که بر اساس مواد ۱۰ و ۱۶ و ۱۷ همین قانون، مبادرت به اخذ پروانه نموده باشند. لیکن تشکیلات موسوم به نهضت آزادی ایران علیرغم وجود قانون لازم‌الرعایه فوق تا به حال هیچ‌گونه پروانه‌ای جهت فعالیت خود دریافت نداشته و با

استناد به تفسیر موسع از اصل ۲۶ قانون اساسی خود را بی‌نیاز از اخذ مجوز فعالیت دانسته و در طی این سال‌ها به صورت مستمر فعالیت‌ها و اقدامات تشکیلاتی خود را تداوم بخشیده و با برگزاری کنگره‌های متعدد به بسط و توسعه تشکیلات و تعریف ارکان و ساختار به فعالیت خود ادامه داده است که در همین رابطه کمیسیون ماده ۱۰ احزاب در سال ۱۳۷۱ پس از برگزاری جلسات متعدد، در نامه شماره ۴۳/۴۸۳۴ مورخ ۷۱/۵/۱۸ نظر خود را مبنی بر عدم صلاحیت گروهک مذکور برای اخذ پروانه و مجوز فعالیت را اعلام داشته و به تبع آن معاون سیاسی وقت دادستان کل کشور به استناد نامه فوق در مکاتبه شماره ۲۰/۱۹۹/۹۹۸۹/۷۱/۳ مورخ ۷۱/۶/۳۱، گروهک نهضت آزادی را از هر نوع فعالیت ممنوع اعلام می‌نماید و درخواست تعقیب کیفری آنان را در صورت استتکاف می‌نماید. لہذا با عنایت به موارد فوق و با امعان نظر به اینکه احزاب باید برای آغاز فعالیت پروانه دریافت کنند و صدور پروانه فعالیت پس از تأیید همه شروط مطرح در قانون توسط کمیسیون ماده ۱۰ احزاب انجام می‌گیرد، گروهک نهضت آزادی فاقد معیارهای لازم برای فعالیت در عرصه حزبی می‌باشد.

با عنایت به شدت و وسعت تحركات تشکیلاتی گروه در سال ۱۳۸۰ توسط برادران سپاه دعوی بر علیه این گروه در دادگاه انقلاب اسلامی شعبه ۶ اقامه می‌گردد و نهایتاً پس از ۴۴ جلسه دادرسی و استماع دفاعیات متهمان، در بخشی از رأی دادگاه، غیرقانونی بودن تشکل مزبور مورد تصریح دادگاه قرار می‌گیرد:

... سابقاً، دادگاه با احراز غیرقانونی بودن تشکیلات موسوم به نهضت آزادی ایران حکم به انحلال این تشکیلات و کلیه تشکلهای وابسته و تحت پوشش آنها را صادر و اعلام می‌نماید ... همین روی بود که بنیانگذار فقید نظام اسلامی حضرت امام خمینی (ره) فرمودند ... ضرر آنها (نهضت آزادی) به اعتبار آن که متظاهر به اسلام هستند با این حربه جوانان عزیز ما را منحرف خواهند کرد و نیز دخالت بی‌مورد در تفسیر قرآن حتی از منافقین بیشتر است. نهضت آزادی و افراد آن از اسلام اطلاعی ندارند.

فعالیت‌های گروهک را می‌توان در مصادیقی همچون:

ارتباط با بیگانگان و گروهک‌های ضد انقلاب، سازماندهی افراد و اشخاص معاند در جهت نفی ارزش‌های انقلاب اسلامی، تشویش اذهان عمومی، نشر اکاذیب، فعالیت‌های تبلیغی علیه نظام با انتشار بیابیه‌ها و اطلاعیه‌های گوناگون، تلاش در راستای براندازی نظام در ادوار گوناگونی سال گذشته خاصه مقطع انتخابات ۱۳۸۸- تصویب براندازی نظام در جلسه دفتر سیاسی گروهک نام برد. در جلسه دفتر سیاسی نهضت آزادی مورخ ۸۷/۳/۲۰ ابتدا محمد توسلی (رئیس دفتر سیاسی) در خصوص استراتژی نهضت در انتخابات آینده ریاست جمهوری اعلام می‌نماید:

«ما باید برای انتخابات آینده ریاست جمهوری استراتژی مشخص کنیم» یا به سوی براندازی برویم در ادامه برخی از اعضا دفتر سیاسی همچون علی اکرمی، صباغیان و هندی می‌گویند:

... به دلیل اینکه منافع ملی مهم‌تر از حفظ نظام است. اگر نظام علیه منافع ملی عمل کند و اصلاح‌پذیر نباشد براندازی آن هم ایراد ندارد ...

... استراتژی حداکثری براندازی نظام و حداقلی برهم زدن امنیت کشور و اقدام علیه امنیت ملی را دستور کار خویش دارد و دیدگاه و دیدگاه قطعی و کارشناسی، برانداز بودن گروهک مذکور می‌باشد.

با عنایت به گزارشات وزارت اطلاعات و اقرار ضمنی و بعضاً اظهارات بلاوجه وی و عملکرد وی در گروهک غیرقانونی نهضت آزادی و به عهده داشتن رئیس دفتر سیاسی و اداره تشکیلات گروهک و مسئولیت وی در صدور بیانیه‌های منتشره و مصاحبه‌های متهم با رسانه‌های مختلف و تلاش در راستای براندازی نظام در ادوار گوناگون و سوابق سوء متهم و عملکرد مشارالیه در سی سال گذشته و نقش محوری در صدور و انتشار نامه‌های سرگشاده و اداره سایت میزان خبر و انجام مصاحبه و نگارش مقاله علیه نظام جمهوری اسلامی ایران ضمن رد ایراد وارده بر صلاحیت دادگاه توسط متهم و وکیل مدافع، با توجه به مفاد کیفرخواست صادره و عناوین اتهامی و اینکه رسیدگی به آنها با استناد ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در صلاحیت ذاتی دادگاه انقلاب اسلامی می‌باشد.

با توجه مجموعه عملکرد متهم و اداره نمودن تشکیلات گروهک غیرقانونی نهضت آزادی توسط نامبرده پس از استعفای دبیرکل و تشخیص عنوان بزه انتسابی با دادگاه و عدم التزام دادگاه در رسیدگی به عنوان اتهامی مندرج در کیفرخواست، لذا اتهام وی به نظر دادگاه در حد اداره نمودن تشکیلات غیرقانونی نهضت آزادی محرز و مسلم است. لذا با عنایت ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی و مستنداً به مواد ۴۹۸ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی نامبرده را در مورد اتهام ردیف الف (اداره نمودن تشکیلات گروهک غیرقانونی نهضت آزادی) به تحمل ده سال حبس تعزیری و در مورد اتهام ردیف ب (فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی) به تحمل یکسال حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت قبلی محکوم می‌نماید و توجهاً به عملکرد نامبرده در مخالفت با نظام جمهوری اسلامی ایران به استناد ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی به عنوان متمم حکم تعزیری، نامبرده را به مدت ۵ سال از هرگونه فعالیت حزبی و گروهی و مطبوعاتی و رسانه‌ای در فضای مجازی محکوم می‌نماید. حکم صادره حضوری و پس از ابلاغ ظرف مدت ۲۰ روز قابل تجدید نظرخواهی در محاکم تجدیدنظر استان تهران است.

رئیس شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب

و دادرسی دادگاه عمومی تهران

صلواتی

۹۱/۷/۳

## پیوست شماره ۲۰

### فریده غیرت (مهر داد)

وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی  
وکلالت ۳۳-۳۰-کانون وکلای مرکز

شماره .....  
تاریخ.....  
پیوست.....

بنام خدا

ریاست محترم دادگاههای تجدیدنظر استان تهران

احتراماً؛ در خصوص پرونده اتهامی موکل آقای محمدتوسلی به کلاسسه ۱۱۱۵۴/۸۸/ط اد مطروحه در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب که منجر به صدور دادنامه مبنی بر محکومیت مشارالیه گردید. بدینوسیله ضمن اعتراض به مفاد دادنامه صادره تقاضای تجدیدنظر در رسیدگی به مواد اتهامی علیه موکل را دو مهلت مقرر قانونی دارد. همانطور که استحضار دارند اتهام آقای محمد توسلی سیاسی بوده که این اتهام طبق موازین قانونی باید در دادگاه کیفری استان و با حضور هیأت منصفه مورد رسیدگی واقع می شد و شعبه رسیدگی کننده به اتهام مورد نظر صلاحیت قانونی جهت انجام این امر را دارا نبود که این تذکر و ایراد در ابتدای جلسه دادرسی اظهار ولی متأسفانه مورد توجه دادگاه واقع نگردید.

اما طبق مفاد کیفرخواست صادره اتهام آقای محمد توسلی عبارت است از ۱- عضویت و اداره گروهک غیرقانونی نهضت آزادی ۲- فعالیت تبلیغی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران .

در شرح دادنامه صادره بیان گردید که آقای محمد توسلی از اعضای بسیار فعال و موثر گروهک نهضت آزادی بوده و درطول ادوار گوناگون سی ساله انقلاب اسلامی همواره در راستای منافع گروهک نهضت آزادی ..... دست به تضعیف نظام مقدس جمهوری اسلامی زده و در همین راستا در جریان اقامه دعوا بر علیه گروهک نهضت آزادی در سال ۱۳۸۰ (توسط برادران سیاه) بعنوان متهم بازداشت و پس از تحمل ۳۳۴ روز بازداشت با حکم قطعی ۹ سال زندان نهایتاً با قید وثیقه آزاد گردیده همچنین در حکم صادره قید گردیده که ایشان با سازماندهی گروه و برگزاری جلسات دفتر سیاسی و نگارش مقالات و انجام مصاحبه ها..... پذیرش مدیریت و سیاست گذاری گروه ..... در تاریخ ۸۸/۳/۲۶ دستگیر و مورد بازجویی قرار گرفت ولی

## فریده غیرت (مهرداد)

دکتر پایه یک دادگسری و مشاور حقوقی  
دکالت ۲۰۶۲ کابرن وکلای مرکز

شماره .....  
تاریخ .....  
پیوست .....  
.....

پس از آزادی و علیرغم بحث‌های مطروحه در دوران بازداشت و تعهد مشارالیه به عدم فعالیت تشکیلاتی در گروهک نهضت آزادی، ایشان به تعهدات خود واقعی نهاده و کما فی السایق به انجام اموری همچون، شرکت در جلسات، مدیریت و سیاست‌گذاری سایت میزان نیوز، نگارش مقاله، تنظیم بیانیه‌های منتشره گروه و سازماندهی مجدد گروهک و بخش‌های گوناگون آن پرداخته است.

اخیراً در پروسه تنظیم و صدور نامه موسوم به نامه ۱۴۳ فعال سیاسی خطاب به سید محمد خاتمی نقش محوری داشته بگونه‌ای که برابر اطلاعات موجود اسامی حدود ۳۵ نفر از اعضاء گروهک نهضت آزادی توسط ایشان در ذیل نامه گنجانده شده است.....

مشهم در راستای اهداف گروهک و به منظور مقابله با نظام ضمن انجام سازماندهی و ایجاد هماهنگی بین عناصر شاخص این جریان، فعالیت‌های تبلیغی خود را با انجام مصاحبه و سخنرانی‌های تند و موضوع‌گیری علیه اصول و موازین انقلاب و نظام به انجام می‌رساند.

تکرار مطالب مطرح شده در دادنامه و توجه دقیق به مصادیق آنها همگی گویای این حقیقت است که اتهام آقای محمد توسلی در هر سه بار پیگیری و دستگیری، عضویت در نهضت آزادی و اقداماتی در زمینه همین عضویت بوده است. محکومیت قطعی موکل در سال ۱۳۸۰، که با همین عناوین و به همین اتهام بوده است اعتبار امر مختومه را پیدا کرده و رسیدگی مجدد به همان اتهام یا موازین حقوقی منطبق نبوده و به علت همان اصل مختومه شدن، و بهمان اعتبار رسیدگی مجدد به آن فاقد اعتبار قانونی خواهد بود. لذا رسیدگی به اتهام عضویت و فعالیت در نهضت آزادی که یکبار در سال ۱۳۸۰ منجر به صدور رای شده، با همین عنوان و با همین دلیل بدون ورود در ماهیت و رد اتهامات و اقدامات صحیح نبوده و از نظر حقوقی و

## فریفته غیرت (مهر داد)

رفیل پایه بک، دادگستری و مشاور حقوقی  
تهران ۳۰، ۳۰۳-۳۰۳، تهران و کلاهی مرکز

شماره .....  
تاریخ.....  
پیوست.....

قضایی فاقد اعتبار می باشد.

اتهام دوم آقای توسلی طبق مفاد کیفرخواست شامل فعالیت تبلیغی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است که در شرح دادنامه صادره این فعالیت از طریق عضویت در نهضت آزادی و به اعتبار آن بوده است. لذا از نظر حقوقی جرمی جدا تلقی نشده و عنوان جرم واحد را دارد. لذا و بر مبنای نظر برخی از محاکم تفکیک دو اتهام از یکدیگر و تعیین مجازات جدا برای هر کدام با این استدلال که هردو عنوان جرم واحد را دارد نیز صحیح نمی باشد. زیرا اگر اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام متوجه موکل گردیده این اتهام از طریق شخصیت متهم در رابطه با عضویت ایشان در نهضت آزادی بوده است. و همانطور که ذکر گردید اولاً هردو اتهام یکی بوده و تحت عنوان جرم واحد می بایست مورد حکم قرار می گرفت در ثانی اتهام عضویت موکل در نهضت آزادی نیز بدون ورود در کیفیت و چرانی آن قبلاً مورد رسیدگی واقع و منجر به صدور حکم نیز شده است و از طرفی همانطور که ملاحظه می فرمایند پرونده مطروحه اخیر مربوط به اتهام سال ۸۸ است که منجر به منع پیگرد شده و علی القاعده نمیتواند ارتباطی به عملکرد سال ۹۰ موکل داشته باشد.

در دادنامه صادره علاوه بر مجازاتهای تعیین شده در مواد اتهامی به استناد ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی نیز مجازات تنبیهی محرومیت از برخی حقوق اجتماعی بمدت ۵ سال برای موکل و به علت عملکرد نامبرده در مخالفت با نظام جمهوری اسلامی در نظر گرفته شده. که این نتیجه گیری نیز صحیح نمی باشد و چنین محرومیتی تناسبی با اقدامات موکل نداشته و زمانی که حداکثر مجازات پیش بینی شده برای ایشان در نظر گرفته شده، تعیین مجازات تنبیهی دور از عدالت و انصاف حقوقی می باشد.

همانطور که استحضار دارند احکام صادره از دادگاهها باید مستدل و مستند باشد. کلیه سوابق و مدارک



## فریفته غیرت (مهر داد)

زنگلی پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی  
درکالت ۳۰۶۳-۳۰۶۳ کانون وکلای مرکز

شماره .....  
تاریخ .....  
پیوست .....

پرونده اتهامی موکل حاکی است که هیچگونه دلیل مستدل و مستندی جهت اثبات اتهام در جهت مخالفت موکل با نظام جمهوری اسلامی ایران از طریق عضویت در نهضت آزادی نیز وجود نداشته و ارائه نشده . ضمن آنکه اعضای این حزب قویاً خود را مقید و یابند نظام دانسته و این اتهام را متوجه خود نمی دانند همچنین استناد به ماده ۴۹۸ قانون مجازات اسلامی که در خصوص احزاب و گروه هایی است که هدفشان برهم زدن امنیت کشور است ، در خصوص متهم و حزب متبوعش خصوصاً با توجه به اصول اعتقادی آنها مورد و مصداق ندارد. چنانکه اساسنامه این حزب و عملکرد اعضاء آن هرگز نشانی از نیت و قصد برهم زدن امنیت کشور را نداشته است بنا براین مذکور خصوصاً صدور حکم مورد اتهام عضویت در نهضت آزادی در سال ۱۳۸۰ و با عنایت به اعتبار مختومه بودن آن و بلاوجه بودن رسیدگی مجدد به آن و همچنین یکی بودن دو اتهام وارده بموکل با تلقی جرم واحد و عنایت به آنکه پرونده مطروحه مربوط به سال ۱۳۸۸ بوده که مختومه نیز گردیده ، رسیدگی مجدد و صدور حکمی چنین سنگین برخلاف قانون و موازین موجود بوده ، تقاضای بررسی موارد اعلامی و صدور حکم برائت موکل آقای محمد توسلی را دارد.

با احترام

فریفته غیرت  
۴۳

## پیوست شماره ۲۱

تاریخ: ۱۳۹۱/۰۸/۱۵  
شماره:  
پرست:



کانون وکلای دادگستری مرکز

ایمان میرزازاده  
کارشناس ارشد حقوق بشر  
وکل پایه یک دادگستری (شماره پروانه: ۱۶۱۶۳)

### بسمه تعالی

ولا یجرمنکم شنان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی (سوره مائده - آیه ۸)  
و شما را نباید عداوت گروهی بر آن بدارد که از طریق عدل بیرون روید، عدالت کنید که عدل به تقوی نزدیک تر است.

### ریاست محترم دادگاه تجدیدنظر استان تهران

موضوع: اعتراض به دادنامه صادره در پرونده کلاسه ۸۸/۱۱۱۵۴/ط/د شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی.

علیه آقای مهندس محمد توسلی حجتی فرزند رضا

با سلام و تحیات

احتراماً باستحضار می‌رساند که هم در مرحله تحقیقات مقدماتی و اخذ بازجویی‌ها و هم در رسیدگی قضایی در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی، ایرادات عمدی از بابت عدم رعایت تشریفات آیین دادرسی کیفری و بررسی ماهوی اتهامات اعم از بررسی عناصر مجرمانه و همچنین رعایت اصول قانونی و فقهی معتبر و شناخته شده در قانون مجازات اسلامی و فقه امامیه و در نهایت، بی‌توجهی به اصالت و اعتبار ادله اثباتی و دفاعیات متهم و وکلای وی به چشم می‌خورد که دفاعیه حاضر در دو بخش مستقل ایرادات شکلی و ماهوی بدان موارد می‌پردازد:

### بخش نخست: ایرادات شکلی

الف: ایرادات قانونی نسبت به بازداشت موقت موکل که شش و نیم ماه به طول انجامیده است

۱. موکل در تاریخ ۱۲ آبانماه ۱۳۹۰ بدنبال امضای نامه‌ای موسوم به ۱۴۳ امضاء خطاب به آقای سید محمد خاتمی ریاست جمهور سابق با موضوع انتخابات، در منزلش دستگیر گردید و پس از سپری نمودن حدود ۷ ماه بازداشت در بند ۲۰۹ آزاد شد. جالب آن که برخی از رسانه‌های متبخر در امر جریان سازی، به طور هم‌زمان اقدام به انتشار خبر بازداشت موکل همراه با عکس، مشخصات و نیز انتساب عنوان اتهامی و کذب "تقلب و جعل امضاء" کردند که موضوع بلافاصله از طریق خانواده موکل و طی نامه‌ای به اطلاع دادستان محترم تهران و تعداد دیگری از مسئولان رسید. جالب آن‌جاست که مطابق اصول ۲۲، ۳۷ و ۳۹ قانون اساسی و نیز مواد متعددی از قانون مطبوعات، حیثیت افراد مضمون از تعرض است و این نوع عملکرد بر خلاف رسالت حرفه‌ای این رسانه‌ها بوده و یقیناً حق موکل در خصوص اعلام شکایت از این سایت‌ها و رسانه‌ها محفوظ می‌باشد.

آدرس: تهران، بلوار کشاورز، خ عبدالله زاده، کد پستی: ۰۳۶-۲-ک پ: ۱۴۱۵۹۳۳۵۶۸ تلفن: ۰۲۸-۵۷۸۶۰۸۱  
iman\_mirzazadeh@yahoo.com

تاریخ: ۱۳۹۱/۰۸/۱۵  
شماره:  
پرونده:



کانون وکلای دادگستری مرکز

ایمان میرزازاده  
کارشناس ارشد حقوق بشر  
وکیل پایه یک دادگستری (شماره پروانه: ۱۶۱۶۳)

۲. موکل در دوران بازداشت، بارها نسبت به صدور و تمدید قرار بازداشت خود از طریق ارائه یادداشت کتبی به مسوولان و نگهبانان بند ۲۰۹ اعتراض کرده و مکاتبات متعددی نیز در این خصوص از طرف خانواده ایشان با مسئولان قضائی صورت پذیرفت. در خصوص بازداشت موکل، مواد ۳۲ و ۳۳ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری هیچگاه رعایت نشد و قرار بازداشت موقت موکل همراه بدون وجود دلیل موجه تمدید می‌گردد.

۳. بازداشت موکل آن طور که ایشان و خانواده اعلام می‌کردند، بر اساس نامه موسوم به ۱۴۳ امضا خطاب به آقای سید محمد خاتمی بوده است، اما در دادسرای اوین هیچ‌گاه به طور مستقیم به آن نامه پرداخته نشد، حتی مقام محترم تحقیق (بازپرس محترم شعبه ۶ دادسرای شهید مقدس - اوین) آن نامه را مجرمانه تشخیص نداد. بنا بر اظهارات موکل و سایر ادله و محتویات پرونده، این نامه، صرفاً بهانه و توجیهی جهت بازداشت مشارالیه بوده است تا ایشان در طی مدت بازداشت طولانی خود در خصوص "نهضت آزادی ایران" و نیز استعفا از دفتر سیاسی نهضت آزادی و اعلام توبه و ..... در مقابل دوربین، تحت فشار قرار گیرد!

۴. در این اثنا، خانواده موکل و سایر وکلای ایشان نیز پیگیری قانونی خود را داشته‌اند و بارها شرحی از مآووقع را به مسئولان عالی رتبه قضایی و امنیتی کشور ارائه دادند. در ادامه ایام بازداشت، از آن‌جا که نگهداری ایشان با ۷۴ سال سن و شرایط بند ۲۰۹ و تمدیدهای بدون قاعده قرار بازداشت موقت توسط برخی از مسئولین، شدیداً مورد انتقاد بود، نهایتاً بدون ایجاد هیچ تغییری در وضعیت موکل، اعلام شد که ایشان به دلیل اجرای حکم مربوط به سال ۱۳۸۰ پرونده اعضای نهضت آزادی بازداشت شده است! حکمی که بر اساس دستور رییس وقت قوه قضائیه کشور - آیت الله شاهرودی - متوقف گردیده بود و از طرفی، کمیسیون اصل ۹۰ مجلس آن زمان نیز گزارشی از اقدامات خلاف قانون و حقوق بازداشت‌شدگان آن پرونده را در صحن علنی مجلس قرائت کرده بود و اینک ۱۰ سال از زمان آن می‌گذشت! موضوع اجرای حکم ۸۰ سال نیز، همواره محل بحث و شبهات فراوانی بوده است، زیرا تعدادی از وکلا و حقوقدانان مرتبط با این پرونده، این حکم را غیرقابل اجرا، تعدادی آن را مشمول مرور زمان و تعدادی دیگر، اجرای این حکم را برخلاف مقتضیات زمان و بعلاوه بر خلاف مصلحت قوه قضائیه تلقی می‌کردند و البته حائز اهمیت این که تا کنون قطعیت این حکم به موکل و سایر وکلای ایشان در آن پرونده ابلاغ نشده است و در پیگیری‌های به عمل آمده، اعلام شد به دلیل برخی مصلحت‌سنجی‌ها، امکان ابلاغ این حکم وجود ندارد! فی الواقع کسی از متن رای قطعیت یافته و نتیجه اعتراض‌ها پس از ۱۰ سال خبر ندارد! از طرفی پافشاری برخی از مسئولین مرتبط با پرونده در خصوص اجرای رای سال ۸۰، این نکته را به ذهن متبادر می‌ساخت که بر فرض صحت این ادعا، نگهداری موکل در بند ۲۰۹ که ماهیتاً بازداشتگاه موقت می‌باشد، برخلاف مصراحت قانونی است، زیرا که بازداشتگاه، آن طور که ماده ۴ آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها مقرر ساخته، محل نگهداری افراد تحت قرار است و نه محکومین قطعی! که در پاسخ به این اعتراض اعلام داشتند، بر اساس دستور وزارت

آدرس: تهران، بلوار کشاورز، خ عبدالله زاده، کد پستی: ۳۶، ط ۲ - ک پ: ۱۴۱۵۹۳۳۵۶۸؛ تلفن: ۰۲۸-۵۷۸۶۰۹۱۲  
iman\_mirzazadeh@yahoo.com

تاریخ: ۱۳۹۱/۰۸/۱۵  
شماره:  
پرست:



کانون وکلای دادگستری مرکز

ایمان میرزازاده  
کارشناس ارشد حقوق بشر  
وکل پایه یک دادگستری (شماره پروانه ۱۶۱۶۳)

اطلاعات و به سبب رعایت برخی مصلحت‌سنجی‌ها، امکان انتقال به بند عمومی وجود ندارد! آیا این روند، مصداق بارز نقض اصول ۵۷ و ۱۵۶ نیست؟!  
۵. نهایتاً موکل در تاریخ ۱۳۹۱/۰۲/۲۵ با قرار وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی که قبلاً تودیع گردیده بود (با تاخیر) آزاد شد. موکل در شرایطی آزاد شد که از لحاظ بینایی و شنوایی دچار ضعف شده بود، حدود ۱۰ کیلو کاهش وزن داشت و مشکل حاد معده نیز بدون سابقه قبلی عارض گردیده بود.  
۶. موکل در سال ۸۸ نیز یکبار بازداشت شده بود که بنا بر اعلام موکل، آن پرونده با صدور قرار منع تعقیب مواجه گشته بود. البته این موارد و برخی از اشکالات در طول تحقیقات مقدماتی، طی مکاتبات متعدد به اطلاع مسئولان عالی قضائی و امنیتی رسیده است و علی‌القاعده ریاست محترم دادگاه بدوی می‌توانست مطابق با ماده ۲۰۵ قانون آئین دادرسی کیفری، اقدام نموده و تحقیقات لازم را بعمل می‌آورد که چنین اقدامی با وجود اعتراض به نحوه انجام تحقیقات مقدماتی هرگز صورت نپذیرفت. (پرونده مطروحه، مجموعه‌ای از تحقیقات صورت گرفته از سال ۸۸ تا کنون است. بخشی از این پرونده در زمان دادبازی آقای حیدری فرد با قرار منع پیگرد مواجه گردید و در خصوص بازداشت سال ۱۳۹۰ نیز ابتدا از سوی شعبه ۶ بازپرسی دادرسی اوین، قرار منع پیگرد صادر شده است که نهایتاً با پافشاری برخی از ضابطین، قرار منع پیگرد با مخالفت دادیار اظهارنظر مواجه گردیده و پرونده جهت رفع اختلاف فی مابین بازپرس و نماینده دادستان به شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب ارسال شده است که نهایتاً شعبه موصوف، به نفع نماینده دادستان در خصوص مجرمیت موکل اظهار نظر نموده است!، فی‌الواقع این حکم بعد از ۲ قرار منع پیگرد تدوین و ابلاغ گردیده است!!)

#### ب: عدم رعایت بی‌طرفی دادرسی

ریاست محترم شعبه بدوی، در حین جلسه دادرسی، بارها به الفاظ و عباراتی همچون "گروهک نهضت آزادی، برانداز بودن این گروهک، راهبرد براندازانه مسئولین این گروه" و نظایر آن اشاره کرده که این موضوع بر خلاف نص ماده ۲۱۰ قانون آئین دادرسی کیفری بوده و فی‌الواقع آن ریاست محترم، اصل بی‌طرفی را رعایت ننموده است و به نوعی در جلسه دادرسی با عنوان نمودن چنین مواردی در خصوص مجرمیت موکل اظهار عقیده نموده است که بر خلاف اصول کیفری و جزایی در حقوق کشورمان است.

#### پ: نقض ادله اثباتی

مطابق اصل ۱۶۶ قانون اساسی، و ماده ۲۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری، احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است، در حالی که در رای معترض عنه، تلاش شده است با تاسی به پرونده‌های سابق موکل، فعالیت‌های نهضت آزادی، محتویات نامه‌های نهضت آزادی، نامه منتسب به امام

آدرس: تهران، بلوار کشاورز، خ عبدالله زاده، کد مرتضوی، پ. ۳۶، ط ۲ - ک پ: ۱۴۱۵۹۳۳۵۶۸؛ تلفن: ۰۲۸-۵۷۸۶۰۹۱۲-  
iman\_mirzazadeh@yahoo.com

تاریخ: ۱۳۹۱/۰۸/۱۵  
شماره:  
پوست:



کانون وکلای دادگستری مرکز

ایمان میرزازاده  
کارشناس ارشد حقوق بشر  
وکل پایه یک دادگستری (شماره پروانه ۱۶۱۶۳)

خمینی (ره) در خصوص نهضت آزادی ایران، رد اعتراض موکل به صلاحیت دادگاه انقلاب در خصوص اصل ۱۶۸ قانون اساسی و نهایتاً دیدگاه قطعی و کارشناسی بازجو، رأی را تدوین کند که اساساً فاقد هرگونه استدلال است. این امر از جهاتی چند قابل اشکال است: نخست آن که ادله اثباتی به موجب قوانین شکلی و ماهوی با ذکر درجات اهمیت و قابلیت استناد احصا شده‌اند و رجوع قاضی به ادله‌ای خارج از موارد تعیین شده از نظر قانونی محل ایراد و اشکال اساسی و در نهایت، موجب بی‌اعتباری دلیل ایراز شده است. در کل پرونده حاضر نه نشانی از اقرار متهم علیه خود دیده می‌شود و نه شهادتی علیه وی وجود دارد و نه سند یا اماره‌ای علیه متهم یافت می‌شود. گزارشات ضابطین در مطلق موارد، به عنوان نظر کارشناسی مطرح شده و مبنای صدور حکم قرار گرفته است. به عنوان مثال در این حکم آمده است: "وی در طول ادوار گوناگون سی ساله انقلاب اسلامی همواره در راستای منافع گروهک نهضت آزادی (مبتنی بر تئوری جدایی دین از سیاست) به بهانه‌های مختلف، با القاء یاس و ناکارآمدی سیستم حاکم، نقی باورها و ارزش‌های انقلاب اسلامی، ایراد خدشه به گفتمان مترقی ولایت فقیه و مواردی از این دست به تضعیف نظام مقدس جمهوری اسلامی همت گماشته است" ولی حتی یک برگ سند اعم از یادداشت‌های امضا شخصی نامبرده و یا بیاتیه‌های نهضت آزادی ایران در پرونده و حکم قید نشده است که به استناد کدام عبارت و یا مبنا، فعالیت‌های موکل و نهضت آزادی در راستای جدایی دین از سیاست و یا تضعیف نظام جمهوری اسلامی و سایر موارد مذکور بوده است، یا در فرای دیگر از این حکم چنین به چشم می‌خورد که: "مشارالیه در طی بازجویی‌ها (در خرداد ۱۳۸۸)، به بسیاری از نقاط منفی عملکردش در حوزه تضعیف نظام اذعان نموده و با ایراز ندامت و تأسف و همچنین اعلام آمادگی برای جبران مافات، تعهد می‌نماید که در صورت آزادی، حاضر است با مجاب نمودن سایر اعضاء با برگزاری کنگره‌های انحلال گروهک نهضت آزادی را اعلام نماید". اما حتی یک سند و یا نوشته و یا حتی فیلم و یا صوت ضبط شده در پرونده وجود ندارد که دلالت بر اثبات چنین ادعایی داشته باشد و تمام این ادعاها که متأسفانه مبنا و دلیل صدور حکم قرار گرفته‌اند، صرفاً بنا بر گزارشات ضابطین بوده است. به همین نحو می‌توان به آقایی در حکم صادره توجه داشت که به برگزاری جلسات شاخه جوانان نهضت آزادی در پارک به دستور موکل اشاره دارد و حال آن که تمام این موارد توسط موکل در جلسه دادرسی به شدت تکذیب شده است.

نکته دیگر اینکه وزارت اطلاعات از جمله شاکیان این پرونده بوده است. بنابراین تعیین شاکی به عنوان کارشناس و ضابط قضایی محل ایراد اساسی است. دوم آن که گزارشات مضبوط در پرونده، متکی به هیچ سند و ادله قطعی از موکل نبوده است به عبارت دیگر، عدم توجه قاضی به اصالت و وثوق ادله اثباتی و نوع آن منجر به بروز یکی از اساسی‌ترین ایرادهای دادرسی، یعنی تحصیل دلیل توسط قاضی شده است که در دادرسی‌های عادلانه امری ناپسند و غیرحرفه‌ای به شمار می‌رود.

در قسمتی از رأی معترض عنه به آقایی موکل در بازجویی‌ها اشاره شده است که از طرف موکل به شدت مورد تکذب واقع گردید و در صورتجلسه دادگاه نیز ضبط شده است، اما دادگاه محترم در رأی خود به آن استناد جسته است که در مقام اثبات ادعا لازم بود حداقل در جلسه‌ای دیگر، صورتجلسه و یا هر سند دیگری را که حکایت از این آقایی

آدرس: تهران، بلوار کشاورز، خ عبدالله زاده، کد مرتضوی، پ ۳۶، ط ۲ - ک پ: ۱۴۱۵۹۳۳۵۶۸ - تلفن: ۰۲۸-۵۷۸۶۰۹۱۲  
iman\_mirzazadeh@yahoo.com

تاریخ: ۱۳۹۱/۰۸/۱۵  
شماره:  
پوست:



کانون وکلای دادگستری مرکز

ایمان میرزازاده  
کارشناس ارشد حقوق بشر  
وکل پایه یک دادگستری (شماره پروانه ۱۶۱۶۳)

دارد، ارائه می‌دادند که عملاً چنین امری محقق نگردید. در این رای به سخنرانی‌های تند موکل علیه اصول انقلاب اشاره شده است که می‌باید دادگاه محترم مدارک مثبته این مورد را نیز ارائه می‌دادند، زیرا که این موضوع نیز شدیداً توسط موکل تکذیب شده است.

#### ت: عدم صلاحیت دادگاه

از جمله مسائل دیگری که در دادنامه صادره مورد بی‌توجهی قرار گرفته است، مساله صلاحیت دادگاه است. قاضی محترم با استناد به ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب خود را در انتهای دادنامه صادره، دادگاه را صالح به رسیدگی دانسته‌اند و حال آن که پیش از ورود به رسیدگی باید مساله صلاحیت دادگاه را بررسی و اعلام نظر می‌کرد. نکته دیگر آن که در حکم صادره تصریح شده است: "با عنایت به گزارشات وزارت اطلاعات و اقراربر ضمتی و بعضاً اظهارات بلاوجه وی و عملکرد وی در گروهک غیر قانونی نهضت آزادی و به عهده داشتن رئیس دفتر سیاسی و اداره تشکیلات گروهک و مسئولیت وی در صدور بیانیه‌های منتشره و مصاحبه‌های متهم با رسانه‌های مختلف و تلاش در راستای براندازی نظام در ادوار گوناگون و سوابق سوء متهم و عملکرد مشارالیه در سی سال گذشته و نقش محوری در صدور و انتشار نامه‌های سرگشاده و اداره سایت میزان خبر و انجام مصاحبه و نگارش مقاله علیه نظام جمهوری اسلامی ایران ضمن رد ایراد وارده بر صلاحیت دادگاه توسط متهم و وکیل مدافع، با توجه به مفاد کیفرخواست صادره و عناوین اتهامی و اینکه رسیدگی به آنها با استناد ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در صلاحیت ذاتی دادگاه انقلاب اسلامی می‌باشد." این نظر ضمن آن که به دلایل ابرازی از سوی متهم و وکلا در اعتراض به صلاحیت دادگاه هیچ پاسخی نمی‌دهد، به وضوح حکایت از آن دارد که قاضی محترم، دادگاه انقلاب را صالح به رسیدگی دانسته و بر خلاف مسلمات کیفری، تحصیل دلیل به ضرر متهم کرده است و حال آن که شایسته بود توضیح می‌دادند که وقتی قانون احزاب صراحت دارد که به جرایم احزاب و اعضای آن باید در دادگاه عمومی رسیدگی شود و وقتی اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صراحت دارد که به جرایم سیاسی و مطبوعاتی در دادگاه‌های عمومی و یا حضور هیات منصفه و به طور علنی باید رسیدگی شود، چگونه است که قاضی محترم که در تمام اتهامات و حکم صادره خود موارد سیاسی و یا فعالیت در فضای مطبوعات و رسانه‌ها را مبنای صدور چنین حکم سنگینی قرار داده است، نسبت به این اعتراض قانونی موکل پاسخ نمی‌دهد؟ درست است که هنوز فعل یا ترک فعلی تحت عنوان جرم سیاسی در قوانین کیفری ایران جرم‌انگاری نشده است، اما آیا این کوتاهی قانون‌گزار باید به ضرر متهمان منجر شود؟ و آیا کوتاهی قوه مقننه باید موجب نقض حق دادرسی عادلانه شود که قانون اساسی به رسمیت شناخته است؟ از سوی دیگر، درست است که جرم سیاسی تعریف نشده است، اما قانون احزاب و جرایم مربوطه که تعریف شده است، چرا به مفاد این قانون توجه و عمل نشده و دادگاه در تأیید صلاحیت خویش به این قانون بی‌توجه بوده است؟

آدرس: تهران، بلوار کشاورز، خ عبدالله زاده، کد پستی: ۰۳۶-۲، کد پ: ۱۵۹۳۳۵۶۸، تلفن: ۰۲۸-۵۷۸۶۰۹۱۲  
iman\_mirzazadeh@yahoo.com



تاریخ: ۱۳۹۱/۰۸/۱۵  
شماره:  
پرست:



کانون وکلای دادگستری مرکز

ایمان میرزازاده  
کارشناس ارشد حقوق بشر  
وکل پایه یک دادگستری (شماره پروانه: ۱۲۱۲۳)

در حکم صادره به طور نادرست اعلام شده است که وفق مواد ۱۰، ۱۶ و ۱۷ قانون احزاب، احزاب زمانی مجاز به فعالیتند که پروانه اخذ کرده باشند و حال آن که قانون احزاب و مواد فوق‌الذکر، الزامی برای اخذ پروانه برای فعالیت احزاب قرار نمی‌دهد و بلکه تفاوت‌هایی برای احزاب دارای پروانه و فاقد پروانه از حیث رسمی تلقی شدن ذکر کرده است و مواد یادشده نیز به تبیین جرایم و مجازات‌های احزاب اعم از رسمی و غیر رسمی اشاره دارند و نه چیز دیگر.

#### ب: عدم رعایت مقررات راجع به تفهیم اتهام

##### ج: عدم انطباق موارد مندرج در تفهیم اتهام با کیفرخواست

همان‌گونه که موکل در نامه به رییس قوه قضاییه قید کرده‌اند، دلیل نخست برای بازداشت موکل، جعل امضای نامه موسوم به ۱۴۳ امضا بود، اما این اتهام هرگز مورد تفهیم قرار نگرفت، سپس، مساله متنی مطرح می‌شود که در مرحله پیش‌نویس منتفی شده بوده و سرآخر، عضویت و فعالیت در نهضت آزادی ایران مطرح شده و در حکم هم مورد اشاره قرار می‌گیرد. بنابراین هم مورد ادعایی به منظور بازداشت با تفهیم اتهام به عمل آمده مغایرت داشته و هم تفهیم اتهام با کیفرخواست و هم اتهامات مندرج در کیفرخواست با جرایم انتسابی در حکم بدوی متفاوت بوده است. نکته دیگر آن که در تفهیم اتهام باید نوع اتهام و ماده قانونی به صراحت ذکر شود تا متهم امکان طراحی و تدوین دفاعیات خویش را داشته باشد و از این رو تفهیم اتهام باید موجز و منجز باشد، اما در این پرونده به هیچ وجه این شرایط دیده نمی‌شود.

##### ج: عدم رعایت قانون در ضبط اموال و اوراق

ضابطین مربوطه ضمن بازداشت مشارالیه در روز پنجشنبه ۱۲ آبانماه سال ۱۳۹۰، اقدام به توقیف کامپیوتر شخصی (لپ تاپ)، گوشی موبایل، دوربین عکاسی دیجیتال حاوی کارت حافظه و دارای تعدادی عکس خانوادگی، کارت ملی و کارت‌های بانکی، ... نمودند. پر واضح است که برخی از این اقلام مانند کارت ملی، دوربین عکاسی (بدون کارت حافظه)، کارت بانکی، اوراق و تحقیقات قرآنی ...، ارتباطی به امضای نامه موسوم به ۱۴۳ امضا خطاب به آقای سید محمد خاتمی نداشته (دلیل بازداشت مشارالیه) و توقیف و ضبط آنها با ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری که صراحت دارد "از اوراق و نوشته‌ها و سایر اشیای متعلق به متهم، فقط آنچه که راجع به واقعه جرم است تحصیل و..." مغایرت دارد. تا کنون با وجود پیگیری‌های لازم و مکاتبات متعدد با شعبه ۶ بازپرسی و حتی دستور کتبی آن شعبه خطاب به بند ۲۰۹ در زمان تحقیقات مقدماتی، دادستانی تهران و شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب، نتیجه‌ای در این خصوص حاصل نگردیده است و این نوع عملکرد بر خلاف اصل ۴۷ قانون اساسی است.



آدرس: تهران، بلوار کشاورز، خ عبدالله زاده، کد پستی، ۳۶، پ ۲ - ک پ: ۱۴۱۵۹۳۳۵۶۸، تلفن: ۰۲۸-۵۷۸۶-۰۹۱۲  
iman\_mirzazadeh@yahoo.com

تاریخ: ۱۳۹۱/۰۸/۱۵  
شماره:  
پرست:



کانون وکلای دادگستری مرکز

ایمان میرزازاده  
کارشناس ارشد حقوق بشر  
وکل پایه یک دادگستری (شماره پروانه: ۱۲۱۲۳)

#### ح: القای بودن سوالات

ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری صراحت دارد که سوالات نباید تلقینی باشد، لازم به توضیح است که دادگاه محترم بدوی، طی جلسه دادرسی اقدام به طرح سوالاتی نمود که برخی از آنها القایی می‌باشد که از جمله آن می‌توانم به سوالاتی در خصوص پیش نویس نامه‌ای که در زمان بازداشت موکل توسط ضابطین بدست آمده است اشاره نمایم که بر اساس اظهارات موکل، متن موصوف صرفاً تحقیق تاریخی و سیاسی برای تهیه مقاله‌ای شخصی بوده است، ولی ضابطین مربوطه و دادگاه محترم اصل این مدرک را ضمیمه پرونده ننموده و ارائه نداده‌اند تا صحت ادعایشان ثابت گردد، اما دادگاه محترم در رای خود به آن متن اشاره داشته است!

#### خ: عملکرد فرا قانونی

همان‌گونه که در دفاعیات موکل و نامه ایشان به رییس محترم قوه قضاییه تصریح شده است، ایجاد فشار جسمی و روانی موکل، عدم موافقت با تبدیل قرار بازداشت به کفالت یا وثیقه که از سوی بازپرس مربوطه پذیرفته شده بود، عدم موافقت با انتقال به بند عمومی، بازجویی به هنگام شب، طرح درخواست‌هایی مانند انجام مصاحبه علیه نهضت آزادی ایران و استعفا از عضویت .... جملگی حکایت از مخدوش بودن تحقیقات دارد!

#### بخش دوم: ایرادات ماهوی

مواد ۴۹۸ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی به عنوان عنصر قانونی حکم صادره مورد توجه دادگاه قرار گرفته است که به جهات زیر قابل نقض و خدشه هستند:

##### ۱. فقدان عنصر مادی

ماده ۴۹۸ قانون مجازات اسلامی به فعالی نظیر تشکیل و یا اداره دسته و یا جمعیتی سیاسی اشاره دارد که هدف آن بر هم زدن امنیت کشور باشد و ماده ۵۰۰ به تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران و یا تبلیغ به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام اشاره دارد و لاغیر.

در حکم صادره آمده است: "گروهک نهضت آزادی که در ایجاد و توسعه تشکیلات خود مقرررات حاکم قانون فعالیت احزاب مصوب ۱۳۶۰ (مواد ۱۶، ۱۰، ۱۷) را به لحاظ اخذ مجوز اجرا ننموده و مجموعه فعالیت‌ها و اقدامات از این حیث غیر قانونی صورت پذیرفته است. حسب موارد و مصادیق عدیده فوق و مجموعه فعالیت‌ها و عملکرد تشکیلات موسوم به نهضت آزادی در اقداماتی مانند ارتباط با بیگانگان و گروه‌های ضد انقلاب، سازماندهی افراد و اشخاص معاند در جهت نفی ارزش‌های انقلاب اسلامی، تشویش اذهان عمومی و نشر اکاذیب، فعالیت‌های تبلیغی علیه نظام و



آدرس: تهران، بلوار کشاورز، خ عبدالله زاده، کد پستی، ۲۶-۲، ک پ: ۱۴۱۵۹۳۳۵۶۸، تلفن: ۰۲۸-۵۷۸۶۰۹۱۲  
iman\_mirzazadeh@yahoo.com



تاریخ: ۱۳۹۱/۰۸/۱۵  
شماره:  
پیرست:



کانون وکلای دادگستری مرکز

ایمان میرزازاده  
کارشناس ارشد حقوق بشر  
وکل پایه یک دادگستری (شماره پروانه ۱۶۱۶۳)

تلاش در راستای براندازی نظام در ادوار گوناگون سی سال گذشته - خاصه مقطع انتخابات اخیر- تصویب براندازی نظام در جلسه دفتر سیاسی، تصویب راهکارهای هجمه به ولایت فقیه در جلسات هم اندیشی، انتشار نامه‌ای سرگشاده علیه نظام و ارسال آن برای ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس شورای اسلامی، طرح ایده نظارت بین‌المللی بر انتخابات، تأثیرگذاری در تشکیل و هدایت تشکل غیرقانونی کمیته دفاع از انتخابات آزاد و شورای ملی صلح گسترش تشکیلات و تعاملات با برخی از احزاب و گروه‌ها و تشکل‌های اصلاح طلب (شرکت در همایش‌ها و جلسات هم‌اندیشی با این جریان‌ها)، استراتژی حداکثری براندازی نظام و حداقلی برهم زدن امنیت کشور و اقدام علیه امنیت ملی را دستور کار خویش دارد و دیدگاه و دیدگاه قطعی و کارشناسی، برانداز بودن گروهک مذکور می‌باشد."

در پاسخ باید گفت که اولاً این موارد به عنوان عملکرد نهضت آزادی ایران قابل بررسی است و نه شخصی خاص از اعضای آن، دوم آن که نامه نگاری به مجلس و رییس مجمع تشخیص مصلحت و یا برگزاری جلسات سیاسی با احزاب اصلاح‌طلب که در آن دوره پروانه فعالیتشان هنوز برقرار بوده است، چه ارتباطی با براندازی دارد، چرا دادگاه محترم به مندرجات و رونوشت این نامه‌ها اشاره‌ای نمی‌کند. در این عبارات به صراحت قید شده است که "جلسات با گروه‌های اصلاح‌طلب"، بنابراین در انجام جلسات و هم‌اندیشی با گروه‌های اصلاح‌طلب، چه نکته براندازانه‌ای ممکن بوده مطرح شود که امنیت ملی را به خطر اندازد؟ و یا کدام بخش از فعالیت‌های موکل در عرصه گفتار و نوشتار به ضرر نظام جمهوری اسلامی ایران و به نفع سازمان‌های مخالف نظام بوده است! پر واضح است که در این رای و نیز پرونده، مستندات در خصوص موارد مطروحه فوق ارائه نگردیده است و دادگاه محترم بدوی با طرح این مطالب و عناوین، سعی در اقناع وجدانی خواننده فارغ از استناد و مدارک مثبت داشته دارد!

## ۲. فقدان عنصر معنوی

بر هر دانشجوی رشته حقوق کیفری و یا طلبه فقه امامیه آشکار است که سوءنیت و عنصر معنوی، شرط تحقق و ثبوت عمل مجرمانه است. در مواد یاد شده ۴۹۸ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی نیز به عنصر معنوی جرم تحت عنوان "با هدف به هم‌زدن امنیت کشور" اشاره شده است. به جز گزارشات نهادهای مربوطه، حتی یک سند در پرونده دیده نمی‌شود که دلالت بر اثبات این قصد از سوی موکل داشته باشد و در عوض، سابقه خدمات ایشان در مدیریت انقلاب اسلامی و پس از آن و روحیات موکل که عموم بر آن واقفاند، حکایت از فقدان چنین قصدی دارد و نیت خیرخواهانه ایشان، امری است که مورد تأیید حتی بسیاری از منتقدان ایشان می‌باشد و در هر صورت، احراز و اثبات این سوءنیت بر عهده مدعی یا دادگاه بدوی بوده است که هیچ نکته و یا دلیلی در این راستا در پرونده به چشم نمی‌خورد. از سوی دیگر، ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مرتکبین جرایم عمدی را مشمول مجازات ترمیمی بر می‌شمارد و در خصوص موکل هم به طور خاص مسأله سوءنیت مرتفع است و هم بدین جهت که در عرف قضایی جهان و ایران، متهمان به جرایم سیاسی، متهمان فاقد سوءنیت نامیده می‌شوند و ایشان را دارای نیت خیرخواهانه



آدرس: تهران، بلوار کشاورز، خ عبدالله زاده، کد پستی، ۳۶ ط ۲ - ک پ: ۱۱۵۹۳۳۵۶۸؛ تلفن: ۰۲۸-۵۷۸۶۰۹۱۲  
iman\_mirzazadeh@yahoo.com

تاریخ: ۱۳۹۱/۰۸/۱۵  
شماره:  
پرست:



کانون وکلای دادگستری مرکز

ایمان میرزازاده  
کارشناس ارشد حقوق بشر  
وکل پایه یک دادگستری (شماره پروانه: ۱۶۱۶۳)

تلقی می‌کنند. بنابراین به جهت فقدان عنصر روانی و مجرمانه اطلاق ماده ۱۹ یاد شده محل ایراد جدی قانونی محسوب می‌شود.

### ۳. عدم رعایت اصول و قواعد معتبر کیفری

#### الف: نقض اصل برائت

اصل برائت از جمله اصول مترقی عقلی و عملی است که افزون بر تصریح در قوانین عرفی و از جمله اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تایید قاطبه فقهای امامیه قرار داشته و کسی به اعتبار آن تردیدی ندارد و در مواردی که دلایل اثباتی، برای محاکم کفایت نمی‌کند، رجوع به این اصل رافع دعوا و موجبات اتخاذ تصمیم قاطع قضایی می‌شود. از سوی دیگر، با توجه بدین اصل مهم قانونی و عقلی و فقهی است که اثبات ادعا بر عهده مدعی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، اصل بر صحت و درستی اعمال آحاد جامعه است و مدعی باید خلاف آن را ثابت کند. در پرونده حاضر هم در مرحله ادعایی و تحقیقات مقدماتی و هم در مرحله صدور رای بدوی، این اصل نادیده انگاشته شده است. در این پرونده، ضابطین و مقام قضایی در صدد اثبات مجرمیت متهم نیستند و بلکه متهم در یک گردونه نامتناهی سوالات غیرمرتبط قرار دارد که باید بی‌گناهی خویش را اثبات کند و از سوی دیگر، قاضی محترم نیز با وجود فقد دلایل اثباتی، بر اساس این اصل معتبر رفتار نکرده و در نهایت، صرفاً بر اساس گزارشات و بدون اخذ و مطالبه اسناد و مدارک جهت بررسی اعتبار و صحت گزارشات یاد شده، حکمی سنگین و ناروا صادر کرده است.

#### ب: نقض قاعده اعتبار امر مخومه

موکل در سال ۱۳۸۰ و پس از دستگیری توسط سپاه پاسداران، محاکمه گردید و در آن پرونده "بر اساس شرکت در اداره گروه غیر قانونی نهضت آزادی و ائتلاف موسوم به ملی مذهبی و تشکل‌های وابسته با هدف اقدام به برهم زدن امنیت کشور و ضدیت با نظام، تبلیغ علیه نظام و فعالیت به نفع گروه‌های مخالف، عملش را منطبق با مواد ۴۹۸ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و با رعایت مقررات تکرار و تعدد جرم موضوع مواد ۴۷ و ۴۸ قانون مذکور به تحمل ۸ سال حبس به جرم اداره گروه‌های فوق‌الذکر و تحمل یکسال حبس به جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام، مستنداً به ماده ۵۰۰، مجموعاً به ۹ سال حبس محکوم گردید." (عیناً به نقل از متن حکم سال ۸۰ که البته از سرنوشت این رای اطلاعی در دست نیست). حائز اهمیت اینکه بر اساس اصول حقوق جزائی و کیفری، یک فرد به دلیل یک عمل ۲ بار محاکمه و مجازات نخواهد شد. عضویت و اداره نهضت نیز تا کنون قطع نگردیده است و در سال ۱۳۸۸ بر اساس دستور وزارت اطلاعات، کلیه فعالیت‌های نهضت آزادی ایران معلق گردیده است و اساساً اداره تشکیلاتی که فعالیتش معلق است، قابل تصور نیست.

در خصوص این پرونده و دفاع وکلا در خصوص اعتبار امر مخوم بها، آنچه اهمیت دارد، طرح و به جریان افتادن دعوی عمومی است و عامل طرح که می‌تواند شاکی یا مقام تعقیب (اعم از دادسرا یا رئیس حوزه قضائی) باشد، تأثیری بر حصول وحدت اصحاب دعوی مورد نظر ندارد و اساساً در این دو دعوی، وحدت سبب، موضوع و اصحاب

آدرس: تهران، بلوار کشاورز، خ عبدالله زاده، ک مرتضوی، پ ۳۶، ط ۲ - ک پ: ۱۴۱۵۹۳۳۵۶۸ تلفن: ۰۲۸-۵۷۸۶۰۹۱۲  
iman\_mirzazadeh@yahoo.com



ایمان میرزاده  
کارشناس ارشد حقوق بشر  
دکتر پاپیک-اکسپرت (شماره پروانه: ۱۲۱۱۳۳)

تاریخ: ۱۳۹۱/۰۸/۱۵  
شماره:  
پوست:

کانون وکلای دادگستری مرکز

دعوی محرز و مشخص است. جالب آنکه ریاست شعبه بدوی با وجود اعتراض صریح احدی از وکلای پرونده، در رای معترض عنه به این موضوع هیچگونه اشاره‌ای ننموده است!!

#### پ: نقض اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها

در رای مورد اعتراض، به تفسیر موسع نهضت آزادی از اصل ۲۶ قانون اساسی اشاره شده است که این تفسیر به نوعی توسط دادگاه مورد تقبیح قرار گرفته است. از این رو لازم است ذهن قضات محترم تجدید نظر را به این نکته مسلم حقوقی معطوف نمایم که اصولاً و بنا به نظر عموم حقوقدانان کشورمان از جمله زنده‌یاد دکتر ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، استاد مسلم حقوق اساسی، در حقوق اساسی بر خلاف حقوق کیفری، باید با توجه به محتوا و بخش‌بندی حقوق، قائل به تفکیک شد و در خصوص حقوق ملت، با توجه به عمومیت این حقوق و لزوم رعایت اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، اصل بر تفسیر موسع است و دقیقاً به دلیل اعتبار حق تفسیر موسع در حقوق اساسی ملت است که در متون کیفری، تفسیر مضیق معنا می‌یابد. بنابراین و با وجود صراحت و عمومیت اصل ۲۶ قانون اساسی و قاعده برتری قانون اساسی بر قوانین عادی و از سوی دیگر، فقدان هرگونه مدلولی در قانون احزاب که تأییدی بر لزوم اخذ پروانه جهت قانونی تلقی شدن احزاب سیاسی داشته باشد، این بخش از نظر مطروحه در حکم صادره محل ایراد جدی است

در رای معترض عنه، بارها به سوابق موکل در خصوص امضای نامه‌های جمعی و یا انتشار آنها از طریق سایت اشاره شده است، این در حالی است که ریاست دادگاه بدوی، حد و مرزی را بین انتقاد و اعتراض به عملکرد مسئولین کشور و براندازی قائل نشده است. مطابق اصل ۲۳ قانون اساسی نمی‌توان هیچ کس را به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد. به عبارت دیگر، نه تنها رئیس محترم شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به اشتباه، با اصل تفسیر موسع در حقوق اساسی ملت مخالفت کرده است، بلکه با نقض و بی‌توجهی به اصل تفسیر مضیق در متون کیفری، با رجوع به قاعده قیاس که در فقه شیعه امامیه به صراحت حکم به بطلان آن داده شده است، به بررسی عملکرد موکل پرداخته و اعمال قانونی وی را مجرمانه تلقی کرده است.

#### ت: نقض اصل شخصی بودن مجازات‌ها

از جمله دستاوردهای مترقی حقوق کیفری و از جمله بدیهی‌ترین اصول عقلی و قانونی تلقی، اصل شخصی بودن مجازات‌هاست که به موجب آن هر فردی، تنها مسوولیت کیفری اعمال خود را به عهده دارد متأسفانه این اصل نیز در حکم صادره مورد توجه قرار نگرفته است. آیا می‌توان صرفاً به این دلیل که دبیرکل منفعل است، استعفا داده و یا این که در جلسه‌ای خاص، در منزل آقای دکتر یزدی بحث براندازی مسالمت آمیز مورد بحث قرار گرفته است و یا این که چون موکل، مسئول سایت نهضت آزادی است و یا افرادی دیگر به نام‌های ... نظرشان بر براندازی بوده است و غیره... موکل را محکوم به ۱۱ سال حبس و ۵ سال محرومیت از حقوق اجتماعی کرد؟! مسائل مطروحه در این رای، مربوط به فعالیت‌های نهضت آزادی بوده و نه صرفاً موکل! ضمن آن که اساساً این موارد توسط موکل مورد تکذیب قرار گرفته و در پرونده هم هیچ سندی دال بر اعتبار و صحت آن‌ها وجود ندارد.

آدرس: تهران، بلوار کشاورز، خ عبدالله زاده، کد پستی، ۳۶، پ ۲ - ک پ: ۱۴۱۵۹۳۳۵۶۸ تلفن: ۰۹۱۲-۵۷۸۶۰۲۸  
iman\_mirzadeh@yahoo.com

تاریخ: ۱۳۹۱/۰۸/۱۵  
شماره:  
پوست:



کانون وکلای دادگستری مرکز

ایمان میرزازاده  
کارشناس ارشد حقوق بشر  
وکیل پایه یک دادگستری (شماره پروانه ۱۲۱۶۲۳)

در قسمتی از این رای به نظر کارشناسی در خصوص برانداز بودن گروهک اشاره شده است! این در حالی بیان شده است که انفکاک شخصیت حقوقی از شخصیت حقیقی افراد تشکیل دهنده آن، از بدیهیات حقوقی است. از طرفی استناد به نظر کارشناسی و یا نامه‌ای که منتسب به امام<sup>(ع)</sup> می‌باشد، محل بحث جدی فقهی حقوقی است، ارجاع و استناد دادگاه در رای به نظریه کارشناس پرونده، نمی‌تواند جزء ادله اثبات دعوی قرار گیرد! برای اثبات اتهام، کارشناسی در زمره دلایل اثبات‌کننده جرم در فقه نیامده است و این موجب شک در اعتبار و قدرت اثباتی آن می‌گردد. شک در دلیل بودن مساوی با عدم اعتبار و عدم اثبات جرم به وسیله نظر کارشناس و یا نامه منتسب به امام<sup>(ع)</sup> است.

از این رو استدعا دارد با عنایت به مراتب مارالبین و وجود ایرادات اساسی شکلی و ماهوی در مراحل تحقیقات مقدماتی و جلسه دادرسی، مستنداً به بندهای الف، ب، ج و د ماده ۲۴۰ قانون آئین دادرسی کیفری، نسبت به نقض دادنامه معترض عنه رسیدگی و تصمیم شایسته را وفق مقررات جزائی و اصول مصرحه در قانون اساسی را اتخاذ فرمایید.

با تجدید احترام

ایمان میرزازاده  
وکیل آقای مهندس محمد توسلی

## پیوست شماره ۲۲

تاریخ انتشار: ۰۴ مرداد ۱۳۹۲،

### احضار مجدد اعضای نهضت آزادی به وزارت اطلاعات

جریس: تعدادی از اعضای شورای مرکزی و شاخه جوانان نهضت آزادی ایران به وزارت اطلاعات فراخوانده شدند.

به گزارش ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، هاشم صیافیان از اعضای شورای مرکزی و فخرالدین حکیمی، امیر حسین کاظمی و مجتبی خندان از اعضای شاخه جوانان نهضت آزادی ایران به وزارت اطلاعات احضار شده و تهدید به بازداشت شدند.

بازجویان وزارت اطلاعات با توصیف شرایط گذشته فعلی آینده کشور، نهضت آزادی ایران را تشکیلی غیر قانونی خوانده و فعالیت اعضای آن را امری غیر قانونی دانستند.

ایشان با اشاره به انتخاب رییس جمهور جدید گفتند "فضای سیاسی کشور همچنان برای فعالیت نهضت آزادی ایران بسته است و هر گونه گردهم آیی، دیدار و ارتباط اعضای این تشکل را خلاف اعلام کرده و در صورت تکرار تهدید به بازداشت اعضا کردند."

این در حالی است که بر اساس اصل بیست و ششم: احزاب، جمعیت‌ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهور اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

همچنین مراسم شب‌های احیا که هر ساله از سوی اعضای این جمعیت در منازل، اعزاء از جمله منزل، مهندس صیافیان برگزار می‌شد را لغو اعلام کردند.

بیش از این نیز مراسم افطاری این جمعیت در تهران و اصفهان با تهدید بازجویان لغو شده بود.

بعد از انتخابات سال ۸۸ فعالیت نهضت آزادی ایران متوقف شد و بسیاری از اعضا و علاقه مندان این جمعیت در کشور بازداشت شدند و تعدادی از آنها با محکومیت‌های سنگین روبرو شدند که می‌توان به دبیر کل این تشکل دکتر ابراهیم یزدی، محمد توسلی، هاشم صیافیان از اعضای شورای مرکزی اشاره کرد و تعدادی از اعضای نهضت آزادی ایران از جمله عماد بهاور رییس شاخه جوانان سید امیر خرم محسن محقق از اعضای شورای مرکزی و جعفر گنجی عضو شاخه جوانان در زندان دوران محکومیت خود را می‌گذرانند.

## دادگاه تجدیدنظر محمد توسلی آذرماه برگزار می‌شود

۸ مهر ۱۳۹۲ -

**ندای آزادی** : وکیل مدافع محمد توسلی از زمان تشکیل دادگاه تجدیدنظر موکلش در تاریخ ۲۷ آذرماه در شعبه ۵۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران خبر داد.

ایمان میرزازاده در گفت‌وگو با ایسنا با بیان این مطلب، اظهار کرد: حدود ۱۰ روز پیش زمان تشکیل دادگاه تجدیدنظر آقای توسلی، به نفع ابلاغ و از ما و ضابطین، پرونده دعوت شد تا مجدداً در تاریخ ۲۷ آذرماه در شعبه ۵۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران حاضر شویم.

به گزارش ایسنا، به دلیل عدم حضور نماینده دادستان در جلسه رسیدگی، به پرونده محمد توسلی، در ۲۰ شهریورماه در شعبه ۵۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، زمان دادگاه وی به روز دیگری موکول شده بود.

مهندس محمد توسلی، رئیس دفتر سیاسی، نهضت آزادی ایران در سال ۹۰ به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام بازداشت شد و در حال حاضر با قرار وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی آزاد است. شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب در حکمی وی را به ۱۱ سال حبس تعزیری و ۵ سال محرومیت از فعالیت‌های حزبی، تشکیلاتی و مطبوعاتی محکوم کرده بود.

تشکیل جلسه دادگاه تجدیدنظر محمد توسلی، پیرو اعتراض و تجدیدنظرخواهی نسبت به رای بدوی از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب است.

## پیوست شماره ۲۴

محمد توسلی بازداشت شد : Fars News Agency

<http://www.farsnews.com/printable.php?mn=13900812000880>

سیاسی - احزاب و تشکل ها  
شماره : 13900812000880  
90/08/13 - 11:28



تکرار به اتهام تقلب و جعل امضاء

### محمد توسلی بازداشت شد

خبرگزاری فارس: یک منبع آگاه گفت: محمد توسلی از اعضای گروهک منحلۀ نهضت آزادی به اتهام تقلب و جعل امضاء در صدور بیاتیه موسوم به ۱۴۳ نفره بازداشت شد.

به گزارش خبرگزاری فارس، این منبع آگاه افزود: به دنبال صدور بیانیه موسوم به بیانیه ۱۴۳ نفره که با هدف احیای جسد فتنه ۸۸ منتشر شده، تاکنون حداقل ۳۰ نفر از افرادی که اسامی و امضای آنها ذیل این بیانیه قرار گرفته به طور مکتوب و یا با انجام گفت‌وگوهای این موضوع را تکذیب کرده‌اند.

این افراد تأکید کرده‌اند که نه تنها این بیانیه جعلی را امضاء نکرده‌اند بلکه از صدور آن نیز بی‌اطلاع بوده‌اند.

منبع مذکور یادآور شد: در تحقیقات بعدی مشخص شد عامل اصلی جعل امضاء و این اقدام متغلبانه محمد توسلی عضو سابق گروهک منحلۀ موسوم به نهضت آزادی بوده است و بر همین اساس وی به اتهام تقلب و جعل امضاء دستگیر شد.

مقام آگاه افزود: به موازات ادامه تحقیقات درباره امضاءکنندگان بیانیه ۱۴۳ نفره تعداد افرادی که امضای آنها جعل شده و به این امر معترض هستند در حال افزایش است.

اعضای گروهک منحلۀ جبهه مرتد ملی و چند تشکل وابسته به سران فتنه و برخی گروهک‌های ضدانقلابی از جمله امضاءکنندگان این بیانیه ضدانقلابی هستند.

انتهای پیام/ص  
اخبارمرتبط :

تحقیق روابطعمومی الکترونیک در شهرداری فرون آباد  
10:46 - 90/08/12

©2011 Fars News Agency. All Rights Reserved

کد خبر: ۴۱۸۰۲  
 تاریخ انتشار: ۱۲ آبان ۱۳۹۰ - ۱۰:۱۸  
 تعداد نظرات: ۲ نظر  
 « احزاب و تشکلهای

### محمد توسلی بازداشت شد+عکس

یک منبع آگاه گفت: محمد توسلی از اعضای گروهک منحله نهضت آزادی به اتهام تقلب و جعل امضاء در صدور بیانیه موسوم به ۱۴۲ نفره بازداشت شد.



به گزارش صراط به نقل از فارس، این منبع آگاه افزود: به دنبال صدور بیانیه موسوم به بیانیه ۱۴۲ نفره که با هدف احیای جسد فتنه ۸۸ منتشر شده، تاکنون حداقل ۳۰ نفر از افرادی که اسامی و امضای آنها ذیل این بیانیه قرار گرفته به طور مکتوب و یا با انجام گفت‌وگوهای این موضوع را تکذیب کرده‌اند.

این افراد تأکید کرده‌اند که نه تنها این بیانیه جعلی را امضاء نکرده‌اند بلکه از صدور آن نیز بی‌اطلاع بوده‌اند.

منبع مذکور یادآور شد: در تحقیقات بعدی مشخص شد عامل اصلی جعل امضاء و این اقدام متقلبانه محمد توسلی عضو سابق گروهک منحله موسوم به نهضت آزادی بوده است و بر همین اساس وی به اتهام تقلب و جعل امضاء دستگیر شد.

مقام آگاه افزود: به موازات ادامه تحقیقات درباره امضاءکنندگان بیانیه ۱۴۲ نفره تعداد افرادی که امضای آنها جعل شده و به این امر معترض هستند در حال افزایش است.

اعضای گروهک منحله جبهه مرتد ملی و چند تشکل وابسته به سران فتنه و برخی گروهک‌های ضدانقلابی از جمله امضاءکنندگان این بیانیه ضدانقلابی هستند.



## پیوست شماره ۲۵

رئیس و مستشاران محترم شعبه ۵۴ محاکم تجدیدنظر استان تهران

موضوع: ابهامات و عملکرد غیرقانونی در طی تحقیقات

با سلام و تحیات

احتراماً در خصوص پرونده کلاسه ..... نکاتی را به طرح ذیل به استحضار می‌رساند:

۱- موکل تاکنون ۲ دفعه در این پرونده در سال‌های ۸۸ و ۹۰ دستگیر گردیده است. اولین دستگیری در تاریخ ۱۳۸۹/۰۳/۲۶ صورت گرفته است که مدت زمان بازداشت و نگهداری موکل در بند امنیتی، ۴۳ روز می‌باشد و نهایتاً موکل پس از ارائه آخرین دفاعیات در خصوص اتهامات متسببه (تشویش اذهان عمومی، فعالیت تبلیغی و توهین و افترا) در تاریخ ۱۳۸۸/۰۵/۰۶ آزاد می‌گردد. موکل در طول این دوران بنا به اعلام ضابطین، ۱۳ جلسه بازجویی سنگین داشته است، اما صورت جلسات بازجویی مضبوط در این پرونده، ۹ جلسه بازجویی را نشان می‌دهد.

۲- در طول دوره بازداشت موقت موکل در بند ۲۰۹ در سال ۸۸ دادپار مسئول پرونده (آقای حیدری‌فرد)، پرونده را جهت رسیدگی به اعتراض موکل به بازداشتش، هیچگاه به دادگاه انقلاب جهت رسیدگی ارسال نداشتند و به این طریق بند ۲ بخش (ن) ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مدنظر دادیار پرونده قرار نگرفته است.

۳- در دومین بازداشت موکل در سال ۱۳۹۰/۰۸/۱۳ نیز که به دنبال امضای نامه موسوم به ۱۴۳ امضا خطاب به آقای خاتمی از سوی وزارت اطلاعات و نیز کارشناس/بازجوی پرونده موکل صورت گرفت، با وجود گردش کارهای متعدد و درخواست‌های فرای قانون ضابطین از دستگاه قضایی، ابتدایی‌ترین حقوق موکل هیچگاه رعایت نگردید و این موضوع از مکاتبات موجود در پرونده کاملاً واضح و مشخص است که در ادامه لایحه و نیز در جای خود به‌طور مفصل به آنها پرداخته خواهد شد. در خصوص بازداشت موقت موکل، لازم به توضیح است که با وجود مکاتبات متعدد موکل از بند مربوطه، هیچگاه اعتراض به بازداشتش جهت رسیدگی به دادگاه ارسال نشده است. در خصوص موکل به‌طور ویژه در بازداشت دوم، لازم به توضیح است که بخشی از دوران بازداشت موکل بلاجهت و بدون لوازم قانونی آن صورت پذیرفته است که از مصادیق بازداشت غیرقانونی و خودسرانه می‌باشد و می‌تواند موجبات مسئولیت ضابطین و سایر مقامات ذی‌سمت را فراهم نماید (مواد ۵۷۸، ۵۷۲، ۵۷۴، ۵۷۶، ۵۷۷ بخش تعزیرات تقصیرات مأمورین و مقامات دولتی - قانون مجازات اسلامی و بند ۱ ماده واحده حقوق شهروندی: «کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می‌باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلب حقوق شخصی و سوء استفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود.») در خصوص عدم متابعت ضابطین از دستورات و تصمیمات بازپرس، مواردی به شرح ذیل به استحضار می‌رسد:

الف - بازپرس محترم شعبه ۶ دادرسی ناحیه ۳۳ ابتدا و بعد از تفهیم اتهام، نظرش بر صدور قرار کفالت (وجه‌الکفاله ۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریالی) بوده است و این موضوع در برگ معرفی به زندان موکل منعکس است و

حضوراً به موکل نیز ابلاغ گردیده است، اما با وجود تجویز ۱۰ روز انفرادی در زمان معرفی به بازداشتگاه ۲۰۹ از سوی بازپرس، پس از ۴ روز، در تاریخ ۱۳۹۰/۰۸/۱۸ ضمن ارائه گردش کار، کارشناس/بازجو تقاضای یک ماه انفرادی برای موکل می‌نماید، اما بازپرس صرفاً با ۱۰ روز انفرادی موافقت می‌نماید، اما بازجو مجدداً اصرار بر ۳۰ روز انفرادی موکل با ۷۴ سال سن دارد، از این رو مجدداً گردش کار دیگری را در تاریخ ۱۳۹۰/۰۸/۳۰ به بازپرس ارائه می‌دهد، بازپرس حاضر به تصمیم‌گیری نبوده و تقاضای دخالت و اعمال نظر معاون دادستان در دادرسی مقدس را دارد، دادستان نیز پس از ملاحظه پرونده و گردش کار بازجو، در تاریخ ۱۳۹۰/۰۹/۱ صرفاً با ۷ روز تمدید بازداشت موقت موافقت می‌نماید و تمدید مجدد قرار بازداشت را صرفاً منوط به ارائه دلایل و مستندات از سوی ضابطین می‌نماید.

ب- جالب آنجاست که تازه در تاریخ ۱۳۹۰/۰۹/۲، بازپرس بنا به پیشنهاد معاون دادستان در دادرسی مقدس مبنی بر تشدید قرار، بعد از حدود ۱۹ روز انفرادی، تصمیم به تشدید قرار کفالت به بازداشت موقت گرفته است. اما در طول این دوران در تاریخ ۱۳۹۰/۰۹/۹ همزمان با انقضا مدت زمان ۷ روزه تمدید قرار بازداشت (بنا به پیشنهاد و نظر معاون دادستان)، قرار بازداشت موقت را تخفیف داده و به وثیقه ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تومانی تبدیل نموده و مراتب را نیز بارها و طی مکاتبات متعدد خطاب به بند ۲۰۹ و زندان اوین اعلام می‌دارد.

ج- فی الواقع مدت زمان بازداشت موقت صادره، ۱۳۹۰/۰۹/۲ لغایت ۱۳۹۰/۰۹/۹ به مدت یک هفته بوده است!! اما موکل بیش از ۶ ماه (۱۹۵ روز) را در بند امنیتی ۲۰۹ محبوس بوده است!

چ- در تاریخ ۱۳۹۰/۰۹/۲۶ مسئول اجرای احکام اوین (آقای خدابخشی)، نسبت به صدور برگ معرفی به زندان موکل بابت محکومیت ۸ ساله قطعیت یافته در سال ۸۱ اقدام می‌نماید. اما در این مقطع زمانی مشخص نمی‌گردد که از زمان تبدیل و تخفیف قرار بازداشت موقت از ۱۳۹۰/۰۹/۹ تا زمان صدور برگ معرفی به زندان موکل در اجرای احکام اوین ۱۳۹۰/۰۹/۲۶، موکل به چه دلیلی و تحت اوامر کدام مرجع در بند امنیتی ۲۰۹ با شرایط خاص آن بند محبوس است! مهم‌تر آنکه اجرای احکام در همان روز صدور برگ اعلام محکومیت قطعی موکل (۱۳۹۰/۰۹/۲۶)، خطاب به بند ۲۰۹، مقرر می‌سازد که موکل در «یوم جاری به زندان اوین اعزام و تحویل گردد» و حتی شعبه ۶ بازپرسی نیز در تاریخ ۱۳۹۰/۱۰/۷، بلامانع بودن انتقال موکل را به بند عمومی اوین اعلام می‌دارد، اما گویا دستی پنهان تمام تلاش خود را بر نگهداری موکل متمرکز نموده است!

ه- این موضوع که چگونه حکم ۸ سال حبس موکل در سال ۸۰-۸۱، در سال ۹۰ و آن هم مصادف با اصرار فرا قانونی نهاد امنیتی مبنی بر نگهداری موکل در بند ۲۰۹ تا زمان انتخابات مجلس، موضوعی محل تأمل است!! پرونده و حکمی که گزارش کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شد ششم و نیز دستور توقف اجرای احکام آن پرونده توسط حضرت آیت‌الله شاهرودی را در خاطره‌ها باقی گذاشته است!

خ- بازپرس شعبه ۶ دادرسی شهید مقدس در تاریخ ۱۳۹۰/۰۹/۲۹، دستور خود را مبنی بر تسریع در ارسا گردش کار نهایی خطاب وزارت اطلاعات صادر می‌نماید و در تاریخ ۱۳۹۰/۱۰/۷ نیز بلامانع بودن انتقال موکل را به بند عمومی اوین اعلام می‌دارد.

د- گردش کار نهایی در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۹ واصل می‌گردد و بازجوی محترم درخواست شد مجازات را برای موکل از مقام قضایی می‌نماید.

ذ- با وجود تبدیل قرار بازداشت موقت به وثیقه در تاریخ ۱۳۹۰/۹/۹، بازپرس شعبه ۶ داد سرای اوین، در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۱ مقرر می‌سازد که قرار بازداشت موقت، به زندان و زندانی ابلاغ گردد! دلیل این تأخیر مشخص نشده است! در همان روز نیز با منزل موکل تماس گرفته می‌شود که وثیقه تودیع گردد. در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۲، وثیقه تودیع و قرار قبولی وثیقه صادر گردید و در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۵ هرچند با تأخیر، صدور قرار قبولی وثیقه به اطلاع بند امنیتی ۲۰۹ رسیده و از مسئول بند موصوف خواسته شد که زندانی سریعاً آزاد گردد. اما گویا مصلحت بر ضوابط و قانون برتری دارد!

ر- نکته حائز اهمیت آنکه کارشناس و بازجوی پرونده، پس از اطلاع از موضوع، طی گردش کار مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۶ خطاب به بازپرس، اعلام می‌دارند که موکل می‌باید پس از انتخابات در بند ۲۰۹ تحمل کیفر نمایند! باللعجب! بازجو قصد اجرای حکم قطعیت یافته موکل در پرونده سال ۸۰ - ۸۱ را در بند ۲۰۹ در سر دارد، معنی چنین اصراری چیست! آیا هدف می‌تواند چیزی جز تضعیف و اعمال فشار روحی و روانی بر موکل باشد! جالب آنجاست که موکل در تاریخ ۱۳۹۰/۹/۳ اعتراض خود را به‌طور مکتوب به بازدا شتت ارائه داده است و در آن نامه به شرایط بد جسمی خود از جمله عفونت مثانه‌اش اشاره می‌نماید و این نامه در تاریخ ۱۳۹۰/۹/۵ از طریق سازمان زندان‌ها به شعبه ۶ ارسال گردیده است و در پرونده موجود است، اما خبری از رسیدگی به اعتراض موکل نیست! با همه این فشارها که از سوی نهادهای امنیتی بر خلاف اصل ۵۷ قانون اساسی: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران .... مستقل از یکدیگرند.» صورت می‌پذیرد، بازپرس شعبه ۶ که خود را با تمامیت‌خواهی و استیلای کارشناس/بازجوی پرونده که در حکم ضابط قوه قضاییه هستند مواجه می‌بیند، در برابر درخواست بازجو در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۶ مبنی بر تحمل کیفر موکل در بند امنیتی تا پس از انتخابات مجلس، چنین مرقوم می‌دارد: «آزادی نامبرده به اجرای احکام اعلام گردیده، چنانچه ادامه حضورش را به مصلحت می‌دانید، دستور و الا طبق ضوابط اقدام فرمایید!»، آیا مصلحت بر ضوابط و قانون برتری دارد؟! ز- موکل در تاریخ ۱۳۹۰/۲/۲۵، پس از تحمل ۱۹۵ روز زندان امنیتی ۲۰۹ با شرایط ویژه آن، آزاد می‌گردد، اما مشخص نمی‌گردد که چرا تبدیل و تخفیف قرار بازداشت با حدود ۲ ماه تأخیر در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۱ به اطلاع موکل و خانواده جهت تودیع وثیقه می‌رسد! آیا قرار بوده است که هاجرای اجرای حکم ۸۰ - ۸۱ به عنوان بهانه‌ای برای ادامه نگهداری موکل در بند امنیتی، سامان پیدا کند و بعد تبدیل وثیقه صورت پذیرد تا با وجود تودیع آن، موکل همچنان در اختیار باشد! در کجای قانون آمده است که محکوم می‌باید با اختیار ضابط، در بند امنیتی با شرایط خاص آن بند تحمل کیفر نماید! اینها مواردیست که می‌تواند در جای خود فاجعه‌ای برای نظام قضایی و قوه قضاییه قلمداد شود!

همه این خودسری‌ها و بی‌قانونی‌ها در حالی صورت می‌گیرد که گویی جای دادستان و مدعی العموم یا بازجویان و نیز شأن قوه قضاییه با وزارت امنیت عوض شده است! در این پرونده، به صرف ارائه درخواست کارشناس/بازجو به دستگاه قضایی، حکم جلب و دستگیری و تفتیش منزل و محل کار صادر می‌گردد، بدون رعایت قواعد آیین دادرسی کیفری، اقدام به توقیف اموال و اسناد سجلی موکل و ... می‌نمایند و به حرز و محل خصوصی زندگی سایر اعضای خانواده وارد می‌شوند، موکل را بدون وجود دستور قضایی در بازداشت نگه داشته و هیچگونه اهمیتی برای نظر مقام قضایی و مسئول تحقیق قائل نیستند! انگار نه انگار که تحقیقات

می‌باید بر اساس نظارت و راهنمایی‌های مقام تحقیق توسط مأمورین انجام پذیرد! خود سرانه از ابتدا نیت می‌کنند که موکل را تا انتخابات مجلس در بازداشت نگهداری کنند و پس از آن نیز از دستگاه قضایی می‌خواهند حکم سال ۸۰ - ۸۱ موکل را که در آن زمان به سبب عملکردهای خود سرانه و فرافقانونی ضابطین متوقف شده بود را به مرحله اجرا در بیاورند! فی‌الواقع دستور آیت‌الله شاهرودی و نیز گزارش مفصل کمیسیون اصل ۹۰ مجلس فدای درخواست کارشناس/بازجو می‌شود! اجرای احکام درخواست تحویل زندانی به بند عمومی را می‌کند تا از محیط امنیتی خارج شود، اما مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد! بازجو/کارشناس خود را در مقام مدعی‌العموم دانسته تقاضای اشد مجازات می‌کند و یا اینکه درخواست صدور قرار نهایی می‌کند و یا حتی تقاضای صدور قرار ممنوع‌الخروجی می‌کند! گویی واقعاً جای قاضی و قوه قضاییه با کارشناس/بازجو یک وزارتخانه در دولت کریمه عوض شده است. بازجو/کارشناس به همین مقدار بسنده نمی‌کند و از افرادی های متعدد (حداقول ۳۰ روزه) را به دفعات از بازپرس طلب می‌نماید، بازپرس مخالفت می‌کند و صرفاً ۱۰ روز یا یک هفته را تجویز می‌نماید، نهایتاً نیز قرار بازداشت موقت را به وثیقه تبدیل می‌کند، قرار قبولی وثیقه را نیز صادر می‌کند، اما از موکل خبری نمی‌شود! قرار نیست از موکل خبری شود! آن‌ها اراده‌ای برای آزادی موکل ندارند! وثیقه تودیع شده و صدور قرار قبولی وثیقه به بند امنیتی نیز اطلاع‌رسانی شده، اما اراده‌ای برای آزادی موکل وجود ندارد. رأی در سال ۸۰ - ۸۱ صادر شده است که تا همین الان، هیچ‌کس از سرنوشت آن رأی و نتیجه رسیدگی دادگاه تجدیدنظر به اعتراض‌ها خبری ندارد، بارها تقاضای ابلاغ و یا حداقل مطالعه رأی صادره تقدیم مسئولی نشده است، اما مسئولین اجرای احکام اوین اعلام می‌دارند که ابلاغ رأی به مصلحت نیست و دستور دارند که این رأی به کسی ابلاغ نگردد! بازهم قانون و ضوابط فدای مصلحت‌ها می‌شود! به یک باره و بعد از دستورات بازپرس، بحث اجرای رأی جدی شده است، حتی بازجو/کارشناس، درخواست تحمل کیفر موکل را در بند امنیتی بعد از انتخابات مجلس را نیز ارائه داده است! اما انگار نه انگار که این مملکت قانون دارد.... بارها مکاتبه شد، اطلاع‌رسانی شد،.... موکل ۷۴ ساله است، به سبب کهولت سن و نیز نگهداری طولانی مدت در بند امنیتی، شرایط جسمی‌اش وخیم است و در مکاتبات با بند موصوف و نیز بازپرس پرونده، به موضوع عفونت مثانه و... اشاره نموده است! اما بازجو/کارشناس اراده‌ای برای آزادی مشارالیه ندارد! اما در قوانین عادی و اساسی بارها به لزوم رعایت حقوق متهم اشاره شده است که به برخی از آنها به شرح ذیل اشاره می‌نماید و تأکید می‌نمایم که این موارد همگی و با جسارت تمام توسط ضابطین نقض گردیده است:

بند (ی) ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مقرر ساخته است: «درخواست دادستان و بازپرس را باید ضابطین مقامات رسمی و ادارات فوراً اجرا نمایند. بازپرس می‌تواند به تحقیقات ضابطین دادگستری رسیدگی نموده و هرگاه تغییری در ادامات آنان یا تکمیلی در تحقیقات، لازم باشد به عمل آورد. تخلف از مقررات این بند علاوه بر تعقیب اداری و انتظامی؛ برابر قانون مربوط مستوجب تعقیب کیفری نیز خواهد بود.»

بند ۱ ماده واحده حقوق شهروندی: «کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می‌باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و

از اعمال هرگونه سلاخی شخصی و سوء استفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود.»

بند ۴ ماده واحده حقوق شهروندی: «... کلاً در اجرای وظایف محوله و برخورد با مردم، لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً مراعات گردد.»

بند ۶ ماده واحده حقوق شهروندی: «... از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر و استخفاف به آنان اجتناب گردد.»

بند ۸ ماده واحده حقوق شهروندی: «... از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آنها خودداری گردد.»

بند ۱۰ ماده واحده حقوق شهروندی: «... با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش‌های خلاف آن متوسل شده‌اند، بر اساس قانون برخورد جدی صورت گیرد.»

بند ۱۱ ماده واحده حقوق شهروندی: «... پرسش‌ها باید، مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیر مؤثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد.»

بند ۱۳ ماده واحده حقوق شهروندی: «... و نحوه رفتار مأموران و متصدیان مربوط با متهمان، نظارت جدی کنند و... با متخلفان برخورد قانونی شود.»

ماده ۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری: «ضابطین دادگستری مکلفند دستورات مقام قضایی را اجرا کنند. در صورت تخلف به سه ماه تا یک سال انقصال از خدمت دولت و یا یک تا شش ماه حبس محکوم خواهند شد.»  
ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری: «ضابطین دادگستری پس از ورود مقام قضایی تحقیقاتی را که انجام داده‌اند به وی تسلیم نموده و دیگر حق مداخله ندارند، مگر به دستور مقام قضایی و یا مأموریت جدیدی که از طرف وی به آنان ارجاع می‌شود.»

ماده ۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری: «مقامات رسمی و ضابطین دادگستری موظفند دستورات دادرسان و قضات تحقیق را فوری، به موقع اجرا گذارند، متخلف از این ماده به مجازات مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد.»

ماده ۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری: «... در هر صورت ظرف مدت یک ماه باید وضعیت متهم روشن شود...»

ماده ۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری: «... قاضی مکلف است در کلیه موارد پس از مهلت یک ماه در صورت ضرورت با ذکر دلایل و مستندات، قرار بازداشت موقت را تجدید و در غیر این صورت با قرار تأمین مناسب متهم را آزاد نماید.»

ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری: «از اوراق و نوشته‌ها و سایر اشیای متعلق به متهم، فقط آنچه که راجع به واقعه جرم است تحصیل و در صورت لزوم به شهود تحقیق ارائه می‌شود...»

ماده ۱۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری: «تأمین باید با اهمیت جرم و شدت مجازات و دلایل و اسباب اتهام و احتمال فرار متهم و از بین رفتن آثار جرم و سابقه متهم و وضعیت مزاج و سن و حیثیت او متناسب باشد.»  
 ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری: «در مواردی که تحقیقات تکمیل و برای انجام محاکمه و وقت تعیین شده باشد متهم یا وکیل او حق دارند پیش از شروع محاکمه به دفتر دادگاه مراجعه و از محتویات پرونده اطلاعات لازم را تحصیل کنند.»

اصل ۲۲ قانون اساسی: «حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است...»  
 اصل ۲۳ قانون اساسی: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد مؤاخذه قرار داد.»

اصل ۲۶ قانون اساسی: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی... آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.»  
 اصل ۳۸ قانون اساسی: «اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است...»

اصل ۵۷ قانون اساسی: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران... مستقل از یکدیگرند.»  
 ۴- موکل بارها از بند ۲۰۹ مکاتباتی را با دادستان تهران و سایر مقامات مسئول در خصوص بازداشت غیر قانونی‌اش داشته است، اما با وجود اینکه موکل در قالب شق آخر از قسمت (ح) قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب که مقرر می‌دارد: «هرگاه متهم موجبات بازداشت را مرتفع بیند می‌تواند از بازپرس درخواست رفع بازداشت خود را بنماید که در این صورت بازپرس مکلف است ظرف ۱۰ روز از تاریخ تسلیم درخواست، نظر خود را جهت اتخاذ تصمیم نزد دادستان ارسال نماید،» اما در طول مدت بازداشت هیچ‌گاه چنین حقی برای موکل شناسایی نگردید.

۵- در دستگیری دوم، امضای نامه موسوم به ۱۴۳ امضا خطاب به آقای خاتمی، دلیل بازداشت موکل بوده است، این موضوع در گردش کار مورخ ۱۳۹۰/۸/۱۱ وزارت اطلاعات، تصریح گردیده است. در خصوص نامه لازم به توضیح است که بازجوی موکل، در طول تحقیقات و بازجویی مدام در صدد القای تهیه و نگارش و نیز انتشار نامه توسط موکل بوده است، در صورتی که در اظهارات مکتوب دوستان و برخی از اعضای نهضت آزادی همچون مصیب دوانی، مجید جابری، بنی‌اسدی، ابوالفضل بازرگان و غفار فرزندی که اظهارات ایشان نیز در پرونده منعکس است، هیچ‌یک نام خود را انکار نکرده‌اند و از طرفی همگی اذعان داشته‌اند که هیأت ۳ نفره متشکل از موکل، مهندس صباغیان و دکتر یزدی، اختیار درج نام ایشان را در نامه‌هایی که جزیه ملی داشته را دارا بوده‌اند و حتی تصریح نموده‌اند که این اختیار به‌طور شفاهی به این هیأت داده شده بوده است. جالب‌تر آنکه حتی بعضی از ایشان تصریح نموده‌اند که با متن نامه موافق هستند و حاضرند که تاوان آن را نیز بپردازند، اما بازجو همواره با ارائه و تأکید بر این موارد سعی داشته است که چنین القا نماید که مشارالیهم را ضی به امضای نامه نبوده‌اند و یا موکل خودسرانه دست به چنین اقداماتی زده است! که البته محتویات اظهارات اخذ شده، برخلاف چنین القایی است!

۶- بازجو و یا به اصطلاح کارشناس پرونده به این مقدار نیز بسنده نکرده است، روز دستگیری، همزمان با حضور نیروهای اداره کل عملیات وزارت امنیت در منزل موکل، سایت‌هایی معلوم‌الحال از قبیل فارس، صراط و... اقدام به انتشار خبر دستگیری موکل تحت عنوان جعل امضا می‌نمایند! ساعت انتشار اخبار حدود ۹:۳۰ صبح دستگیری را نشان می‌دهد، در حالی که مأموران تا حدود ظهر در منزل موکل مشغول بازرسی و تفتیش بوده‌اند. لازم به توضیح است که در این خصوص نیز شکایتی به دادسرای فرهنگ و رسانه ارائه شده است که متأسفانه تاکنون بلا اقدام مانده است! اما گردش کار مورخ ۱۳۹۰/۸/۱۱ در بخش دلایل توجه اتهام، در بند ۵ آن به جعل عنوان اشاره نموده است، خود همین اشاره مشخص می‌نماید که انتشار این اکاذیب از کدام مجاری صورت گرفته است، در واقع برخی عناصر دخیل در پرونده، سعی داشته‌اند با ایجاد جو روانی در روز دستگیری موکل، توجیحات برخوردها و اتفاقات آتی را فراهم نمایند. لازم به توضیح است که در این خصوص مکاتبات لازم با دفتر دادستان تهران صورت گرفته است و مدارک و اسناد لازم نیز به دادستانی کل کشور و دادسرای دیوان‌عالی کشور نیز ارسال گشته است که رونوشت آن در پرونده موجود است.

۷- از دلایل بازداشت موکل و یا توجیحات آن بازداشت، در گردش کار ۱۳۹۰/۸/۱۱ چنین آمده است «با عنایت به شرایط حساس پیش‌رو و احتمال صدور بیانیه‌های دیگر در مقطع انتخابات، ضرورت دارد نامبرده در اسرع وقت بازداشت و مورد برخورد قرار گیرد.» این اظهارات و پیش‌گویی‌ها در حالی صورت گرفته است که موکل در بازجویی مورخ ۱۳۹۰/۸/۱۷ مندرج در ص ۲۴۰ پرونده، تصریح نموده است «در خصوص چگونگی معرفی نام دوستان نهضتی، بر اساس تفویض اختیاری که دوستان به مسئولان نهضت داشته‌اند، در مواردی که موضوعی در چارچوب قانون اساسی و مصوبات قبلی نهضت باشد، سه نفر از مسئولان نهضت می‌توانند به استناد حقوق شهروندی، امضای آنان را معرفی نمایند. در این مورد نیز به همین ترتیب عمل شده است. سه نفر مسئولان که پس از رؤیت متن با معرفی اسامی دوستان نهضتی موافقت کردند آقایان دکتر یزدی، محمد توسلی و هاشم صباغیان می‌باشند. ضمناً بیانیه از طریق آقای سعید مدنی در اختیار ما قرار گرفت.

۸- در خصوص نامه دیگری که به هنگام دستگیری از پیک آقای صباغیان به دست آمده نیز، لازم به توضیح است که آن مقاله‌ای بیش نبوده است و در آن زمان نیز دکتر یزدی با انتشار آن به دلایلی مخالف بوده‌اند. از طرفی نگارش مقاله بدون انتشار آن، در کدام یک از مجموعه قوانین ما جرم انگاشته شده است.

۹- لازم به توضیح است که برخی از عناصر ذی‌سمت در تحقیقات، مغرضانه عمل کرده‌اند، در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌کنم:

الف- در خصوص پرونده سال ۸۰ و نیز آخرین وضعیت دادنامه صادره در آن لازم به توضیح است پیرو اولین بازداشت و پس از صدور قرار مجرمیت در تاریخ ۱۳۸۸/۱۱/۲۱، پرونده به نظر دادیار اظهارنظر می‌رسد تا در خصوص قرار مجرمیت اعلام نظر نماید، نظر دادیار اظهارنظر در خصوص قرار مجرمیت بدین شرح است: «با توجه به اینکه سابقاً در خصوص نهضت آزادی رأی قطعی صادر گردیده است، لذا تصویر از رأی اخذ و به نظر برسد.»

ب- جالب آنجاست که رأی سال ۶۹ - ۷۰ دادگاه انقلاب به جای رأی پرونده سال ۸۰ - ۸۱ در پرونده قرار می‌گیرد، اما دادیار اظهارنظر با تیزهوشی خطاب به بازپرس شعبه ۴ (دادسرای سابق امنیت مستقر در محله م

انقلاب اسلامی) مقرر می‌سازد که «... حکم قطعی از شعبه ۳۶ تجدیدنظر اخذ گردد.» در این مرحله است که بازپرس دادرسی ناحیه ۲۰ به دلیل تأسیس دادرسی اوین، خطاب به ریاست دادسرا پیشنهاد می‌نماید که پرونده به دادرسی اوین ارجاع گردد. پرونده به شعبه ۶ دادرسی اوین ارجاع می‌گردد و بازپرس مو صوف ابتدا در تاریخ ۱۳۸۹/۸/۱۷ خطاب به دفتر خود مقرر می‌سازد «از شعبه ۳۶ تجدیدنظر، در خصوص قطعیت یا عدم قطعیت استعلام گردد.» البته در تاریخ ۱۳۸۹/۱۱/۱۷، مراتب طی نامه از شعبه ۳۶ تجدیدنظر استعلام می‌گردد. اما با وجود مکاتبات متعدد در پرونده، هیچ دادنامه‌ای از شعبه ۳۶ تجدیدنظر وجود ندارد و صرفاً برگه معرفی به زندان در خصوص موکل توسط اجرای احکام اوین بعد از ۱۰ سال از تاریخ قطعیت رأی صادر و رونوشتی از آن در اختیار شعبه ۶ بازپرسی قرار می‌گیرد. البته به نظر می‌رسد موضوع اجرای دادنامه پرونده سال ۸۰ - ۸۱، ترفندی در جهت نگهداری فرا قانونی موکل در صورت اعلام آزادی‌اش از سوی شعبه ۶ بازپرسی اوین بوده باشد.

۱۰- بازپرس محترم شعبه ۶ دادرسی ناحیه ۳۳، پس از دریافت گردش کار نهایی پرونده موکل در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۹، ضمن دستور به دفتر شعبه جهت ابلاغ فک و تبدیل قرار از بازداشت موقت به وثیقه یکصد میلیون تومانی به زندان و زندانی، آخرین دفاعیات موکل را اخذ نموده و اقدام به صدور قرار مجرمیت می‌نماید و پرونده را جهت اظهارنظر نزد دادیار ارسال می‌دارد، دادیار اظهارنظر نیز در تاریخ ۱۳۹۱/۲/۹، چنین اظهارنظر می‌نماید «در خصوص قرارهای مجرمیت مورخ ۸۸/۱۱/۲۱ و ۹۰/۱۱/۱۱، فی‌المجموع فعالیت تبلیغی علیه نظام، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و لا غیر.» از آنجا که نظر بازپرس بر عضویت در نهضت آزادی و نیز فعالیت تبلیغی بود، پرونده جهت حل اختلاف به دادگاه انقلاب و نزد شعبه ۲۸ آن ارسال می‌گردد که در تاریخ ۱۳۹۱/۳/۱۶ چنین اظهارنظر می‌نماید: «... دادیار اظهارنظر به لحاظ این که نامبرده (متهم) در خصوص عضویت در نهضت آزادی در گذشته محکومیت پیدا کرده، بزه انتسابی را از سوی متهم، فعالیت تبلیغی و نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی ذکر کرده، دادگاه با عنایت به مجموع محتویات پرونده و به لحاظ اینکه هیچگاه حکم صادره و مورد اشاره دادیار اظهارنظر به مرحله اجرا در نیامده و از سوی دیگر متهم به فعالیت خود در گروهک نهضت آزادی ادامه داده و همچنین فعالیت‌های تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی داشته، لذا دادگاه با نظریه دادیار اظهارنظر مخالفت دارد و با نظریه بازپرس موافقت می‌نماید.» اما بنا به مستندات موجود در پرونده و به‌ویژه برگ اعلام محکومیت قطعی موکل در صفحه ۲۶۶ پرونده در خصوص حکم پرونده سال ۸۰ - ۸۱، حکایت از اشتباه قاضی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب دارد!

۱۱- در خصوص اصرار ضابطین در خصوص نگهداری متهم در بند امنیتی و ممانعت ایشان از آزادی موکل، پس از اعلام محکومیت قطعی موکل توسط اجرای احکام، نامه‌ای نیز خطاب به بند ۲۰۹ ارسال گشت با این محتوا که «... با عنایت به صدور حکم قطعی برای نامبرده، مقتضی است با کسب نظر بازپرس محترم آن پرونده، محکوم علیه فوق در یوم جاری برای اجرای حکم به زندان اوین اعزام و تحویل و متعاقباً نتیجه به اجرای احکام منعکس گردد.»

۱۲- متأسفانه کارشناس/کارشناسان پرونده در برخی موارد برخلاف واقع اقدام به تنظیم گزارشات خود نموده‌اند که به بعضی از آنها اشاره می‌گردد: الف- صفحه ۷۱ پرونده: «... متهم در نهایت با ویرو شدن با



اطلاعات کامل بازجویان، سه گزینه را پیشنهاد نمود...» چنین صورت‌جلسه و یا برگ بازجویی در پرونده موجود نیست. ب- صص ۷۷ - ۷۸ - ۷۹، «... مشارالیه در طول بازجویی‌ها به بسیاری از نقاط منفی عمل‌کردش در حوزه تضعیف نظام اذعان نموده و با ابراز ندامت و تأسّف و همچنین اعلام آمادگی برای جبران ما فات، تعهد می‌نماید که در صورت آزادی حاضر است با مجاب نمودن سایر اعضا یا برگزاری کن‌گره‌ای از جلال گروهک نهضت آزادی را اعلام نماید...» ج - صص ۸۷ - ۸۸ «... با توجه به تردد سالانه وی و خانواده‌اش به خارج از کشور...»/ص ۸۹ «نظر به اینکه مشارالیه قصد خروج از کشور را دارد...» صفحه ۲۱۳ «... در حال حاضر تنها عنصر فعال و سازمان‌دهنده گروهک محمد توسلی می‌باشد، وی در تهیه و تأیید بیانیه ۱۴۳ امضا نقش اصلی را داشته و در طی برخوردهای صورت گرفته با ۵ نفر از عناصر گروهک به نام‌های بنی‌اسدی، ابوالفضل بازرگان، مصیب دوانی، بیوک سعیدی و غفار فرزندی، همگی از انتشار و امضای بیانیه اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند و فقط مجید جابری از اعضای شورای مرکزی گروهک طی برخورد صورت گرفته اعلام نموده است نامه مذکور قبل از انتشار توسط محمد توسلی برای وی ارسال شده است و وی پس از تأیید به یاد شده عودت داده است...» این مطالب در حالی توسط بازجو/بازجویان تنظیم گردیده است که همگی افراد مارالذکر (به استثنای بیوک سعیدی که اساساً صورت جلسه‌ای از بازجویی وی در پرونده وجود ندارد)، اذعان نموده‌اند که اختیاری و کالتی شفاهی را به مسئولین نهضت جهت درج نام ایشان در نامه‌ها و یا بیانیه‌ها داده‌اند و با متن نامه نیز موافق هستند و حتی در برخی موارد، اعلام داشته‌اند که حاضر به پرداخت تاوان آن نیز هستند!

## پیوست شماره ۲۶

بسمه تعالی

تاریخ: ۱۳۹۲/۱۰/۰۱

### قضات محترم دادگاه تجدیدنظر ۵۴، استان تهران

باسلام و احترام، پیرو توضیحات ارائه شده در جلسه دادگاه تجدیدنظر ۵۴ استان تهران مورخ ۹۲/۹/۲۷ در خصوص فقدان عنصر معنوی و مادی در اتهامات مندرج در دادنامه مورخ ۹۱/۷/۳ شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران، نظر به این که فرصت برای ارائه توضیحات لازم در مورد برخی از اتهامات مطرح شده نبود، توضیحات تکمیلی به شرح زیر تقدیم می‌شود:

۱- اتهامات مطرح شده در دادنامه که عیناً از گزارش‌های ضابطین وزارت اطلاعات نقل شده است، بدون ارائه مستندات، کذب محض، واهی و بی‌اساس می‌باشند. سؤال اصلی این است که چرا کار شناس پرونده، این‌گونه اتهامات را در مدت ۶/۵ ماهی که در بازداشتگاه ۲۰۹ نگهداری می‌شدم مطرح نکرده است و بدون پرسش و پاسخ‌های بنده، صرفاً به صورت گزارش‌های انتزاعی برای پرونده‌سازی در اختیار بازپرس محترم پرونده قرار گرفته و در دادگاه شعبه ۱۵ عیناً در دادنامه نقل شده است؟

۲- اتهامات مطرح شده در دادنامه فقط به موضوع امضای نامه ۱۴۳ امضاء به رئیس‌جمهور سابق آقای سید محمد خاتمی در سال ۹۰ که دلیل یا بهانه بازداشت بنده بوده محدود نشده و به سوابق عمل کرد نهضت آزادی ایران در سه دهه بعد از انقلاب توسعه پیدا کرده است. در حالی که در سال ۱۳۸۸ فعالیت نهضت آزادی ایران به دستور وزارت اطلاعات متوقف شده است. پاسخ این اتهامات در لایحه دفاعیه به دادگاه تجدیدنظر به تاریخ آبان ماه ۱۳۹۱ در بخش دفاعیه سیاسی اینجانب و لایحه دفاعیه تجدید نظرخواهی سیاسی پرونده سال ۱۳۸۱ پیوست آن آمده است. ذیلاً به برخی از آنها مجدداً اشاره می‌شود.

۳- در خصوص پرونده سال ۸۸ که به مناسبت انتخابات ریاست‌جمهوری، بنده در محل کارم بازداشت و پس از ۴۳ روز نگهداری در سلول‌های انفرادی با کفالت آزاد و دادیار پرونده آقای حیدری‌فر در همان سال پرونده را مختومه اعلام کرد. در سال ۸۸ نهضت آزادی ایران مطابق خط مشی گذشته خود در انتخابات ریاست‌جمهوری حضور و مشارکت داشت و از مردم هم دعوت نمود در انتخابات شرکت کنند و به یکی از دو نامزد اصلاح طلب مورد تأیید شورای نگهبان آقایان مهندس میرحسین موسوی و مهدی کروبی رأی دهند. آیا استفاده از حق قانونی و حقوق شهروندی برای انجام وظیفه دینی و اجتماعی اقدام علیه امنیت ملی و مجازات آن بازداشت و محدودیت‌های بعدی است؟

۴- در خصوص پرونده سال ۹۰ و امضای نامه ۱۴۳ امضاء به آقای سید محمد خاتمی که بنده یکی از امضاءکنندگان آن بودم موضوع نامه حمایت از مواضع آقای خاتمی برای تأمین شرایط حضور حداکثری مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی بود. انگیزه آن روز بنده برای امضای آن نامه احساس مسئولیت نسبت به روند مدیریت اجرایی کشور در دولت گذشته بود تا مجلس قوی و کارآمد بتواند از قانون و حقوق ملت پاسداری کند. امروز گزارش‌های مسئولان دولت یازدهم ابعاد فاجعه‌آمیز آن را در عرصه داخلی و بین‌المللی

به‌طور رسمی مطرح می‌کنند. آیا چنین اظهارنظری مشفقانه خلاف قانون و امنیت ملی و پیمان آن ۶/۵ ماه بازداشت فرا قانونی و صدور چنین حکم سنگینی است؟

۵- در دادنامه، اتهامی به این شرح آمده است: «در حین دستگیری محمد توسلی نامه دوم گرو هک نهضت آزادی که در راستای تخطئه وضعیت جاری نظام و انتخابات تنظیم شده بود، به‌دست آمد. این نامه را یزدی و صباغیان اصلاح و برای ویرایش نهایی و انتشار توسط پیک برای توسلی ارسال کرده بودند.»

اولاً- همان‌گونه که ضمن بازجویی‌های منعکس شده در پرونده همان موقع توضیح داده شده است، هتن مزبور، مربوط به پیش‌نویس مقاله‌ای بوده است که بنده می‌خواستم برای یکی از نشریات تهیه کنم و ارتباطی با نهضت آزادی که فعالیت آن قبلاً متوقف شده بود ندارد.

ثانیاً- این یادداشت را فقط آقای مهندس صباغیان ملاحظه و اظهارنظر کرده بودند نه آقای دکتر یزدی.

ثالثاً- آقای دکتر یزدی تهیه چنین یادداشتی را مفید ندانسته بودند زیرا مطلع شده بودند که مسئولان نظام با پیشنهاد آقای سیدمحمد خاتمی موافقت نکرده‌اند، بنابراین قبل از دریافت اظهارنظر آقای مهندس صباغیان موضوع کاملاً متقی شده بود.

رابعاً- هدف تهیه آن یادداشت، در صورت موافقت با پیشنهاد آقای خاتمی توسط مسئولان نظام، تأکید بر ضرورت حضور حداکثری مردم در انتخابات از طریق فراهم کردن حقوق مردم در انتخابات یعنی «حق الناس» است که در انتخابات اخیر مقام محترم رهبری نیز به آن تأکید داشتند. پیامد طبیعی آن یادداشت اگر ارائه می‌شد ارتقای امنیت ملی و تقویت نظام بود نه تخطئه آن.

۶- اتهام دیگر در دادنامه: «متهم ... به منظور مقابله با نظام، ضمن انجام سازماندهی و ایجاد هماهنگی بین عناصر شاخص این جریان فعالیت تبلیغی خود را با انجام مصاحبه و سخنرانی‌های تند و موضع‌گیری علیه اصول و موازین انقلاب و نظام به انجام می‌رساند.»

این ادعا نیز کذب محض و بخشی از پرونده‌سازی است. مستندات این مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های تند و اتهامات مطرح شده چیست؟ چرا این‌گونه مستندات را در بازجویی‌ها مطرح نکرده‌اند و حتی در پرونده نیاورده‌اند؟

۷- اتهام دیگر در دادنامه تصویب براندازی نظام در جلسه دفتر سیاسی نهضت آزادی است «در جلسه دفتر سیاسی نهضت آزادی مورخ ۸۷/۳/۲۰ ابتدا محمد توسلی (رئیس دفتر سیاسی) در خصوص استراتژی نهضت در انتخابات آینده ریاست جمهوری اعلام می‌نماید: ما باید برای انتخابات آینده ریاست جمهوری استراتژی مشخص کنیم یا به‌سوی براندازی برویم» ... (ادامه مطلب حذف شده است) یا چون به براندازی باور نداریم و التزام به قانون اساسی داریم بایستی در انتخابات شرکت کنیم. این روش نقل مطلب از سان را به یاد آن کسی می‌اندازد که می‌گفت: مگر نمی‌دانی که خداوند در قرآن تصریح کرده است که نماز نخوانید!! «ولا تقرب الصلاة» و ادامه آن یعنی «و اتمم سکاری» را فراموش می‌کرد!!

تنظیم‌کنندگان گزارش‌های پرونده که ظاهراً عیناً مبنای تدوین دادنامه صادره از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب بوده است، در آستانه انتخابات ریاست جمهوری یازدهم روز ۲۸ اسفند سال ۹۱ اینجانب و چند نفر دیگر از اعضای نهضت آزادی ایران را به وزارت اطلاعات احضار کردند، که گزارش آن در ارتباط با این اتهام

خالی از لطف نیست. در آن جلسه ضمن طرح مطالب و تهدیدهای مختلف به عنوان دستور وزارت تصریح کردند: «در انتخابات ریاست جمهوری پیش رو حق هیچ‌گونه اظهارنظری را ندارید!!» در مرحله بعد در تاریخ ۲۲ خرداد سال ۹۲ یعنی دو روز قبل از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آقای مهدوی کار شناس محترم وزارت اطلاعات تلفنی به اینجانب و چند تن دیگر از اعضای نهضت با لحن تهدیدآمیز پیغام گذاشت: «آقای مهندس من تماس گرفتم به شما تذکر بدهم که در انتخابات له یا علیه هیچ کاندیدایی وارد عمل نشوید؛ در این صورت با شما برخورد خواهد شد.» آیا نقض قانون و حقوق شهروندی از این آشکارتر امکان‌پذیر است؟

ما دستورات کار شناس محترم وزارت اطلاعات را رعایت کردیم و در جریان انتخابات هیچ‌گونه اظهارنظری نکردیم. اما روز انتخابات در صف طولانی صندوق حسینیه ارشاد (نزدیک منزل) با جمعی از دوستان از جمله آقای دکتر ابراهیم یزدی حضور پیدا کردیم و به وظیفه دینی و ملی خود عمل کردیم. گزارش‌های خبری و تصویری از حضور ما در صف رأی‌دهندگان انتخابات و پوشش خبری داخلی و خارجی آن برای جلب حضور بیشتر مردم در انتخابات تأثیر خود را بر جای گذارد و اکثریت قاطع مردم با حضور حدود ۷۵ درصد واجدین شرایط پیام و مطالبات خود را که در برنامه‌های رئیس‌جمهور منتخب انعکاس داشت، اعلام داشتند.

اینک باید پرسید چه کسانی علیه امنیت ملی و نقض حقوق شهروندی اقدام کرده و می‌کنند و باید مطابق قانون رسیدگی و مجازات شوند؟

۸- در دادنامه براساس گزارش‌های ضابطین وزارت اطلاعات آمده است: «محمد توسلی در چارچوب این استراتژی (مخدوش نمودن ساختار و دکتین قضایی-امنیتی) دیکته شده به ضد انقلاب با تشکیل شاخه جوانان در یکی از پارک‌های تهران ادامه داده است.» این گزارش نیز کذب محض، واهی و بی‌ربط است. اولاً- در حالی که بنده هیچ‌گونه اطلاعی از برنامه افطار چند خانواده زندانی در پارک نداشته‌ام و بعداً مطلع شدم، چه ارتباطی با بنده دارد؟

ثانیاً- افطار چند خانواده زندانی با فرزندان خردسال خودشان در فضای یک پارک عمومی که عموماً غیر سیاسی هستند چه ارتباطی با شاخه جوانان نهضت آزادی که عموماً زندانی بودند دارد؟! ثالثاً- حضور چند خانواده یا فرزندان خردسالشان در پارک عمومی چه ارتباطی با ساختار و دکتین قضایی-امنیتی دیکته شده به ضد انقلاب دارد!!!

۹- در خصوص سایت میزان نیوز [گفتنی است] این سایت همراه با سایت نهضت آزادی ایران در آذر سال ۱۳۸۸ به دستور وزارت اطلاعات و تصویب دفتر سیاسی نهضت آزادی متوقف شد. در مورد سایت میزان خبر که ظاهراً در خارج از کشور اداره می‌شود بنده هیچ‌گونه ارتباط و مسئولیتی ندارم.

۱۰- در صفحات ۲۲۰ تا ۲۲۲ پرونده طی گردش کار مورخ ۹۰/۸/۱۳ آمده است: «هتهم پس از تعطیلی گروهک در سال ۸۸ و استعفای دبیرکل نهضت آزادی عملاً تمامی فعالیت‌های گروهک را به صورت زیرزمینی رهبری کرده و جلسات به صورت مخفی اداره می‌کند و در همین راستا انتقال بخشی از فعالیت‌های گروه به خارج از کشور و مشارکت و راه‌اندازی تلویزیون رسا (تلویزیون فتنه) گوشه‌ای از جرایم نامبرده می‌باشد.»

این گزارش نیز کاملاً کذب، بی‌اساس و خلاف واقع است. اولاً در خصوص استعفای دبیر کل نهضت آزادی آقای دکتر ابراهیم یزدی چون ایشان منصوب شورای مرکزی هستند و تاکنون جلسه شورا برگزار نشده است، کماکان ایشان این سمت را دارند. ثانیاً نهضت آزادی ایران هیچ‌گاه به فعالیت مخفی و زیرزمینی باور نداشته و همواره در شرایط مساعد فعالیت قانونی، علنی و مسالمت‌آمیز داشته است. پس از آذر سال ۸۸ نهضت آزادی هیچ‌گونه فعالیت تشکیلاتی و انتشار بیانیه نداشته است. ثالثاً فعالیت خود جوش علاقه‌مندان و اعضای نهضت آزادی در خارج از کشور به عهده خودشان می‌باشد و بنده مسئولیتی در قبال فعالیت آن‌ها ندارم. رابعاً بنده هیچ‌گونه ارتباطی با راه‌اندازی تلویزیون رسا نداشته‌ام.

۱۱- از جمله مستندات تشویش اذهان مطلب سخنرانی اینجانب مربوط به «مقایسه خلق و خوی مردم ایران قبل و بعد از انقلاب» است که در جلسات بازاندیشی رفتار و خلق و خوی ایرانیان، ارائه شده است که توسط بنیاد فرهنگی مهدی بازرگان در حسینیه ارشاد برگزار می‌شد. در این سخنرانی با توجه به تجربه دوران مدیریت انقلاب در دو سال قبل از انقلاب و مدیریت شهر تهران در دو سال بعد از انقلاب نشان داده شده است که رفتار و خلق و خوی مردم در اثر انقلاب اسلامی در سال ۵۷ متحول شده است و شهروندان رفتار انسانی متعادل پیدا کرده‌اند. آیا دفاع از دستاوردهای انقلاب و تبیین علمی آن را تشویش اذهان عمومی باید تلقی کرد و آن را مشمول مجازات قانونی مطرح کرد؟!

۱۲- در خصوص قانونی بودن فعالیت نهضت آزادی ایران که در سال ۱۳۴۰ تأسیس شده است، در سال‌های بعد از انقلاب به استناد اصل ۲۶ قانون اساسی و ماده ۶ قانون احزاب که در آن‌ها فعالیت احزاب علی‌الاطلاق آزاد تصریح شده است و بر پایه بیانیه ۸ ماده‌ای امام در سال ۶۱ به فعالیت خود ادامه داده است. در سال ۱۳۸۱ نیز کمیسیون ماده ۱۰ احزاب وزارت کشور در پاسخ به وکیل پرونده نهضت آزادی اعلام داشت که نهضت آزادی ایران حزبی است قانونی ولی بدون پروانه و در هیچ دادگاه صالحی حکمی مبنی بر غیر قانونی بودن آن صادر نشده است. برای توضیحات تفصیلی به لایحه دفاعیه تجدید نظر خواهی سال ۱۳۸۱ دفاعیه حقوقی (مبحث دوم- قانونی بودن نهضت آزادی) و در بخش دفاعیه سیاسی صفحات ۳۸- ۴۱ مراجعه شود.

۱۳- در خصوص نامه منتسب به امام خطاب به وزیر کشور وقت که در سال ۱۳۳۸ منتشر شده است برای رعایت اختصار از توضیح مکرر خودداری می‌شود. برای توضیحات به دفاعیه سیاسی سال ۹۱ صفحه ۲ بند ۱ و لایحه دفاعیه تجدید نظر خواهی سال ۱۳۸۱ (دفاعیه سیاسی صفحه ۳۲ - ۳۴) مراجعه شود.

۱۴- در خصوص سایر اتهامات مطرح شده در دادنامه به لایحه دفاعیه سیاسی بنده مورخ آبان ۹۱ و همچنین لایحه دفاعیه تجدید نظر خواهی سال ۸۱ (دفاعیه حقوقی و دفاعیه سیاسی که به تفصیل آمده است) می‌توان مراجعه کرد. در پایان بار دیگر آیه شریفه‌ای را که در ابتدای سخنان خود در دادگاه تجدید نظر تلاوت کردم تکرار می‌کنم: **أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ (حدید - ۱۶)**<sup>۱</sup>

و العاقبة للمتقين

با احترام - محمد توسلی

۱. ترجمه: آیا هنگام آن فرا نرسیده است که دل‌های مؤمنان به یاد خدا و کلام حقی که نازل شده فروتن شود.



تصاویر







دیدار نوروزی نهضت آزادی  
سال ۱۳۸۲



دیدار نوروزی نهضت آزادی  
سال ۱۳۸۲



دیدار نوروزی نهضت آزادی  
سال ۱۳۸۶



دیدار نوروزی نهضت آزادی  
سال ۱۳۸۸



دیدار نوروزی نهضت آزادی منزل احمد صدر حاج سیدجوادی  
سال ۱۳۸۷





مراسم سالگرد درگذشت مهندس بازرگان  
قم - بهمن ۱۳۸۷



دکتر یزدی، دکتر بنی‌اسدی، خانم علی‌زاده نائینی (غروی)، خانم صفا بی‌طرف و دکتر علی‌اصغر غروی بر مزار مهندس بازرگان (قم)



دیدار نوروزی نهضت آزادی  
سال ۱۳۸۸





حضور در تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری  
خرداد ۱۳۸۸



سخنرانی در برنامه تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری  
مشهد - خرداد ۱۳۸۸



دیدار با محمد نوری‌زاد پس از آزادی از زندان  
تیر ۱۳۸۸



دیدار با دوستان پس از آزادی از زندان  
مرداد ۱۳۸۸



دیدار دوستان نهضت آزادی با بهزاد نبوی پس از آزادی از زندان  
آذر ۱۳۸۸





مراسم تولد محمد توسلی در دوران زندان با حضور دوستان در منزل  
اردیبهشت ۱۳۹۱



مراسم تولد محمد توسلی در دوران زندان با حضور دوستان در منزل  
اردیبهشت ۱۳۹۱



دیدار خانواده از خانم غیرت برای تقدیر از خدمات حقوقی ایشان  
آذر ۱۳۹۱





دیدار آقای خاتمی با خانواده پس از آزادی فرید طاهری  
فروردین ۱۳۹۲



دیدار آقای خاتمی با خانواده پس از آزادی فرید طاهری  
فروردین ۱۳۹۲

## نمایه اشخاص

- آ
- آشنا، حسام‌الدین ۲۶۷
- آقاسید ← معلم‌زاده
- آملی لاریجانی، صادق ۳۴۶
- الف
- ابوترابی، سید علی‌اکبر ۶۴
- ابوترابی، سیدعباس ۶۴
- ابوترابی‌فرد، سید محمدحسن ۱۴۶، ۳۰۲
- اتفاق، ۳۰۳
- احمد حسین (زندانی) ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱
- احمدزاده، طاهر ۵۳، ۶۱، ۱۲۲، ۲۹۱
- احمدی‌روشن، مصطفی ۳۰۶
- احمدی‌نژاد، محمود ۸، ۹، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۵، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۹، ۲۰۵، ۲۱۴، ۲۲۱، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۷
- ۲۶۵
- ارتضاء، سیدمحمد ۱۲۲
- اردشیر لاریجانی، علی ۱۶۰، ۱۶۵
- اردلان، علی ۱۶۳
- استمپل، جان دی (کاردار سفارت آمریکا) ۱۱۹، ۱۰۴
- اسدالله خان والی، اکبر ۲۶۹
- اشفاق، مرتضی ۴۹، ۱۲۲
- اصغری، سیدمحمد ۴۹
- افراشته، ۳۰۴
- افشار، علی‌رضا ۱۹۷
- افشاری، علی ۸۲
- اکرمی، علی ۳۳۸، ۳۴۷
- الویری، مرتضی ۲۲۸
- امام ← خمینی، روح‌الله
- امام حسین (ع) ۳۱، ۳۸، ۴۶، ۵۴، ۷۴، ۸۷
- امامی کاشانی، محمد ۱۸۵
- امامی، سعید ۶۰
- امیرانتظام، عباس ۳۲۶
- انصاری‌راد، حسین ۱۶۹
- انور ابراهیم ۸، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶
- ایرانی، نادر ۱۹۵
- ایرانی‌اصل، علی ۳۰۷
- ایزدمنش، سام ۳۱۰، ۳۱۳
- ب
- بابایی، حسن (قا ضی داد گاه) ۴۴، ۵۰، ۶۵، ۷۲، ۷۸، ۸۱، ۹۳، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۱۱۴، ۱۱۵، ۳۴۹، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۷۰
- بازرگان، ابوالفضل ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۰۱، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۶۹، ۲۶۸، ۲۸۶، ۲۹۸، ۳۳۸، ۳۴۷، ۳۵۹
- ۳۶۳
- بازرگان، عبدالعلی ۳۸

پیامبر اکرم(ص) ۳۰۵، ۳۲۵	بازر گان، م مهدی ۴۱، ۶۰، ۸۱، ۸۳، ۹۸
پیرعباسی (قاضی) ۲۷۶	۹۹، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷
پیمان، حبیب‌الله ۵۷، ۱۶۹	۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۲۶، ۱۳۳، ۱۵۲
ت	۱۶۳، ۲۷۳، ۳۰۵، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۴، ۳۲۶
تاج‌زاده، مصطفی ۱۵، ۱۶۲، ۱۶۹، ۱۷۰	۳۲۷، ۳۳۴، ۳۴۴
تاجیک، عبدالرضا ۲۵۲	باقی، عمادالدین ۹۱، ۲۷۴
تراب (نگهبان) ۹۴	باهنر، محمدرضا ۱۴۶
توسلی محلاتی، محمدرضا ۱۹۶	بدیعی، مجتبی ۱۶۹
توسلی، احسان ۲۷۰، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۷	بیراوان، گوردون [نخست‌وزیر پیم شین بریتانیا] ۲۳۹
توسلی، احمد ۲۹۲	بروجردی، سیدحسین ۱۹۷
توسلی، زهرا (لیلا) ۸، ۲۱۳، ۲۶۴، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۹۱، ۲۹۶	برون، حسن ۳۰۸
۳۱۳، ۳۳۷	بسته‌نگار، محمد ۱۴، ۳۶، ۷۷، ۱۲۲، ۱۶۹
توسلی، سارا (اله‌مام) ۶۴، ۶۵، ۹۳، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۸۳، ۲۸۴	بنی‌اسدی، محمدحسین ۱۲۲، ۲۸۶، ۲۹۸
۲۹۰، ۲۹۶، ۳۳۷	۳۶۳، ۳۵۹
توسلی، عبدالله ۳۱۴	بنی‌صدر، ابوالحسن ۱۰۵
توسلی، غلام‌عباس ۱۱۲، ۱۳۴، ۱۶۹، ۱۹۳	بورقانی فراهانی، احمد ۱۹۶
توسلی، مجید ۲۹۷	بهادر، عماد ۱۹۲، ۲۳۵، ۲۷۴
توسلی، محمد ۹، ۲۸، ۱۰۶، ۱۱۴، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۴۶، ۱۶۴، ۱۶۹، ۱۷۲، ۱۸۰، ۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۱۵، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۵۲، ۲۸۴، ۲۸۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۱۶، ۳۱۹، ۳۲۵، ۳۴۹، ۳۶۱	بهبهانی، فرهاد ۹۹
۳۶۴، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۷۰	بهرامیان، بهرام ۱۰۴
توکلیان، ۲۶۹	بهشتی، سیدمحمد ۱۰۴
ث	بهنود، مسعود ۱۴
	بی‌طرف، صفا ۹۴
	پ
	پدرام، مسعود ۱۲۲
	پورعرب، (قاضی داد‌گناه تجدیدنظر)
	۳۴۹، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۷۰

- ثابتی، پرویز ۳۲۷  
ثروتی، موسی‌الرضا ۳۱۴، ۳۵۲  
ژمره‌ها شمی، [سیدمجتبی] ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۳
- ج**  
جابری، مجید ۳۵۹، ۳۶۴  
جعفری دولت‌آبادی، عباس (دادستان تهران) ۲۸۴، ۳۱۳  
جعفری لنگرودی، محمدجعفر ۱۱۰  
جلایی‌پور، حمیدرضا ۲۷۲  
جلایی‌پور، محمدرضا ۲۷۲  
جلیلی، سعید ۳۴۸  
جوادی، (را بظ اطلاعات) ۲۶۴، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۵
- چ**  
چهران، مصطفی ۶۴، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۸، ۲۷۳
- ح**  
حاجی، مرتضی ۱۷۸  
حائری، مرتضی ۱۹۷  
حجتی، رضا ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۱۲  
حدادعادل، غلام‌علی ۱۴۶  
حسینی، (رئیس شعبه ۲۱) ۵۰، ۷۲  
حضرت ابراهیم(ع) ۳۰۴  
حضرت علی(ع) ۳۰۵  
حضرت فاطمه(س) ۳۱۲  
حضرت لقمان(ع) ۲۸۸
- حق‌شناس، سیدتراب ۶۹  
حکیمی، فخرالدین ۳۴۸  
حکیمی، مجید ۲۶۸  
حیدری‌فر، علی‌اکبر ۲۴۱، ۳۲۴، ۳۴۰، ۳۵۰، ۳۵۳
- خ**  
خاتمی، سیدمحمد ۷، ۸، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۲، ۷۱، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۴، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۶، ۱۹۴، ۱۹۶، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۴۱، ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۸۱، ۲۸۵، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۵۰، ۳۵۴، ۳۵۹، ۳۶۵، ۳۶۶  
خاتمی، محمدرضا ۱۶۱، ۱۶۲  
خام‌نه‌ای، سیدعلی ۶۰، ۹۹، ۱۲۳، ۱۶۰  
۱۶۱، ۲۰۰، ۲۳۹، ۲۸۸، ۲۹۹  
خانابا تهران، مهدی ۷۸  
خدابخ شنی، (نماینده دادستان) ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۳، ۳۵۵  
خرازی، سید محمدصادق ۲۶۸  
خرازی، سیدمحسن ۱۸۵  
خرم، سیدامیر ۱۲۲، ۳۳۸  
خلیفه، رشاد ۳۰۳، ۳۰۵  
خمینی، احمد ۶۰، ۸۹، ۳۳۶  
خمینی، روح‌الله ۶۰، ۸۹، ۹۹، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۵۱، ۱۹۷، ۳۷۰  
خندان، مجتبی ۳۱۴، ۳۴۸

س	د
ساجدی، حسن ۳۰۲، ۳۰۳	دادخواه، (عضو مذاکرات هسته‌ای) ۳۰۱
ساجدی‌فر، مهدی ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۳	دانشجو، کامران ۲۶۶
سارکوزی، نیکلا ۲۳۹	دادخواه، سید محمدعلی (وکیل) ۸۱، ۹۶،
سحابی، سعید ۱۰۴	۹۷، ۱۱۵، ۲۹۰، ۳۱۹
سحابی، عزت‌الله ۱۷، ۱۸، ۳۶، ۸۱، ۸۲	داودی مهاجر، فریبا ۱۳۴
۹۹، ۱۲۵، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۹، ۲۲۹	درویش ملا، محمدحسین ۷۰، ۷۱، ۲۶۹
سحابی، فریدون ۱۰۴	دعایی، سید محمود ۲۶۸
سحابی، هاله ۱۲۵	دوانی، م صیب ۱۲۲، ۲۸۶، ۲۹۸، ۳۵۹،
سحابی، یدالله ۱۹، ۲۰، ۹۸، ۹۹، ۱۰۴	۳۶۳
۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۳۳	ر
۲۵۳، ۳۲۱، ۳۲۴، ۳۲۶، ۳۳۴	رجایی، علی‌رضا ۱۲۲، ۲۲۹
سخرخیز، عیسی ۲۷۲	رجایی، محمدعلی ۱۷۱، ۲۳۵، ۲۳۶
سرجمعی، علی‌اکبر ۱۲۲	رحمانی، تقی ۵۵، ۷۲، ۱۲۲، ۱۲۵
سعیدی، (همکار شعبه ۲۱) ۷۹	رحیم‌پور ازغدی، حسن ۳۲۵، ۳۲۶
سعیدی، بیوک ۳۶۴	رسولی‌پور، مرتضی ۹
سلطانی طباطبایی، سید محمدباقر ۱۹۷	رشیدی، طه ۳۰۶، ۳۰۷
سنجایی، کریم ۱۰۵	رضایی، احد (میرمحمد) ۱۲۲
سیدحسین (بازجو) ۷۳	رضایی، محسن ۱۶۰، ۳۴۸
سیک، گری ۱۰۲	رفیعی، حسین ۱۲۲
ش	روح، محمدجواد ۱۴۶، ۱۷۲، ۱۹۱
شاه‌چراغی، علی ۹۲	روحانی، حسن ۳۰۱، ۳۴۷، ۳۴۸
شاه‌رودی، سید محمود ۳۵۶	رئیس‌طوسی، [رضا] ۱۲۲
شبیری‌نژاد، آمنه ۲۹۲	ز
شریعتمداری، حسین ۴۹، ۵۰	زهره‌ساز، جمال ۱۲۲
شریعتی، علی ۶۰، ۹۸، ۳۲۷	زمانی، محمدابراهیم ۷۰، ۱۲۲
شریعتی، محمدتقی ۹۸	زیدآبادی، احمد ۱۴، ۱۵، ۲۲۸

- شمس‌الواعظین، ماشاءالله ۱۲۲  
 شمس‌الواعظین، ماشاءالله ۱۲۲  
 شیخ علی (نگهبان) ۵۹، ۶۰  
 ص  
 صابر، هدی ۳۶، ۷۲، ۱۲۲  
 صادقی، ۲۶۶  
 صانعی، یوسف ۲۵۳  
 صباغیان، ها شم ۴۰، ۵۳، ۵۹، ۷۱، ۷۲،  
 ۷۹، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۱۰۱، ۱۱۶، ۱۲۲، ۱۲۴،  
 ۲۷۵، ۲۸۴، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۳، ۳۲۰، ۳۲۲،  
 ۳۳۸، ۳۴۸، ۳۵۱، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۶  
 صدام، حسین [صدام ح سین عبدالمجید  
 تکریتی] ۸۸  
 صدر حاج سیدجوادی، احمد ۳۱، ۹۴  
 صدر، سیدموسی ۲۷۳  
 صدیقی، علی اکبر ۶۴  
 صلواتی، ابوالقاسم (قاضی) ۲۹۱، ۳۱۹،  
 ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۳۳، ۳۴۶  
 ط  
 طالقانی، سیدمحمود ۹۸، ۹۹، ۱۰۱، ۱۱۴،  
 ۱۲۶، ۱۳۳، ۲۵۳، ۳۲۱، ۳۲۴، ۳۳۴  
 طاهری، اکبر ۲۹۳  
 طاهری، امین ۲۷۳، ۲۹۳  
 طاهری، ثمین ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۹۳  
 طاهری، محمدفرید ۴۴، ۶۵، ۹۳، ۲۷۳،  
 ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۹۰، ۲۹۳، ۲۹۴، ۳۰۷  
 ۳۳۷  
 طباطبایی، سیدصادق ۲۶۸، ۳۲۶  
 طلوعه، سرور ۲۱۳  
 ع  
 عارف، محمدرضا ۳۴۷  
 عثمان ۳۰۵  
 عظیمی، سینا ۳۰۱  
 علم‌الهدی، احمد ۳۱۰  
 علوی، سیدحامد ۱۲۲  
 علی‌اکبر (زندانی) ۳۰۸  
 علی‌جانی، رضا ۱۲۲  
 علی‌زاده، (رئیس دادگستری) ۹۴  
 عمر ۳۰۵  
 عمرانی، محمود ۱۲۲  
 غ  
 غرضی، محمد ۳۴۸  
 غروی، سید علی اصغر ۴۹، ۵۸، ۶۹، ۷۱،  
 ۱۲۲  
 غفاری، فرامرز ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۶  
 غ‌یرت، فریده ۲۴۱، ۳۱۹، ۳۲۴، ۳۴۵،  
 ۳۴۶، ۳۴۹، ۳۵۰  
 ف  
 فتحعلی بیگی، باقر ۳۰۹  
 فدایی، حسین ۱۷۸، ۱۸۳  
 فرج‌زاده، شهرام ۲۷۶  
 فرزندی، غفار ۱۲۲، ۲۸۶، ۲۹۸، ۳۵۹، ۳۶۴  
 فروهر، داریوش ۱۰۵  
 فرید یحیایی، علی ۱۲۲  
 فریداعلم، حسن ۱۱۲

محصولی، صادق ۲۶۶	ق
محققی، محسن ۷۷، ۱۲۲	قابل، هادی ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۹۲
محمد، ماهاتیر ۲۱۴	قالیباف، محمدباقر ۱۳۹، ۱۶۰، ۱۶۵، ۳۴۸
محمدی اردھالی، حاج آقا محمد ۱۲۲	قمی، محسن ۱۸۵
محمدی، حسین ۱۹۹	قوچانی، محمد ۱۴
محمدی، نرگس ۱۲۵	قہاری، نظام الدین ۱۶۹
محمدی کشکولی، علی ۳۰۹، ۳۱۰	ک
محمود (زندانی) ۳۱۰	کاظمی، امیرحسین ۳۴۸
مدرس، سیدحسن ۲۵۷	کاظمیان، مرتضی ۱۲۲
مدنی، سعید ۱۲۲، ۳۶۱	کامل ایوب، مصطفی ۲۱۵
مرادی (زندانی) ۳۰۲، ۳۰۳	کرو بی، م ہدی ۱۶۰، ۱۶۵، ۱۶۶، ۲۳۲،
مرتضوی، سعید ۳۳۶	۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۸، ۲۵۲،
مرکل، آنجلا ۲۳۹	۲۵۳، ۳۳۶، ۳۶۵
مروی، ۱۲۳	کشتگر، ۱۰۰
مسکین، مصطفی ۴۹، ۱۲۲	کلینتون، بیل ۲۷
مسموعی، غلامرضا ۵۳، ۱۲۲	کولایی، الہہ ۱۶۲، ۱۶۹
مشکینی، علی ۱۸۵	کیوان (سرایدار) ۲۶۳
مصباح یزدی، محمدتقی ۱۵۴	گ
مصدق، محمد ۱۵، ۹۹، ۲۵۷، ۳۲۷	گنجی، اکبر ۱۲۲
مصلحی، حیدر ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶	م
معتمدی مہر، مہدی ۲۹۷	مانیان، محمود ۲۵۳
معلمزادہ، آقاسید ۶۸، ۶۹	مبشری، علی (رئیس دادگاہ از قلاب) ۶۵،
معماریان، امید ۱۹۳	۷۱، ۷۲
معین، مصطفی ۸، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳،	محبیان، امیر ۳۲،
۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۹، ۱۷۰،	محتشمی پور، علی اکبر ۳۳۶
ملکی، محمد ۱۲۲	محدث، ۲۸۴
منتظری، حسین علی ۲۵۳	



- منصوریان، خسرو ۷۱، ۷۲، ۷۷، ۹۲، ۹۴، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۲، ۳۲۰
- موجده، نظاما لمدین ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۱۵، ۳۴۹، ۳۵۳، ۳۷۰
- موسوی تبریزی، سیدحسین ۳۳۵
- موسوی لاری، سید عبدالواحد ۱۶۶
- موسوی، میرحسین ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴
- ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲
- ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۶۰، ۲۷۶، ۳۳۶
- ۳۶۵
- مهروی، (را بط اطلاعات) ۲۶۴، ۲۷۰
- ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۹۳، ۲۹۴
- ۲۹۹، ۳۴۷
- مهراعلی زاده، محسن ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۵
- میرزازاده، ایمان ۲۹۱، ۳۱۹، ۳۴۵، ۳۴۶
- ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۲، ۳۷۰
- مینا خانم ← یزدی، عصمت
- میناچی، ناصر ۲۶۹
- ن
- ناصری، امیر ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۹۱، ۲۹۸
- ناطق نوری، علی اکبر ۲۲
- ناعم، نیما ۹
- نبوی، بهزاد ۱۷۰، ۱۷۱
- نجف آبادی، شهاب الدین ۲۶۴
- نجفی، محمدعلی ۲۲۸
- نژادحسینیان، محمدهادی ۲۶۸
- نعیم پور، محمود ۶۱، ۷۱، ۷۲، ۹۴، ۱۱۶، ۱۲۲
- نوری، عبدالله ۲۲۸
- نوریانی، (نماینده دادستان) ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۶، ۳۲۵
- نویدی، (نماینده قضایی) ۳۴۹، ۳۵۰
- ۳۵۲
- و
- والی، علی (اسدالله خان والی) ۲۶۳
- وان اسماعیل، وان عزیز ۲۱۵
- ولایتی، علی اکبر ۳۴۸
- ه
- هادی زاده یزدی، هادی ۷۰، ۷۱، ۱۲۲
- هاشمی رفسنجانی، اکبر ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۵
- ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۲۳۸، ۳۵۱
- هاشمی شاهرودی، سید محمود ۱۲۳
- هانینگتون، ساموئل ۱۰۲، ۱۰۳
- هزاوه‌ای، سید غلامرضا ۲۳۲
- هوشی سادات، حاج آقا میر ۲۹۷
- ی
- الیاس (زندانی) ۳۰۸
- یزدی، ابراهیم ۸، ۳۸، ۷۸، ۸۱، ۸۳، ۱۰۰
- ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۲۴، ۱۳۴، ۱۶۰
- ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۹، ۱۷۱، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵
- ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۴۰، ۲۵۴، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸
- ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۷۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹

٢٩٠، ٢٩٧، ٢٩٨، ٣٢٢، ٣٢٦، ٣٣٨، ٣٣٩،

٣٤١، ٣٦٠، ٣٦١، ٣٦٦، ٣٦٨، ٣٦٩

یزدی، اسماعیل ٢٧٥

یزدی، عصمت (مینا) ٢١٣، ٢٧٠، ٢٧٣

یکتا، حبیب ٢٦٩

یوسفی اشکوری، حسن ١٤، ٣٦، ١٢٢

یونسی، علی ٢٨٦، ٣٢٧، ٣٣٩